

# دانشنامه جرم‌شناسی

انگلیسی-فرانسه-فارسی

حمید ہاشم بیگی

علی حسین نجفی ابرندآبادی



سرشناسه: نجفی ابرنآبادی، علی حسین ۱۳۳۱  
عنوان و نام پدید آورنده: دانشنامه جرم‌شناسی، انگلیسی، فرانسه، فارسی  
علی حسین نجفی ابرنآبادی، حمید هاشم بیکی  
متنخصصات نشر: نشر گنج دانش ۱۳۹۳  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۴-۰۶-۸

وضیعت فهرست نویسی: فبیا

یادداشت: Ali hossein najafi A -H.Hushembeyki

Lexicon of criminology(english-french-persian)

موضوع: جرم‌شناسی -- اصطلاح‌ها و تغییرها

موضوع: جرم‌شناسی -- واژه نامه‌ها -- چند زبان

شناسه افزوده: هاشم بیکی - حمید

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰/۳۵۲/۷۰۶۱۷ HV

رده بندی دیویی: ۳۶۴/۰۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۸۶۶۷۹



انتشارات گنج دانش

تهران: خیابان باب همایون، شماره ۳۶، تلفن ۳۳۱۱۰۵۷۵  
خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، شماره ۳۱۴ تلفن ۶۶۴۹۲۱۹۶

دانشنامه جرم‌شناسی

علی حسین نجفی ابرنآبادی - حمید هاشم بیکی

چاپ سوم - ۱۳۹۳ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

حروف چینی واحد رایانه گنج دانش

لینوگرافی تریج رایانه - چاپ رحمتا - صحافی کیسا

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۴-۰۶-۸ ISBN 978-600-6244-06-3

حق طبع محفوظ

قیمت: ۱۴/۰۰۰ تومان

## فهرست

جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم . . . . . (درآمد ویراست دوم - سوم)	۱۳
از جرم‌شناسی تا دانشنامهٔ جرم‌شناسی . . . . . (درآمد ویراست نخست)	۲۰
Abnormal behaviour . . . . . رفتار ناپسندگار . . . . .	۲۲
Acting out . . . . . کنار زدن دیشه به عمل . . . . .	۳۶
Acute offenders . . . . . مجرمین حاد . . . . .	۳۸
Adler (Alfred) . . . . . آدلر (آلفرد) . . . . .	۳۹
Administration of criminal justice . . . . . اجرا (احمال) و مدیریت عدالت کیفری . . . . .	۴۰
Affective indifference . . . . . بی‌تفاوتی عاطفی . . . . .	۴۱
Age . . . . . سن . . . . .	۴۲
Aggressiveness . . . . . سبزه‌جویی و پرخاشگری . . . . .	۴۴
Alcoholism . . . . . الکلیسم (اعتیاد به الکل) . . . . .	۴۶
Alienation . . . . . از خود بیگانگی (ایزاسیون) . . . . .	۴۸
Alternative punishment . . . . . کیفرهای جایگزین . . . . .	۴۹
Anomie . . . . . بی‌هنجاری . . . . .	۴۹
Area studies . . . . . مطالعات محله‌های ناحیه‌ای . . . . .	۵۰
Arson . . . . . ایجاد حریق . . . . .	۵۲
Assassination . . . . . قتل (قتل سیاسی، ترور) . . . . .	۵۲
Attendance centres . . . . . مراکز اصلاح و تربیت (نیمه‌وقت) . . . . .	۵۳
Aversive therapy . . . . . درمان اجتنابی، درمان با ایجاد بی‌واری . . . . .	۵۴
Beccaria (Cesare Bonesana di) . . . . . بکاربا (چزاره بوتسانادی) . . . . .	۵۵
Behaviour modification . . . . . اصلاح رفتار . . . . .	۵۶
Bentham (Jeremy) . . . . . بنتام (جرمی) . . . . .	۵۶
Bifurcation . . . . . دوگانه کردن . . . . .	۵۷

Blackmail	..... اخاذی	۵۸
Borstal	..... بورستال (کانون اصلاح و تربیت)	۵۹
Care order	..... قرار مراقبت	۵۹
Causality	..... علیت	۶۰
Character	..... منش	۶۰
Chicago School	..... مکتب شیکاگو	۶۲
Child molestation	..... آزار جنسی کودکان	۶۳
Chronic offenders	..... مجرمین مزمن	۶۴
Clinical criminology	..... جرم‌شناسی بالینی	۶۶
Cohorts	..... همگروهان	۶۷
Community homes	..... کانونهای (خانه‌های) اجتماعی - گروهی	۶۸
Community policing	..... پیس محلی (حفظ نظم محلی)	۶۹
Comparative criminology	..... جرم‌شناسی تطبیقی	۷۲
Conditionability	..... قابلیت شرطی شدن	۷۲
Conflict of cultures	..... تعارض فرهنگها	۷۳
Constitutional factors	..... عوامل سرشتی	۷۳
Contagion	..... سرایت	۷۵
Control groups	..... گروه‌های کنترول (شاهد)	۷۶
Control theory	..... نظریه کنترول	۷۶
Control units	..... واحدهای کنترول	۷۸
Convict prison	..... زندان مرکزی	۷۸
Crime/Offence	..... جرم	۷۹
Crime rate	..... نرخ جرم	۸۴
Crime wave	..... موج جرم	۸۴
Criminal	..... مجرم	۸۵
Criminal biology	..... زیست‌شناسی جنایی	۸۷
Criminal career	..... حرفه مجرمانه	۸۸
Criminalisation, Decriminalisation	..... جرم‌انگاری، جرم‌زدایی	۹۰
Criminalistics	..... جرم‌پویی	۹۱
Criminality of masses	..... بزهکاری نوده‌های انسانی (نوده‌ای)	۹۱



فهرست / ۷

Criminal laws	قوانین کیفری	۹۴
Criminal personality	شخصیت جنایی	۹۵
Criminal policy	سیاست جنایی	۹۸
Criminal prophylaxis	پیشگیری جنایی	۹۹
Criminal psychiatry	روانپزشکی جنایی	۱۰۱
Criminal psychology	روانشناسی جنایی	۱۰۲
Criminal sociology	جامعه‌شناسی جنایی	۱۰۲
Criminal statistics	آمارهای جنایی	۱۰۴
Criminal type	تیب مجرمانه	۱۰۵
Criminogenic factors	عوامل جرم‌زا	۱۰۶
Criminogenic process	فرآیند جرم‌زایی	۱۰۸
Criminogenic society	جامعه جرم‌زا	۱۱۰
Criminological diagnosis	تشخیص جرم‌شناختی	۱۱۱
Criminology	جرم‌شناسی	۱۱۳
Culpability	مجرمیت (تقصیر)	۱۱۶
Dangerousness	حالت خطرناک	۱۲۰
Death penalty	کیش مرگ	۱۲۲
Decarceration	حیس زدایی، زندان زدایی	۱۲۴
De Greeff (Etienne)	دوگرف (اتیین)	۱۲۶
Deprivation (Parental)	محرومیت از والدین	۱۲۷
Determinism	جبرگرایی	۱۳۷
Deterrence	بازدارندگی	۱۲۹
Deviance	انحراف	۱۳۰
Deviant	منحرف	۱۳۲
Differential associations	معادله‌های ترجیحی (آنتوانی)	۱۳۳
Displacement of criminality	جابجایی بزه‌کاری	۱۳۵
Di Tullio (Benigno)	دی تولیو (بنینو)	۱۳۶
Diversion	قتل‌زدایی	۱۳۶
Drift	حالت دودلی و تردید	۱۳۸
Drug addiction	اعتیاد به مواد مخدر	۱۳۸

Durkheim (Emile)	دورکیم (امیل)	۱۴۰
Economic theory	نظریه اقتصادی	۱۴۲
Egocentrism	خودمحوری	۱۴۳
Electroencephalography	الکتروانسفالوگرافی، موج‌نگاری الکتریکی مغزی	۱۴۵
Endocrinology	شناخت غدد درون‌ریز	۱۴۵
Environmental prevention	پیشگیری محیطی	۱۴۶
Ethnicity	قومیت	۱۴۷
Exemplary sentences	مجاز‌های عبرت‌آموز	۱۴۸
Experiment	آزمایش و تجربه	۱۴۸
Extraversion, Introversion	برون‌گرایی، درون‌گرایی	۱۴۹
Female criminality	بزهکاری زنان	۱۵۱
Ferri (Enrico)	فری (انریکو)	۱۵۲
Follow-up studies	مطالعات پیگیر در زمان	۱۵۴
Fraud	تقلب	۱۵۴
Free will	اراده اراده	۱۵۵
Freud (Sigmund)	فروید (زیگموند)	۱۵۶
Frustration	ناکامی	۱۵۷
Gangs criminality	بزهکاری گانگها	۱۵۸
Garofalo (Raffaele)	گارفالو (رافائل)	۱۵۹
Habitual offender	متجرم به عادت	۱۶۰
Hard labour	احمال شاقه	۱۶۱
Hereditary and personal backgrounds	سوابق ارثی و شخصی	۱۶۳
Hidden criminality	بزهکاری پنهان	۱۶۴
Homicide of passion	قتل احساساتی	۱۶۶
Housing	مسکن	۱۶۶
Howard (John)	هوارد (جان)	۱۶۷
Incapacitation	سلب توان (بزهکاری)	۱۶۸
Incest	زنا یا محارم	۱۶۸
Index of crime and delinquency	شاخص جرم و بزهکاری	۱۷۰
Infanticide	نوزادکشی	۱۷۱

Inmate culture	فرهنگ ناشی از همزیستی اجباری	۱۷۷
Insecurity	ناامنی	۱۷۳
Instincts	غرایز	۱۷۳
Intelligence	هوش	۱۷۴
Interactionist criminology	جرم‌شناسی تعامل‌گرا	۱۷۵
International society of criminology	جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی	۱۷۶
Irish system	نظام ایرلندی (رژیم ایرلندی)	۱۷۷
Juvenile delinquency	بزهکاری اطفال و نوجوانان	۱۷۸
Kant (Emmanuel)	کانت (امانوئل)	۱۸۰
Kinberg (Olof)	کینبرگ (آلاف)	۱۸۱
Labelling theory	نظریه برچسب زنی	۱۸۲
Liability	بی‌اقتن روانی	۱۸۳
Lacassagne (Alexandre)	لاکاسانی (الکساندر)	۱۸۴
Lombroso (Cesare)	لمبروزو (جزاره سزار)	۱۸۴
Longitudinal researches	تحقیقات طولی	۱۸۶
Lucas (Charles)	لوکا (شارل)	۱۸۷
Maladjustment	سازش ناپذنگی، ناسازگاری	۱۸۸
Marxism	مارکسیسم	۱۸۹
Maturity	بایدگی (بختنگی)	۱۹۱
Media	رسانه‌ها	۱۹۲
Mediation	میانجیگری	۱۹۲
Medico-psycho-social examination	معاینه پزشکی، روانشناختی، اجتماعی	۱۹۳
Mental abnormality	ناهنجاری روانی	۱۹۶
Mental deficiency	نقص عقلی	۲۰۱
Methodology	روش‌شناسی	۲۰۳
Migrants criminality	بزهکاری مهاجران	۲۰۵
Narco-diagnosis	تشخیص نخدربری	۲۰۵
Opportunity	فرصت و مناسبت (ارتکاب عمل)	۲۰۶
Organized crimes	جرایم سازمان یافته	۲۰۷
Organizational criminology	جرم‌شناسی سازمانی	۲۰۹

Part-time crimes	جرایم پاره‌وقتی	۲۰۹
Pathology	آسیب‌شناسی	۲۱۰
Penal philosophy	فلسفه کیفری	۲۱۱
Penal servitude	حبس یا اعمال شاقه	۲۱۲
Penal sociology	جامعه‌شناسی کیفری	۲۱۳
Penology	کیفرشناسی	۲۱۵
Personal milieu	محیط شخصی	۲۱۷
Perversion	تماه‌زدگی	۲۱۹
Physical abnormality	ناهنجاری جسمانی	۲۲۰
Poisoning	مسموم کردن	۲۲۱
Policing	حفظ نظم	۲۲۲
Political crime	جرم سیاسی	۲۲۷
Positivism	اثبات‌گرایی	۲۲۸
Precriminal situations	وضعیت‌های مشرف بر زیاده‌کاری	۲۲۹
Prediction of crime	پیش‌بینی جرم	۲۲۹
Primary deviance	انحراف اولیه	۲۳۱
Prison	زندان	۲۳۱
Prisonization	فرهنگ زندان‌پذیری	۲۳۳
Private prison	زندان خصوصی	۲۳۴
Probation and similar measures	پرریشش و اقدامات مشابه	۲۳۵
Professionalism (criminal)	حرفه‌ای‌گری مجرمانه	۲۳۷
Psychoanalytic criminology	جرم‌شناسی روان‌کوانه	۲۳۸
Quételet (Adolphe)	کتله (آدولف)	۲۳۹
Radical criminology	جرم‌شناسی رادیکال	۲۴۰
Radzinowicz (Sir Leon)	رادزینوویچ (سرلئون)	۲۴۱
Rape	تجاوز جنسی	۲۴۲
Recidivism	تکرار جرم	۲۴۳
Reformation	اصلاح	۲۴۴
Rehabilitation	تعمیروری	۲۴۵
Retribution	سزادهی	۲۴۶

Science of criminal trial	علومه محاکمه کیفری	۲۴۶
Scientific research	پژوهش علمی	۲۴۷
Self-report studies	مطالعات خودگزارشی پژوهشگران	۲۴۹
Sellin (Thorsten)	سلین (ثورستن)	۲۵۰
Sense of responsibility	احساس مسؤلیت	۲۵۱
Separate system	نظام تفکیکی (حبس)	۲۵۲
Silent system	نظام بی‌صوتی (حبس)	۲۵۳
Social class	طبقه اجتماعی	۲۵۳
Social control	کنترل اجتماعی	۲۵۸
Social defence	دفاع اجتماعی	۲۵۵
Social disorganization	ناپسندانی اجتماعی	۲۵۶
Social prognosis	پیش‌بینی (پیشگویی) اجتماعی	۲۵۷
Social reaction	واکنش اجتماعی	۲۵۸
Social reaction criminology	جرم‌شناسی واکنش اجتماعی	۲۶۰
Social work	مشکاتاری اجتماعی	۲۶۱
Solitary system	نظام انفرادی (حبس)	۲۶۲
Stage system	نظام تدریجی یا مرحله‌ای (حبس)	۲۶۳
Sub-culture	خردفرهنگ	۲۶۴
Sutherland (Edwin H)	سائولند (ادوین)	۲۶۶
Swindling (and abuse of confidence)	کلاهبرداری (و خیانت در امانت)	۲۶۷
Trade (Gabriel)	تازه (گابریل)	۲۶۸
Target hardening	تقویت آماج جرم	۲۶۹
Tattooing	خال‌کوبی	۲۷۰
Television, effects of	آثار تلویزیون	۲۷۱
Terrorism	تروریسم	۲۷۲
Test	آزمون	۲۷۳
Theft	سرقت	۲۷۴
Therapeutic community	جمعیت (گروه یا اجتماع) درمانی	۲۷۴
Therapy	درمان	۲۷۵
Topinard	توپینار	۲۷۷

Treatment	رفتار اصلاحی - درمانی	۲۷۷
Typology	گونه‌شناسی، تیپ‌شناسی	۲۷۹
Unemployment	بیکاری	۲۸۰
Urbanization	شهرنشینی	۲۸۲
Utilitarian homicide	قتل فایده‌گرایانه	۲۸۳
Vagrancy	واگردی	۲۸۳
Values	ارزشها	۲۸۵
Victimless crime	جرم 'بزه' بی‌بزه دیده	۲۸۶
Victimology	بزه‌دیده‌شناسی	۲۸۷
Victim surveys	تحقیقات از بزه‌دیدگان	۲۸۹
Violence	خشونت	۲۹۰
Visibility	رویت‌پذیری	۲۹۱
Von Hentig (Hans)	فون هنتیگ (هانس)	۲۹۱
White-collar criminality	بزهکاری بفته سفیدها	۲۹۲
Wolfgang (Marvin)	ولفگانگ (ماروین)	۲۹۵
XYY Chromosomes	کروموزومهای XYY	۲۹۵



۲۹۷- کتاب‌شناسی مرتبط با متخل‌های دانشنامه جرم‌شناسی

صفحات	صفحات	
۳۲۰	۲۹۷	۱- بزه‌دیده‌شناسی
۳۲۳	۳۰۱	۲- جرم‌شناسی پیشگیری
	۳۰۵	۳- حقوق کیفری و جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان
۳۲۴	۳۰۵	۴- علوم جرم‌یابی (علوم معین)
	۳۰۹	۵- عدالت کیفری
	۳۱۰	۶- سیاست جنایی - سیاست کیفری
	۳۱۴	۷- جرم‌شناسی عمومی
	۳۱۹	۸- جرم‌شناسی بالینی
		۹- روان‌شناسی جنایی
		۱۰- جامعه‌شناسی جنایی و
		۱۱- فلسفه کیفری، تاریخ حقوق کیفری و تاریخ
		۱۲- جرم‌شناسی نسائیری
		۱۳- بزه‌دیده‌شناسی سایبری
		۱۴- جرم‌شناسی جرایم اقتصادی

## جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم

(درآمد و برآست دوم - سوم)

### پیشگفتار

آموزش و پژوهش در قلمرو جرم‌شناسی و رشته‌های مرتبط مانند کیفرشناسی و بزه‌دیده‌شناسی که به تعبیری در چارچوب علوم جنایی تجربی قرار می‌گیرند در بیست و پنج سال اخیر رشد نسبتاً چشمگیری در دانشگاه‌های ایران داشته است؛ آثار تکلیفی - ترجمه‌ای متنوع و متعدد در قالب مقاله، کتاب، پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی در این حوزه خود گواه علاقه‌مندی پژوهشگران، استادان و دانشجویان حقوق، جامعه‌شناسی، علوم بهزیستی، علوم انسانی و... به رشته‌های مختلف علوم جنایی تجربی است.

پیامد گسترش مطالعات و پژوهش‌های جرم‌شناسی را می‌توان در سیاست‌گذاری‌های کیفری و جنایی سالهای اخیر نیز ملاحظه کرد، که خود حاکی از تأثیرگذاری آموزه‌های جرم‌شناختی در حوزه‌های تقنینی، قضایی و اجرایی است. بدین سان می‌توان گفت که بافتها و تعلیمات جرم‌شناسی و رشته‌های مرتبط از دانشگاهها خارج شده و وارد قوانین، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، آراء دادگاهها، رویه قضایی و نیز گفت‌وگوهای مسولان و متولیان سیاست جنایی شده است.

آموزه‌ها و نهادهای چندی که در دانشنامه جرم‌شناسی مطرح، معرفی و بررسی شده، اکنون به نوعی در قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲، قانون ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد ۱۳۹۰ و... یعنی در حقوق ایران پیش‌بینی و ضابطه‌مند شده است. وانگهی، با این که هنوز رشته مستقل و ردیف استخدامی اداری جداگانه‌ای به ترتیب برای جرم‌شناسی در دانشگاهها و جرم‌شناسی در قوانین کشور پیش‌بینی نشده است، قانونگذار از یک سو، در ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر داشته است که مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان باید از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی،... انتخاب شوند و از سوی دیگر، به موجب ماده ۴۸۷ قانون پیش گفته مددکاران اجتماعی نیز که در مرحله اجرای مجازات‌ها و اقدامات تأمینی مداخله می‌کنند باید از میان دانش‌آموختگان مددکاری اجتماعی، جرم‌شناسی و... استخدام شوند.

بدین ترتیب است که به مناسبت چاپ سوم دانشنامه جرم‌شناسی تلاش شده است، این تحول‌آلوده آموزه‌ها و نهادهای علمی که جنبه تقنینی جدید و اجرایی پیدا کرده است، در درآمد حاضر، مندرج و کتاب‌شناسی اثر پیش‌رو آورده شود.

## درآمد

اغلب جرم‌شناسان انگلوساکسون معتقدند که جرم‌شناسی با اندیشه‌های بکاریا در «رساله جرمیه و مجازات‌ها» (۱۷۶۴) متولد شد. زیر وی برای نخستین بار، جنبه‌های مختلف بزه و کیفر را به طور اختصاصی در یک اثر مستقل مطالعه کرده است. به نظر آنان بکاریا و بعد پنتام «جرم‌شناسی کلاسیک» را بنا نهادند.<sup>۱</sup> در مقابل، اغلب جرم‌شناسان اروپایی قاره‌ای، تولد موضوعی - مفهومی جرم‌شناسی را به مطالعات مکتب تحقیقی (اثباتی) و به ویژه ظهور اندیشه‌های دکتر سزار لمبروزو در کتاب «مردمان بزهکار» (۱۸۷۶) نسبت می‌دهند. این جرم‌شناسان معتقدند که رویکرد بکاریا به جرم و کیفر، بیشتر فلسفی و نظری بوده و در واقع، در مقام پایه‌گذاری «حقوق کیفری مدرن»<sup>۲</sup> و انسانی کردن عدالت کیفری عصر خود بوده است، در حالی که بنیان‌گذاران مکتب اثباتی برای پاسخ به چرایی ارتکاب جرم و بزهکار شدن انسان‌ها به مطالعات و تحقیقات تجربی و مقایسه‌ای متوسل شده‌اند. بزهکاران را از نزدیک بررسی و با غیرمجرمان مقایسه کرده‌اند، دست به علت‌شناسی فردی (شخصی)، محیطی و وضعی جرم و طبقه‌بندی بزهکاران در پنج دسته یعنی بزهکار مادرزاد، بزهکار اتفاقی، بزهکار هیجانی - احساسی، بزهکار به عادت و بزهکار مختل‌المشاعر زده‌اند و بدین‌سان، «جرم‌شناسی علمی» را بنا نهاده‌اند. بدین ترتیب است که دکتر لمبروزو بنیانگذار جرم‌شناسی تحقیقی (علمی) محسوب می‌شود.

بررسی مختصر چگونگی پیدایش و تحول جرم‌شناسی علمی در سده‌های نوزدهم و بیستم و جهت‌گیری مطالعاتی نظری آن در آغاز هزاره سوم (سده بیست و یکم) با هدف معرفی تحولات جرم‌شناسی، به طور کلی و گرایش‌های نو جرم‌شناسی، به ویژه، موضوع درآمد دوم - سوم دانشنامه جرم‌شناسی را به خود اختصاص می‌دهد.

## الف - تحولات جرم‌شناسی

جرم‌شناسی علمی و شاخه‌های تخصصی آن یعنی زیست‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی و... همان‌طور که اشاره شد، از نظر مفهومی - موضوعی و عنوان در اواخر سده نوزدهم، در چارچوب مکتب تحقیقی ایتالیایی و قبل از آن، یعنی در سال‌های ۱۸۲۰ در فرانسه در چارچوب مکتب جغرافیای جنایی کتنه و گبری، قانون حرارتی جرم و... متولد شد. جرم‌شناسی به اقتضای شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی عصر تولد

۱. به عنوان نمونه رک: شارلی، باژ، نظریه‌های جرم، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نشر میران، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۶۶ تا ص ۱۷۰؛ سیگل، لاری، جی. - جرم‌شناسی، ترجمه بانار سفدالویی؛ دفتر تحقیقات کربندی پلیس آگاهی تاجنا، سال ۱۳۸۵، ص ۱۵ تا ص ۱۷؛ صناری، عیسی، کیفرشناسی، انتشارات جنگل، چاپ هفدهم، سال ۱۳۹۰، ص ۶۳ و ص ۱۷۳؛ وایت، رابرت، و دیگران، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه صدیق بطحایی، نشر دانشگاهی، سال ۱۳۸۲، ص ۵۶.

۲. برانز، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، انتشارات سمت، چاپ نهم، سال ۱۳۹۳، صص ۴۲ به بعد.



خود، به طور عمده، به مطالعه جرایم «متعارف» یا «تاریخی» یعنی جرایم اصطلاحاً «طبیعی» - فطری» مانند قتل، سرقت و تجاوز جنسی که هسته اصلی حقوق کیفری اختصاصی را تشکیل می‌دهند و مرتکبان آن‌ها پرداخت. دانش جرم‌شناسی، تحت تأثیر فرهنگ حاکم در این عصر، بیشتر، بزهکاری مردانه و مردان بزهکار را مطالعه می‌کرد. عنوان اثر دکتر امبروزو - مرد بزهکار - خود، معنادار است؛ زیرا نگاه جنسی (زیست‌شناختی) به بزه‌دیدگی، بیشتر ستم‌دیدگی و مظلومیت اجتماعی جنس مؤنث را در اذهان تلخی می‌کرد. بزهکاران، از نظر جرم‌شناسان، در این مقطع زمانی، بیشتر متعلق به قشر یا طبقه نادر که خطرناک محسوب می‌شدند، فرض می‌گردیدند (فقر = بزهکاری)؛ یعنی به تعبیر جامعه‌شناسان آمریکایی در اواسط سده بیستم، بزهکاران «بقیه آبی» (طبقه کارگر و زحمتکش) و از منظر جرم‌شناسان بالینی، بزهکاران «ناسازگار اجتماعی».

نگرش جرم‌شناسی، با توجه به گسترش مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان آمریکایی اروپایی تبار که از مصائب جنگ اول و دوم جهانی و حکومت‌های دیکتاتوری - خودکامه حاکم در اروپای قاره‌ای نیمه نخست سده بیستم، به قاره نو پناه برده و مهاجرت کرده بودند، از اواخر نیمه نخست سده بیستم، کم‌کم به سمت مطالعه بزهکاری زنان و بزهکاری اعضای طبقه توانمند اقتصادی و متنفذ سیاسی که «بقیه سفیدها» نام گرفتند و نیز جرایم بنگاه‌ها و شرکت‌ها (اشخاص حقوقی) گرایش پیدا کرد.<sup>۳</sup> این رویکرد سده بیستمی جرم‌شناسی، اگرچه دامنه و موضوعات مطالعاتی خود را نسبت به گذشته گسترش داد، لیکن همچنان با نگاه آسیب‌شناسانه و علت‌شناختی به جرم و مجرم و با رویکرد بنیان‌گذاران جرم‌شناسی در سده نوزدهم وجه اشتراک داشت. در این نظریه‌ها به طور کلی - و نه همه آنها<sup>۴</sup> - مجرم فردی است که از آموزش و پرورش و نیز عاطفه و محبت کانون گرم خانواده و مدرسه محروم بوده و یا از نارسائی‌های ژنتیکی - زیستی - روانی رنج می‌برد و بنابراین با انسان‌های غیرمجرم تفاوت دارد؛ لذا با جبران آثار محرومیت‌های خانوادگی - عاطفی - فرهنگی - تحصیلی - اجتماعی و درمان نارسائی‌های پزشکی در چارچوب عدالت کیفری و نهادهای متولی اعمال کیفر، می‌توان آنان را نجات داد و به جامعه بازگرداند. حاصل این نگاه اصطلاحاً بالینی به جرم، مجرم و محیط شخصی و اجتماعی او، همان‌طور که می‌دانیم، تولد و گسترش دو جرم‌شناسی کاربردی بالینی و پیشگیری بود که رسالت خود را با گزینش‌بردار از علوم پزشکی، درمان (بارپروری) مجرمان و بهداشت اجتماعی (پیشگیری اجتماعی از جرم و انحراف) قرار دادند.

۳. در مورد جرایم شرکتی رک. صادق‌نژاد ناچینی: مجید: مطالعه جرم‌شناختی جرایم اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، از علت‌شناسی تا پیشگیری، رساله دکتری. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.

۴. به عنوان نمونه، نظریه‌های جرم‌شناسی عقلانیت‌مدار (خرده‌محور) که بزهکار را مانند بقیه انسان‌ها محاسبه‌گرز به نوعی «سترایزبست» می‌دانند؛ یعنی نظریه‌های مطرح شده در چارچوب جرم‌شناسی عمل جرم‌مانه.

در این میان باید به ورود یک رویکرد انتقادی ایدئولوژیک برخاسته از مارکسیسم به حوزه جرم‌شناسی در اوایل سده بیستم اشاره کرد. مارکس، فیلسوف و اقتصاددان آلمانی، اگرچه در آثار خود، از جمله در کتاب سرمایه (۱۸۶۷)، به طور مستقیم به پدیده بزهکاری نپرداخته است لیکن بعضی جرم‌شناسان، با الهام از اندیشه‌های انتقادی وی نسبت به لیبرالیسم اقتصادی، جرم را نیز مانند همه مسائل و آسیب‌های اجتماعی جوامع بشری، ناشی از نظام سرمایه‌داری و جامعه طبقاتی حاصل از آن می‌دانند. این نگاه به جرم که نظام اقتصادی سرمایه‌داری را عامل بی‌عدالتی اجتماعی و تعیین کننده در بزهکاری شدن افراد طبقه فرودست جامعه می‌دانست، در اروپای غربی، به نظریه‌پردازی اقتصادی بزهکاری<sup>۵</sup> و در نهایت به تولد جرم‌شناسی سوسیالیست<sup>۶</sup> (مارکسیست) در اوایل سده بیستم منجر شد. جرم‌شناسان سوسیالیست اصولاً معتقد هستند که نظام سرمایه‌داری، خود ذاتاً موجب تمرکز بر تولید، صنعت و ثروت در دست یک طبقه خاص - یعنی طبقه بورژوا، سرمایه‌دار و مالک می‌شود و در نهایت به بی‌عدالتی اجتماعی، فقر و در نتیجه بزهکاری و انحراف اجتماعی بخش وسیعی از اعضای محروم جامعه منجر خواهد شد. بنابراین، با فروپاشی نظام‌های سیاسی لیبرال و نظام سرمایه‌داری و بورژوازی مرتبط با آن، بهره‌کشی طبقه اقلیت صاحب سرمایه از طبقه گسترده کارگران متوقف می‌شود و در نتیجه، بزهکاری و انحراف به عنوان اثر بی‌عدالتی اجتماعی، فقر و بهره‌کشی عمومی از میان خواهد رفت.

انقلاب بلشویک اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه که براساس مکتب و اندیشه‌های مارکس - انگلس؛ ولی با تفاوت انقلابیان، وقت روسی رخ داد به تولد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پس از جنگ دوم جهانی، به شکل‌گیری دولت‌های سوسیالیستی در اروپای شرقی (بلوک شرق) به سرکردگی شوروی انجامید. بدین ترتیب بود که جرم‌شناسی سوسیالیست که حاصل مطالعات و اندیشه‌ورزی‌های جرم‌شناسان مارکسیست دنیای آزاد یعنی اروپای غربی بود در شوروی و کشورهای آقماری آن، به رویکرد رسمی به جرم و حل معمای بزهکاری تبدیل شد؛ در این رویکرد تک عاملی - تک بُعدی، بزهکاری تنها ریشه در اقتصاد که زیربنای محسوب می‌شود دارد و توزیع نامعادله امکانات مادی و ثروت میان عموم مردم که ناشی از انحصار اقتصاد و تولید در دست یک گروه با طبقه اقلیت در جامعه است به جرم و انحراف، به عنوان مسائل رونمایی جامعه سرمایه‌داری می‌انجامد. با زوال نظام سرمایه‌داری و محور بقایای نظام

۵. در این چارچوب می‌توان به مطالعات میدانی ویلم گنر هنتدی و چاپ نتایج آن در کتاب «بزهکاری و شرایط از وضع و اجزای اقتصادی» (۱۹۰۵، هند) و نیز به اثر وان کان، «علل اقتصادی بزهکاری، مطالعه تاریخی و انتقادی علت‌شناسی جنایی» (۱۹۰۳، پاریس) و رساله دکترای ژرنگارت، «جرم به مثابه تولید (محصولی)، جنیت‌های اقتصادی» (۱۹۲۹، پاریس) اشاره کرد. در این مورد رکند.

Gassin, R., *Criminologie*, 6e édition, 2007, no 207.

همچنین رک. مگو یو، مایک و دیگران، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، جلد اول، چاپ اول، سال

۱۳۸۹، ص ۳۹۰ تا ص ۳۹۱.

6. McLaughlin, E. and Muncie, J. (Eds.), *The Sage Dictionary of Criminology*, Sage Publications, 1th Edition, 2001, pp. 170-172.

اقتصادی طبقاتی و نظام سیاسی لیبرل و استقرار نظام سیاسی - اقتصادی و فرهنگی اشتراکی یا کمونیستی (دموکراسی خلقی به شیوه معمول در کشورهای بلوک شرق سابق)، انحرافات اجتماعی و بزهکاری نیز خودبه‌خود محو خواهد شد، مالکیت خصوصی در چنین نظامی جای خود را به مالکیت عمومی می‌دهد و به این ترتیب اعضای جامعه به اندازه نیازشان صاحب کار و امکانات زندگی می‌شوند؛ بنابراین، با رفع تنش و اختلاف طبقاتی و توقف بهره‌گشی اقتصادی طبقه کار و زحمتکش توسط اقلیت صاحب سرمایه و ابزار تولید و جلوس نظام سوسیالیستی، دیگر دلیلی برای انحراف و نقض هنجارهای اجتماعی - قانونی «جامعه انقلابی بی‌طبقه» وجود نخواهد داشت.

با فروپاشی نظام‌های سوسیالیستی در اواخر سال‌های ۱۹۸۰ در شوروی و کشورهای اروپای شرقی، «جرم‌شناسی سوسیالیستی» جزم محور رسمی شده یعنی جرم‌شناسی متبوی دولت انقلابی به تاریخ سپرده شد، لیکن رویکرد مارکسیستی به جرم‌شناسی در شکل‌گیری بعضی گرایش‌های انتقادی جرم‌شناسی در جوامع باز و دموکراتیک تأثیر گذاشت. افزون بر تأثیر مارکسیسم بر تولد نظریه‌های انتقادی در جرم‌شناسی، باید به تأثیر گفتمان حقوق بشری و نتایج بعضی مطالعات ارزیابی‌کننده کارنامه جرم‌شناسی بالینی<sup>۷</sup> و جرم‌شناسی پیشگیری<sup>۸</sup> بر این شکل‌گیری اشاره کرد. به موجب این مطالعات کارنامه جرم‌شناسی‌های پیش‌گفته، با توجه به سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه آموزش، پژوهش، قانونگذاری و هزینه‌های متنوع برای اعمال سیاست‌های بالینی و پیشگیرانه، روی هررفته منفی است<sup>۹</sup>. به این ترتیب، نوعی روگردانی منتقدانه از جرم‌شناسی علت‌شناختی (علمی)، یعنی دیدگاهی که در جرم‌شناسی تحقیقی، جرم‌شناسی بالینی، جرم‌شناسی پیشگیری، جامعه‌شناسی جنایی و روان‌شناسی جنایی مطرح است را از آغاز سالهای ۱۹۷۰، و به ویژه از شروع هزاره سوم شاهد هستیم<sup>۱۰</sup>.

### ب - تحولات جرم‌شناسی انتقادی

عده‌ای از جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان عمدتاً آمریکایی و انگلیسی‌منتقد و معترض به نظریه‌ها و کارنامه بالینی جرم‌شناسی که آن را جرم‌شناسی لیبرال، جرم‌شناسی رایج، غائب، عمده یا جرم‌شناسی جریان اصلی<sup>۱۱</sup>، جرم‌شناسی اداری، جرم‌شناسی اصلاح و درمان، جرم‌شناسی تحقیقی (اثباتی) و یا جرم‌شناسی رسمی (حکومتی - حاکمینی - هیأت

۷. باای، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی: نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۰.

۸. ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۳.

۹. گمن، رمون، یازگشت جرم‌شناسی. ترجمه سید حسام‌الدین سید اصفهانی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۱۵ تا ص ۲۳۳.

۱۰. یعنی ایرندآبادی، هلی حسین، کفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریت خطرمدار، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸، ص ۷۱۷ تا ص ۷۵۰.

حاکم‌های<sup>۱۲</sup> خواندند، اندیشه‌ها و نظریه‌هایی را مطرح نمودند که با عنوان «قراکیر» «جرم‌شناسی انتقادی» مشهور شد.<sup>۱۳</sup> جرم‌شناسی انتقادی در واقع، یک عنوان و قامرو کلی است که رویکردها و دوره‌نامه‌های متنوعی را در خود جمع کرده و جای داده است. این جرم‌شناسی، پیش‌فرض‌ها و نظریه‌های جرم‌شناسی تحقیقی را رد و رویکرد عطفاتی خود در زمینه بزهکاری را بر نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم، به ویژه ساختار قانون‌گذاری و عدالت کیفری متمرکز می‌کند. جرم‌شناسی انتقادی، به «نور کلی» بر این عقیده است که مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی، از یک سو با رویکردی مضیق، به طور عمده بر مجرمین و محیط‌های شخصی آنان و نه بر بزهکاری بنگاه‌ها و نهادهای رسمی و از سوی دیگر، بر جرایم خیابانی یعنی جرایم ارتكابی توسط یقه‌آبی‌ها، آمار جنایی (که به لحاظ وجود رقم سیاه، اعتبار علمی بالایی ندارد و بنابراین، نتایج عملیات آماری بزهکاری، قابل تفسیر به عموم بزهکاران نیست) و سرانجام بر مدیریت و مهندسی اجتماعی کنترل جرم متمرکز بوده و از بررسی تأثیر صاحبان و نوع قدرت، قانون‌گذاری، نهادهای عدالت کیفری و نوع نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر انحراف‌های اجتماعی از جمله بزهکاری غافل مانده است.

جرم‌شناسان منتقد، با استفاده از فضای آزاداندیشی و آزادی اندیشه‌ورزی حاکم در کشورهای دموکراتیک، گاه با الهام از مکتب مارکسیسم و گاه با استناد به روح و مفاد منشور بین‌المللی حقوق بشر علیه بی‌عدالتی‌های اجتماعی جوامع سرمایه‌داری غربی و جهت‌گیری‌های نظام عدالت کیفری آن موضع گرفتند. نظریه‌های انتقادی نیمه دوم سده بیستم نخست در قالب و با عنوان جرم‌شناسی واکنش اجتماعی (دهه ۱۹۷۰) متجلی شدند. شاخه‌های این جرم‌شناسی عبارتند از: جرم‌شناسی رادیکال<sup>۱۴</sup> - که به نوعی از مارکسیسم الهام می‌گیرد و در عصر خود، یعنی آغاز دهه ۱۹۷۰ جرم‌شناسی انتقادی یا جرم‌شناسی جدید نیز نامیده شد و طرفدار گسست‌پژادی با اصول و مفاهیم جرم‌شناسی تحقیقی است - ، تعامل‌گرایی، کنترل‌شناسی یا جرم‌شناسی سازشی<sup>۱۵</sup>.

نظریه‌های انتقادی دیگر، سپس در مفهوم مושع در چارچوب جرم‌شناسی موضوعی، موردی و گاه صنفی به طور عمده از ستهای پایانی دهه ۱۹۹۰ با گرایش‌های متنوعی متولد و متحول شدند؛ جرم‌شناسی طرفدار صلح، سازش و آشتی (صلح‌طلب یا صلح‌جو، به نوعی طرفدار عدالت ترمیمی در حوزه قضایی)<sup>۱۶</sup>، جرم‌شناسی پسامدرن، جرم‌شناسی فمینیستی و

## 12. Establishment Criminology

۱۲. رک. نجفی ایرندآبادی، علی‌حسین: جرم‌شناسی حقوقی: دائرةالمعارف علوم جنایی، کتاب دوم، نشر میزان، ۱۳۹۲؛ جزون ص (۸۸) دگردی، والبر، جرم‌شناسی انتقادی. ترجمه رایجیان اصلی و دانش ناری، نشر دانشگاهی، ۱۳۹۲.

۱۳. کتن، رمون، گرایش‌های نو در جرم‌شناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ایرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق و تشکله شهید بهشتی، دوره دوم، شماره دوم، سال ۱۳۶۵، ص ۱۵۹ و ص ۱۶۶.

۱۴. درباره جرم‌شناسی واکنش اجتماعی رک. همین دانشنامه. گفتنی است که جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، با ظهور مطالعات جامعه‌شناسی کیفری، بیشتر در چارچوب این رشته قابل مطالعه است.

۱۵. کلتورسکی، یازل، جرم‌شناسی صلح‌طلبانه: علت‌شناسی جرم یا فلسفه زندگی؟، ترجمه مهدی کاظمی جویباری، مجله حقوقی داور، شماره ۵، ۱۳۹۰، ص ۲۰۹ تا ص ۲۳۷.

جرم‌شناسی و قبح‌گرایی چپ، جرم‌شناسی فرهنگی<sup>۱۷</sup>، جرم‌شناسی خوبساز (خوبساز) و جرم‌شناسی عمومی (همگانی)<sup>۱۸</sup>، جرم‌شناسی محکومان (جرم‌شناسی محکوم - محکومان به حیث<sup>۱۹</sup>)، جرم‌شناسی انتقادی نژادی<sup>۲۰</sup>، جرم‌شناسی تقابلی فرهنگی<sup>۲۱</sup>، جرم‌شناسی سبز

۱۷. برای تعریف و توصیف بیشتر این جرم‌شناسی‌ها، رگ، منقاری، علی، و آرمادی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن، در: علوم جنایی مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۹، ص ۴۹۵ تا ص ۵۷۵؛ درباره جرم‌شناسی فرهنگی رگ، آقای، سارا، تجلیس جرم در جرم‌شناسی فرهنگی، رساله دکتری، دانشکده حقوقی و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۳؛ الهوردی، مراد، رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به عدالت کیفری جوانان، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۳.

۱۸. *News-making criminology and public criminology*: جرم‌شناسی خبرساز از جرم‌شناسان دعوت می‌کند که رویکرد جرم‌شناسی انتقادی به موضوع‌های جرم و عدالت کیفری را از طریق رسانه‌های گروهی، از جمله فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی در حوزه عمومی مطرح کرده و در سطح وسیع‌تری یا مردم، به ویژه جرایمان، در میان بگذارند تا تأثیر جرم‌شناسی بر تغییرات اجتماعی، ملموس و واقعی و نیز موجب تغییر نوع نگرش و رفتار اهضاد جامعه در پیوند روند کنترل بزهکاری شود.

طریق‌زبان جرم‌شناسی عمومی یا همگانی، به توبه خود معتقدند که بسیاری از واژه‌ها و تحلیل‌های جرم‌شناسی، فقط برای تعداد اندکی از افراد که اغلب اهل قز و همان جرم‌شناسان باشند، قابل درک و استفاده است، در حالی که موضوعات اساسی و ماهوی مانند سیاست‌های مضر دستگاه عدالت کیفری و آثار زیانبار سیاست فضایی باید طوری مطرح شوند که افراد بیشتر و گروه‌های وسیع‌تری از جامعه، آن را پی بگیرند و درک کنند. این در رویکرد جرم‌شناسی انتقادی، در واقع، معتقد است که مسائل بزهکاری و کنترل آن را باید با زبان و ادبیات قابل فهم، از طریق وسایلی ارتباط جمعی به میان عموم مردم برده و آنان را حساس کرد تا اقتدار عمومی نیز حول این موضوع‌ها شکل و جهت بگیرد و بر نهادهای رسمی تأثیرگذارد در حوزه سیاست جنایی، برای تغییر و اصلاح، فشار وارد کند.

۱۹. *Convict Criminology*: به موجب جرم‌شناسی محکومان زندانی، مطالعات جرم‌شناسی تحقیقی، تجربه محکومان در زندان را به درستی بررسی نکرده و مورد استناد قرار نداده است. بنیانگذار این جرم‌شناسی زندانبان سابق هستند؛ بدین توضیح که زندانبان محکوم چندی موفق به ادامه تحصیل تا مرحله تحصیلات تکمیلی دانشگاهی در زندان می‌شوند و پس از آزادی حتی، به شغل استاد دانشگاه از جمله در حوزه جرم‌شناسی می‌رسند و کتاب‌هایی در مورد تجربه اقامت در زندان و چگونگی روابط حاکم در آن می‌نویسند که اطلاعات قابل استفاده‌ای از دنیا و فرهنگ زندان برای مطالعات جرم‌شناسی به دست می‌دهند. طرفداران جرم‌شناسی محکومان معتقدند که جرم‌شناسی تحقیقی از بیرون زندان و زندانی را بررسی کرده است، حال آن که جرم‌شناسی محکومان از درون زندان و تجربه زندانی بودن را مطالعه کرده‌اند و بهتر می‌توانند به متشابه جرم، مجرمیت و تأثیر زندان بر آن بپردازند. برای مطابقت بیشتر رگ، حکیمی، آزاده، اصلاح نظام زندان‌ها و زندان در پرتو تجارب و دیدگاه‌های زندانبان سابق (جرم‌شناسی محکومان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.

۲۰. *Critical Race Criminology*: در این جرم‌شناسی، بر نقش نژادگرایی و رفتار تبعیض آمیز با افراد رنگین پوست در نهادهای عدالت کیفری و نیز نقش که اشکال مختلف نژادگرایی و تبعیض نژادی در ترسیم و ترویج تصویر مجرمان و نیز سیاست‌ها و رویه‌های معمول در فرآیند رسیدگی کیفری بر متهمان و مجرمان

یا جرم‌شناسی حفاظتی محیط‌زیست (جرم‌شناسی جزایه زیست‌محیطی و مطالعه رویه‌ها و سیاست‌های اجتماعی که برای محیط‌زیست - آب، خاک، فضای سبز، جانداران دریایی، گونه‌های حیوانی و... - مضر، خسارت‌بار و چرم‌زا هستند)<sup>۲۱</sup>، جرم‌شناسی زیست‌انتقادی یا جرم‌شناسی انتقادی زیستی<sup>۲۲</sup>، جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی<sup>۲۳</sup> و... را شامل می‌شوند<sup>۲۴</sup>. ویژگی مشترک همه این جرم‌شناسی‌ها این است که از یک سو، نظریه‌ها و دورنماهایشان، به طور عمده، حاصل تحقیقات میدانی و تجربی نیست، بلکه بیشتر جنبه

→

ایفا می‌کنند، تأکید شده است. این جرم‌شناسان، بالا بردن نرخ جرم‌بخت رنگین بوستان، به ویژه آمریکاییان آفریقایی و آمریکای لاتین، در زندان‌های آمریکا، ناشی از تأثیر عناصر نژادگرایی در حقوق کیفری، نظام عدالت کیفری و رفتار کنش‌گران قضایی - پلیسی می‌دانند. و معتقد به وضع جزایه ثروت‌آلود یعنی مبتنی بر انگیزه ثروت‌نژادی و نژادی (جرائم مبتنی بر پیش‌دورری نژادی - نژادی) و نیز تفسیر قوانین مبارزه با رویه‌های نژادپرستانه در فرآیند عدالت کیفری هستند.

۲۱. *Counter-cultural Criminology*. به سبانی چون استعمار و تأثیر فرهنگ استعماری و فرهنگ ناشی از استعمار، در مطامع جرم می‌برد زده (تعارض‌های فرهنگ محلی - ملی یا فرهنگ قدرت استعماری، فرهنگ‌پذیری از فرهنگ قدرت (کشور) استعمارگر و...).

۲۲. *Green criminology*. برای مخالفات بیشتر رک. گرجی، فر، همپنر، جیم، جرم‌شناسی سبز و جرایم زیست‌محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط‌زیست، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲، عجبی، مریم، جرم‌شناسی سبز، دانش‌نامه معرفت علوم جنایی، کتاب دوم، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۲۹۰ و بعد.

۲۳. *Biocritical criminology*. به مطالعه تأثیر عوامل زیست - ژنتیکی، بر دست‌کم بعضی رفتارهای مجرمانه می‌پردازد. و معتقد است این رویکرد باید در مطامع جرم‌شناسی به نوعی احیاء شود.

۲۴. *Species-related Critical Criminology*: بر شناسایی و مطالعه حیوانات یا موجودات غیرانسانی به عنوان بزهدیدگان و قربانیان حقیق و سببی از اعمال، سیاست‌ها و جرایم ارتكابی نهادهای غیرمولتی و دولتی، انسان‌ها و اشخاص حقوقی تأکید می‌رزد.

در مورد نظریه‌های جدید جرم‌شناسی انتقادی و رویکردها آنها یعنی جرم‌شناسی‌های موضوع باوروقی‌های ۱۸ تا ۲۴، رک.

Friedrichs, David a., *Critical criminology*, In Miller, J.M. (edit), *21st Century Criminology*, Sage publications, 2009, pp 210-218.

۲۵. گفتنی است که اخیراً جرم‌شناسان منتقد به رویکرد جرم‌شناسی تحققی و حقوق کیفری نسبت به انواع و میزان جرایم ارتكابی در روستاها، نحوه کنترل آنها، ویژگی مرتکبان و بزهدیدگان بزهرکاری روستایی در مقایسه با جرایم شهری، و... گرایش جدیدی را با عنوان «جرم‌شناسی روستایی» یا «جرم‌شناسی انتقادی روستایی» مطرح کرده‌اند. رک.

Donnenmeyer, J. B. and Dekeseredy, W.S, *Rural Criminology*, Routledge, 2014.  
همچنین در ادامه اندیشه‌های انتقادی نسبت به عدالت کیفری و سازمان عدالت اجتماعی و در ادامه اندیشه آسیب اجتماعی‌شناسی، رویکردهای انتقادی نسبتاً الهامی دیگری با عنوان *Uprooting Criminology* (جرم‌شناسی مبنی‌زده) جرم‌شناسی شت‌زده) در حوزه جرم‌شناسی انتقادی نیز مطرح شده است. رک. [l.printingcriminology.org](http://printingcriminology.org)

نظری، فلسفی و گاه سیاسی - ایدئولوژیک، اعتراضی و مطالباتی دارد و در واقع، حاصل تأملات انتقادی به نظریه‌ها و رویکردهای جرم‌شناسی است و از سوی دیگر، رویکرد انتقادی خود نسبت به مطالعات جرم‌شناختی را در ادامه و در چارچوب جرم‌شناسی و با حفظ عنوان جرم‌شناسی مطرح و به جای زائۀ راهکارها برای کاهش جرم و انحراف در چارچوب جامعه موجود، بیشتر اصلاح قوانین و مقررات و حتی بازنگری در نظم و نظام سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و راهبرد مقابله با انواع بی‌عالتی‌ها را برای عقب راندن موج گونه‌های مختلف بزهکاری و انحراف دنبال می‌کنند.

جرم‌شناسی انتقادی اما در آغاز هزاره سوم شاهد ظهور یک گرایش جدید در خود است که نسبت به جرم‌شناسی رادیکال سال‌های ۱۹۷۰ افراطی‌تر است تا جایی که مشروعیت علمی، عدلیت و حتی خود عنوان جرم‌شناسی را زیر سؤال می‌برد، زیرا معتقد است جرم‌شناسی، به لحاظ عنوان و محتوا، وامدار حقوق کیفری است و بنابراین، فقط به مطالعه واقعه یا پدیده جنایی یعنی انواع بزهکاری می‌پردازد که بخشی از صدمه‌ها و آسیب‌های اجتماعی و نه همه آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این گرایش جدید، با رویکردی عدالت اجتماعی مدار تأسیس رشته جدیدی را در آغاز سده بیست و یکم یا عنوان «آسیب (صدمه) اجتماعی‌شناسی»<sup>۲۶</sup> به جای جرم‌شناسی پیشنهاد می‌کند. «صدمه اجتماعی‌شناسان»، به صور خلاصه معتقدند که جرم، یک مفهوم مضیق است و بنابراین جرم‌شناسی، با توجه به عنوان و رسالت خود نمی‌تواند به مطالعه انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی دیگر بپردازد که گاه، آثار زیان‌بارتری از جرایم سنگین برای جامعه مردم و بزه‌دیدگان و قربانیان خود دارند؛ زیرا چنین آسیب‌هایی یا هنوز وصف مجرمانه ندارند یا در طبقه جرایم مهم دسته‌بندی نشده‌اند مانند جرایم زیست‌محیطی از جمله آلودگی هوا، مرگ‌ها، جراحت و معلولیت‌های ناشی از حوادث جاده‌ای و محیط‌گرد که تلفات انسانی و ضایعات اجتماعی - اقتصادی آن‌ها نسبت به قتل‌ها یا ضرب و جرح‌های عمدی، بسیار بیشتر است.

آسیب اجتماعی‌شناسان با تأکید بر آسیب‌های جسمانی، اقتصادی، روانی و فرهنگی به مطالعه فقر، نابرابری، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و تضاد میان منافع و مصالح طبقه صاحب سرمایه و قدرت، از یک سو و منافع و مصالح مردم، از سوی دیگر برای مطالعه رپی بردن به ریشه‌های مسائل اجتماعی جامعه از جمله انواع بزهکاری که نوعی آسیب اجتماعی محسوب می‌کنند، رو می‌آورند و بدین‌سان، اعتقاد دارند که وقت آن رسیده است که همان سرمایه‌گذارانی علمی و مادی که برای مطالعه جرایم تاریخی حقوق کیفری یعنی جرایم متعارف مانند قتل، سرقت مسلحانه، تجاوز جنسی، آدم‌ربایی و پیشگیری و تعقیب کیفری و جبران خسارات آن‌ها

۲۶. Zemology از واژه یونانی Zeuna به معنای آسیب، صدمه و زیان (اجتماعی) (Social harm) می‌آید. برای مطالعات بیشتر رگد. نجفی ارنندادی، علی حسین، از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی‌شناسی. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، سال ۱۳۹۰ (یادنامه شانزدهم دکتر رضا نورپویا)، ص ۱۰۱۵ - ۱۰۴۱. و نجام، نوانسواز: آسیب اجتماعی‌شناسی رشته جدید، ترجمه سیدحسین حسینی و ابوال محمدی، دائرةالمعارف علوم خنایی، کتاب دوم، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۹۲۴ و بعد.

صورت می‌گیرد، در مورد سایر آسیب‌های اجتماعی که شاید هنوز جرم‌انگیزی یا تخلف‌انگاری نشده‌اند نیز در نظر گرفته شود. به عنوان نمونه، همان‌صُور که برای کشف و تعقیب جرایم جنایی تاریخی، عدالت کیفری با ضابطان و قضات زیاد و نیز با امکانات قابل توجه تجهیز می‌شود، چرا برای پیشگیری از جرایم و تخلفات ارتكابی در کارگاه‌های تولیدی - صنعتی و کنترل آنها، در حوزه بازرسی و بازرسان کار و تقویت و گسترش مراجع رسیدگی تخصصی مربوط به همان اندازه سرمایه‌گذاری نمی‌شود؟ چرا برای گودگی هوا که ناشی از سوء مدیریت نهادهای عمومی یا بنگاه‌های خصوصی است و آثار و تلفات جسمانی - روانی گسترده‌ای دارند، بازرسان و بودجه کانی به کار گمارده و اختصاص داده نمی‌شوند و کنترل متناسب و مطالعات اساسی در سطح نهادهای علمی - اجرایی - قضایی معمول نمی‌گردد؟... آیا این، خود، نوعی تبعیض در برخورد آسیب‌شناسانه و پیشگیرانه در قبال چنین تخلفاتی در مقایسه با جرایم جنایی نیست؟... آیا مطالعه جرایم وقوع چنین حوادث و جرائمی مستقیماً خود دولت را پاسخگو نمی‌کند؟ آیا چنین جرایمی که از نظر کیفری و اجتماعی مهم محسوب نمی‌شوند، از آثار سوء تدبیرهای دولت‌ها نیست؟...

بدین سان، می‌توان گفت که صلحه اجتماعی‌شناسان در نهایت «عبور» از جرم‌شناسی ظهور یافته در اواخر سده نوزدهم و متحول شده در طول سده بیست و یکم را نوید می‌دهند و هم‌زمان رویکرد و قلمرو جرم‌شناسی را برای مطالعه آسیب‌های اجتماعی متنوع شده جوامع خطر سده بیست و یکم، دیگر مضیق و محدود می‌دانند.

رویکردهای انتقادی پیش‌گفته، اما روی هم رفته نتوانستند راهکارها و نظریه‌هایی ارائه کنند که بتوانند جایگزین جرم‌شناسی غالب با جرم‌شناسی جریان اصلی یا نحقی بشوند و جنبه جهانی به خود گیرند. ولی بی‌تردید، موجب تحول جرم‌شناسی و نیز حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی شدند.

پیدایش مفاهیم و مقوله‌هایی مانند قضا‌دایی، جرم‌دایی و کیفر‌دایی، جرم‌انگاری‌های جدید در حوزه محیط‌زیست و توجه سیاسی - حقوقی بیشتر به مسائل زیست‌محیطی، حقوق بشر، حقوق اقتصادی، حقوق کودکان و زنان، حقوق اقلیت‌های نژادی - قومی، تقویت حقوق دفاعی متهم و حقوق بزه‌دیدگان (دادرسی عادلانه - رفتار عادلانه یا کرامت‌مدار با بزه‌دیده)، انسانی یا عادلانه کردن پاسخ‌ها به بزهکاری، شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و... تقویت مطالعه جرم‌شناسی بزهکاری علیه زنان و کودکان، جرائم اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات، جرائم اقتصادی - مالی - دولتی‌ان ناشی از سوءمدیریت در واقع حاصل این تحولات است.

بدین ترتیب، جرم‌شناسی‌های انتقادی را می‌توان همچنان «جرم‌شناسی اقلیت» در کشورهای دموکراتیک به شمار آورد که مانند هر حرکت یا رویکرد اقلیتی دیگری موجب تحول و بازنگری در رویکرد و جریان اصلی و غالب در جرم‌شناسی می‌شود، ولی در نهایت طرح قابل جایگزینی در نمی‌آورد....

در چارچوب جرم‌شناسی اقلیتی باید به «کیفرشناسی نو» نیز اشاره کرد که بر احیای کارکرد فایده‌مند کیفر و جنبه ضرر و خشنی‌کنندگی آن تأکید می‌کند. در پرتو این رویکرد،



کیفرشناسی نو ژ سازوکارهای جرم‌شناسی مانند علت‌شناسی، پرونده شخصیت، حالت خطرناک و نهادهای حقوق کیفری مانند قرار تأمین، کیفر، آزادی مشروط، در واقع برای مدیریت ریسک تکرار جرم گروه‌های مجرم خطرناک یا ریسک ارتکاب جرم گروه‌های بالقوه خطرناک در معرض ریسک ارتکاب جرم مانند بیکاران، معتادان، بزهکاران، سابقه‌داران، مجردها، مرغان، نوجوانان و جوانان، بی‌سوان و بیگانگان با هدف کاهش نرخ بزهکاری و نه حذف بنیادی آن و نیز عقب راندن حمله بزهکاران از طریق مدیریت کیفری و مدیریت غیرکیفری با جرم‌شناختی ریسک جرم استفاده می‌کند. این رویکرد مدیریتی به جرم که منجر به تولد مفهوم «عدالت سنجشی - تخمینی - آماری» شده است را «جرم‌شناسی ریسک‌مدار» یا «جرم‌شناسی نو» نیز نامیده‌اند.<sup>۲۷</sup> سیاست جنایی ناشی از رویکرد ریسک‌مدار، تحت تأثیر ملاحظات سیاسی، اقتصادی و مطالبات امنیتی مردم از سیاستمداران و حاکمان، گاه تا مرز عوام‌گرایی - توده‌گرایی، سیاست‌زدگی یا امنیت‌گرایی نیز پیش رفته است.<sup>۲۸</sup>

با توجه به بحران اقتصادی و اجتماعی کنونی حاکم بر کشورها به نظر می‌رسد که رویکرد انتقادی - مبارزاتی - مطالباتی در حوزه جرم‌شناسی و حقوق کیفری، دست‌کم در جوامعی که به آزاداندیشی و اندیشه‌ورزی آزاد و متفاوت اندیشیدن پژوهشگران نسبت به تفکر حاکمان، احترام می‌گذارند - یعنی در جوامعی که علم در آن‌ها دولتی و به عبارت دیگر دستوری نشده است، همچنان به حیات خود ادامه دهد و موجب گشوده شدن محورهای مطالعاتی جدید در حوزه جرم‌شناسی، حقوق کیفری و به طور کلی سیاست جنایی شود که از سوی دیگر، فرآیند جهانی شدن را می‌گذرانند.

### ج - جرم‌شناسی جهانی<sup>۲۹</sup>

دامنه مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی، با گسترش پدیده یا فرایند جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ و حقوق بشر در آغاز هزاره سوم، به حوزه جرایم فراملی یا جهانی شده نیز انتقال یافته است. به عبارت دیگر، اگر تا این اواخر، دل‌نگرانی عمده جرم‌شناسی، مطالعه جرمی داخلی بود که متأثر از خصوصیات اجتماعی - فرهنگی و جغرافیایی یک کشور مانند کودکان‌آزاری، سرقت، قتل و اختلاس است، امروزه با جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حقوق بشر و به دنبال آن، کمرنگ شدن مرزهای سیاسی میان کشورها مانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و اتحادیه آفریقا، شاهد جهانی شدن بعضی مظاهر بزهکاری هستیم که به طور عمده جنبه مالی - اقتصادی - سیاسی دارند و توسط مرتکبان چندملیتی به

۲۷. یاک‌نهای، امیر: سیاست جنایی ریسک‌مدار، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸، ص ۱۵۷ تا

ص ۱۶۰؛ ضوایی، سید به، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، نشر میزان، ۱۳۹۱.

۲۸. نجفی برون‌آبادی، علی حسین، درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا (دباجد)، در: لازر، کریستین،

درآمدی بر سیاست جنایی، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۲، ص ۵۱ تا ۶۲؛ نجفی برون‌آبادی، علی حسین،

از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی (تقریرات) در: [www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir)

طور سازمان یافته یا در قالب گروه‌های ساختارمند جنایی ارتکاب می‌یابند. پولشویی، قاچاق انسان و اعضای بدن انسان، قاچاق مهاجران، قاچاق اشیاء تاریخی و گونه‌های نادر حیوانی، قاچاق تسلیحات، برده‌داری و بهره‌کشی جنسی از زنان و کودکان و اعمال تروریستی از جمله جرایم فراملی هستند که ساختار آنها جهانی است، یعنی هیچ جامعه‌ای از آنها مصون نیست، چندان که دولت‌ها برای مبارزه‌گرآمد و اثربخش با آنها، ناگزیر می‌شوند. نظام کیفری خود را زنگنه‌الحاق به کنوانسیون‌ها یا امضاء تفاهیم‌نامه‌ها یا قراردادهای امنیتی در این حوزه به هم نزدیک و با یکدیگر هماهنگ کنند.<sup>۳۰</sup> سازمان ملل متحد، به سهم خود، با فعالیت‌های علمی در چارچوب مؤسسه‌های پژوهشی قاره‌ای و منطقه‌ای وابسته به خود، برگزاری منظم کنگره‌های پنج سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری از سال ۱۹۵۵ و تنظیم و تصویب کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها، رهنمودها و... یعنی اسناد لازم‌آور و ارشادی، از یک سو یافته‌ها و آورده‌های مطالعاتی در حوزه علوم جنایی تجربی یعنی جرم‌شناسی، بزه‌دیده‌شناسی و کیفرشناسی را جهانی و به دولت‌ها عرضه می‌کند و از سوی دیگر، نتایج مطالعات جرم‌شناسی جرایم جهانی را در سطح دولت‌ها ارتقا و توسعه می‌بخشد چندان که بعضی مؤلفان این اقدام‌ها را جرم‌شناسی آبی (به زبان انگلیسی، به لحاظ رنگ آبی پرچم این سازمان) یا جرم‌شناسی سازمان ملل متحد (به زبان فرانسه) نام نهاده‌اند.<sup>۳۱</sup>

بدین‌سان، مطالعه ماهیت و جنبه‌های جرم‌شناختی جرایم جهانی نیاز به جهانی فکر کردن و رویکرد مطالعاتی تحقیقاتی منطقی‌ای - فراملی دارد، چنانکه جرم‌شناسان کشورهای مختلف، نیاز به کسب اطلاعات از خصوصیات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و آمار جنایی جوامع یکدیگر و تبادل نتایج تحقیقات خود و همکاری تنگاتنگ در این زمینه دارند. بدین ترتیب، جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی - دستکم در مورد چنین جرایمی - به سمت جهانی شدن می‌رود.<sup>۳۲</sup> جهانی شدن بزهکاری، به حق، جهانی شدن جرم‌شناسی یعنی «جرم‌شناسی جرایم جهانی شده» یا جرم‌شناسی جهانی را می‌طلبد.

فضا یا محیط سایبر، به نوبه خود، ضمن فراهم ساختن زمینه پیدایش جرایم جدید و آلت یا وسیله‌ای نو برای ارتکاب جرایم متعارف، فرآیند جهانی شدن بزهکاری را نیز تسریع کرده و شدت بخشیده است.

۳۰. یعنی برنده‌آبادی. علی حسین، جهانی شدن بزهکاری، (دیباچه)، در: فاطمی، عباس، قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و امتداد بین‌المللی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۳ تا ص ۱۸؛ فرادکوس، کانیا، جهانی سازی جرم، ترجمه بابایی و عباسی، انتشارات مجد، ۱۳۹۰، کرمی پور سیان، عباس، پیشگیری از جرم در موانع نامنه‌های همکاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.

۳۱. Reda, S. M., *Blue Criminology, The Power of United Nations Ideas to counter crime globally, A monographic study*, Heuni, Helsinki, 2012.

۳۲. بابایی، محمدعلی، جهانی شدن جرم: ضرورتی پیش روی مطالعات و تحقیقات جرم‌شناختی، آرمزهای حقوق کیفری، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱، سال ۱۳۹۰، ص ۱۰۵ تا ص ۱۲۶.

## ۵ - جرم‌شناسی سایبری

جرم‌شناسی در آغاز سده بیست و یکم با محیط یا فضای جدیدی روبرو شده است که فرایند جهانی شدن را، به طور کلی و جهانی شدن بزهکاری را؛ به ویژه تسریع و تسهیل کرده است. بدین ترتیب، «محیط مجازی» که بسیاری از فعالیتها، روابط و داد و ستدها و اعمال انسان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات و حتی دولت‌ها، امروزه به آن منتقل شده‌اند، یا آثار واقعی در و بر محیط حقیقی، در واقع به «محیط طبیعی، محیط اجتماعی شخصی و عمومی» اشخاص افزوده شده است. زیرا امکان‌گذار از محیط‌های حقیقی به محیط مجازی و بالعکس برای ارتکاب جرم نیز از نگاه و توجه بزهکاران مغفول نمانده است. بدگونهای که نه تنها پیش از پیش جرایم سنتی در محیط‌ها یا به وسیله محیط‌های سایبری ارتکاب پیدا می‌کنند، بلکه شاهد ارتکاب جرایم خاص مرتبط با این محیط نیز هستیم که قانونگذاران برای تأمین امنیت فضای مجازی و محیط‌های حقیقی ناگزیر از وضع آنها شده‌اند.

دوزیست شدن انسان‌ها - «زیست حقیقی» و «زیست مجازی» یا سایبری یا دوگانه شدن فعالیت‌ها و روابط اشخاص و به تبع آن‌ها، دوگانه شدن بزهکاری و در نتیجه، ظهور بزهکاران بزه‌دیدگان، بزه‌دیدگان سایبری - جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان جنایی را به سوی مطالعه علت‌شناختی و نشانی‌برنمایی در حوزه بزهکاری سایبری سوق داده است.<sup>۳۳</sup> در سال‌های پیش رو، بی‌تردید شاهد گسترش مطالعات در «جرم‌شناسی و بزه‌دیدندشناسی سایبری»<sup>۳۴</sup> خواهیم بود. زیرا امنیت ملی کشورها و امنیت بین‌المللی جامعه جهانی پیش از پیش نه تنها از سوی بزهکاری و بزهکاران جهانی، بلکه از جانب جرایم سایبری و بزهکاران فعال در حوزه فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات یعنی مجرمان سایبری در معرض تهدید جدی است.

در همین چارچوب، تهدید مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی برای امنیت ملی جوامع دموکراتیک و نیز امنیت بین‌المللی قابل بررسی است.

## ۵ - جرم‌شناسی فراملی

موضوعی که جرم‌شناسان تاکنون از پرداختن به آن غفلت کرده‌اند و به نظر می‌رسد که در آغاز هزاره سوم دل‌نگرانی برخی از آنان را شکل داده است<sup>۳۵</sup>، مطالعه جرم‌شناختی جنایات

۳۳. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی، (دیباچه)، در: پیکا، زور، جرم‌شناسی، انتشارات میزان، چاپ سوم، سال ۱۳۹۲، ص ۹ تا ص ۱۷؛ ماتیور، ویلیام، بزهکاری مجازی، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و محبوبه منفرد، چاپ اول، نشر میزان، پاییز ۱۳۹۱؛ نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، دربار، بزهکاری و جرم‌شناسی سایبری (گفتگو)، مجله تمان حقوق، شماره ۳۶، ۱۳۸۸.

34. Jaishankar, E. (Edit). Cyber criminology, Exploring Internet Crimes and Criminal Behavior, CRC Press, Taylor and Francis Group, 2011, 452 Pages.

35. Smeulers, Alette and Haveran, Roelof [Edits], Supranational criminology:

موضوع حقوق بین‌الملل کیفری، مرتکبان و بزهدیدگان آنهاست. جامعه بین‌المللی، پس از دهه‌ها تلاش حقوقدانان و سیاسیون و تجربه ایجاد چند دادگاه کیفری بین‌المللی خاص (موقت)، سرانجام صاحب عدالت کیفری بین‌المللی در واقع دائمی با عنوان «دیوان کیفری بین‌المللی» در سال ۱۹۹۸ شد. این دیوان، همان‌طور که می‌دانیم، صلاحیت رسیدگی به مورد نقض شدید و گسترده مقررات نظام حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را دارد که با وصف‌ها و عنوان‌های کلی «جنایات علیه بشریت» مانند قتل، قلع و قمع، تجاوز جنسی، شکنجه و اذیت کردن افراد به انجام اعمال و حرکات غیرانسانی، انتقال و کوچ اجباری افراد، «نسل‌کشی» (ژنوساید) و «جنایات جنگی» مانند کشتن، قتل و تخریب شهرها و روستاها بدون ضرورت نظامی مشخص شده‌اند.<sup>۳۶</sup>

جامعه بین‌المللی در سال‌های اخیر، در کنار تجربه ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت و دیوان کیفری بین‌المللی، تجربه تشکیل دادگاه‌های کیفری مختلط یا بین‌المللی شده مانند دادگاه سیرالئون و دادگاه کامبوج و کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و آشتی را نیز در کارنامه خود دارد.

بدین‌سان، تأسیس مراجع قضایی کیفری بین‌المللی، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و آشتی، به دنبال فروپاشی نظام سیاسی آپارتاید در آفریقای جنوبی، و نیز سقوط دولتهای اقتدارگرای عربی - آفریقایی و وقایع متعاقب آن در چند سال اخیر در واقع حاکی از افزایش میزان جنایات بین‌المللی و ضرورت مبارزه با بی‌کیفرمانی مرتکبان آن‌ها و نیز جبران خسارات و ترمیم درد و رنج‌های گسترده روانی و عاطفی قربانیان آنیوه چنین جنایاتی به عنوان اعضای خانواده بشری است. ولی از آنجا که تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی که، به طور عمده، سردمداران دولت‌های اقتدارگرا و عوامل آنها هستند، تاکنون، مانع از ارتکاب جنایات جدید نشده است، چنانچه اصول، نظریه‌ها، یافته‌ها و رویکردهای جرم‌شناسی به کمک عدالت کیفری بین‌المللی برای مقابله آگاهانه با آن‌ها یعنی تعریف راهبرد مبتنی بر مطالعات جرم‌شناختی مرتکبان و بزهدیدگان جرم بین‌المللی بشناختن، به ویژه این که قانونگذاران کشورهای دموکراتیک از جمله فرانسه این اعمال را در حقوق کیفری خود نیز جرم‌انگاری کرده‌اند.

در این چارچوب، رسالت جرم‌شناسی فرامای یا جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی<sup>۳۷</sup>، یعنی مطالعه علت‌شناسانه مظاهر جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی، تجاوز و

→  
towards a criminology of international crimes, Intersentia, Antwerp - Oxford - Portland, 2008 593 Pages; [Supranationalcriminology.org](http://Supranationalcriminology.org).

۳۶. گفتنی است که فرار است دیوان از سال ۲۰۱۷ به جنایت تجاوز نیز رسیدگی نماید. به موجب ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) رسیدگی به جرم تجاوز نظامی در صلاحیت این دیوان است.

37. *Supranational Criminology/Criminology of International Crimes*.

سیاست‌ها و رفتارهایی که ماهیت و آثار مشابهی با جنایات بین‌المللی دارند مانند اعمال تروریستی با ماهیت‌های مختلف و نیز بررسی نظام کیفری بین‌المللی و ساز و کارهای غیرکیفری مقابله با جنایات در پرتو رویکردهای جرم‌شناسی باید با محورهای مطالعاتی خاص خود مشخص شود.<sup>۳۸</sup> از جمله ویژگی‌های جرم‌شناختی - بزه‌دیده‌شناختی جنایات بین‌المللی، مطالعه اوضاع و احوال مشرف بر زمان ارتکاب جرم، خصوصیات شخصی - عمومی مرتکبان و بزه‌دیدگان، نقش و سهم دولت‌ها و نهادهای عمومی در ارتکاب این جنایات، انگیزه سیاسی - ایدئولوژیک مجرمان که کارگزاران حکومتی هستند، رابطه بزهکاران- بزه‌دیدگان، نقش و سهم سازمان‌های بین‌المللی، نقش دولت‌های خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نقش بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی، تولیدی، صنعتی، خدماتی چندملیتی در وقوع جنگ‌ها، کودتاهای انقلابی و به قدرت رساندن دولت‌های اقتدارگرا که منجر به ارتکاب جنایات علیه انسانیت در کشورها می‌شود...

افزون بر این، «جرم‌شناسی بین‌المللی» می‌تواند با استفاده از اندوخته‌های نظری - علمی «جرم‌شناسی ملی» به پرسش‌هایی که درباره جنایات بین‌المللی مطرح می‌شود نیز پاسخ دهد: آیا می‌توان برای جنایتکاران بین‌المللی که «دشمنان بشریت» محسوب می‌شوند برنامه‌های بازپروری و بالینی تعریف کرد؟ آیا اصولاً اصلاح آن‌ها به منظور پیشگیری از تکرار جرم می‌تواند موضوعیت داشته باشد؟ آیا نظریه‌های «جرم‌شناسی ملی» یا داخلی می‌توانند برای تبیین جنایات بین‌المللی استفاده شوند؟ آیا پیشگیری اجتماعی و وضعی در حوزه جرم‌شناسی بین‌المللی نیز قابل طرح است؟ پیشگیری از جنایات بین‌المللی باید به چه ساز و کارهایی مجز شود؟ اگر بپذیریم که عمده جنایات بین‌المللی در کشورهایی به وقوع می‌پیوندد که دارای نظام‌های سیاسی اقتدارگرا هستند،<sup>۳۹</sup> آیا جرم‌انگاری تأسیس و شرکت در اداره چنین نظام‌های سیاسی - به عنوان جرم مانع -، از یک سو و مطالعه ماهیت جرم‌شناختی این نظام‌ها، به عنوان محیط اجتماعی عمومی مؤثر بر ارتکاب جنایاتی چون شکنجه، سرکوب، اختناق، بازداشت‌ها و توقیف‌های خودسرانه، قلع و قمع دگراندیشان سیاسی از سوی دیگر ضروری نمی‌نماید و به پیش‌بینی و پیشگیری از این‌گونه جنایات کمک نمی‌کند؟...<sup>۴۰</sup>

38. Smeulers and Haveeman (Edits.), op. cit., P. 15.

۳۹. در جامعه‌شناسی جنایی: محیط اجتماعی عمومی - یعنی محیط دارای آثار مشترک برای همه شهروندان - شامل نظام سیاسی، نظام اقتصادی و نظام فرهنگی حاکم بر هر جامعه می‌شود که از یک سو، به جرایم ارتکابی در جامعه از نظر گونه، ماهیت، کیفیت و کمیت، شکل و جهت می‌دهد، چنانکه جرایم رایج در یک کشور دموکراتیک با جرایم رایج در یک دولت اقتدارگرا متفاوتند (رک. گنسن، رمون، جرم‌شناسی نظری: ترجمه مهدی کبیری، نشرات مجد، ۱۳۷۴، ص ۲۰ تا ص ۲۹) و از سوی دیگر، خود سرمداران و کارگزاران نظام اقتدارگرا، برای استمرار و حفظ نظم و منطقت خود، ناگزیر از توسل به شیوه‌های نامتعارف حکمرانی یا استفاده گسترده از نهاد‌های نظامی، شبه‌نظامی، پلیسی و شبه‌پلیسی و امنیتی می‌شوند که همگی علیه کرامت انسانی شهروندان به کار گرفته شده و مصداق بارز تحقیر انسانیت انسانها است (جرایم دولتی علیه حقوق شهروندی یا علیه حقوق ملت). در خصوص موضوع اخیر، همچنین رک. راس، جنری ایان،

## نتیجه‌گیری

از یک سو، جرم‌شناسی بزهکاری سایبری (جرم‌شناسی سایبری)، جرم‌شناسی بزهکاری جهانی شده (جرم‌شناسی جهانی) و جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی (جرم‌شناسی فراملی) در کنار رویکردهای انتقادی - مطالباتی - میارزاتی جرم‌شناسانه علی در بستر بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سده بیست و یکم در حال گسترش هستند و از سوی دیگر، فنی یا تخصصی شدن جوامع به دنبال ظهور ارزش‌ها و مصالح فنی ناشی از اختراعات نوآوری‌ها و فن‌آوری‌های مختلف و نیز تأکید بر کرامت انسانی افراد به تجزیه و شاخه شاخه شدن جرم‌شناسی - همچون فنی و پاره پاره شدن حقوق کیفری اختصاصی: عمومی و آیین دادرسی کیفری در سال‌های اخیر مانند حقوق کیفری محیط‌زیست، حقوق کیفری سایبر؛ حقوق کیفری اقتصادی - منجر می‌شود.

ولی جوامع انسانی، در چنین بستر و شرایطی: همچنان به مطالعات و تحقیقات علمی - تجربی - میدانی جرم‌شناسی برای تبیین و حل معمای جرم و مجرم شدن افراد و راهکارهای بالینی منطبق با تحولات علمی روز نیاز دارند. به عبارت دیگر، فنی یا افتراقی شدن حقوق کیفری بر اساس نوع جرم، بزه‌دیده یا مرتکب جرم<sup>۳۱</sup> و به عبارات آن، فنی یا تخصصی شدن مطالعات جرم‌شناسی و تولد جرم‌شناسی‌های فنی - تخصصی بر اساس وقوع تحولات اساسی در بزهکاری و نیمرخ بزهکاران در سده بیست و یکم، ما را از اصول عمومی و مفاهیم حقوق کیفری و جرم‌شناسی جریان اصلی یا کلاسیک - به تعبیر جرم‌شناسان منتقد - دور و بی‌نیاز نخواهد کرد.

→

تحولات جرم‌شناسی: ترجمه حسین فلاهی، انتشارات سمت، چاپ اول، سال ۱۳۸۸، ص ۲۵۱ تا ص ۳۱۳.

۳۱. برای مطالعه در حوزه بزهکاری اقتصادی رگ. مهدوی‌نور، اعظم، افتراقی شدن سیاست کیفری در دایره بزهکاری اقتصادی: نشر میزان، پاییز ۱۳۹۰؛ جعفری، امین، حقوق کیفری کسب و کار. مؤسسه شهر دانش، ۱۳۹۳. در حوزه آیین دادرسی کیفری، رگ. گمن، رنون، ملاحظه‌هایی درباره هدف آیین دادرسی کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷ - ۵۶، سال ۱۳۸۵، ص ۳۶۵ تا ص ۳۶۸. در حوزه حقوق محیط‌زیست: رگ. عبد الهی، محسن، حقوق کیفری، محیط‌زیست، انتشارات روزبه، زمستان ۱۳۸۸. در حوزه حقوق پزشکی، رگ. عباسی، محمود، حقوق جزای پزشکی، انتشارات حقوقی، چاپ دوم، ۱۳۸۹. در حوزه حقوق سایبری، رگ. عالی‌پور، حسن، حقوق کیفری فن‌آوری، اطلاعات، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۰. در حوزه حقوق طفل، رگ. عیاشی، فریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، نشرات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸؛ نیازپور، امیرحسین، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، نشر میزان، ۱۳۹۳. در حوزه حقوق کار، رگ. زراعت، عباس، حقوق کیفری کار، انتشارات جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۹۰. در حوزه مواد مخدر، رگ. زراعت، عباس، حقوق کیفری مواد مخدر، انتشارات ققنوس، چاپ اول، اسفند ۱۳۸۶.

## پسگفتار

دانشنامهٔ جرم‌شناسی، در واقع، بین سال‌های ۷۶ - ۱۳۷۴ خورشیدی به رشتهٔ تحریر درآمده و ویراست نخست آن در سال ۱۳۷۷ در انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری انتشارات کتابخانهٔ گنج‌دانش، به زیر طبع رسته شده است. ویراست دوم دانشنامهٔ جرم‌شناسی، یعنی اثر پیش‌رو، با اصلاحات ویرایشی در متن آن، افزودن واژهٔ «جامعه‌شناسی کیفری» به مدخل‌های موجود و تنظیم کتابشناسی مرتبط با این مدخل‌ها - با هدف فراهم کردن امکان مطالعات پیشرفته‌تر و روزآمدتر دربارهٔ هر یک از آن‌ها - در قالب چهارده فصل با عنوان‌های: «بزه‌دیده‌شناسی، علوم جرم‌پایی (علوم شعبین عدالت کیفری)، جرم‌شناسی عمومی، حقوق کیفری و جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان، روان‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی و جامعه‌شناسی کیفری، جرم‌شناسی بانثی، جرم‌شناسی پزشکی، کیفرشناسی، سیاست جنایی - سیاست کیفری، فلسفهٔ کیفری، تاریخ حقوق کیفری و تاریخ تحولات کیفری، جرم‌شناسی سایبری، بزه‌دیده‌شناسی سایبری و جرم‌شناسی جرایم اقتصادی» در انتهای کتاب تقدیم پژوهشگران علوم جنایی می‌شود.

بدین ترتیب، واژه‌ها، بعضی مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با تحولات اخیر جرم‌شناسی - به ویژه ظهور و گسترش رویکردها و نظریه‌های جرم‌شناسی انتقادی، جرم‌شناسی سایبری، جرم‌شناسی جبهاتی و جرم‌شناسی فراملی به‌عنوان مختصر در این درآمد معرفی و بررسی شد. از فرصت استفاده می‌کنیم و از آقای مجید صادق‌نژاد نابینا، دانشجوی پژوهشگر و باخلاق دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکدهٔ حقوق دانشگاه شهید بهشتی که با حوصله، اقدام به گردآوری و تنظیم کتابشناسی مدخل‌ها و نیز مقابلهٔ متن نهایی، با متن اصلاح شدهٔ دانشنامهٔ جرم‌شناسی کرده است، از همکاران پژوهشگر و باخلاق، آقایان دکتر شهرام ابراهیمی و دکتر بهزاد رضوی‌فرد که زحمت بازخوانی این درآمد را متقبل شدند و از آقای گنج‌دانش، مدیر محترم انتشارات پایگاه کتابخانهٔ گنج‌دانش که با علاقه، پیگیری و مشوق اینجانب برای تجدید چاپ اثر پیش‌رو بودند و از همکارانشان به لحاظ دقت و سرعت در حروفچینی، چاپ و انتشار مطلوب آن، از صمیم قلب سپاسگزاری می‌نمایم.<sup>۲۱</sup>

علی حسین نجفی ایرندآبادی

تهران، یکشنبه ۳ مهر ۱۳۹۰ خورشیدی

۲۱. گفتمی است که این درآمد به مناسبت چاپ سوم دانشنامه، از نظر شکلی و ماهوی بازبینی و روزآمد شده است. از آقای حمیدرضا حیدریپور، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی که درآمد را بازخوانی و بازامی موارد ویرایشی پیشنهاد نمودند و از آقای حامد صفائی آنگاه، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی که زحمت استخراج اصلاحات کتاب، اضافه کردن سواد قانونی مربوط به بعضی مدخل‌ها و روزآمدسازی کتابشناسی فارسی دانشنامه جرم‌شناسی به ویژه در حوزه جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی سایبری را پذیرفتند و از آقای هاجر مجید صادق‌نژاد نابینا هم که در تکمیل و تنظیم منابع کتابشناسی توشیحانه نیز سپاسگزاری می‌کنیم.

علی حسین نجفی ایرندآبادی

تهران، ۱۰ دی ۱۳۹۳ خورشیدی

## از جرم‌شناسی تا دانشنامه جرم‌شناسی

(درآمد ویراست نخست)

جوامع انسانی همواره با پدیده‌های مجرمانه و منحرفانه و به طور کلی هنجارگریزی، روبرو هستند. جوامع، همواره افرادی را در میان اعضایشان دارند که منافع مادی خود را از طریق نقض قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی تأمین می‌کنند و بالاخره جوامع انسانی نیز، برای ادامه حیات و تحول موزون نظم عمومی خود، همواره با این قبیل افراد، به عنوان بزهکار یا مجرم، مقابله کرده و علیه آنان از خود واکنش نشان می‌دهند. بنابراین پدیده مجرمانه، عمری به قدمت اجتماعات انسانی دارد، لیکن اشکال آن، برحسب زمان از یک سو و ماهیت، میزان رشد و پیشرفت هر جامعه از سوی دیگر متفاوت است.

استمرار جرم، به رغم اتخاذ و اعمال تدابیر و واکنش‌های تنبیهی بر ضد مهاجران آن، همواره اندیشمندان، فلاسفه و مصلحین اجتماعی را بر آن داشته است تا درباره «معمای» بزد - و طبیعتاً بزهکار - به تفکر بپردازند و برداشت‌ها و راه‌کارهایی درباره ماهیت، علل و نحوه مقابله با آن ارائه دهند. بدین ترتیب مکاتب اخلاقی و فلسفی گوناگونی به وجود آمدند که تلاش‌های ذهنی و انتزاعی خود را پیرامون تبیین علل، عوامل و حل معماری جرم به کار گرفته‌اند.

پیشرفت علوم و دانش بشری، به ویژه شکوفایی علوم انسانی در سده نوزدهم، امکانات جدید را برای مطالعه ماهیت و علل وقوع بزه فراهم کرد. جمع‌آوری و تدوین آمار جنایی که ابتداء با گردآوری آمار محکومیت‌های کیفری در فرانسه آغاز شد، در واقع، با استفاده از داده‌ها، روش‌ها و الگوهای مطالعاتی دانش ریاضی در آغاز سده نوزدهم صورت گرفت. کتله و گری دوشانف، با تکیه بر همین آمارها، پدیده مجرمانه را به عنوان یک کل - در قالب «بزهکاری قضایی» یا «بزهکاری قانونی»، و چگونگی توزیع و ارتباط آن با شرایط جغرافیایی، اقلیمی و آب و هوایی هر منطقه، در کشور فرانسه بررسی کردند و به دنبال آن، مکتب جغرافیای جنایی را بنا نهادند. بعدها، روش‌ها و الگوی مطالعاتی علم پزشکی به دکتز چزاره (سزار) لمبروزو امکان داد تا در ایتالیا و در اواخر سده نوزدهم، فرد بزهکار و ارتباط قیافه و اندازه اندام‌های مختلف و به ویژه خصوصیات ورثی (نیاکانی) و فیزیولوژیکی او را با پدیده فردی «جرم» مطالعه کند. این دیدگاه تحقیقی یا اثباتی در ارتباط با پدیده مجرمانه که در اثر



مشهور لمبروزو تحت عنوان «انسان و به تعبیر دیگر، مرد بزهکار» (۱۸۷۶) منعکس شد، مورد توجه دانشمندان دیگر از جمله فرژی (جامعه‌شناس) و گاروفالو (حقوقدان) قرار گرفت. گاروفالو با ترکیب مطالعات و پژوهش‌های بنیانگذاران دیدگاه تحقیقی درباره پدیده مجرمانه، که خود از جمله آنان بود، کتاب «جرم‌شناسی» را در سال ۱۸۸۵ منتشر نمود.

بدین سان، به دنبال مشاهدات یکپاره و گری دوشائف پیرامون پدیده بزهکاری از یک سو و یافته‌های مطالعات لمبروزو و تا حدی پژوهش‌ها و آثار فرژی و گاروفالو درباره بزه و بزهکار از سوی دیگر، رشته جدیدی در علوم انسانی به وجود آمد که موضوع آن «مطالعه جرم و علل و رادکارهای مقابله با آن» یا استفاده از روش مشاهده، تجربه و آزمایش بود. این رشته علمی که ابتدا تحت تأثیر مطالعات دکتر لمبروزو «انسان‌شناسی جنایی» نام گرفت، به تدریج با تحول دیدگاه تحقیقی و با اقتباس از عنوان اثر گاروفالو، «جرم‌شناسی» نامیده شد.

بدین ترتیب، پیداست که عمر جرم‌شناسی علمی بیش از یک سده است و از طریق عملی‌سازی رسالت خود یعنی مطالعه عوامل و فرآیندهای ارتکاب جرم، با استفاده از روش‌ها و الگوهای معمول در رشته‌های مطالعاتی دیگر و متحول شده است. به همین جهت است که جرم‌شناسی را به چهارراهی تشبیه کرده‌اند که رشته‌های علمی مختلف از آن می‌گذرند و جرم‌شناسی از آنها در جنبه‌های روش‌شناسی و نظریه‌ها اقتباس می‌کند و الهام می‌گیرد و باز به همین لحاظ است که به جای جرم‌شناسی، از «علوم جرم‌شناختی» شامل زیست‌شناسی جنایی، روانپزشکی جنایی، جرم‌شناسی روانکاوانه، روانشناسی جنایی و جامعه‌شناسی جنایی (جرم‌شناسی‌های تخصصی) نیز سخن به میان آورده‌اند.

در دهه‌های پایانی سده نوزدهم، به ابتکار بنیانگذاران مکتب تحقیقی و به ویژه به همت دکتر لمبروزو، گردهمایی‌های بین‌المللی سالیانه‌ای در ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی، تحت عنوان «کنگره بین‌المللی انسان‌شناسی جنایی» برگزار می‌شد که هدف عمده آنها شرح نظرات و یافته‌های مطالعات و پژوهش‌های آنان در قلمرو جرم و نیز معرفی اصول و مبانی جرم‌شناسی عمومی - که مطالعات خود را بر علت‌شناسی جنایی و نیز پویایی و پدیده مجرمانه متمرکز می‌کند - در سطح بین‌المللی بود. این گردهمایی‌ها که با شروع جنگ اول جهانی متوقف شد، با تأسیس «جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی» که در سال ۱۹۲۴ - یعنی اندکی قبل از آغاز جنگ دوم جهانی - به ابتکار دی‌تولیو، جرم‌شناس ایتالیایی صورت گرفت، دوباره مورد توجه واقع گردید و قرار شد از آن پس، هر پنج سال یک بار تحت عنوان «کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی» تشکیل شود.

در دومین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی که به علت وقوع جنگ دوم جهانی، با تأخیر در سال ۱۹۵۰ در پاریس برگزار شد، در کنار جرم‌شناسی نظری یا جرم‌شناسی عمومی، درباره مبانی و رسالت‌های جرم‌شناسی کاربردی در آن زمان یعنی جرم‌شناسی بالینی نیز بحث و تبادل نظر صورت گرفت و مسأله مطالعه بزهکاران به منظور «اصلاح و درمان» آنان در دوران

تحمیل مجازات، موضوع مطالعات جرم‌شناسی از نوع اخیر قرار داده شد. بدین ترتیب قلمرو جرم‌شناسی، به مطالعه ماهیت و چگونگی اجرای انواع مختلف «وکش اجتماعی» علیه جرم و کارکردهای بازپرورانه و اصلاحی آن نیز تسری داده شد.

از آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی، جرم‌شناسی و به طور عمده جرم‌شناسی آمریکای شمالی، تحت تأثیر دیدگاه جپی (مارکسیستی) و نیز ملاحظات حقوق بشری، دامنه مطالعات انتقادی خود را به واکنش اجتماعی بر ضد جرم و چگونگی اعمال آن، نهادهای پلیسی، قضایی، زندان‌ها و مؤسسات مشابه و حتی نهاد قانونگذاری و خود قانون مجازات، به عنوان عواملی که مستعد فراهم کردن زمینه جرم و مجرم شدن افراد - به ویژه تکرار جرم - و بروز انحرافات اجتماعی هستند نیز گسترش داد. این تحول که موضوع مطالعات «هفتمین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی در بلگراد (ایتخت یوگسلاوی سابق) (۱۹۷۳) بود، نقطه عطفی در جهت‌گیری‌های مطالعاتی - تحقیقاتی این رشته محسوب می‌شود. در همین دهه، «پژوهش‌های سنجشی» یا تحقیقات ارزیابی کننده درباره کارایی و کارنامه عملکرد قوانین و مقررات مختلف کیفری، دادگاهها، بخش‌های مختلف پلیس و زندان‌ها و به طور کلی مجازات‌ها در قلمرو جرم‌شناسی به عمل آمد که به نوبه خود تحولات بزرگی را در قانونگذاری کیفری و نحوه کار نهادهای مختلف نظام کیفری به وجود آورد.

مطالعه بزه‌دیده، شخصیت و نقش او در وقوع جرم، و بنابراین، نقش بزه‌دیده به عنوان عامل انسانی‌ای که در خلق و ارتکاب جرم، سهیم است، در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در سطح گسترده‌ای، مورد توجه جرم‌شناسان، به ویژه در آمریکای شمالی قرار گرفت، به طوری که جامعه بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی نیز برای ارتقاء این دیدگاه در اوایل سال‌های ۱۹۸۰ تأسیس گردید. بدین ترتیب، بزه‌دیده‌شناسی، یعنی مطالعه علمی علل بزه‌دیدی و نیز نقش و سهم بزه‌دیده در فرایند ارتکاب جرم، به صورت گرایش جدیدی در تحقیقات و مطالعات جرم‌شناسان مورد توجه واقع شد. پیداست که هر یک از گرایش‌های تحقیقاتی - مطالعاتی جرم‌شناسی، تأثیرات غیرقابل انکاری بر حقوق کیفری و به طور کلی، بر سیاست جنایی و تحولات آن‌ها در دهه‌های اخیر گذاشته است.

\* \* \*

بدین‌سان، می‌توان نتیجه گرفت که جرم‌شناسی علمی، اولاً در مجموع، رشته‌ای نوپاست و برای مطالعه موضوع خود، از روش‌های معمول در سایر رشته‌ها بهره می‌برد؛ ثانیاً گرچه در اواخر سده نوزدهم در (ایتالیا و اروپای غربی) متولد شد و تحقیقات درباره جرم را در سایر کشورها از جمله آمریکای شمالی تحت تأثیر قرار داد ولی تحولات و گرایش‌های جدید آن - به ویژه پس از جنگ دوم جهانی - در ایالات متحده آمریکا و کانادا متجلی می‌شود و سپس جهت‌گیری‌های مطالعاتی جرم‌شناسی را در دیگر کشورها، به ویژه کشورهای اروپایی شکل می‌بخشد.

اثر حاضر، شامل توصیف و تحلیل مهمترین اصطلاحات، مفاهیم و نظریه‌های جرم‌شناختی و نیز معرفی آن دسته از پژوهشگران و دانشمندانی است که به جرم‌شناسی، جان و روح بخشیده‌اند و موجبات تحول تدریجی نگرش علمی و نحوه برخورد سنجیده نسبت به جرم را فراهم کرده و دامنه و افق اطلاعات و شناخت راجع به پدیده مجرمانه را توسعه داده‌اند.

\* \* \*

دانشنامه جرم‌شناسی، در واقع سه رسالت عمده را دنبال می‌کند: نخست، آشنا کردن پژوهشگران و به ویژه دانشجویان حقوق، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی انحرافات و... با مهم‌ترین و روزآمدترین نظریه‌ها و مفاهیم و نیز تحقیقات معمول در جرم‌شناسی؛ دوم، آشنا کردن آنان با زبان تخصصی جرم‌شناسی؛ و بالاخره برانگیختن روح کنجکاوی علمی - پژوهشی علاقمندان برای انجام مطالعات تکمیلی عمیق‌تر و نیز تسهیل انتخاب موضوعات جدید تحقیقاتی برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در قلمرو شناخت پدیده مجرمانه، عوامل و فرایندهای ارتکاب آن و تحقیقات سنجشی در مورد نظام کیفری و سیاست جنایی ایران.

دانشنامه جرم‌شناسی، براساس دو سلسله منابع انگلیسی و فرانسه تهیه شده است: آقای حمید هاشمی‌بیک، پژوهشگر در قلمرو جرم‌شناسی و مدرس متون حقوقی انگلیسی، با استفاده از منابع انگلیسی<sup>۴۲</sup> و نگارنده با مطالعه و رجوع به منابع فرانسه<sup>۴۳</sup>، حدود دویست و بیست مفهوم، نظریه و اصطلاح که دورنمای تاریخی و تحولات اخیر جرم‌شناسی را معرفی می‌کند، گردآوری، تنظیم، ترجمه، غیش‌برداری و تألیف کرده‌اند. واژه‌های مشترک در منابع انگلیسی و فرانسه به فارسی برگردانده شده، سپس در هم ادغام و از نو انشاء گردیده است؛ واژه‌های مستقل عیناً از منابع مربوطه استخراج و به فارسی ترجمه شده است و در نهایت، ضمن ویرایش کلیه متون، کوشش شده تا نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین معادل در دو زبان دیگر برای هر واژه انتخاب و آورده شود. در پایان توصیف و تحلیل هر واژه و مفهوم نیز به منظور تکمیل اطلاعات و احاطه بیشتر خواننده، عناوین و مفاهیم نزدیک و مکمل آن جهت تکمیل مطالعه و پژوهش ارائه شده است.

امید است «دانشنامه جرم‌شناسی» که نخستین فرهنگ تخصصی در قلمرو جرم‌شناسی و

۴۲. عمدتاً با استفاده از:

- Dermot Walsh & Adrian Poole. A Dictionary of criminology, London, 1991, 242p.

- Snc (David, Derald & Stanley). Understanding Abnormal Behaviour, Houghton

Millin Company, U.S.A., 1990, 385 p.

۴۳. عمدتاً با استفاده از:

- Pinatel (Jean), Le phénomène criminel, MA Editions; Paris, 1987, 255 p.

- Dufour - Compers (Roger), Dictionnaire de la violence et du crime, Ed. Érés,

Toulouse, France, 1992, 458 p.

به طور کلی علوم جنایی همراه با تعاریف و توضیحات فارسی است - و طبیعتاً در چاپ‌های بعدی سعی خواهد شد تا به جامعیت و رنگانی و کیفی آن افزوده شود - بتواند از یک سو، در شناخت بهتر و عمیق‌تر جرم و حل «معمای جرم»، در کنار کتاب‌های موجود در این زمینه و از سوی دیگر، در استفاده هرچه مطلوب‌تر از منابع خارجی مفید واقع شود.

\* \* \*

در پایان مایلیم از طرف خود و آقای هاشم‌بیگی، از جناب آقای دکتر حسین نمازی، معاون محترم پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، به جهت مساعدت لازم در چاپ و نشر اثر حاضر، از جناب آقای دکتر گودرز مختار جهرمی، رئیس محترم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به لحاظ تشویق و حمایت مستمر در نگارش این اثر و از جناب آقای دکتر ابراهیم بیگزاده، معاون محترم پژوهشی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به خاطر تلاش بی‌دریغ در انتشار سریع اثر حاضر در انتشارات دانشگاه، با همکاری انتشارات کتابخانه گنج‌دانش، صمیمانه سپاسگزاری و قدرنانی کنم.

علی حسین نجفی ابرنآبادی  
تهران، ۱۹ خرداد ۱۳۷۵ خورشیدی

## رفتار نابهنجار

### Abnormal behaviour

#### (le) Comportement anormal

از نظر روانشناسی، رفتار نابهنجار، رفتاری است که از یک هنجار پذیرفته شده، منحرف گردیده و به خود فرد یا دیگران آسیب می‌رساند. این تعریف شامل (یا حداقل پذیرای) معیارها و جنبه‌های گوناگونی در رابطه با رفتار است. همچنین به درستی متضمن این واقعیت است که هیچگونه مرز دقیق و - به طور جهانی - پذیرفته شده‌ای که رفتار هنجار را از رفتار نابهنجار تشکیک نماید وجود ندارد. در یک بیان توأم با مسامحه، افرادی را که دچار اختلال روانی هستند نیز به عنوان کسانی که رفتار نابهنجاری از خود نشان می‌دهند می‌شناسیم. مقصود از اختلال روانی و یا آسیب روانی نیز نوعی الگوی شناخته شده از رفتار نابهنجار است.

هدف روانشناسی رفتار نابهنجار، در واقع توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل رفتارهایی است که عجیب یا غیرعادی هستند. معیارهای مختلفی را می‌توان برای تعریف چنین رفتارهایی به کار گرفت. در معیار آماری، رفتار نابهنجار عبارتست از رفتارهایی که کمتر از دیگر رفتارها در جامعه اتفاق می‌افتد. معیار سلامت روانی (آرمانی، نابهنجاری را به عنوان ناتوانی در دستیابی به یک هدف مثبت تلقی می‌نماید. از نظر معیار چندفرهنگی، هر تأثیرات فرهنگ در فرایند و تظاهر یک اختلال، تأکید می‌شود. معیارهای عملی مختلف، رفتار نابهنجار را براساس ناراحتی جسمانی یا روانی‌ای که فرد به آن مبتلا است تعریف می‌کنند؛ نامآنوس بودن اعمال فرد؛ یا بی‌کفایتی وی در ایفاء نقش‌های اجتماعی در زندگی.

روانشناسی رفتار نابهنجار، چشماندازهای مختلفی را در ارتباط با اراده آزاد می‌پذیرد در صورتی که قانون مجازات چنین روشی را در پیش نمی‌گیرد. با این همه، قانون مجازات این امر را می‌پذیرد که بعضی افراد توانایی تشخیص پیچیدگی اعمال خود را ندارند زیرا دچار

آسیب روانی‌اند. به رغم آنکه اینگونه افراد ممکن است از نظر فنی و قانونی، در ارتکاب جرم مقصر باشند، ولی وضعیت روانی آنان در زمان ارتکاب جرم، آنها را از مسؤلیت کیفری معاف می‌سازد.

به طور کلی، باید میان الگوهای رفتاری‌ای که همراه با اختلالات شخصیتی ضداجتماعی است و رفتارهایی که توأم با اعتراض اجتماعی یا شیوه زندگی مجرمانه است تفکیک قائل شد. افرادی که مرتکب تخلفات مدنی می‌شوند و یا قراردادهای اجتماعی یا قوانین آن را به عنوان نوعی اعتراض نقض می‌کنند، اصولاً روان‌رنجور یا جامعه‌ستیز (پسیکوپات) شناخته نمی‌شوند. چنین افرادی ممکن است کاملاً قادر به برقراری روابط هدف‌دار با دیگران و نیز ارتکاب تخلف یا جرم باشند. آنان ممکن است، نقض قواعد و هنجارها را به عنوان اعمالی فنی کنند که برای رسیدن به یک هدف بزرگتر صورت می‌گیرد. همچنین دست زدن به بزهکاری و رفتارهای مجرمانه نیز شرط لازم و کافی برای تشخیص شخصیت ضداجتماعی (روان‌رنجور) به شمار نمی‌رود. به رغم آنکه بسیاری از محکومان ممکن است جامعه‌ستیز شناخته شوند، بسیاری دیگر نیز چنین نیستند. آنان ممکن است متعلق به خرده فرهنگ‌هایی باشند که اعمال مجرمانه را تشویق و تقویت می‌نمایند؛ بدین‌سان آنها در پی تبعیت از آداب و قواعد رفتاری گروه و قوم خود هستند.



## گذار از اندیشه به عمل

### Acting out

#### (le) Passage à l'acte

نظریه پویایی جنایی (پوش جنایی) به مطالعه روابط و کنش‌های متقابل میان عواملی می‌پردازد که به واسطهٔ پاره‌ای فرایته‌ها، گذار از اندیشه به عمل مجرمانه (به فعل درآوردن - برون‌ریزی اندیشه و طرح مجرمانه) را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند. تاریخ فرضیه گذار از اندیشه به عمل، به اندازهٔ تاریخ جرم‌شناسی قدمت دارد. مثلاً افلاطون، عشق افراطی به خود را منبع بدترین بی‌عدلیته‌ها می‌داند. این عیب و صفت منفی، با هیجانهای خشونت‌آمیز یا افسرده‌کننده (عصبانیت، ترس یا غم و غصه) یا با تمایل به لذت (میل به خوشی و لذت) و با چهل که موجب «از خودبیگانگی نسبت به افکار و اندیشه‌های مثبت و پسندیده» می‌گردد، توأم می‌شود.

سینک (senèque) فیلسوف رومی، به حاکمیت خشم و غضب بر انسان، اعتقاد نداشته و بر این باور بوده است که این، هیجان و عشق است که با رضایت درونی، یعنی شهوت انتقام، بروز می‌کند.

مسیحیت بر آزادی زاده تأکید دارد و معتقد است که اراده انسان در انجام یا عدم انجام هر امری مؤثر است. در سده هیجدهم، والتر، نویسنده فرانسوی، بر قدرت و تأثیر «قرصتها و مناسبت‌ها» تأکید نمود و بکاریا به تأثیر بی‌رحمی و لذت‌طلبی معتقد بود. ژرمنی بتنام، فیلسوف انگلیسی، معتقد به محاسبه و مقایسه لذات و منافع حاصل از جرم و مجازات و هزینه کیفری مربوط به جرم از سوی مجرم است. پیروان مکتب تحقیقی و لمبروزو معتقد بودند که جرم باید به عنوان نشانه و علامت حالتی که لازم است علت آن جستجو شود بررسی شود. در دوران معاصر، این علم روانکاوی است که به مطالعه گذار از اندیشه به عمل می‌پردازد. شاخص و خصوصیت گذار به اعمال مجرمانه، از یک سو تجدید خاطره و برداشت جدید از یک وضعیت تعرض آمیز قبلی است و از سوی دیگر، ناشی از واکنش هیجانی شدیدی است که جمود فکری و پس‌روی ایجاد می‌کند.

جرم‌شناسی معاصر با طرح نظریات دوگرف (De Gaulle)، روانشناس و جرم‌شناس بلژیکی، در دهه ۱۹۳۰، مجذوب مطالعه تأثیر شخصیت بر عمل شد و «گذار به عمل» را واکنش شخصیت در برابر یک وضعیت می‌دند. بعضی عوامل در به جریان افتادن عمل، نقش مهمی ایفا می‌کنند: کینبرگ، پزشک و جرم‌شناس سوئدی، معتقد است که گذار از اندیشه به عمل، زمانی اتفاق می‌افتد که کشش به سوی ارتکاب جرم از مقاومتی که در برابر این کشش ایجاد می‌شود، قویتر باشد. کششی که گذار از اندیشه به عمل، از آن ناشی می‌شود، سبزه‌جویی و یا پرخاشگری است: یعنی گرایش و تمایل به حالت سبزه‌جویی و یا پرخاشگری. این کشش و گرایش، به سمت جرم در بیشتر انسانها بوسیله بازدارنده‌های مختلفی خنثی می‌شود (توس از سرزنش اجتماعی، توس از تهدید کیفر و یا ترحم نسبت به بزه‌دید. ولی در برخی موارد، بزه‌کاران عزیزی از این بازدارنده‌ها هستند. آنها قادر نیستند که: ۱) یک مسأله اخلاقی را جز از دیدگاه شخصی خودشان بررسی و قضاوت کنند، ۲) از اعمالی که موجب ضرر آنها می‌شود پرهیز کنند، و ۳) تمایلات نوع‌دوستانه در خود ایجاد و احساس کنند.

در کنار این عوامل مربوط به شخصیت که فرایند گذار به عمل را به جریان می‌اندازد، عوامل دیگری نیز وجود دارد که بر چگونگی و کیفیت اجرا و ارتکاب جرم حاکم است. رهیافت

گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، نقطه اوج خود را در دومین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی (پاریس، ۱۹۵۰) تجربه نمود. از آغاز دهه ۱۹۶۰، جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، آن را زیر سؤال برد و دو سال بعد کریستیان دو بویست (Debuyst)، شاگرد دوگرف بلژیکی، بر اهمیت «وضعیت - موقعیت» تکیه کرد و مطالعه تأثیر شخصیت بر عمل را کنار گذاشت.

مطالعه فرآیندهای گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، منجر به بررسی عمیق دو فرآیند شد است: اول فرآیند بالیدگی و پختگی مجرمانه که ساترلند، جامعه‌شناس و جرم‌شناس آمریکایی، به آن اشاره کرده و عبارت است از بزهکاری شدید و پایدار؛ و دوم فرآیند یک عمل شدید مجرمانه (مانند قتل احساساتی و هیجانی و قتل قایده‌گرایانه). عمل شدید مجرمانه در قلمرو متفاوتی نسبت به بزهکاری پدیدار و مزمن، یعنی در قلمرو بزهکاری اتفاقی و خطرناک قرار دارد.

امروزه مطالعه فرآیند گذار از اندیشه به عمل، همچنان موضوع مهمی برای جرم‌شناسی بالینی محسوب می‌شود.

ر.ک.

Criminality; Criminogenic process; Criminology; Dangerousness; Determinism; Precriminal situations; Psychoanalytic criminology; Social reaction.

\* \* \*

Acute offenders

مجرمین حاد

(les) Délinquants aigus

به موجب طبقه‌بندی آبراهامسن (Abrahamsen)، روانپزشک آمریکایی، مجرمان، براساس عوامل روان‌پزشکی - روان‌شناختی فردی، و ترکیبی از عناصر روانشناختی و وضعی، به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: ۱) مجرمان حاد که شامل بزهکاران وضعی، معاشرتی و اتفاقی هستند و ۲) مجرمان مزمن - به عبارت، شامل بزهکاران روان‌نژند (نوروتیک) بزهکاران ناراضی اختلالات روان‌نژندی منش، بزهکاران روان‌رنجور یا جامعه‌ستیز (پسیکوپات) ذاتی و افراد روان‌پریش و کسانی که دچار نقایص عقلی هستند.



مجرمین حادث، یک یا دو بار مرتکب جرایم «خُرد» و کم‌اهمیت می‌شوند و دارای خصوصیات ضداجتماعی برجسته‌ای نیستند و بنابراین، گروهی از «مجرمین عادی» را تشکیل نمی‌دهند که پس از ارتکاب اعمال مجرمانه، احساس گناه و پشیمانی کنند. آنان معمولاً به طور ذاتی خطرناک نیستند. برخی از آنان تابع میزان و کیفیت خصوصیات ضداجتماعی‌ای هستند که در شخصیتشان وجود دارد. از درون همین عده ممکن است مجرمین مُزمن پدید آیند. مجرم وضعی، براساس فرصت، موقعیت و نیاز، مرتکب جرم می‌شود؛ مثلاً فردی است نیازمند، که کیف پولی را که پیدا کرده است به صاحبش برنمی‌گرداند یا گرسنه‌ای است که تکه نانی را از نانوايي در زمان غیبت نانوا سرقت می‌کند. مجرم معاشرتی، تحت تأثیر الگوهای ضداجتماعی محیط اطرافش، مثل دوستان ناباب و اعضاء خلاقکار خانواده قرار می‌گیرد. شرایط خارجی موجب تقویت تمایلات مجرمانه چنین مجرمیتی می‌شود، مثل کسی که صرفاً به خاطر تفریح و سرگرمی، گروهی از افراد را در یک راهزنی برتامه‌ریزی نشده همراهی می‌نماید. مجرمان ائتاقی، به طور تصادفی یا از روی اشتباه به اعمال مجرمانه رو می‌آورند؛ مثل رانندگی توأم با بی‌احتیاطی که منجر به تصادف و حادثه می‌شود، انداختن کبریت نیم‌سوخته‌ای که موجب آتش‌سوزی و تخریب اموال می‌گردد، رانندگی که از صحنه حادثه فرار می‌کند و...

Chronic offenders; Criminal type; Ferri; Lombroso ر.ک

\* \* \*

Adler (Alfred)  
(1870 - 1937)

ادلر (آلفرد)

آلفرد ادلر، روانشناس و پزشک اتریشی، شاگرد فروید و مبتکر روانشناسی فردی بود. نظریه کارکرد روانی مبتنی بر احساس کهنتری (حقارت یا خودکم‌بینی) توسط وی ارائه شد. در این نظریه گفته شده است که مسأله مهم در وضعیت انسان، مبارزه در برابر احساسات کهنتری است؛ اعم از اینکه این احساسات، آگاهانه باشد یا ناآگاهانه، و اعم از اینکه جنبه جسمانی داشته باشد یا روانشناختی و با اجتماعی.

\* \* \*

## اجرا (اعمال) و مدیریت عدالت کیفری

Administration of criminal justice

(F) Administration de la justice pénale

مطالعه عدالت کیفری، در چشمانداز علوم اجتماعی، در سال ۱۹۲۳ مورد توجه پژوهشگران آمریکایی، آدلر (Adler) و مایکل (Michael) قرار گرفت. لیکن، انجام تحقیقات در این زمینه عملاً با ظهور جرم‌شناسی تعامل‌گرا و جرم‌شناسی سازمانی (جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی) آغاز شد. بعضی از این پژوهشها، پیرامون سازمان عدالت کیفری، به عنوان یک «سیستم» و نظام انجام شده است. از دیدگاه علمی، سیستم یا نظام (سامانه) به مثابه مجموعه عناصری است که به سمت تحقق یک هدف مشترک تنظیم و جهت‌گیری شده است. در ایالات متحده آمریکا، ده عنصر اساسی سیستم عدالت کیفری شناخته شده است و به دلیل دشواری انجام مطالعه و تحقیق درباره تمامی این ده عنصر، به پژوهشهای پراکنده، از جمله مطالعه «بهای جرم» اکتفا شده است. جهت‌گیری برخی از تحقیقات دیگر مربوط است به چگونگی محکمه کیفری، محکومیت و تعیین مجازات، یعنی مطالعه رفتار محکومیت‌گرای قضات که در روانشناسی قضایی، موضوعی بس مهم محسوب می‌شود. گرایش تحقیقاتی جدید، «جامعه‌شناسی تصورات و برداشتها» است و آن، استفاده از فن سنجش افکار یا نظرسنجی به منظور ارزیابی تصویر و تصور عدالت کیفری و طرز کار آن نزد مردم است (جامعه‌شناسی کیفری).

آمارهای قضایی نیز امکان مشاهده مفید طرز کار، عملکرد و مدیریت عدالت کیفری را فراهم می‌ورد. در عدالت کیفری، دادسرا، به ویژه در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی، نقش قاطع و مهمی در جهت‌گیری و جهت‌دهی به پرونده‌های کیفری ایفاء می‌کند. پس از آن، رسالت ددگاههای عمومی و دادگاههای اختصاصی، طرز کار و نحوه عملکرد آنها نیز در مطالعات جامعه‌شناختی مهم به نظر می‌رسد (درصد احکام محکومیت، درصد احکام کیفری برائت، محتوای احکام محکومیت، استفاده از جایگزین‌های حبس در احکام کیفری، جایگاه مجازات سالب آزادی در احکام کیفری...).

عدالت کیفری نباید تنها از نظر جامعه‌شناختی و آماری مورد مطالعه قرار گیرد، بلکه جرم‌شناسی بالینی نیز باید آن را به عنوان یک «محیط تحمیلی» یا محیط کیفری مطالعه نماید. در دومین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی (پاریس، ۱۹۵۰)، این فرضیه مطرح شد که

پارهای از شیوه‌های نادرسی، نوعی آسیب در متهم ایجاد می‌کند که ماهیتاً باعث تضعیف توانایی‌های مقاومتی شخصی وی در مقابل بزهکاری می‌شود. در سومین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی (لندن، ۱۹۵۵) نیز بر تأثیر رفتار و نحوه برخورد پلیس و قضات و کارکنان ناگاهها که ممکن است در میان عوامل تکرار جرم جای داده شوند، تأکید شده است. از نظر روان‌شناسی، توقیف و بازجویی‌های پلیسی، تحقیقات دادسرا، بازداشت موقت و محاکمات، تأثیرات شدید و مختلفی بر روی بزهکاران دارد. مداخله پلیس و نهادهای قضایی، به ویژه هنگامی که به حبس و بازداشت منجر می‌شود، همانند آزمونی برای مجرمان و متهمان است؛ چنین برخوردی در برابر بعضی مجرمان، پختگی، بالیدگی و باوغ مجرمانه آنها را تقویت می‌کند؛ برعکس، عده‌ای از بزهکاران در تماس با محیط کیفری، نیاز به وجود هماهنگی با جامعه را در خود احساس خواهند کرد. علنی بودن محاکمه و دادگاه جنایی، آنگاه که رسانه‌های گروهی آن را به تصویر می‌کشند، ممکن است منجر به بالا رفتن وجهه مجرمان خطرناک یا مرتکبان جرم احساساتی در میان مردم شود. تأثیر محیط زندان بر محکومان و چگونگی واکنش آنها در برابر این محیط نیز در قالب این مطالعات بررسی شده است.

ر.ک.

Alternative punishment; Cohorts; Criminal policy; Criminal sociology; Criminal statistics; Interactionist criminology; Prison; Prisonization; Probation and similar measures; Science of trial; Social reaction.

\* \* \*

Affective indifference

بی‌تفاوتی عاطفی

(I<sup>o</sup>) Indifference affective

ویژگی‌های بی‌تفاوتی یا بی‌اعتنائی عاطفی عبارتست از فقدان هیجانات و تمایلات نوع‌دوستانه، احساس مشترک و یا همنلی و به عبارت دیگر، سردی نسبت به هموع. مفهوم بی‌تفاوتی عاطفی، تا مدتها با عنوان «عدم حساسیت اخلاقی» مطرح می‌شده است (از جمله

توسط لمبروزو در ۱۸۷۶). در دهه‌های اخیر، همین مفهوم تحت عنوان‌های «بی‌عاطفگی ذاتی»، «ثبات فوق‌العاده» و یا «منش بی‌تفاوت» مشخص شده، لیکن دوگرف برای نخستین بار نشان داد که باید بی‌تفاوتی عاطفی، به عنوان مؤلفه اصلی و ساختاری شخصیت مجرمانه، را از بی‌تفاوتی عاطفی، به عنوان جلوه‌ای از یک فرآیند متحول و گذر تفکیک کرد: در حالت نخست، بی‌تفاوتی عاطفی ممکن است از نقص جسمانی ناشی شود یا به دنبال کمبودهای تربیتی در فرد به وجود آید. در بیشتر موارد، این دو، یعنی عوامل ذاتی و اکتسابی، با هم ترکیب می‌شوند. در حالت دوم، بی‌تفاوتی عاطفی را در بازدارندگی عاطفی در قتل فایده‌گرا و در عدم علاقه و تعهد عاطفی در قتل احساساتی مشاهده می‌کنیم. در این حالت، بی‌تفاوتی عاطفی را می‌توان، به عنوان رکن نهایی گذار از اندیشه به عمل، یعنی عنصری که آخرین مقاومت داخلی از نوع عاطفی را در فرد از میان می‌برد و وی را نسبت به پیامدهای وخیم عمل مجرمانه‌اش بی‌توجه می‌کند، تلقی کرد.

از نظر احساس واقعی مقصر بودن از سوی فرد، می‌توان بی‌تفاوتی عاطفی را با خودبینی و خودمحوری مقایسه کرد؛ خودبینی بر قضاوت و داوری فرد نسبت به عمل احتمالی‌اش تأثیر می‌گذارد، حال آن که بی‌تفاوتی عاطفی مانع از آن می‌شود که وی به زشتی عمل خود پی ببرد.

ر.ک.

Acting out; Criminal personality; Criminogenic society; Culpability;  
De Greeff; Deprivation (parental); Egocentrism; Homicide of passion;  
Utilitarian homicide.

\*\*\*

Age  
(F) Age

سن

سن یک عنصر مهم در قانونگذاری است. در قوانین کلیه کشورها بین وضعیت کفبری صغار و کبار تفکیک قائل می‌شوند. این موضوع حاصل مشاهدات تجربی است که به موجب آنها در قلمرو مسائل کیفری، ادوار یا آستانه‌های سنی مختلفی وجود دارد. در طفولیت

(کودکی) که از بسته شدن نطفه آغاز می‌شود و به بلوغ ختم می‌گردد، شرایط فیزیولوژیک، زمینه‌ساز ارتکاب جرم برای طفل نیست. از آغاز سنین ۷ یا ۸ سالگی - یعنی زمانی که طفل صاحب منافع اجتماعی می‌شود و می‌تواند از قدرت، نفوذ و سرپرستی والدین خود فرار کند - است که احتمالاً مسائل مجرمانه مطرح می‌شود. لیکن عمدتاً از آغاز نوجوانی است که این مسائل ممکن است به صورت جدی درآید. نوجوانی دوره‌ای طولانی است که محور آن بلوغ<sup>۲۴</sup> و دارای سه مرحله است: ۱) دوره پیش از بلوغ (مثلاً در پاره‌ای از کشورهای اروپای غربی، ۱۱ تا ۱۲ سال نزد دختران و ۱۳ تا ۱۴ سال نزد پسران)؛ ۲) دوره بلوغ (۱۳ سال نزد دختران و ۱۴ تا ۱۶ سال نزد پسران)؛ ۳) دوره پس از بلوغ (در دختران و ۱۶ تا ۱۷ سالگی و در پسران تا ۱۸ سالگی). در عمل، بزهکاری از حدود دوازدهمین سال زندگی آغاز می‌شود، ولی تا سن ۱۶ سالگی نسبتاً ضعیف است. بین ۱۶ تا ۱۸ سالگی، بزهکاری، خود را در فرد مستقر می‌کند. به طور کلی، مطالعات نشان داده است که در کشورهای اروپای غربی ۷۰٪ از صفار بزهکار، مرتکب تکرار جرم نمی‌شوند. نیکن در مورد ۳۰٪ بقیه، پیش‌رسی و زودرسی بزهکاری، با مؤمن شدن آن در آینده همراه و ترکیب می‌شود. وقتی صفار بزهکار در بزرگسالی تبدیل به تکرار کنندگان جرم می‌شوند، یعنی جرم در آنان دائمی و مؤمن شده است. پختگی، رسیدگی و بالیدگی با پایان نوجوانی آغاز نمی‌شود. بین سنین ۱۸ تا ۲۵ سالگی، دوره‌ای میانی وجود دارد که طی آن فعالیت مجرمانه، شدید است. از آغاز ۲۵ سال، وارد پختگی (بالیدگی) به معنای خاص آن می‌شویم و از نظر جرم‌شناسی، یک مرحله ثبات آغاز می‌شود، ولی از ۲۵ تا ۳۰ سالگی، فعالیت مجرمانه هنوز بالا است (سرقت مساحانه بین ۲۵ تا ۳۰ سالگی، در حداکثر ممکن است). افول بزهکاری، حدود ۲۵ سالگی و قبل از افول پختگی و بالیدگی آغاز می‌شود. آغاز افول بالیدگی برای مردان مسائلی را ایجاد می‌کند (حداکثر جرایم جنسی در مردان، میان سنین ۳۰ تا ۴۵ سالگی قرار دارد). اما در میان زنان، وقایع و درام‌های احساساتی با نزدیکی دوره یائسگی مصادف می‌شود. و بالاخره در دوران کهنسالی که همراه با تضعیف بیشتر قابلیت‌های زیست‌شناختی فرد است، بزهکاری خیلی کم اتفاق می‌افتد. این داده‌ها و یافته‌ها، مسأله پیشگیری از جرم و نحوه رفتار اصلاحی با مجرمان را مقید و محدود می‌سازد. از یک سو، باید بر ضرورت پیشگیری زودرس تأکید کرد، زیرا قبل از بلوغ است که می‌توان به طور مؤثر نسبت به مسائل جوانان مداخله کرد. لیکن از سوی دیگر، با

۲۴. به طور معمول، وقتی اعضای جنسی به رشد نهایی خود می‌رسند، بلوغ حادث می‌شود. رشد صفات جنسی ثانوی مانند روشن نوبه‌ای زهار در پسران، برآوردن پستان‌ها در دختران مؤزمان با پدیدار شدن اوزن در محمدنوا (استقرار هادت ماهانه) و تغییرات بدنی و روانی منعمه دیگری نشان دهنده بلوغ است.

بلوغ، شخصیت فرد، تثبیت و ساختار بندی می‌شود و بنابراین افراد به دشواری از نظر ارتکاب جرم و مجرمیت، قابل پیشگیری و اصلاح هستند. لیکن با توجه به مطالعاتی که توسط درایانو (J. Dubliner) صورت گرفته است می‌دانیم که آهنگهای زمانی فیزیولوژیک وجود دارد که دستکم به طور نسبی قادرند مکان تماس با جوانان را، از نظر پیشگیری جرم و اصلاح آنان، محدود کنند. بدین ترتیب، جوانان بزرگسال ۱۸ تا ۲۵ ساله که جرم آنها تحت تأثیر خشونت ارتکاب یافته، کسانی هستند که امکان تعدیل مجرمیت واقعی آنان بسیار زیاد است. به همین دلیل، در بسیاری از کشورها، به منظور امکان پذیر ساختن اعمال احتمالی اقدامهای اصلاحی و تربیتی، به جای کیفرهای سائب آزادی، نسبت به نوجوانان و جوانان، قوانین ویژه‌ای به تصویب رسیده است.<sup>۴۵</sup>

امکانات جدید برای تحول شخص، با بالا رفتن سن و بروز آثار آن، متجلی می‌شود. پژوهشهای پیش‌بین و بالینی، به حکایت اطلاعات آموزی نشان می‌دهد که امکان تماس با افراد، با تقلیل حالت ستیزه‌جویی از آغاز ۲۵ سالگی، تسهیل می‌گردد. این موضوع باید مشوق تشدید برخوردهای اصلاحی نسبت به افرادی باشد که به سن ۲۵ سالگی می‌رسند. به طوری که افت بزه‌کاری در آن قطعی شود. از آغاز ۲۵ سالگی، بعضی مجرمان به عادت، به سمت بیماری روانی کشیده می‌شوند؛ مسأله‌ای که تا آن وقت بوسیله ارتکاب جرم، پوشیده بوده است. ولی عددی از بزه‌کاران هستند که محور تمایلات مجرمانه، به موازات افزایش سن در آنها، همراه با بروز بیماری روانی در آنان نیست.

ر.ک.

Aggressiveness; Cohorts; Criminal biology; Criminal laws ;

Criminal personality; Criminality and delinquency; Culpability;  
Heuyer; Juvenile delinquency; Maladjustment, Recidivism; Treatment;  
Violence.

\* \* \*

Aggressiveness

ستیزه‌جویی و پرخاشگری

(P) Agressivité

حالت ستیزه‌جویی عبارتست از گرایش فرد به تهاجم. این واژه در معنای اولیه خود، به

۴۵. به عنوان نمونه در حقوق ایران ر.ک. مواد ۸۸ الی ۹۵ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

حرکت و جنبش به جلو اشاره دارد (معنای وسیع). در سده هیجدهم، تهاجم را یک حمله ناگهانی تحریک نشده تعریف می‌کردند (معنای مضیق). در دیدگاه موسخ، تهاجم، جنبه فیزیولوژیک دارد و عبارتست از یک فشار به حرکت درآورنده به سوی مهذب و تسلط بر محیط پیرامون. در دیدگاه مضیقی، تهاجم جنبه آسیب‌شناختی دارد و عبارتست از خصومت توأم با تخریب. این تهاجم آسیب‌شناختی که ممکن است فرد، آن را به سوی خود نیز هدایت کند (مانند خودکشی، قطع اعضاء بدن، اعتیاد) با اغلب اختلالهای روانی مرتبط است.

قلمرو خاص جرم‌شناسی، محدود به تهاجم فیزیولوژیک می‌شود. شدت این تهاجم در عمل، بر حسب افراد در نوسان است؛ (۱) کسانی که تهاجم ضعیفی دارند؛ (۲) کسانی که از نظر روحیه تهاجمی، متوسط‌اند؛ (۳) کسانی که شدیداً مهاجم و پرخاشگرند. نمونه گروه اول، گنایان و دلگردان هستند. گروه دوم شامل مجرمینی می‌شود که پرخاشگری آنان برای فائق شدن بر یک مقاومت سبکتر و ضعیفتر کافی است. و بالاخره گروه سوم شامل بزهکارانی است که در هر موقعیتی مرتکب جرم می‌شوند. ناگفته پیداست که روحیه تهاجم بر حسب سن نیز تغییر می‌کند؛ ولی ممکن است به طور مقطعی تحت تأثیر عوامل روانی (گرسنگی)، عاطفی (احساسات) و اجتماعی (اختلافات) نیز بروز کند. این نوع رفتار، از ۲۵ سالگی به بعد، به طور قابل توجهی تقلیل می‌یابد. حالت تهاجمی، برحسب جنس نیز متغیر بوده و معمولاً در مردان بیش از زنان به چشم می‌خورد.

حتی در صورت آموختن رفتار تهاجمی، انجام آن توسط فرد بستگی دارد به وجود انگویی که قبلاً رفتار تجاوزگوانه از خود نشان داده است؛ تحریک بیش از حد احساسات؛ اینکه فرد به تازگی برخورد فیزیکی یا لفظی ناخوشایندی داشته؛ عامل تشویق بالارزشی را از دست داده؛ در نبل به هدف مهمی ناکام مانده و یا دستور به ارتکاب خشونت و تجاوز دریافت کرده باشد یا نه.

خصوصیات طرف مقابل فرد مهاجم و پرخاشگر نیز حائز اهمیت است. احتمال بروز رفتار تهاجمی زمانی کمتر خواهد شد که «طرف مقابل» به اندازه فرد مهاجم دارای توانایی جسمی بوده و آمادگی مقاومت و انتقام‌گیری را نیز در برابر وی داشته باشد. همچنین مهارت و قدرت جسمی نیز در بروز بسیاری از زد و خوردها مؤثر است. از نتایج رضایت‌بخش و ارضاء کننده رفتار پرخاشگرانه برای مرتکب، می‌توان به کسب نتایج مادی و نیز دستیابی به تأیید اجتماعی یا رسیدن به موقعیت برتر اشاره کرد. همچنین نقش روحیه تهاجمی در گذار از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه بسیار مهم است. از نظر علت‌شناسی، تهاجم، یک رکن

مشوق و طغیان‌آور و عامی سوق دهند است. از نظر بالینی، حالت تهاجمی بر مرحله خطرناکی که قبل از مرحله ارتکاب عمل مجرمانه شدید وجود دارد حاکم است و عمدتاً برای برطرف کردن مانع و مقاومت، مورد استفاده قرار می‌گیرد. خاستگاه تهاجم - که یک پدیده زیستی، روانی، اجتماعی است - همزمان در غریزه، محرومیت یا ناکامی و نیز در فرهنگ جامعه قرار دارد. افزون بر این، مجاورت و نزدیکی ناشی از توسعه شهرها و پدیده شهرنشینی و الکلیسم نیز آن را تشدید می‌کند. روحیه تهاجم و پرخاشگری جنبه جهانی دارد و بین انسان‌ها به صورت مشاجره‌های ساده بین فردی و در نوع حادثه آن، به شکل بزهکاری، و در نوع بسیار شدید آن به صورت جنگ ظاهر می‌شود.

ر.ک.

Acting out; Age; Alcoholism; Criminal personality; Dangerousness;  
Female criminality; Perversion; Rape; Test; Treatment; Urbanization;  
Victimology; Violence.



## الکلیسم (اعتیاد به الکل) Alcoholism (I) Alcololismc

الکل ماده‌ای است که موجب افسردگی فرد شده و رابطه قسطنی مصرف آن با جرم، قرینه‌است که به اثبات رسیده است. افرادی ممکن است برای دستیابی به نوشابه‌های الکلی مرتکب جرم شوند. کسانی که معتاد به الکل هستند با کسانی که تحت تأثیر الکل، قدرت باردارندگی و کنترل درویشان موقتاً کاهش می‌یابد نیز ممکن است مبادرت به ارتکاب جرم نمایند. در غرب کشورها، صرفنظر از قوانین و مقررات مربوط به پروانه خرید و فروش انواع نوشابه‌های الکلی، هیچگونه قانونی برای محدود نمودن مصرف وجود ندارد و جرم بسیاری توسط افراد مست و نیز توسط معتادان به الکل (می‌بارگان) به وقوع می‌پیوندد. برآورد میزان این گونه جرم، با توجه به تحمّل و پذیرش عمومی در برابر مصرف آن (و نیز مسائل و مشکلات مربوط به گزارش آن به مقامات صالح) غیرممکن است، زیرا تعداد احکام مجازات مربوط به رفتار و تظاهرات مستانه و غیرعادی، تنها بخشی از مسأله است. ارتباط الکل با



ارتکاب جرایم شدید، تحفظات رانندگی و نیز جرایم مربوط به مزاحمت‌های معمولی ظاهراً زیاد است و حجم زیاد مصرف آن توسط نسل جوان و نوجوان، مشکلات خاصی را به وجود آورده است.

با اینکه زیان الککل در طول تاریخ مورد اذعان بوده است، لیکن قبول این نکته که افراد ممکن است به اراده خود معتاد به الککل شوند شاید تنها در طول صد سال اخیر مطرح شده باشد. ارتباط میان الکلیسم (اعتیاد به مصرف الککل) و جرم، ارتباطی پیچیده است. براساس اسناد و مدارک موجود، بخش عظیمی از مجرمین درست قبل از ارتکاب جرم، الککل مصرف کرده‌اند.

در انگلستان، آمریکا و کانادا تعداد قابل توجهی از مراکز شبانه‌روزی، ویژه بازپروری این گونه مجرمان وجود دارد. همچنین مراکزی با عنوان «مراکز مسمومیت‌زدایی» در سطح گسترده‌ای در آمریکا و کانادا و در سطح محدود و آزمایشی در انگلستان تأسیس شده است. پلیس می‌تواند بدون ایراد اتهام، افراد را مستقیماً به این گونه مراکز اعزام نماید. نقش مراکز مسمومیت‌زدایی، نشان دهنده آن است که الکلیسم چگونه نقش رابط را در قلمروهای حقوقی، اجتماعی و پزشکی ایفا می‌نماید.

واژه الکلیسم اخیراً در کشورهای غربی در معرض انتقادات فزاینده‌ای قرار گرفته و از فهرست بین‌المللی طبقه‌بندی بیماری‌ها و نیز از فهرست واژگان مؤسسه‌ای از قبیل سازمان بهداشت جهانی و سازمان بهداشت در انگلستان حذف شده است. به جای این عنوان، تعبیر «سندرم وابستگی به الککل» مطرح شده است؛ مفهومی که نشان می‌دهد میزان وابستگی یک فرد به الککل ممکن است به طور مستقل و در چندین بُعد - فیزیولوژیکی، رفتاری و نهی - تغییر یابد و دست‌کم بخشی از الگوی وابستگی نیز به وسیله عوامل اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌شود. گروهی دیگر، از این هم فراتر رفته و از بیان اینکه مشکلات ناشی از الککل به شکل یک سندرم (نشانگان) و یک «ایسم» یا به تعبیر جاری در اواخر سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم، به صورت یک «مانیا» درآمده است نیز خودداری می‌کنند. برخی دیگر، به مشابیه‌های میان انواع مختلف رفتار افراطی از قبیل الکلیسم، اعتیاد به مواد مخدر، قماربازی و سواسی، خوردن و سواسی و حتی «اعتیاد به کار» و «تقابل فوق‌العاده به روابط جنسی» اشاره می‌نمایند.

الکلیسم به سه صورت تجلی پیدا می‌کند: (۱) حالت مستی که قدرت کنترل را در فرد از میان برده یا کاهش می‌دهد و نقش تحریک کننده دارد؛ (۲) الکلیسم مزمن که زوال قوای فکری و اخلاقی را به دنبال دارد؛ (۳) الکلیسم ارثی که آثار سنگینی بر روی تحول و تکامل فرزندان دارد.

عوامل وضعی ناشی از روابطی که میان بزه‌کار و قربانی او برقرار می‌شود را باید در کنار از اندیشه به عمل مجرمانه در نظر گرفت. در منازعات، اغلب اوقات، این تصادف و اتفاق است که مشخص می‌کند آیا فرد معتاد به مصرف الکل، مجرم خواهد بود یا بزه‌دیده. از سوی دیگر، فرد معتاد به الکل می‌تواند هم‌زمان، هم مجرم و هم بزه‌دیده باشد؛ شوهر معتاد به الکل ممکن است در اذیت و آزر همسرش، تا حد کشتن او پیش رود؛ لیکن خود ممکن است به وسیله همسر آزر شده خود که می‌خواهد از شر او راحت شود، به هلاکت برسد. یک مورد خاص، زوجهای معتاد به الکل است که از طریق یک جاذبه متقابل با هم زندگی می‌کنند و روابط آنها دوپهلوی است؛ یعنی ضمن اینکه از زندگی مشترک غله‌مندند، نمی‌توانند از هم جدا شوند. بخت درمان و ترک اعتیاد به الکل از سوی فرد معتاد به الکل، بستگی مستقیم به تعهد و علاقه شخصی او و همکاری وی در مرحله درمان و مسمومیت‌زدایی دارد.

ر.ک.

Acting out; Arson; Criminal Personality; Criminal prophylaxis; Criminogenic society; Dangerousness; Female criminality; Hereditary and personal backgrounds; Incest; Juvenile delinquency; Mental deficiency; Perversion; Victimology; Violence.

\* \* \*

## Alienation

## از خود بیگانگی (الیناسیون)

### (l') Aliénation

این واژه نخستین بار توسط مارکس مورد استفاده قرار گرفت. ام. سیمن (Sceman) در سال ۱۹۵۹ در کتابی با عنوان «دربارۀ مفهوم الیناسیون»، انواع مختلف آن را با تعابیر حسن فقدان قدرت، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوا و از خود بیگانگی توصیف می‌نماید. بیشترین استفاده این واژه نیز براساس همین معنای اخیر (از خود بیگانگی)، توصیف‌کننده احساسات افراد منزوی و بیگانه از صحنه اجتماع است؛ امری که نتیجه تقسیم کار در نظامهای اقتصادی و جوامع صنعتی امروزی می‌تواند باشد.

Anomic; Durkheim; Criminal sociology

ر.ک.

\* \* \*

کیفرهای جایگزین (حبس) (Alternative punishments (Alternatives to Custody)  
(les) Peines de substitution (Les substitutions à l'emprisonnement)

کیفرهای جایگزین حبس معمولاً تحت عنوان «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت» و رد نظام کیفری کشورها شده است؛ با این توضیح که معافیت از مجازات و تعویق صدور حکم محکومیت، جزو جایگزینها نیستند، بلکه در واقع «انصراف» از کیفر را بیان می‌کنند؛ یعنی «انصراف» از صدور حکم مجازات در حالتی که «معافیت» مطرح می‌شود، و «انصراف» مشروط از صدور حکم، در حالتی که روش «تعویق» مورد استفاده قاضی دادگاه قرار می‌گیرد. مجازاتهای جایگزین یا جانشین، عمدتاً شامل «ممنوعیت» و «ضبط» و امروزه جریمه روزانه، خدمات عمومی، محرومیت از حقوق اجتماعی و دوره مراقبت می‌شود. سازوکاری که براساس آن، اینگونه مجازاتها، به عنوان مثال وارد حقوق فرانسه شد<sup>۴۶</sup>، تبدیل مجازاتهای تبعی و تکمیلی موجود در قانون مجازات به مجازاتهای اصلی بود. کیفرهای جایگزین عمدتاً نسبت به جرایمی اعمال می‌شود که جرم‌شناسی آسان، آنها را «جرایم شوالیه» یا جرایم «سلحشورانه» می‌نامد یعنی جرایم روی هم رفته سبک و متوسط که به هیچ وجه منجر به حبس قطعی نمی‌شوند (مثلاً تخلفات راهنمایی و رانندگی، صدور چکهای پلامحل و رانندگی در حالت مستی).

دو نوع جدید کیفر جایگزین نیز در پاره‌ای نظامهای کیفری پیش‌بینی شده است: ۱) روزهای جریمه‌دار، (روزهای جزایی یا جریمه‌های روزانه) که از نظام کیفری کشورهای اسکانديناوی الهام گرفته شده است و نحوه اجرای کیفر نقدی را با شرایط مالی و اقتصادی محکوم‌علیه منطبق می‌کند. این کیفر وارد حقوق ایران نیز شده است؛ ۲) خدمات عمومی و عام‌المنفعه و عمومی بدون حقوق که می‌توان آنها را جزو اقدامات مشابه پروبیشن، نوعی تعلیق مراقبتی، تلقی کرد.

رک. Criminal policy; Prison; Probation and similar measures.



Anomie

بی‌هنجاری

(P) Anomie

بی‌هنجاری یا بی‌معیاری یا احساس خلاء هنجاری؛ مفهومی است که توسط (امیل دورکیم

۴۶. در مورد حقوق ایران رک. نواز ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

در کتاب خودکشی (پاریس، ۱۸۹۷) مطرح شد. بی‌هنجاری اشاره به وضعیتی است که در آن، هیچگونه هنجاری اجتماعی برای حفظ نظم وجود ندارد، یا جایی که هنجارها با یکدیگر در تضاد هستند. در صورتی که مقررات اجتماعی از بین برود (مثلاً به دنبال بلایای طبیعی، جنگ و غیره)، افراد به حال خود رها شده و مرتکب رفتارهای غیرمعارف و غیرمنضبط خواهند شد. بی‌هنجاری به یک وضعیت روانی اطلاق نمی‌شود، بلکه وصفی است در ارتباط با ساختار اجتماعی فروپاشیده، که در طول یک دوره بی‌نظمی که ویژگی کنترل و مهارکننده هنجارهای اجتماعی بر اعمال افراد از بین می‌رود و تمایلات و آرزوهای آنان بی حد و حصر می‌شود، وجود دارد.

Durkheim; Criminal sociology.

ر.ک.

\* \* \*

## مطالعات منطقه‌ای - ناحیه‌ای

Area studies

(les) Etudes des aires

اصطلاحی عمومی برای تحقیقات متنوعی است که مسأله مشترکی در رابطه با مناطق جغرافیایی خاص و افعال مجرمانه ارتكابی در آنها، موجب پیوند تحقیقات مزبور با یکدیگر شده است. برخی از مطالعات بوم‌شناختی یا زیست‌بوم‌شناختی ممکن است صرفاً جنبه توصیفی داشته باشد؛ به عنوان مثال، ممکن است موارد آماری جرایم ثبت شده در یک یا چند منطقه خاص را ترسیم نماید یا به توصیف نحوه زندگی در یک «منطقه جنایی» از دید ساکنان آن بپردازد. بررسی‌های دیگر بر محور سیاست جنایی متمرکز بوده و هدف آنها دستیابی به راههای تقییل میزان بزهکاری در برخی از مناطق خاص است. ولی به هر حال از آنجا که تبیین سطح جرایم و شمار مجرمان در یک منطقه یا ناحیه مستلزم مقایسه صریح یا ضمنی با مناطق و نواحی دیگر است، می‌توان گفت که اینگونه تحقیقات، در رابطه با توصیف پراکندگی جغرافیایی جرایم و یا مجرمین است.

مطالعات مناطق بزهکاری (زیست‌بوم جنایی) در سطوح بسیار مختلفی قابل انجام است. مثلاً ممکن است مربوط به الگوهای افتراقی مجرمانه در (۱) مناطق مختلف یک کشور (۲) مناطق مختلف یک شهر (۳) خیابانهای مختلف یک منطقه مسکونی مفروض یا (۴) خانه‌ها یا فروشگاههای مختلف در یک خیابان باشد. بیشتر تحقیقات به عمل آمده، از گروه نوع دوم

بوده است، ولی اخیراً تمایل به بررسی‌هایی در سطح خرد بیشتر شده است.

تاریخچه مطالعات منطقه‌ای به قدمت علم جرم‌شناسی برمی‌گردد؛ هنگامی که در آغاز سده نوزدهم میلادی، آمرهای جنایی رسماً انتشار یافت دانشمندانی چون گری، دوشائف (A.M. Guerry de Champneuf) کارمند عالی‌رتبه وزارت دادگستری فرانسه (۶۶-۱۸۰۲) به ترسیم جغرافیایی موارد ثبت شده بزهکاری پرداختند و تغییرات محلی و منطقه‌ای آن را به نمایش گذاشتند. دؤمین دوره مهم مطالعات منطقه‌ای در دهه ۱۹۲۰ توسط جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، به ویژه کنیفورد شاو و هنری مککی (Shaw and Henry Mookay) از پیشوایان مکتب شیکاگو، آغاز شد. آنان نو چهارچوب سنت نظری اقتصاد اجتماعی، به کار پرداختند و به همین دلیل بسیاری از مطالعات منطقه‌ای مدرن را نیز هنوز «اقتصادی» می‌نامند. نتایج مهم مطالعات شاو و مککی در شیکاگو و دیگر شهرهای آمریکا از جمله شامل موارد ذیل بود:

- ۱) تأیید این «فرضیه منطقه‌ای» که نرخ بزهکاری در مناطق داخلی و مرکزی شهرها، نزدیک به نواحی تجاری مرکزی به بالاترین حد خود می‌رسد و هرچه از مرکز دور شده و به نواحی حاشیهای شهرها نزدیکتر شویم، نرخ بزهکاری نیز کاهش می‌یابد.
- ۲) بیشترین میزان جرایم، به رغم امواج بی‌وقفه مهاجرت و نتیجتاً جابجایی جمعیت، در همان مناطق مرکزی و داخلی شهرها ارتکاب می‌یابد.

نتیجه‌گیری‌هایی از این دست، به صورت فرضیاتی اساسی و به عنوان معیارهای مطالعاتی برای غالب جرم‌شناسان آمریکایی درآمد و بخشی از زیربنای تحولات نظری جدید از قبیل تعارض‌های فرهنگی و معاشرتهای «فترقی» یا ترجیحی را تشکیل داد.

در اواخر دهه ۱۹۶۰، روش جدیدی در مطالعات منطقه‌ای تحت عنوان رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی<sup>۴۷</sup> "CPTED" مطرح شد که براساس آن دگرگونی در چهره شهرها (طرح شهر، طرح و معماری ساختمان‌ها و پارتمان‌ها و...) می‌تواند موجب کاهش جرم شود. تغییر عمده این مرحله از مطالعات منطقه‌ای، در مقایسه با مراحل قبلی، تأکید بر پراکندگی جرایم به جای پراکندگی مجرمین است که نتیجتاً موجب شده است تلاش برای تغییر انگیزه‌های جنایی، جای خود را به تلاش در جهت کاهش مناسبتهای، فرصتهای و زمینه‌ها و موقعیتهای ارتکاب جرم بدهند.

ر.ک.

Chicago School; Conflict of cultures; Differential associations; Opportunity.



## ایجاد حریق

Arson

(1) Incendie

حریق، پخش و نشر مهارنشده آتش، فاجعه‌ای است که نایودی اموال و بعضاً، اطلمات علیه اشخاص را به دنبال دارد. از نظر جرم‌شناسی، اعتقاد بر این است که تعداد آتش‌سوزی‌های مجرمانه، نیمی از کل آتش‌سوزیها را تشکیل می‌دهد. تقریباً کلیه آتش‌سوزیهای مجرمانه، از نوع غیرعمدی و ناشی از بی‌احتیاطی و بی‌مبالایی است.

علاوه بر آتش برافروزان انتقام‌گیر (یعنی آتش‌سوزیهای مجرمانه مبتنی بر انتقام‌جویی که نسبتاً رایج هم هست)، آتش‌افروزی وجود دارند که برای سرگرمی و تفریح دست به ایجاد حریق می‌زنند. نوع سوم آتش‌سوزی، به منظور کسب اعتبار و ارزش بخشیدن به خود، توسط فرد مرتکب صورت می‌گیرد و این در مورد آن دسته از مأموران آتش‌نشانی و اطفاء حریق صادق است که برای نشان دادن جرأت و شهامت خود به هنگام عملیات، دست به آتش‌افروزی می‌زنند. نوع چهارم آتش‌افروزی، ایجاد حریق در اموال خود به منظور استفاده از مزایای بیمه آتش‌سوزی است.

ایجاد حریق، جرم نسبتاً آسانی است، ولی یافتن مرتکب آن، غالباً بسیار دشوار است. بنابراین تعداد و نسبت مجرمین دستگیر شده، نمایانگر کل مرتکبان نخواهد بود. رقم سیاه جرم ایجاد حریق معمولاً بالا است. آتش‌سوزی عمدی در غالب موارد با اختلال روانی مرتکب ارتباط دارد، ولی تعیین الگوی انگیزشی ارتکاب، به سختی امکان‌پذیر است. با اینکه اقلیت کمی از مرتکبین این جرم، پس از محکومیت و مجازات، مجدداً دست به ارتکاب آن می‌زنند، ولی برعکس اعتقاد روانپزشکان در گذشته، رفتار مجرمانه اینگونه افراد چندان هم تکرارپذیر نیست.

گفتنی است که قانونگذار ایران در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایجاد حریق را تحت شرایطی افساد فی الارض تلقی کرده است.

Alcoholism; Mental deficiency; Perversion. ر.ک.

\* \* \*

Assassination

قتل (قتل سیاسی، ترور)

(1) Assassiant

کشتن افراد با توسل به وسایل خائنه، به قدمت تاریخ بشریت است. واژه لاتین از کلمه

فارسی حشاشین (Assassins) اخذ شده است که منظور، پیروان حسن صباح می‌باشند. البته قتل عمدی به خاطر انگیزه‌ها و اغراض سیاسی و رقابتی، قبلاً نیز برای مردمان ادوار باستان کاملاً شناخته شده بود. یونانیان به طرح دکترین مُستبد - ستمگرگشی (Tyrannicide) پرداختند که بر اساس آن، قتل یک ستمگر نه تنها موّجه بود، بلکه عمل قهرمانانه‌ای محسوب می‌شد که مستحق قدردانی عمومی نیز بود. پادشاهان و رهبران سیاسی جهان، همیشه از دو سو مواجه با خطر قتل بودند؛ از سوی فرد قاتل که به انگیزه حسادت، تنفر، انتقام و یا خیال‌پرطازی‌های شخصی دست به ارتکاب این جرم می‌زند، و از سوی گروه‌های سیاسی‌ای که با توشل به کودتا، شورش یا تروریسم در جهت برهم زدن نظم موجود و در دست گرفتن قدرت سیاسی تلاش می‌نمایند. در جوامعی که در آنها به طور سنتی، آزادی فردی زیادی وجود نداشته، قوانین و مقررات راجع به حمل سلاح، سختگیری و شدت عمل کمتری دارد و تماس شخصیت‌های سیاسی با رسانه‌های همگانی و عموم مردم بیشتر است، رؤسای جمهور و مقامات بلندپایه دیگر، به طور فزاینده‌ای در معرض حملات از سوی هر دو گروه قاتلین قرار دارند.

Political crime; Terrorism.

ر.ک.

\* \* \*

## مراکز اصلاح و تربیت (نیمه‌وقت) Attendance centres (les) Centres d' éducation

نگهداری بزهکاران ۱۷ تا ۲۱ ساله در مراکز اصلاح و تربیت نیمه‌وقت در انگلستان، به صورت حضور نیمه‌وقت (معمولاً در بعد از ظهر روزهای تعطیل هفته) در مراکزی که توسط وزارت کشور انگلستان (و تاکنون فقط در مناطق پُرجمعیت) تبارک دیده شده است در نظر گرفته می‌شود. مراکز کوچکتر مخصوص جوانان کمتر از هفده سال و مراکز بزرگتر ویژه جوانان هفده تا بیست و یک ساله است. دادگاه میزان کل ساعات حضور را که حداکثر ۲۴ ساعت برای مراکز کوچک و ۲۶ ساعت برای مراکز بزرگ است تعیین می‌نماید. مراکز مزبور توسط مأموران پلیس در ساعات غیرکاری و بعضاً توسط مأموران زندان اداره می‌شوند. ساعات حضور، صرف تمرین بدنی، کُر سازنده و گفتگوهای مفید می‌شود، ولی محل‌هایی نیز

مخصوص مددکاری فردی و خلاق در نظر گرفته شده است.<sup>۴۸</sup>

Borstal; Juvenile delinquency.

ر.ک.



## درمان اجتنابی، درمان با ایجاد بی‌زاری، تنفر درمانی Aversive therapy (la) Thérapie aversive

عنوان یکی از روش‌های رفتار درمانی است و به یک رشته تکنیک‌هایی اطلاق می‌گردد که در اصل، برای درمان اختلالات عصبی ابداع شده است. هدف از این روش، ایجاد تداوی میان یک الگوی رفتاری نامطلوب و یک تحریک ناخوشایند و یا تبدیل چنین تحریک ناخوشایندی به نتیجه رفتارهای نامطلوب فرد است. برنامه درمانی مربوطه در شکل آرمانی خود شامل تلاش در جهت تشویق رفتار قابل قبولی است که باید جایگزین رفتار قبلی شود. درمان اجتنابی غالباً برای درمان آن دسته از اختلالات رفتاری (از قبیل الکلیسم و انحرافات جنسی) به کار گرفته می‌شود که رفتار فرد بیمار، نامطلوب بوده، لیکن توسط خود وی دنبال و تقویت می‌شود.

در زمینه قانونی، از روش درمان اجتنابی در درجه نخست برای کاهش، تعدیل یا از بین بردن اعمال جنسی از قبیل عورت‌نمایی، مبدل‌پوشی جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز جنسی استفاده می‌شود. محرک‌های ناخوشایند (اجتنابی) گوناگونی در روش درمان اجتنابی به کار گرفته می‌شود، ولی نوع الکتریکی و شیمیایی آن بیش از انواع دیگر، مورد استفاده قرار گرفته است. در روش الکتریکی که بیشتر در درمان اختلالات جنسی به کار می‌رود، درمانگر شوک دردناک ملایمی را هنگام بروز رفتار نامطلوب بر بیمار وارد می‌کند. در روش شیمیایی که برای درمان الکلیسم، دارای بیشترین کاربرد بوده است، به بیمار داروی تهوع‌آوری داده می‌شود و سپس در معرض رفتار انحرافی قرار می‌گیرد یا در هنگامی که دارو حداکثر تأثیر خود را بر او گذاشته است، از وی خواسته می‌شود تا به عمل انحرافی دست بزند.

درمان اجتنابی بر پایه الگوی شرطی شدن قرار دارد که اساس این الگو را یایستی در «انعکاس‌های شرطی» پاولوف، دانشمند روسی، (۱۹۲۲) جستجو نمود. اکنون بیش از پیش روشن شده است که نظریه کلاسیک شرطی شدن، یک تئوری محدود است و باید اهمیت بیشتری به عوامل شناختی داد؛ عواملی که بخشی از این روش و روشهای درمانی دیگر را

۴۸. در مورد حقوق ایران ر.ک. مواد ۲۸۷، ۴-۲، ۵۱۳ و ۵۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.



تشکیل می‌دهند. به هر حال دُمّنه استفاده از درمان اجتنابی، محدود بوده و کاربردهای آن بواسطه احتمال استفاده زاججا، در چارچوب رهنمودهای اخلاقی قرار دارد. در حال حاضر، استفاده قانونی این روش، بیشتر محدود به درمان مرتکبین جرایم جنسی و به طور کلی تنها به عنوان جزئی از یک برنامه درمانی گسترده محسوب می‌شود؛ برنامه‌ای که هدف از طرح آن، گسترش جانشین‌های موفقیت‌آمیزتری برای رفع نیازهای جنسی است.

\* \* \*

بکاریا (جزایره بونسانادی) (Beccaria (Cesare Bonesana di)  
(۱۷۹۴ - ۱۷۳۸)

حقوق کیفری مُدرن در اواخر سده هجدهم متولد شد و جان گرفت. در حقوق قدیم، واکنش اجتماعی میثی بر انتقام‌گیری و ارباب بود. خشونت، خونکامگی و نابرابری، از خصوصیات عمده آن بوده است؛ فیلسوفان عصر روشنگری علیه این امر برخاستند. بکاریا که جوانی از یک خانواده اشرافی در استان پاوی ایتالیا بود، اندیشه‌های فلاسفه این عصر، به ویژه عقاید روسو را در نظریات کیفری وارد کرد. در سال ۱۷۶۴، کتاب «رساله جرایم و مجازات‌ها» را بدون این که نام خود را به عنوان نویسنده بر آن نهد منتشر کرد. اندیشه محوری کتاب، این است که انسان تحت تأثیر منافع و علایق خود قرار دارد، بنابراین وظیفه قانون، آن است که شوک ناشی از علایق، شهوت‌ها و عشق‌ها را با توسل به سرکوبی کیفری و پیشگیری تخفیف دهد. بکاریا، دو اصل قانونمندی جرایم و مجازات‌ها و تضمین آزادی‌های فردی را که در اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه آمده بود تعریف کرد.

روسیپیر، حقوقدان انقلابی فرانسوی، از عقاید بکاریا الهام گرفت. وی مخالف کیفر مرگ، مگر در وضعیتهای استثنایی مربوط به امنیت عمومی، بود. به اعتقاد او بردگی دائمی نباید جایگزین کیفر مرگ شود. وی در ارتباط با پیشگیری از جرم گفته است: «پیشگیری از جرایم بهتر از سرکوبی کیفری جرایم است.»

ر.ک.

Bentham; Capital punishment; Criminal laws; Criminal policy; Penal philosophy; Social defence.

\* \* \*

روش‌های اصلاح یا تغییر رفتار مبتنی بر این فرض است که احتمال بروز یک رفتار بستگی به پیامدهای آن دارد. اگر بروز رفتار، پاداشی به همراه داشته باشد محتمل‌الوقوع‌تر خواهد بود، در حالی که اگر مجازاتی در انتظار آن باشد احتمال وقوع آن کمتر خواهد شد. روش‌های مزبور در آمریکا بیش از انگلستان مورد استفاده قرار گرفته و زمینه کاربرد آنها در نهادهای تأدیبی، محیط‌های نیمه‌زندانی - نیمه اجتماعی، در خانواده‌ها، مدارس و حتی در جامعه است.

غالب برنامه‌های نهادهای تأدیبی و برنامه‌های تیمه اجتماعی، شامل استفاده از نوعی «اقتصاد اعتباری» است که براساس آن مجرمان به شرط نشان دادن رفتار قابل قبول از خود (مثل نظافت اطاق‌ها و انجام کارهای روزانه) ژنوبهایی دریافت می‌نمودند که قابل تبدیل به پاداش‌های مادی (مثل پول یا تماشای تلویزیون) بوده است. در برخی موارد شرط آزادی فرد، پیشرفت موفقیت‌آمیز در سطوح مختلف و متوالی رفتارهای مطلوب نیز بود. مسأله عمده و اصلی در برنامه‌های تغییر رفتار، آن است که رفتارهای بزهکارانه داخل نهادهای تأدیبی قابل تغییر و اصلاح است، ولی تغییر رفتارهای بزهکارانه در داخل اجتماع بسیار دشوارتر خواهد بود. امروزه، موضوع اثربخشی طرح‌های تغییر رفتار در دگرگون ساختن رفتار بزهکارانه، در قالب تحقیقات منطقی و مدون به طور قطع به اثبات نرسیده است.



بن‌تام پس از آغاز پیشه وکالت، کوشش خود را بر مطالعه درباره علوم انسانی متمرکز کرد. کابانیس (Cabanis)، پزشک و فیلسوف فرانسوی، معتقد بود که «پزشکی و اخلاق، دو شعبه از یک علم هستند که به اتفاق، علوم انسانی را تشکیل می‌دهند». از سوی دیگر، پینل (Pinel)، روان‌پزشک فرانسوی، معتقد بود که «بیماری روانی نوعی آزمون برای روانشناسی عادی نیز محسوب می‌شود». بن‌تام اصولی که بعدها آنازاس را تحت‌الشعاع قرار داد، در این

علوم انسانی نوپا یافت. او همچنین مدیریون بکارهای ایتالیایی و جان هوارد انگلیسی (Howard) است؛ تحت تأثیر اندیشه‌های بکارها، به مفهوم فایده‌گرایی و سودمندی واکنش اجتماعی علیه جرم پیوست و تحت تأثیر هوارد، به برتری کیفر زندان در نظام کیفری معتقد شد. از جمله آثار وی می‌توان به «رساله قوانین مدنی و کیفری» و «رساله مجازات‌ها و پاداش‌ها» اشاره کرد. او طرفدار اخلاق فایده‌گرایی مثبتی بر «محاسبه نئات و مجازات‌ها» و هزینه‌های ارتکاب جرم بود.

فوتر باخ<sup>۱۱</sup> نیز به نظریه پنتام پیوست و آن را چنین خلاصه کرد: «برای این که شدت مجازاتی که مجرم به دلیل ارتکاب جرم در معرض تهدید آن است تبدیل به یک انگیزه تعیین کننده رفتار و کردار شود، باید آنکی بیشتر از میزان نذنی باشد که فرد مجرم امیدوار است با ارتکاب عمل مجرمانه کسب کند.» این بینش که به موجب آن، انسان در انتخاب‌هایش فقط تحت تأثیر ملاحظاتی فایده‌گرا قرار نارد را باید با اندیشه‌های اقتصادی آدام اسمیت مقایسه کرد. آدام اسمیت، انسان را در حد یک مدل انتزاعی می‌داند که تحت حاکمیت منافع قرار دارد و براساس آن عمل می‌کند. پنتام واضح طرح و نقشه یک زندان مدل به نام پان‌اپتیک (زندانی با کنترل مرکزی تمام یا زندانی سراسر بین) است. پیشنهادهای وی از جمله نویسندگان قانون مجازات فرانسه (۱۸۱۰) را تحت تأثیر قرار داده است. به موجب این قانون، کیفر باید متناسب با اهمیت خطای فرد یعنی جرم ارتکابی او باشد. در مورد حقوق ایران به ماده ۲۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۲۳ و ۶۴ قانون مجازات اسلامی رجوع شود. البته در خصوص قرارهای تأمین نیز تناسب قرار با جرم ارتکابی مورد توجه واقع شده است (از جمله رکن مواد ۲۴۷، ۲۵۰ و ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲).

ر.ک.

Beccaria; Criminal laws; Criminal policy; Howard; Kant, Penal philosophy; Prison.



## Bifurcation

## دوگانه کردن

### (la) Bifurcation

اصطلاح دوشاخه یا دوشعبه یا دوگانه کردن، نخستین بار توسط (A. B Bottoms) در

سال ۱۹۷۷ در کتابی تحت عنوان «عقایدی درباره تجدید حیات نظریهٔ حالات خطرناک» مطرح شد و مقصود از آن، تفاوت درمان «مجرمان واقعاً خطرناک» (که معمولاً به طور قطع، درمان جدی‌تری برای آنان توصیه می‌شود) در مقابل مجرمین «عادی» است که روش قابل تحمل‌تری در برخورد با آنان به کار گرفته می‌شود. یعنی، بدین ترتیب برنامه‌های اصلاحی معمول نسبت به پژوهکاران، برحسب درجهٔ خطرناکی آنان، باید به دو دسته تقسیم شود و به نوعی از سیاست کیفری افتراقی، برحسب نوع جرم و مجرم، پیروی گردد.

Dangerousness; Clinical criminology.

ر.ک.

\* \* \*

## اخاذی

## Blackmail

### (la) Chantage

در بسیاری از قوانین کیفری سه نوع اخاذی را جرم‌انگاری کرده و بنابراین قابل مجازات می‌دانند؛ اخاذی با تهدید جسمانی، اخاذی همراه با تهدید به متهم نمودن شخص بزه‌دیده به ارتکاب جرم و بالاخره اخاذی با تهدید به افشای اطلاعاتی که موجب بی‌اعتباری و بدنامی وی خواهد شد. در تمامی این موارد، عدم مشروعیت اصلی عمل، عبارتست از سرقت یا توسل به ایجاد رعب و وحشت که نتیجتاً قربانی جرم ناگزیر از چشم‌پوشی از اموال یا مایه‌آزار خدمات خواهد شد. از میان این سه‌گونه اخاذی، تهدید جسمانی دارای تاریخچه‌ای طولانی است، ولی در طول دهه‌های اول و دوم سدهٔ نوزدهم، دادگاهها به تدریج دریافته‌اند که افراد همانگونه که ممکن است مورد تهدید جسمانی قرار گیرند، به همان ترتیب ممکن است شخصیت یا شهرت آنان نیز مورد تهدید واقع شود.

برخی از نویسندگان، اخاذی با توسل به تهدید شخصیت را بر چهارگونه تقسیم کرده‌اند؛ اول، اخاذی پیشقدمانه که در آن، بزه‌دیده به تدریج اغوا شده و در موقعیت تسلیم (غالباً جنسی) قرار می‌گیرد؛ دوم، اخاذی فرصت‌طلبانه که ناشی از کشف اتفاقی اطلاعات زیانبار در ارتباط با بزه‌دیده توسط مرتکب است؛ سوم، نفحص تجارنی یا بی‌جوئی آگاهانهٔ اطلاعات بدنام‌کننده که مثلاً ممکن است علیه یک رقیب سیاسی یا تجاری مورد استفاده قرار گیرد؛ و چهارم، اخاذی ناشی از شراکت و روابط سابق میان مرتکب و بزه‌دیده، در موردی است که آنان نسبت به آنچه که ممکن است به صورت یک راز و سز زیانبار درآید، اطلاعات مشترکی دارند.

Victim survey; Victimology

ر.ک.

\* \* \*

## بورستال (کانون اصلاح و تربیت)

Borstal

(lc) Centre de redressement

عنوان سابق کانون اصلاح و تربیت بزهکاران جوان در انگلستان است که جانشینی برای مجازات حبس محسوب می‌شد. نگهداری در این مراکز، ویژه بزهکاران بالاتر از ۱۶ سال و کمتر از ۲۱ سال و مدت نگهداری نیز بین یک تا سه سال (از سال ۱۹۶۱ حداکثر ۲ سال) بود. اولین مرکز در روستای بورستال شهر کنت در سال ۱۹۰۲ تأسیس شد. در طول مدت مجازات، بزهکاری که حناقل شش ماه از مدت مقرر را در این مراکز سپری کرده بود می‌توانست به موجب اجازه آزاد شده و تا شش ماه پس از انقضای مدت، تحت نظارت بماند. هدف رسمی بورستال، ارائه آموزش لازم به نحوی بود که موجب اصلاح فرد بزهکار شود.

در سال‌های پس از جنگ دؤم جهانی به تدریج روشن شد که وضعیت تغییر کرده و این سیستم موفقیتی در پی ندارد و به همین علت شورای مشورتی نظام کیفری انگلستان، دلیلی برای حفظ این نهاد نیافته و بالاخره در سال ۱۹۸۳ از سیستم عدالت کیفری این کشور حذف شد.

Attendance Centres; Juvenile delinquency,

ر.ک.

\* \* \*

## قوار مراقبت

Care order

(F) Ordonnance de soin et contrôle

در انگلستان چنانچه یک نوجوان مرتکب جرمی شود که در مورد افراد بزرگسال، مجازات آن حبس است، تحت مراقبت قرار خواهد گرفت. این دستور یا قرار، اختیارات و وظایف والدین در مورد فرد نوجوان و نیز صلاحیت محدود کردن آزادی وی را به مرجع محلی تفویض می‌نماید. جز در صورت تمدید یا لغو توسط دادگاه، دستور مربوطه تا زمانی که فرد بزهکار به سن ۱۸ سالگی برسد به قوت خود باقی خواهد ماند. مرجع محلی که همان اداره خدمات اجتماعی منطقه (Social Service Department) است، معمولاً ترتیبی اتخاذ می‌نماید که فرد نوجوان در یک مرکز مسکونی، مطالعه و ارزیابی شود و سپس به یک خانۀ

اجتماعی اعزام گردد؛ با این وجود، امکانات دیگری نیز از قبیل سپردن به یک زوج یا حتی بازگرداندن به محیطه کنترل همان مرجع محلی وجود دارد.

صدور قرار مراقبت که به وسیله قانون اطفال و نوجوانان (۱۹۶۹) تجویز گردید، از سوی مجستریته‌ها (قضات دادگاه بدوی یا دادگاه صلح) و پلیس با انتقادات شدیدی روبرو شده است؛ تأکید این‌گونه دستورهای بر مسائل رفاهی باعث می‌شود که از جنبه کیفری (و علی‌القاعده بازدارنده) آنها که بنا به اعتقاد مقامات مزبور به هر حال باید در این دوران سنی مشکل‌افزین، بر جنبه‌های دیگر ترجیح داده شود، کاسته گردد. تا قبل از این قانون، دادگاهها می‌توانستند خود مستقیماً، فرد نوجوان را به یک مدرسه ویژه (که به خانه اجتماعی تبدیل شده است) اعزام نمایند که اکنون این اختیار را ندارند. قانون عدالت کیفری (۱۹۸۲) این اختیار را تا حدی به محاکم باز می‌گرداند تا آنها را قادر سازد در برخورد با کسانی که قبلاً تحت مراقبت بوده‌اند و مجدداً مرتکب جرم می‌شوند به نحو مقتضی عمل نمایند.

Attendance centres; Borstal; Juvenile delinquency. زک.

\* \* \*

## Causality

## علیت

### (la) causalité

اثبات رابطه علیت به دو نحو صورت می‌گیرد: اثبات اینکه واقعه «الف» قبل از واقعه «ب» روی نداده است و یا اثبات این امر که تمامی دلایل وقوع «ج» به جز دلیل «د» عتقی می‌باشند. در رفتار و روابط انسانی چنین دلایل علی روشنی، به راحتی دست‌یافتنی نیست. در ارتباط با رفتار جنائی، با توجه به جنبه پنهانی عمل (و عامل)، عدم وضوح اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب عمل مجرمانه شده و فشار متعاقبی که بر عامل وارد می‌شود تا انگیزه خود را به صورتی بیان نماید که از نظر شخصی، جنبه عطفوی داشته و به جای پیچیدگی، از سادگی برخوردار باشد و بالاخره با توجه به وسوسه غیرقابل اجتناب عمل مجرمانه در لحظه ارتکاب، وضع از این هم دشوارتر است (تبیین رابطه علیت در مرتکباتی که جرایمشان کشف نمی‌شود، از این هم دشوارتر است).

تحقیق در مورد علل وقوع جرم، نقطه شروع پژوهشها و مطالعات در جرم‌شناسی بوده و از

فشار برای دانستن و سپس ارزیابی دانسته‌ها ناشی می‌شود. هنگامی که روشن شد در هر جرم فرضی، و البته برای همه جرایم، ممکن است هزاران علت (و نه چند علت معدود) و سطح پیچیدم‌ای از کنش متقابل وجود داشته باشد، تحقیق برای دستیابی به علت‌ها متوقف شد و توجه دانشمندان به فرآیند ارتکاب جرم معطوف گردید که این امر منجر به دو گرایش شد:

(الف) مطالعات پیش‌بین، با چشم‌پوشی از مطالعه علت، و توجه خاص به تفکیک عوامل و انگیزه‌های نوآم.

(ب) بررسی‌های پدیده‌شناختی، با هدف توصیف جرم، به عنوان یک پدیده مستقل که در این مورد نیز علت، نادیده گرفته می‌شود. تمایل به مطالعه علت‌ها به صورتهای مختلفی در نظریهٔ پرچسب‌زنی و جرم‌شناسی رادیکال که شاخه‌ی دیگری از جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی است دوباره ظاهر شد.

ر.ک. Criminology; Interactionist criminology; Radical criminology.

\* \* \*

Character

قنش

(le) Caractère

در بین کلیهٔ خصوصیات که شخصیت را تشکیل می‌دهد، آن دسته از آنها را که دارای ماهیت عاطفی - پویا (دینامیک) هستند عموماً تحت عنوان منش، که یکی از ارکان تعیین‌کنندهٔ رفتار است، به شمار می‌آورند.

منش یک فرد ممکن است مختل شود؛ بروز عدم تعادل یا اختلالات منش که از طریق رفتار و کردار غیرطبیعی، لیکن با وجود روشن‌بینی فکری متجلی می‌شود، بیانگر نشانه‌هایی از بیماری‌های روانی وخیم است. به علاوه، شخص دژمنش یا بیمار روانی قرق دزد، بیمار روانی در معرض یک فرآیند در حال تحول است، حال آن‌که دژمنش دارای یک حالت دائم و پایدار است.

دو نظریه در خصوص خاستگاه اختلالات منش در مقابل هم قرار دارند: اول، نظریه‌ای که اهمیت آموزش و پرورش را می‌پذیرد و دوم، نظریه‌ای که در ارتباط با منش، مجموعهٔ استعدادهای ساختاری (سرشتی) را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. مکاتب سوئیس و آلمانی در

مورد اختلالهای منش، از جامعه‌سنیزی سرشتی سخن به میان می‌آورند. در هر حال باید فقط اختلالات شدید، یا حدود و ثغور مشخص و روشن مورد توجه قرار گیرد. این اختلالات بر حسب جرایم مختلف متغیرند؛ در جرایم جنسی و ایجاد حریق عمدی کمتر دیده می‌شوند، لیکن در سرقت‌های مقرون به اذیت و آزار و مسلحانه و نیز در سرقت‌های ساده زیادتند. به طور کلی، اختلالهای منش به تنهایی برای ارتکاب جرم کافی نیست؛ ترغیب و تشویق‌ها و تحریک‌های اجتماعی نیز قطعاً ضروری است. تجربه نشان می‌دهد برای اینکه درمان اختلالهای منش موفق باشد باید قبل از بلوغ آغاز شود، زیرا بعد از آن، تمایلات دژمنس تثبیت و مستقر می‌شوند.

ر.ک:

Adler; Age; Hereditary and personal backgrounds; Heuyer, Maladjustment; Social prognosis; Test; Treatment.

\* \* \*

## مکتب شیکاگو

Chicago School

(l) Ecole de Chicago

عنوان گروهی از جامعه‌شناسان دانشگاه شیکاگو است که از دهه ۱۹۲۰ شروع به فعالیت تحقیقاتی نمودند. توجه اصلی آنان در دهه نخست معطوف به توسعه شهری و مشکلات شهری بود و با انجام چند مطالعه تجربی و میدانی به تحقیق درباره این مسائل پرداختند. کار آنها به واسطه مفید بودن مفاهیم ارائه شده و نیز به خاطر این که هم شامل بررسی‌های قوم‌نگاری وسیع و هم دربرگیرنده مطالعات نظری (براساس ترسیم نقشه) بود، بسیار مؤثر شد و موجب مشخص شدن نواحی و مناطق جرم‌خیز و جرم‌زا (کانون‌های جرم) در شهرها شد، وی اهمیت اصلی کار آنان روشن ثبت و ضبط دنیای واقعیات از دینگاه پژوهکاران - به جای قلب یا تکرار اهمیت آن - بود.

اصطلاح مکتب شیکاگو (و مطالعات و تحقیقات این مکتب)، مبتنی آن است که پژوهکار، گرفتار محیط بی‌ارمون خود که خصیصه بارز آن، فقر بعضی از محله‌های شهری است، می‌باشد. وی یادگیری تدریجی عمل مجرمانه را همراه با حمایت هم‌تایان و همدیفان خود



انجام می‌دهد. یکی از مطالعات طولانی و مشهور مکتب شیکاگو «طرح منطقه شیکاگو» است. پیشگامان این مکتب، شو C.R. Shaw و مککی H.D. McKay هستند. شو اثر مشهور خود تحت عنوان «مناطق بزهکاری» را در ۱۹۲۹ و مککی کتاب خود با عنوان «بزهکاری اطفال و نوجوانان و مناطق شهری» را در ۱۹۴۹ منتشر کردند.

Area studies; criminal sociology.  
ر.ک.

\* \* \*

Child molestation

آزار جنسی کودکان

(f) Attentat à la pudeur sur l'enfant

غالب قربانیان جرایم جنسی در انگلستان و بسیاری از کشورهای دیگر نوجوانانند، ولی براساس تحقیقات رسمی به عمل آمده بسیاری از آنها - به‌ویژه پسرچیزها - با رضایت خود تن به اینگونه اعمال داده‌اند. روابط جنسی میان بزرگسالان و اطفال در برخی از کشورها، به‌طور تعجب‌آوری رایج است. براساس یکی از بررسی‌های به عمل آمده در آمریکا، ۱۹/۳ درصد دانش‌آموزان دختر و ۸/۶ درصد از پسران دانش‌آموز، تازایی تجربه رابطه جنسی بوده‌اند. در اکثر موارد وجود رابطه، در هنگام وقوع آن از سوی اطفال بازگو نشده است. نخستین تجربه آنها غالباً هنگامی صورت گرفته است که بین هشت تا دوازده سال سن داشته‌اند. تجربه پسرچیزها معمولاً - ولی نه اختصاصاً - با عرفان بزرگتر و غالباً در خارج از محیط خانه بوده است، حال آنکه رابطه دختران معمولاً با افرادی در داخل محیط خانه خود یا نزدیکترین محیط خانوادگی صورت گرفته است. با آنکه بعضی از اطفال به خاطر نوازش جنسی یا استمناء، حاضر به همکاری یا بزرگسالان هستند یا ظاهراً در پی لذت‌جویی و یا عملاً تماس جنسی با آنان هستند، ولی واکنش متداول آنها در برابر نزدیکی یک فرد بالغ، عدم پاسخ‌دهی، پس کشیدن و یا ترس دلپره‌آور است.

اصطلاح آزار جنسی کودکان یا آنکه معمولاً برای تمام انواع حوادث جنسی‌ای که یک طرف آن طفل است استفاده می‌شود، ولی ظاهراً شامل اعمال حريم‌شکن ناخوسته (بدون خواست بزه‌دیده) است، ولو اینکه عملاً هم تجاوزی صورت نگرفته باشد. بسیاری از آزارگران، بچه‌دوست‌هایی هستند که در عمل، به قربانی جرم علاقه دارند و خواهان صدمه

رساندن به آنها نیستند. عمل نشان دادن آلت تناسلی (عورت‌تمایی) یا ناز و نوازش خلاف عفت اطفال که معمولاً کل چیز است که اتفاق می‌افتد، باعث می‌شود که کودک متعاقباً احساس نگرانی یا گناه کند. آسیب رساننده‌تر از این موارد، وقتی است که طفل در معرض تهدید قرار می‌گیرد یا به طور فیزیکی منفعل می‌شود و یا قربانی تجاوز جنسی دردناک می‌گردد. وقتی متجاوز پدر طفل باشد یا دختر بچه‌های بدون میل خود مجبور به رابطه جنسی با محارم شود آسیب وارده ممکن است جدی باشد. زیرا بزه‌دیده در موضع وابستگی به متجاوز بوده و مغزی برای گریز از موقعیت غیرقابل تحمل به وجود آمده نمی‌یابد. در برخی موارد، کنجکاو و پرس و جوی والدین، تحقیقات پنیس و وکلای مدافع و نهایتاً حضور در جلسه دادگاه، برای بزه‌دیده زیانبارتر از خود سوء رفتار جنسی است.

بسیاری از مرتکبان آزار جنسی کودکان، افراد تنهایی هستند که به لحاظ اجتماعی بی‌کفایت بوده و به خاطر اینکه دسترسی به افراد بزرگتر همدم خود ندارند، در پی تسکین خاطر، یا کودکان رابطه ایجاد می‌کنند. برخی دیگر نیز از نظر جنسی مجذوب کودکان‌اند و نشانه‌های بلوغ جسمانی در آنها پایان یافته است. بچه‌دوست‌هایی که شناسایی شده‌اند، عملاً در تمام موارد مرد بوده‌اند. اقلیتی از آنان صرفاً مجذوب پسر بچه‌ها هستند، ولی در مورد این مطلب که آیا بچه‌دوستی به طور کلی در میان همجنس‌بازان متناوب‌تر از دگرجنس‌بازان است یا نه، تردیدهایی وجود دارد.

ر.ک. Juvenile delinquency; Victim survey; Victimology



## Chronic offenders

## مجرمان مزمین

### (les) Délinquants chroniques

بزهکاران مزمین شامل سه گروه می‌شوند:

۱) بزهکاران روان‌نژند (نوروتیک)، افراد دارای وسواس فکری - عملی هستند که به وسیله محرک‌های ناخودگانه، مثل محرک‌های جنسی سرکوب شده، به سمت ارتکاب عمل سوق داده می‌شوند. در ورای انگیزه نهایی آنان، وابستگی دهانی وجود دارد؛ فعل‌پذیری جنسی‌ای که آنان به وسیله نهاجمات ضداجتماعی، سعی در انکار آن دارند. اینگونه افراد قادر

به تحمل اضطراب نیستند. گروه دیگری از افراد روان‌نژند، به واسطه احساسات گناهکارانه ناخودآگاه که ناشی از خصومت و تشنه بسیار عمیق آنان و احساسات گناهکارانه متعاقب آن است، مرتکب جرم می‌شوند. تمایل ناخودآگاه برای مجازات، آرزویی است که با ارتکاب جرم برآورده می‌شود. اعمال مجرمانه بزهکاران روان‌نژند عبارتست از دزدی بیمارگونه، آتش‌افروزی، اعتماد به مصرف الکل، شیدایی قتل، قماربازی و ولگردی.

۲) بزهکاران دارای اختلالات منش و بزهکاران جامعه‌ستیز (روان‌رنجور) ذاتی، شامل مجرمانی می‌شوند که دارای اختلالات منش بوده و به خودی خود، نشانه‌های روان‌رنجوری را از خود بروز نمی‌دهند. آنها به نحو بارزی ستیزه‌جو، صلاح‌تعمای، تحریک‌پذیر، خودشیفته، ناپایدار، لذت‌جو، در مرحله دهانی تثبیت شده و از نظر احساسات، بی‌تفاوت‌اند و دارای فرمان یا فرآیند ضعیفی هستند. اینگونه افراد، غالباً در خانواده‌های بی‌ثبات پرورش یافته‌اند و ویژگی آنها، روابط احساسی و عاطفی ضعیف، محرومیت عاطفی، طرد و مسامحه بیش از حد و متناوب است که از همسان‌سازی یا مدل‌های نقشی صحیح بازمانده‌اند. تشخیص‌های اختلالات منش، ممکن است به ارتکاب تمامی انواع جرایم دست بزنند. تمایز میان بزهکاری که مبتلا به اختلالات روان‌نژندی منش می‌باشد و فرد جامعه‌ستیز ذاتی، از نوع تفاوت‌های کفی است نه کیفی. جامعه‌ستیز ذاتی، تحت شرایط محرومیت شدید و شبیه آن پرورش می‌یابد و عدم احساس گناه، اضطراب و فقدان هویت، به نحوی مشخص، از وی سر می‌زند.

۳) بزهکارانی که روان‌پریش و یا دچار نقایص عقلی‌اند شامل مجرمانی هستند که به‌واسطه نقص استدلال و منطق، از درک (احساسی یا عقلی) این نکته که اعمال مجرمانه آنان، خطا و تخلف است عاجزند. این گروه شامل افراد مبتلا به اسکیزوفرنی و نقص عقلی، کسانی که دچار صنمات شدید در ناحیه سر شده‌اند، مبتلایان به اختلال خلقی دوقطبی، فلج ناقص، صرع و... می‌شوند. جرایم روان‌پریشها غالباً غیرعادی و نامأنوس، و ظاهراً بی‌معناست. افراد مبتلا به نقص روانی، مرتکب انواع گوناگون جرایم، مانند سرقت ساده، زد و خورد، آتش‌افروزی، عورت‌نمایی، تجاوزجنسی، زنا با محارم، همجنس‌بازی، وطنی یا حیوانات و قتل عمد می‌شوند.

ر.ک.

Acute offenders; Habitual offender; Mental abnormality; Mental deficiency; Part-time crimes.

از آنجا که جرم‌شناسی علمی نمی‌توانست به مسائل اجتماعی و فردی ناشی از عملکرد نظام کیفری بی‌توجه باشد، لذا به این سمت گرایش یافت که در طرز کار نظام کیفری، فردی کردن مطلوب و واکنش اجتماعی علیه جرم را به اجزای گذارد و بدین منظور به جرم‌شناسی بالینی متوسل شد. از نظر واژه‌شناسی، کلینیک (درمانگاه) یعنی معاینه بیمار خوابیده در بستر (به زبان یونانی Kline به معنی بستر است). ولی در علم پزشکی، این واژه از معنای اصلی خود فراتر می‌رود و به هر نوع معاینه مستقیم بیمار، به غیر از معاینه‌های آزمایشگاهی از نوع زیست‌شناختی یا شیمی، اطلاق می‌شود. در علم روانشناسی نیز پذیرفته شده است که معاینه بالینی از طریق مصاحبه یا فرد صورت گیرد، در صورتی که آزمونها (تست‌ها)، معاینه‌هایی آزمایشگاهی هستند.

در عین حال و با اینکه تفکیک معاینه بالینی و معاینه تجربی (آزمایشگاهی) همواره امری اساسی است، اما باید گفت که امروزه بیش از پیش، کلیه تکنیک‌هایی که مطالعه هر مورد فردی را میسر می‌سازد، تحت عنوان «روش بالینی» گردآوری می‌شوند.

در جریان برگزاری یک گردهمایی بین‌المللی در سال ۱۹۵۸ در ژنوا، اصول جرم‌شناسی بالینی توسط دی‌تولیو، جرم‌شناس ایتالیایی، تعریف و موضوع آن چنین تعیین شد:

- ۱) مطالعه فرد بزهکار و رفتار او از کلیه جنبه‌ها، با استفاده از یک معاینه پزشکی - روان‌شناختی و اجتماعی که ماهیتاً چندبُعدی است؛
- ۲) ارزیابی شخصیت بزهکار و حالت خطرناک او؛ (رک. ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲).

۳) تنظیم احتمالی برنامه اصلاح و درمان که باید در مورد وی به اجرا درآید؛

۴) تجویز و پی‌گیری اجرای برنامه اصلاح و درمان نسبت به بزهکار و کنترل و ارزیابی

نتایج آن.

بدین‌سان، ملاحظه می‌شود که جرم‌شناسی بالینی، به شیوه پزشکی سازماندهی شده است و به مانند پزشکی در «چهارراه علوم» واقع شده، دارای جنبه‌های فنی - تخصصی است که به لحاظ اجرای عملی آنها مفهوم پیدا کرده، مستمراً از جمع به فرد و از فرد به جمع می‌رود، هم با مفاهیم علمی (مانند شخصیت) کار می‌کند و هم با مفاهیمی که بیانگر داوریه‌های ارزشی است (مانند حالت خطرناک) و بالاخره دارای یک هدف اخلاقی مستقل است: ارتقاء

انسان بزهکار به سطح یک فرد عادی به منظور اجتناب از پیدایش قربانیان جدید. جرم‌شناسی بالینی، هم درمانگاه جرم‌شناسی و هم تحقیقات بالینی را شامل می‌شود. درمانگاه جرم‌شناسی عمدتاً عمل‌گرا بوده و مبنی بر کیفیت گفتگویی است که بین متخصص بالینی و مجرم برقرار می‌گردد. تحقیقات بالینی از نظر کمیت در سطح بالایی صورت می‌گیرد و بدین منظور از روشهای دقیق علمی استفاده می‌کند. ولی هر دو، یعنی هم درمانگاه جرم‌شناسی و هم تحقیقات بالینی، به سوی ساخت یک مدل که درمانگاه جرم‌شناسی به عنوان ابزار کار از آن استفاده خواهد کرد، گام برمی‌دارند. جرم‌شناسی بالینی از طریق مطالعه حقوق کیفری صغیر وارد قلمرو قضایی شده است. جرم‌شناسان بالینی به خاطر ماهیت کارشان، اصلاح‌گرا هستند و برای بهبود نهادهای عدالت کیفری مبارزه می‌کنند. جرم‌شناسی بالینی دارای یک مرکز بین‌المللی در جنوا (ایتالیا) است که در ۱۹۷۵ ایجاد شده است. ر.ک.

Administration of criminal justice; Criminal personality;  
Dangerousness.

\* \* \*

## Cohorts

## همگروهان

### (les) Cohortes

تحقیقات جرم‌شناختی شامل دو رهیافت عمده است: رهیافت عرضی و افتراقی که گروههای مختلف بزهکاران را در یک دوره معین مطالعه می‌کند، و رهیافت طولی که گروههای مختلف بزهکاران را در زمان، یعنی در زمان‌ها و لحظات پی در پی بررسی می‌نماید. مطالعات درباره نسلهای بزهکار، خرقة مجرماته و مطالعات تعقیب‌کننده و پی‌گیر در زمان، از جمله رهیافتهای مطالعاتی طولی هستند. مطالعات از طریق همگروهان، آخرین شکل این نوع تحقیقات پیشرفته است.

در جمعیت‌شناسی، همگروه، «کلیه افرادی را شامل می‌شود که در یک دوره یکسان، واقعاتی اساسی از تاریخ زندگی خود را - مانند تولد یا ازدواج - پشت سر گذاشته‌اند». همگروهان سنی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که در یک سال به دنیا آمده‌اند و برای

مطالعه نحوه رشد و تکامل آنها در طول زمان، انتخاب می‌شوند تا تنوع عوامل مؤثر بر رفتارشان و نحوه تأثیر این عوامل ارزیابی شود. در جرم‌شناسی، مطالعه همگروهان امکان رهیافت تحلیلی توالی وقایعی را که هریک از اعضای همگروه، در طول زمان با آن مواجه شده و پشت سر گذاشته‌اند، میسر می‌سازد. بدین ترتیب، باب امکان مشخص کردن تحول جمعی کل اعضای همگروه گشوده می‌شود.

Methodology: Longitudinal research.

ر.ک.

\* \* \*

## Community homes

## کانونهای (خانه‌های) اجتماعی = گروهی

(les) Foyers communautaires

عنوان عمومی محل‌های مسکونی است که در انگلستان در اختیار مقامات محلی قرار دارد تا در صورت نیاز به اسکان اطفال و نوجوانان تحت مراقبت، از آنها استفاده شود. سه نوع اصلی از اینگونه کانونها با خانه‌ها وجود دارد: (الف) کانون‌های اجتماعی یا امکانات تحصیلی [CH(E)]. اینگونه خانه‌ها در سال ۱۹۷۳ تا حد زیادی جایگزین مدارس ویژه بزهکاران شد؛ (ب) کانون‌های اجتماعی که اطفال ساکن آنها، به مدرسه محل می‌روند؛ و (ج) مراکز نظارت و ارزیابی (O and A centres).

ظرفیت پذیرش خانه‌های اجتماعی انگلستان که توسط مسئولین محلی، ایجاد و هدایت شد در سال ۱۹۸۰، حدود ۲۴۰۰۰ نفر بوده است که از این تعداد، ظرفیت مراکز CH(E) و O and A حدود ۵۰۰۰ نفر بوده است. علاوه بر اینها، ظرفیت خانه‌های اجتماعی کمکی که توسط سازمانهای داوطلب تأسیس شده نیز به ۵۰۰۰ نفر بالغ می‌شده است.

تعداد ۳۱۰۰۰ طفل در سال ۱۹۷۹ در کانون‌های اجتماعی ساکن بوده‌اند که از این تعداد، ۲۰ درصد آنان به لحاظ ارتکاب جرم، تحت مراقبت قرار گرفته‌اند. ۴۰ درصد اطفالی که به خاطر ارتکاب جرم، تحت مراقبت قرار گرفته بودند در کانون‌های اجتماعی نگاه داشته می‌شدند؛ در مقابل، ۲۱ درصد غیرمجرمین تحت مراقبت، در این اماکن حضور داشتند. شصت درصد اطفال ساکن کانون‌های CH(E)، به خاطر ارتکاب جرم تحت مراقبت قرار داشتند.

در دهه ۱۹۷۰، به ویژه به دنبال اختصاص بودجه دولت مرکزی، تعداد اماکن تأمینیه افزایش یافت. تعداد ۴۰۰ مکان تأمینیه در کانون‌های محلی تا سال ۱۹۸۱ وجود داشت؛ اطفال تحت مراقبت را می‌توان در مراکز تربیتی جوانان که توسط دپارتمان بهداشت و امنیت اجتماعی اداره می‌شود نیز نگهداری کرد.

از زمان تصویب قانون اطفال و نوجوانان در سال ۱۹۶۹، نسبت بزهکاران نوجوان که، در انگلستان تحت مراقبت قرار داده شده‌اند کاهش یافته است، در حالی که به نسبت زندانیان افزوده شده است. قانون عدالت کیفری ۱۹۸۲، غالب اختیارات مقامات محلی را در ارتباط با تحت مراقبت قرار دادن اطفال و نیز در ارتباط با کانون‌های اجتماعی، همچنان به همان صورت باقی نگاه داشت. قرارهای موقتی برای مدتی که پایان آن، قبل از رسیدن طفل به سن ۱۸ سالگی باشد صادر می‌شود. تحقیقات نشان داده است که نوجوانان و اطفالی که به دنبال ارتکاب جرم، تحت مراقبت قرار می‌گیرند به کزات، محل نگهداریشان تغییر می‌کند. الگوی نوعی اسکان مجرمان در کانون‌های (CH(E)، طفلی است که در سن ۱۴ سالگی تحت مراقبت قرار می‌گیرد، دو یا سه ماه در یک مرکز نظارت و ارزیابی می‌ماند و سپس قبل از رسیدن به سن ۱۶ سالگی، بیش از یک سال در یک کانون (CH(E) به سر می‌برد. کاهش استفاده از کانون‌های اجتماعی در مورد بزهکاران نوجوان شاید بعضاً به دلیل هزینه‌های اجرایی زیادی باشد که باید از سوی مقامات محلی پرداخت شود. تعدادی از اینگونه مرکز، تعطیل شده و تعداد مکان‌هایی که توسط دیگر مقامات محلی اداره می‌شده نیز کاهش یافته است. برعکس، امکانات زندان توسط دولت مرکزی انگلستان فراهم شده که هزینه‌های هم برای دولت محلی دوبر ندارد.

Borstal; Attendance centres.

ر.ک.

\* \* \*

## Community policing (حفظ نظم محلی) (1) Ilotage/ (La) police communautaire

مفهوم مسؤولیت اجتماعی برای حفظ نظم جامعه شاید به قدمت پیدایش خود جامعه باشد. غالب فرهنگ‌ها، گونه‌هایی از اشکال جامعه را در برخی از بازدهای زمانی نشان داده‌اند.

اصطلاح «حفظ نظم محلی» یا «پایس محلی» در زبان انگلیسی ظاهراً در کاربرد انگلوساکسن و در طول دهه ۱۹۷۰ مطرح شده است. این تعبیر «صلاً» مربوطاً به مفهوم پیشگیری از جرم و ناهنجاری از طریق تلاش‌های هماهنگ است و به عنوان یک مفهوم امروزی و جدید، در حال تکوین بوده و فاقد پایه‌های نظمی کافی و شکل سازمانی است.

سیاست حفظ نظم محلی را می‌توان بیانگر حداقل چهار شیوه متفاوت کنترل اجتماعی توأم با تلاش اجتماعی دانست:

- ۱) سیاست بدوی حفظ نظم محلی: این نوع سیاستهای حفظ نظم اجتماعی، نخستین بار در شکل قدیمی خود در جوامع قبیله‌ای یا عقب مانده دیده شده است. در تمدن‌هایی که تنها اجتماعات کوچک و آسیب‌پذیری را شامل می‌شد، کنترل اجتماعی، از طریق خود خانواده یا گروهی از خانواده‌ها به اتفاق اعمال می‌شد و تشکیل دهنده نمونه‌های ابتدایی از سیاستهای حفظ نظم محلی بودند. این مفهوم را همچنین می‌توان در قوانین قدیمی انگلوساکسن جستجو نمود که در آنها گروههای خانوادگی در قبال رؤسای دهها و صدها نفر که آنان نیز به پادشاه وفادار بودند، مسؤلیت حفظ آرامش و امنیت را به عهده داشتند.
- ۲) سیاست اقتدارگرایی فراگیر حفظ نظم محلی: سیاست حفظ نظم مبتنی بر توتالیتریزم (اقتدارگرایی فراگیر) در گذشته، سلاحی در دست حزب حاکم بود و همراه کشورهای بلوک شرق سابق (مثل شوروی) و بلوک غرب (مثل آلمان نازی) در نیمه نخست سده بیستم وجود داشت. آخرین نمونه این نوع کنترل اجتماعی - سیاسی، از جمله در جمهوری چین و کره شمالی دیده شده است. در این گونه کشورها، تعداد سرپازن سرخ که در کزخانه‌ها به عنوان حافظ و کنترل کننده نظم و ایدئولوژی حاکم حضور دارند، افزایش می‌یابد.
- ۳) سیاست غیررسمی حفظ نظم محلی: اینگونه سیاستهای حفظ نظم محلی در مناطقی اعمال می‌شود که سیاست رسمی حفظ نظم، ضعیف باشد و به گروههای مختلف قدرت اجازه می‌دهد تا در محلات و مناطق، به اعمال نوعی کنترل غیررسمی اقدام نمایند. این گونه کنترل‌ها ممکن است خفیف یا شدید باشد؛ سیستم‌های پلیس غیررسمی خشن را می‌توان در جاهایی دید که گروههای قدرت از طریق خشونت و تهدید و ارباب پر اوضاع و محل مسلط می‌شوند. این حالت ممکن است در یک کشور مردم‌سالار اتفاق بیافتد که در آن، یک خرده‌فرهنگ مجرمانه در یک محله گسترش می‌یابد. در برخی موارد کنترل اجتماعی محلی از این نوع، به رغم وجود پلیس رسمی، نیز جان می‌گیرد.
- ۴) سیاست مدرن حفظ نظم محلی: یافتن سیاست حفظ نظم محلی در یک کشور توسعه



یافته دشوار است. زیرا بسیاری از نیروها علیه آن عمل می‌کنند. اینگونه سیاستهای حفظ نظم، در جایی وجود خواهد داشت که همه عوامل موجود در جامعه - چه رسمی و چه غیررسمی - معتقد به سعادت مشترک جامعه بوده و با یکدیگر جمع شوند تا به ایجاد جو اجتماعی و محیطی دارای نظم و آسایش مطلوب و سعادت همه افراد آن منجر گردد. این نوع سیاست حفظ نظم، برقراری قانونی نظم را به پلیس واگذار می‌کند و برای تضمین موفقیت آن، بر تنابیر اجتماعی تکیه می‌نماید. در وهله نخست باید کلمه «جامعه» را معنی کرد و از ضریق بسط برادری، در پی تقوی و ایجاد چنین پدیده‌های بود. جامعه را بایستی به‌عنوان گروهی از مردم تلقی کرد که با احساسات نزدیک به یکدیگر زندگی می‌کنند و پیش یا کم دارای منافع مشترکی هستند. اشتراک سکوتی، امری مثبت است، ولی ممکن است دشمنی و حتی تنفر را نیز به همراه داشته باشد. بنابراین، هرچا که جامعه‌ای وجود دارد بایستی تقویت شود و هرچا که وجود ندارد باید به وجود آید.

سیاست مدرن حفظ نظم محلی باید براساس مفهوم و درک سعادت مشترک باشد. ایجاد یک محله یا جو اجتماعی خالی از هرگونه ترس و بزهکاری کنترل نشده، باید هدف اصلی آن باشد. در ارتباط با حیثیت و شأن افراد، هیچکس نبایستی از نظر سیاست حفظ نظم بی‌ارزش تلقی شود. از سوی دیگر، باید نسبت به حقوق خصوصی، شخصیت و آزادی‌های همه افراد و از جمله عدم ایجاد مزاحمت برای افراد، توجه کافی مبذول داشت. اینگونه سیاستهای حفظ نظم که زیربنای آن را جامعه تشکیل می‌دهد باید، نه به خاطر عوامل و تمایلات محدود سیاسی و یا فرقه‌ای، بلکه برای کل جامعه صورت گیرد.

سیاست مدرن حفظ نظم محلی، در حرکت به سوی دستیابی به اهداف خود، بایستی تمامی ارگان‌ها و عوامل قانونی را که کارشان به نحوی بر کیفیت زندگی جامعه مؤثر است (تا حدی که مربوط به مسائل کنترل بزهکاری می‌شود) به کار گیرد. نفع مشترک عبارتست از ایجاد تنش‌های اجتماعی کمتر، از طریق یک محیط سالم‌تر. بدین ترتیب، عوامل قانونی بایستی با ارگان‌های دوطرفه که اهداف اجتماعی آنها به نحوی با این امر ارتباط دارند و با کسانی که کارشان، نمایندگی افراد جامعه است همکاری نمایند.

Criminal policy; Policing.

ر.ک.

**Comparative criminology**  
(la) Criminology comparée

**جرم‌شناسی تطبیقی**

جرم‌شناسی علمی عمدتاً در اروپا، کانادا و ایالات متحده آمریکا توسعه یافته است، یعنی در کشورهایی که از نظر تمدن و فرهنگ، نقاط مشترکی با هم دارند. ابتدا کنگره‌های بین‌المللی انسان‌شناسی جنایی (از ۱۸۸۵ تا آغاز جنگ اول جهانی در سال ۱۹۱۴) و سپس کنگره‌های جرم‌شناسی (از ۱۹۲۸ به این سو) به جرم‌شناسان کشورهای مزبور این امکان را داد که بتوانند تحقیقات به عمل آمده در وقایع مربوط به پدیده مجرمانه (جنایی) و واکنش‌های اجتماعی علیه آن را مقایسه نمایند. لیکن به تدریج، نیاز به توسعه حوزه مطالعات تطبیقی احساس شد و برگزاری دوره‌های بین‌المللی آموزش جرم‌شناسی در کلیه کشورها آغاز گردید.

بنا به ابتکار دانشگاه مونترآل و جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی، مرکز بین‌المللی جرم‌شناسی تطبیقی در ۱۹۶۳ در دانشگاه مونترآل تأسیس شد. این مرکز با کمک مؤسسه فیلیپ پینل (Ph. Pinedl) در مونترآل و مؤسسه انسان‌شناسی جنایی در جنوا، گردهمایی‌های بین‌المللی را در زمینه جرم‌شناسی بالینی برگزار کرده است که در نهایت به کمک کانیا (Canapa)، متخصص جرم‌شناسی بالینی اهل ایتالیا، منجر به تأسیس مرکز بین‌المللی جرم‌شناسی بالینی در سال ۱۹۷۵ شد. توصیف بزهکاری و انواع جرم ارتكابی در مناطق مختلف دنیا، عمده کار جرم‌شناسی تطبیقی را تشکیل می‌دهد (جرایم شنی، جرایم جدید، جرایم خشونت‌آمیز دُشی، از مصرف الکل در کشورهای سوسیالیستی سابق و...).

ر.ک.

Conflict of cultures; Criminality of gangs; Drug addiction;  
International Society of Criminology; Organised crime; Terrorism;  
Violence.

\* \* \*

**Conditionability**

**قابلیت شرطی شدن**

(la) Conditionabilité

اصطلاح مزبور به معنای تفاوت‌های فردی در پاسخ به «شرطی شدن» است (که عبارتست

ز روند یادگیری بسیار خاصی که توأم با آزمایش پاداش‌ها و کیفرهای مربوطه برای دستیابی به رفتار مطلوب می‌باشند). آیزنک (I.J.L. Lysenck) در کتاب خود تحت عنوان جرم و شخصیت (چاپ سوم، ۱۹۷۷) استدلال نمود که تفاوت در قابلیت شرطی شدن در دوران کودکی (که منجر به جذب افتراقی رزشهای اجتماعی می‌شود) مستقیماً به مجرمیت در بزرگسالی، مربوط می‌شود.

Behaviour modification; Extraversion.

ر.ک.

\* \* \*

## Conflict of cultures

## تعارض فرهنگها

### (le) Conflict de cultures

این اصطلاح، به اثر سلین، جرم‌شناس سوئدی تبار آمریکایی، در سال ۱۹۳۸، تحت عنوان «تعارض فرهنگی و جرم» باز می‌گردد و اشاره به تحلیل وی از مواردی است که در آنها، ممکن است بین هنجارهای «قوانین» فرهنگی متفاوت تعارض به وجود آید؛ (۱) هنگامی که این قوانین در مرز میان قلمروهای فرهنگی همجوار، با یکدیگر برخورد می‌کنند؛ (۲) هنگامی که قانون یک گروه فرهنگی، گسترش یافته و قلمرو گروه دیگری را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ همانگونه که در خصوص هنجارهای حقوقی چنین می‌شود یا (۳) هنگامی که اعضاء یک گروه فرهنگی، به قلمرو گروه دیگری مهاجرت می‌نمایند» در این چهارچوب، تأکید بر آثار مهاجرت در آمریکا، از اهمیت زیادی برخوردار بود، و البته این امر بر عهده نویسندگان مؤخر بود که به آن، شکل نظری کامل‌تری بدهند.

مسیر اجتماعی - فرهنگی که سلین دنبال کرد از دورکیم الهام گرفته شده است. دورکیم معتقد است که قانون مجازات در مقیاس وسیعی، بیان ارزش‌ها و آرمان‌های اخلاقی و آداب و رسوم یک تمدن است. از این رو، توسعه تمدن در یک کشور معین ممکن است موجب پیدایش تعارضهای فرهنگی در بین بعضی گروههای آن جامعه شود. جامعه صنعتی و تجاری نوین، نامتجانسی و پیچیده است. بعضی از موقعیتهای فردی، برای تعداد زیادی از اشخاص که در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کنند، در معرض هنجارهایی، آنچنان متضاد قرار می‌گیرد که «پاسخ فرد به این موقعیتها هرچه باشد، هنجارهای بعضی از گروههای دیگر اجتماعی ذینفع

را نقض خواهد کرد.»

با توجه به اهمیت پدیده مهاجرت در ایالات متحده آمریکا، مسائل مربوط به این پدیده، نظر سلین را به خود جلب کرد. لیکن نظریه تعارض فرهنگها دامنه‌ای کلی دارد و نسبت به قلمروهای سیاسی (در زمانی که یک ایدئولوژی طبقاتی در یک کشور پیروز می‌شود)، اخلاقی (قوانین خودکاره نامنتویق یا انتظارات و باورهای عمومی جامعه یا قوانینی که زمینه فساد را هموار می‌کند)، اجتماعی (افراد خانه به دوش و ولگردان) و جرم‌شناختی (خرده فرهنگهای مجرمانه در محیضهای شهری) نیز اعمال می‌شود. کشورهای مهاجرپذیری که علتهای و گروههای متنوع قومی را از سراسر دنیا در خود جای می‌دهند، آزمایشگاه مطالعاتی مناسبی برای بررسی نظریه تعارضهای فرهنگی محسوب می‌شوند (مانند کانادا، استرالیا، ...). زیرا چنین گروههایی، از یک سو وابسته و علاقمند به فرهنگ خاستگاهی و اجنادی کشور خود هستند و از سوی دیگر، باید در چهارچوب فرهنگ حاکم کشور مهاجرپذیر محل کار و اقامت خود زندگی کنند. چنین حالتی زمینه‌ساز برخورد و تعارض میان فرهنگ خاستگاهی (جامعه مهاجرپرست) و فرهنگ رسمی حاکم در کشور مهاجرپذیر است.

اعتبار نظریه تعارضهای فرهنگی در تاکید بر این موضوع است که ارزشهای اخلاقی و اجتماعی که قانون مجازات بیان می‌کند و محلی برای تبلور و حمایت از آنها محسوب می‌شود، ممکن است به وسیله تعداد زیادی از شهروندان، ترک یا پذیرفته نشود یا در تضاد با ایدئولوژی و ارزشهای اخلاقی آنها باشد.

ر.گ. Anomie; Area studies; Opportunity; Sullin; Sub-culture.

\* \* \*

## Constitutional factors

## عوامل سرشتی

### (les) Facteurs constitutionnels

در نظریه سرشتی، تلاش شده است ثابت گردد که منشاء ارتکاب جرم را می‌توان در وضعیت جسمانی و دماغی ژنتیک فرد جستجو کرد. امروزه این نظریه‌ها اعتبار خود را از دست داده است، لیکن در زمان خود بسیار نافذ بوده و نشانگر تلاشهایی بود که در جهت بررسی علمی پدیده جرم و تمکیک علی ارتکاب آن صورت می‌گرفته است. نظریه پردازان،

چنین استدلال کرده‌اند که داشتن شرایط فیزیکی و ارثی خاص، مستقیماً موجب ارتکاب جرم می‌شود و بدین‌سان مدعی شدند که تشخیص مجرمین به عنوان افرادی که دارای چنین ویژگی‌هایی هستند، آسان است. نتایج «آزمون‌های» اولیه این نظریه‌ها بدون نقد مورد پذیرش قرار گرفت. زیرا توجه‌کننده وضعیت قبلی برخوردارهای کیفی بود. در آن دوران، برخورد مطلوب، صرفاً شامل محدود و کنترل کردن مجرم بود، بدون امید به بهبودی و اصلاح وی؛ لذا جامعه خود را میرای از هرگونه مسؤالیته در ارتباط با مجرمین می‌دانست، زیرا ارتکاب جرم ناشی از شرایط زیست‌شناختی تلقی می‌شد و نه شرایط اجتماعی. این دیدگاه که معتقد است هیچ روش و برنامه اصلاحی عقلاً تأثیر نخواهد داشت، به طور قابل توجهی با نظریه‌پردازاننگی هماهنگ و منطبق است.

مراحل شکل‌گیری چنین نظریه‌هایی (که معمولاً از پذیرش کامل تأثیر عوامل محیطی، غفلت نموده‌اند) عبارت است از: (الف) شناسایی یک ویژگی عام در بین جمعیتی از زندانیان (صرفنظر از، مثلاً شرایط حبس و مشخصات منطقه دستگیری مجرم)؛ (ب) ارتباط متقابل جرم و ویژگی مزبور؛ (ج) مستدل و مستند نمودن این امرکه ویژگی مربوطه، جنبه ارثی دارد؛ (د) پذیرش اعتقادی و بدون چون و چرای نقش تسبیبی آن در وقوع جرم. معذک، با توجه به این امرکه جرم، از نظر اجتماعی، تعریف شده و قابل تغییر است، هیچگونه ارتباطی شبیه آنچه که ذکر شد، میان این بدیده و زیست‌شناسی انسان وجود ندارد.

ر.ک.

Criminal type; Hereditary and personal backgrounds; Heredity; Physical abnormality; XYY chromosomes.

\* \* \*

Contagion

سرایت

(la) Contagion

این مفهوم نخستین بار توسط جان هوارد (Howard) برای اشاره به وضعیتی مورد استفاده قرار گرفت که در آن، زندانیانی که بدون هیچگونه کوششی در جهت طایفه‌بندی و توزیع و تقسیم آنان در زندان، صرفاً براساس میزان درگیری در عملیات مجرمانه، در کنار یکدیگر نگاه داشته می‌شوند، روش‌های ارتکاب جرم و فرهنگ مجرمانه را به یکدیگر

می‌آموزند و بدین‌سان زنان را به یک، مترجمهٔ آموزش جرم تبدیل می‌کنند.

ر.ک. Howard; Maladjustment; Prison; Prisonsization.

\* \* \*

### گروه‌های کنترل (شاهد) Control groups (les) Groupes de contrôle

آن دسته از تحقیقات جرم‌شناختی که با دیدگاه افتراقی انجام می‌شود، مستلزم استفاده از گروه‌های کنترل است. این ضرورت از همان مطالعات اولیه در جرم‌شناسی، احساس شده است. به دنبال انتقادهای جرم‌شناسان فرانسوی (تارد، لاکاسانی) علیه «تیپ مجرمانه» مبروزو، گاروفالو به دوام کنگرهٔ انسان‌شناسی جنایی (پاریس، ۱۸۸۹) پیشنهاد کرد که یک کمیسیون بین‌المللی را تشکیل دهند و آن را مأمور انجام مشاهدات مقایسه‌ای پیرامون یکصد نفر بزهار و یکصد نفر غیربزهار که سوابق ارثی و شخصی آنها نسبتاً مشخص است، بنماید. این کمیسیون هرگز تشکیل نشد، لیکن از آن زمان، استفاده از گروه‌های کنترل و شاهد در پژوهش‌های معمول در قلمرو جرم‌شناسی، ضروری احساس می‌شود.

در ارتباط با همین دیدگاه، الینور و شلتن گلوک (Eleanor, Sheldon Glueck) در سال ۱۹۵۰ به مطالعهٔ مقایسه‌ای پانصد جوان بزهار و پانصد جوان غیربزهار در نیستون (آمریکا) پرداختند، که از محیط‌های اجتماعی کاملاً مشابهی از نظر اقتصادی و مسکن انتخاب شده بودند و از نظر هوشی نیز سعی شده بود تا سطح مشابهی داشته باشند. در پژوهش‌های جرم‌شناختی از این نوع معمولاً از گروه‌های دانش‌آموز، دانشجوی و نظامی استفاده می‌شود.

ر.ک. Cohorts; Garofalo; Methodology; Scientific research.

\* \* \*

### نظریه کنترل Control theory (la) Théorie de contrôle

به نظر هیرشی (T. Hirschi)، جامعه‌شناس و جرم‌شناس آمریکایی که نخستین بار چارچوب منسجمی از نظریه کنترل (علقه یا پیوند اجتماعی) را ارائه کرد، علم جرم‌شناسی باید

توجه بیشتری نسبت به پاسخگویی به این پرسش که «چرا انسان‌ها از قواعد جامعه پیروی می‌کنند؟» مبذول دارد. (بن امر به عنوان یک نقطه آغاز، مثلاً در نظریه فشار (رابرت مرتن) و نظریه‌های انحراف فرهنگی مانند نظریه معاشرت‌های ترجیحی مورد غفلت قرار گرفته و جای خود را به پرسش واضح‌تر «چرا افراد از هنجارهای اجتماعی و قانونی تبعیت نمی‌کنند؟» داده است. هیرشی الگوی خود را از توماس هابز (Hobbes)، فیلسوف انگلیسی می‌گیرد؛ از میان‌نمایی روحانی که کمتر از بقیه، انسان‌ها را به سمت نقض قوانین سوق می‌دهد می‌توان به روحیه ترس و واهمه اشاره کرد و حتی، به استثنای برخی از روحیات توأم با گذشت و بلندطبعی، در مواردی که نقض قانون، ظاهراً موجب سود و لذت می‌شود، روحیه ترس تنها چیزی است که مانع افراد در ارتکاب تخلف می‌گردد. با این حال، نظریه کنترل، انسان را اساساً موجودی شیراخلاقی تلقی نمی‌کند، لیکن وجود تفاوت‌هایی را در شدت و ضعف قیود اخلاقی در او می‌پذیرد. رفتار مجرمانه هنگامی به وقوع می‌پیوندد که کنترل‌های اجتماعی مست‌گردد؛ هنگامی که تعهد و پایبندی فرد به جامعه ضعیف شده یا گسسته شود. بدین‌سان شأن و احترام وی در جامعه رو به کاهش می‌گذارد و دیگر از سرزنش و ملامت جامعه، پاکی نداشته، بیش از پیش و به طور روزافزون در جهت اغراض و منافع شخصی خود عمل می‌کند. در تحلیل هیرشی، قید و بند عبارتست از: «وابستگی شدید»، «پایبندی و تعهد»، «اشغال خاطر و وارد شدن و مشارکت کردن در امور جامعه» و «اعتقاد و احترام» به اخلاقیات و هنجارهای قراردادی جامعه. رفتار هماهنگ با استفاده از این تعریف، «تبیین» شده و بدین ترتیب هم‌مای این رفتار در انحراف تبیین می‌شود. پژوهش وی و تحقیقات زیادی از آن زمان تاکنون برای بررسی مبنای عملی این مسأله و ارتباط آن با انحراف و جرم طراحی شده است. آنچه که در این روش، دارای ارزش است تأیید و تأکید بر آزادی و منطلق انسان در مقابل جبر اجتماعی است که بیشتر خصایص دیگر را توعیف نموده است. «داعیه اصلی نظریه کنترل در خصوص توأوری، آنست که این نظریه، نقطه شروع چیزی که می‌تواند به رفتار انحرافی بیانجامد، دوباره تبیین و توضیح می‌نماید. این نظریه با تأکید بر محدودیت‌ناپذیر بودن طبع انسان و نیاز به وجود نیروهای قدرتمند برای پرورش، تربیت تدریجی و تغییر قطعی و نهادی افراد تازه‌وزد به سمت هماهنگی و همبستگی، بیان می‌دارد که در صورت عدم نیل به این هدف، افراد آزاد مانند و به پیش می‌پردازند و چنین پویایی ممکن است منجر به رفتاری شود که از سوی جامعه و به موجب قانون، رفتار انحرافی یا مجرمانه نام گیرد.

## Control units

## واحدهای کنترل

## (les) Unités de contrôle

پس از وقوع شورش‌هایی در زندان‌های آمریکا در سال ۱۹۷۲، واحدهای کنترل، علاوه بر سلولهای انفرادی قبلی، برای زندانیانی ایجاد شد که به طور دائم برای زندانیان و زندانیان ایجاد مزاحمت و دردسر می‌کردند. افراد مزبور در این واحدها برای مدت‌های طولانی تحت رژیم‌های سخت و دشوار نگهداشته می‌شدند تا زمانی که نشانه‌های حسن رفتار در آنان مشاهده شود. واحدها و سلولهای کنترل در سال ۱۹۷۵ بر اثر اعتراضات شدید عمومی بر علیه رژیم سخت و غیرانسانی حاکم بر آنها، در این کشور تعطیل شد.

\* \* \*

## Convict prison

## زندان مرکزی

## (la) Maison centrale

اندیشه ایجاد زندان مرکزی یا زندان مرکزی محکومان در انگلستان، دارای عال چندی است؛ (۱) مفهوم زندان به عنوان ساختاری معماری که در داخل آن، تربیت منطقی، محاسبه شده، بازپرورانه، بازدارنده و کیفری مجرمین صورت می‌گیرد در اواخر سده هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، اصولاً با توسعه قابل ملاحظه پروتستانسیسم و مکتب اصالت سودمندی (فایده‌گرایی) زمینه‌های فراوانی برای رشد یافت؛ (۲) این اعتقاد که اداره برخی از زندان‌ها بایستی به جای مقامات محلی، توسط مقامات مرکزی صورت گیرد، از این واقعیت سرچشمه گرفت که مسؤلیت امور مربوط به تبعید، بر عهده تولد قرار داشت و لغو آن در رابطه تنگاتنگ با توسعه زندان‌های مرکزی بود؛ (۳) دولت تصمیم گرفت تا در دوره افول تبعید، مجازات‌های حبس بلندمدت را به عنوان جانشینی برای آن معرفی و اعمال نماید؛ (۴) چنین تصور می‌شد که قضات «صلح» محلی، فاقد زیربنای مالی سازمانی و نظری برای ساخت و نگهداری چنین زندان‌هایی هستند؛ (۵) مدت‌ها قبل از لغو مجازات تبعید، اصلاح‌طلبان بشردوست و نظریه‌پردازان نظام زندان به تلاش‌هایی دست زدند تا وضعیت کشتی‌های زندان گونه‌ای که افراد محکوم به تبعید را در آنها نگهداری می‌کردند تا آنان را به جزیره محل تبعید برسانند، مورد افشاء و انتقاد شدید قرار دهند.



دیری ناپدید که در دهه ۱۷۷۰ جان هوارد و دیگران، با آگاهی از اینکه انقلاب آمریکا موقتاً به اجرای تبعید خاتمه داده است، دست به کار انجام طرح ناموفقی شدند تا زندان بلندمدت را برای تبعیدیان ایجاد کنند، ولی در (اولین) سده نوزدهم نخستین زندان بلندمدت دولتی در میلبنک (Millbank) در شهر لندن افتتاح گردید. دو زندان دیگر از این نوع نیز متعاقباً ساخته شد. پارکهرست (Parkhurst) در ۱۸۴۸ (برای نوجوانان) و پنتونویل (pentonville) در ۱۸۴۲ (به عنوان یک زندان مدل برای پیاده کردن سیستم تفکیکی زندانیان) و تا سال ۱۸۷۷ تعداد سیزده زندان، بدین ترتیب، ساخته شد که از آن میان می‌توان به زندان‌های دارتمور (Dartmoor) در ۱۸۵۰ و پرتلند (Portland) در ۱۸۵۳ اشاره نمود. این زندانها در آغاز برای دو منظور ساخته شده بود: نگهداری محکومین به تبعید تا زمان اعزام به تبعیدگاه؛ و پس از آنکه مجازات حبس با اعمال شاقه (بیماری کیفری) جایگزین تبعید گردید، از این زندانها به منظور محل گذراندن محکومیت‌های بلندمدت نیز استفاده شد. هریک از این زندانهای جدید در ابتدا توسط کمیته‌های دولتی اداره می‌شد، ولی پس از ۱۸۵۰، اداره کلیه آنها به مدیران زندانهای مرکزی که از سوی دولت منصوب می‌شدند واگذار گردید و این مدیریت تا ۱۸۹۸، هویتی مستقل داشت تا آنکه در آن سال، وظایفش به کمیسیون زندان محول شد. زندانها، خود به‌ویژه برای تفکیک، طبقه‌بندی و سیستم‌های کار که در حبس با اعمال شاقه موردتایز بود مناسب بودند. نوعاً راهروهای طولانی آنها که دارای سونلهایی در ردیف یکدیگر بود و از مراکز کنترل جمعی منشعب می‌شد بیشترین فرصت را برای نظارت مستمر و کنترل زندانیان فراهم می‌نمود؛ در حالی که، ظاهر خارجی دلنگار کننده و رعبانگیز آنها، مرحله مجازات زندانیان محکوم را تا زمان طولانی رضای از این نوع زندانها، بر انظار عمومی پنهان می‌ساخت.

Howard; Prison.

ر.ک.

\* \* \*

Crime/Offence

جرم

(le) Crime/ (l') Infraction

در سراسر فرهنگ واژگان حقوقی و جرم‌شناسی، هیچ واژه‌ای از نظر معنی به پیچیدگی واژه جرم یا بزه وجود ندارد. با این حال، درک معنای این اصطلاح در بررسی وضع قانون و

نقض آن و نیز در نوجوب و ارزیابی مجازات، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که باید بین ارزشهایی که با ارتکاب جرم، نقض می‌شود تفکیک قائل شد. ارزشهایی وجود دارد که در طول تاریخ همواره به چشم می‌خورد و نقض آنها در قالب سرقت و تجاوز به عتف و... بیان می‌شود. ولی در حقوق کیفری عرفی، مثلاً در قنرو و جرایم علیه آداب و رسوم و ارزشهای سیاسی، همه چیز بی‌ثبات و در حال تحول است. پس مفهوم جرم، عمدتاً یک مفهوم اجتماعی است. گزوفانو، جرم‌شناس ایتالیایی، نیز در همین جهت سخن رانده است؛ وی جرایم طبیعی که احساسات اولیه و ذاتی مینتی بر ترحیم (دستگیری و شفقت) و تقوای (درستکاری) مشترک همه گروه‌های اجتماعی را نقض می‌کند، از جرایم مصنوعی (قراردادی) که ناقض احساسات متغیر مردم و جامعه است، تفکیک می‌نماید.

۱) جرم در قانون: یکی از راههای بررسی دقیق بازتاب‌های این واژه، مطالعه متون مختلفی است که اصطلاح مزبور در آن به کار گرفته شده است. مثلاً در قانون و رویه قضایی، جرم به آن دسته از افعال و ترک فعل‌هایی اطلاق می‌شود که اختصاصاً توسط قانون پیش‌بینی شده است. البته، این پیش‌بینی اصولاً توأم با ضمانت اجرایی و یا مجازات نیز می‌باشد و همین ارتباط میان جرم و مجازات آن است که به عنوان یک عنصر کلیدی در مفهومی که حقوقدانان از جرم ارائه می‌دهند باقی مانده است. البته نخستین تحلیل وجود چنین ارتباطی، نه از سوی یک حقوقدان، بلکه توسط یک نفر اقتصاددان ارائه شد؛ سزر یا چزاره بکاریا به ضرورت نوعی رابطه اقتصادی میان جرم و مجازات آن اشاره نمود که بایستی منطقی، عادلانه و مؤثر باشد.

از نظر جیمز استیفن (۱۸۹۴ - ۱۸۳۹ Sir James Stephen) که کتاب تاریخ حقوق کیفری وی حاوی نظرات حقوقی مورد پذیرش زمان خود بوده است، جرم عبارت بود از «فعل یا ترک فعلی که بواسطه ارتکاب آن، مجازات قانونی نسبت به آن قابل اعمال است». از این تعریف باید نتیجه گرفت که جرم بودن یک عمل، به وسیله مجازاتی که در پی آن می‌آید تعریف می‌شود. به همین دلیل است که باید سن و وضعیت روانی مجرم را مدنظر قرار داد. به عنوان مثال، چنانچه کسی توسط دیگری به قتل رسیده و یا مجروح شود، در صورتی که مهاجم، بسیار کم سن و سال، ناقص‌العقل و یا از نظر ذهنی بسیار ضعیف بوده و نوع قصد سوئی که وی را مستحق مجازات سازد، در وی شکل نگرفته باشد، عمل کشتن یا ایراد جرح از سوی وی، مجرمانه نخواهد بود. بدین‌سان از نظر حقوقدانان، جرم مفهومی است که

عناصر ضروری آن عبارتست از عمل مقرر در قانون، قصد سوء (سوءنیت) و مجازات پیش‌بینی شده. اینها، نوع بحث حقوقی و نحوه اتخاذ تصمیم در دادگاهها است و همچنین، تعریف جرم را کاملاً به خود شخص و قصد مجرم، مربوط می‌کند. معمولاً و نه همیشه هیچ جرمی بدون وجود یک مجرم دارای قصد وجود پیدا نمی‌کند.

۲) جرم و مجاد: در بین علمای علم اخلاق تلاشهایی صورت گرفته است تا میان فعل و ترک فعل‌هایی که معایر یا تعلیمات مذهبی با اخلاقی پذیرفته شده است، از یک سو و فعل یا ترک فعل‌هایی که به وسیله قوانین غیرمذهبی (عرفی)، پیش‌بینی شده است، از سوی دیگر ارتباطی برقرار شود. حاصل این تلاشها، نوشته‌های فراوان و متنوعی است که در کشورهای غربی در خصوص «جرم و مجاد» به رشته تحریر درآمده است. این عنوان، یکی از جنبه‌های مطالعات درباره جرم به شمار می‌رود، ولی جهت‌گیری آن تاریخی است، نه معرفت‌شناختی. تکوین احساس اخلاقی و نظام‌های اخلاقی، بر مبنای زمانبندی تاریخی متفاوتی در مقایسه با هر یک از نظام‌های قانونگذاری عرفی می‌باشد. طرح جزئیات نحوه گذار از مرحله جرم‌انگاری به مرحله جرم تلقی نکردن اعمالی از قبیل اقیام به خودکشی، همجنس‌گرایی و یا زنا، فرد متأهل، آسان است؛ در صورتی که مسیر طولانی تناوم و تکامل در کل نظام‌های مذهبی یا اخلاقی با اینگونه تحرکات کوتاه‌مدت، قابل انطباق نیست.

۳) جرم و بیماری: اواخر سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، شاهد پیدایش نظریه جدیدی در زمینه رفتار مجرمانه و نتیجتاً تعریف نوینی از جرم بوده است. جرم به عنوان نوعی بیماری شناخته شد که نه در مجموعه‌ای از افراد، بلکه در کسانی وجود دارد که مرتکب اعمال مجرمانه - با تعریف قانونی آن - شده‌اند. قتل‌های عمدی، دزدی‌ها و سرقت‌های مقرون به عنف توسط مردان و زنانی ارتکاب می‌یابد که از نظر جسمانی و روانی، غیرعادی‌اند. ارتکاب جرم، نتیجه شرایط «بیمارگونه یا آسیب‌پذیر» آنان است. این نظریه، با اینکه به عنوان تبیین رفتار مجرمانه یا به عرصه وجود گذاشت، ولی پدیدآورنده قیاسی بود که جنبه کمک‌کننده داشته و پذیرش آن آسان بود. جرم، شبیه به بیماری بوده و به طور غیراتفاقی در بین نژادهای بشری ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر پدید می‌آید، ولی تهدید آن، قابل کنترل و تحدید است. زیرا یک بیماری نیز، قابل درمان و یا دست‌کم قابل بهبود است. چنین تعریفی مستلزم توجه دقیق به نکات ظریف مربوط به مفاهیم قصد و سوءنیت نیست و می‌تواند نوام یا پذیرش این نکته باشد که صرف ارتکاب عمل خلاف، به خودی خود دخالت در مسأله را توجیه می‌نماید؛ دیدگاهی که از سوی حقوقدانان تحت عنوان «مسئولیت مطلق»

خوانده می‌شود و تنها شامل تعداد کمی از جرایم است. بنابراین، نیاز به برقراری ارتباط میان جرم و مجازات که در منطق حقوقی دارای اهمیتی حیاتی است؛ دیگر وجود نخواهد داشت.

۴) جرم و ساختار اجتماعی: تلقی جرم به عنوان کارکرد یا سوءکارکرد ساختار اجتماعی، به خودی خود امکان ارائه تعاریف بسیار متنوعی را فراهم می‌آورد که می‌توان آنها را جرح و تعدیل نموده و با نظرات پرووان مارکس، نورکیم، مکتب شیکاگو و طرفداران ادوین ساترلند و بسیاری از افراد دیگر منطبق نمود. البته، این تعاریف، در ارتباط با خود پدیده و رفتار جنایی، مبهم است. آیا این پدیده به معنای هر تخلفی از قانون است که مستوجب مجازات می‌باشد؟ آیا تلاشی عمدی یا غیرعمدی برای بی‌اثر کردن قواعد اجتماعی و سیاسی مورد پذیرش دیگران است؟ آیا به هر نوع رفتاری اطلاق می‌شود که می‌تواند به عنوان عذری برای مستثنا کردن برخی طبقات و بعضی افراد مطرح باشد که آنان را از مشارکت در فعالیت اجتماعی جامعه معاف سازد؟ مضمون این تعاریف، هرچه باشد، مفاهیم مورد توصیف آنها اندیشه جرم و مجازات را از یکدیگر جدا نمی‌کند. حتی بالعکس، این تعاریف، درست به شیوه حقوقدانان بر اهمیت مجازات، تأکید می‌ورزد؛ این، ضمانت اجرای کیفری است که باقی می‌ماند و جرم را تعریف می‌کند.

۵) جرم و فرایند اجتماعی: یکی از تلاش‌های فراوان دیگری که برای زدودن نار و پودهایی که به دور مفهوم جرم تنیده شده صورت گرفته است، از بررسی فرآیند کلی تعریف جرم شروع می‌کند. در اینجا ممکن است بهتر باشد به تشبیه جرم به یک بیماری بازگردیم تا شاید بتوانیم ملاحظه نماییم که فرآیند جرم‌انگاری به وسیله قانونگذار چگونه آغاز می‌شود. بیماری تا هنگامی که مورد شکایت و اظهار فرد یا مورد تشخیص قرار نگرفته باشد، وجود ندارد. بسیاری از افراد ممکن است مبتلا به بیماری کلیه یا فیبروز باشند ولی تا هنگامی که شکایتی از نشانه‌های بیماری نکنند یا وجود این نشانه‌ها در آنها تشخیص داده نشده باشد، بیماری آنها تظاهر خارجی ندارد.

در خصوص جرم نیز وضع به همین ترتیب است. قربانیان جرایم موصوف به سرقت مقرون به عتف، تجاوز به عتف یا سرقت از منازل ممکن است نخواهند از آنچه بر سرشان آمده است شکایت نمایند. اگر این اتفاقات به هیچ صورت دیگری، مثلاً توسط اقدام پلیس یا گزارش شهود عینی، تشخیص داده نشود بدون تعریف قانونی باقی مانده و در واقع، جرم

وجود خارجی پیدا نمی‌کند.<sup>۲۹</sup>

در مواردی که بررسی‌هایی در مورد واکنش بزه‌دیدگان نسبت به آنچه که ممکن است رفتار مجرمانه خوانده شود صورت پذیرد، می‌توان محاسباتی در ارتباط با میزان اینگونه جزایم به عمل آورد. مرحله بعدی در فرایند ارتکاب جرم، پذیرش یا رد گزارشات مبتنی بر وقوع جرم، از سوی عوامل مجری قانون (غالباً نیروهای پلیس) است. شواهد وسیعی در ایالات متحده و برخی شواهد در انگلستان، نشانگر آنست که نسبت قابل ملاحظه‌ای از جزایم گزارش شده، هرگز در آمارهای رسمی منعکس نمی‌شود.

بدین‌سان، نکته اخیر در مورد جرم، مربوط به یک سلسله‌کُنش‌های متقابل است: واکنش بزه‌دیده نسبت به تهاجم علیه وی یا اموالش و نیز واکنش پلیس، هم نسبت به گزارش مواردی که ممکن است مجرمانه باشد و هم نسبت به جزایمی که ممکن است خود آنان کشف کنند. مرحله آخری نیز در این فرایند وجود ندارد که ممکن است از اهمیت کمتری برخوردار باشد؛ تصمیم‌گیری در خصوص این که تخلف توصیف شده، دارای اجزای تشکیل دهنده جرم نیست، بر عهده قضات و یا هیأت متصفه است.

تمامی این تعاریف در مورد جرم، بخشی از بافت سازمان‌های پیچیده اجتماعی و سیاسی‌ای است که در درون آنها فعالیت انسان، شکل گرفته، سازماندهی شده، کنترل و تعریف می‌شود.

تعاریف حقوقی، نه آنچنان مضیق و نه آنچنان غیردقیق است که در ظاهر به نظر می‌رسد، زیرا موارد به کارگیری ضمانت اجرای کیفری را مشخص کرده و استفاده از آنها را محدود می‌نماید. تعریف اخلاقی، اشاره به عقاید عمیق و قدیمی‌ای دارد که می‌تواند بر روی بعضی از دیدگاه‌های ما نسبت به جرم و مجازات تأثیر بگذارد. تبیین‌ها و قیاس‌های پزشکی و اجتماعی، به تعریف جرم کمک می‌کند و همچنین تلقی قضائیت مجرمانه را به عنوان یک فرایند اجتماعی، تقویت می‌نماید. براساس این تلقی، وجود و شناسایی جرم، منوط به واکنش‌های بزه‌دیدگان و عوامل مجری قانون و تقریباً به همان اندازه، منوط به مرتکب عمل است که برجسب مجرم می‌خورد.

همچنین باید اضافه کرد که در غالب نظام‌های حقوقی، میان جنایت به معنای اخص کلمه

۲۹. نظریه پردازان ازلیه که معتقد بودند جرم نتیجه یک فرایند اجتماعی است، هر دو نوع جرم‌شناسی مشهود و غیرمشهود را در دنیای جرم وارد می‌کردند و جرایم نوع اخیر را «جرم پنهان» جرم می‌نامیدند.

(crime) در حقوق فرانسه) که مجازات آن، ترحیمی و تردیلی است از یک سو، و جنبه (délit) که مجازات تأدیبی به همراه دارد، از سوی دیگر تفکیک قائل می‌شوند. لیکن در جرم‌شناسی، این تفکیک نادیده گرفته شده و واژه‌های جنایت و جنبه عملاً بدون تمایز به کار برده می‌شوند. واژه **Infraction** یا **Offence** در واقع به معنای عام بزه و جرم است که با آوردن صفت جنایی یا جنبه‌ای یا اخلاقی در برابر آنها مقید و خاص می‌شود.

ر.ک. Beccaria; Criminalisation; Décriminalisation, Lombroso; Garofalo.

\* \* \*

crime rate

نرخ جرم

(le) Taux de crime

نرخ یا میزان جرم عبارتست از رقم ارتکاب جرم در مقایسه با کل جمعیت که یا به‌وسیلهٔ محاسبه نرخ مجرمین یا به صورتی که بیشتر رایج است، توسط تعداد جرایم ارتکابی در یک دورهٔ زمانی مشخص اندازه‌گیری می‌شود. فایدهٔ این امر در تلاش برای انجام مقایسه‌ها (در طول زمان برای جرم خاص یا گروهی از جرایم، بین جرایم مختلف در یک زمان خاص، و یا بین مناطق مختلف در مقایسهٔ جرایم مشابه)، و سپس در استخراج نتایجی است که دلایل تغییرات را بیان می‌کند. دشواری‌هایی در این ارتباط مطرح می‌شود؛ زیرا آمارها ممکن است غیرقابل اعتماد بوده و بدین ترتیب، نتایج حاصله فاقد اعتبار باشد. با افزایش آگاهی نسبت به این مشکلات، بحث‌های جدی در ارتباط با نرخ‌های مزبور که در گذشته، بسیار متداول بود، رو به کاهش گذاشته است.

Criminal statistics; Hidden criminality.

ر.ک.

\* \* \*

Crime wave

موج جرم

(la) vague de crime

موج جرم عبارتست از افزایش ناگهانی و بیش از نسبت قابل انتظار جرم، چه در ارتباط با

همه جرایم و چه در مورد جرایم خاص. تشخیص این حالت، و تمایز آن از وحشت و هراس اخلاقی (نوک روانی)، یعنی حالتی که ادعای ارتکاب یک «موج» شدید مجرمانه می‌شود، یا افتراق آن از افزایش گزارش‌دهی ارتکاب جرایم که این اثر و احساس را القاء می‌نماید که تعداد بیشتری از جرایم، ارتکاب یافته یا در حال وقوع است، بسیار دشوار می‌باشد. افزایش گزارش‌دهی، قطعاً پس از ایجاد احساس ترس و هراس اخلاقی، بیشتر محتمل است. چنین افزایش‌هایی همچنین ممکن است بدین علت صورت گیرد که برخی از رفتارها به طور ناگهانی، مرئی شده و یا تحمل رفتار در نتیجه تغییر شرایط اجتماعی و یا فنی، کاهش یافته باشند. شرایط دگرگون شده می‌تواند به انتقال جرم به بخش‌هایی از جامعه که آمادگی بیشتری دارند تا اعمالی را به عنوان جرم گزارش نمایند منجر شود.

در رفتارهای مجرمانه نیز همانند هر چیز دیگر، مدهای وجود دارد. تقلیدهای رقابت‌آمیز در ارتکاب برخی از جرایم (معمولاً جرایم بسیار نادر)، بدون شک صورت می‌گیرد، لیکن معمولاً موارد آن، چنان محدود است که طبقه‌بندی آنها به عنوان «موج جرم» ناموجه خواهد بود. موج‌های واقعی جرم احتمالاً با ازدحام و با پی‌آمد بحران‌های مهم اجتماعی همراه است. ولی در واقع تشخیص آنها در عمل تنها به صورت بازنگرانه امکان‌پذیر است. برخی از پژوهشگران چنین استدلال می‌کنند که فرآیند ارائه آمارهای جنایی، سال به سال به نحو اساسی در تغییر است و بر همین اساس آنان نمی‌پذیرند که بتوان گفت جرایم واقعی در طول یک دوره طولانی، افزایش یا کاهش داشته است، چه رسد به اینکه بتوان «موج» جرم را تشخیص داد.

و.ک.

Anomie; Criminalisation; criminal statistics; Differential associations; Displacement.

\* \* \*

Criminal

مجرم

(le) Criminel

از دیدگاه افلاطون «قانونگذاران به بزهکاران، به مثابه بیماری می‌نگرند که باید آنان را شفا داد». در یک دیدگاه روحانی، مسیحیت مجرم را گناهکاری می‌داند که باید در جستجوی

توبه او بود. امبروزو بزهکار را از نظر ماهیت، متفاوت از سایر انسانها می‌داند، لیکن این نظریه امروزه مردود است. آلف کینبرگ (Oluf Kinberg) در این خصوص می‌نویسد که «بشریت به دو گروه خوبان که هرگز تمایل به بزهکاری ندارند و ندان که برعکس، دارای چنین میلی بوده و اعمالی را مرتکب خواهند شد که به وسیله فانون مجازات «مجرمانه» تلقی می‌شود، تقسیم نمی‌گردد». وی اضافه می‌کند: «این یک اشتباه بزرگ است که فکر کنیم افرادی که همگام یا غالباً مرتکب اعمال ضداجتماعی یا مجرمانه می‌شوند لزوماً با افرادی که مرتکب چنین اعمالی نمی‌شوند فرق دارند».

در جرم‌شناسی بالینی به مطالعه بزهکاران - آنطور که هستند - پرداخته می‌شود. نخستین طبقه‌بندی بالینی بزهکاران را اتریکو فزی انجام داد: بزهکاران دیوانه، بزهکاران مانیزاد، بزهکاران به عادت، بزهکاران تفاق و بزهکاران احساسی، هیجانی (عشقی). بعدها دو نفر از روانکاوان آمریکایی، Healy و Alexander «بزهکاران تفاق» را از بزهکاران مُرمن «به عادت» تفکیک کردند و در میان گروه اخیر به تمیز رفتاری که تحت‌الشعاع عوامل تعیین کننده اُرگانیک (جسمانی)، جامعه‌شناختی و یا روان‌شناختی (نوروتیک) می‌باشد، پرداختند.

لیکن پیناتل، جرم‌شناس فرانسوی، ابتدا بزهکارانی که می‌توان آنان را با توجه به گونه‌های روانپزشکانه در گروه اول جای داد، شامل بیماران روانی، افرادی که به اختلالات منشی شدید دچارند، کودکان، معتادان به الکل و معتادان به مواد مخدر می‌داند. دومین گروه که در فلرمو جرم‌شناسی قرار می‌گیرد، شامل بقیه بزهکاران است؛ مشکلات در واقع از این گروه شروع می‌شود.

دی تولیو (Di Tullio)، جرم‌شناس ایتالیایی، این افراد را جزو مجرمان تفاق می‌داند: شبه بزهکاران، بزهکاران تفاق عادی، منحرفان و مجرمان احساساتی (هیجانی). کاوان (Cavan)، جامعه‌شناس آمریکایی، در میان مجرمان حرفه‌ای، آنانی که در تشکیلات مجرمانه وارد شده‌اند (گانگها، سندیکاها، جنانی، باج‌گیران) از آنها می‌گوید که در نیای تپه‌کارانه زندگی نمی‌کنند (مجرمین تصادفی، تفاق، دوره‌ای، مجرمین بقه سفید) تفکیک می‌نماید. این طبقه‌بندیها غالباً معیار علمی ندارد.

اندرسن (Andersen)، روانپزشک بلژیکی، بر اساس مدل شخصیت جنایی (مجرمانه) به طبقه‌بندی بزهکاران دست زده است. به نظر وی شخصیت مجرمانه از نظر بالینی عبارت است از «رویه مشترک بین کسانی که پذیرای موقعیتهایی هستند که آنان را خارج از گروه خودشان یا در مقابل هنجارهای گروهشان قرار می‌دهد یا کسانی که در جستجوی چنین



موقعیتهایی هستند». بدین‌سان، وی به ترتیب، شخصیت غیرمجرمانه، شخصیت مجرمانه موقت، شخصیت شبه‌مجرمانه و شخصیت مجرمانه واقعی را از یکدیگر تفکیک کرد. مزیت این طبقه‌بندی آن است که مبتنی بر یک معیار اساسی است. شخصیت مجرمانه واقعی در افرادی دیده می‌شود که در جستجوی همانندسازی خود با جامعه و ورود به اجتماع نیستند و امنیت خود را در جنایی، انزوا و انفکاک از اجتماع و جامعه جستجو می‌کنند.

شخصیت شبه‌مجرمانه، از یک سو شامل کسانی می‌شود که رویه آنها متعلق به یک گروه کوچک است و از سوی دیگر، شامل کسانی است که در یک گروه دیگر ادغام شده‌اند (انقلابیون، سیاسیون، مخالفین رفتن به سرپازی...). شخصیت مجرمانه موقت در کسانی تجلی پیدا می‌کند که عمل آنها ناشی از وضعیتی است که دیگر تکرار نمی‌شود و به دنبال احساس نیاز به امنیت، دوباره به گروه اجتماعی ملحق می‌شوند و بالاخره شخصیت غیرمجرمانه نزد مجرمی دیده می‌شود که دستگیر نشده است و این احساس را که دیگران او را مجرم می‌شناسند یا از سوی دنیای خارج مجرم تشخیص داده شده، ندارد و بنابراین در برابر دیگران چنین وانمود می‌کند که مجرم نیست.

ر.ک

Acting out; Criminal type; Di Tullio; Ferri; Kinberg; Lombroso; Methodology; Psychoanalytic criminology.

\* \* \*

## Criminal biology

## زیست‌شناسی جنایی

### (la) Biologic criminelle

زیست‌شناسی جنایی، نوعی جرم‌شناسی اختصاصی محسوب می‌شود، یعنی همان چیزی که امروزه تحت عنوان جرم‌شناسی زیست‌شناختی از آن یاد می‌شود. لیکن این دو با هم تفاوت‌هایی دارند؛ وقتی صحبت از زیست‌شناسی جنایی به میان می‌آید، منظور رشته مطالعاتی است که جنبه‌های ژنتیک، آناتومیک، فیزیولوژیک، بیوشیمیایی و آسیب‌شناختی مجرم را مطالعه می‌کند، حال آن که وقتی عنوان جرم‌شناسی زیست‌شناختی مطرح می‌شود، منظور قلمروی بسیار وسیعتری است. جرم‌شناسی زیست‌شناختی، در واقع کلیه مسائل علم‌شناسی و بویایی جنایی را با توجه به یک جهت‌گیری کلی زیست‌شناختی، مطالعه

می‌کند. جرم‌شناسی زیست‌شناختی، نوعی جرم‌شناسی است که از نظر زیست‌شناسی جهت داده شده است؛ ولی زیست‌شناسی جنایی ممکن است به عنوان یک آموزه نیز مورد توجه قرار گیرد.

در فاصله بین دو جنگ جهانی، نظریه انسان‌شناسی لمبروزو با «آموزه زیست‌شناسی جنایی» تکمیل شد. این آموزه در اتریش توسط مکتب گراز (Graz) به رهبری آدولف لِنز (Adolf Lenz) ترویج و پرداخته شد. خصوصیت این مکتب در آن است که پژوهش‌های انسان‌شناختی یک توارث مجرمانه خاص را کنار گذاشت و به مطالعه توارث عمومی (انتقال بعضی تمایلات و بعضی استعدادها) پرداخت: تنها تمایلاتی که اساس اعمال مجرمانه هستند از طریق توارث منتقل می‌شوند و نه خود اعمال مجرمانه نیاکان و اجناد. تحت تأثیر مکتب گراز، لانگه (Langg) در آلمان مطالعه دوقلوهای مجرم را در ۱۹۳۹ آغاز کرد.

مکتب گراز، در زمینه حقوقی نیز سعی کرد تا به مفهوم مجرمیت (Culpability) رنگ زیست‌شناختی بدهد. مفهوم «حالت زیست‌شناختی مجرمیت» به وسیله لِنز و سپس توسط زیلیگ تعریف و موشکافی شد. حزب ناسیونال - سوسیالیسم آلمان (هیتلریسم) با پذیرفتن مفهوم زیست‌شناختی مجرمیت، برای خود این حق را ایجاد کرد که یک فرد را به لحاظ حالت زیست‌شناختی‌اش مجازات کند. دیگر حقوق کیفری صرفاً به جرم‌انگاری قتل، سرقت، تجاوز به عنف مبادرت نمی‌کرد، بلکه براساس طبقه‌بندی از پیش تعیین شده‌ای، قاتل، سارق، و متجاوز به عنف را مشخص و سپس مجرم اعلام می‌نمود. حقوق کیفری در دوران حاکمیت نازیسم، بدین ترتیب اصل قانونی بودن جرایم را تضعیف کرد و باب هرگونه سوءاستفاده را برای ارکان حاکمیت گشود.

ر.ک.

Criminal prophylaxis; Culpability; Dangerousness; Hereditary and personal backgrounds; Prison; Treatment.

\* \* \*

Criminal career

حرفه مجرمانه (جنایی)

(la) Carrière criminelle

فکر وجود «تنش حرفه‌ای» جنایی در آمریکا به وجود آمد و علت شکل‌گیری آن نیز بعضاً

ناراضایتی جرم‌شناسان جامعه‌شناس، نسبت به تلاش‌های قبلی برای تبیین بزهکاری براساس ویژگی‌های روان‌شناختی فردی بود. گیبونز (D.C. Gibbons) در سال ۱۹۶۵ این نظریه را مطرح نمود که می‌توان رفتار مجرمانه را به مثابه «ایفای نقش» از سوی مجرم دانست؛ نقشی که توسط جامعه به وی دیکته می‌شود و غالباً تشکیل دهنده الگوی حرفه‌ای روشن و آشکاری است. وی انواع پیچیده‌ای از نقش مجرمانه را توصیف کرد. این توصیفات شامل «سارق حرفه‌ای»، «مجرم مسلح حرفه‌ای»، «مجرم بکیار بازنده» (one-time loser) «جامل ناشی چک» و «مجرم یقه سفید» شد. گیبونز شرح مختصری از ویژگی‌های هریک از این گونه‌ها را تحت پنج عنوان اصلی ارائه نمود: رفتار مجرمانه، محیط کنش متقابل، تصور فرد نسبت به خود، نگرش‌ها و نقش حرفه‌ای. به عنوان مثال، تیب یا گونه «مجرم مسلح حرفه‌ای» به سرقت مسلحانه دست می‌زند، همراه یک گروه یا دسته اوپاش عمل می‌کند، خود را مجرم توصیف می‌کند، نسبت به کار، نگرش‌های منفی نشان می‌دهد و تا می‌تواند به ارتکاب جرم ادامه می‌دهد. گیبونز هریک از این گونه‌ها را با «ابعاد پیش‌زمینه‌ای» مانند طبقه اجتماعی، نحوه رشد و پرورش و ارتباطات گروهی همسالان مربوط ساخت.

منتقدان اینگونه گونه‌شناسی‌ها ادعا می‌کنند که در این روش‌ها، از طبقه‌بندی‌های دلخواه و عرفی‌ای استفاده شده است که غالباً با یکدیگر همپوشانی و تداخل داشته و نه به لحاظ نظری، زیربنای قوی و محکمی دارند و نه مبتنی بر دلایلی هستند که به اندازه کافی تجربه شده باشد.

حرفه‌ها (حیات‌های) جنایی همگن، تاکنون مفهوم نسبتاً غیرمداولی بوده و بسیاری از مجرمین را نمی‌توان در اینگونه طرح‌ها به دقت جای داد. به‌علاوه مفهوم «حرفه» در ارتباط با مجرمین اتفاقی، مفهومی قابل بحث و مبهم است. معذک، اخیراً توجه به «نقش‌های حرفه‌ای» در آمریکا مجدداً جان گرفته است. پتر سیلیا (Peter Siliia) و دیگران در سال ۱۹۷۷ به تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به «حرفه» ۴۹ نفر از مجرمین پرداختند که توسط خود آنها گزارش شده بود. این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که آنان را می‌توان به دو گروه مجرمینی که به طور «مستمر» و مجرمینی که به طور «اتفاقی» در صحنه بزهکاری حضور دارند، تقسیم نمود. ولی طبقه‌بندی دقیق آنان از روی پرونده‌های عادی محکومیت غیرممکن است. به نظر آنان اگر بتوان کسانی را که احتمالاً در الگوهای حرفه‌ای «پیوسته» جای می‌گیرند، به نحو دیگری تعریف نمود (مثلاً با استفاده از اطلاعات دقیق‌تری که در پرونده‌های پیس مضموم است)، می‌توان تدابیر خاصی را جهت «عقیبه» کردن آنها در سنین

پایین‌تر اتخاذ کرد. اینگونه نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها، به دلیل ملاحظات اخلاقی، با مقاومت بسیاری از جرم‌شناسان روبرو شده است. افزون بر این، در رابطه با وجود الگوهای صریح و روشن نیز تردیدهایی وجود دارد.

ر.ک. Criminal professionalism; Criminal type; Ferri; Lombroso.



### جرم‌انگاری، جرم‌زدایی Criminalisation, Decriminalisation (la) Criminalisation, (la) Décriminalisation

جرم‌انگاری قانونی یک فعل یا ترک فعل، فرآیندی است که به وسیله آن، رفتارهای جدیدی به موجب قوانین کیفری، مشمول قانون مجازات می‌شود. هر قدر دامنه این قوانین، تحت فشار افکار عمومی، گسترده‌تر می‌شود، مجرمان بیشتری به وجود می‌آورد.

جرم‌زدایی در معنای دقیق کلمه، یعنی فرایند زدودن برچسب، عنوان یا وصف مجرمانه از یک عمل یا از یک رفتار. جرم‌زدایی در بعضی دوره‌ها در ارتباط با جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی، مذهب و امور سیاسی مطرح شده است. در عصر حاضر، مسأله جرم‌زدایی از آغاز سالهای ۱۹۶۰ میلادی به صورت بحث روز درآمده است. این مسأله ابتدا با هدف تورم‌زدایی کیفری - یعنی تعدیل عناوین مجرمانه یا تعداد جرایم در قانون مجازات و قوانین کیفری دیگر - مطرح شده است. مقررات اداری، بهداشتی، اقتصادی و مالیاتی زیادی وجود دارند که نقض آنها، دارای ضمانت اجرای کیفری است. این امر خود یک «جرم‌انگاری» - یعنی وضع جرایم جدید - از نوع افراطی است؛ تقریباً همه جرم‌شناسان معتقدند که مرتکبین این جرایم نباید به عنوان مجرم تلقی شده و با آنها به صورت یک مجرم رفتار شود. نتیجه این تورم کیفری (فزونی بیش از حد جرایم در قانون) ایجاد یک حالت بی‌هنجاری است. در این صورت هیچ‌کس با اطمینان نمی‌داند چه امری مجاز و چه امری در قانون منع شده است.

کیفرزدایی، در واقع جرم‌زدایی ناقص است؛ در این حالت، یک نوع مداخله و تدبیر اجتماعی، جایگزین کیفر می‌شود ولی، عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می‌شود. لیکن، در قضازدایی، یعنی ساز و کاری که در جهت محدود نمودن صلاحیت نهادهای دستگاه قضایی به نفع سایر نهادها و روش‌های رسیدگی اعمال می‌شود، عنوان مجرمانه زدوده

می‌شود و به جای آن نوعی مداخله و اقدام اجتماعی جایگزین می‌گردد. خودکشی و سقط جنین، به این جهت که به جز فرد مرتکب، قربانی دیگری ندارند در اکثر کشورهای دارای حقوق عرفی، یا مشمول جرم‌زدایی شده‌اند یا مشمول کیفرزدایی ر.ک.

Alcoholism; Criminal policy; Criminal; prophylaxis; Deviance; Drug addiction; Radical criminology; Values.

\* \* \*

## Criminalistics

## جرم‌یابی

### (la) Criminalistique

برای ارزیابی، تجزیه و تحلیل و مقایسه مواد و موضوعات مرتبط با جرم، و یا افکاری که به جرم مربوط شوند، می‌توان از متخصصان علوم پلیسی یا علوم جرم‌یابی یاری جست. گروه‌های اصلی متخصصان قابل استفاده (به همراه رشته‌های اصلی آنان) عبارتند از: باکتری‌شناسان (کشت‌های مربوط به بیماریها)؛ کارشناسان بالستیک (مهمات و سلاحهای گرم)؛ زیست‌شناسان (مو، اثیاف، گرد و غبار، حیات گیاهان، گروه‌های گیاهی، لکه‌های آلی، کاغذ و غیره)؛ متخصصین اثر انگشت؛ کارشناسان خط (دستخط و تایپ، انواع جوهرها، وسایل نگارش)؛ فیزیکی‌دانها (اثر لوزم و ابزارها، ردپاها و آثار به جا مانده، شیشه و غیره) آسیب‌شناسان (علت و نوع فوت یا جراحت).

Science of criminal trial.

ر.ک.

\* \* \*

## Criminality of masses

## بزهکاری توده‌های انسانی

### (la) Criminalité des foules/ Masses

بزهکاری توده‌های انسانی در پایان سده نوزدهم به‌وسیله سینگل (S. Sighele) در ایتالیا و گابریل تارد (G. Tarde) و لوئن (Le Bon) در فرانسه مطالعه شده است. لوئن بین گروه

و توده انسانی تفکیک قائل شده و به ترتیب، توده‌های مجرم، هیأت‌های منصفه دادگاه‌های جنایی، توده انتخاباتی و مجالس پارلمانی، مورد توجه قرار داده است. در واقع، هم در گروه و هم در توده انسانی، اقدام مشترک وجود دارد، لیکن در توده، این اقدام به صورت جمعی و با شرکت انبوهی از انسانها متجلی می‌شود، در حالی که گروه، محدود به تعداد معدودی از افراد می‌گردد.

از نظر جرم‌شناسی، این اقدام مشترک و جمعی توده انسانها دارای خصیصه احساساتی (هیجانی) است که همین باعث می‌شود تا جرایم توده‌ها با جرایم احساساتی ربط داده شوند. این ارتباط اجازه می‌دهد تا به جنبه اصطلاح دادخواهانه بزهکاری توده‌ها (اعمال عدالت خصوصی) پی برده شود. کشتن بدون محاکمه، جرایمی که در زمان وقوع حوادث و وقایع طبیعی ارتکاب می‌یابد، جنایات جنگی، فجایعی که به هنگام تظاهرات و مسابقات ورزشی اتفاق می‌افتد (مثلاً در ورزشگاهها) و شورشهای دانشجویی در این گروه جای می‌گیرد.

در گذار از اندیشه به عمل مجرمانه در بین اعضاء توده‌های انسانی، فرآیندهای تحقیر و خودکشی که در جرایم احساساتی مشاهده می‌شود نیز به چشم می‌خورد. عذتک، اعضاء یک توده از افراد مجرم، از نظر نژاد، جنسیت، شغل و خاستگاه (روستایی یا شهری) با هم متفاوتند.

برانگیختگی و نیروی محرکه جمعی که از تجمع توده‌های انسانی ناشی می‌شود ممکن است به طور طبیعی براساس ساز و کارهای تقلید، سرایت و همانندسازی توسعه یابد. فریاد از پدیده‌های توده انسانی، تعبیری روانکاوانه ارائه داده است. وی به ویژه، بر مکانیزم همانندسازی که به اعضاء یک توده انسانی اجازه می‌دهد تا از طریق یک ایندولوژی مشترک با هم مرتبط یابند، تأکید کرده است. لیکن به نظر دوگرف (De Greeff)، جرم‌شناس بلژیکی، از آنجا که این مکانیزم دارای بُرد و اهمیت محدودی است، اعمال وحشیانه و خشمگینانه توده‌ها سریعاً تخفیف می‌یابد و از میان می‌رود.

در بزهکاری توده‌های انسانی، ارضاء و آزاد شدن تمایلات اعضاء توده‌ها محقق می‌شود؛ امری که برحسب عوامل وضعی (درد و رنجهای قبلی، تأیید محیط، تأثیر آب و هوا) و عوامل واکنشی (که در رأس آنها الکل قرار دارد) در نوسان است.

اقدام به صورت مشترک و توده‌ای، برانگیختگی جمعی و آزادسازی تمایلات، عناصر شاخص بزهکاری توده‌های انسانی را تشکیل می‌دهند که تارد، قاضی و جرم‌شناسی فرانسوی، به آنها پی برده است.

قوانین کیفری، ابتدا باید از زاویه قوم‌نگاری مطالعه شود. این رشته مطالعاتی به ما می‌آموزد که دامنه مفهوم جرم در جوامع کهن، فراتر از گروه نمی‌رفته و در داخل گروه، مطرح بوده است. در داخل گروه، دو نوع جرم وجود داشته: جرایمی که ارزشهای جمعی گروه را نقض می‌کرده است (خیانت، سحر و جادو، توهین به مقدسات، مسموم کردن) و جرایمی که از ایجاد اختلال در روابط بین خانواده‌ها و قبایل ناشی می‌شده است (قتل، سرقت).

قوانین کیفری را از زاویه روانشناسی اخلاقی نیز می‌توان مطالعه کرد. ژان پیازه (J. Piaget)، روانشناس سوئیسی، نشان داده است که قاعده اخلاقی و هنجار رفتار اجتماعی، معمولاً در قالب الزام و اجبار بزرگسالان بر کودکان تحلیل می‌شود. از این رو، تکلیف برای طفل، عمدتاً ناشی از مقررات و هنجارهایی است که از خارج و بیرون به او تحمیل می‌شود؛ وی تحت تأثیر واقع‌گرایی اخلاقی است. انعطاف‌پذیری طفل نسبت به قواعد تحمیلی از بیرون، از همین جا ناشی می‌شود. انعطاف‌پذیری طفل را می‌توان با انعطاف‌ناپذیری جوامع اولیه و کهن در مقابل جرایم قبیله‌ای و جرایم علیه مقدسات مقایسه کرد. در هر دو مورد، قواعد از حامیان خارجی و بیرونی ناشی می‌شود: این حامیان، در جوامع اولیه، نامرئی و اسرارآمیزاند، در حالی که حامیان در نهاد خانواده (والدین)، حاضر و دوست‌داشتنی‌اند. کودک علاوه بر هنجارها و قواعدی که از خارج دریافت می‌کند، در قالب بازی که نمونه عالی فعالیت‌های اطفال محسوب می‌شود نیز قواعد و هنجارهایی را کشف می‌نماید. قاعده جمعی از طریق فرآیندهای مختلفی که پیازه آنها را دقیقاً تحلیل کرده است، به تدریج توسط فرد (طفل) آموخته و حفظ می‌شود و به صورت قاعده عقلانی که ناشی از احترام متقابل است ظاهر می‌گردد. اگر این داده‌ها را با آنچه که از جوامع اولیه می‌دانیم مقایسه کنیم، احراز می‌کنیم که جرایم ارتكابی در درون خانواده یا در درون قبیله دارای خصیصه انعطاف‌پذیرتری نسبت به جرایم بین قبیله‌ای و جرایم علیه مقدسات است.

تاریخ، رهیافت جدیدی نسبت به قوانین کیفری محسوب می‌شود. تاریخ نشان می‌دهد که جرایم ارتكابی در درون خانواده یا قبیله، با گذشت زمان در حقوق کیفری دارای جایگاه حقوقی شده‌اند و امروزه اساس حقوق جزایی عادی جوامع را تشکیل می‌دهند. برعکس، جرایم بین قبیله‌ای و جرایم علیه مقدسات در بسیاری جوامع، به تدریج که گروه در

کشور و ملت جذب و انغام شده است، جنبه مجرمانه خود را از دست داده‌اند. آنچه که گروه‌های اُتیه و کُهن را از کشور تفکیک می‌کند، اندازه و بُعد غالباً بزرگتر کشور نسبت به گروه است. از این رو، ارزشهای جمعی، کمتر به طور مستقیم قابل تشخیص و تفکیک‌اند. حکمرانان و دولتمردان، موفقیت خود را تا حد صاحبان ارزشهای جمعی ارتقا داده و حق متحول ساختن این ارزشها را نیز به خود داده‌اند: به این ترتیب، ارزشها در قلمروهای اداری، مالی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد و متحول می‌شوند. از همین جا است که بین فرد و حکومت فاصله به وجود می‌آید و پیامد این وضع، آن است که برخی از اعمال که در قوانین کیفری، جرم‌نگاری شده است، از نظر مرتکبان آنها جرم محسوب نمی‌شود. باید اضافه کرد که وقتی حکمرانان و صاحبان قدرت بی‌بُرند که می‌توانند از حقوق جزایی برای ایجاد، اعمال و دفاع از قدرت و ایدئولوژیهای مربوط به آن استفاده کنند، ضرورتاً تمایل به اجرای اغراق‌آمیز آن شدند. با مطالعه رویه قضایی، می‌توان به تغییراتی که در قانون مجازات به وجود آمده است پی برد: این رویه قضایی که در گذشته محدود به جرایم علیه اموال عمومی، علیه اشخاص و اموال آنان می‌شد، امروزه به جرایم علیه نظم مالی، نظم اقتصادی، کیفیت زندگی، جرایم علیه مقررات معماری و شهرسازی و جرایم علیه قوانین و مقررات کار و... نیز تعمیم یافته است.

در این شرایط، جرم‌شناسی از آورده‌های جامعه‌شناسی حقوقی، بهره‌مند شده و بدین ترتیب غنی‌تر می‌شود. امروزه، تحت تأثیر جرم‌شناسی رادیکال، چگونگی تدوین و وضع قوانین کیفری مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، در مورد چگونگی وضع و ظهور قوانین جزایی و نیز در مورد چگونگی پذیرش این قوانین در جامعه تحقیق می‌شود. چنین مطالعاتی اجازه می‌دهد تا به تفاوت احتمالی بین مقررات قانون مجازات (جرم‌نگاری اولیه) و حکومت و اثربخشی آنها در جامعه، به ویژه از نظر دستگاه عدالت کیفری (جرم‌نگاری ثانوی) پی ببرد.

مطالعه قوانین کیفری از زاویه بالینی نیز جالب توجه است. جرم‌شناس بالینی در مقابل یک مورد خاص، باید همواره در این خصوص که جرم از نظر ارزشها چگونه تلقی و احساس شده است تحقیق کند. قانون مجازات و تصویر این قانون در ذهن افراد، در رهیافت بالینی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ در مورد بزهمکار سیاسی، چنین مطالعه و رهیافتی ضروری است. جرم‌شناس بالینی باید در این صورت، بی‌طرف و واقع‌گرا باقی بماند و قانون مجازات را «فقط مقرراتی نداند که اقلیت‌های سیاسی یا کارگزاران اخلاقی - یعنی دولت و نهادهای مختلف آن -



ایجاد کرده‌اند و از آنها استفاده می‌کنند». در مورد دولتهای اقتدارگرای فراگیر (توتالیتز) چنین برداشتی درست است، لیکن در خصوص دولتهای مردم‌سالار نمی‌توان آن را پذیرفت.

ر.گ.

Clinical criminology; Deviance; Interactionist Criminology; Political Crime; Science of criminal trial; Social reaction Criminology; Radical Criminology; Values.

\* \* \*

## Criminal personality

## شخصیت جنایی

### (la) Personnalité criminelle

جرم‌شناسی بالینی قبل از هر چیز یک روش است. بین جرم‌شناسان بالینی در خصوص اصل این جرم‌شناسی توافق وجود دارد و به موجب این اصل، محور جرم‌شناسی بالینی مطالعه و بررسی شخصیت پژوهکار، یا توجه به یک مدل نظری است. توافق جرم‌شناسان بالینی تا همین جا است. زیرا بعضی از آنان، از یک مدل عمومی استفاده می‌کنند (مثلاً مدل انسان‌شناسی، مدل روانپزشکی، مدل روانکاوی) و عده‌ای دیگر، از یک مدل خاص استفاده می‌نمایند. مدل‌های خاص متعددی وجود دارد (مثلاً مدل پیشگویی گلوک Gluck، مدل گونه‌شناسی گرات Grant) که مدل نظری شخصیت جنایی یا مجرمانه، یکی از آنها محسوب می‌شود. تعاریف متعددی از مفهوم شخصیت ارائه شده است: در شیوه مطالعه معمول در انسان‌شناسی، شخصیت مترادف است با فردیت جسمانی و روانی. در روانکاوی، شخصیت یک سازمان و نهاد پویا است و حال آنکه در جامعه‌شناسی جنبه‌های فرهنگی شخصیت مورد توجه است و در روانشناسی ذهنی تأکید می‌شود که شخصیت در قالب «من» (Ego) خود را بیان می‌کند. «من» به انسان اجازه می‌دهد تا احساس وجود داشتن را در وجدان خود بنماید. با استفاده از روانشناسی وجودی، شخص را از شخصیت تفکیک می‌کنند. مفهوم شخص، به وجود و هستی فرد برحسب میزان آزادی وی مربوط می‌شود، حال آنکه از مفهوم شخصیت برای روشن کردن این موضوع که یک فرد در موقعیت و شرایط سمی چه خواهد کرد، استفاده می‌شود. شخصیت، یک مفهوم کاربردی است که بیانگر

مجموع جبری تمایلات و واکنشی فرد است. این تعریف عینی بدان معنا است که باید زندگی و تجربه فرد نیز مورد توجه قرار گیرد. نگرش‌های ذهنی و احساسات آزمون شده روانی، در واقع اجازه می‌دهند تا به تمایلات و گرایشهای واکنشی فرد دست یابیم. وقتی وصف «جنایی» یا «مجرمانه» به شخصیت اضافه می‌شود، مفهوم شخصیت مجرمانه به یک نوع و نمونه انسان شناختی و ثابت - مانند تیپ مجرماندرازی لمبروزو - باز نمی‌گردد. مفهوم شخصیت، از یک سو تفاوت ماهوی میان بزهدار و غیربزهدار را نمی‌پذیرد (نظر کینبرگ) و از سوی دیگر، به این موضوع توجه دارد که شخصیت انسان، پویا و تا حدودی متحول است (نظر دوگرف). ارکان و عناصر شخصیت مجرمانه، مستمر و دائمی‌اند، لیکن بنا به عقیده نویسندگان مختلف، آنچه در شخصیت جنایی در نوسان و تغییر است، موقعیت آنهاست.

مدل شخصیت جنایی که ژان پیتاویل - جرم‌شناس فرانسوی - تدوین کرده است براساس ملارک جمع‌آوری شده بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ درباره مطالعات بالینی لمبروزو بوده است. بنا به این مطالعات، روشن شده است که (۱) بعضی خصوصیات شخصیت مجرمانه در همه تحقیقات به چشم می‌خورد مثل خودبینی، تلون مزاج یا بی‌ثباتی روانی، تهاجم و پرخاشگری و بی‌تفاوتی عاطفی؛ (۲) سایر خصوصیات در همه تحقیقات عمومیت ندارد؛ این خصوصیات عبارتند از مزاج و طبع، ظرفیتها و استعدادها (جسمانی، هوشی، شنایی، اجتماعی) و نیازهای غذایی و جنسی. خصوصیتی که در کلیه تحقیقات وجود دارد - یعنی ویژگیهای عمومی - هسته مرکزی شخصیت مجرمانه را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر، مکانیسم‌گذار از اندیشه به عمل مجرمانه (به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه) را نیز هدایت می‌کنند؛ خصوصیتی که در همه تحقیقات عمومیت ندارند از عناصر شخصیت هستند و صرفاً نحوه عمل مجرمانه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (جهت عمل، موفقیت عمل، دلایل ظاهری و آشکار آن).

بررسی این فرضیه، ابتدا می‌بایست پیرامون احتمال و امکان آن صورت می‌گرفت. این بررسی از نظر تاریخی و علت‌شناسی انجام شد؛ از نظر تاریخی نشان داده شد که خصوصیات هسته مرکزی شخصیت، مبنای شرایط‌گذار از اندیشه به عمل مجرمانه که قبلاً مانووریه، انسان‌شناس، پزشکی و جرم‌شناس فرانسوی، اعلام کرده بود، قرار می‌گیرد. بدین ترتیب است که (۱) «خودبینی» یا خودمحوری، این موضوع را که ننگ و رسوایی ناشی از جرم، بزهدار را در ارتکاب عمل مجرمانه متوقف نموده است، توجه می‌کند؛ (۲) «بی‌ثباتی روانی» سبب می‌شود که بزهدار، نگرانی برای تحمل مجازات ناشی از جرم ارتكابی نداشته باشد؛ (۳) حالت «تهاجم و پرخاشگری» باعث می‌شود که وی بر مشکلات و موانع مادی به هنگام

ارتکاب عمل مجرمانه فائق شود و ۴) «بی‌تفاوتی و بی‌اعتنائی عاطفی» موجب می‌شود که بزهکار، زشتی عمل مجرمانه خود را به عنوان یک مانع بازدارنده، نادیده بگیرد.

از نظر علت‌شناسی، با استفاده از تصویب ارائه شده از سوی کینبرگ، چنین احراز شده است که گذار از اندیشه به عمل، از یک عنصر تحریک‌کننده، یعنی پرخاشگری و تهاجم و نیز از فقدان مقاومت در مقابل این عنصر ناشی می‌شود. با خنثی شدن بی‌امل‌های بازدارنده ناشی از تنگ و رسوائی اجتماعی محکومیت کیفری و فحیح ارتکاب عمل مجرمانه که به واسطه خودمحوری، بی‌ثباتی روانی و بی‌تفاوتی عاطفی فرد اتفاق می‌افتد، موانعی که از بروز تهاجم و پرخاشگری در شرایط عادی جلوگیری می‌کنند نیز حذف و خنثی می‌شوند.

پس از بررسی اولیه، می‌بایست به بررسی محتمل بودن درستی فرضیه پرداخته می‌شد. برای انجام این کار، لازم بود که بررسی مزبور با دستاوردهای بانیی و در وهله اول، با مفهوم «حالت خطرناک» مقایسه شود. در این چشم‌انداز، پذیرفته شد که هسته مرکزی شخصیت مجرمانه، فرمول ظرفیت و «استعداد مجرمانه» یا درجه خطرناکی (گاروفالو) یا به قول دی‌تولیو، جرم‌شناس ایتالیایی، «آستانه مجرمانه» را مشخص می‌کند و عناصر و ارکان شخصیت مجرمانه، فرمولهای انطباق‌پذیری فرد را به دست می‌دهند. هویر، جرم‌شناس فرانسوی، معتقد است که ظرفیت یا استعداد مجرمانه، حالت و روحیه تهاجم و بی‌تفاوتی عاطفی به عنوان مبانی اضرار به دیگری عمل می‌کنند، در صورتی که خودبینی و بی‌ثباتی روانی، موجب ارباب‌ناپذیری مرتکب جرم می‌شود. در وهله دوم، می‌بایست اطمینان حاصل شود که خصوصیات هسته مرکزی، منطبق با فرایندهای ارتکاب عمل شدید مجرمانه و بالیدگی مجرمانه است. در فرایند عمل شدید مجرمانه که طی آن، شخصیت به صور گذرا و موقت، حالت مجرمانه به خود می‌گیرد، مشاهده شده است که خودبینی، در مرحله قبول خفیف، بی‌ثباتی روانی در مرحله قبول صریح، تهاجم در مرحله حالت بحرانی و بالاخره بی‌تفاوتی عاطفی در مرحله ارتکاب جرم، بر فرد حاکم است. در فرایند بالیدگی مجرمانه که ساززند توصیف کرده است، ظهور خصوصیات مشاهده شده است که به طور موقت، بزهکاران اتفاقی خطرناک را مشخص می‌کنند. لیکن آنچه در بزهکاران اتفاقی خطرناک، گذرا و شدید و دائمی است، در طول فرایند بالیدگی مجرمانه، نزد بزهکاران تکرارکننده جرم، تثبیت و ساختاربندی می‌شود.

بالاخره در ارتباط با شخصیت مجرمانه باید از مرحله «احتمال» به مرحله «اطمینان» رسید که این، وظیفه پژوهشها و تحقیقات علمی است. مطالعات خانم قاوار

(A. M. Favard)، جرم‌شناس فرانسوی و آقای کاریو (Cario)، استاد دانشگاه پُو فرانسه، در این جهت، بسیار عمیق‌اند و انگیزه‌های برای مطالعات و تحقیقات جدید دربارهٔ شخصیت مجرمانه محسوب می‌شوند. لیکن باید تأکید نمود که اگر در شرایط کنونی، شخصیت جنایی از نظر بالینی می‌تواند به عنوان مللی که زمینه‌ساز تبیین واقعیت جرم است، مورد توجه قرار گیرد، لیکن از نظر علت‌شناسی جنایی، باید کماکان به موضع و روش ترکیبی، که آورده‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را در هم ادغام و جذب می‌کند، وفادار باقی ماند.

ر.ک.

Acting out; Affective indifference; Aggressiveness; Criminogenic society; Dangerousness; Egoentrism; Lability.

\* \* \*

## سیاست جنایی

### Criminal Policy

#### (la) Politique criminelle

سیاست جنایی، یک رشتهٔ مطالعاتی است که برحسب داده‌ها و یافته‌های فلسفی و علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناختی، و با توجه به اوضاع و احوال تاریخی، سعی در تدوین و ایجاد آموزه‌های سرکوبگر (کیفری) و پیشگیرانه دارد که در عمل نسبت به بزهکاری و بزهکار قابل اعمال باشند. این تعریف که از فون لیست (Von List) - یکی از بنیانگذاران آلمانی اتحادیهٔ بین‌المللی حقوق کیفری در ۱۸۸۹ - است با تفاوت‌های ظریفی مورد توجه مارک آنسل - قاضی فرانسوی - در ۱۹۵۴ قرار گرفت: وی معتقد است که سیاست جنایی، هم یک علم است و هم یک فن و موضوع آن فراهم ساختن امکان ارائه بهترین شیوه تدوین قواعد و مقررات موضوعه در سایه یافته‌های علوم جرم‌شناسی است.

از نقطه نظر تئوری، دفاع اجتماعی نوین سعی دارد تا از بین‌گرایش‌های دو مکتب سیاست جنایی که امروزه در قلمرو کیفری حضور دارند راحل میانه‌ای را برگزیند. این دو مکتب عبارتند از: مکتب طرفدار «سرکوبی جدید» که طرفدار اعاده اعتبار سرکوبی و مجازات است و معتقد است که باید جرأت تنبیه و مجازات کردن را داشت و احیاء کرد؛ از سوی دیگر، مکتب

طرفدار الغاء نظام کیفری ملهم از جرم‌شناسی رادیکال که مایل است جبران ضرر و زیان، ترمیم و خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان، میانجیگری و ناوری به منظور سازش دادن طرفین جرم، به جای کیفر قرار داده شود.

رویه قضایی در قلمرو بزهکاری صفار، در عمل سعی نموده است که به روش خاص خود، توصیه‌های این دو مکتب را با هم سازش دهد؛ عدم عداخله نظام کیفری قضایی با مداخله حناقلی آن در قلمرو بزهکاری صفار؛ مداخله دستگاه عدالت کیفری و پیش‌بینی برای مجرمین صغیر تکرار کننده جرم و مشکل دار.

امروزه سیاست جنایی، در مجموع در حالت بحرانی به سر می‌برد، زیرا در قلمروهای بزهکاری و واکنش اجتماعی علیه جرم، تغییراتی ایجاد شد که به نظر عده‌ای از جرم‌شناسان، بی‌سابقه و تاریخی است (ظهور اشکال جدید بزهکاری و عدم کارایی مجازات‌های کلاسیک در قبال آنها).  
ر.ک.

Criminal laws; Criminal prophylaxis; Criminal statistics; Juvenile delinquency; Penal philosophy; Radical criminology; Social defence.

\* \* \*

## Criminal prophylaxis

## پیشگیری جنایی

### (la) Prophylaxie criminelle

پیشگیری از جرم در نظریه کیفری، عمدتاً شامل ارباب جمعی و ارباب فردی ناشی از مجازات می‌شود. در عین حال، بکاریا در سال ۱۷۶۴، اندیشه پیشگیری خاص از جرم را که مستقل از حقوق جزایی است، مطرح کرد. با تولد جرم‌شناسی علمی، فزی در سال ۱۸۸۱، معادله‌ها یا جانشین‌هایی را برای مجازات‌ها، یعنی جایگزین‌های کیفری، که برنامه گسترده سیاست اجتماعی در مبارزه علیه جرم را تشکیل می‌دهد، توصیف کرد. این پیشگیری اجتماعی از جرم، از نظر بالینی با مورد ملاحظه قرار دادن تأثیر اقدام‌های اصلاحی - درمانی در قلمرو پیشگیری فردی تکمیل شد.

بهداشت اجتماعی که در آن، مبارزه علیه اختلالات روانی، و بیماری‌های مقاربتی (از جمله

کنترل پدیدهٔ روسپیگری) در اوئیت قرز دارد، رکن اساسی سیاست پیشگیری اجتماعی را تشکیل می‌دهد. البته نمی‌توان سیاست عقیم‌سازی اجباری بیماران و عقب‌مانده‌های روانی و نیز بزهکاران (که در سالهای ۱۹۳۵ در ایالات متحده آمریکا، معمول بود) یا سترون‌سازی فردی که مبتلا به ناهنجاریهای جسمانی یا روانی قابل انتقال به نسل‌های بعدی می‌باشند را (که در آلمان دورهٔ نازی سال ۱۹۳۳ معمول بود) پذیرفت. زیرا از نظر آسیب‌شناسی، امکان عقب‌نشینی و تعدیل بیماریهای ارثی وجود دارد. از نظر جرم‌شناسی ثابت شده است که استعداد مجرمانه، متشکل از عناصری است که از نظر توارثی از یکدیگر منفک‌اند و به تنهایی یک نشانه و حالت خاص نیست.

در کنار بهداشت اجتماعی، قوانین اجتماعی (بیمه و تأمین اجتماعی، کمکهای خانوادگی، امداد اجتماعی) درخور ارزیابی دو جانبه است: از یک سو، اجرای این قوانین، موجب عدم رعایت احتیاط و آینده‌نگری در افراد و فقدان برنامه‌ریزی توسط آنها شده و باعث بی‌ثباتی روانی یا تلون مزاج - که یکی از ارکان هسته مرکزی شخصیت جنایی است - نیز می‌شود. از سوی دیگر، عتت از میان رفتن ولگردی و تکدی، بی‌تردید گسترش اینگونه قوانین و آثار مثبت اجرای آنها است.

به طور کلی، پیشگیری در عمل کار ساده‌ای نیست. نمونه طرحها و تجربه‌های اصلاحی جمعی که در مناطق جغرافیایی معینی در آمریکا صورت گرفته است (از جمله طرح منطقهٔ شیکاگو که بیشتر جنبهٔ فرهنگی داشت، یا بسیج برای حل مسائل و مشکلات جوانان در نیویورک که بیشتر دارای جنبهٔ اقتصادی بود) بسیار زیاد است، لیکن هیچکدام نتایج مورد انتظار را به دنبال نداشته‌اند. به عنوان مثال در فرانسه، ابتکارهای پلیسی (اقدامات پلیس یا زاندارمری در شهرهای ساحلی و توریستی یا ایجاد پلیس محلی) یا ابتکارهای اجتماعی - تربیتی (ایجاد کلوبهای پیشگیری از انحرافات و جرایم) نتایج مقطعی اندکی به همراه داشت، لیکن موجب کاهش بزهکاری نشد. طرح اعزام جوانان بی‌بضاعت به کنار دریا - یعنی تعبیر محیط زندگی آنها به هنگام تعطیلات تابستانی - با هدف پیشگیری از جرم در فرانسه از تابستان سال ۱۹۸۱ به این سو به اجرا درآمد. در این کشور، برای تحقق امر پیشگیری «شورای ملی پیشگیری از بزهکاری» وابسته به نهاد نخست‌وزیری، در سال ۱۹۸۲ ایجاد شد که دارای شعباتی در استانها و به ویژه در شهرستانها است.

ر.ک.

هنگامی که روانشناسی جنایی، جنبه‌های آسیب‌شناختی روانی رفتار مجرمانه را مطالعه می‌کند، با روانپزشکی جنایی همراه می‌شود. بین این دو رشته مطالعاتی، مرزهای مشخصی وجود ندارد. آنچه روانپزشکی جنایی را متمایز می‌سازد، ویژگی پزشکی آن است: روانپزشکی جنایی به مطالعهٔ بزهکاران از نظر پزشکی روان می‌پردازد و یک علم بنیادی است که کاربردهای قضایی آن در قلمرو روانپزشکی قانونی قرار می‌گیرد.

در یک طبقه‌بندی روانپزشکی، گونه (تیپ) بزهکارانی که ارتکاب جرم فقط چاره‌ای فرعی از اختلال روانی را در آنها تشکیل می‌دهد، از گونه بزهکارانی که تمایلات ضداجتماعی، حالت آسیب‌شناختی آنان محسوب می‌شود (منحرف اخلاقی، منحرف ذاتی و ساختاری) تفکیک شده است. این طبقه‌بندی، با توجه به کاربرد متفاوتی که بر حسب مکاتب و کشورهای مختلف، برای مفهوم جامعه‌ستیزی (روان‌رنجوری - پسیکوپاتی) وجود دارد، مبهم است. در برداشت موسع، مفهوم مزبور شامل کلیه اختلالهای روانی می‌شود، در صورتی که در یک برداشت مضیق، این مفهوم تنها نسبت به افرادی به کار برده می‌شود که ذوق ضداجتماعی در آنها، «حالت آسیب‌شناختی» به وجود می‌آورد. استور (Stor)، افرادی را که مشمول این تعریف می‌شوند زیر عنوان «جامعه‌ستیز تهاجمی» گرد آورده است: این افراد، از نظر روانی بی‌ثبات، از نظر عاطفی بی‌تفاوت و نیز خودبین هستند، یعنی در واقع دارای کلیه خصوصیات شخصیت مجرمانه‌ای هستند که مقاومت شخصی فرد را در مقابل «حالت تهاجمی» خود کاهش می‌دهد. آنچه در عین حال، فرد جامعه‌ستیز مهاجم را از شخصیت مجرمانه منفک می‌کند، این است که حالت تهاجمی او از نوع آسیب‌شناختی است و شامل خصومت ویرانگری می‌شود که کل شخصیت را شامل می‌شود. این طبقه‌بندی‌های بین جامعه‌ستیز مهاجم و یا تهاجمی و شخصیت جنایی، در ادامهٔ طبقه‌بندی‌هایی قرار می‌گیرد که از یک سو، امپروزو میان منحرف اخلاقی و بزهکار مادرزاد و از سوی دیگر، جرم‌شناسی روانکوانه، بین شخصیت جامعه‌ستیز و منش ضداجتماعی قائل شده بودند.

ر.ک.

Acting out; Aggressiveness; Criminal psychology; Methodology; Perversion; Psychoanalytic criminology; Radical criminology; Science of criminal trial; Treatment.

روانشناسی جنایی، روانپزشکی جنایی و جرم‌شناسی روانکاوانه مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که به آن، «جرم‌شناسی روانشناختی» اطلاق شده است. روانشناسی جنایی، به عنوان یک رشته مطالعاتی مستقل، به بررسی اصول، روشها و نحوه مطالعه شخصیت جنایی- به ویژه با استمداد از آزمون‌های هوش، متش و آموزش و تربیت حرفه‌ای - می‌پردازد. این رشته مطالعاتی به مطالعه فرآیندهای روانی بزهکاری، انگیزه‌ها و محرکهای مرتکب عمل مجرمانه نیز توجه می‌کند. روانشناسی جنایی در مقابل روانشناسی اجتماعی قرار می‌گیرد که موضوع مطالعه‌اش، عمدتاً جنبه‌های «بین شخصی» رفتار و سلوک مجرمانه است. روانشناسی جنایی یکی از رشته‌های علوم بنیادی است. لیکن از یک سو، به لحاظ روانشناسی قضایی یا قانونی - که یک علم کاربردی است - و از سوی دیگر، به جهت نقشی که ممکن است در جهت‌گیری آموزشی و تربیتی نحوه رفتار با مجرم ایفا کند، جنبه کاربردی نیز پیدا می‌کند.

ر.ک.

Acting out; Criminal psychiatry; Kinberg; Precriminal situations;  
Science of trial; Test; Treatment.

\* \* \*

جامعه‌شناسی جنایی که محور مطالعاتش بزهکاری است و از شاخه‌های تخصصی جرم‌شناسی محسوب می‌شود، تاریخی طولانی دارد. این رشته مطالعاتی در نیمه نخست سده نوزدهم با ظهور مکتب جغرافیایی کتله (بلژیکی) و گری (فرانسوی) به وجود آمد، با مکتب سومبالیست مارکس و انگلس گسترش یافت، با مکتب تحقیقی ایتالیایی (به ویژه با مطالعات ائریکو فزی) جان گرفت، با مطالعات و آثار دورکیم، لاکاسانی و تارد که هر سه



فرانسوی هستند، از مکتب تحقیقی جدا و مستقل شد و بالاخره از اوایل سالهای ۱۹۲۰ در ایالات متحده آمریکا و سپس از آغاز سالهای ۱۹۷۰ شکوفا گردید.

جامعه‌شناسی جنایی آمریکا بر مفهوم «تابستانی اجتماعی - از هم گسیختگی»، یعنی حالتی که در آن، اعضاء گروههای تشکیل دهنده یک جامعه، از هنجارهای رفتاری واحدی پیروی نمی‌کنند و در قالب تعارض فرهنگها در مقابل هم قرار می‌گیرند، تکیه کرده است. نظریه‌های تخصصی‌تری نیز، علاوه بر این توضیح کلی، ارائه شده است: معاشرتهای ترجیحی با افتراقی (از ساترلند)، فضاها و مناطق بزهکاری یا زیست‌بوم جنایی (از شاوو مک‌کی، ۱۹۴۲). جامعه‌شناسی جنایی آمریکا، مدتها تحت تسلط رفتارگرایی در علت‌شناسی بزهکاری، مسائل فرهنگی را در اولویت قرار داده بود. مِرْتُن (Merton)، جامعه‌شناس آمریکایی، معتقد بود که در جامعه آمریکا، هیچ‌یک از هنجارها با صراحت و قاطعانه به شهروندان تحمیل نمی‌شود. به همین جهت وی مفهوم «خلایه هنجاری یا بی‌هنجاری» دورکیم را احیاء کرد. در یک دیدگاه مشابه، کُهن (Cohen)، جامعه‌شناس آمریکایی، نظام ارزشهایی را که در بعضی از گروههای ضعیف و بی‌بضاعت، علیه نظام ارزشهای طبقات متوسط شکل می‌گیرد دقیقاً مورد مطالعه قرار داد و مفهوم «خُرده فرهنگ مجرمانه» را در سال ۱۹۵۵ مطرح نمود. مَتَز (Malza)، جامعه‌شناس آمریکایی، مفهوم حالت سرگردانی و دودنی (drift)، یعنی وجود قسب‌های جاذبه‌دار و فریبنده گوناگونی را که ممکن است در مقابل و در معرض دید و انتخاب نوجوانان قرار گیرند، ارائه کرد.

لیکن از زمانی که ساترلند به مطالعه «جرایم یقه‌سفیدها» پرداخت، عامل اقتصاد در مطالعات جرم‌شناسی از اهمیت خاصی برخوردار شد. کلوزد و اوهلین (Cloward, Ohlin) نیز در ادامه کارهای ساترلند، بر مناسبتها و موقعیتهایی که از نظر اجتماعی - اقتصادی، زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌کند، تأکید کردند (۱۹۶۴). به موازات این مطالعات، جنبشی به وجود آمده و گسترش یافت که توجه خود را به تدریج، از جامعه به شخصیت معطوف کرد. در این چارچوب، اسرول (L. Strole) مفهوم «آنومیا» (anomia) به معنای انزوای روحی و ذهنی را مطرح کرد که اشاره به حالت ذهنی فردی دارد که از نظر اخلاقی به تعهدات و وظایف خود به هیچ وجه توجهی ندارد و دست از انجام آنها کشیده است.

وُلْفگانگ (Wolfgang)، جامعه‌شناس آمریکایی و فِرراکوتی (Ferracuti)، پزشک ایتالیایی، در یک مطالعه مشترک، از میان اعضاء یک خُرده فرهنگ خشونت، آنهایی را که «خشونت در قالب یک ارزش، به بخش کاملی از ساختار شخصیتشان تبدیل شده است»

تفکیک کردند (۱۹۶۲). هیرشی (T. Hirschi) نیز نظریه کنترل اجتماعی - یا نظریه علقه و پیوند اجتماعی را مطرح نموده است (۱۹۶۹). به موجب این نظریه، عناصری که امکان تحکیم روابط کودک را با جامعه فراهم می‌آورند عبارتند از وابستگی (دلبستگی)، داشتن احساس تعهد و تکلیف، داشتن اعتقادات و ارزش‌ها گروهی و اجتماعی و احترام به این ارزش‌ها و اعتقادات و استلزام و مشارکت کردن و در درگیر شدن امور گروه مربوط یا جامعه. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که جامعه‌شناسی جنایی در آمریکا صرفاً به مطالعه علت‌شناسی بزهکاری می‌پردازد.

ر.ک.

Conflict of cultures; Criminal policy; Criminogenic society;  
Differential associations; Durkheim, Ferri; Interactionist criminology;  
Lacassagne; Marxism; Quételet; Radical criminology; Sutherland; Trade;  
Urbanization; Violence; Penal sociology.

\* \* \*

## Criminal statistics

## آمارهای جنایی

### (les) Statistiques criminelles

نوع آمارهای جنایی موجود در فرانسه - و در بسیاری از دیگر کشورها - عبارتست از آمارهای پلیسی، قضائی و آمار زنانها. آمارهای پلیس شامل جرایمی است که به وسیله پلیس و ژاندارمری (پلیس روستاها) یا نیروهای انتظامی احراز شده است. جرایم گمرکی و مالیاتی، تقلبات مالیاتی، جرایم مربوط به راهنمایی و رانندگی و جرایم خلافی در این آمارها منعکس نیستند. آمارهای قضائی، از نظر تاریخی، ریشه در دفاتر آمارهای دادگستری فرانسه دارد که از آغاز سال ۱۸۳۷ منتشر شد و بلافاصله، دیگر کشورهای اروپایی نیز از آن تبعیت نمودند. به عنوان مثال، در انگلستان و ولز اینگونه آمارها نخستین بار در سال ۱۸۳۷ منتشر گردید. آمارهای قضائی شامل بزهکاری قانونی (یعنی تعداد محکومان) و بزهکاری ظاهری (تعداد پرونده‌های ارجاعی از سوی پلیس و نیروهای انتظامی به دانسراها) می‌شود. بزهکاری واقعی عبارتست از تعداد جرایمی که عملاً ارتکاب یافته و میزان و ماهیت آن، مبهم و ناشناخته

است. برای پی بردن به بزهکاری واقعی، دو روش تحقیق وجود دارد: تحقیقات خودنگزاشی، مبتنی بر اظهارات مرتکبان واقعی جرایم و نیز تحقیقات بزه‌دیدگی، مبتنی بر اظهارات بزه‌دیدگان واقعی جرایم. این پژوهشها ابتدا در ایالات متحده آمریکا انجام شد و اکنون در کشورهای اروپایی نیز بیش یا کم رواج دارد. تعداد زیادی از اشخاص اقرار می‌کنند که قانون را با ارتکاب اعمال خرد و کم‌اهمیت، نقض کرده‌اند لیکن، مقامهای صالح از ارتکاب آن اعمال مطلع نشده‌اند. ما باید گفت که غالب جرایم شدید (جرایم علیه اشخاص و اموال) به اطلاع مقامهای پلیس یا دستگاه قضایی می‌رسد.

مسائله‌ای که در آمارهای قضایی وجود دارد، مسأله آمارهای بین‌المللی قضایی است. تنوع و تفاوت توصیف جرایم از یک کشور به کشور دیگر هرگونه مقایسه میان آنها را غیرممکن می‌سازد. به علاوه، پاردای از کشورها، فاقد آمارهای قضایی‌اند. غالب نویسندگان اکنون بر این امر توافق دارند که عوامل بسیار گسترده و متنوعی در فرآیند جمع‌آوری و تنظیم آمارهای جنایی دخالت دارد. فهرستی از عواملی که نوعاً مطرح می‌شود به شرح ذیل است:

الف) نوع جامعه و تعاریف قانونی جرم؛

ب) نحوه اعمال قوانین و مقررات و تفسیر آنها در یک ساختار اجتماعی مفروض؛

ج) روش کار پلیس که منجر به شکل‌گیری تصورات قالبی و کلیشه‌ای از جرم می‌شود؛

د) روش تخصیص منابع مالی و زمان فعالیت پلیس؛

ه) تمایل عمومی نسبت به گزارش نمودن موارد وقوع جرم؛

و) عوامل تعیین‌کننده رفتار فرد

ر.ک.

Administration of criminal justice; Comparative criminology; crime;  
Criminal policy; Hidden criminality; Insecurity; Juvenile delinquency;  
Quételet; Recidivism; Victim survey; Penal sociology.



Criminal type

تیپ (گونه) مجرمانه

(le) Type criminel

سزار لمبروزو (۱۹۰۹ - ۱۸۳۶) که جرم‌شناسی علمی تحقیقی یا اثباتی را با انتشار کتاب

خود، انسان (مرد) بزهکار (Uomo Delinquente)، بنیان گذاشت و مبنای کار خود را بر اندازه‌گیری دقیق و مقایسه‌ای اتمام‌های مختلف بدن انسان‌ها قرار داد، ادعا نمود که تیپ (گونه) متمایز مجرمانه‌ای، که هم وارث صفات نیاکان است و هم تبامزده می‌باشد وجود دارد که عبارتست از مجرم مادرزاد یا بزهکار بالفطره. این تیپ، به وسیله نشانه‌هایی قابل تشخیص است (ویژگی‌های منحصر به فرد فیزیکی و خلقت‌های ناقص). لمبروزو از سومین چاپ یا ویراست «انسان (مرد) بزهکار»، شروع به تعدیل نظراتش کرد و اظهار داشت که شاید تنها ۲۵ درصد مجرمان از چنین گونه‌ای باشند و بقیه، یا ناقص‌العقل‌اند یا مجرم اتفاقی. وی در کتاب خود با عنوان زن بزهکار (la Donna Delinquente) که به همراه فررو (G. Ferrero) به رشته تحریر درآورد، به مسأله نادر بودن تیپ مجرمانه در میان انثا توجه نموده، چنین ادعا کرد که عمل تن‌فروشی زنان در واقع، جانشین اعمال مجرمانه در آنان می‌شود.

Constitutional factors; Ferri; Lombroso.

ر.ک.

\*\*\*

## Criminogenic factors

## عوامل جرم‌زا

### (les) Facteurs criminogènes

عوامل جرم‌زا، عناصری عینی هستند که در ایجاد پدیده مجرمانه دخالت می‌کنند؛ بنابراین از شاخصها و انگیزه‌ها منفک می‌باشند؛ شاخصها عبارتند از نشانه‌ها و انگیزه‌ها که ماهیتاً جنبه ذهنی دارند. در میان عوامل جرم‌زا باید عواملی را که همچون «شرایط و اوضاع و احوال مناسب» برای ارتکاب جرم عمل می‌کنند، از عواملی که به صورت «علت یا علل» بر وقوع جرم تأثیر می‌گذارند جدا کرد. عوامل نوع اول، «موقعیتها - فرصت‌ها» یا «محركهای تکمیلی» را به وجود می‌آورند؛ عوامل نوع دوم، قبل از معلول قرار دارند و همواره معلول، همراه و دنبال آنهاست. بین عوامل جرم‌زا، می‌توان عواملی را که به صورت «شرایط و اوضاع و احوال» مناسب عمل می‌کنند بازشناخت. لیکن از عواملی که به صورت «علت یا علل» وقوع جرم عمل می‌کنند، فقط می‌توان به عنوان فرضیه کار تحقیق یا به عنوان نتیجه پژوهش سخن به میان آورد.

طبقه‌بندی‌های زیادی از عوامل جرم‌زا صورت گرفته است. رایج‌ترین آنها، طبقه‌بندی‌ای

است که عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را از هم تفکیک می‌کند. عملی‌ترین طبقه‌بندی، مبتنی بر نفسی است که عوامل جرم‌زا در ارتکاب پدیده مجرمانه ایفا می‌کنند. از این دیدگاه، می‌توان آن دسته از عوامل مؤثر بر پدیده مجرمانه تحت تأثیر جبریت مستقیم را از عوامل مؤثر بر پدیده مجرمانه‌ای که نتیجه مراحل مختلف است تفکیک نمود. جبریت مستقیم، موجبات تأثیرگذاری عوامل فیزیولوژیک (مثل عصبانیت)، آسیب‌شناختی (عمدتاً شامل صرع، اعتیاد به الکل، عقب افتادگی ذهنی) و اجتماعی (حالت ضرورت ناشی از وضعیت فاجعه‌آمیز یا استیصال) را فراهم می‌آورد. لیکن جبریت مستقیم، جنبه استثنایی دارد؛ در اکثر موارد، عوامل مربوطه از طریق شخصیت و وضعیتی که این شخصیت با آن روبرو می‌شود مؤثر واقع می‌شوند.

در مرحله نخست، با عواملی مواجه می‌شویم که بر نحوه شکل‌گیری شخصیت تأثیر می‌گذرند؛ این عوامل عبارتند از سوابق ارثی و شخصی، از یک سو و عوامل محیط شخصی، از سوی دیگر. این عوامل به صورت کنش متقابل بین یکدیگر عمل کرده و بدین ترتیب به شکل‌گیری شخصیت کمک می‌کنند. سپس با عوامل شکل‌گیری وضعیت روبرو هستیم. مسأله این نوع شکل‌گیری، برحسب این که وضعیتهای خاص باشند (یعنی وضعیتهایی که در آنها موقعیت، موجود و حاضر است) یا غیرخاص (یعنی وضعیتهایی که در آنها باید به دنبال موقعیت بود)، به صورت متفاوتی مطرح می‌شود. در فرض اول، ابتدا با موردی روبرو می‌شویم که اگر وضعیت، از تضاد و انفاق ناشی نشده باشد، لاقیل از اوضاع و احوال غیرمترقبه (موقعیتهای - محرکها مثلاً روبرو شدن با یک کیف پول گم شده در خیابان) به وجود آمده است؛ سپس با موردی سر و کار داریم که در آن، وضعیت براساس روابط بین شخصی شکل می‌گیرد (مانند جرایم خونفره و روابط بین بزهکار و بزه‌دیده). در فرض دوم، یعنی در فرضی که «موقعیت» باید در وضعیت، جستجو و ایجاد شود، آماج جرم و وضعیت بزه‌دیده، موضوع جرم، محل ارتکاب جرم، ابزار و آلت جرم، دلیل عینی آن، چگونگی و لحظه ارتکاب جرم باید مورد توجه قرار گیرد. چنانچه شخصیت و موقعیت شکل گرفته باشد، ارتکاب جرم، پاسخ این شخصیت به آن وضعیت و موقعیت خواهد بود.

در اینجا مسأله عوامل مؤثر بر گذار از اندیشه به عمل مجرمانه مطرح می‌شود. این عوامل به شخصیت وابستمانند و زمانی که عمل مجرمانه، فقط تجلی جنبی یک حالت غیرطبیعی است، عوامل مزبور به آسیب‌شناسی مربوط خواهد بود. لیکن، بعد از مقوله آسیب‌شناسی، ضروری است که به ترتیب، عوامل مربوط به شخصیت که در به حرکت

انداختن عمل و عواملی که بر نحوه ارتکاب عمل حاکم‌اند مورد توجه قرار گیرد. از نظر عینی، همانطور که کینبرگ (Kinberg) معتقد است، گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، زمانی وجود دارد که نیروی سائق در فرد، قوی‌تر از مقاومتی باشد که این نیرو با آن مواجه می‌شود. این کشش به سوی جرم، که از حالت تهاجم ناشی می‌شود، با مقاومت موجود در اغلب انسانها خنثی می‌گردد. این مقاومت در بزهکاران به لحاظ خودبینی، بی‌ثباتی روانی و بی‌تفاوتی عاطفی آنان، معمولاً بالا نیست. عواملی که بر چگونگی ارتکاب عمل مؤثراند، به خلق و خوی، استعدادهای فیزیکی، فکری، اجتماعی - حرفه‌ای و به نیازهای تغذیه‌ای و جنسی بزهکار ارتباط پیدا می‌کنند.

افزون بر این، عمل مجرمانه در چارچوب وسیع‌تر جامعه فرار می‌گیرد. جامعه در «تولید» و وقوع پدیده مجرمانه دخالت دارد، زیرا عوامل جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیت‌شناختی (خلق و خوی ملی، سن، جنسیت) و سیاسی (حتی سیاست بهداشتی مبتنی بر پیشگیری از اعتیاد به الکل و مواد مخدر) را به وجود می‌آورد که به نوبه خود خاستگاه «موقعیتها» و «محركهائی» تکمیلی هستند. لاکاسانی (Lacassagne)، پزشک و جرم‌شناس فرانسوی، معتقد بود که «هر جامعه، بزهکارانی را دارد که شایسته آن است». وی بدین سان، راه را برای مطالعه جامعه جرم‌زا باز نمود.

ر.ک.

Acting out; Alcoholism; Criminal personality; Criminogenic society; Drug addiction; Hereditary and personal backgrounds; Precriminal situations.

\* \* \*

## فرآیند جرم‌زایی

## Criminogenic process

### (le) Processus criminogène

فرآیند جرم، برخلاف عامل که به عنوان یک عنصر عینی در ارتکاب جرم مداخله می‌کند، حرکت و طی طریق به سوی جرم را معین می‌نماید؛ هدف، توصیف مراحل است که بنا بر آنها، این حرکت جریان پیدا می‌کند. طرز مطالعه، ذهنی و مبتنی بر تجربه و زندگی مجرم

است. در عمل، فرآیند جرم‌زایی، وضعیت را به طور ذهنی به شخصیتی مرتبط می‌سازد که در آن درگیر است و مفهوم زمان را در تحول فرد به سوی جرم وارد می‌کند.

روی هم رفته سه نوع فرآیند جرم‌زایی وجود دارد: ۱) فرآیند ارتکاب عمل مجرمانه خطرناک که دوگرف آن را مطالعه کرده است (قتل از روی احساسات یا قتل شهوانی و قتل فایده‌گرایانه)؛ ۲) فرآیند بالیدگی و پختگی که ساترلند به آن پرداخته است و بالاخره ۳) فرآیند عمل مجرمانه تحمیلی و نسجیده. شکل فرآیند عمل خطرناک، جنبه خاصی ندارد و از فرآیند تطور و تحول در اقوام وحشی اتهام گرفته شده است. شکل فرآیند بالیدگی مجرمانه براساس فرآیند یادگیری صورت‌سازی شده است؛ و شکل فرآیند عمل تحمیلی و نسجیده، انعکاس شکی هر فرآیندی است که جنیه جبریت مستقیم دارد.

فرآیند عمل مجرمانه تحمیلی و نسجیده، در مقیاس گسترده‌ای به آسیب‌شناسی وابسته است. در مورد فرآیند عمل مجرمانه خطرناک، دوگرف نشان داده است که نمی‌توان آن را در حد فرآیندهای شناخته شده در آسیب‌شناسی روانی تقلیل داد. خصیصه فرآیند عمل خطرناک این است که بین بزهکاری تخنیتی و بزهکاری واقعی، دوره تطوّر «من» اضافه می‌شود که تحقیق بزهکاری را ممکن می‌سازد. این تطور، فرد را به سمت نقطه‌ای که عمل مجرمانه برای او به صورت نوعی سازگاری و انطباق موفقیت‌آمیز با جامعه و شرایط متجلی می‌شود، هدایت می‌کند.

مسأله عمده، نقشی است که خصوصیات هسته مرکزی شخصیت مجرمانه (جنایی) در فرآیندهای مختلف جنایی ایفاء می‌کنند. امروزه فقط خصوصیتی که به طور منظم در فرآیند عمل مجرمانه خطرناک دخالت می‌کنند، قابل مشاهده به نظر می‌رسند: خودمحوری و خودبینی در مرحله الحاق و پذیرش محتامانه عمل مجرمانه خطرناک، بی‌تابی روانی در مرحله الحاق و پذیرش صریح و آشکار آن عمل، تهاجم در مرحله بحران و بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی عاطفی در مرحله عمل حاکمیت نارند. مداخله خصوصیات هسته مرکزی شخصیت مجرمانه در فرآیند بالیدگی مجرمانه، بسیار پیچیده‌تر است و دخالت خصوصیات مزبور در فرآیند عمل مجرمانه تحمیلی نسجیده، به صورت متمرکز تحقق می‌یابد.

ر.ک.

Acting out; Criminal personality; De Greeff; Determinism; Homicide of passion; Sutherland; Utilitarian homicide.

این اندیشه که جامعه در افزایش و گسترش بزهکاری نقش تعیین‌کننده‌ای ایفاء می‌کند، اندیشه جدیدی نیست و بر کلیه نظریه‌های جامعه‌شناسی جنایی حاکم است. دکتر لاکاسانی، پزشک و جرم‌شناس فرانسوی، از آغاز سال ۱۸۸۵ اصلی را مطرح کرده است که به موجب آن جوامع مختلف بشری، بزهکارانی را که شایسته آن هستند در درون خود دارند.

برای مطالعه جنبه‌های جرم‌زایی کل جامعه، رهیافت سنتی، مبتنی بر مفاهیم بسیار کلی است (مانند بی‌هنجاری، ناپایمانی اجتماعی، خرده‌فرهنگ مجرمانه، موقعیت...). به نظر می‌رسد که بهتر است ابتدا مفهوم شخصیت مجرمانه را مورد توجه قرار داده و سپس در جستجوی این موضوع بود که آیا جامعه مورد نظر موجب گسترش و بسط خصوصیات هسته مرکزی این شخصیت خواهد شد یا خیر؟ بدین ترتیب است که می‌توان نشان داد که جامعه، موجبات خودمحوری (مثلاً در شرایط نوزم و فزونی قوانین و مقررات و پدیده شهرنشینی که انسان را متروک می‌کند و یا پدیده بی‌بندوباری جنسی)، بی‌نهایتی روانی (افقدان بیمه‌های خصوصی، تأمین اجتماعی و تشکیلات عمومی که فرد را بی‌نیاز از آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای آینده خود می‌کند)، تهاجم (محرومیت‌های اجتماعی، شرایط زندگی امروزی و انزوایی که این شرایط ایجاد می‌کند) و بالاخره بی‌تفاوتی عاطفی (خانواده آسیب‌پذیر، شرایط زندگی شغلی و اجتماعی که مانعی برای تماس و معاشرت با دیگران است) را فراهم می‌کند. برای این که محرک‌های جرم‌زا بتوانند در محیط شخصی وارد شوند، از لاینالی بیکره و هیأت اجتماع و به کمک فرآیندهای مختلف، طی طریق می‌کنند؛ فرآیند تنگدستی اقتصادی و فقر فرهنگی که از آن، بزهکاری ناسازگارانه به وجود می‌آید؛ فرآیند ارتباطات که یادگیری مجرمانه را منتقل می‌کند؛ فرآیند مقاومت و مخالفت اطفال که موجب سقوط جوانان در دام مواد مخدر و اعتیاد یا خستوت می‌شود؛ و بالاخره فرآیند سرایت مبتنی بر سلسله مراتب که منجر به تقلید از طبقات بالاتر (در مورد مواد مخدر)، از الگوی تشکیلات اناری (دیوان‌سالار شدن جرم) با از رفتار و کردار ضداجتماعی (تأثیر نحوه و الگوی زندگی آمریکایی بر زندگی اروپاییان) می‌شود. این محرک‌های جرم‌زا موجب انفجار گرایشها و تمایلات نهان و توأم با تردید در بعضی از افراد می‌شود.



رک.

Contagion; Criminal laws; Criminal personality; Criminal policy;  
Criminal sociology; Criminal statistics; Social reaction; Tarde; Terrorism;  
Urbanization; Violence.

\* \* \*

### تشخیص جرم‌شناختی Criminological diagnosis (le) Diagnostic criminologique

یافته‌ها و داده‌های زیست‌شناختی، پزشکی، روان‌شناختی و اجتماعی که در جریان مایته پزشکی - روان‌شناختی و اجتماعی فرد بزه‌کار گردآوری می‌شود، باید به منظور رسیدن به تشخیص جرم‌شناختی - یعنی ارزیابی شخصیت و گونهٔ حالت خطرناک او - تفسیر و تحلیل شود.

نخستین تفسیر ممکن است در چارچوب علت‌شناسی صورت گیرد. عامل روان‌شناختی فقط در موارد استثنایی (روان‌رنجوری) حاکم است، لیکن تقریباً در همه موارد، به مثابه زنجیر واسطه و رابطی بین عوامل زیست‌شناختی و اجتماعی به چشم می‌خورد که فقط می‌توان به تفکیک این عوامل اکتفا کرد. اما این تفکیک در عین حال بسیار دشوار است؛ زیرا این عوامل از آغاز و دقیقاً از طریق عامل روان‌شناختی، بر روی هم، گنش متقابل دارند. با توجه به این قید، ترکیب‌های مختلفی از حالت خطرناک ممکن است در نظر گرفته شود:

۱) حالت خطرناک مُزمن، از ترکیب تأثیر زیست‌شناختی و تأثیر اجتماعی که با هم برآیند ناشی می‌شود،

۲) حالت خطرناک مقطعی از ترکیب دو تأثیر زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی - اجتماعی سبک به وجود می‌آید،

۳) حالت خطرناک حاشیه‌ای از ترکیب تأثیر قوی زیست‌شناختی یا اجتماعی با یک تأثیر ضعیف زیست‌شناختی یا اجتماعی منتج می‌شود.

این تشخیص علت‌شناختی، به شخصیت توجه ندارد و باید با یک تشخیص بالینی که با عنایت به یک مدل مرجع صورت می‌گیرد کامل شود.

برای پاره‌ای از متخصصان بالینی، مطالعات جرم‌شناختی، جنبهٔ تخصصی و ویژه‌ای ندارد

و بنابراین به یک مدل عمومی - مبتنی بر انسان‌شناسی یا روانکاوی یا منش‌شناسی - رجوع می‌کنند. لیکن تجربه نشان داده است که همه مجرمین را نمی‌توان با توجه به یکی از این مدل‌های عمومی مطالعه کرد. بدین‌سان، ضرورت استفاده از یک مدل خاص روشن می‌شود. لیکن با اینکه مدل‌های خاص بالینی، ارزیابی شخصیت مجرم را میسر می‌سازند، در عوض، برای ارزیابی حالت خطرناک مجرم کمتر مناسب‌اند.

تشخیص حالت خطرناک، مستلزم عبور از سه مرحله است:

(۱) شناسایی عناصر ظرفیت جنایی (استعداد و آمادگی ارتکاب جرم) فرد بزهکاری که مورد معاینه است و سپس استخراج خصوصیات فردی او؛

(۲) رعایت همان روش برای شناسایی استعداد سازش‌پذیری (قابلیت انطباق) مجرم با جامعه؛

(۳) رسیدن به تشخیص حالت خطرناک، از طریق مقایسه و مقابله استعداد مجرمانه و قابلیت انطباق فرد بزهکار که به طور مستقل در تغییر و نوسان است.

نخستین مطالعه در این مسیر را دکتر هویر (G. Heuyer)، روانپزشک و جرم‌شناس فرانسوی انجام داد. وی ظرفیت و استعداد مجرمانه بزهکار را از طریق میزان زبان‌بار و ارباب‌ناپذیر بودن وی مشخص کرده و قابلیت انطباق او را از طریق کمال‌پذیری و سازش‌پذیری اجتماعی تعیین نموده است. ولی، خصوصیات روان‌شناختی که اساس این عناصر را تشکیل می‌دهد، بیش یا کمتر، فردی شده‌اند. امروزه، از طریق مدل شخصیت جنایی می‌توان این کار را کرد. در خصوص استعداد و ظرفیت مجرمانه، حالت تهاجم و بی‌تفاوتی عاطفی، اساس خطرناک و زینبار بودن فرد بزهکار را تشکیل می‌دهد، و خودمحموری و نیز بی‌ثباتی روانی، اساس ارباب‌ناپذیر بودن وی محسوب می‌شود. اگرچه تشخیص بالینی حالت خطرناک هنوز دشوار است، لیکن بدین‌سان یک پایه نظری در مدل شخصیت مجرمانه برای خود به دست می‌آورد.

ر.گ.

Clinical criminology; Criminal personality; Dangerousness; Garofalo; Heuyer; Maladjustment; Medico-psycho-social examination; Scientific research; Social prognosis.

قبل از تولد جرم‌شناسی و سازمان‌دهی آن به عنوان یک رشته مطالعاتی علمی، یک دوره طولانی غیرعلمی وجود داشته است. تاریخ تفکر جرم‌شناسی در کشورهای غربی با فیلسوفانی چون افلاطون، ارسطو، و با تراژدی‌نویسان یونانی چون آشیل، اورپید و سوفکل آغاز شد. این تفکر از مکاتب رومی (مثل مکتب سینیکا)، مسیحیت (کتاب جهنم دانته)، دوره رنسانس (توماس مور و کتاب سراب او)، و دوره کلاسیک (شکسپیر و رسین) گرفته تا فیلسوفان دوره روشنگری (از قبیل منتسکیو، وولتر، روسو و بکاربا) ادامه می‌یابد. بعد از این دوره و پس از این دانشمندان، عصری آغاز می‌شود که می‌توان آن را عصر «ماقبل لمبروزو» توصیف کرد. در این عصر همه چیز در علوم مربوط به انسان متمرکز می‌گردد (جمع‌شناسی، زیست‌شناسی، روان‌پزشکی، آمار و جامعه‌شناسی) و پس از آن، دوره جدیدی شروع می‌شود که طی آن پدیده مجرمانه با عنایت و با توسل به روش «مشاهده و تجربه» بررسی می‌گردد. در سال ۱۸۷۶ کتاب «انسان (مرد) بزهکار» توسط لمبروزو منتشر شد که نقطه آغاز و به عبارتی منشور «جرم‌شناسی علمی» تلقی می‌شود. در کنار لمبروزوی پزشک، یک گروه چند تخصصی تشکیل شد: انریکو فرزی، استاد حقوق و جامعه‌شناس و گاروفالو، حقوق‌دان - قاضی دادگستری. فرزی در سال ۱۸۸۱، کتاب مشهور خود را «ابتداء تحت عنوان «افق‌های نوین حقوق و آیین نادرسی کیفری» منتشر کرد. لیکن در چاپ بعد، به آن عنوان «جامعه‌شناسی جنایی» داد. در سال ۱۸۸۵ نیز گاروفالو، کتاب «جرم‌شناسی» را منتشر کرد و این عنوان را به رشته مطالعاتی جدید خود داد.

جرم‌شناسی از سال ۱۸۸۵ تا آغاز جنگ اول جهانی در ۱۹۱۴ از طریق کنگره‌های بین‌المللی انسان‌شناسی جنایی (ژنوا، ۱۸۸۵ - پاریس، ۱۸۸۹ - بروکسل، ۱۸۹۲ - ژنو، ۱۸۹۶ - آمستردام، ۱۹۰۱ - تورین، ۱۹۰۶ - کلن، ۱۹۱۳) متحول شد و گسترش یافت. واژه انسان‌شناسی جنایی، به منظور تجلیل از لمبروزو، برای این کنگرها انتخاب شده بود، اما مسائل مطروحه در آنها عملاً مطالعه همه جنبه‌های پدیده مجرمانه را شامل می‌شد.

انقلاب معرفت‌شناختی‌ای که با نظریات سه دانشمند ایتالیایی آغاز شد، یکبارہ محقق نگردید. لمبروزو مدت‌ها دچار پیش‌داوریهای فلسفی و ابهام‌های روش‌شناختی گردید که جملگی نشانه یک رهیافت جزئی بود، رهیافتی که به دشواری می‌توانست ادامه حیات دهد.

می‌توان گفت در طول دوره لمبروزوئی (۱۹۱۴ - ۱۸۷۶) هنوز هیچ‌چیز به‌طور قطعی در قلمرو مطالعه پدیده مجرمانه تحقق نیافته بود. بعد از جنگ اول جهانی، واکنش علیه افکار لمبروزو متجلی شد. این واکنش که تحت تأثیر کشفیات و نظریات فریید و تعمیم آن‌ها قرار داشت، همه چیز را یک بار دیگر زیر سؤال برد. این دوره در سال ۱۹۳۴ با ایجاد «جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی» به کمک بنینو دی‌تولیو، جرم‌شناس ایتالیایی، پایان یافت. دوره جدید، دوره تنظیم نظریه‌ها و سنتز است و برگزاری نخستین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی (ژو، ۱۹۳۸) نیز گواهی بر این امر است. مطالعه شخصیت بزهکار، موضوع اصلی این کنگره بود. دومین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی (پاریس، ۱۹۵۰)، بعد از توقف جدید در برگزاری کنگره‌ها که به لحاظ جنگ دوم جهانی بود، نقطه عطفی در تحوّل و گسترش جرم‌شناسی است. هدف برگزار کنندگان دومین کنگره بین‌المللی، اعطاء هویت علمی مستقل، یکپارچه و چندبُعدی به جرم‌شناسی است. هدف این بود که یک رهیافت کلی و سنتز شده، جایگزین رهیافتهای جزئی از نوع زیست‌شناختی، روان‌پزشکی، روانکاوانه و جامعه‌شناختی شود. تفکر اکتین دوگرف، جرم‌شناس بلژیکی، برگزار کنندگان کنگره را شدیداً تحت تأثیر قرار داد و با توجه به این طرز تفکر، پذیرفته شد که عوامل جرم‌زا را باید به چگونگی زندگی گذشته فرد مجرم ربط داد (چگونگی تکوین جرم).

در دیدگاه مزبور، جرم‌شناسی بالینی مورد توجه قرار گرفت. کنگره‌های لندن (۱۹۵۵)، لاهه (۱۹۶۰)، مونترآل (۱۹۶۵) نیز کماکان در رابطه با همین چشم‌انداز جدید برگزار شد. لیکن از آغاز سالهای ۱۹۶۰ میلادی اختلاف‌نظرها در اینجا و آنجا متجلی شد: در لیون (فرانسه) روش‌شناسی بالینی مورد انتقاد قرار گرفت، در «وترشت هلند»، «روانشناسی وجودی» مایل بود از مطالعه شخصیت فراتر رفته و به بررسی شخص بهبودازد و در استراسبورگ، کمیته علمی شورای اروپا بر انجام پژوهشهایی بر روی نهادهای کیفری که علیه جرم مبارزه می‌کنند، تأکید می‌نمود.

بعد از سال ۱۹۶۸، گرایشهای جدیدی در زمینه جرم‌شناسی پدیدار شد: گرایش‌هایی که در مرکز بین‌المللی جرم‌شناسی تطبیقی (سال تأسیس ۱۹۶۸ در مونترآل) امکان ابراز وجود پیدا کرد و در کنگره ۱۹۷۰ مادرید مطرح شد. در کنگره ۱۹۷۳ بلگراد، زمان آن رسیده بود که این گرایشها و دیدگاهها با هم مقایسه و مقابله شوند. میلانی میلویتینویچ، جرم‌شناس یوگسلاویایی، در این کنگره به تطبیق و مقایسه گرایش بالینی، گرایش تعامل‌گرا یا مبتنی بر

کنش متقابل (که براساس ساز و کارهای اجتماعی طرد فرد،<sup>۵۰</sup> ایجاد شده و گسترش یافته) و گرایش سازمانی و تشکیلاتی (که ریشه آن در پژوهشهای سنجشی و ارزیابی کننده نظام کیفری، به‌ویژه مجازات قرار دارد و می‌کوشد تا کارایی مجازاتها را روشن سازد) پرداخت. به همین مناسبت و در کنگره بلگراد بود که جرم‌شناسی واکنش اجتماعی برای نخستین بار مطرح شد و گرایشهای عقیدتی در جرم‌شناسی، جهش و پیشرفت خود را آغاز کرد. از جمله این گرایشهای ایدئولوژیک می‌توان به جرم‌شناسی رادیکال اشاره کرد که مبتنی بر این اصل است که جامعه فراصنعتی در یک رژیم سرمایه‌داری، از خود بیگانه کننده افراد و ناعادلانه است.

پیامد مشترک گرایش جرم‌شناسی تعامل‌گرا، گرایش جرم‌شناسی سازمانی و جرم‌شناسی رادیکال این بود که پژوهش درباره نهاد‌های مختلف دادگستری کیفری رونق گرفت. نخستین این نوع تحقیقات در کنگره لیسبون (پرتغال، ۱۹۷۸) ارائه شد. پنج سال بعد، کنگره وین (۱۹۸۳) به بحث پیرامون سیاست جنایی پرداخت. امروزه می‌توان گفت که جرم‌شناسی که در ابتدا علم شناخت پدیده مجرمانه و جرم بود، قلمروی مطالعاتی خود را به واکنش اجتماعی که بر اثر این پدیده برانگیخته می‌شود نیز تمییم داده است.

مطالعات و تحقیقات در قلمرو جرم‌شناسی عمدتاً یک یا چند هدف از اهداف زیر را به منظور تجزیه و تحلیل پدیده مجرمانه و علت‌شناسی جنایی مورد توجه قرار داده‌اند:

توصیف: بیشتر نوشته‌های تحقیقاتی جدید جنبه توصیفی دارد و این امر به‌واسطه شناخت این واقعیت است که آمارهای رسمی، تنها شامل جرایم گزارش شده می‌شود و غالب قانون‌شکنی‌ها (جرایم) گزارش نمی‌شود؛ چه به‌واسطه اینکه مشاهده نمی‌گردند (مثل تخلفات ناشی از رانندگی)، یا توأم با رضایت‌اند (مثل جرایم جنسی با رضایت طرفین)، یا بسیار کم‌اهمیت‌اند (مثل دزدی‌های مستخدمین یا جرایم خرد) یا احتمال کشف آنها کم است (مثل جیب‌بری) یا بدون بزه‌دیده حقیقی هستند (مانند ونگردی و اعتیاد) و... این قضیه را می‌توان تا حدی به‌وسیله تحقیقات بزه‌دیدگی از بزه‌دیدگان پنهان (یعنی کسانی که مسأله بزه‌دیدگی خود را به اطلاع مقامات پلیسی - قضایی نرسانیده‌اند) و پژوهشهای خودگزارشی و خوداعترافی بزهکاران واقعی (یعنی شناسایی نشده به‌وسیله پلیس)، مشهور به تحقیقات

۵۰. به موجب این مکانیسم‌ها، بزحکاری ثانوی نقطه حاصل‌کنش متقابل میان افراد (شهرزندان)، از یکسو و عوامل برجست‌زنی اجتماعی (مثلاً بیس، داه‌سرا، دانشگاه، زندانها...)، از سوی دیگر است.

«خوداعترافی» مجرمان جبران نمود؛ اینگونه بررسی‌ها نیز نشان داده است که - جز در موارد استثنایی مثل قتل - جرایم گزارش شده به مثابهٔ نوک یک کوه یعنی بسیار عظیم در اقیانوس است که قاعدهٔ آن نامعلوم و ناشناخته است و در زیر آب قرار دارد. دلیل دیگر برای غیرشاخص بودن آنها این است که حتی جرایمی که از سوی مردم گزارش می‌شوند نیز همیشه از سوی پلیس یا عوامل ثبت‌کنندهٔ دیگر، در آمارها ثبت و ضبط نمی‌گردد. (مثل خشونت‌های خانگی کم‌اهمیت، زیرا تجربهٔ پلیس نشان می‌دهد که شاکیان غالباً در مورد ارائهٔ دلیل و پیگیری شکایت خود، تغییر عقیده می‌دهند.)

تبیین و توضیح: پیشرفت‌های به عمل آمده در تحقیقات توصیفی، بر تبیین مسأله جرم مؤثر بوده است، به ویژه با اثبات این امر که در جوامع صنعتی، بسیاری از خشونت‌ها، تقلب‌ها، سوءرفتارهای جنسی و شوارت‌ها جنبهٔ همه‌گیر دارد و آن‌گونه که تصور می‌شد، ویژهٔ افراد یا خرده‌گروه‌های غیرعادی نیست. (در این مسأله می‌توان مبالغه نیز کرد؛ حتی مطالعات خودگزارشی در ارتباط با بزهکاری اطفال و نوجوانان، یعنی گروه سنی‌ای که بیشترین آمادگی را برای نقض قانون دارد، حکایت از دو اقلیت بودن واقعی کسانی دارد که تخلفاتشان جزئی و غیرتکراری است). تبیین‌ها را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود. تبیین‌هایی که در پی یافتن علت تفاوت‌ها بین موارد وقوع این یا آن جرم در میان گروه‌ها (که با سن، ویژگی‌های نژادی، شغلی و غیره از یکدیگر متمایز می‌شوند) است و تبیین‌هایی که در پی یافتن دلیل تعدد موارد برخی از قانون‌شکنی‌ها (جرایم) از سوی افراد شناخته شده است. تبیین‌های نوع اول از مفاهیمی مثل تعارض منافع، در دسترس بودن موقعیت‌هایی برای دارا شدن قانونی و غیرقانونی، یا ارزش‌های خرده‌فرهنگی سود می‌جویند. تبیین‌های نوع دوم، تفاوت‌های خانوادگی را در روش‌های تربیت طفل، تأثیر برادر و خواهر، دوستان یا مربیان، نقصان هوش یا تحصیلات و در موارد خاص - نقایص مادرزادی از قبیل صلمه مغزی، کروموزم‌های xyy - و قابلیت شرطی شدن می‌پینند.

پیشگیری: بخش عمده‌ای از نوشته‌هایی که در زمینهٔ جرم‌شناسی به رشتهٔ تحریر درآمده، در ارتباط با این مفهوم است و بعضاً تحت عنوان کیفرشناسی خوانده می‌شود. سستی‌ترین فن (تکنیک)، بازدارندگی است که عبارتست از ترس از تحمل مجازات توسط مرتکب؛ امری که هم کسانی را که آن را تجربه کرده‌اند (بازدارندگی فردی در تکرار جرم) و هم کسانی را که تجربه‌ای در این خصوص ندارند (بازدارندگی جمعی - عمومی - عام - در ارتکاب جرم برای اولین بار) از ارتکاب جرم منصرف می‌سازد. تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد

که تفاوت در شدت و ضعف مجازات‌ها، اگرچه فاقد اهمیت نیست، ولی اهمیت آن کمتر از احتمال تحمل مجازات و ترس از آن است. از آنجا که این احتمال در مورد جرایم ناشی از رانندگی و یا سرقت‌ها کم است، از این گونه جرایم نمی‌توان به آسانی پیشگیری کرد. از سوی دیگر، جرایم جنسی و جرایم خشونت‌آمیز، با اینکه غالباً در صورت اطلاع، متجر به کشف آنها می‌شود، لیکن همیشه در شرایط روانی‌ای اتفاق می‌افتد که نزدیکان آنها پیامد امر را در نظر نمی‌گیرند. رهیافت سنتی دیگر، حذف مجرمین خطرناک از طریق اعدام، تبعید یا حبس‌های بسیار طولانی است. این رهیافت در مجازات حبس ابد و در دستور اعزام به بیمارستان که مجرمین را برای مدت معین به بیمارستان روانی اعزام می‌نماید، ادامه حیات داده است. معذک، تردیدهای فزاینده، چه در خصوص جنبه‌های اخلاقی مجازات‌های نامعین (از نظر عدت) و پیشگیرانه و چه در ارتباط با توانایی محاکم و متخصصان در شناسایی کسانی که به عنوان خطرات بالقوه‌ای نسبت به حیات و سلامت دیگران شناخته می‌شوند، اعمال چنین اختیاراتی را جز در موارد استثنایی، غیرمداول ساخته است. بنابراین در طول سده حاضر، تأکیدها و توجهات در جرم‌شناسی، معطوف روشها و فنون «بازیوری» مجرمین شد؛ یعنی دگرگون ساختن رفتار و حالت آنان از طریق رژیم‌های زندان توأم با آگاهی و روشن‌بینی و یا از طریق نظارت بر آنان. با این حال، بررسی‌های تعاقبی بزهکاران (ادامه‌دار در زمان) نشان داده است که آنانی که از این روش بهره‌مند می‌شوند (اگر وجود داشته باشند) در مقایسه با مجرمینی که با مجازات‌های متداول روبرو می‌شوند، در اقلیت‌اند و تشخیص آنها در مرحله صدور حکم بسیار دشوار است.

استحقاق: رسیدن به این واقعیت که هیچ‌یک از این رهیافت‌ها نمی‌تواند کمک قابل توجهی به کاهش جرم نماید، منجر به پاگرفتن دوباره این اصل کلاسیک گردیده است که مجازات‌ها بایستی «استحقاق عادلانه» فرد بزهکار به لحاظ جرم ارتكابی باشد. به عبارت دیگر، مجازات باید آن چیزی باشد که مجرم، به عنوان مرتکب جرم، مستحق و شایسته آن است. خواه این مجازات در آینده فوایدی داشته باشد یا خیر. یعنی مجازات باید نقش سزاجی (Retribution) خود را ایفاء کند. نتیجه این امر، در هم آمیختن کیفرشناسی با فلسفه حقوق بوده، گو اینکه بعضاً این کار به صورت مقیاس‌هایی خشک برای مجازات‌ها (در قالب تفرقه و تعیین نوع و میزان کیفر) درآمده است. این امر به گونه‌ای سنتی، روش نظام‌های حقوقی‌ای است که قوانین کیفری آنها بر مبنای قانون مجازات ۱۸۱۰ است؛ لیکن به ارائه قواعد پیچیده‌ای برای تخفیف یا تشدید مجازات‌های استاندارد پرداخته‌اند تا میان

درجات تقصیر در هریک از موارد، تفاوت قائل شوند، در حالی که رهیافت آمریکایی «استحقاق عادلانه» بدین منظور طراحی شده است که این نوع تمایز و تفکیک را محدود نماید.

هشدار تهدیدآمیز: رهیافت انتقامجوی پیش‌گفته، از سوی کسانی که آن را بی‌ثمر و صرفاً مبتنی بر اصول اخلاقی می‌دانند، به عنوان روشی غیرقابل اعتماد شناخته شده است. جانشین آن، فلسفه «مبتین» یا «تهدیدآمیز» مجازات‌ها است که دست‌کم در شکل معمول خود مدعی است که مجازات نشانگر عدم تأیید جرم و انزجار نسبت به آن، از سوی جامعه بوده و بدین‌سان اعمال مجازات، معیارهای رفتاری عام را حفظ و تثبیت می‌کند. شواهد و دلایل موجود نشان نمی‌دهد که اثر تهدیدآمیز مجازات‌ها، قوی‌تر از اثر بازدارندگی آنها باشد و از آنجا که تأثیرگذاری آن بستگی به میزان شناساندن یک‌بک مجازات‌ها (نه آمار مجازات‌ها) به عموم مردم دارد، این امر دور از انتظار نیست.

فراوری: تحول نسبتاً جدیدتری در این زمینه، پیشرفت قابل ملاحظه در تکنولوژی پیشگیری از جرم بوده است. مهندسان معماری و متخصصان شهرسازی، فواید «فضای قابل دفاع» را ملاحظه نموده و آپارتمان‌ها، ساختمان‌های اداری، مراکز خرید، پارکینگ‌ها و دیگر اماکن عمومی را به نحوی طراحی کرده‌اند که امکان نظارت توسط ساکنان، همسایگان و کارکنان امنیتی و نگهبانی را به حداکثر برسانند. زنگ‌های خطر سرقت (دزدگیر) پیچیده‌تر شده‌اند و - در کنار دیگر وسایل پیشگیری از سرقت - در حال حاضر، مبنای یک صنعت سودده است. نسبت رو به تزایدی از مستمزدها، به عوض پرداخت نقدی، به صورت چک پرداخت می‌شود. مأموران و شرکتهای خصوصی امنیتی و نگهبانی را می‌توان به منظور حفاظت خاص و موردی یا دائمی از افراد یا اموال به استخدام درآورد. پیشرفتهای به عمل آمده در پلیس علمی، نه تنها موجب سریع‌تر شناسایی و کشف و شناسایی آثار انگشتان شده بلکه باعث شده است که مدارک و شواهد قانع‌کننده، بر مبنای دیگر آثار فیزیکی از قبیل مو، لکه‌های خون و بیتی نیز به دست آید.

این تحولات، خطرات خاص خود را نیز به همراه دارند. انتقال از یک «جامعه مبتنی بر پول نقد» به یک «جامعه مبتنی بر کارت اعتباری و چک» به جای پول بدان معناست که برای بزهکارانی که دارای تجربه کافی برای سوءاستفاده از چنین سیستم‌هایی باشند، فواید حاصله بیشتر خواهد بود. دستکاری مجرمانه رایانه‌ها می‌تواند منجر به آثار قابل توجهی برای کارمندان متخصصی شود که بعضاً حتی در صورت شناسایی، چنانچه بانک یا مؤسسه مربوطه



دچار عدم اعتماد از سوی مشتریان خود باشد، تعقیب نمی‌شوند. شرکت‌های اعتباری، برخی اوقات بدون اطلاع از پیشینه کیفری افراد، به استخدام آنان می‌پردازند و این امر موجب پشیمانی آنها می‌شود. کامپیوتری کردن سوابق شخصی - چه به دلیل امنیتی و چه به هر دلیل دیگر - ممکن است این سوابق را در معرض سوءاستفاده دیگران قرار دهد. متخصصان پزشکی قانونی بعضاً مدارکی را به دادگاه ارائه می‌کنند که بیش از حد، به آن مدارک اعتماد دارند. در عین حال، به نظر می‌رسد که پیشرفت علم و فن‌آوری، چشمانداز‌هایی را ارائه می‌دهد که بهتر از برخی روش‌های سنتی میزازه علیه بزهکاری است.

ر.ک.

Criminal policy; De Greeff; Di Tullio; Ferri; Garofalo; Labelling theory; Lombroso; Organizational criminology; Psychoanalytic criminology; Radical criminology; Victimology.



## Culpability

## مجرمیت (تقصیر)

### (la) Culpabilité

براساس تعریف جزمی، جرم عبارت است از فعل یا ترک فعل ضدقانونی که قانون‌گذار آن را معین و تعریف کرده و از روی تقصیر، توسط یک فرد ارتکاب می‌یابد و دارای کیفر است. بدین ترتیب، مجرمیت یکی از ارکان عمده جرم است. برای این که مجرمیت پذیرفته شود، باید قابل انتساب باشد. برای این که بتوان جرم را به فاعل، منتسب نمود، دو شرط ضروری است: (۱) انگیزه آن باید از خود فاعل ناشی شده باشد؛ (۲) لازم است که انگیزه آن «عادی» باشد، بنابراین وقتی جرم توسط یک بیمار روانی یا یک کودک فاقد بالیدگی و بلوغ روانی ارتکاب یافته باشد، این شروط محقق نشده است. مجرمیت از دو جهت عینی و ذهنی قابل بررسی است:

«مجرمیت عینی»، نوعی مجرمیت است که قانونگذار، به واسطه خطای ارتکابی از سوی فردی که خطا به او قابل انتساب است، تعیین کرده باشد. این خطا ممکن است عمدی باشد یا غیرعمدی (خطای محض به معنای واقعی کلمه). از نظر مکاتب کلاسیک، عمد (عنصر

معنوی) در خطای عمدی، علم و آگاهی مباشر عمل نسبت به این امر است که آن عمل را به عنوان «جرم» مرتکب می‌شود.

خطای غیرعمدی عملی است که مرتکب ناتوان از پیش‌بینی آثار مستقیم و غیرمستقیم آن است، لیکن وی می‌تواند و می‌بایستی از وقوع آن پیشگیری کند.

در مورد «مجرمیت ذهنی» باید گفت که مجرمیت فرد و نیز مجرمیت در فرد مطرح می‌شود. مفهوم مجرمیت فرد را مکتب نتوکلاسیک وارد حقوق کرده است: این مجرمیت را قضاات از بیرون، با در نظر گرفتن موقعیت شخصی مرتکب، حالت روانی، انگیزه‌های عمل ارتكابی توسط وی و هدف خاصی که دنبال می‌کرده است می‌سنجند. مجرمیت در فرد بزهکار مجرمیتی است که مرتکب، آن را تجربه و احساس کرده و می‌کند.

هر انسان، صرف‌نظر از هرگونه بیماری روانی، بیش یا کم احساس مجرمیت می‌کند. ایتین دوگرف (Etienne De Greeff) به این نتیجه رسیده است که این احساس، ریشه در کودکی دارد و بیانگر تعارض عمیقی میان غرائز دفاع و غرائز ترحم و دستگیری است. وقتی که انسان می‌خواهد خود را از احساس مجرمیت برهاند، با مشروع قلمداد کردن بیشتر عمل خود، با تثبیت بیشتر خود و با اعمال تهاجمی به آن می‌رسد. بنابراین احساس مجرمیت و تقصیر از نظر جرم‌شناسی کافی نیست، بلکه علامتی است که نوید ایجاد تحولات اجتماعی آگاهانه و توأم با اختیار را در فرد می‌دهد. این علامت را به هنگام بازپروری بزهکاران نباید نادیده دست‌کم گرفت.

ر.ک.

Criminal personality; Freud; De Greeff; Penal philosophy;  
Psychoanalytic criminology; Sense of responsibility; Treatment; Values.



## حالت خطرناک

## Dangerousness

(l') Etat dangereux

مفهوم حالت خطرناک که از سال ۱۸۲۸ در روانپزشکی شناخته شده بود، به وسیله گاروفالو بین سالهای ۱۸۷۸ و ۱۸۸۵ وارد جرم‌شناسی شد. گاروفالو نخست، حالت خطرناک را محدود

به ظرفیت و استعداد مجرمانه و نیز حالت خطرناک فرد نمود و در مرحله دوم، با تأکید بر سازش‌پذیری، یعنی درجه انطباق و جامعه‌پذیری مجرم، مفهوم وسیع‌تری از حالت خطرناک را مورد توجه قرار داد. ظرفیت و استعداد جنایی و سازش‌پذیری، دو رکن تشکیل دهنده حالت خطرناک هستند که مستقل از یکدیگر تغییر می‌کنند. بنابراین حالت خطرناک، مفهوم بالینی است. لیکن مکتب تحقیقی (اثباتی) آن را با مفهوم مسؤلیت مقایسه نمود و به عنوان معیار تعیین نوع و میزان واکنش قضایی کیفری، جایگزین مفهوم مسؤلیت کرد. در چنین مقطعی بود که حقوقدانان در قضیه مداخله کردند: آنان نمی‌توانستند بپذیرند که یک مفهوم بالینی (حالت خطرناک) اساسی تعیین نوع و میزان واکنش قضایی علیه بزهکار قرار گیرد. بنابراین سعی کردند با توسل به روش «آماره‌ها» از آن، یک مفهوم حقوقی بسازند. این کوشش، به جرم‌نگاری «حالت خطرناک قبل از ارتکاب جرم» (در قوانین مجازات بعضی کشورهای آمریکای لاتین) و خطر اجتماعی (قانون مجازات ۱۹۲۲ و ۱۹۲۷ شوروی سابق) منجر گردید. مسأله بالینی در مورد حالت خطرناک، مربوط به سنجش ارکان حالت خطرناک است؛ یعنی ارزیابی حالت خطرناک براساس نشانه‌ها یا شاخص‌های زیستی، روانی، اجتماعی و قانونی؛ از آنجا که شاخص‌های قانونی برای اعتبار بخشیدن به شاخص‌های زیستی - روانی - اجتماعی جنبه اساسی دارد، بنابراین جرم‌شناسی بالینی به تشخیص حالت خطرناک قبل از ارتکاب جرم نمی‌پردازد، بلکه کوشش خود را مصروف ارزیابی حالت خطرناک پس از ارتکاب جرم می‌کند، زیرا این امر برای تلویین برنامه اصلاح و درمان محکومان مهم است.

تشخیص حالت خطرناک مدتها، جنبه تجربی و غیرنظام‌مند داشت. لیکن، امروزه این امر با استفاده از مدل شخصیت جنایی (مجرمانه) میسر است: هسته اصلی شخصیت جنایی اجازه می‌دهد تا «ظرفیت و استعداد» مجرمانه و متغیرهای شخصیت جنایی اجازه می‌دهد تا میزان «سازگاری» و درجه انطباق افراد با جامعه ارزیابی شود.

وقتی فرمولهای فردی ظرفیت و استعداد جنایی و سازش‌پذیری تعیین و مشخص شد می‌توان درجه و خاصیت حالت خطرناک فرد بزهکار را ارزیابی کرد. به عنوان قاعده کلی، انواع حالت‌های خطرناک را می‌توان به این شرح خلاصه کرد:

۱) وخیم‌ترین حالت خطرناک، هنگامی وجود دارد که درجه استعداد جنایی (ارتکاب جرم) و سازگاری فرد با جامعه، هر دو بالا باشد؛ در این صورت با بزهکاران یقه‌سفید و رهبران تشکیلات مجرمانه (مرتکبان، جزیم سازمان‌یافته) روبرو هستیم که ظرفیت بالقوه مجرمانه آنها تحت پوشش یک شغل آبرومند و یک وضعیت اجتماعی نمونه، پنهان است.

۲) حالت خطرناکی که یک درجه از حالت قبلی خفیفتر است؛ این حالت زمانی وجود دارد که استعداد و ظرفیت مجرمانه زیاد است، لیکن میزان سازگاری فرد پایین باشد. در اینجا با گانگسترها و مجرمان حرفه‌ای روبرو هستیم که از انطباق خود با ضوابط یک کار منظم و یک پایگاه اجتماعی. هم‌نوا و هم‌ساز با دیگران نمانند و بنابراین به راحتی قابل تشخیص هستند.

۳) حالت خطرناکی که شدت آن کم است؛ این حالت زمانی وجود دارد که استعداد مجرمانه و انطباق و سازگاری فرد اندکی بالا است. حاشیه‌نشینان، یعنی ناسازگاران اجتماعی و مادی‌ای که در بسیاری از کشورها عمده جمعیت زندانها را تشکیل می‌دهند و در معرض بزهکاری مزمین قرار دارند در این حالت قرار می‌گیرند.

۴) خفیفترین حالت خطرناک، زمانی وجود دارد که ظرفیت مجرمانه، کمی بالا و سازگاری بسیار زیاد است؛ بزهکاران اتفاقی و احساسی در این گروه جای می‌گیرند که گاهی در یک وضعیت استثنایی، مرتکب یک جرم خطرناک می‌شوند؛ لیکن بعد از آن هرگز دوباره مرتکب جرم نخواهند شد.

بدین‌سان، حالت خطرناک، هسته اصلی مطالعات جرم‌شناسی بالینی را تشکیل می‌دهد. به موازات حل مسائلی که ارکان تشکیل دهنده روش تشخیص جرم‌شناختی مطرح می‌کنند، این تشخیص مطمئن‌تر خواهد شد؛ یعنی این که حالت خطرناک یک مفهوم متحول است، ولی به رغم این خصیصه، رسانگاه جرم‌شناسی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد.

ر.ک.

Acting out; Clinical criminology; Criminal personality; Criminological diagnosis; Garofalo; Maladjustment; Recidivism.



## کیفر مرگ

### Death penalty

#### (le) Peine de mort

کیفر مرگ، شدیدترین نوع کیفر بدنی است. برخلاف سایر کیفرهای بدنی (شلاق، ناغ کردن، قطع اعضاء، غل و زنجیر کردن، آخته کردن...) که مدت‌هاست از «تورادخانه کیفری» غالب کشورها حذف شده است، کیفر مرگ کماکان در پاره‌ای کشورها در قبال جرایم بسیار

مهم حفظ شده است. (طبق آمار موجود تا سال ۱۹۹۵ بیش از هفتاد و یک کشور، مجازات مرگ را یا قانوناً یا عملاً لغو کرده‌اند). کیفر مرگ در تاریخ اشکال مختلفی داشته است. مثلاً در فرانسه در سالهای ۱۶۷۰ تا ۱۷۸۹، شامل شقه کردن، سوزاندن، چرخ (ستن بزهکار، پس از قطع دستها و پاهای او، بر دوی چرخ شیبه چرخ کالسکه تا اینکه لحظه مرگ فرا رسد)، جدا کردن سر از بدن و به دار آویختن می‌شده است.

در انگلستان مجازات مرگ از طریق به دار آویختن محکوم، بین سالهای ۱۰۱۶ تا ۱۹۶۴ برای انواع وسیعی از مجرمین به مورد اجرا گذاشته می‌شد. شمار افراد معدوم، مشخص نیست ولی در یکی از محلهای اعدام در انگلستان به نام تایبرن تری (Tyburn tree) که بین سالهای ۱۱۷۷ تا ۱۷۸۲ بدین منظور مورد استفاده قرار می‌گرفت، حداقل تعداد موارد اجرای مجازات مرگ، بالغ بر ۵۰۰۰۰ مورد برآورد می‌شود. کیفرهای اولیه مرگ از طریق خفه کردن محکوم صورت می‌گرفت که توأم با مرگ تدریجی بود. پرتاب از بلندی در ملاء عام (که به منظور شکسته شدن آنی گردن محکوم، طرح‌ریزی شده بود) در سال ۱۷۶۰ پیشنهاد شد، ولی تا سال ۱۷۸۳ مورد پذیرش عام قرار نگرفته بود. از آنجا که هدف مجازات مرگ، ترکیب انتقام و بزدل‌زدگی بود، در اوایل به دار آویختن در ملاء عام ضروری به نظر می‌رسید (شیوهای که در سال ۱۸۶۸ لغو شد).

کیفر مرگ در طول سده هجدهم در تشکیلات قضایی انگلستان به صورت مجازاتی درآمد که روزبه‌روز جنبه عمومی‌تری به خود می‌گرفت، به طوری که در سال ۱۸۱۹ تعداد جرایمی که کیفر مرگ به همراه داشت به بیش از ۲۳۰ مورد بالغ شد. بعدها در اثر تلاش‌های رومیلی (Romilly) (۱۷۵۷ - ۱۸۱۸) و پیل، P. Peel، سیاستمدار انگلیسی (۱۸۵۰ - ۱۷۸۸) این سیاهه کاهش یافت تا آنجا که در سال ۱۸۶۱ جرایمی که مجازات مرگ به همراه داشت محدود به قتل عمد، خیانت به کشور، دزدی دریایی و ایجاد حریق عمدی در کارخانه‌های کشتی‌سازی در قلمرو بریتانیا بود. در سال ۱۹۰۸ اطلاق نیز اصولاً می‌توانستند محکوم به مجازات اعدام شوند. در سال ۱۹۴۹ ارنست گاورز (Ernest Gowers) ریاست کمیسیون سلطنتی مجازات مرگ را بر عهده گرفت؛ کمیسیونی که گزارشات آن تحت عنوان نظرات کمیسیون سلطنتی در خصوص مجازات مرگ در سالهای ۵۳ - ۱۹۴۹ منتشر شده.

سیدنی سیلورمن (Sidney Silverman)، نماینده پارلمان انگلستان، به مبارزه برای لغو این مجازات برخاست و در سال ۱۹۵۵ نهضت مبارزه علی برای لغو مجازات مرگ را تشکیل داد. تلاش این نهضت در کنار دلایل دیگر، در سال ۱۹۵۷ موجب تصویب قانون قتل عمد شد که دفاع جدیدی را تحت عنوان مسؤلیت مخفف در اختیار مرتکبین قتل عمد قرار داده و بین

قتل عمد مستوجب مجازات مرگ و قتل عمد عادی (داری مجازات حبس ابد) تفکیک ایجاد کرد. در اوایل دهه ۱۹۶۰ نهضت هواداران لغو مجازات مرگ در مجلس انگلستان قدرت گرفت و بالاخره در سال ۱۹۶۵ قانون مربوط به قتل عمد (لغو مجازات مرگ) از تصویب گذشت. در این قانون یک دوره آزمایشی ۵ ساله (بدون استفاده از مجازات مرگ) پیش‌بینی شده بود و بالاخره این مجازات عملاً در سال ۱۹۶۹ لغو گردید.

تورستین بیلین (Th. Sellin)، جامعه‌شناس (سوئدی، تبار آمریکایی، طی یک تحقیق مبتنی بر چهار نوع داده‌های آماری مختلف پیرامون رابطه کیفر مرگ با جرم قتل عمد در ایالت‌های آمریکا، در زلاندنو، و... نتیجه گرفت که پیامد بازدارندگی عام مجازات مرگ در مقابل قتل عمد از نظر آماری، ثابت نشده است. عزت فتاح، جرم‌شناس مصری تبار کانادایی، نیز طی تحقیقی در کانادا که به دنبال لغو کیفر مرگ در ۱۹۶۷ انجام داد، به نتیجه مشابهی رسید. مسأله مهم در ارتباط با مجازات مرگ، یافتن جایگزین مناسب برای این کیفر بدنی است؛ عده‌ای یک دوره تأمینی درازمدت را پیشنهاد کرده‌اند؛ عیب چنین جایگزینی، این است که به آسانی نمی‌تواند ضرورت‌های ایجاد امنیت برای جامعه و نیز رعایت خصیصه انسانی حبس برای محکوم‌علیه را با هم سازش دهد.

رک.

Criminal policy; Criminogenic society; Deterrence, Penal philosophy; Violence.

\* \* \*

## Decarceration

حبس‌زدایی، زندان‌زدایی

(la) Décarceration / (la) Desincarceration

این اصطلاح نخستین بار توسط راتمن Rothman به کار برده شد و سپس اسکال (Scull) در کتابی تحت همین عنوان، آن را چنین تعریف نمود: «اصطلاحی اختصاری در مورد سیاست دولتی تعطیل تیمارستان‌ها، زندان‌ها و دارالتأدیپ‌ها است که براساس آن، دیوانگان، مجرمان و متحرقان، آزاد شده و یا از پذیرش آنان در مخروبه‌های کثیفی که به طور سنتی در آنها نگهداری می‌شوند خودداری می‌شود. در عوض، آنان آزاد می‌شوند تا امکان «انطباق و سازگارسازی خود در جامعه را پیدا کنند». چنین تعریفی، هم گسترده و هم پرازش

است. حبس‌زدایی ظاهراً نه تنها مربوط به آزاد ساختن زندانیان محکوم به حبس‌های طول‌المدت می‌شود، بلکه ترخیص افرادی را نیز که براساس مقررات فیللی، محکوم به حبس‌های نسبتاً درازمدت می‌شوند، دربرگرفته و حتی شامل تدوین سیاست‌های نگهداری و حبس کوتاه‌مدت موسوم به «درگردان» Revolving-door نیز می‌شود که مربوط به افرادی است که براساس برنامه‌های کنترل محلی، وارد اینگونه نهادها می‌شوند.

بیشتر شواهد و دلایل اسکال برای تدوین چنین سیاست‌هایی، ناشی از پذیرش نهاد «مراقبت اجتماعی» در آمریکا و انگلستان و برچیده شدن تخت‌های ویژه نگهداری بلندمدت در بیمارستان‌های روانی است. نمونه‌های حبس‌زدایی از محکومان بزرگسال و نوجوان، به قوت شواهد مربوط به آزاد کردن بیماران روانی نیست. نمونه‌های کاهش نسبی جمعیت زندانیان و نارئاتادیپ‌ها در دو کشور یاد شده در دوران پس از جنگ دوم جهانی زیاد نیست. موارد معروف نیز مربوط به تعطیل نهادهای ویژه نگهداری نوجوانان است، نه مکان‌های مخصوص مجرمان بزرگسال، با آنکه تجربه دیگر کشورها، از قبیل هلند نیز ممکن است در این مورد مفید واقع شود، لیکن اسکال به آنها استناد نمی‌کند و بدین ترتیب، باید تا حد زیادی به نرخ محکومیت‌های حبس نگاه نماید که در واقع، در دهه‌های اخیر، رو به کاهش گذارده است. لیکن این مسأله، به خاطر لحاظ آثار سیاست قضازدایی در تعریف وی از حبس‌زدایی صورت گرفته است.

بدین‌سان اسکال، مفهوم حبس‌زدایی را بسیار فراتر از تعریف اولیه آن، توسعه می‌دهد تا به طور کلی شامل انتقادهای او از سیاست‌های برخورد مبتنی بر قضازدایی و اصلاح اجتماعی بزهکار نیز باشد. به اعتقاد وی اینگونه سیاست‌ها، به عنوان روش‌های کنترل اجتماعی‌ای است که «پاسخی در قبال ضرورت‌های منفی‌تری از قبیل امنیت و نظارت داخلی در نظام رفاهی سرمایه‌داری» محسوب می‌شود. به اذعان او، معنای آزاد اصلاح و درمان در داخل جامعه، هرچه باشد، نتیجه پنهان عملکرد آن، کاهش مخارج اداره منحرفان از طریق روش‌های کنترل «غیرتفکیکی» است که در عمل، موجب فقیر شدن و زاغ‌نشین شدن آنان می‌شود.

می‌توان گفت که مفهوم حبس‌زدایی، پادزهر غیردقیق ولی قدرتمندی در مقابل ابزار احساسات و تمایل فوق‌العاده زیاد نسبت به مراقبت اجتماعی و نهان‌زدایی de-institutionalisation یعنی اجتناب از استفاده از نهادهای زندان یا مؤسسات مشابه است.

De Greeff (Etienne)

دوگرف (اِتیئن)

(1898 - 1961)

اِتیئن دوگرف، اهل بلژیک و متخصص روانپزشکی بود. وی در سال ۱۹۲۸ به عنوان پزشک انسان‌شناس زنان مرکزی شهر لوون (در بلژیک) منصوب شد. سال بعد به تدریس جرم‌شناسی در مدرسه عالی علوم جنایی این شهر پرداخت و در ۱۹۵۴ به عنوان استاد روانشناسی مرضی در دانشکده فلسفه دانشگاه همان شهر مشغول به تدریس شد.

کل سیستم علمی دوگرف در دو نظریه خلاصه می‌شود: (۱) نظریه غرایز، که غرایز تحلیل‌برنده دفاعی را در مقابل غرایز تفویت‌کننده احساس دستگیری و شفقت و همدردی با دیگران قرار می‌دهد؛ (۲) نظریه وظایف و نقش‌های اخلاقی یا تباه‌ناپذیر که بیانگر کارکرد ابتدایی وظایف حیاتی، قبل از هرگونه قضاوت وجدانی، می‌باشد (احساس مسؤلیت، احساس عدالت، احساس شکست).

آورده دوگرف در قلمرو جرم‌شناسی، مطالعه فرآیند ارتکاب جرم و جنبه‌های آن در ارتکاب قتل فایده‌گرا و قتل احساساتی یا شهوانی است. بدین ترتیب، دوگرف با تعمیق فرآیند ارتکاب عمل مجرمانه شدید، به درک شخصیت مجرمانه کمک کرد و به طور ضمنی به سه خصیصه اصلی آن نیز اشاره نموده است: بزهکار، ناتوان از عقابله و مقاومت در برابر واکنش ناشی از آن دسته از فعالیت‌های منحرفانه است که لزوماً پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز می‌باشد؛ بزهکار، عمل و رفتار خود را مشروع می‌داند و نحوه نگرش وی نسبت به دیگران، توأم با رویه انتقادی و اتهامی است؛ بزهکار ناتوان از سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی زمانی است و از نظر عاطفی نیز بی‌تفاوت است.

تأثیر دوگرف در زمینه جرم‌شناسی بالینی قابل توجه است. اندیشه وی، الهام‌بخش تفکر مارک آنسل است. آنسل در چاپ نخست «دفاع اجتماعی نوین» (۱۹۵۴) بر این موضوع تأکید کرد که برای اجرای مطلوب برنامه اصلاح و جامعه‌پذیر کردن دوباره بزهکار، باید از ایجاد احساس مسؤلیت در فرد آغاز کرد؛ وی بدین ترتیب بر جنبه آموزشی مسؤلیت‌کیفری تأکید کرد.

ر.ک.

Criminal personality; Criminogenic society; Homicide of passion;  
Sense of justice; Sense of responsibility; Utilitarian homicide.



از هنگامی که برای نخستین بار در سال ۱۹۴۶ بولی (J. Bowlby) به مطالعه خانواددهای متلاشی شده و پیامد محرومیت از مادر، به عنوان عاملی که ممکن است موجب روان‌پریشی گردد پرداخت، در ارتباط با اثر محرومیت از والدین (به ویژه محرومیت از مادر) و نقش آن در پیدایش مجرمان، بحث‌های زیادی مطرح شده است. بولی به این نتیجه دست یافت که ۴۰ درصد از نمونه آماری وی از افراد بزهکار، در پنج سال نخست زندگی دچار محرومیت از مادر شده‌اند. این امر را باید در به وجود آمدن شخصیت‌های بی‌عاطفی و ضد اجتماعی، مرتبط دانست. امروزه عموماً پذیرفته شده است که در واقع، کیفیت تجربه‌های رابطه و پیوند خانوادگی (که به تنهایی از طریق ارتباط با مادر طبیعی به وجود نمی‌آید) است که در تعیین این امر که آیا طفل، برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران را خواهد آموخت یا خیر دارای تأثیر حیاتی می‌باشد. غیبت مادر طبیعی الزاماً به معنای بروز مسائل و مشکلات رفتاری (از جمله ارتکاب جرم) نخواهد بود؛ به این شرط که جانشین‌هایی در دسترس باشد که نحوه ایجاد پیوند و ارتباط با دیگران و محیط را به طفل بیاموزد، به نیازهای طفل پاسخ عاطفی دهد و زمینه اضطراب کم، رفتار مزبور و نظم و انضباط را ایجاد نماید. تجربه جدایی‌های چندگانه، فقدان مادرهای جانشین، مثل مادر ناتنی یا شخصیت‌های مشابه، اضطراب و استرس زیاد، تحمّل بی‌ثباتی و ارتباط عاطفی ناقص ممکن است شرایطی را به وجود آورد که زمینه مساعدی برای بروز جامعه‌ستیزی فراهم آید. معذک، ممکن است آثار چنین امری به واسطه تجربیات اجتماعی بعدی فرد، معکوس شود. زیرا تجربیات دوران کودکی، شخصیت فرد را تثبیت نمی‌کند.

Conditionability; Psychopathy.

ر.ک.

\* \* \*

## Determinism

## جبرگرایی

### (lc) Déterminisme

در مقابل آموزه طرفدار آزادی اراده، جبرگرایی (جبرپنداری) معتقد است که اعمال و کردار

انسان (همانند وقایع فیزیکی) به انتخاب صورت نمی‌گیرد، بلکه ناشی از برخی علت‌ها است. جبرگرایان چنین استدلال می‌کنند که انسان‌ها، تنها بدین دلیل صحبت از تصمیم‌گیری، حق انتخاب و معیارهای اخلاقی و... می‌کنند که ما تا به امروز نتوانستیم تمامی علت‌های اعمال‌مان را کشف و مشخص نماییم. به اعتقاد جبرگرایان، حتی هنگامی که ما خیال می‌کنیم راهی را خود انتخاب کرده‌ایم (مثلاً در موردی که ادعا می‌کنیم به وسیله بحث منطقی، متقاعد شده‌ایم) در واقع در قبال یک سلسله محرک‌ها واکنش نشان داده‌ایم و این نتیجه را می‌توان به وسیله مطالعه علمی این تأثیرات بر ما و الگوهای رفتاری قبلی ما پیش‌بینی نمود. در تاریخ تفکر جرم‌شناسی، جامعه‌شناسان و روانشناسان در دوره‌های مختلف، توصیفات جبرگرایی را در ارتباط با رفتار مجرمانه (چه در مورد جرایم خاص و چه در مورد کل جرایم) ارائه نموده‌اند. در برابر چنین ادعاهایی، هم از طرف فیلسوفان و هم از سوی حقوق‌دانان، مقاومت‌های بسیار شدیدی صورت گرفته است. این مخالفت عمدتاً مبنی بر توانایی انسان‌ها نسبت به تعیین انگیزه‌هایشان در انجام اعمال است. به رغم اینکه ما همیشه در مورد عواملی که بر رفتارمان مؤثر است قضاوت صحیحی نداریم، لیکن معمولاً می‌توانیم علت آنها را بیان و دلایل این امر را که چرا انجام کاری را برای کار دیگر ترجیح دادیم تعیین کنیم؛ ما به ویژه می‌توانیم مثلاً بین اعمالی که عمدتاً به خاطر پاداش و ما به ازاء انجام می‌دهیم، از یک سو و اعمالی که ناشی از الزام و اجبار و با توجه به اصول و قواعد صورت می‌گیرد، از سوی دیگر تفکیک قائل شویم.

در برخی نوشتگانی اخیر جرم‌شناسی، موضعی تلفیقی در ارتباط با علیت اعمال مجرمانه اتخاذ شده که «جبرگرایی معتدل» نام گرفته است. این نوع جبرگرایی شامل «عناصر انتخاب» و «محدودیت‌ها»، به نیاز به نمایز میان علل مختلف ارتکاب اعمال، و شرایطی که در آن، انسان دست به انتخاب می‌زند توجه کرده است. در اکثر موارد، تأثیر عوامل زیست‌شناختی و عوامل محیطی بر روی جرم، معالواسطه و از طریق شخصیت و وضعیتی که این عوامل به ایجاد آن کمک می‌کنند، صورت می‌گیرد. لیکن در برخی موارد استثنایی، تأثیر آنها مستقیم است.

عوامل زیست‌شناختی، واکنش‌های انفجاری (شدید) و واکنش‌های آنی (کوتاه) را که شاخص جرم اولیه است تحت‌الشماع خود قرار می‌دهد. در میان واکنش‌های شدید، باید به عصبانیت که یک پدیده هیجانی و به نظر عده‌ای از فلاسفه «جنون لحظه‌ای» است اشاره کرد. کرچمر (E. Kretschmer)، واکنش‌های آنی و کوتاه را یک امر منطقی می‌داند که به دنبال یک

محرک عاطفی، از نظر عقلانی بروز کرده است، ولی این محرک عاطفی از بقیه شخصیت منفک است. نمونه‌های آن را می‌توان در ایجاد حریق عمدی و طفل‌کشی - ناشی از نقص عقلی - ملاحظه کرد که گاه به لحاظ یک حالت درماندگی و حتی وحشت ارتکاب یافته‌اند. جبرگرایی اجتماعی مستقیم در حائتهای اضطراری مانند جنگ، غرق شدن و تصادف به چشم می‌خورد. به این وضعیتهای هولناک، می‌توان وضعیتهایی را اضافه کرد که در آنها شرایط ضروری برای گسترش و رشد انسانها وجود ندارد - برای مثال حلبی‌آبادها، زاغه‌ها... . دوگراف، جرم‌شناس بلژیکی، فرآیندهای جبریت مستقیم را در فرضی که در آن، عصبانیت، به وجود آورنده یک عمل ناگهانی و نسنجیده است مطالعه کرده است.

ر.ک.

Acting out; Age; Criminal personality; Criminogenic factors; Criminogenic process; De Greeff; Drift; Praecriminal situations; Violence.



## بازدارندگی

Deterrence

(la) Dissuasion

بازدارندگی از ارتکاب جرم، یکی از اهداف مهم هر نظام عدالت کیفری است؛ این هدف همچنین، از سوی طرفداران مکتب اصالت سودمندی، به عنوان توجیهی برای مجازات مطرح می‌شود. به صورت کلی بازدارندگی جنایی، مربوط به اصل پیشگیری از جرم است؛ هرگونه ابزاری که در جهت پیشگیری از جرم عمل کند، بازدارنده تلقی می‌شود. در تعریف مضیق، بازدارندگی از ارتکاب جرم، تنها در صورتی به پیشگیری از جرم اشاره دارد که از طریق تهدید افراد نسبت به پیامدهای ارتکاب جرم (بازداشت، محاکمه، محکومیت، مجازات) که قانون‌شکنان (بزهکاران) بالقوه مایل به قبول ریسک آن نیستند حاصل شود. اگر مجازات سائب آزادی، یعنی زندان، تنها از طریق نگهداشتن مجرم در «خارج از دوز» و به دور از جامعه بتواند از وقوع جرم پیشگیری نماید، در معنای وسیع کلمه، یک عامل بازدارنده محسوب می‌شود. اگر مجازات سائب آزادی به واسطه اینکه به دنبال ارتکاب جرم بر مجرم تحمیل

می‌شود و مجرمین بالقوه مایل به قبول ریسک آن نیستند، از وقوع جرم پیشگیری کند، در این صورت عاملی بازدارنده در مفهوم مضیق آن خواهد بود. در مفهوم اخیر، به ویژه بایستی بازدارندگی عام را از بازدارندگی خاص بازداشت. حبس یک مجرم در صورتی که موجب گردد تا مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم صرفنظر نمایند، دارای اثر بازدارندگی عام است و چنانچه باعث شود تا مجرم زندانی پس از آزادی از ارتکاب جرم خودداری کند دارای اثر بازدارندگی خاص یا فردی خواهد بود.

نویسندگان تحقیقاتی قابل ملاحظه‌ای پیرامون تأثیر بازدارندگی عمومی مجازات‌های مختلف به رشته تحریر درآمده است. این پژوهش‌ها گرایش به اثبات این امر دارند که میان جرایم مختلف و احتمال بازداشت و محکومیت رابطه معکوس وجود دارد و هیچ‌گونه ارتباطی میان جرم و شدت مجازات‌ها مشاهده نشده است. البته، ارتباط اثبات شده معکوس را نمی‌توان به نحو قاطعی به عنوان دلیل بازدارندگی، تحلیل و توجیه کرد، زیرا همبستگی منفی میان جرم و احتمال دستگیری، با دیگر فرضیه‌هایی که قابل چشم‌پوشی نیستند سازگار است. اقتصاددانان، اخیراً تکنیک‌های آماری خود را به سمت این مشکل، به ویژه در ارتباط با اثر بازدارندگی مجازات اعدام، سوق داده‌اند. نتایج حاصله، به عکس شواهد قبلی، نشانگر آن است که مجازات اعدام می‌تواند بر روی جرم قتل عمده اثر بازدارنده‌ای، علاوه بر اثری که مجازات حبس به نظری دارد، داشته باشد، ولی فرضیهایی که مبنای این گونه ادعاهاست، بحث‌انگیزتر از آن است که بتوان نتایجی قطعی بر آنها بار نمود.

ر.ک.

Criminal policy; Criminal prophylaxis; Death penalty; Environmental prevention; Policing; Prison; Target hardening.



Deviance

انحراف

(la) Déviance

دهه ۱۹۶۰ شاهد موج گسترده ابراز علاقه نسبت به مسائل مربوط به انحراف یا کژروی و بررسی انحرافات بود که هدف اولیه آن، قرار دادن جرم‌شناسی در معرض دید همگان، از

طریق ارائه اطلاعات در زمینه مسائلی بود که یا مرتبط با جرم بوده و یا از جانشین‌های محتمل آن از قبیل الکلیسم، اعتیاد به مواد مخدر، خودکشی، ناهنجاری روانی و همجنس‌گرایی به شمار می‌رفت. سپس مطالعات مختلفی یکی پس از دیگری، در خصوص رفتارهای نادر به عمل آمد؛ رفتارهایی که اگرچه در اکثر موارد، در قانون لحاظ نگردیده، لیکن در جامعه، با سرزنش روبرو می‌شد.

تعبیر انحراف به‌وسیله گروه «کنفرانس ملی انحراف» - نماینده جرم‌شناسی رادیکال انگلستان - وارد جرم‌شناسی شده است. «گروه اروپایی مطالعات و تحقیقات انحراف و کنترل اجتماعی» در سال ۱۹۷۳ در ژنو ایجاد شد. در این ارتباط، انتشار یک نشریه تخصصی نیز به نام نشریه «انحراف و جامعه» در سوئیس آغاز شد. از دیدگاه جرم‌شناسی رادیکال، مفهوم انحراف، اعم از مفهوم جرم است. انحراف، به مثابه یک رفتار مسأله‌دار و مسأله‌ساز - یعنی رفتاری که برای گروه، مسأله یا تعارضی به وجود می‌آورد که باید حل شود - ملاحظه و مطالعه می‌شود. چنین رفتاری، به عنوان یک رفتار انحرافی توصیف می‌شود، زیرا خاستگاه آن، ناشی از عدم وجود اعضاء و همدلی جامعه نسبت به آن است. به این ترتیب، جرم در کنار الکلیسم، اعتیاد، ولگردی، روسپیگری و خودکشی که در واقع، جملگی آنها انحراف محسوب می‌شوند، قرار می‌گیرد.

جرم به عنوان یک رفتار مشکل‌آفرین در دو قالب زیر مطالعه می‌شود:

۱) به عنوان یک مورد خاص که جزو پدیده‌های خطرناکتر است؛

۲) به عنوان پاسخی در میان دیگر پاسخها به وضعیتی است که شرایط لازم را برای این که یک شخصیت بتواند خود را در آن شرایط حفظ کند یا متحول نماید. بدون این که شیوه زیست یا شیوه واکنش آن شخصیت تحریف شود - فراهم نمی‌کند (مانند وضعیتهای موجود در حلیه‌آبادها، یا در ارتشهای در حال جنگ). بدین ترتیب، آنچه که مهم است، تحلیل وضعیتهایی است که در آنها، ظاهراً شرایط ضروری برای جریان طبیعی فرایند اجتماعی و جامعه‌پذیر شدن برای فرد وجود ندارد. در چنین شرایطی مطالعه جرم باید: (الف) با توجه به کجروی‌های اجتماعی صورت گیرد؛ (ب) بر روی گروه‌های خاصی از افراد انجام شود؛ (ج) از به عمل آوردن هرگونه تعمیم خودداری کند.

در چنین شرایطی در سیاست جنایی باید از رفتارهای مسأله‌ساز در سطح وسیعی جرم‌زدایی شود. در واقع پژوهکار، باید به مانند نشانه‌ای از انحراف - در میان سایر نشانه‌ها - توصیف شود. سپس باید رفتارهایی را که به طور خاصی «منحرفانه» می‌باشند مطالعه کرد.

بعضی از این رفتارها، وقتی ممنوع شود منجر به خرید و فروشهای غیرقانونی و اعمال نامشروع می‌شود (مانند الکلیسم، اعتیاد، روسپیگری)؛ بعضی دیگر، بدون کمک و حمایت از چنین معاملاتی وجود ندارند (اولتردی، خودکشی). آنچه مهم است این است که جرم‌شناسی، بیشتر به بررسی معاملات غیرقانونی‌ای می‌پردازد که نتیجهٔ منع رفتارهای منحرفانه است، زیرا اینگونه معاملات، در واقع، قلمروی جایی را برای جرایم سازمان یافته تشکیل می‌دهد.

ر.ک.

Alcoholism; Crime; Decriminalisation; Delinquency; Drug addiction; Female criminality; Organized crime; Radical criminology; Primary deviance; Radical criminology; Vagrancy.

\* \* \*

## منحرف

## Deviant

## (le) Déviant

کسی که رفتارش در یک برههٔ زمانی ناپه‌نجا باشد منحرف یا کژرو شناخته می‌شود. چنین افرادی ممکن است شامل افراد غیرعادی، بیگانه، دیوانه، بدسرشت یا افراد عادی‌ای باشند که رفتار ناپه‌نجا آنان موقتی است. برخی از پژوهشگران گفته‌اند که «چشم» جامعه، تنها نیازمند تصویری یک بُعدی (از یک شخصیت چندبُعدی) است. بدین ترتیب، ممکن است فرد امروز به عنوان «منحرف» شناخته شود و روز دیگر به عنوان فرد «عادی». بدون وجود تعریف روشن و دقیق در مورد رفتار په‌نجا، تنها پیش‌دآوری و جهل است که می‌تواند افراد منحرف را از افراد عادی جدا کند.

از نظر تنوری، منحرفین را می‌توان بر مبنای آمار، به عنوان افرادی ارزیابی نمود که در ارتباط با یک رفتار مفروض، خارج از ۹۵ درصد فاصله اطمینان (میانگین ۱/۹۶ انحراف معیار) برای رفتار مزبور باشند. در عمل، اطلاعات مربوط به اینکه رفتار په‌نجا چیست (میانگین عملی در مقابل میانگین آرمانی)، برای استفاده از یک تعریف آماری، ناکافی است. در نتیجه، بسیاری از بررسی‌هایی که پیرامون افراد منحرف صورت گرفته است صرفاً نشانگر وسعت رفتار په‌نجا در تعریف گروه است؛ تنها واحدی که برای فرد، دارای معنای مستقیم است.

مسائل مهم و بحث‌انگیز در این رابطه عبارتست از درجه و آستانه تحمل جامعه در مورد رفتار مورد بحث و رویت‌پذیری آن. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، جامعه نیازمند تعدادی منحرف است تا اعمال قدرت نموده، به عنوان کاتالیزور و واسطه اخلاقی عمل کرده و زمینه‌ساز دگرگونی اجتماعی باشند. زمینه‌های معمول برای سرکوبی انحراف عبارت است از باقوگی سرایت، نقض حقوق دیگران و میزان پولی که قبلاً برای سرکوبی چنین رفتاری هزینه شده است.

د.ک.

Abnormal behaviour; Contagion; Crime; Criminalisation; Deviance; Media, Primary deviance.



### معاشرت‌های ترجیحی (افتراقی) Differential associations (les) Associations différentielles

این نظریه بسیار نافذ در ارتباط با رفتار مجرمانه، نخستین بار از سوی جامعه‌شناس و جرم‌شناس معروف آمریکایی، ادوین. اچ. ساترلند در کتاب اصول جرم‌شناسی (۱۹۲۷) مطرح شد؛ البته قبلاً نیز نظریه تقریباً مشابهی به وسیله گابریل تارد (۱۸۴۳-۹۰۴)، قاضی فرانسوی ارائه شده بود.

جرم‌شناسی آمریکایی، رفتار و کردار انسان را به عنوان پاسخی به یک محرک مورد مطالعه قرار می‌دهد و تحت تأثیر نظریه رفتارگرایی واتسون (J. B. Watson) است. این نظریه به وسیله جامعه‌شناسان و روانشناسانی که نمی‌خواهند مسأله تفاوت پاسخها به محرکها را بیفزیند در مورد رفتار و کردار مجرمانه مطرح شده است. آنها به فرهنگ اهمیت می‌دهند؛ از یک سو، توارث و تمایلات فردی را کم‌اهمیت دانسته و از سوی دیگر، با الهام از دورکیم، به «مثل فرهنگی» و مسأله «یادگیری» استناد می‌کنند. نظریه معاشرت‌های ترجیحی ساترلند نیز در این دورنما قرار می‌گیرد. اصل مسلم اولیه این نظریه، وجود رفتارهایی بی‌تفاوت در مقابل رفتار مجرمانه است و چنین نتیجه گرفته می‌شود که رفتار مجرمانه با توجه به نیازها و اندیشه‌های عمومی توجیه می‌شود. هدف ساترلند، تلاش برای خلق یک نظریه در ارتباط با

کلیه رفتارهای مجرمانه در قالب انتقال فرهنگها بود.

این نظریه مُنکر آن است که رفتار مجرمانه خودبیه‌خود ایجاد شده، یا جنبه آموزشی داشته و یا بر مبنای نیازها و ارزشهای عمومی، قابل توصیف باشد؛ بلکه جرم به عنوان رفتاری محسوب می‌شود که توسط فرزند در گروه‌های کوچک و طی فرآیند ارتباطی آموخته می‌شود. فراگیری جرم شامل تکنیکها و «جهت خاص انگیزه‌ها، محرک‌ها و دلیل تراشی‌ها و نگرش‌ها» می‌شود. اصل بسیار مهم، آن است که یک فرد، بدان علت مرتکب جرم می‌شود که تعاریف مساعد با نقض قانون، بر تعاریف مخالف نقض قانون، غلبه کند. تأکید بر تعاریف است، نه بر معاشرت‌ها، و به رغم اینکه همه افراد، با هر دو نوع این تعاریف آشنایی و تماس دارند، آنچه که اهمیت دارد نسبت یکی در مقایسه با دیگری، از نظر فرد است. معاشرت‌های ترجیحی جاری، نارای درج‌ات گوناگونی از اهمیت بوده و از نقطه‌نظر دفعات، تداوم، اولویت و شدت نیز متفاوت می‌باشند. گلاسر (Glaser) این نظریه را چنین خلاصه نموده است: «فرد، رفتار مجرمانه را تا جایی ادامه می‌دهد که ویژگی‌های خود را با اشخاص واقعی یا تخیلی‌ای که رفتار مجرمانه‌وی، از نظر آنان قابل قبول به نظر می‌رسد، تطبیق دهد». در عمل، معاشرت‌های ترجیحی از نظر مدت، اولویت، شدت و کثرت معاشرت در نوسان‌اند؛ امکان معاشرت‌ها با توجه به جویند مختلف متفاوت است. مثلاً در ایالات متحده آمریکا که ابزارها و امکانات اجتماعی متنوع و مختلطی در آنجا به چشم می‌خورد، در مورد قوانین، تعارض فرهنگی وجود دارد و بالاخره باید اضافه کرد که ساز و کارهای فراگیری رفتار مجرمانه، مشابه مکانیزمهایی است که در هر نوع یادگیری مشاهده می‌شود و بنابراین صرفاً محدود به شیوه تقلید نمی‌گردد.

این نظریه توسط همکار ساترلند، کرسی Cresssey توسعه یافته و از آن هنگام تاکنون در سطح وسیعی مورد انتقاد، بحث و آزمون قرار گرفته است. برخی از ایرادهای وارده به نظریه ساترلند عبارت است از: ۱- عدم توجه به استمدادهای ارثی بزهکاری؛ ۲- آسیب‌پذیری زمینه و تفاوت‌های فردی، بدین معنی که جلوه مدل‌های فرهنگی برای همه افراد یکسان نیست؛ آن مدل‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرد که هماهنگ با شخصیت کسی باشد که در معرض آنهاست. ر.ک.

Conflict of cultures; Criminal personality; Durkheim; Hereditary and personal backgrounds; Organized crime; Psychoanalytic criminology; Sutherland; Tarde; White collar crime.



جابجایی بزهکاری عبارت است از وقوع مجدد اعمال مجرمانه، پس از اعمال تدابیر پیشگیرانه وضعی - فنی که دشواری ارتکاب یک جرم خاص و یا ریسک دستگیر شدن مرتکب را در محل یا مکان معین افزایش می‌دهد. انواع مختلفی از جابجایی جرایم ممکن است صورت گیرد؛ مجرمین ممکن است زمان متفاوت دیگری را برای ارتکاب جرم انتخاب نمایند؛ می‌توانند توجه خود را به مکان‌های دیگری معطوف کنند که آماج‌های محافظت نشده‌ای در آن جا وجود داشته باشد؛ ممکن است روش متفاوتی را برای ارتکاب جرم برگزینند؛ و یا ممکن است به اشکال دیگری از اعمال غیرقانونی رو آورند؛ آثار جابجایی جرم، در ارزیابی آن دسته از تدابیر وضعی - فنی پیشگیری از جرم که به منظور کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم به کار گرفته می‌شود، دارای اهمیت بسزایی است. زیرا هرگونه دست‌آوردی ممکن است به واسطهٔ جابجایی از بین برود. البته، سنجش انواع جابجایی‌ها، امری دشوار است و تا به امروز جابجایی جغرفیایی، بیشترین توجه را به خود جلب نموده است.

شواهد موجود نشان می‌دهد که برخی جابجایی‌ها غالباً در پی اعمال تدابیر شدید پیش می‌آید، ولی میزان اینگونه جابجایی‌ها کمتر از میزان جرایم پیشگیری شده است. در وهلهٔ نخست می‌توان انتظار داشت که تفاوت‌های موجود در انگیزه ارتکاب انواع جرایم، در این خصوص اهمیت داشته باشد. پدیدهٔ جابجایی در میان مجرمین «حرفه‌ای» تقریباً مشابه است؛ همانگونه که مثلاً در پی افزایش و بهبود امنیت گاو صندوق بانک‌ها، سارقین به روش سرقت مسلحانه از طریق پرخورد مستقیم یا مسئولین یاچه‌های پرداخت رو آوردند. به عکس، مجرمین «انفافی» که به ارتکاب جرایم ساده و بدون ریسک دست می‌زنند ممکن است در صورتی که ارتکاب جرم، دشوارتر شود، دیگر تمایل و اصراری به ارتکاب آن نداشته باشند. برای تودهٔ مجرمین، آثار جابجایی، بیشتر ملنظر قرار می‌گیرد؛ قضاوت در مورد تعادل میان قصد سنجیده و فرصت‌های ارتکاب جرم، و اینکه جرایم مختلف از جهت کارکردی، تا چه حدی ممکن است یا یکدیگر یکسان باشند دشوارتر است. با این همه، در مورد بسیاری از جرایم، جابجایی ممکن است احتمالاً تا اندازه‌ای صورت گیرد که آماج‌های دیگری در اختیار مجرم باشد - یا روش‌های دیگری برای اتخاذ و استفاده وجود داشته باشد - که ریسک یا هزینه بیشتری را در قبال نتایج مشابه، ایجاب نماید.

Di Tullio (benigno)

(1890 - 1979)

دی‌تولیو (بنینو)

(۱۸۹۰ - ۱۹۷۹)

دی‌تولیو، جرم‌شناس ایتالیایی، پس از تحصیلات پزشکی، پزشک زندانهای ژن شد. در تماس با بزهکاران، ذوق جرم‌شناسی وی شکوفا گردید و با استفاده از این تجربه، به عنوان استاد انسان‌شناسی جنایی دانشگاه ژن نیز منصوب شد. آثار دی‌تولیو در زمینه‌های انسان‌شناسی جنایی (۱۹۴۵)، جرم‌شناسی بالینی (۱۹۵۴) و جرم‌شناسی بالینی و روانپزشکی قانونی (۱۹۵۸) است. نظریه سرشت مجرمانه وی که مبتنی بر توارث مجرمانه خاصی نیست، بر مفهوم آستانه مجرمانه تکیه دارد: به موجب این مفهوم، اگر همه افراد دارای واکنش‌های مجرمانه باشند، به جریان افتادن آنها ذواوی شدت تحریک یکسانی نیست و در هریک از آنها متفاوت است: آستانه مجرمانه، در واقع ظرفیت و استعداد مجرمانه را مشخص می‌کند.

از نظر مقام و اعتبار بین‌المللی، دی‌تولیو بنیانگذار جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی در سال ۱۹۳۴ در پاریس بود که تا ۱۹۵۰ ریاست آن را به عهده داشت.  
ر.ک.

Clinical criminology; Criminology; Dangerousness; Endocrinology;  
Hereditary and personal backgrounds; Lombroso.

\* \* \*

### قصار دایی

Diversion

(la) Déjuridiciarisation

این مفهوم عمدتاً در ارتباط با استفاده مقامات تعقیب جرم، از جانشین‌های کلاسیک کیفری در تعقیب و محاکمه جرایم است. اثر چنین روشی خارج کردن فرد مظنون از فرآیند رسیدگی قضایی کیفری بوده (غیرقضایی کردن) و ممکن است در هر مرحله‌ای از جریان رسیدگی صورت گیرد. توشل به این روش به صورت غیررسمی و از راه اعمال اختیارات اداری در جریان رسیدگی به پرونده و نیز با پیاده کردن طرح‌های رسمی صورت می‌گیرد. مثلاً به

استفاده از اختیارات پلیس در بسیاری از نوشتگان اشاره شده است. تصمیم مقام تعقیب (اعم از پلیس یا دادستان و...) در عدم شروع پیگرد کیفری، می‌تواند در هر زمانی قبل از شروع محاکمه صورت گیرد؛ ممکن است اتهامات، پس گرفته شده و یا دلایل و شواهد مربوطه اقامه نگردد.

طرح‌های رسمی تغییر مسیر کیفری، به هدفگیری گروه‌های خاصی گرایش دارند. مثلاً در دهه ۱۹۶۰ در انگلستان، این عقیده نضج گرفت (و بعدها به صورت قانون در آمد) که رسیدگی به جرایم نوجوانان بایستی در صورت امکان، از فرآیند دادرسی در دادگاه‌های کیفری خارج شود. یکی از راه‌های انجام این کار، به کارگیری روش «اخطار» است. اعزام مجرمین الکلی به مراکز درمان پزشکی معتادین به الکل، انتقال مجرمین مختل‌المشاعر به بیمارستان روانی، و روش میانجیگری برای حل و فصل اختلاف‌های ناشی از ارتکاب جرایم، از جمله دیگر روش‌های مربوطه محسوب می‌شوند. همچنین جرم‌زدایی از جرایم، که مجرمین بانقوه را از نظام عدالت کیفری خارج می‌کند، نوع دیگری از قضازدایی است.

بر اساس این روش، جرایم ارتكابی در غالب موارد، به وسیله شاکتی یا مأمور تحقیق به پلیس رجاع نمی‌شود و بدین سان اختلافات، بدون رجوع به دستگاه قضایی، حل و فصل می‌شود. مثال‌هایی از این دست عبارتند از پیش‌بینی مراجع انتظامی در داخل مجموعه‌های کاری (مراجع صنعتی) که براساس تصمیمات آنها کارکنان متخلف، اخراج شده یا با اخطار روبرو می‌شوند، و نقض مقررات مربوط به آلودگی هوا، مالیات و تقلب نسبت به مقررات تأمین اجتماعی، از سوی سازمان‌های دولتی مربوطه (مراجع اداری و اجرایی مانند کمیسیون رسیدگی به تخلفات گمرکی، مالیاتی...) مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرار می‌گیرد.

در مرحله تعیین مجازات، اصطلاح «تغییر مسیر» برای اشاره به اختیاراتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مانع از حبس شدن فوری مجرم می‌شود (زندان‌زدایی). کفالت و تعویق صدور حکم مجازات، دو روش تغییر مسیر مجرمین از بازداشت قبل از مجازات است. در مورد مجازات نیز در شماری از کشورها، طیفی از جانشین‌های حبس، نواختار مقامها قرار دارد آزادی زودرس درخصوص محکومیت‌های حبس، از طریق اعطای عفو یا آزادی مشروط نیز قابل دستیابی است.

Criminal policy; Decarceration; Mediation.

ر.ک.

## حالت دودلی و تردید

## Drift

## (la) Dérive

دیوید متزا D. Matza، جامعه‌شناس و جرم‌شناس آمریکایی، به کمک این مفهوم، رویکرد «زاده آزاد» در ارتباط با جرم را با جبریت ترکیب نموده است؛ تلفیقی معرفت‌شناختی که «جبریت معتدل» خوانده می‌شود. از یک سو، «حالت سرگردانی و تردید» بدان معنا است که فرد بزهکار، نقض قانون را خود انتخاب کرده و خواسته است، و از سوی دیگر، نشانگر فرایندهای اجتماعی مؤثر بر انتخاب اوست. به اعتقاد متزا فرد بزهکار به صورت سرگردان در برخی میان اعمال قراردادی (اعمال مشروع) و اعمال غیرقراردادی (جرایم) واقع شده است و به تناوب، به مقتضیات هریک پاسخ می‌دهد؛ گاه به سمت یکی گرایش پیدا می‌کند و گاه به سمت دیگری، ولی پایندی به هیچیک ندارد و از تصمیم‌گیری می‌گریزد. بدین‌سان وی در میان اعمال مجرمانه و اعمال قراردادی، در حالت دودلی به سر می‌برد. به موجب این نظریه، تأکیدی که بر تفاوت زیست‌شناختی، روان‌شناختی، روانپزشکی یا جامعه‌شناختی میان بزهکار و غیربزهکار می‌شود، به انزوا و انحراف وی به سمت بزهکاری واقعی و مستمر کمک می‌کند. این نظریه، تعامل‌گرا و مبنی بر کنش متقابل است.

ر.ک.

Criminal sociology; Criminogenic factors; Criminogenic process; De Greeff; Determinism; Labelling theory; Interactionist criminology; Precriminal situations; Violence.

\* \* \*

## اعتماد به مواد مخدر

## Drug addiction

## (la) Toxicomanie

اعتیاد، حالتی است که در اثر وابستگی جسمانی و روانی فرد نسبت به یک ماده مخدر به وجود می‌آید. وابستگی جسمانی از طریق ناراحتی و تشویش ناشی از محرومیت از ماده مخدر آشکار می‌شود و وابستگی روانی، در قالب دل‌بستگی و میل غیرقابل مقاومت نسبت به استعمال ماده مخدر متجلی می‌شود. این میل و دل‌بستگی ممکن است همراه با ضرورت

تدریجی افزایش مقدار مصرف ماده مخدر به منظور اجتناب از کسالت و تشویب باشد.

به طور کلی، مواد مشروح زیر را می‌توان مخدر تلقی کرد:

۱) مواد مخدر متداول: قهوه، چای، تنباکو؛

۲) مواد دارویی محرک مانند آمفتامین یا آرام‌بخش مانند باربیتوریک؛

۳) الکل و سایر مواد مخدری که منجر به مستی می‌شود مانند اتر؛

۴) تریاک و مشتقات آن: شرفین و هروئین. استعمال تریاک منجر به بی‌تفاوتی، بی‌حالی و سستی عمومی، اختلالات جنسی، زوال جسمانی و هوشی می‌شود؛ شرفین و هروئین از مخدرهای کشنده هستند؛

۵) مواد مخدر از خودبی‌خود کننده، مانند کوکائین، مواد مشتق از شاهدانه هندی از قبیل ماری‌جوآنا، کیف، خشخیش... و مواد توهم‌زا؛ به‌ویژه ال.اس.دی.

در مقررات بین‌المللی، آن دسته از مواد مخدر که کشنده و روانگردان باشند غیرقانونی تلقی می‌شوند. استعمال مواد مخدر به عنوان یک رفتار منحرفانه یا یک جرم بدون بزه دیده تلقی می‌شود. از این رو، تأثیر مستقیم اعتیاد بر بزه‌کاری، قابل توجه بوده و در اشکال زیر متجلی می‌شود:

۱) جرایم علیه اشخاص؛ در دوران تشنگی ناشی از استعمال ماده مخدر؛

۲) جرایم علیه اموال، یا هدف کسب پول برای خرید ماده مخدر؛

۳) جرایم ناشی از بی‌احتیاطی.

باید اضافه کرد که تأثیر غیرمستقیم اعتیاد بر بزه‌کاری، در سطح جرایم ناشی از خرید و فروش خود مواد (مثل چهل گواهی‌های قانونی) نیز متجلی می‌گردد. بالاخره، استفاده از مواد مخدر ممکن است با رفتارهای منحرفانه دیگر (مانند همجنس‌گرایی، روسپیگری) یا با رفتارهای بدون انگیزه سودجویانه همراه باشد. مصرف مواد مخدر و بزه‌کاری؛ شیوه زندگی بخشی از جوانان را تشکیل می‌دهد. برای بسیاری از جوانان، استعمال مواد مخدر، یا یک بازی و تفریح است یا شیوهی برای اعتراض علیه لگوها و مقررات حاکم. شخصیت معتاد از جهاتی شبیه شخصیت مجرمانه است، لیکن «تجاوز» بزه‌کار علیه دیگری است، حال آنکه «تجاوز» معتاد به سمت خود وی جهت می‌گیرد.

ر.ک.

Alcoholism; Criminal personality; Criminal psychiatry; Deviance;  
Juvenile delinquency; Organized crime; Perversion; Victimless crime;  
Violence.

امیل دورکیم در سال ۱۸۵۸ در اپینال (فرانس) در یک خانواده کلیمی به دنیا آمد. خانواده وی تمایل نداشتند که امیل تحصیلات دینی را دنبال کند و یک شاخام شود. لیکن وی تحصیلات دانشگاهی کلاسیک و کار استادی را در دانشگاه‌های بوردو و بالاخره سوربن پاریس دنبال نمود. دورکیم بسیار مہین‌پرست بود و اعتقاد داشت که جامعه‌شناسی، رشته‌ای است که اسکان کمک به بازسازی فرانسه و تیز ایفاء نقش در آن را فراهم می‌آورد. وی به طور فرعی به مطالعات در قلمرو جرم‌شناسی پرداخت، لیکن پدیده منحرفانه خودکشی را در سال ۱۸۹۴ مورد مطالعه قرار داد. با مطالعه این پدیده بود که دورکیم مفهوم بی‌هتجاری - خلاء هتجاری - فقدان هتجارها (anomie) - را ابداع کرد؛ امری که مورد توجه جرم‌شناسان آمریکایی واقع شد. با توجه به این مفهوم، دورکیم رابطه بیش یا کم مستمری را که بین میزان شیوع خودکشی و نقش تنظیم‌کننده جامعه وجود دارد مشخص و روشن کرد. بدین‌سان، راه برای مطالعه کنش متقابل میان پدیده‌های اجتماعی و فرهنگ باز شد. در این دیدگاه بود که دورکیم مطالعه رهیافت بررسی بزهکاری، یعنی چگونگی مطالعه جرایم را آغاز کرد.

او در کتاب خود «قواعد روش جامعه‌شناختی»، جرم‌شناسی را به عنوان یک علم مستقل مطرح کرده است. وی می‌نویسد «ما وجود اعمالی را خراز می‌کنیم که همه آنها این خصیصه خارجی را دارند که به محض ارتکاب، وکنشی خاص، یعنی «کیفر» را از سوی جامعه برمی‌انگیزد. این اعمال را در یک گروه خاص مورد هم می‌آوریم و به آن یک عنوان مشترک می‌دهیم: هر عملی کیفرناز را جرم می‌نامیم و آن را موضوع یک علم خاص - جرم‌شناسی - قرار می‌دهیم». با این تعریف، وی کاروفالو را مورد انتقاد قرار داد. کاروفالو به جای گرد آوردن همه اعمالی دارای مجازات تحت یک عنوان واحد، به مطالعه بعضی از آنها، یعنی جرایم طبیعی اهمیت داده است (جرایم طبیعی «به بخش متوسط و ثابت احساسات اخلاقی افراد و جامعه لطمه وارد می‌کنند»). از این رو، «اعمالی که در جوامع بدوی عنوان جرم داشته، لیکن بعدها این وصف را از دست داده‌اند، همچنان نسبت به جوامع مزبور جنبه مجرمانه دارند، به مانند اعمالی که امروزه نیز به مجازات آنها ادامه می‌دهیم (جرایم علیه آداب و رسوم و سنت). در این شرایط، جرم به نظر دورکیم پدیده نابهتجاری (آنرمال) نیست، بلکه برعکس، دارای

خصیصهٔ بهنجار (نُرمال) است، جزء کاملی از هر جامعهٔ سالم است و بالاخره جرم زمانی که یک پیش‌بینی اخلاقی ناظر به آینده است مفید نیز خواهد بود. بنابراین، مجرم، یک عامل عادی و منظم در هر زندگی اجتماعی است. گابریل تارد (Tard)؛ قاضی فرانسوی، شدیداً با این مفهوم مخالفت ورزید.

از موضوع و نحوهٔ نگرش دورکیم به ماهیت جرم: آثار زیر ناشی می‌شود:

(۱) چون بزهکاری یک پدیدهٔ بهنجار است، بنابراین ناشی از علل استثنایی نیست، بلکه از خود ساختار فرهنگی‌ای که بزهکاری به آن تعلق دارد به وجود می‌آید.

(۲) چون بزهکاری، حاصل جریانهای بزرگ جمعی جامعه است، بنابراین وجود و روابط آن یا کل ساختار اجتماعی دارای خصیصهٔ «استمرار» است،

(۳) بنابراین بزهکاری باید، نه به خودی خود، بلکه همیشه در رابطه با یک فرهنگ معین در زمان و در مکان خاص خود، مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

این دیدگاه فرهنگی، جرم‌شناسی و جرم‌شناسان آمریکایی (مثلاً ساترلند و سلین) را شدیداً تحت تأثیر قرار داده است. لیکن آنچه که در نظریهٔ دورکیم قابل ایراد است، مقایسه و تشبیهی است که وی میان «استمرار جرم» که قبلاً کتبه به آن اشاره کرده است و «بهنجار بودن» آن انجام داد. در عین حال، او چنین تصریح کرده است که اگر جرم یک پدیدهٔ مربوط به جامعه‌شناسی عمومی (در مقابل جامعه‌شناسی انحراف) است، این امر سبب نمی‌شود که بگوییم «مجرم فردی است که از نظر زیست‌شناسی و روان‌شناسی، فردی ضییعی و عادی است؛ اینها دو موضوع «مستقل‌ند» با این قید، دورکیم معتقد است که اگر بزه یک بیماری است، کیفر یک راه‌کار درمانی است، لیکن اگر جرم هیچ شباهتی به بیماری ندارد و پدیدهٔ مرضی نیست، کیفر مربوطه نخواهد توانست نقش شفا‌بخنده را نسبت به آن داشته باشد. در نوشته‌ای تحت عنوان «دو قانون تحول کیفری» دورکیم به مطالعهٔ مجازات پرداخته است. به نظر وی قوانین تحولی مجازات به شرح زیر است:

(۱) زمانی که جامعه به یک گونهٔ پایین‌تر تعلق دارد و قدرت مرکزی دارای ویژگی مستبدتری است، شدت مجازات بیشتر است،

(۲) کیفرهای سالب آزادی صرف می‌تواند در ادوار زمانی متغیر، بر حسب شدت جرایم، به یک مجازات عادی تبدیل شود.

قانون دوم نشان می‌دهد که دورکیم اهمیت کافی برای جیشی که در اواسط سدهٔ نوزدهم در طرفداری از پروبایسون و تدابیر مشابه مطرح شد - جنبشی که قلمروی اجرای مجازات سالب آزادی را تقلیل می‌داد - قائل نشده است.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تأثیر دورکیم بر کیفرشناسی، به اندازه تأثیر افکار او بر جرم‌شناسی جامعه‌شناختی نبوده است.  
ر.ک.

Anomie; Conflict of cultures; Differential associations; Ferri;  
Garofalo; Probation and similar measures; Quételet; Social reaction;  
Tarde; Values.

\* \* \*

## نظریه اقتصادی

### Economic theory

#### (la) Théorie économique

در معنای وسیع کلمه، دو روش وجود دارد که از طریق آنها نظریه اقتصادی وارد قلمرو تجزیه و تحلیل جرم و مجازات شده است؛ نخستین روش مربوط است به تصمیم فردی برای ارتکاب جرم و دومی عبارتست از طراحی سیاست مقابله با جرم؛ به عبارت دیگر، مشخص کردن سطوح مجازات و تخصیص منابع به تشکیلات پلیس و دادگستری. نظریه‌هایی که مربوط به طراحی سیاست‌ها است، شامل نظریه تصمیم فردی به ارتکاب جرم نیز به عنوان جزء لاینفک خود می‌شوند.

رویگرد استاندارد علم اقتصاد در قبال ارائه سرمشق رفتاری، ترسیم فرد به عنوان موجودی است که تصمیم می‌گیرد چگونه عمل کند و این امر به پیامدهای احتمالی اعمال وی و فرصت‌های دیگری که در اختیار دارد بستگی پیدا می‌کند. رویکرد ارائه شده از سوی برخی نظریه‌پردازان اولیه مانند بکاریا و بنتام نیز همین بوده است. سدلک، نخستین جلوه این گونه نظریه‌ها به عنوان مدل ریاضی و رسمی رفتار مجرمانه، ظاهراً تا قبل از مقاله‌گیری. اس. بکر (G. S. Becker) اقتصاددان آمریکایی در سال ۱۹۶۸ با عنوان «جرم و کیفر: یک رهیافت اقتصادی» پدیدار نشد. در مدل بکر: فردی که درصد ارتکاب جرم است احتمال دستگیر شدن در صورت ارتکاب جرم و میزان مجازات را در صورت دستگیری و منافع حاصله را در صورت عدم دستگیری، محاسبه می‌نماید. وی در صورتی مرتکب جرم می‌شود که سود و فایده مورد انتظار از ارتکاب جرم، افزون بر فواید عدم ارتکاب آن باشد. سودمندی مورد



انتظار، از طریق اندازه‌گیری میزان فواید در هریک از دو صورت دستگیری و عدم دستگیری محاسبه می‌شود و اندازه‌ها عبارتست از احتمال هریک از دو حالت. بدین‌سان برای فرد، و چنانچه افراد را با هم جمع کنیم، برای کل جامعه، میزان ارتکاب جرم تابعی از احتمال دستگیری و نوع و میزان مجازات است (هزینه کیفری). این رویکرد را می‌توان به نحوی بسط داد که زمان‌بندی میان اعمال قانونی و اعمال غیرقانونی نیز در نظر گرفته شود. در این مدل‌ها می‌توان آثار احتمالی فقر، بیکاری و غیره را نیز بر جرم بررسی دقیق کرد. بررسی نحوه استفاده از اطلاعات آماری به منظور ارزیابی مدل‌های اقتصادی، موضوع روش اقتصادسنجی است. ارزیابی اقتصادسنجی مدل‌های رفتار مجرمانه، منجر به موضوعات بحث‌انگیز فزوانی (مثلاً در ارتباط با مجازات اعدام) شده و غالباً از این واقعیت غافل مانده است که آمارهای جنایی، اعداد و ارقامی است که به وسیله پلیس ثبت و ضبط گردیده و نشانگر رقم واقعی جرایم ارتكابی نیست. بدین ترتیب و به عنوان نمونه، رابطه مشاهده شده میان بیکاری و جرم، احتمالاً ممکن است از طریق بیکاری بیشتر، تبیین شود. این مسأله منجر به بسیج تعداد بیشتری از نیروهای پلیس می‌شود که آنان نیز به نوبه خود تعداد جرایم ارتكابی بیشتری را کشف و ثبت می‌کنند.

پس از طرح نظریات بکاریا و بنتام، پیکر در سال ۱۹۶۸ نگرش اقتصادی موصوف در ارتباط با رفتار مجرمانه را در چارچوب یک خطامشی قرارداد. در این مدل، دولت به انتخاب مجازات‌ها و نیز منابعی دست می‌زند که به پلیس و نظام قضایی اختصاص می‌یابد تا «تابع زبان اجتماعی» را که حاصل جمع زیان ناشی از جرم و هزینه‌های مربوط به بازداشت و مجازات است به حداقل ممکن برساند. به عنوان مثال، تلاش‌هایی صورت گرفته است تا نشان داده شود که این رویکرد اقتصادی ممکن است منجر به این نتیجه‌گیری گردد که مجازات یک جرم بایستی دقیقاً منطبق با خسارت وارده باشد؛ لیکن اعتراضات منطقی شدیدی نسبت به این رهیافت تعیین خطامشی، به عمل آمده است.

Beccaria; Bentham.

د.ک.

\* \* \*

Egocentrism

خودمحوری

(I<sup>o</sup>) Egocentrisme

احساس شخصیت که اساس رشد و پیشرفت فرد می‌باشد، ممکن است بزرگ شود و در

این صورت در قالب یک خودبینی یا خویش‌بینی یا خودمحوری بیش یا کم شدید ظاهر می‌گردد. خودبینی، مبتنی بر گرایش در نزد فرد است که همه چیز را به خود منتقل می‌کند و به خود نسبت می‌دهد. این گرایش جنبه ذاتی دارد، در طفل، تعمیم می‌یابد و از یک مرحله خودشیفتگی می‌گذرد. این فقط، مرحله‌ای از گسترش و رشد خودمحوری است و وقتی اجتماعی شدن فرد با شکست روبرو شد، خودخواهی کودکی (طفولیت) باقی مانده و استمرار می‌یابد. این دیدگاه‌های فروید به وسیله ژان پیاژه، روانشناس سوئیسی، در قالب مطالعه نقش و وظایف زبان کودکی تأیید شده است. وی زبان خودمحوری و خودخواهی را که بین ۳ تا ۵ سالگی و زبان اجتماعی را که بین ۷ و ۸ سالگی ظاهر می‌شود از هم تفکیک نموده است. زبان خودخواهی در کودک، با یک روحیه مبتنی بر انزام و فشار و دگرپروی که از طریق یک مسؤلیت عینی بیان می‌شود، منطبق است؛ حال آن که زبان اجتماعی با یک روحیه همکاری و استقلال که در قالب یک مسؤلیت ذهنی بیان می‌شود، منطبق است. علاوه بر اشتباهات آموزشی - پرورشی، تأثیرات اجتماعی دیگری وجود دارد که استمرار خودمحوری را توجیه می‌کند. توسعه شهرها زمینه «بی‌هنجاری» را مساعد می‌کند که به نوبه خود، رویه‌ها و نگرش‌های خودبنانه را برمی‌انگیزد. خودمحوری، در گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، نگرش‌های بزهکار را نسبت به خود (عدم توانایی در ارزیابی یک مسأله اخلاقی در غیر از دیدگاه شخصی خود، و کنش‌های مبتنی بر بی‌گناه بودن یا مشروع تلقی کردن رفتار خود) و نسبت به دیگری (رویه‌های انتقادی و معتمد کننده، احساس این که به وی بی‌عدالتی نشده است) مقید می‌سازد. خودمحوری همیشه توأم با کمبود یا فقدان هم‌حساسی و همدلی، یعنی بی‌تفاوتی عاطفی است. (این روحیه، قضاوتی را که نسبت به عمل احتمالی فرد صورت می‌گیرد تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ و بی‌تفاوتی عاطفی، مانع این احساس که ارتکاب آن عمل زشت است، می‌شود در زمینه حالت خصم‌ناک؛ خودمحوری برای شکل‌گیری حالت ارباب‌نابذیری بزهکار با بی‌ثباتی روانی جمع می‌گردد.

ر.ک.

Acting out; Affective indifference; Anomie; Criminogenic society;  
Dangerousness; De Greeff; Female criminality; Freud; Liability;  
Recidivism.

**Electroencephalography** موج‌نگاری الکتریکی مغز  
**(P) Electroencéphalographic**

الکتروانسفالوگرافی، روشی در زیست‌شناسی است که از آن به منظور ثبت تفاوت‌های قدرت الکتریکی که بین سلول‌های عصبی مغز به وجود می‌آید، استفاده می‌کنند در این روش که در سال ۱۹۲۹ به‌وسیله هانس برگر (Hans Berger) ابداع شد، از ضربق الکترودهایی که روی پوست سر قرز داده می‌شود، فعالیت الکتریکی مغز ارزیابی می‌شود. استفاده از این روش در روانپزشکی قانونی برای تشخیص صرع ضروری است و در درمانگاه جرم‌شناسی نیز مفید است.

ر.ک.

Criminal personality; Maladjustment; Medico-psycho-social examination.



**Endocrinology**

**شناخت غدد درون‌ریز**

**(P) Endocrinologic**

خاستگاه‌های این رشته تقریباً در همان زمانی است که جرم‌شناسی در حال تولد بوده است. بنابراین، جای تعجب نیست که لمبروزو به تأثیر غدد درون‌ریز بر رفتارهای ضداجتماعی اشاره کرده باشد. جانشینان معاصر لمبروزو، دی‌تولیو (Benigno di Tullio) و به ویژه پنشه ایتالایی (N. Pende) نیز سعی کرده‌اند همبستگی‌های سیمایی - روانی - غددی را کشف کنند.

مح‌الوصف در دومین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی (پاریس، ۱۹۵۰)، پنشه پذیرفت که از یک سو، گونه‌شناسی غددی ممکن است به طور نسبی «چگونگی ارتکاب جرم و نه چرایی ارتکاب آن را بیان کند»، و از سوی دیگر «یک آسیب‌غده‌ای هرگز نمی‌تواند به تنهایی، بدون کمک عوامل مغزی، علت تعیین‌کننده یک جرم باشد».

تحقیقات به عمل آمده درباره روابط هیپوگلیسمی و بزهکاری اجازه داد تا به نقش

مجموعه‌های سلولی پانکراس (خاوی مقادیر زیادی انسولین) که به کاهش میزان قند خون و بنابراین به ایجاد نیاز شدید فرد به غذا، و به ویژه شیرینی کمک می‌کنند و او را به سمت ارتکاب جرایم خلافی از قبیل تخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی، بی‌عفتی‌های علنی، عورت‌نمایی، فحاشی و گاه سرقت سوق می‌دهند، پی برده شود.

به همین جهت، در مرحله مشاهده بالینی، بررسی‌های غده‌شناسی برای تکمیل آزمایشها ضروری است. از نظر درمانی، ممکن است مداوای هورمونی در مورد بعضی بزهکاران جنسی به کار رود.

Medico-psycho-social examination; Rape; Treatment. ر.ک.

\* \* \*

## Environmental prevention

## پیشگیری محیطی

### (la) Prévention par l'aménagement du cadre matériel

پیشگیری محیطی، عنوان یکی از مکاتب فکری است و مبتنی بر تصدیق و شناخت این واقعیت است که پیشگیری از وقوع جرم از طریق تجدید آرایش ساختار اصولی صحنه فیزیکی‌ای که جرم در آن به وقوع می‌پیوندد، به منظور جلوگیری، جایجایی و با غیرضروری یا غیرممکن نمودن وقوع آن، آسان‌تر از آن است که رفتار تک‌تک مرتکبین را ابتدائاً تحت فاعده و نظم درآوریم. البته کاربرد این روش، محدود است. زیرا وجود ویژگی‌های خاص (و قابل تغییر) محیطی، برای تسویق یا تسهیل ارتکاب بسیاری از جرایم ضرورت ندارد.

برخی جرم‌شناسان، روشی را مورد توجه قرار داده‌اند که در آن، طراحی و معماری می‌تواند بر نرخ ارتکاب جرم تأثیر گذارد؛ استدلال آنان این است که فقدان «فضای قابل دفاع» در معماری می‌تواند موجب رواج بزهکاری و خرابکاری شود. فضاهایی از ساختمانها و محوطه آنها که هم موجب افزایش حس مالکیت شده و هم به آسانی توسط ساکنان آن قابل کنترل و مراقبت است، موجب تقلیل نرخ بزهکاری می‌شود. رویارویی و مقابله دیگری به غیر از روش معماری نیز قابل طرح می‌باشد. این رویارویی در ارتباط با تقویت آماج‌های جرم بوده و مبتنی بر پیش‌بینی این فرض است که مجرمان، آماج‌های آسان را که دارای قفل‌ها، موانع و زنگ‌های خطر کمتری باشند، ترجیح می‌دهند.

ر.ک.

Area Studies; Criminal policy; criminal prophylaxis; Deterrence  
Displacement of criminality; Target hardening.

\* \* \*

Ethnicity

قومیت

(1) Ethnicité

هیچگونه دلیل ذاتی و طبیعی که نشان دهد اصولاً چرا وضعیت و شرایط قومی، بایستی با جرم رابطه نزدیک داشته باشد وجود ندارد. در عین حال، عضویت در یک اقلیت قومی ممکن است به سه صورت عمده، احتمال آلودگی به ارتکاب جرم را افزایش دهد:

(۱) در صورتی که معیارهای متفاوت با حالت عادی و رفتار قابل قبول (ناشی از یک فرهنگ متفاوت) کاملاً تحت کنترل فرهنگ حاکم باشد.

(۲) در صورتی که گروه اقلیت در یک وضعیت اجتماعی و اقتصادی نامطلوب قرار داده شده باشد و بنابراین، به ویژه محکوم به عدم برخوردارگی از آموزش و پرورش، از یک سو و فقر و بیکاری، از سوی دیگر باشد.

(۳) در شرایطی که گروه اقلیت، با برجسب جهل و تعصب روبرو می‌شوند و اعضای آن دائماً به عنوان «سپر بلا» انتخاب می‌شوند.

تحریک و سرزنش توأم با هم، ناگزیر منجر به انتقام‌گیری می‌شود؛ امری که به عنوان توجیه تعصب شناخته می‌شود. گروههای قومی بسیار مشهود (با زبان یا رنگ پوست متفاوت) در این ارتباط، بیش از آنهایی که شباهت زیادتری به اعضاء فرهنگ حاکم مقابل دارند، رنج می‌برند. اگر بپذیریم که هر یک از دلایل، برای آنکه گروههای قومی عملاً مرتکب جرایم بیشتری شوند کافی است، در این صورت روشن است که چنانچه پای مسائل دیگر، از جمله معیارهای سیاسی و اخلاقی نیز به میان آید، استنباط و تحلیل مسأله باز هم پیچیده‌تر خواهد شد.

Conflict of cultures; Criminal sociology; Criminology.

ر.ک.

\* \* \*

## Exemplary sentences

## مجازات‌های عبرت‌آموز

## (les) Peines exemplaires

اینگونه کیفرها عبارتند از مجازاتی‌هایی شدیدتر از آنچه که باید مورد حکم قرار گیرد، با این هدف که مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم مشابه بازداشته شوند. عقیده بسیاری از صاحب‌نظران بر این است که قضات نباید از میزان مقرر در تعرفه‌های قانونی در ارتباط با جرم مضروحه تجاوز نمایند. عدلک، نمونه‌های متداولی وجود دارد که نشان می‌دهد آنان هنگام برخورد با سبیل جرایم، به صدور احکامی شامل اینگونه مجازات‌ها مبادرت می‌کنند؛ با این وصف، میزان و چگونگی تأثیر این روش در قلمرو عبرت‌آموزی هنوز به خوبی روشن نشده است.

Penology

ر.ک.

\* \* \*

## Experiment

## آزمایش و تجربه

## (l') Expérimentation

واژه «آزمایش» غالباً به طور آزاد و غیردقیق به هرگونه کنش اجتماعی‌ای (به ویژه از نوع ابتکاری) اطلاق می‌گردد که آثار نهایی آن قطعی و روشن نیست. با توجه به این تعریف، غالب روش‌های مطالعه جرایم، ماهیتاً از نوع آزمایشی و تجربی هستند. از سوی دیگر، معنای فنی آزمایش عبارتست از تلاش منظم برای کشف اثر متغیرها در یک عامل (متغیر مستقل) بر عامل دیگر (متغیر وابسته). در یک آزمایش، پژوهشگر بر متغیر مستقل کنترل دارد. در یک آزمایش تصادفی، پژوهشگر از طریق شمارش تصادفی بر متغیرهای خارجی نیز کنترل دارد. با بیان یک مثال خاص می‌توان به ساده‌ترین روش، ماهیت آزمایش را شرح داد. گروهی از پژوهشگران انگلیسی در سال ۱۹۷۹ بر آن شدند تا تأثیر نسبی دو گونه از تصمیمات محاکم - یعنی تعلیق رسیدگی و نظارت از طریق مددکاری اجتماعی - را در برخورد با مدرسه‌گریزی ناشن‌آموزان مطالعه نمایند. آنان آزمایشی را به مرحله اجرا درآوردند که در آن، دانش‌آموزان مدرسه‌گریز توسط قضات دادگاه صالح و با توجه به یک جدول اعداد تصادفی، مشمول تعلیق رسیدگی یا نظارت قرار می‌گرفتند. در طول یک دوره (یک‌گویی) شش

ماهه: گروه تحت نظارت، بیش از بقیه مرتکب مدرسه‌گریزی شده و به جرایم بیشتری نیز دست زده بودند. این امر نشان دهنده این واقعیت بود که تعلیق رسیدگی، انتخاب موثرتری در پیشگیری از مدرسه‌گریزی و بزهکاری است.

در این مثال، متغیر مستقل عبارت بود از نوع انتخاب و تصمیم. متغیر وابسته اصلی، مدرسه‌گریزی بود و متغیر وابسته دومی نیز وجود نداشت؛ میزان بزهکاری. گمارش تصادفی بدین معنا بود که گروه‌های مشمول تعلیق و تحت نظارت، از نظر عوامل خارجی‌ای که ممکن است در ارتباط با مدرسه‌گریزی و بزهکاری باشد (از قبیل سن، جنس، طبقه اجتماعی و نحوه تحصیل) و نیز از نظر عواملی که ممکن است به عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌های محاکم در شرایط عادی و کنترل نشده، مورد استفاده قرار گیرد یکسان بودند (در محدوده نوسانات آماری). بدین ترتیب، تفاوت‌های بعدی در میزان مدرسه‌گریزی و بزهکاری، بایستی به نوعی به واسطه تصمیمات متفاوت به وجود آمده باشد.

آزمایش تصادفی، بهترین روش تحقیق و بررسی بی‌طرفانه اثر یک عامل بر عامل دیگر است. یکی از معروف‌ترین اینگونه آزمایش‌ها در کشور آمریکا و در خصوص پیشگیری از بزهکاری صورت گرفته است. در این آزمایش ۲۲۵ جفت پسر بچه براساس ظرفیت و استعداد بزهکاری درجه‌بندی شده، با یکدیگر هم‌تا شدند و یک عضو از هر جفت به طور تصادفی انتخاب گردید تا توسط مشاورانی، کمک و مساعدت ویژه شوند. این کمک ویژه، به طور متوسط ۵ سال به طول انجامید. معذکاه، سی سال پس از پایان برنامه، پسر بچه‌های گروه آزمایش و پسر بچه‌های گروه شاهد، از نظر جرایم ثبت شده، تفاوت چشمگیری با یکدیگر نداشتند.

Methodology.

رک.

\* \* \*

Extraversion, Introversion

برون‌گرایی، درون‌گرایی

(I<sup>+</sup>) Extraversion, (I<sup>-</sup>) Introversion

این عنوان، یکی از ابعاد اصلی نظریه جامع آیزنک (Hans. J. Eysenck)، مؤلف

انگلیسی کتابهای «جرم و شخصیت» و «رساله روانشناسی رفتار غیرعادی» در ارتباط با

شخصیت است. ابعاد دیگر نظریه مزبور عبارتست از رون‌رنجور خوبی و روان‌پریشی‌گرایی. تمامی این سه بُعد، به‌وسیله یک پرسش‌نامه شخصیتی خودآزما که حاصل آن، بر مبنای نمرات کمی است اندازه‌گیری می‌شود. حداکثر ابعاد، برون‌گرایی و درون‌گرایی نامیده می‌شود. کسی که در برون‌گرایی، حداکثر امتیاز را به دست آورد، دارای تظاهرات جامعه‌گرایی، فعالیت، خوش‌بینی، جنب و جوش و رفتارهای تحرک‌پذیر بوده و کسی که در برون‌گرایی، نمرات کمی داشته باشد، دارای عکس این حالت است.

برون‌گرایی با سطح کلی انگیزش مغزی، مرتبط دانسته می‌شود و افراد برون‌گرا دارای سطح بالاتری از انگیزش مغزی در مقایسه با درون‌گراها هستند. این نظریه تأکید می‌نماید که قدرت و سرعت یادگیری برون‌گراها اصولاً بایستی کمتر از درون‌گراها باشد. این امر شامل انواع یادگیری، از جمله یادگیری قواعد اجتماعی است و بدین ترتیب، میان برون‌گرایی و جرم، یک ارتباط محتمل وجود دارد. به نظر آیسنک قواعد اجتماعی از طریق مجازات رفتارهای ممنوعه، آموخته می‌شود؛ فرآیندی که «شرطی کردن اجتنابی» نامیده می‌شود. در شرایط مساوی، هر قدر که فرد، برون‌گراتر باشد مطلوبیت یادگیری رعایت قوانین توسط او کمتر خواهد بود. بدین‌سان، این دسته افراد چه خردسال و چه بزرگسال، مرتکب اعمال غیرقانونی بیشتری خواهند شد.

این پیش‌بینی که زندانیان، برون‌گراتر از گروه مشابه در خارج از زندان‌اند، مورد تأیید قرار نگرفته است. چنین استدلال شده است که نمونه‌های زندان، برای آزمون نظریه مزبور نامناسب‌اند؛ تحریک‌پذیری، عامل کمک‌کننده بزرگی، هم برای برون‌گرایی و هم برای دستگیر شدن فرد محسوب می‌شود؛ زندان، اجازه اختلاط اجتماعی زیاد را نمی‌دهد و بدین علت دارای اثر درون‌گرایانه بوده، هرگونه تفاوت ابتدایی میان زندانیان و افراد خارج از زندان را کاهش می‌دهد. بسیاری از بررسی‌های به عمل آمده نشانگر ارتباط متقابل مثبت و مهمی میان برون‌گرایی و جرم است که توسط خود فرد به مراجع مربوط گزارش می‌شود (هر قدر که فرد، برون‌گراتر باشد میزان جرم ارتكابی کشف شده او نیز بیشتر خواهد بود). معذک هنوز هم می‌توان گفت که برون‌گراها بیش از درون‌گراها ممکن است به جرم خود اعتراف نمایند و بدین ترتیب هنوز هم نقاط ابهام قابل ملاحظه‌ای در این خصوص وجود دارد. در مجموع می‌توان گفت که متغیرهای شخصیتی آیسنک از قبیل برون‌گرایی، سهم کوچک لیکن مهمی در یک نظریه جامع در ارتباط با جرم ایفا می‌کند.



مسأله بزهکاری زنان و روسپیگری، از جایگاهی که در جامعه به زن داده شده یا توسط خود وی کسب شده است، غیرقابل تفکیک است. به عنوان مثال شرایط زن در جوامع سنتی، با شرایطی که زن در جوامع غربی در سده‌های نوزدهم و بیستم و بیست و یکم دارد قابل مقایسه نیست.

مشکل اساسی در مطالعه بزهکاری و روسپیگری (تن‌فروشی) زنان عمدتاً به وضعیت حقوقی روسپیگری مربوط می‌شود که برحسب اعصار و کشورهای مختلف متغیر است. روسپیگری در بسیاری از کشورها جرم تلقی می‌شود، حال آنکه برخی از نظام‌های حقوقی، همچون نظام حقوقی فرانسه، آن را جرم نمی‌دانند. به این دوگانگی حقوقی، ابهام و دوگانگی جرم‌شناختی نیز اضافه می‌شود: به اعتقاد لمبروزو، روسپیگری در نزد زنان همانند سرقت مُزین (مکرر) در مردان است، امروزه اعتقاد بر این است که روسپیگری، بیش از یک پدیده انحرافی است که ناشی از آسیب‌شناسی اجتماعی می‌باشد.

افزون بر روسپیگری، بزهکاری زنان چهار خصوصیت دارد:

۱) میزان و سهم کم بزهکاری زنان در پدیده مجرمانه، ۲) خاص بودن بزهکاری زنان، ۳) تمایل زنان به معاونت در جرم و ۴) میزان کم تکرار جرم در زنان بزهکار. از این چهار خصوصیت، فقط ویژگی اول هنوز کاملاً وجود دارد؛ یعنی درصد کم زنان در میان بزهکاران شناخته شده، یعنی «بزهکاری قانونی» یا «بزهکاری ظاهری». رقم سیاه در بزهکاری زنان ممکن است قابل توجه باشد (سرقت از فروشگاه‌های بزرگ، سرقت‌های زنانه و...).

در عوض، سایر خصوصیات بزهکاری زنان، امروزه در حال از بین رفتن است. مثلاً، میزان طفل‌کشی و مسموم کردن که از جمله جرایم زنانه محسوب می‌شوند یا به سطح پائینی تنزل پیدا کرده است، یا به لحاظ جرم‌زدایی از سقط جنین در برخی کشورها، دیگر در آن کشورها جرم تلقی نمی‌شود. در خصوص تمایل زنان به معاونت در جرم، این تمایل فقط در قلمرو جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی صادق است و بالاخره در خصوص تکرار جرم، میان بزهکاری زنان و بزهکاری مردان شباهت وجود دارد. حال باید به تبیین کم بودن زنان در مقوله بزهکاری و شکل‌گیری شخصیت زنانی که بزهکار می‌شوند پرداخت:

کم بودن تعداد زنان بزهکار، بیشتر از طریق عوامل جامعه‌شناختی توجیه می‌شود. کاری‌بو

(R. Cario)، استاد دانشگاه پو (فرانسه)، براساس نظریهٔ نقش‌های اجتماعی افتراقی (متفاوت) افراد معتقد است که انزوای اجتماعی زنان و رسالت تربیت اطفال توسط آنان، دو دلیل اصلی کم بودن موارد بزهکاری زنان را تشکیل می‌دهد. لیکن در این نظریه، به جنبه‌های زیست‌شناختی و روانشناختی بزهکاری زنانه توجه نشده است. در تاریخ جرم‌شناسی، همواره با این نظر روبرو می‌شویم که در طبیعت زنانه، استعداد‌های مجرمانهٔ کمتری نسبت به طبیعت مردان وجود دارد. این همان عقیده‌ای است که لمبروزو با این جمله که «زن دارای تیپ مجرمانه نیست» اعلام کرده بود. دختر لمبروزو به نام جینا (Gina) در کتاب خود تحت عنوان «روح زن» (۱۹۲۹) بر دیگریمنی زنانه تأکید کرده است.

مسئلهٔ شکل‌گیری شخصیت زن مجرم نیز واجد اهمیت بسیاری است. لمبروزو تحول فیزیولوژیکی زن، یعنی بلوغ، عادت ماهیانه، حاملگی و پائستگی را که زمینه‌ساز ایجاد اختلال در تعادل وی می‌باشد، مطرح کرده است. جینا لمبروزو به تباهی و انحراف غریزی زن که از نوع آسیب‌شناختی است اشاره می‌کند. روبر کاریو معتقد است زنانی که وی در زنان زن (در فرانسه) مطالعه کرده است، شخصیت مجرمانه را به دنبال شرایط زندگی کارگری (پرولتاریایی) که مانعی در سر راه جامعه‌پذیر شدن آنان بوده است، کسب کرده‌اند.

در مورد بزهکاری زنان، باید به نقش حیاتی مادر در شکل‌گیری شخصیت بعضی مجرمین و ناسازگاران نیز اشاره کرد: اعتیاد به الکل، روسپیگری مادر و اذیت و آزار اطفال به‌وسیلهٔ مادران، در این میان دارای تأثیر حیاتی است.

رک.

Criminal personality; Deviance; Hereditary and personal backgrounds; Infanticide; Lombroso; Maladjustment; Poisoning.

\* \* \*

Ferri (Enrico)

(1856-1929)

فرزی (انریکو)

(۱۸۵۶-۱۹۲۹)

انریکو فرزی، استاد حقوق، وکیل دادگستری، سیاستمدار و جامعه‌شناس ایتالیایی، یکی از سه بنیانگذار جرم‌شناسی علمی محسوب می‌شود. وی در سال ۱۸۸۱، کتاب خود را با عنوان «افق‌های نوین حقوق و آیین دادرسی کیفری» به چاپ رسانید ولی در چاپ دوم، به لحاظ

محتوای جرم‌شناختی - جامعه‌شناختی آن، عنوان اثر را به جامعه‌شناسی جنایی تغییر داد. وی در این کتاب، با استفاده از آمارهای جنایی فرانسه، بزهکاری را مطالعه کرد و سعی نمود «قوانین» حاکم بر تحول بزهکاری، روابط آن با تمدن معاصر و روابط خودکشی و قتل عمد را مشخص کند.

در مورد تحول بزهکاری، فزی نشان داد که بزهکاری شامل تعداد معینی از جرایم می‌باشد که تا زمانی که شرایط عادی بر زندگی اجتماعی حاکم است، با ترتیب و نظم معینی ارتکاب می‌یابد (قانون اشباع جنایی). لیکن اختلال‌های تصادفی در زندگی اجتماعی این نظم را تغییر می‌دهند (قانون فوق‌اشباع جنایی). تمدن معاصر با این خصوصیه همراه است که بزهکاری، بیش از پیش، از اشکال خشونت‌آمیز (یعنی جرایم مبتنی بر اعمال آشکار زور) به اشکال تروپور و حيله‌آمیز (جرایم مبتنی بر تفکر و محاسبه) تبدیل می‌شود و از حالت نوسانی صعودی به حالت مُزمن و ثابت درمی‌آید. در خصوص ارتباط خودکشی با قتل، فزی معتقد بود که خودکشی، سوایب اضمینان و جایگزینی برای قتل است؛ و هر جا که تعداد موارد خودکشی زیاد است، تعداد قتل کم است و برعکس.

در جرم‌شناسی عمومی، فزی بزهکاران را به پنج طبقه تقسیم کرده است: دیوانه، مادرزاد، به عادت، اتفاقی و احساسی (عشقی، هیجانی). فزی به تیم مجرمانه لمبروزو نام مجرم «مادرزادی» را داد و در زمینه علت‌شناسی جنایی به کُنش متقابل بین عوامل جرم‌زا اشاره کرد. وی از مدافعان سیاست جنایی اثباتی (تحقیقی) بوده؛ یعنی بر شکست جنبه عبرت‌آموزی مجازات و نیز تمایل خود برای «جایگزین‌های کیفی» یعنی اقدام‌ها و ندابیر پیشگیرانه وضعی - اجتماعی تأکید کرد. وی برنامه وسیعی در زمینه پیشگیری اجتماعی از بزهکاری که ملهم از اعتقادهای «سوسیالیستی» وی بود، تدوین نمود. در مقابل انتقادهای شدید علیه اعتقاد او مبنی بر اینکه آزادی نراده، تخریبی از مشاهده روانشناختی ذهنی بیش نیست، وی کاربرد روش مشاهده و آزمایش (تجربه) را پذیرفت.

افکار فزی در پایان زندگی او بر تدوین قانون مجازات ایتالیا تأثیر گذاشت. وی معتقد بود که به استثناء موارد آسیب‌شناختی، ابتدا باید مجازات اجرا گردد و پس از آن، مرحله اجرای اقدامات تأمینی با مدت نسبتاً نامعین شروع شود.

ر.ک.

Criminal policy; Criminal prophylaxis; Criminal sociology; Criminal statistics; Criminology; Penal philosophy; Social defence.

## مطالعات پیگیر در زمان

## Follow-up studies

## (les) Etudes suivies de cas

مطالعات نقاب‌ی یا پیگیر در زمان بزهکار، به بررسی دقیق وقایعی می‌پردازد که در مورد یک گروه از مجرمین، در طول یک دوره زمانی اتفاق می‌افتد. منشاء این بررسی‌ها، تمایل به ارزیابی بلندمدت اثر برنامه‌های اصلاح و درمان نهادی (داخل زندان) بزهکاران پس از آزادی آنان از زندان و نیز پیش‌بینی جرائم آتی آنان است. پیشگامان این گونه مطالعات، گلوکها (Sheirton and Eleanor Glueck)، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان آمریکایی و نویسندگان کتاب «تحلیل و تشریح بزهکاری اطفال» در ۱۹۵۰ هستند.

## Longitudinal research

ر.ک.

\* \* \*

## تقلب

## Fraud

## (la) Fraude

عنصر اصلی تقلب عبارتست از استفاده از نظواهرات غیرواقعی برای دستیابی به یک امتیاز غیرعادلانه یا صدمه زدن به حقوق یا منافع دیگران. آن جنبه از تقلب که بیش از بقیه، مستلزم مطالعه از سوی جامعه‌شناسان است، نحوه اعمال اقتصادی آن از نظر طبقه اجتماعی است. این بحث که چنین تبعیضی در تعقیب و مجازات برخی از مرتکبین تقلب و عدم تعقیب برخی دیگر وجود دارد، در تحلیلی که توسط ارگان‌های غیرپلیسی در انگلستان و ویزا به عمل آمده، به صورت جدی مطرح شده است. در نتیجه، مشخص گردید که سازمانها و اداراتی از قبیل اداره دارایی (در ارتباط با مؤدیان مالیاتی) و اداره بهداشت (مربوط به اصناف) نوعاً با تقلبات، به روشهایی غیر از روش تعقیب کیفری برخورد نموده و ترجیح می‌دهند که به شیوه ترغیب و تشویق، آموزش و حل و فصل مسائل از طریق مذاکره، وارد عمل شوند. در مقابل، اداره بهداشت و تأمین اجتماعی (که افراد دریافت‌کننده کمک‌های رفاهی را تحت پوشش دارد) تقلبات افراد را بدون تردید واجد وصف «مجرمانه» می‌داند که بایستی از طریق مکانیزمهای بازدارنده و انتقالی پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات کیفری، تعقیب شود.

ارتباط میان قدرت سیاسی، از یک سو و قانون و اجرای آن، از سوی دیگر، مرکز ثقل جامعه‌شناسی رادیکال است. ارتکاب انواع تقلب، زمینه بسیار سودآوری برای بروز این ارتباط است؛ زمینه‌ای که امکانات آن فراوان و بی‌شمار است. به عنوان مثال، در صنعت بیمه از مفهوم «خطر اخلاقی» استفاده می‌شود که براساس آن، افراد به مثابه ریسک‌های بندی شناخته می‌شوند که وقتی تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند به احتمال زیاد ادعاهای متقلبانه‌ای در مقابل بیمه‌گران (شرکت‌های بیمه) به عمل می‌آورند. مفهوم خطر اخلاقی در تعقیب کیفری تقلب نسبت به مقررات بیمه، نیازمند مطالعه تجری است.

تقلب نسبت به رایانه و ماشین‌های حسابگر به عنوان جرمی که موارد وقوع و اهمیت آن روز به روز رو به افزایش است، نیازمند توجه خاصی است. ما در برهه‌ای قرار داریم که به نظر می‌رسد نوآوری‌ها بر فرآیند کشف و تحقیق، در حال پیشی گرفتن است. به گفته برخی، مسأله جرایم رایانه‌ای عمدتاً به معنای شکست قانونگذاران، حقوق‌دانان و دانشکده‌های حقوق در انطباق خود با نیازهای محیط و جامعه در حال تحول است.



Free will

آزادی اراده

(le) Libre arbitre

در اصطلاح فلسفی، مفهوم آزادی اراده عبارتست از انتخاب اعمال، و در مقابل موقعیت‌هایی قرار دارد که در آن، افراد، تحت اجبار عمل می‌نمایند. این امر بیان معنا نیست که همه افعال، ناشی از تصمیم‌گیری‌های منطقی است یا افراد، از تأثیرات نیرومند خارجی بر رفتارشان آزادند (یا می‌توانند باشند). معنای ضمنی این مفهوم آن است که انسانها از قواعد رفتاری خاصی پیروی کرده، قادر به شناخت موقعیت‌هایی هستند که قواعد مزبور به کار می‌رود و نیز قادر به تصمیم‌گیری نسبت به این امرند که کدامیک از این قواعد را رعایت نمایند. در زندگی روزمره، بسیاری اعمال، ناشی از انگیزه‌های نامطلوب است (مثلاً «انتخاب بین دو امر منفی»)، ولی این نوع از اجبار را می‌توان از اعمالی که تحت فشار فیزیکی یا نیاز فیزیکی صورت می‌گیرد متمایز نمود. مشکل اصلی دکترین آزادی اراده (از نظر فلسفی و جرم‌شناختی)، در مواردی مطرح می‌شود که فاعل، مدعی است که به واسطه نیازهای شدید،

چه در رابطه با موقعیت‌های خارجی و چه در رابطه با فشارهای روانی درونی مجبور به ارتکاب عمل شده است. از آنجا که پیروزی و قانون، جنبه مهمی از رفتار محسوب می‌شود، از شهروندان انتظار می‌رود که جز در شرایط استثنایی از انجام اعمال غیرقانونی اجتناب ورزند. در حالی که قواعد حاکم بر ادعای جنون، از نیمه اول سده نوزدهم به این سو تقریباً ثابت مانده است و عمدتاً در ارتباط با توانایی شناخت کاربرد قوانین در شرایط خاص است، اشکال مختلف تخفیف اهمیت جرایم، تدریجاً این نکته را از ذهن زدوده است که مجرمین همیشه آزاداند و از روی انتخاب مرتکب جرم می‌شوند. یکی از پیامدهای متناقض تحمیل این عوامل به موارد مهم، در پیوند با تفسیر مضیق عنصر معنوی در موارد کم‌اهمیت‌تر، آن است که مجازات انواع خاصی از قتل عمد و تجاوز به عنف بعضاً کمی شدیدتر از مجازات جرایم کم‌اهمیت علیه اموال خواهد بود. از میان این جرایم، سرقت از فروشگاهها، مثال متداولی است. زیرا بخش ثابتی از این جرایم توسط افراد میان‌سالی (معمولاً زنانی) ارتکاب می‌یابد که پیشینه رفتاری سجرمانه ندارند.

Determinism.

ر.ک.

\* \* \*

Freud (Sigmund)

(1856-1939)

فروید (زیگموند)

(۱۸۵۶-۱۹۳۹)

نخستین دست‌آوردهای این پزشک اتریشی و پایه‌گذار علم روان تحلیل‌گری (روانکاوی)، به سال ۱۸۹۵ باز می‌گردد که مربوط به روانشناسی (روان‌نژندها، نورزها) است. به اعتقاد فروید، ریشه‌های روان‌نژندی و روان‌آزدگی در تضاد شهرت‌طلبانه پنهان قرار دارد که خاستگاه آن در طفولیت است و در بزرگسالان، در قالب شکل‌های استتاری، تجلی پیدا می‌کند. بعد از جنگ اول جهانی، فروید آورده خود را تکمیل کرد: به اعتقاد او ریشه روان‌نژندی‌های ناشی از جنگ که مبتنی بر ترس ناخودآگاه و خودآگاه است، در علاقه جنسی سرکوب شده، نیست. فروید در کتاب «ورای اصل لذت» (۱۹۲۷)، غریزه زندگی و غریزه مرگ را در مقابل هم قرار داد که بعدها وی را به سمت مطالعه درباره مفهوم غریزه نابودی یا غریزه پرخاشگری هدایت کرد.

فروید مخالفین زیادی در جرم‌شناسی دارد، لیکن نظرات وی پیرامون مفهوم شخصیت (به عنوان یک سازمان و مجموعه پویا با سه مؤلفه تشکیل دهنده آن یعنی نهاد، من و من برتر) و فرآیند شکل‌گیری شخصیت که از اصل لذت‌طلبی به اصل واقعیت‌گرایی منتهی می‌شود، به تدریج در جرم‌شناسی شکل گرفته و تثبیت شده است. امروزه روش فروید در مورد مداوا، الهام‌بخش تمداد زیادی از تکنیک‌های اصلاح بزهکاران است.

ر.ک.

Adler; Criminal; personality; De Greeff; Instincts; Jung; Psychoanalytic criminology; Treatment.



## Frustration

## ناکامی

### (la) Frustration

هنگامی که تلاش یک فرد برای دستیابی به هدف خاصی، به هر دلیلی با شکست روبرو شود، نتیجه امر، یک حالت عدم آرامش ذهنی است که تحت عنوان «ناکامی» یا محرومیت خوانده می‌شود. نظر به پردازان اولیه بر این اعتقاد بودند که ناکامی، ناگزیر به تهاجم و خشونت می‌انجامد (و بالمکس، تجاوز به دنبال خود، ناکامی می‌آورد). یافته‌های جدید نشانگر آن است که وضعیت، بسیار پیچیده‌تر از این است. عمل تجاوزگرانه‌ای که به سمت هدف اصلی و اولیه، نشانه می‌رود تنها یکی از پیامدهای ممکن و محتمل است. بی‌آورد‌های دیگر ناکامی شامل افزایش انواع فعالیتها و نیز احساس درماندگی توأم با عدم هرگونه واکنش است. مورد اخیر، امروزه بسیار مطرح است. زندگی در مناطق مرکزی شهرهای بزرگ ممکن است انتظار حصول نتایج تشویق‌آمیز برای «تلاش سخت‌تر» را چنان کاهش دهد که شهروندان، در ورطهٔ یک وضعیت بی‌احساس (به زبان رفتاری، عدم واکنش) درگلتند.

عوامل تعیین‌کننده کاهش یا افزایش فعالیت، شامل موفقیت یا شکست تلاشهای قبلی (چه از سوی خود فرد و چه از سوی دیگرانی که او می‌شناسد) در غلبه بر موانع، و محرومیت نسبی ناشی از تجربه‌های ناموفق قبلی است. چنانچه مسائل به خوبی پیش رفته باشد، محدودیت و وقفه در جریان پاداش‌ها می‌تواند به واسطهٔ صراحت مخالفت، بسیار نگران‌کننده‌تر از ناکامی‌ای باشد که تنها یکی از ناکامی‌های بسیار زیاد فرد به شمار می‌رود. عامل

تعیین‌کننده مهم دیگر، مقایسه میان خود و دیگرانی است که از نظر شرایط و اوضاع و احوال، مشابه فرد محسوب می‌شوند. اگر تعداد بسیار کمی از همدردیان فرد، در تلاش‌هایشان با مانع روبرو شوند، یک مورد ناکامی منجر به تهاجم و تجاوز می‌شود به نحوی که یک پاسخ تهاجمی در اجرای کاری که در دست انجام است از نظر فرد مهاجم، مؤثر می‌نماید؛ امری که نشانگر اهمیت تحلیل فرد از میزان تأثیر مجموعه توان پاسخگویی اوست. به طور خلاصه، ناکامی به احتمال فراوان، بیشتر در افرادی موجب تهاجم می‌شود که رفتار تجاوزکارانه را آموخته‌اند و نیز افرادی که تهاجم برایشان دارای ارزش کنزکردی است.

انسان‌ها در محیط‌های اجتماعی خاصی رفتار تجاوزگرانه را می‌آموزند که ارائه دهنده مدل‌هایی برای اینگونه رفتارها و فراهم‌کننده موقعیتهایی برای تقنین موفقیت‌آمیز آنها است. ناکامی، تنها یکی از عوامل مؤثر بر آشکار شدن تهاجم است، نه الزاماً مهم‌ترین آنها. بنابراین ناکامی دارای درجه‌ای از اهمیت (و با احتمالاً اهمیتی محدود) در تبیین جرایم علیه اشخاص، از قبیل انواع مختلف ایرد ضرب و جرح است.

Aggressiveness.

ر.ک.

\* \* \*

## Gangs criminality

## بزهکاری گانگ‌ها

### (la) Criminalité des gangs

معادل واژه گانگ را می‌توان دسته، گروه، باند، اکیپ و جوخه دانست. لیکن این واژه و مشتقات آن چون گانگستر و گانگستریسم، معنای قویتری از بزهکاری به صورت باند و دسته‌جات داشته و از آنها، اندیشه جرایم شدید که همراه با خشونت است مستفاد می‌شود. تا قبل از تحقیق H.M. Trasher، که در سال ۱۹۲۷ به صورت کتابی تحت عنوان «گانگ» منتشر گردید، گانگ‌ها صرفاً به عنوان تجمع ساده مجرمین، توأم با تماس‌های محدودی یا یکدیگر نقلی شده و اهمیت آنها تنها در ارتباط با اعمال ارتکابیشان بود (و فی نفسه مهم شناخته نمی‌شدند). این نویسنده با کار پیشگام خود، و از طریق جمع‌آوری پرونده‌های گانگ‌های متعدد، به توصیف این افراد پرداخت. به اعتقاد وی، گانگ عبارتست از یک خانواده گوشه خیابانی، برای پیوستن افراد جدا شده از خانه اصلی خود؛ خانواده جدیدی که به‌واسطه بی‌تفاوتی بزرگترها نسبت به نیازهای جوانان تشکیل می‌شود.



در ایالات متحده امریکا، «بزهکاری سازمان‌یافته» - یعنی تهیه کالاها و تأمین خدمات غیرقانونی برای مصرف‌کنندگان (مواد مخدر، مشروبات الکلی غیرقانونی، روسپیگری) - را از «بزهکاری گانگ‌ها» تفکیک می‌نمایند. جرایم سازمان‌یافته عمدتاً شامل سرقت از منازل، بانکها و حمله مسلحانه، بعضاً همراه با گروگان‌گیری، می‌شود. لیکن بین این دو نوع بزهکاری روابط نزدیکی وجود دارد. فعالیتهای گانگ‌ها - یا در اصطلاح فرانسه، باندیتسیم - مدتهای مدیدی توسط افراد حرفه‌ای انجام می‌شده است که شغل مجرمانه آن‌ها در قالب دسازگاری اجتماعی (بیوزاری از کار منظم) و سازمان‌یافتگی (یعنی جرایم ارتكابی آنها) از نوع بزهکاری‌های «حساب شده» است) قرار می‌گیرد.

در میان اعضاء حرفه‌ای گانگ‌ها، از نظر بازنی خصوصیات مشاهده می‌شود که در بزهکاری پایدار و مستمر وجود دارد: یعنی وجود سوابق کیفری، سن متوسط بین ۲۰ و ۳۰ سال، تجزئه ضعیف بودن سوابق تحصیلی و حرفه‌ای، رو آوردن به مشاغل متعدد. لیکن پاره‌ای از جرم‌شناسان رادیکال اعتقاد دارند که اعضاء آماتور باندها، در واقع پیشگامان مبارزه علیه جامعه سرمایه‌داری فراضعتی هستند و در بسیاری از این افراد می‌توان نوعی احساس ستیزه‌جویی علیه جامعه و نهادهای رسمی آن را ملاحظه کرد.

امروزه تمایل به استفاده از اصطلاح خرده‌فرهنگ به جای تعبیر گانگ‌ها، بسیار بیشتر است. تشکیل دستجات بزهکار در میان نوجوانان و جوانان، امری عادی است. ولی تعداد نسبتاً کمی از اینگونه گانگ‌ها دارای عمری طولانی هستند.

ر.ک.

Criminal personality; Criminogenic society; Insecurity; Organized crime.

\* \* \*

Garofalo (Raffaele)  
(1851-1914)

گاروفالو (رافائیل)  
(۱۸۵۲ - ۱۹۲۴)

گاروفالو، قاضی ایتالیایی، به همراه لمبروزو و فزی، از بنیانگذاران جرم‌شناسی علمی محسوب می‌شود. گاروفالو با چاپ کتاب خود، «جرم‌شناسی» در سال ۱۸۸۵ عنوان جدیدی را به علم مطالعه علل جرم داده است. وی بزه را از دید جرم‌شناسی تعریف کرد و «جرایم

طبیعی» که احساسات ابتدایی و ساده تزحم (شفقت) و درستگاری (صداقت و تقوا) را (که در کل گروه اجتماعی مشترک است) نقض می‌کند، از «جرایم ساختگی» یا «جرایم قراردادی» که علیه احساسات متحول، تصادفی و احتمالی، (از قبیل عشق به میهن) ارتکاب می‌یابد، تفکیک کرد. طبقه‌بندی مزبور به گارفانو اجازه داد تا جرایم سیاسی را در عداد جرایم ساختگی یا قراردادی بگنجد.

سهم و دست‌آورد بسیار مهم گارفانو در جرم‌شناسی، تدوین و تعریف مفهوم «حالت خطرناک» است. حالت خطرناک مشتمل بر دو رکن است که مستقل از یکدیگر، در نوسان‌اند: خطرناک بودن یعنی درجه استعداد جنایی یا مجرمانه، از یک سو، و قابلیت سازگاری مجرم با زندگی اجتماعی و محیط، از سوی دیگر.

گارفانو با ابناح مفهوم «حالت خطرناک»، راه را برای جرم‌شناسی بالینی باز کرد. از این نظر، گارفانو بر ضرورت شناختن زندگی مجرم، خانواده، تربیت، اشتغالات و روابط وی اصرار ورزیده است. به عبارت دیگر، به عقیده او، باید به نوعی تحقیقات اجتماعی پیرامون مجرم دست زد.

رک.

Control groups; Dangerousness; Criminological diagnosis; Durkheim;  
Hereditary and personal backgrounds; Instincts; Medien-psycho-social  
Examination; Tarde; Treatment.

\* \* \*

## مجرم به عادت

### Habitual offender

#### (le) Criminel d'habitude

با کاهش استفاده از مجازات تبعید، نگرانی عمومی در بریتانیای عهد ملکه ویکتوریا در ارتباط با مجرمینی که ظاهراً در مقابل تلاش‌های معمول که به منظور اصلاح و یا خنثی کردن حالت مجرمانه آنان صورت می‌گرفت، پاسخی نشان نمی‌دادند و پس از آزادی از زندان، با جدیت تمام «حرفه» خود را به عنوان سارق پیگیری می‌کردند افزایش یافت. از اواسط قرن نوزدهم به این سو، می‌توان رد یک سلسله تجربیات قانونگذاری به منظور کنترل یا سلب

آزادی این‌گونه مجرمین «به عادت» را تعقیب نمود که همگی این تجربیات نهایتاً به شکست انجامید. تعیین حداقل اجباری مدت حبس در صورت صدور حکم محکومیت به واسطه ارتکاب مجدد جنایت، اختیار نظارت و حبس آن دسته از محکومین سابق که قادر به معرفی امکانات واقعی حمایت از خود نباشند، و دوره‌های طولانی حبس پیشگیرانه، همه و همه بر اثر مشکلات عمومی مربوط به ناعادلانه بودن و عدم پذیرش از سوی محاکم، با شکست روبرو شد.

قوانین مربوط به مجرمین به عادت، بر این اساس که مجازات باید با شدت آخرین جرم ارتکابی مجرم متناسب باشد مورد اعتراض قرار گرفته است. اینگونه قوانین، همچنین به عنوان قوانین غیرموثر و هدر دهنده منابع، مورد انتقاد واقع شده‌اند. درهم آمیختگی درخصوص طبقه دقیق مجرمینی که قوانین مزبور برای آنان در نظر گرفته شده، همواره منجر به ناهنجاریهای شدیدی شده است، در حالی که قانونگذاران معمولاً با این تصور کار کرده‌اند که گروهی از سارقین «حرفه‌ای» وجود دارند که از ره ارتکاب جرم، امرار معاش می‌نمایند. در عمل تعداد اندکی از کسانی که به واسطه مقررات خاص به دام می‌افتند، تحت عنوان فوق قابل توصیف‌اند. به عنوان نمونه، وست (West) در سال ۱۹۶۳ نشان داد که اکثریت کسانی که محکوم به تحمل حبس پیشگیرانه شده بودند، دله‌زدی‌های پیر و ناتوانی بودند که مزاحم جامعه بوده، ولی تهدیدی جدی علیه آن به حساب نمی‌آمدند.

در سالهای اخیر، توجه عمومی، از سارقین به عادت به سمت بزهکارانی تغییر جهت یافته است که مرتکب جرایم خشونت‌آمیز می‌شوند. برای برقراری مجازاتهای پیشگیرانه خاص در مورد مجرمین «خطرناک» پیشنهاداتی مطرح شده است.

ر.ک.

Criminal career; Ferri; Part-time crime; Professionalism; Recidivism.

\* \* \*

Hard labour

آعمال شاقه

(les) Travaux forcés

این عقیده که ناقضین قوانین کیفری باید به کار اجباری واداشته شوند، دارای چندین جنبه است که نه تنها با تحمیل کار اجباری، بلکه با تحمیل «آعمال شاقه» نیز در ارتباط است. یکی از مهمترین جنبه‌های مزبور این است که انجام کار توسط زندانیان می‌تواند از نظر به اتمام

رسانیدن کارها به نفع کل جامعه باشد، هزینه زنان را تأمین نماید و بالاخره خسارت وارده به جامعه را نیز جبران کند.

نگرش دیگری که زیربنای تحمیل تمامی طرحهای کار برای مجرمین می‌باشد، آن است که وجه ممیز کسانی که فواین کیفری را نقض می‌کنند، سُستی و تبلی آنان در مقایسه با دیگران است؛ آنها همیشه از انجام وظیفه اجتماعی خود دایر بر کار کردن، شانه خالی می‌کنند و توجیح می‌دهند که با درآمدهای نامشروع و با داوورده ناشی از ارتکاب جرم، زندگی خود را اداره کنند. بدین سان وظیفه اصلی یک نظام کیفری باید آن باشد که اینگونه افراد را مجبور نماید تا کار کنند و بدین ترتیب، بدن خود را به کار کردن عادت داده، روحیه خود را با عادت‌های سازندگی و پشتکار وفق دهند و نتیجتاً شرایط جسمی و روحی را برای خودکفایی در دوران پس از آزادی، آماده نمایند.

تجربه اعمال شاقه، بخش اعظمی از توجیه خود را مدیون این نکته است که کارهای زندانیان بایستی شدیدترین و سخت‌ترین مرحله مجازات بوده، موجب وارد آمدن صدمه جسمی بر آنان گردد تا بدین ترتیب، فرد مجرم و مجرمین بالقوه را از ارتکاب جرم بازداشته و عمل مجرمانه را به وسیله مشقت تحمیلی جبران نماید. این اهداف تلافی‌جویانه و بازدارنده، منشأ و مبنای خاص اعمال شاقه را تشکیل می‌دهد.

در طول نیمه نخست سده نوزدهم، یکی از بحثهای اصلی در قلمرو نظام زندانها راجع به کار در زندان بود؛ عده‌ای از نظریه‌پردازان، طرفدار کار «سخت، بی‌وقفه، طاقت‌فرسا و دائمی» بودند و برخی اعتقاد داشتند که باید برای زندانیان، تنابیر تربیتی و فردی در جهت یادگیری حرفه یا صنعت خاص در نظر گرفت. این مشاجرات به شدت ادامه یافت، به نحوی که مثلاً در دهه ۱۸۲۰ در برخی از زندانهای انگلستان، کار زندانیان عمدتاً با چرخ مجازات<sup>۵۱</sup> بود، در حالی که در زندانهای دیگر، سیستم‌هایی سازنده و مبتنی بر آموزش حرفه‌ای ایجاد گردید.

پس از سالیان متمادی بحث و مشاجره درخصوص فواید و مضرات این شیوه رفتار با زندانیان، بالاخره با شروع قرن بیستم، کفه ترازو به نفع کار در زندان به صورت کارآموزی و امادگی برای خودکفایی تغییر کرده و در بسیاری از کشورها ابتدا انجام بیگاری و کارهای خالی از فایده ممنوع شد و سپس اعمال شاقه، تحت هر عنوان و به هر صورت، لغو شد.

Penal servitude; penology; Prison.

ر.ک.



۵۱. چرخ آفتی بزرگی که زندانیان به عنوان تنبیه و مجازات، آن را به حرکت در می‌آوردند.

## Hereditary and personal backgrounds سوابق ارثی و شخصی

## (les) Antécédents héréditaires et personnels

مسأله سوابق ارثی و شخصی غالباً توأم با ابهام و اختلاط در کاربرد مفاهیم و واژه‌های مربوطه مطرح می‌شود. مفاهیمی از قبیل توارث (مربوط به کروموزومها)، ذاتی بودن (که تغییرات و تفکیک ژنها را به توارث می‌افزاید)؛ مادرزادی بودن (که علاوه بر عناصر مزبور، عبارتست از آنچه که در زهدان مادر کسب می‌شود)، سرشتی بودن (که علاوه بر مادرزادی بودن، شامل استحالتهای جسمانی نیز می‌گردد که به دنبال رسیدگی و پختگی داخلی ناشی از ماهیت توارثی ارگانیزم پیش می‌آید) و زمینه (که نه تنها شامل خصایص سرشتی است، بلکه تأثیرات فیزیکی و روانی متحمل در طول زندگی - به ویژه در دوران اولیه کودکی - نیز در آن دخالت دارد)، غالباً بدون استناد به مفاهیم پایه به کار برده می‌شود. سؤال مهمی که مطرح می‌شود، درجه اهمیت است که باید به «توارث» و «یادگیری» و یا به کنش متقابل این دو عامل داد.

لمبروزو بر استعداد خاص جرم‌زایی تأکید کرد. گاروفالو به استعداد پیشرفت و رشد اشاره نمود. لنز (Lenz)، جرم‌شناس اتریشی و مکتب گراز (در اتریش)، با ذکرین زیست‌شناسی چنانی، به مفهوم گرایشهایی توجه دارند که ماهیتاً و ذاتاً مجرمانه نیستند، بلکه زمینه‌ساز این امرند که یک فرد، راحتتر و آسانتر نسبت به یک فرد دیگر، در تعارض و تضاد با قانون قرار گیرد. فروید نیز پذیرفته بود که هر انسان دارای چنین گرایشهایی است، لیکن این گرایشها اصولاً جای خود را در قالب فرآیند سازش و انطباق در فرد از دست می‌دهند.

در کنار پیشینه‌های ارثی، سوابق شخصی قبل از تولد (تأثیرات مادرزادی فیزیکی، غذایی، عفونی و طبیعی ناشی از سن زیاد مادر)، همزمان با تولد (آسیب‌دیدگی مربوط به زایمان، کمبود اکسیژن مغز در زمان زایمان) و بعد از تولد (اختلالهای رشد اولیه، بیماریهای ایجاد کننده اختلالات مغزی، الکلیسم زودرس، بیماریها و الکلیسم سنین بزرگسالی) را نیز نباید از نظر دور داشت.

توارث مجرمانه خاص، آنگونه که بعضاً ادعا می‌شود وجود ندارد، لیکن باید پذیرفت که سوابق ارثی می‌تواند شکل‌گیری شخصیت فرد بزهکار را تحت تأثیر قرار دهد. سوابق ارثی به اضافه سوابق شخصی، عامل آسیب‌پذیری زمینه در بسیاری از بزهکاران و به ویژه بزهکاران مزمن است.

اثر وراثت را بر رفتار انسان بایستی هنگامی مشخص نمود که تمامی عوامل زاده محیط حذف شود. مشکل در انجام موفقیت‌آمیز این امر است. مطالعات اولیه پیرامون جرم به نقش عوامل محیطی توجه زیادی نداشت، بلکه بیشتر به نفع بررسی نقش و تأثیر وراثت گرایش داشت، در حالی که مطالعات جدید، به نفع مسائل محیطی، ارزش کمتری برای عامل وراثت قائل می‌شوند. پیداست که صفات و ویژگیهای ساده (در مقابل صفات پیچیده)، قابل انتقال از طریق وراثت‌ند، لیکن اثرات چنین توارثی بر روی پیدایش جرم احتمالاً ناچیز است. روشی که از سوی برخی از پژوهشگران مورد حمایت قرار می‌گیرد، مطالعهٔ دوقلوهایی است که به طور جداگانه بزرگ شده‌اند و مشکل این امر نیز یافتن تعداد کافی از اینگونه دوقلوها برای مطالعه بیشتر است.

ر.ک.

Alcoholism; Constitutional factors; Criminal biology; Criminogenic factors; Lombroso; Personal milieu; Recidivism.

\* \* \*

## Hidden criminality

## بزهکاری پنهان

### (la) Criminalité cachée

مسألهٔ «رغم سیاه»، یعنی نسبت ثابت نشلهٔ وقایع مورد مطالعه، ویژه جرم‌شناسی نیست. معذک، این مسأله در قلمرو جرم‌شناسی اهمیت خاصی به خود می‌گیرد، زیرا حجم جرایم، به خودی خود، هم برای عموم مردم و هم برای کیفرشناسانی که در پی ارزیابی کارایی بازنارندگی یا جنیهٔ اصلاحی تدبیر کیفری هستند رقم قابل توجهی است. با توجه به دو نوع مختلف از بررسی‌های به عمل آمده، این «رغم سیاه» به طور بالقوه، بسیار بزرگ است.

مثلاً بررسی‌های جرایم خودگذارشی که مبتنی بر اعتراضات بزهکاران - یعنی کسانی که جرم یا جرایم ارتکابیشان تعقیب نشده و مخفی باقی مانده است - که در آنها از یک نمونه تصادفی از پاسخ‌دهندگان پرسیده شده است که آیا هرگز - یا در یک دوره زمانی مشخص - مرتکب عمل بزهکارانه شده‌اند یا خیر، نشان می‌دهد که حجم بزهکاری‌های ثبت نشده، بسیار وسیع است، همچنین براساس تحقیقات مبتنی بر اظهارات بزه‌دیدگان که در آنها، از

یک نمونه از عموم مردم پرسیده شده است آیا هرگز - یا در یک دوره زمانی محدود - قربانی جرم واقع شده‌اند یا خیر؛ نشان دهنده عوامل ضریب بین ۱/۳ تا ۱/۲، با توجه به نوع مورد بوده است (بدین معنی که در برخی نمونه‌ها نسبت بزه‌دیدگانی که مراتب بزه‌دیدگی خود را به مقام‌های رسمی گزارش ننموده‌اند در مقایسه با کسانی که اقدام به این امر کرده‌اند به ۱/۳ برابر نیز رسیده است). مشکل «رقم سیاه»؛ مسأله تازه‌ای نیست؛ کینه (۱۸۷۴ - ۱۷۹۶) که پیشگام تجزیه و تحلیل آمار جنایی فرانسه در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ بود گفته است: «تمام آن چیزی که ما از آمار جنایی در اختیار داریم... بدون این فرض که ارتباط تقریباً ثابتی بین مجرمین شناخته شده (محکومان) و رقم نامعلوم کلّ جرایم ارتكابی وجود دارد، فایده‌ای در بر نخواهد داشت». ولی، کتله نیز همانند بسیاری از نویسندگان بعدی، فرض نموده است که نرخ «واقعی» جرم وجود دارد و قابل محاسبه است و این مشکل، مربوط به نظریه «دقت» ابزارهای اندازه‌گیری، به عنوان شاخص‌های جرایم ارتكابی در جامعه است.

در این اواخر نیز برخی نویسندگان، این بحث را مطرح نموده‌اند که چیزی به عنوان نرخ واقعی جرم وجود نداشته و جرایم، تنها هنگامی وجود خارجی پیدا می‌کنند که توسط عوامل کنترل اجتماعی، تحت عنوان «جرم» طبقه‌بندی شوند. دیگران، مخالف ماهیت بالقوه و عینی آمارها هستند، ولی موافق این نکته‌اند که «هم جرایم طبقه کارگر و هم جرایم طبقه غنی... مشخصه‌های واقعی یک جامعه‌اند».

هرکدام از نظریات مربوط به وضعیت نرخ جرایم ثبت نشده را که بپذیریم، درک فرآیندی که در آن، افعال و ترک فعل‌هایی تبدیل به جرم می‌شود، هم مهم و هم جالب توجه است. دو رشته از عوامل در این رابطه به چشم می‌خورد: (۱) عواملی که بر گزارش جرم به پلیس از سوی مردم اثر می‌گذارد، از قبیل نحوه نگرش آنان نسبت به مجرم، واقعه مجرمانه، احتمال اقدام مقتضی از سوی پلیس و نگرش آنان نسبت به پلیس؛ (۲) عواملی که بر ثبت جرم توسط پلیس، مؤثر است، مانند منابع و امکانات محدود پلیس محدود و تصورات قالبی مأموران پلیس در مورد آنچه باید به عنوان جرم و مجرم شناخته شود (گزینه‌گری پلیس).

ر.ک.

Criminal sociology; Criminal statistics; Self-report studies; Victim survey (victimization survey).

## قتل احساسی

## Homicide of passion

## (I') Homicide passionnel

ارتکاب قتل احساسی یا شهوانی، نوعی نادرخواهی و اجرای عدالت شخصی محسوب می‌شود. همانطور که دستجات مجرم و بزهکاران سیاسی در جهت استقرار عدالت مرتکب جرم می‌شوند، مجرم احساسی نیز با ارتکاب جرم، تمایل به استقرار آن چیزی دارد که به نژش در روابط احساسی، عدالت است.

بنیانگذاران جرم‌شناسی نیز در طبقه‌بندی بزهکاران، طبقه خاصی را به مجرمینی که براساس عشق و احساسات مرتکب جرم می‌شوند اختصاص داده‌اند. این نوع بزهکاران، آتشین مزاج، عصبی و در هر حال حساس می‌باشند. آنها خصوصیات آسیب‌شناختی‌ای دارند که حالت‌های مجرمانه، تجلی شدید این خصوصیات است؛ تحت تأثیر احساسات شدید و خشن مانند عشق، عصبانیت، حسادت، تنفر و ... به سوی جرم سوق داده می‌شوند.

بزهکاران احساسی، بدون تفکر، سبق تصمیم، محاسبه، آمادگی قبلی و به صورت آشکار مرتکب جرم می‌شوند و معمولاً قبل از جرم، در جریان ارتکاب آن و بعد از ارتکاب جرم شدیداً هیجان‌زده هستند، سریعاً اقرار و شدیداً اظهار پشیمانی می‌کنند، سعی در ارتکاب خودکشی می‌نمایند و در زندان، به صورت زندانی نمونه در می‌آیند. این عده از نظر ظاهر و قیافه، جذاب و زیبا هستند و به قول لمبروزو، ظاهر و شکل غیرمجرمانه‌ای دارند. غالب قربانیان این قبیل مجرمین، در صورتی که ضرب و شتم جان سالم به در برند، با آنها آشتی کرده و زندگی عادی خود را دوباره با هم آغاز می‌کنند.

ر.ک.

Utilitarian homicide.



## مسکن

## Housing

## (I.e) Logement

مدتهای زیادی است که این موضوع که مسکن نامناسب و محلات فقیرنشین، ارتباطی تنگاتنگ با جرم دارد، مورد پذیرش قرار گرفته است. به عنوان مثال، مسکن پُرجمعیت و نیز



فراهم شدن فرصت‌های بیشتر برای یادگیری عینی جرم، توأم با کاهش فضاها و قلمروهای شخصی است که این امر، به معنای حریم خصوصی کمتر، مزاحمت و تجاوز بیشتر و تهدیدهای بیشتری نسبت به قلمرو اختصاصی مورد نیاز فرد است که همه و همه، از برانگیزنده‌های بالقوه جرم‌اند. انگوهای انطباق با محله‌های فقیرنشین که شامل جرم نیز می‌شود نشانگر دیرپایی قابل ملاحظه‌ای است. برخی پژوهشگران در پژوهش‌های خود ثابت نموده‌اند که نرخ بزهکاری جوانانی که تغییر مکان داده‌اند به اندازه نرخ مجرمیت آنان در محلات فقیرنشین مبدأ است. (رفتارهای آموخته، صرفاً به موقعیت جدید منتقل شده است).  
ر.کد.

Area studies; Chicago school; Gangs criminality; Environmental prevention.

\* \* \*

Howard (John)  
(1726-1790)

هوارد (جان)  
(۱۷۲۶-۱۷۹۰)

جان هوارد، کلانتر بخش پدفورد انگلستان بود. در سال ۱۷۷۷، کتاب خود تحت عنوان «وضعیت زندانها در انگلستان و ولز، همراه با ملاحظات مقدماتی، توصیف چند زندان و بیمارستان خارجی» را منتشر کرد. وی سفرهای زیادی به منظور بازدید از زندانهای کشورهای مختلف، حتی در خاور دور انجام داد. آثار او شناختی از وضعیت واقعی زندانها در اروپای پایان سده هجدهم به دست می‌دهد. هوارد در آثار خود خطوط کلی معماری، پرسنل، نحوه اداره و مدیریت یک زندان را ترسیم می‌کند و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت زندانهای موجود ارائه می‌نماید. وی حبس انفرادی در هنگام شب را توصیه می‌کرد و طرفدار کار زندانیان به منظور اصلاح آنها بود که می‌باید با آموزشهای مذهبی تکمیل شود. ژرمی بنتام از شاگردان و پیروان او بود. افکار و پیشنهادات هوارد در زمینه اداره زندانها تأثیرات زیادی در خارج از انگلستان، به ویژه در ایالات متحده آمریکا داشت. لیکن بعدها، نتایج تجربه‌ها و تدابیر متخذ در ایالات متحده آمریکا در قلمرو معماری و ساخت زندانهای جدید و نیز در جهت بهبود زندانهای موجود که با عنایت به آثار هوارد صورت می‌گرفت، خود به عنوان

الگوی مستقل مورد توجه سایر کشورهای جهان قرار گرفت.

Bentham; Lucas; Penology; Prison.

ر.ک.

\* \* \*

## سلب توان (بزهکاری)

Incapacitation

(I') Incapacitation

هدف از سلب حقوق و توانایی فرد بزهکار یا توان‌گیری به عنوان یک اصرم کیفری، تضمین این امر است که مجرم، دیگر مرتکب جرم نشود. در جوامع غربی امروزی، برخی از روشها به سختی قابل اعمال است - مثلاً قطع اعضاء بدن یا اخته کردن - ولی مجازات اعنام در قریب به اتفاق کشورهای غربی، به استثناء چند ایالت در آمریکا لغو شده است. گرایش جهانی در سطح وسیعی در جهت حذف کیفرهای بدنی از زندانخانه کیفری است. مجازات حبس نیز هدف مشابهی (علاوه بر دیگر اهداف) در «نگهداشتن مجرمین در خارج از دُور» دارد. در برخی از بررسی‌های اخیر، میزان تأثیرگذاری مجازات زندان از این نظر و نیز در زمینه دیگر آثار آن و ملاحظات اقتصادی مطالعه شده است.

Penology; Prison.

ر.ک.

\* \* \*

## زنا یا محارم

Incest

(I') Inceste

زنا یا محارم، شامل روابط جنسی میان اعضاء یک خانواده می‌شود: میان والدین و فرزندان، یا میان برادران و خواهران. این روابط از نظر ژنتیک، نامطلوب است (کمبودها و نواقص جسمانی، عقلانی و... را به دنبال دارد). فقط به خاطر این ملاحظات نیست که مذهب و اخلاق مخالف اینگونه روابط است، بلکه به این جهت که چنین روابطی نهاد خانواده را نیز مختل می‌کند. اینگونه روابط جنسی، زمینه‌ساز اختلال در رشد جنسی و عاطفی نوجوانان و

جوانانی است که یا ازادانه مرتکب آن شده یا به زور، تن به آن می‌دهند. به‌علاوه موجبات تنفر اطرافیان را نیز فراهم می‌نماید.

خاستگاه این تنفر، بی‌تردید در عقده معروف اُدیپ قرار دارد. این تعبیر اشاره به تراژدی سوفکل دارد که در آن، قهرمان یونانی پدر خود را به قتل می‌رساند و با مادر خود ازدواج می‌کند و وقتی به واقعیت امر پی می‌برد، خود را از محل زندگی‌اش تبعید نموده و در آوارگی به زندگی می‌پردازد و سرانجام در جنگل (Fornities) می‌میرد.

رابطه جنسی میان پدر و دختر از نظر جرم‌شناسی، مورد مطالعه قرار گرفته است. کینبرگ وضعیت قبل از آغاز چنین رابطه‌ای را توصیف کرده و دو خصیصه مستمر آن را نیز روشن ساخته است: قطع رابطه جنسی میان پدر و مادر (به دنبال بیماری یا جدایی) و زندگی خانوادگی مجرم و نزدیک با دختر جوان. گیبسنس (Don Gibbons) در مطالعات خود به این موضوع پی برده است که غالباً پدران زانی (با دخترشان) فاقد سوابق کیفری هستند. ویرکونن (Virkkunen)، پژوهشگر فنلاندی نشان داده که در فنلاند لاقول نیمی از آنها معتاد به الکل اند. زنی زاو (Szabo) در تحقیقی پیرامون زنانی با محارم در منطقه پاریس به این نتیجه رسیده است که این نوع روابط در بعضی از خانواده‌های حاشیه‌ای، یعنی خانواده‌هایی که اعضاء آن با جامعه فعال بیگانه‌اند، رفتاری عادی محسوب می‌شود: زنانی با محارم همچنین گونه‌ای از بزهکاری روستایی است که خصوصیات آن، بهره هوشی پایین و سن نسبتاً بالای بزهکاران (حدود چهل سال) و سن نسبتاً جوان بزه‌دیده (حدود بلوغ) است. روابط جنسی میان برادر و خواهر، موضوع تحقیقات اندکی بوده است. گیبسنس در ارتباط با پسرانی که با خواهر خود زنا کرده‌اند و سن آنها بیش از هفده سال است، نسبت قابل توجهی سوابق کیفری پینا کرده (حدود ۵۴٪) که عموماً در رابطه با جرایم علیه اموال بوده است. سیاست جنایی در این مقوله، باید عمدتاً به سمت حمایت از جوانان قربانی اینگونه روابط جنسی جهت‌گیری نماید.

و.ک.

Freud; Instincts; Kinberg; Precriminal situations; Victimology.

\* \* \*

## شاخص جرم و بزهکاری

## Index of crime and delinquency

## (F) Indice du crime et de la délinquance

پیدایش و تحول - مسأله مهم در اندازه‌گیری جرایم آن است که از نظر ماهیت، تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. حتی اگر قضاوت در مورد ماهیت خود آمارهای جنایی رسمی را کنار بگذاریم، این امر، انجام مقایسه میان یک منطقه و منطقه دیگر و در طول یک دوره زمانی را بسیار دشوار می‌سازد.

ساده‌ترین روش، صرفاً محاسبه مهم‌ترین جرایم است. لیکن بسیاری از پژوهشگران با اعتقاد به اعتبار آمارهای پایه، تلاش کرده‌اند که از طریق دادن ارزش‌های متفاوت به جرایم مختلف، به ایجاد یک شاخص در این زمینه دست بزنند. در تلاش‌های اولیه، سیستم اندازه‌گیری، مبتنی بر مجازات‌هایی بود که - چه از نظر حداکثر مجازات قابل اعمال و چه از جهت مجازات‌هایی که عملاً تحمیل می‌شد - برای انواع مختلف جرایم، قابل اعمال بوده است. لیکن روشی که بیش از بقیه رایج شد، پیشنهاد سلین و ولفگانگ در سال ۱۹۶۴ بود که تأکید اصلی خود را بر درجه‌بندی‌هایی قرار دادند که به وسیله یک نمونه، به یک سلسله توصیفات از جرایم، شامل ترکیبات مختلفی از ایراد جرح، سرقت و یا ایراد خسارت بود، داده شد.

مشکلات فنی - در ارتباط با پدید آوردن چنین شاخصی، برخی مشکلات فنی به وجود خواهد آمد. دو مشکل عمده عبارتند از: (۱) نمونه‌ها کدامند - مأموران پلیس، دانشجویان و قضات دادگاه‌های نوجوانان (همانگونه که سلین و ولفگانگ عمل کردند) - یا افرادی که در زندانهای طول‌مدت نگهداری می‌شوند؟ و اختلاف در درجه‌بندی میان گروه‌های مختلف را چگونه باید حل می‌کرد؟ (۲) در مورد جرایم مرکب چه اتفاقی می‌افتد - آیا می‌توان تنها به جمع نمرات رتبه‌ها در مورد عناصر هر جرم اکتفا نمود؟ - یا همانگونه که برخی محققین نشان داده‌اند تعدد جرم، خود باعث تغییر قضاوت در مورد اهمیت آن می‌شود؟ اگر شق نژم صحیح باشد، راهی برای محاسبه ارزش جرایمی که توسط یک فرد، قابل ارتکاب هستند و یا نیستند وجود نخواهد داشت.

فلسفه وجودی - در هر حال، مشکل اصلی آن است که اصولاً چه نیازی به شاخص مزبور داریم؟ سلین و ولفگانگ چنین استدلال کرده‌اند که این شاخص، اندازه ملموس‌تری را در مورد ویژگی و روند بزهکاری، به دست خواهد داد. لیکن نتایج مورد انتظار در سؤمندگی

حاصل از لحاظ نمودن محاسبه اهمیت جرایم و تعداد موارد ارتكابی، ظاهراً بیش از ارزیابی مبالغه آمیز منفی ناشی از عدم وجود اطلاعات و آمار توصیفی‌ای است که حتی در آمارهای جنایی موجود که مبتنی بر طبقه‌بندی‌های قانونی مشکوک هستند به چشم می‌خورد.

به علاوه باید پرسید که ارزش این شاخص‌ها به چه منظور و یا برای چه کسی است؟ عاقله مردم احتمالاً نگران آنند که در هر زمان مفروض و در هر کشور مفروض، چه نوع جرایمی اتفاق می‌افتد و در حالی که مسئولان با مشکل فقدان آگاهی و اطلاعات در طول فرآیند مجرمانه و کیفری روبرو می‌شوند، این وضعیت مستلزم آن است که در یک شاخص، محدود نشده و اطلاعات دقیق‌تری در مورد آن مشکل خاص به دست بیاوریم. به طور کلی ایجاد مقیاس‌ها و شاخص‌ها، تنها در صورتی صحیح است که اهتمام مشترک و دقیقاً محدودی در خصوص سیاست اجتماعی وجود داشته باشد و بتوان نوسانات چنین شاخص‌هایی را در یک زمینه نظری قرار داد.

Criminal statistics; Methodology.

ر.ک.

\* \* \*

## نوزادکشی

### Infanticide

#### (۱) Infanticide

نوزاد یا طفل‌کشی، به قتل رساندن کودک تازه متولد شده، بیشتر توسط زنان کوتاه‌فکری که خاستگاه روستایی داشتند ارتکاب می‌یافته است، لیکن پیشگیری‌های پزشکی - اجتماعی و نیز مدرن شدن زندگی، موجبات کاهش آن را فراهم ساخته است.

از نظر تاریخی، علاوه بر روش نوعی نوزادکشی به شیوه ابتدایی که توسط زن خدمتکار ناقص‌العقل و فریب خورده ارتکاب می‌یابد، نوع دیگری وجود دارد که ناشی از یک بحران اخلاقی، نزد مادر حامله از مردی است که از او متنفر بوده است. نوع سوم نوزادکشی، فعل والدینی است که برای نژ میان برداشتن عامل مزاحم راحتی و آسایش در زندگیشان، نوزاد خود را به قتل می‌رسانند.

Female criminality; Mental deficiency.

ر.ک.

\* \* \*

## فرهنگ ناشی از همزیستی اجباری

## Inmate culture

## (la) Culture de la cohabitation obligatoire

این نوع فرهنگ در نهادهایی از قبیل خانه سالمندان، بیمارستان و به ویژه زندان، و به طور کلی محلهایی که جنبه زندگی مشترک اجباری دارد، در واکنش نسبت به وجود فشار از سوی کارکنان آن نهادها، با این هدف به وجود می‌آید که ساکنان نهاد را قادر سازد تا با فشار اجتناب‌ناپذیر ناشی از زندگی در چنین محلهایی، از طریق ایجاد یک فرهنگ مستقل «زیرومیتی» کنار بیایند. خصایص این فرهنگ عبارت است از زبان، رفتار و فن‌آوری خاصی که اساساً به منظور تعدیل اثر محرومیت فیزیکی و اجتماعی و نیز ایجاد معنا، علاقه و هدف در ساکنان اینگونه نهادها به وجود می‌آید. بدین‌سان چنین فرهنگی در اغلب موارد، در تقابل و تضاد مستقیم با اهداف رسمی تشکیلات مربوطه است. فرهنگ ساکنان زندان که به صورت حالت دفاعی خصمانه و لجبازی آمیز و خودکفا شکل می‌گیرد، بیشتر در زندانهای آموزشی به چشم می‌خورد و به میزان بسیار کمتر، در زندانهای محلی‌ای دیده می‌شود که در آنها، کوتاهی دوره مجازات و جابجایی سریع ساکنان، موجب می‌شود که رفتارهای بیرونی هرگز به‌طور کامل تحت تأثیر عادات و فرهنگ درون زندان قرار نگیرد. همچنین فرهنگ خاص فضای بیمارستان، بیشتر در واحدهای نگهداری طولی‌المدت، برای بیماران به وجود می‌آید.

Prison; Prisonization.

ر.ک.

\* \* \*

## نامنی

## Insecurity

## (f) Insécurité

مسأله نامنی و احساس ترسی که پدیده مجرمانه ایجاد می‌کند، از موضوعات شناخته شده در علم جرم‌شناسی است. امروزه دست یازیدن به اعمال مجرمانه موجبات بروز احساس نامنی را در جامعه فراهم می‌آورد. احساس نامنی موجب پدید آمدن گروههای کوچکی می‌شود که باید نقش پلیس خصوصی را ایفا کنند (شبرگرد، نگهبان شخصی) و اتخاذ تدابیری را به دنبال دارد که بیشتر جنبه پیشگیرانه دارند.

رشد بزهکاری بی‌تردید به یک مسأله و معضل اجتماعی تبدیل شده است که نظامهای مختلف سیاسی، صرفنظر از ایدئولوژی حاکم بر آنها، در مهار رشد و تبعات آن - از جمله احساس ناامنی و ترس از سوی مردم - غالباً ناتوانند.  
ر.ک.

Criminal laws; Criminal policy; Criminogenic society; Media; Social reaction; Urbanization; Violence.



## Instincts

## غرایز

### (Instincts)

در آغاز سده بیستم، مفهوم غریزه - در معنای رایج آن - هنوز مرتبط با مفهوم یک مسأله شناخته شده یا تجربه شده به وسیله فرد - و نه آموخته و یاد گرفته شده به وسیله وی - تلقی می‌شده است. لیکن از نظر جیمز W. James، روانشناس آمریکایی، غریزه به مانند استعدادی است که نسبت به بعضی محرکها، حساس است. تحت تأثیر افکار و عقاید مک‌دوگال (Mc Dougall)، روانشناس بریتانیایی‌الاصول اهل آمریکا، در مورد غریزه، مسأله «گرایش و آمادگی انجام اعمال» یا تمایلات مطرح شد، و وجود غرایز نوع‌دوستانه نیز مورد قبول واقع شد. ماکس شلر (Max Scheler) اهمیت همدلی و همدردی را که خارج از اراده و قیل از هرگونه زندگی اجتماعی، رابط میان انسانها و وابستگی به یکدیگر است، نشان داد. فروید نیز به توبه خود، غرایز زندگی و هستی را در مقابل غرایز نابودی و نیستی قرار داد.

به نظر دوگراف (De Gruvel) غریزه، نوعی برانگیختگی است، با این توضیح که هر غریزهای برانگیختگی خاص خود را نارا است که شیوه شناختی در رابطه با این نوع برانگیختگی ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، غریزه عبارتست از توانایی در بازشناختن و تشخیص به وسیله نیروی محرکه و نه به وسیله یک شناخت آگاهانه. رسالت و نقش غریزی، برانگیختگی و محرک اولیه یعنی شناخت عمیق و اساسی را به دست می‌دهد. غریزه بر جهت‌گیری عمومی موجود انسانی در زندگی حکومت می‌کند و نباید آن را با اعمالی که ناشی از یک انتخاب نسبتاً آگاهانه است و هوش نیز در آن سهم خود را ایفا می‌کند، اشتباه کرد.

دوگرف، دو گروه اساسی غرایز را از هم تفکیک کرده است: گروه غرایز دفاعی و گروه غرایز شفقت و همدلی؛

۱) غرایز دفاعی و امنیت: به حفظ و نگهداری «من» کمک می‌کنند، در قالب نشانه‌های احساس عدالت و عدم مسؤلیت عمل می‌نمایند؛ اساس روحیه تهاجم هستند و منجر به تحلیل تدریجی انسان در حد یک موجود مجرد و انتزاعی می‌شوند؛

۲) غرایز همدلی و همدردی، برعکس، در قالب ترک خود و پذیرش دیگران عمل کرده، اساس اصناعت و خدمتگزاری است و منجر به اعتبار بخشیدن به دیگران و ایجاد شرایط زندگی‌ای می‌شود که به خود فرد اجازه حداکثر شکوفایی را بدهد. بدین ترتیب مکانیزم‌های تحلیل برنده، که قصد و نیت سوء و بدخواهانه در رأس آنها قرار دارد در مقابل مکانیزم‌های اعتباربخش که عشق والدین، از مهمترین آنهاست، قرار می‌گیرد. ایجاد تعادل بین این دو گروه غرایز دشوار است و به همین لحاظ، زندگی روانشناختی با تعارض و تضاد گسترش می‌یابد. ارتکاب جرم، شکل افراطی برتری و حاکمیت مکانیزم غرایز تحلیل برنده دفاع و امنیت بر مکانیزم غرایز اعتباربخش همدلی و همدردی است.

به اعتقاد توگرف برای محدود کردن کارکرد و تأثیر غرایز دفاعی، باید از نهاد خانواده پاسداری کرد، زیرا مهار واکنش‌های دفاعی در مقابل واکنش‌های شفقت و همدلی، با عشق متقابل واقعی میان والدین و طفل، مرتبط است.

ر.ک. Criminogenic society; De Greeff; Freud; Perversion.

\* \* \*

## هوش

## Intelligence

### (I') Intelligence

تحقیقات اولیه، بیشتر متمایل به اثبات این امر بود که مجرمان دارای هوش بسیار کمی هستند (و بدین‌سان مسأله ناشی از این باور، عبارت از این بود که این هوش تا چه حد از راه نوارت منتقل می‌شود). از آن دوران تاکنون، این نکته احراز شده است که ابزارهای آزمایشی (از قبیل بهره هوشی I.Q.) از نظر طبقه‌بندی، به نحو نامطلوبی غیرواقعی و غیرعینی بوده و بدین ترتیب چه بسا منجر به نتایج گمراه‌کننده‌ای می‌شود. به علاوه، با طرح مفهوم جرایم یقه‌سفیدان، این نکته مشخص شد که چنین مجرمینی می‌توانند بسیار باهوش باشند و



بالاخره تحقیقات مبتنی بر برهکاری خودگزارشی یا بزهکاران خودگزارش، نشان داد که مجرمین دستگیر شده، تنها بخشی از کل بزهکاران هستند؛ بنابراین تعمیم یافته‌های مربوط به هوش آنان به بقیه ارزش کمی دارد، زیرا هوش کم ممکن است به واسطه واقعیت دستگیری، از پیش مفروض انگاشته شده باشد. در حال حاضر این مسأله پذیرفته شده است که اگر هوش به طور عادی در میان کل جامعه توزیع شده باشد، در میان مجرمین نیز وضع به همین منوال است، بعضی از آنان بسیار کم‌هوش و برخی دیگر بسیار باهوش‌اند.



### جرم‌شناسی تعامل‌گرا

### Interactionist criminology

#### (la) Criminologie interactionniste

ریشه‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا یا جرم‌شناسی کنش متقابل در مطالعه سازوکارهای اجتماعی طرد فرد نهفته است. این شاخه از جرم‌شناسی، بیشتر در قالب نوشتگان انگلیسی و از آغاز سالهای ۱۹۶۰ بسط و گسترش یافته و توجه همگان را به وجود پدیده «رقم سیاه» در آمار جنایی و مفاهیم «برچسب‌زنی»، «تیپ کلیشه‌ای یا قالبی مجرم» و «انگ‌زنی اجتماعی» به فرد جلب کرده است. به نظر طرفداران جرم‌شناسی تعامل‌گرا از آنجا که رقم سیاه بزهکاری مشخص نیست، جرم‌شناسی بالینی به نتایجی دست می‌یابد که تنها مربوط به یک گروه و نمونه آشکار و کشف شده مجرمین است و نه کل بزهکاران.

جرم‌شناسی تعامل‌گرا به مطالعه تعاملها یا میان‌کنشهای موجود میان فرد و جامعه می‌پردازد و معتقد است که نقش جامعه در رفتار افراد، آثار تعیین‌کننده‌ای دارد. در عمل، فرآیندهای نظارت و غربال پلیسی و قضایی به هنگام تعیین و اجرای واکنش اجتماعی (علیه مجرمین) به چشم می‌خورد. این فرآیندها موجب پدیده برچسب‌زنی نسبت به فرد می‌شود؛ بعضی گروهها و افراد نسبت به دیگران، آسانتر برچسب می‌خورند.

در مفهوم تیپ کلیشه‌ای یا قالبی مجرم، متداول‌ترین تصویری که از مجرم ارائه می‌شود، تصویر یک انسان با هوش پایین است، که به طبقات پایین جامعه تعلق دارد. نقش اجتماعی تیپ یا گونه کلیشه‌ای مجرم، منحرف یا ناسازگار اجتماعی آن است که وی از نظر روانی، فرهنگی و اقتصادی در واقع نلایگردان یا سپر بلای مشکلات جامعه است.

بالاخره، به‌نظر طرفداران این شاخه جرم‌شناسی، واکنش اجتماعی موجبات تصاق

برجسب یا آنگ مجرمانه به فرد را فراهم می‌سازد. نظام عدالت کیفری باعث ایجاد آنگ اجتماعی می‌شود (از طریق تشکیل سبج کیفری، منع اقامت در محل معین،... و پلیس، دادگستری و زندانها هر یک به نوبه خود، از عوامل آنگ زدن اجتماعی به فرد محسوب می‌شوند. در این صورت، به نظر لی مرت، جرم‌شناس انگلیسی، بزهاکار می‌تواند از رفتار منحرفانه خود یا نفس مربوط به آن «به عنوان یک وسیله دفاع، تهاجم یا سازگاری با مسائل نهان و آشکاری که آثار و پیامدهای واکنش اجتماعی علیه او ایجاد کرده، استفاده نماید». بدین‌سان، این انحراف ثانویه، بر بزهاکاری اولیه مسلط می‌شود، زیرا در نهایت «فرد (مجرم) جایگاه و هویت اجتماعی یک منحرف را می‌پذیرد و در جهت تطبیق خود با نقش‌ها و عملکردهای مربوط به آن کوشش می‌کند».

مفهوم تشدید انحراف (Deviancy amplification)، اشاره به روندی دارد که در آن، واکنش اجتماعی در مقابل انحراف فرد، عملاً موجب افزایش و تشدید و تقویت آن می‌شود. تشدید انحراف، تابع میزان تحمل (یا عدم تحمل) تاهم‌هنگی در فرهنگ است که به نوبه خود، با جریان یافتن اطلاعات مربوط به انحراف اولیه تنظیم می‌گردد. از نظر علمی، مطالعات انجام شده بر روی همگروهان نشان داده است که نباید جرم‌شناسی را تنها در حد تجزیه و تحلیل واکنش اجتماعی تنزل داد، زیرا یک «واقعیت رفتاری» وجود دارد که نمی‌توان آن را از جرم‌شناسی جدا کرد.

ر.ک.

Administration of criminal justice; Clinical criminology; Cohorts; Criminal psychology; Criminal sociology; Criminal statistics; Criminology; Deviance; Labelling theory; Maladjustment; Primary deviance; Radical criminology; Social reaction; Penal sociology.



جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی  
 (la) Société internationale de criminologie

جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی که در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد، از جمله سازمانهای

غیردولتی است که بیش از هزار عضو دارد و طرف مشورت سازمان ملل متحد و شورای اروپا در زمینه بزهکاری است. دبیرخانه مرکزی این نهاد، واقع در پاریس است و رسالت آن، انجام اقدامات و پژوهشهایی به منظور شناخت بهتر پدیده مجرمانه در سطح بین‌المللی است. این جامعه در تسهیل پیشگیری از بزهکاری و بهبود آگن‌های دادرسی در نظامهای مختلف کیفری کمک می‌کند و بدین ترتیب ماهیت فعالیتهای آن، هم علمی است و هم عملی.

جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی، از زمان تأسیس، هر پنج سال یک بار به برگزاری کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی مبادرت نموده و همه ساله یک یا چند دوره آموزشی بین‌المللی جرم‌شناسی نیز در کشورهای مختلف جهان تشکیل می‌دهد.

از جمله ارگان‌های علمی وابسته به این سازمان، مرکز بین‌المللی جرم‌شناسی تطبیقی مونترآل است که در سال ۱۹۶۹ با همکاری دانشگاه مونترآل (کانادا) تأسیس شد؛ همچنین مرکز بین‌المللی جرم‌شناسی بالینی در سال ۱۹۷۵ با همکاری دانشگاه جنوا (ایتالیا) ایجاد گردید. جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی و دانشگاه مونترآل به موجب موافقتنامه‌ای با بنیاد اکیناس (نیویورک) که رسالتش هموار کردن زمینه تحقیقات در قلمرو جرم‌شناسی است، همکاری دارند و مسؤولیت برنامه علمی بنیاد اکیناس به عهده این جامعه است.

ر.ک. Comparative criminology; Criminology; Di Tullio.



## نظام ایرلندی (رژیم ایرلندی)

### Irish System

### (le) Système Irlandais

نوعی سیستم مدیریت کیفری زندانها است که توسط W.P. Crofton (۱۸۱۵-۹۷)، رئیس زندانهای ویژه محکومین در ۱۸۵۴ در کشور ایرلند ابداع شد. عفو قسمتی از مجازات حبس، خیلی زود مورد پذیرش و عمل قرار گرفت و رژیم مراحل تدریجی، یعنی رژیم ترقی و بهبود تدریجی شرایط محکومی که مجازات حبس را محتمل می‌شود، نیز مورد استفاده واقع شد. اولین مرحله مجازات زندان شامل «حبس انفرادی» بود، در دومین مرحله، فرد محکوم، به یک «زندان عادی» همراه با معاشرت با دیگر زندانیان منتقل می‌شد. در این مرحله، چهار درجه وجود داشت که پیشرفت از درجه‌ای به درجه دیگر، منوط به کسب تعدادی «امتیاز» در

مُؤل مدت زمان معین بود که در صورت حُسن رفتار و تلاش و فعالیت إعطا می‌شد. در سومین و آخرین مرحله، از یک «نهاد واسطه» به عنوان مرحله «پیش از آزادی» استفاده می‌شد که هدف آن، گذنن فرد و جدا کردن او از فرآیند نهادی شدن و خوگرفتن یا شرایط زندان، از یک سو و عادت دادن وی به دشواریها و وسوسه‌های بیرون، با استفاده از کاری مشابه آنچه که پس از آزادی به آن مشغول خواهد شد، از سوی دیگر بود.

Penology; Prison; Prisonization; Stage system. د.ک.

\* \* \*

## Juvenile delinquency

## بزهکاری اطفال و نوجوانان

### (la) Délinquance juvénile

بزهکاری در معنا و مفهوم لغتی عبارتست از ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که الزماً عنوان جرم ندارد. معذک این اصطلاح غالباً معادل جرم، و به ویژه در ارتباط با جرایم ارتكایی از سوی اطفال و نوجوانان به کار می‌رود. بزهکاری اطفال در معنای متداول و غیرحقوقی آن، شامل رفتارهایی - از قبیل مدرسه‌گریزی یا فرار از کنترل والدین، خانه‌گریزی می‌شود که در یک فرد بالغ، مجرمانه تلقی نمی‌شود.

تعبیر «بزهکار» در برخی موارد به فردی نسبت داده می‌شود که صرفاً مرتکب جرم نشده، بلکه به طور کلی فردی سرکش و ضداجتماعی (کجرو) است. در ارتباط با مجرمین کم سن و سالی که کربلاً در نادگاههای اطفال ظاهر می‌شوند توجه عملی و مفیدی در ارتباط با کاربرد اخیر واژه مزبور به چشم می‌خورد. این افراد غالباً به نحوی از انحاء دردسرافرین‌اند، در برابر امر و نهی والدین مقاومت می‌کنند، آماده طغیان‌های تهاجمی و پرخاشگرانه‌اند، از دید آموزگاران‌شان غیرعادی و مسأله‌سازاند، از نظر تحصیلی عقب افتادگی دارند و به طور مرتب در مدرسه حاضر نمی‌شوند، آماده اختلاط و جوشش با جمع افراد هم‌سنخ خود هستند و در جرایم تخریب دسته‌جمعی یا مصرف مواد مخدر، شرکت می‌کنند و مستعد حمل سلاحهای تهاجمی و درگیری در نزاع و زد و خورداند. آنها حالت‌های تفوق‌طلبانه و پرخاشجویانه داشته و در مقابل تمامی قدرت‌ها از هر نوع که باشند به ویژه در برابر پلیس، شکاک و بدبین‌اند. نحوه زندگی این عده، به تدریج که رشد می‌کنند، به نحو قابل توجهی به سمت لذت‌طلبی سوق

می‌یابد و مشخصه آن، مصرف فراوان مشروبات الکلی، بی‌پندوباری جنسی، انتخاب شغل‌های نیمه‌وقت و کوتاه‌مدت که نیازمند تبعّر و کارآموزی خاصی نیست، بیکاری‌های بی‌تربیتی و عدم هرگونه استناد منظم و یا سازنده از ساعات بیکاری است.

این روحیه ضداجتماعی عام در میان اطفال و نوجوانان تکررکننده جرم، غالباً توأم با عدم تربیت کافی، شرایط خانوادگی ضعیف و محروم، و انحراف یا مجرمیت والدین است. خوشبختانه غالب بزهکاران نوجوان هنگامی که به سن ۲۰ سالگی و بیشتر می‌رسند، دیگر مرتکب جرم نشده، هماهنگی بیشتری با شرایط زندگی عادی، از خود نشان می‌دهند. کسانی که دارای بدترین پیش‌زمینه‌ها هستند و نیز آنهایی که در دوران نوجوانی، بیشترین نرخ تکرار جرم را داشته‌اند، بیش از بقیه ممکن است دارای متش‌های مجرمانه شده و زندگی آنان در بزرگسالی، نوام با جرایم محدود و غیرسازمان‌یافته‌ای باشد که مآلاً منجر به تحمل مکرر حبس در زندان شود.

غالباً تأکید می‌شود که جرم‌شناسی، تقریباً هیچگونه تأثیری بر سیاست جنایی ندارد. اگر این موضوع در خصوص سیاست کیفری و زندانهای بزرگسالان صحت داشته باشد، نسبت به حقوق صغار صادق نیست. حقوق صغار دو شاخه دارد: یک شاخه وابسته به حقوق کیفری؛ و شاخه دیگر مربوط به حقوق مدنی. بین این دو شاخه - که اولی راجع به طفولیت مجرمانه و ثومی راجع به حمایت از صغار در معرض خطر است - در عمل رابطهای تنگاتنگ وجود دارد. حقوق صغار به مانند یک شاخه متحول جرم‌شناسی بالینی تلقی شده است. این حقوق در واقع توصیه‌های ششمین کنگره انسان‌شناسی جنایی را که در شهر تورین (ایتالیا) به سال ۱۹۰۶ برگزار شد به اجرا می‌گذارد:

۱) اعطاء اختیارات وسیع به قاضی برای انتخاب اقدام مناسب از میان یک سلسله اقدامات موجود برحسب جرم ارتكابی؛

۲) انتخاب نوع رفتار نسبت به فرد مجرم که باید لزوماً مبتنی بر معاینه‌های پزشکی - روانشناختی فرد و کسب اطلاعات درباره نیاکان او باشد.

این اصول پس از پایان جنگ دوم جهانی، در اروپا بر وضعیت حقوقی جدید اطفال بزهکار حاکم شد: تخصصی شدن قاضی اطفال، مطالعه و تشکیل پرونده برای نوجوانان بزهکار، تأکید بر بازپروری وی، انجام یک سلسله اقدامات اجتماعی - تربیتی و بالاخره امکان تجدیدنظر در آنها در هر لحظه.

هائری میشو، قاضی فرانسوی، معتقد است که در زمینه بزهکاری صغار، از عدالت توزیعی

یعنی عدالتی که عمدتاً به تحمیل و توزیع کیفی‌ها در میان مجرمین می‌پردازد (Distributive justice) به عدالت حلال یا حلّ و فصل‌کننده (Resolutive justice)، یعنی عدالتی که قبل از هر چیز در مقام حل مشکلات ناشی از بزهکاری صغار است دست یافته‌ایم.

باید اضافه کرد که واژه delinquency در زبان انگلیسی و اصطلاح حقوق کامن‌لو، نه به ماهیت عمل ارتكایی مجرم، بلکه به سن او توجه دارد و بنابراین شامل جرایم اطفال و نوجوانان می‌شود، حال آنکه در زبان فرانسه و نوشتارهای جرم‌شناختی به زبان فرانسه، مفهوم بزهکاری (Criminalité) اعم از جرایم جنایی و جرایم جنج‌های (délinquance) بوده و به ماهیت عمل ارتكایی توجه ندارد. اصطلاح اخیر در زبان فرانسه معمولاً برای جرائم سبک و جنج‌های به کار برده می‌شود.

ر. که

Attendance centres; Borstal; Care order; Child molestation; Maladjustment.

\* \* \*

Kant (Emmanuel)

(1724-1804)

کانت (امانوئل)

(۱۸۰۴ - ۱۷۲۴)

کانت، فیلسوف بزرگ آلمانی، از دو جهت در جرم‌شناسی مورد توجه واقع شده است:

(۱) ابتدا به جهت بینش وی در خصوص انسان‌شناسی عملی (۱۷۸۹) که باید مورد توجه قرار گیرد. در این بینش، هدف انسان‌شناسی عملی - که از انسان‌شناسی فیزیکی جدا است - تمیز و تشخیص آن چیزی است که انسان، به عنوان یک موجود اخلاقی، می‌تواند و باید برای هدایت طبیعت خاص خود تا تحقق آن، انجام دهد.

(۲) و سپس بینش وی در مورد متافیزیک حقوق است که باعث می‌شود تا کانت، مجازات را یک ضرورت قاطع و صریح ناشی از عقل عملی بداند: کیفر باید وجود داشته باشد، نه به این جهت که مفید است، بلکه بدین لحاظ که عقل آن را ضروری می‌داند. از این رو، هدف مجازات برقراری مجدد نظم اخلاقی است که با وقوع جرم مختل شده است. بدین جهت

است که وقتی جمعیت یک جزیره تصمیم به ترک آن می‌گیرد، آخرین بازمانده که محکوم به کیفر مرگ شده است، باید اعدام شود و به سزای خود برسد.

این بنش اخلاقی در مورد مجازات در مقابل بینش فایده‌گرایی بتتام قرار گرفت که بعدها مبنای قانون مجازات ۱۸۱۰ فرانسه و حقوق کیفری کلاسیک واقع شد.

از نظر تاریخی، بینش کانت این ضایستگی را داشت که مسأله کیفر را خارج از مقوله سودمندی صرف مطرح ساخت.

ر.ک. Bentham; Criminal policy; Penal philosophy; Penology; Values.



Kinberg (Olof)  
(1873-1960)

کینبرگ (آلاف)  
(۱۸۷۳-۱۹۶۰)

کینبرگ، پزشک سوئدی بود که در سال ۱۹۳۴، مدیر مؤسسه جرم‌شناسی استکهلم شد. وی از سال ۱۹۲۱ به تدریس روانپزشکی قانونی پرداخته و حدود نیم قرن در قلمرو جرم‌شناسی در کشورهای اسکاندیناوی، از صاحب نظران این رشته بود.

عنوان اثر اصلی کینبرگ که نخستین بار در سال ۱۹۳۰ به زبان سوئدی نوشته شد و سپس در ۱۹۳۵ به زبان انگلیسی و در ۱۹۵۹ به زبان فرانسه ترجمه و منتشر شد، «مسائل اساسی جرم‌شناسی» است.

کینبرگ دارای بینشی عینی در مورد جرم‌شناسی است که مبتنی بر تأثیر موثری عمل روانی - جسمانی است. به نظر وی، جرم به مثابه یک «سازش ناپاقتگی» با جامعه است؛ او محیط را وسیله تحریک می‌پندارد، وضعیتهای زمینه‌ساز بزهکاری را دقیقاً توصیف می‌کند و طرز تلقی وی نسبت به فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، در قالب «کشش» و «مقاومت» بیان می‌شود. وی صریحاً با نظریهٔ لمبروزو مخالف بود و در حالی که به نظر لمبروزو تیپ مجرمانه، یک گونه از گونه‌هایی است که رشتهٔ انسان‌شناسی به آن پی برده است، کینبرگ بارها اعلام کرد که میان مجرم و سایر انسانها، تفاوت ماهوی وجود ندارد و تقسیم بشریت به دو گروه انسانهای خوب و انسانهای بد، غیرواقعی است. کینبرگ بدین ترتیب، راهی را که جرم‌شناسی بائینی معاصر باید طی کند نشان داد.

ر.ک.

Acting out; Criminal biology; Criminal personality; Criminal policy;  
Lombroso; Maladjustment; Precriminal situations; Psychoanalytic  
criminology.

\* \* \*

### Labelling theory

### نظریه برچسب‌زنی

#### (la) Théorie de l'étiquetage

این عقیده که وقتی یک فرد از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ گردد، نخستین بار توسط اریکسون (Kai Erikson)، جرم‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۶۲ در کتاب «تأیید بزه‌کار» مطرح گردید. توصیف متقاعدکننده‌ای از این فرآیند، از سوی شف (T.J.Scheff) ارائه شد که استدلال نمود کسی که در طبقه‌بندی افراد بیمار روانی قرار داده می‌شود بایستی نهایتاً نشانگر و بیانگر آن «بیماری» شده و سپس برای همیشه به نام بیفتد؛ به عبارت دیگر، وی چگونه می‌تواند در چنین وضعیتی، چنانچه سلامت خود را بازیابد، ثابت نماید که به حالت عادی بازگشته است؟ همین فرآیند، در مورد مجرمین دستگیر شده‌ای که با تشریفات تأیید و اقرار به جرم، و محکومیت کیفری در محضر دادگاه، مواجه می‌شوند و رسماً برچسب مجرم به آنان زده می‌شود و نتیجتاً از آنان انتظار می‌رود که مجرم‌گونه رفتار نمایند، نیز مصداق دارد.

تکرار جرم نیز بدین ترتیب، نه به وسیله فردیت شخص، بلکه برحسب فرآیند برچسب‌زنی تبیین می‌شود. نظریه برچسب‌زنی به رغم اهمیتی که دارد از پاسخ به این سؤال باز می‌ماند که چرا مجرمین برای نخستین بار دست به ارتکاب جرم می‌زنند یا اینکه چرا کسانی که دستگیر نمی‌شوند به ارتکاب جرم ادامه می‌دهند؛ این نظریه همچنین در این خصوص که دادگاه‌ها، زندان‌ها، بیمارستان‌ها و غیره، چگونه می‌توانند بدون استفاده از طبقه‌بندی، به وظایف خود بپردازند، هیچگونه راه‌کار و پینشی به دست نمی‌دهد.

ر.ک.

Deviance; Interactionist criminology; Primary deviance; Social  
reaction; Penal sociology.



مکتب تحقیق ایتالیایی بر غیرقابل پیش‌بینی و ناگهانی بودن رفتار بزهکار تأکید دارد. لمبروزو تشابه موجود میان ذهنیت مجرم و ذهنیت کودک (یعنی ذهنیتی که به زمان حاضر و نیز انگیزه‌های حاضر توجه دارد و مانع هرگونه استفاده از تجربه گذشته یا هرگونه تفکر و پیش‌بینی می‌شود) را نشان داده است. تازد، قاضی فرانسوی، منکر غیرقابل پیش‌بینی و ناگهانی بودن رفتار مجرم است و معتقد است که نوعی حسابگری و پشتکار خاص در آنها وجود دارد.

فرد دارای بی‌ثباتی روانی کسی است که نمی‌داند چگونه باید از تجربه‌های گذشته استفاده کند، چگونه باید سازمان‌دهی زمانی کند و بالاخره نمی‌تواند از ارضاء فوری علائق خود، به رغم وجود احتمال مجازات و بنابراین ناامنی برای او، صرف‌نظر نماید. تلون مزاج در واقع، در اغلب بزهکاران وجود دارد. از نظر علت‌شناسی، بی‌ثباتی روانی ممکن است - به لحاظ فقدان گزینه حفظ و نگهداری، حاکمیت اصل لذت بر اصل واقعیت و عدم ثبات فرهنگی و تحزک - از ناپهنجاری ناشی شود.

از نظر پویایی جنایی، بی‌ثباتی روانی مشخص می‌کند که چگونه بزهکار، با علم و ترس از مجازات‌های پیش‌بینی شده برای عمل مجرمانه، از «گذار از اندیشه به عمل» صرف‌نظر نمی‌کند. تلون مزاج، مؤلفه شخصیت بزهکاران مُزمن و دائمی است. در فرآیند ارتکاب عملی خطرناک، به سازماندهی زمانی توجه نمی‌شود. در تشخیص حالت خطرناک، بی‌ثباتی روانی مورد توجه قرار می‌گیرد و به منظور تعریف ارباب‌ناپذیری که یکی از دو عنصر تشکیل دهنده استعداد یا ظرفیت مجرمانه است (عنصر دیگر آن، زیان‌بخش بودن است که در قالب روحیه تهاجمی و بی‌تفاوتی عاطفی ظاهر می‌شود) به خودبینی افزوده می‌شود.

ر.ک.

Acting out; Criminal personality; Criminogenic process;

Criminological diagnosis; Dangerousness.

Lacassagne (Alexandre)  
(1843-1924)

لاکاسانی (الکساندر)  
(۱۸۴۳-۱۹۲۴)

لاکاسانی، پزشک نظامی فرانسوی بود که در سال ۱۸۸۰ در شهر لیون، شروع به تدوین پزشکی قانونی کرد. وی در سال ۱۹۰۶ «مختصر پزشکی قانونی» را منتشر ساخت و در سال ۱۸۸۶ به اتفاق گارو (استاد حقوق جزایی) و تارد (قاضی) نشریه آرشیه‌های انسان‌شناسی جنایی را که تا سال ۱۹۱۴ به طور منظم منتشر می‌شد، بنا نهاد.

وی در نخستین کنفرانس بین‌المللی انسان‌شناسی جنایی (ژن - ۱۸۸۵) در مقابل نظریه «تیپ - گونه مجرمانه» لمبروزو، آموزه «محیط اجتماعی» را بیان کرد. به نظر وی، مفهوم محیط اجتماعی، کل عوامل مؤثر خارجی مربوط به آب و هوا، عوامل فیزیکی یا شیمیایی، مانند عوامل مربوط به تربیت، محیط و پیرامون فرد را شامل می‌شود. تفکر لاکاسانی در زمینه جرم‌شناسی در دو جمله مشهور و خلاصه می‌شود: «هر جامعه، بزهکارانی را دارد که شایسته آن است» و «محیط اجتماعی، محیط و ظرف کشت بزهکاری است». میکروب، فرد بزهکار است؛ بزهکار عصری است که وقتی ظرف و محیط مستعد باروری خود را بیابد، رشد می‌کند. بنابراین باید نسبت به عوامل جرم‌زای محیط اجتماعی، اقداماتی به عمل آورد؛ همانگونه که باید علیه بیماریهای سیفیلیس، سل و نیز الکلیسم، مسمومیت‌ها و ففر مبارزه کرد.

لاکاسانی طرفدار کیفر مرگ بود، لیکن در عین حال طرفدار اصلاح رژیم [عمال مجازات حبس، یعنی زندانها، به منظور فردی کردن آن بود. موضع پزشکی - اجتماعی لاکاسانی بعدها اساس مطالعات بوم‌شناختی مکتب شیکاگو - در ایالات متحده آمریکا - واقع شد.

Criminal prophylaxis; Criminal sociology; Criminogenic factors; Criminogenic society; Lombroso; Personal milieu.

\* \* \*

Lombroso (Cesare)  
(1835-1909)

لمبروزو (چزاره، سزار)  
(۱۸۳۵-۱۹۰۹)

لمبروزو در یک خانواده کلیعی در ایتالیا به دنیا آمد. در سال ۱۸۵۹ پزشکی نظامی شد و در

۱۸۷۶ به سمت استادی پزشکی قانونی در دانشگاه تورین (ایتالیا) منصوب گردید. در همین سال کتاب مشهور خود را تحت عنوان «انسان مرد بزهکار» منتشر کرد. سایر آثار او عبارتند از: «جرم سیاسی و انقلابها»، (این کتاب را با همکاری R. Laschi نوشته است)، «انسان ناپل»، «زن بزهکار و روسی» (با همکاری C. Ferreri)، «انسان‌شناسی جنایی و پیشرفت‌های اخیر آن» و بالاخره «جرم، علل و راههای درمان آن».

به دنبال کاتیدشکافی و معاینه یک سارق حرفه‌ای به نام ویلا (Villola) در سال ۱۸۷۰، لمبروزو شروع به تحقیق و گروه‌بندی خصوصیات و نشانه‌های غیرعادی در بزهکاران نمود و بدین ترتیب بود که مشخصات تیپ مجرمانه را که به نظر وی یک گونه از گونه‌های شناخته شده در رشته انسان‌شناسی است و ماهیت توارثی دارد، معین کرد. این تیپ مجرمانه در زنان و مجرمین یا نوجوانان به چشم نمی‌خورد و برحسب دسته‌های مختلف بزهکار مثل افرادی که متعادل به تجاوز به عنف‌اند، سارقین، قاتلین و... متفاوت است.

تیپ مجرمانه لمبروزو در یک سیستم علمی قرار می‌گرفت که منبع الهام آن، نظریه تکامل داروین بود. براساس این نظریه، انواع جدید، به صورت تدریجی و به گونه منظمی تکامل می‌یابند. اصل اساسی این نظریه، انتخاب و گزینش طبیعی است که به موجب آن، گونه‌های مختلف افراد یک نوع، برای ارزش‌های حیاتی متفاوتی می‌باشند و آن دسته از گونه‌هایی که در تنازع بقاء «انطباق‌پذیر» باشند، بیشترین احتمال را برای قادر ساختن اعضا آن گونه‌ها به ادامه حیات دارند به این شرط که تناسب داروینی معقولی داشته باشند که به فرزندشان منتقل شود (یعنی اصل بقاء اصلاح). مطالعه جرم از اولین لحظات تشکیل و تکوین نطفه، لمبروزو را به سمت تحقیق پیرامون پدیده‌های مشابه در حیوانات، انسان‌های اولیه و اطفال سوق داد.

با اتکاء به این سیستم علمی بود که لمبروزو جرم‌شناسی را با همکاری یک گروه مشکل از تخصص‌های گوناگون، از جمله پزشکی (خود لمبروزو)، جامعه‌شناسی (فرژی) و حقوق (گاروفالو) بنا نهاد. فرژی به تیپ مجرمانه لمبروزو، عنوان بزهکار ماندزاد را داد و آن را در طبقه‌بندی کنی پنج‌گانه مجرمین جای داد. گاروفالو نیز جرم را از نظر جرم‌شناسی تعریف کرد و مفهوم حالت خطرناک را مطرح کرد و بدین ترتیب جرم‌شناسی بالینی تولد یافت. گاروفالو به تحقیق اجتماعی پیرامون مجرم اهمیت می‌داد، حال آن که لمبروزو به معاینه پزشکی روانشناختی فرد مجرم اعتقاد نداشت.

این گروه چند تخصصی، مکتبی را بنا نهاد که از نظر تاریخی، به ترتیب، مکتب انسان‌شناسی جنایی، مکتب ایتالیایی، مکتب تحقیقی یا مکتب اثبات‌گرا نام گرفت که دارای

چندین ویژگی است:

- ۱) ویژگی اولیه این مکتب در آن است که عمل مجرمانه را یک عمل آزادانه نمی‌دانند، بلکه عملی تلقی می‌کند که به طور مکانیکی تعیین شده و جبری است؛
- ۲) ویژگی دیگر مکتب، برنامه آن در زمینه سیاست جنایی است، واکنش کیفری علیه بزهکار باید به جای معیار مسؤولیت، براساس معیار حالت خطرناک فرد بزهکار تعیین شود؛
- ۳) این واکنش باید به سمت فردی کردن آن در قالب صدور احکامی جهت داده شود که از نظر مدت، نامعین است لیکن این مدت با توجه به تحولات بعدی رفتار بزهکار تعیین خواهد شد؛

۴) و بالاخره این که اجرای مجازات باید زیر نظر قاضی باشد.

پویایی این مکتب و فعالیت لمبروزو موجب برگزاری کنگره‌های بین‌المللی انسان‌شناسی جنایی بین سالهای ۱۸۸۵ و ۱۹۱۳ شد. در ۱۹۱۳ شارل گورینگ (Ch. Goring) کتابی با عنوان «محکوم انگلیسی» *The English Convict* منتشر کرد که در آن، با توسل به یک رهیافت و بررسی افتراقی بزهکاران و غیربزهکاران، تیپ مجرمانه لمبروزو را رد کرد. آنچه از آورده‌های لمبروزو در جرم‌شناسی باقی مانده است، این است که توسل به مشاهده بالینی مجرم، تفسیر و تحلیل داده‌هایی که از این طریق کسب می‌شود و بالاخره بررسی این تعابیر و تفسیرها به کمک آموزش و تجربه‌های کنترل شده، از لوازم رهیافت و مطالعات علمی در جرم‌شناسی قلمداد می‌شود.

ر.ک.

Clinical criminology; Control group; Criminal biology; Criminal policy; Criminal prophylaxis; Criminology; Di Tullio; Ferri; Garofalo; Juvenile delinquency; Lacassagne; Median-psycho-social examination; Penal philosophy; Social defense.

\* \* \*

## تحقیقات طولی

Longitudinal researches  
(les) Recherches longitudinales

این عنوان شامل اندازه‌گیری‌های مکرر از یک گروه از افراد یا نمونه‌هایی از یک جمعیت (در

یک مقطع زمانی) می‌باشد. فایده اصلی این روش، بررسی دقیق روند تحول، تاریخ طبیعی و رواج یک پدیده در سنین مختلف، چگونگی بروز پدیده‌ها و با تداوم و عدم تداوم آنها از سن پایین‌تر به سنین بالاتر می‌باشد. همچنین برای مطالعه ارتباط میان وقایع پیشین و پسین، آثار وقایع خاص یا تجربیات زندگی در طول تحول و انتقال خصوصیات از یک نسل به نسل بعد نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

نخستین پژوهش‌های عمده طولی در جرم‌شناسی، در ایالات متحده و توسط زوج گلوک (S. and E.T. Glueck)، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان آمریکایی صورت گرفت. آنان به پیگیری وضعیت افراد به شرح زیر پرداختند:

الف) ۵۰۰ نفر مرد که از یک ندامتگاه آزاد شده بودند؛ (ب) ۵۰۰ نفر زن که از یک ندامتگاه آزاد گردیده بودند؛ (ج) ۱۰۰۰ نوجوان بزهکار که در یک درمانگاه مورد مابینه قرار گرفته بودند و (د) ۵۰۰ نفر بزهکار نهادی شده (که به شرایط و ضوابط محل نگهداری خود یعنی زنان عادت کرده بودند) و (ه) ۵۰۰ نفر غیربزهکار مشابه. این مطالعات تعاقبی و دنباله‌دار در زمان، تا پانزده سال به طول انجامید.

یکی از فواید اصلی تحقیقات طولی در جرم‌شناسی، بررسی پیشه‌های مجرمانه است. تلاش‌هایی صورت گرفته است تا آغاز و سرنوشت چنین پیشه‌هایی قابل پیش‌بینی شود، موارد ارتکاب انواع مختلف جرم در سنین مختلف، ثبت گردد، ارتباط میان بزهکاری نوجوانان و جرایم بزرگسالان مطالعه شود، در این مورد که آیا ارتکاب جرم، مسأله خاصی است یا عمومیت دارد تحقیق و تفحص شود و آثار برخورد کیفری و وقایع دیگر از قبیل ازتواج، طلاق و... بر ارتکاب جرم مشخص شود. مطالعاتی که مصاحبه‌های جاری را با اطلاعاتی از سوابق رسمی فرد ترکیب می‌نمایند دارای بیشترین فایده‌اند.

ر.ک. Criminal sociology; Follow up studies; Methodology.

\* \* \*

Lucas (Charles)  
(1803-1889)

لوکا (شارل)  
(۱۸۰۳-۱۸۸۹)

لوکا، قاضی فرانسوی، در سال ۱۸۳۰ بازرس کل زندانهای فرانسه شد. وی قبلاً در ۱۸۲۸

اثر خود، «نظام زندتها در اروپا و ایالات متحده آمریکا» را منتشر کرده بود و در ۱۸۳۶ جلد اول کتاب دیگر او با عنوان «نظریه حبس» چاپ شد. لوکا مخالف مجازات مرگ بود و اعتقاد داشت که زندان، قادر به پیشگیری از تکرار جرم از طریق اصلاح محکوم و پیشگیری عام جرم از طریق ارعاب می‌باشد. اقدام اساسی وی در قلمرو صغار بزهکار بود. او طرفدار ایجاد اردوگاههای کشاورزی زندان‌نونه بود و در ترویج شعار مشهور «نجات زندانی به‌وسیله زمین و نجات زمین به‌وسیله زندانی» نقش مهمی ایفاء کرد.

Death penalty; Howard; Penology; Prison.

ر.ک.

\* \* \*

## Maladjustment

### (۱) Inadaptation

## سازش‌نایافتگی، ناسازگاری

ناسازگاری، عدم توانایی و عدم استعداد فرد در بروز واکنش موزون نسبت به محرکهای محیطی است. از این نظر و از دیدگاه کینبرگ، می‌توان جرم را به مثابه نوعی ناسازگاری با قضاوتها، داورپها و ارزیابی‌های اخلاقی‌ای تلقی کرد که در محیط پذیرفته شده و در تعاریف قانونی نیز بیان شده است. لیکن از نظر ذهنی، جرم برای مباشر آن، نوعی سازگاری تلقی می‌شود. در واقع، انسان همواره در جستجوی خوشبختی و رفاه است. از این رو از دیدگاه دوگراف (De Gruel)، عمل مجرمانه در چارچوب جستجوی بهترین تعادل که انسان همواره به دنبال آن است قرار می‌گیرد. بنابراین تعارض میان احساس نرونی مجرم و قضاوت دیگران در خصوص رفتار و کردار، تعارضی تام و آشکار است و بدون تردید یکی از جنبه‌های رهیافت جرم‌شناختی و مداخله نظام کیفری در همین نقطه قرار دارد.

در قلمرو بزهکاری اطفال و نوجوانان، مفهوم سازگاری یا ناسازگاری، مدتها در دیدگاه پزشکی-اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. عدم استعداد و قابلیت در بروز واکنش موزون، مدتها در رابطه با طبیعت فیزیکی طفل و نوجوان (ناشنوایی، لالی، نابینایی) و طبیعت روانی او (کودنی روانی، یعنی بهره هوشی پایین، و دژمنشی) یا شرایط اجتماعی وی (اطفال رها شده یا در معرض خطر به واسطه شرایط اقتصادی و فرهنگی ناساعد) تبیین و توجیه شده و از این رو، بزهکاری به عنوان یکی از جلوه‌های ناسازگاری جسمانی، روانی یا

اجتماعی مورد توجه قرار می‌گرفته است.

تحقیقات خانم آن - ماری فاوژ (A. M. Favard)، روانشناس و استاد دانشگاه پو (فرانسه)، نشان می‌دهد که بزهکاری و سازگاری، لزوماً رفتار و کناره‌های ماهیتاً مشابهی نیستند. بزهکاری مکرر خطرناک، مرتبط با شخصیت است، در صورتی که به نظر می‌رسد که سازگاری، عمدتاً وابسته به محیط خانوادگی است.

با ظهور مفهوم انحراف، تفکیک صریح بزهکاری و ناسازگاری از میان رفت. انحراف، در یک تعبیر بسیار کلی، شامل رفتارهایی می‌شود که همزمان، در قلمرو آسیب‌شناسی اجتماعی و در قلمرو جرم‌شناسی قرار می‌گیرد. چنین نگرشی به انحراف، ناشی از یک دیدگاه جامعه‌شناختی است، حال آن که ناسازگاری و بزهکاری بیشتر در یک دورنمای بالینی قرار می‌گیرد و از نظر بالینی است که نباید نوجوانان و جوانان بزهکار، و نوجوانان و جوانان ناسازگار یا سازش نایافته و غیربزهکار را، به منظور اجتناب از ظهور پدیده‌ی سرایت که همیشه به ضرر گروه اخیر تمام می‌شود، در کانون‌ها و مؤسسه‌های واحدی نگهداری کرد.

ر.ک.

Acting out; Cohort; Contagion; Criminal personality; Deviance; De Greeff; Juvenile delinquency; Kinberg.

\* \* \*

Marxism

(le) Marxisme

(1818-1883)

مارکسیسم

(۱۸۱۸ - ۱۸۸۳)

مارکسیسم، علوم انسانی را بر اقتصاد استوار کرده است. این مکتب که مبتنی بر دیالکتیک است، فلسفه علمی را در خدمت انقلاب مبتنی بر مادی‌گری قرار می‌دهد (پره‌کنشی انسان به وسیله انسان، از خود بیگانه‌گی کارگر، مبارزه طبقاتی، دیکتاتوری پرولتاریا، پیدایش جامعه بدون طبقه). در این دیدگاه، بزهکاری تابعی از شرایط اقتصادی است.

ریشه‌های این نظریه را می‌توان در اثر توماس مور (Th. More - ۱۴۷۸ - ۱۵۱۶) یافت. وی صدر اعظم هانری هشتم، پادشاه انگلستان بود. مور در اثر خود به نام اوتوپیا (پندرها) که

چاپ نخست آن به زبان لاتین در سال ۱۵۱۶ منتشر شد، وضعیت جنایی تأسف‌بار زمان خود را که به دنبال اقتصاد مبتنی بر بهره‌برداری صرف از چراگاهها و صادرات پشم به وجود آمده بود و از این رو تابع بیماری‌های مسری در حیوانات بود، توصیف کرد. به نظر وی، بیکاری و فقر ناشی از این وضعیت، عوامل تعیین‌کننده بزهکاری محسوب می‌شوند.

انگلس (Fengels, ۱۸۲۰ - ۱۸۹۵) در کتاب خود با عنوان «وضعیت طبقه زحمتکش در انگلستان» (۱۸۵۴) وضعیت زحمتکشان را توصیف می‌کرد. اندکی بعد از او، مارکس (۱۸۱۸ - ۱۸۸۳)، نظام سرمایه‌داری را در کتاب خود، «سرمایه» (کتاب اول، ۱۸۶۷) به باد انتقاد می‌گرفت. اثر بنیانگذاران مارکسیسم چنین مستفاد می‌شود که به رغم آنان، نابرابری اقتصادی، بزهکاری را به وجود می‌آورد و بزهکاری، واکنشی علیه بی‌عدالتی اجتماعی است. در یک جامعه اشتراکی و کمونیستی، بزهکاری وجود نخواهد داشت. در چنین جامعه‌ای، اقدام‌های مخالف خوشبختی جامعه و اعضاء آن (ارتکاب جرایم)، نتیجه و پیامد انواع بیماریها در افراد مجرم است. مارکس در واقع بزهکار را به مثابه یک عامل اقتصادی تلقی کرده است. سوسیالیسم علمی پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم همچنان بزهکاری را پدیده‌ای می‌داند که تحت تأثیر عوامل اقتصادی است. اثر ویلیام بُنگر هلندی (W. Bonger) در ۱۹۰۵ با عنوان «بزهکاری و شرایط اقتصادی» به زبان فرانسه در قلمرو جرم‌شناسی سوسیالیست، به اثر مشهوری تبدیل شد.

جرم‌شناسی شوروی سابق همواره تأکید داشت که بزهکاری به اقتصاد وابسته است. البته باید اضافه نمود که رهیافت مزبور در مقام مطالعه جرم نمی‌توانست به تنهایی موفق به تبیین پدیده مجرمانه در هیچیک از جوامع، اعم از سرمایه‌داری و سوسیالیستی گردد. دلیل آن نیز، ادامه ارتکاب جرایم مختلف در کشورهای کمونیستی سابق از جمله اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود که به استاد آمارهای جنایی منتشره از سوی خود این کشورها به اثبات رسیده است.

ر.ک.

Comparative criminology; Criminal policy; Criminogenic factors, Criminogenic society; Radical criminology.



این مسأله از سوی برخی جرم‌شناسان مطرح شده است که اولاً اغلب مجرمین، کمال نیافته (ناپخته) هستند و ثانیاً نایابیدگی و بزهکاری تو روی یک سکنه‌اند. هر دو این نظرات، تعریف دقیقی از «بالیدگی» را دربرداشته و پدیده «مجرمین دیراغاز» (یعنی کسانی که در سنین نسبتاً بالا به دنیای جرم روی می‌آورند) را در ارتکاب جرم نادیده می‌گیرد. برخی دیگر نیز چنین اظهارنظر کرده‌اند که غالب مجرمین پس از سن سی و پنج سالگی، به پختگی رسیده و دیگر مرتکب جرم نمی‌شوند. آنان پیشنهاد ارائه نوعی ضریب بالیدگی (M.Q.) یا Maturation Quotient را نموده‌اند تا به اندازه‌گیری «درجه انحراف از «هنجار بالیدگی» کمک نماید. مخالفین این نظر تأکید می‌ورزند که شروع زود هنگام ارتکاب جرم (مثلاً در یک طفل) منجر به بوجود آمدن مجرمین بزرگسال غیرقابل اصلاح و نفوذی می‌شود که به مرحله پختگی نرسیده و به ارتکاب جرم ادامه می‌دهند. مصلک تنها بخش کوچکی از همه کسانی که به طور زودرس مرتکب جرم می‌شوند، در دوران بزرگسالی نیز به ارتکاب دائمی جرم ادامه می‌دهند. تعداد اندک مؤخرین معروف ارتکاب جرم (مثلاً در سنین بالاتر از چهل سال) معمولاً و اصولاً در مسیر انتقال عقیدتی، «بحران دوران میانی زندگی»، «نامیدی‌ها» و یا مشکلات غیرقابل اشتراک با دیگران قرار می‌گیرند، لیکن چنین نظری پدیده جرایم یقه سفیدان را عمدتاً نادیده می‌گیرد. جرم، و به ویژه جرایم خشونت‌آمیز غالباً با دوران نوجوانی مربوط بوده و بالا رفتن سن، ظاهراً اغلب فعالیت‌های مجرمانه سستی و شناخته شده را کاهش می‌دهند. بدین سان می‌توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق مجرمین، از ارتکاب آن دست کشیده و به «بالیدگی» می‌رسند (گو اینکه این امر الزاماً در سن قبل‌دادی خاصی روی نمی‌دهد)؛ در عین حال، تمامی اینگونه برآوردها، نشأت گرفته از پرونده‌های رسمی مراجع قضائی بوده و مستلزم این فرض است که هیچگونه قصوری در کشف جرم صورت نمی‌گیرد، یعنی این که پرونده‌های رسمی، معرف کل جرایم ارتکاب یافته و مرتکبان است.

Age; White collar crime.

ر.ک.

## Media

## رسانه‌ها

## (les) Médias

اصطلاح «رسانه‌های همگانی» در سال ۱۹۵۸ توسط م. یانگ (M. Young) در کتاب «پیدایش فضیلت سالاری» به عنوان واژه اختصاری برای توصیف تلویزیون، رادیو و مطبوعات مطرح گردید. نسبت به رسانه‌های گروهی، سه اتهام مختلف، مورد توجه بوده است که به درستی به اثبات نرسیده‌اند. رسانه‌های گروهی متهم‌اند به: ۱) عدم مسؤلیت، اولاً بدین سنی که مطالبی که عنوان واقعیت مطرح می‌کنند که دلیل واقعی برای آنها، وجود ندارد؛ و ثانیاً بدین معنی که اطلاعات دقیقی را در خصوص چگونگی ارتکاب جرایم به مردم می‌دهند (و بدین ترتیب احتمالاً موجب ارتکاب جرایم رقابتی می‌شوند)؛ ۲) ساختن «اخبار» تصنعی که تاصحیح یا بی‌فایده است، و ۳) ایجاد و تحمیل وحشت اخلاقی (روانی)، به واسطه خبررسانی گزینشی و تمرکز قالبی بر روی مشکلات اجتماعی جاذبه‌ناار و جالب توجه.

Insecurity.

ر.ک.



## Mediation

## میانجیگری

## (la) Médiation

روش میانجیگری، نمونه‌ای است از تحراف از فرآیند کیفری یعنی قضاودایی برای حل و فصل تنش‌ها و اختلاف‌های ناشی از جرم که ممکن است در هر مرحله‌ای، از لحظه‌ای که جرمی اتفاق می‌افتد تا قبل از این که متهم در محضر دادگاه ظاهر می‌شود و در روبکرد اخیر به میانجیگری در حقوق کیفری<sup>۵۲</sup>، در مراحل دادسرا، دادگاه و حتی مرحله اجرای حکم محکومیت کیفری اعمال شود. از این روش می‌توان به عنوان بخشی از مجازات نیز استفاده نمود، هرچند که چنین امری نسبتاً به ندرت اتفاق می‌افتد. شرکت در چنین روشی، به رضایت

۵۲ در مورد حقوق ایران ر.ک. ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری که میانجیگری را در دادسرا پیش‌بینی کرده و ماده ۸۲ و ۸۳ که میانجیگری را در دادسرا و دادگاه پذیرفته است.

هر دو طرف دعوی کیفری بستگی دارد.

این روش که ناشی از الگوهای حل و فصل اختلافات در قبایل آفریقایی و رفع اختلافات به روش غیرقضایی در برخی از جوامع بومی ایالات متحده آمریکا است، شاکلی و متهم را ترجیحاً در یک مکان بی‌طرف و زمان مناسب برای هر دو آنان، در حضور یک شخص ثالث بی‌طرف به نام میانجی در کنار هم قرار می‌دهد. وظیفه اصلی فرد میانجی، تسویق و کمک به طرفین اختلاف برای شنیدن گفته‌ها و ادعاهای یکدیگر در ارتباط با شرح ماقوع و سابقه آن، و سپس با رسیدن به تفاهم بیشتر از طریق بحث و تبادل نظر، دستیابی به یک راه حل عرضی‌الطرفین در خصوص اختلاف یا اختلافاتشان است. میانجی، در صورت داشتن اختیار قبلی از سوی طرفین دعوی، می‌تواند چنانچه آنان ناتوان از رسیدن به یک راه حل شخصی مرضی‌الطرفین باشند، راه کار خود را بر آنها تحمیل نماید. روش اخیر تحت عنوان «داوری» شناخته می‌شود.

موردی که منجر به اعمال میانجیگری گردیده، ممکن است بخشی از یک الگوی رفتاری گسترده‌تر، از سوی یکی از طرفین اختلاف یا هر دو آنها باشد و فرد میانجی نه تنها به انتساب تقصیر مبادرت نمی‌کند، بلکه به نحوی مطلوب، آنان را قادر می‌سازد که دلایل ریشه‌ای اختلاف را پیدا کرده و پس از بحث و تبادل نظر، به توافقی دست یابند که در راستای تنظیم رفتار آتی و نیز حل و فصل مشکل گذشته آنان باشد.

بلین‌سان، هر دو طرف دعوی، دیدگاه‌های خود را ابراز می‌دارند و هیچیک از مقررات و آیین‌های محدودکننده اثبات دعوی که در روش رسیدگی اتهامی در نظام حقوقی انگلوساکسن (که نوعاً مانع ذکر حوادث و وقایع زمینه‌ساز اختلاف از سوی طرفین دعوی است) مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. اینگونه پیش‌زمینه‌ها، از نظر متناعین دارای اهمیت بسزایی بوده و غالباً به شرح خود واقعه نیز کمک می‌نمایند. دامنه انتخاب‌های فرد تعیین‌کننده مجازات محدود است. ولی، بالعکس هیچگونه محدودیتی از پیش تعیین شده‌ای در ارتباط با محتوای توافقات خود طرفین اختلاف وجود ندارد.

روشها و تجربیات بسیار متنوعی در این زمینه وجود دارد. غالب مراکزی که در کشورهای غربی به این امر اشتغال دارند، سعی خود را معصوف به حل و فصل موارد اختلاف در میان کسانی می‌کنند که با یکدیگر سابقه آشنایی دارند (مثل زن و شوهرها، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران، مالکان و مستأجران). چنین اشخاص نوعاً باید بیاموزند که با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و بنابراین تمایل بسیار کمی به تعقیب کیفری یکدیگر تا حصول نتایج قلیخ، از خود نشان دهند. در برخی از طرح‌ها، موارد میان افراد غیرآشنا نیز حل و فصل می‌شود. بیشتر آنها، حداقل در ابتدا، ترجیح می‌دهند که به جرایم کم‌اهمیت‌تر

بپردازند، ولی برخی دیگر، آمادگی پرداختن به جرایم بالقوه مهم را نیز دارند. یکی از بزرگترین تفاوت‌ها، مربوط به هویت افراد میانجی است. بعضی از آنان افرادی عادی هستند (که در برخی موارد همراه با تلاش برای به کارگیری افراد نمونه و نماینده‌ای از جامعه محلّی است) و بعضی دیگر متخصصینی از قبیل وکلا، روانشناسان و مددکاران اجتماعی‌اند. برای اکثر آنان، این کار به مثابه فعالیت فوق برنام‌های است که به خاطر آن، حقوق متوسطی دریافت می‌کنند تا کسری مخارج زندگیشان را جبران نماید. علاوه بر کارآموزی فشرده اولیه، بیشتر کار منوط به تجارب فردی و جمعی است.

در برخی از این طرح‌ها، حق انتخاب تعقیب کیفری، در صورت شکست سریع توافق میانجی‌گرانه حفظ شده است. ولی در هر حال، سوءرفتار مجدد، احتمالاً زمینه جدیدی برای پیگیری کیفری به وجود می‌آورد. تحقق توافقات، تا حد زیادی به حسن نیت طرفین بستگی دارد؛ مع‌الوصف در غالب این طرح‌ها، امکان پیگیری مسأله از سوی پرستل پیش‌بینی شده به‌وسیله خود طرح فراهم گردیده است تا میزان پیشرفت کار، مشخص شده و در صورت اقتضاء، طرف سرسخت متقاعد به همکاری گردد.

Diversion; Criminal policy.

ر.ک.

\* \* \*

Medico-psycho-social

معاینه پزشکی - روان‌شناختی - اجتماعی

examination

(1) Examen médico-psycho-social

روشهای مشاهده بزهکاران، از جرم‌شناسی‌های تخصصی مانند جرم‌شناسی پزشکی، جرم‌شناسی روانشناختی و جرم‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناختی) گرفته شده است. این روشهای مختلف ممکن است هر یک به طور مستقل به کار برده شوند که در این صورت نفوذ مداخلات و برداشتهای شخصی در مطالعه، غیرقابل اجتناب است. به همین جهت، بنیانگذاران جرم‌شناسی و جانشینان آنان، پس از اینکه ابتلاً معاینه پزشکی - روانشناختی به ابتکار امپروزو و تحقیق اجتماعی به ابتکار کاروفالو را توصیه کردند، به سمت معاینه پزشکی - روانشناختی - اجتماعی رو آوردند. این، یک کار کلی است که به‌وسیله یک گروه متشکل از متخصصان مختلف انجام می‌گردد. متخصصان، بعد از این که به صورت انفرادی به مطالعه و

بررسی پرداختند، نتایج مطالعات خود را با یکدیگر مقابله و مقایسه می‌کنند و کوشش می‌نمایند که پس از تحلیل آنها، سنتزی ارائه دهند. این کار گروهی باعث می‌شود که از اهمیت و بُعد برداشت‌های شخصی و ذهنی کاسته شود.

در موارد ساده، انجام یک معاینه پزشکی، یک معاینه روانپزشکی (آزمون هوش، آزمون عینی شخصیت، آزمون مربوط به جهت‌یابی‌های شغلی) و یک تحقیق اجتماعی کفایت می‌نماید. این معاینات معمولاً، هم در محیط آزاد (زندان باز) و هم در محیط بسته (زندان‌های کلاسیک) قابل اجرا است. لیکن مواردی وجود دارد که معاینه به معنای اخص کلمه به وسیله مشاهده مستقیم فرد، انجام می‌شود. از آنجا که امر مشاهده به منظور تعیین نحوه نگرش خاص فرد و نیز دنبال کردن چگونگی تحول رفتار او می‌باشد، بنابراین باید در زندان یا مؤسسات تابعه صورت گیرد. انجام معاینات تکمیلی دیگر، از جمله الکتروانسفالوگرافی، معاینه غدد درون‌ریز، معاینه یاخته‌های ژنتیک (Cytogénétique) نیز ممکن است ضروری به نظر رسد.

و بالاخره روشهایی وجود دارد که برای موارد بسیار پیچیده استفاده می‌شود (این روشها عبارتند از روش فرافکن که از روانکاوی یا مفاهیم زیست‌شناختی الهام می‌گیرد و آزمون صلاقت با تشخیص تخذیری، روش اخیر، مسأله مشروعیت ورود به دایره زندگی خصوصی و شخصی فرد را مطرح می‌کند.

انجام معاینه پزشکی - روان‌شناختی - اجتماعی در قلمرو بزهکاری صفار به دنبال توصیه‌های ششمین کنگره بین‌المللی انسان‌شناسی جنایی (تورین - ایتالیا - ۱۹۰۶) ابداع شد. تجربه اجرای این قبیل معاینات به تدریج منجر به استفاده از مفهوم «اکسپ چندتخصصی» شد. لیکن بعدها اصل معاینه، خود به وسیله نظریه جدیدی در جرم‌شناسی زیر سؤال رفت؛ این نظریه، جرم را از طریق واکنش اجتماعی تعریف و تبیین می‌کند، بنابراین تکیه بر شخصیت و محیط مجرم، دیگر ضروری نیست.

اما در قلمرو تقنینی کیفری، به عنوان مثال قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در ماده ۸۱ خود که تحت تأثیر اصل معاینه پزشکی - روان‌شناختی - اجتماعی تصویب شد مقرر می‌دارد که در خصوص جرایم جنایی، تحقیق پیرامون شخصیت مجرم و تشکیل پرونده شخصیت اجباری است و در موارد چنانچه، تشکیل آن اختیاری و به نظر قاضی خواهد بود.

ر.ک.

Clinical criminology; Electroencephalography; Endocrinology; Methodology; Narco-diagnosis; Prison; Test.

چون در طول تاریخ، پدیده‌های است شناخته شده و بحث‌هایی که پیرامون آن صورت گرفته، در ارتباط با علل و عوامل و روشهای درمان آن بوده است. مطالعات اولیه پیرامون این پدیده در یونان و روم بود، لیکن در اروپا به اعتقادات انحرافی در رابطه با مستونی شدن ارواح خبیثه بر فرد، و جادوگری و «درمان‌های» مربوطه انجامید. علم و اصلاح اجتماعی در سده هجدهم به زندگی انسانها راه یافت و از آن زمان تاکنون با درجات متفاوتی از موفقیت، در مبارزه با عقاید فوق بوده است. روشنگری‌های قرن نوزدهم در این خصوص که بیماری روانی، تظاهر عارضه مغزی در رفتار است رواج یافت و روانکاوی به منصف ظهور رسید که به نوبه خود، انواع روان‌درمانی را مطرح ساخت. نوگانی مقولات روانشناختی زیستی - اجتماعی تا زمان حاضر نیز ادامه یافته است که بعضی اوقات، حالت واگرایی و برخی اوقات حالت همگرایی دارند. عقاید و افکار روانی - زیستی جاری، نمونه‌ای از صورت اخیر و احتمالاً روند معقولی، به دور از عقاید نظری صرف است. این روند به نحو قابل ملاحظه‌ای در اثر تکوین درمان‌های موفقیت‌آمیز جسمانی برای برخی از اختلالات، پیشرفت نموده است.

در اواسط سده نوزدهم، حرفه پزشکی کنترل و مراقبت بیماران روانی که در مراکز مربوط تحت درمان بودند را در دست داشت و پس از آن نوبت به دوره تبیین مشروح سندرم روانی رسید. طبقه‌بندی بیماران امری اجتناب‌ناپذیر بوده و سیستم‌های امروزی تا حد زیادی مرهون کارهایی هستند که یکصد سال پیش صورت گرفته است. به طور کلی سه گروه اختلال روانی وجود دارد:

(۱) پسیکوز (روان‌پریشی)

(۲) نوروز (روان‌نزدی)، اختلالات شخصی و دیگر اختلالات غیرروان‌پریشی

(۳) اختلال روانی

روان‌پریشی عبارتست از وضعیت غیرقابل درک یا مرضی، و مفهوم آن این است که این نوع از بیماریها، تجلی عارضه‌های مغزی است که زمینه بیماری می‌باشد. در مورد روان‌پریشی عضوی، از قبیل زوال عقل و حالات ناشی از مسمومیت، این مساله قطعی است و احتمالاً در مورد روان‌پریشی‌های «کارکردی» مثل اسکیزوفرنی نیز صدق می‌نماید.

اختلالات غیرروان‌پریشی به عنوان واکنش‌ها و یا تحولاتی قابل درک، هرچند غیرعادی،

شناخته می‌شوند. اینگونه رفتارها در عمل، شناخته شده هستند، ولی درجه آنها و/یا سهولت شکل‌گیری آنها، قابل تشخیص نیست. بیماری مغزی در علت مسأله دخالت ندارد، بلکه نمونه‌های اجتماعی و روانشناختی در طول نوره رشد و تحول از زمان کودکی، فرد را در برابر فشارها و وقایع زندگی روزمره مستعدتر می‌سازد. نشانه‌های روان‌نژندی غالباً از ویژگی‌های شخصیتی، متمایز شده و اولی محدودتر بوده و آغاز جدیدتری داشته است، در حالی که دومی طوالاتی‌تر بوده و نقش اساسی‌تری در منش فرد ایفا می‌کند.

تمامی طبقه‌بندی‌ها منوط به درک مکانیزم است و پیداست که فقدان آمار عینی مربوط به «آسیب‌شناسی» و اختلالات روانی، بسیار جدی است. تا زمانی که چنین آمارهایی قابل تحصیل نباشد باید به توصیفات بالینی، با توجه به دوره و علت‌های آشکار، اعم از روان‌شناختی، اسبب‌شناختی و یا رژی بازگشت. برخی گفته‌اند که چنین طبقه‌بندی‌هایی فاقد ارزش است زیرا تحمیل یک نظم غیرطبیعی بر مسائلی است که به نحو اجتناب‌ناپذیری، غیرملموس‌اند. البته کار طبقه‌بندی ممکن است به مراحل نامعقولی کشیده شود، اعم از اینکه از نوع پزشکی و زیست‌شناسی بوده و یا مبتنی بر طرح‌های تأیید نشده‌ای از سازوکارهای روان‌پزشکی باشد. به هر حال لزوم طبقه‌بندی، امری صحیح است ولی سیستم فعلی قادر به تأمین نیازهای اساسی یک طبقه‌بندی نیست. طبقات مختلف با یکدیگر تداخل دارند، اختلالات دارای نشانه‌های مشترکی هستند، متخصصین امر در مورد تشخیص اختلال، توافق نداشته و بسیاری از اصطلاحات به خوبی از یکدیگر متمایز نشده‌اند.

طبقه‌بندی‌های بسیاری وجود دارد. ولی آنچه بیش از بقیه مورد استفاده قرار گرفته و به طور عمومی مفیدترین آنهاست طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها (International Classification of Diseases) است که در حقیقت، یک واژه‌نامه تعاریف عملی نشانه‌های بالینی‌ای است که به عنوان طبقات تشخیصی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.  
روان‌پزشکی‌های عضو:

شرایضی که در آن، اختلال کارکرد ذهنی و تمرکز، و احتمالاً خلق، تغییر یافته و تیرگی شعور همراه با توهمات و تخریب معیارهای اجتماعی به چشم می‌خورد. این حالات ممکن است حاد باشد از قبیل حالات مربوط به مسمومیت (مثل روان‌آسفتگی الکلی)، صدمه، اختلالات سوخت و سازی تعمیم یافته، مثل اغماء ناشی از دیابت و صرع؛ و یا مزمن باشد از قبیل زوال عقل و روان‌پریشی الکلی. گروه نخست ممکن است یا بهبود یابند و یا فوت کنند، گو اینکه تعداد اندکی از آنان نیز ممکن است به حالت مزمن دچار شوند. این افراد نیازمند

توجه پزشکی قوری‌اند. زوال عقل که معمولاً در مورد اشخاص مسن اتفاق می‌افتد، وضعیت انحطاطی ممتدی است که باری بر دوش خود فرد مبتلا، بستگان وی و کل جامعه محسوب می‌شود.

اختلالات عضوی دیگری نیز وجود دارد که علاوه بر همراه بودن با اختلال در حافظه و عقل، بعضاً تنها به صورت نشانه‌های روان‌نژندی از قبیل تحریک‌پذیری و ضعف یا تغییر شخصیت، توأم با اختلال رفتاری نیز خودنمایی می‌کنند. مبنای ارگانیک این شرایط، مثل سندرم قطعه پیشانی و سندرم متعاقب ضربه، غالباً شناخته نمی‌شود؛ امری که منجر به مشکلات قابل توجه و در بیشتر موارد، اعمال بی‌عالتی نسبت به فرد مبتلا می‌گردد. روان‌پریشی‌های غیرعضوی (کارکردی):

اسکیزوفرنی: نشانه‌های این بیماری عبارتست از اختلالات تفکر (فشار، فقر تفکر، شکل تحریف شده همراه با عدم قابلیت درک، نشر، انحاق، گوشه‌گیری و هذیان)؛ اختلالات عاطفه یا خلق (سرخوشی، افسردگی، اضطراب، گیجی، حرکات نامناسب، خنده‌های بیجا، سبک مغزی، سردی)؛ اختلالات ادراک (توهمات شنیداری، دیداری و حسی)؛ اختلالات اراده یا قصد (حرکات کنترل شده، منفی‌بافی، گرفتارن حالات مختلف، بی‌احساسی، بی‌تفاوتی، بی‌کاری و هیجان)، زیرگونه‌های متعددی از قبیل ساده، حالت هبفرنیک (مجموعه‌ای از علائم روانی که به عنوان یکی از انواع بیماری‌های اسکیزوفرنی یا روان‌گسیختگی تلقی می‌شود) حالت کاتاتونیک (حالتی است که با سفتی و سختی عضلات و بی‌حرکتی بدن مشخص می‌شود و معمولاً با روان‌گسیختگی یا اسکیزوفرنی همراه است) و حالت پارانوئید (هذیانی) وجود دارد که متشکل از ترکیبات مختلفی از این طیف وسیع نشانه‌ها می‌باشند. این اختلال می‌تواند منجر به تخریب جدی شخصیت و کارکرد روزبروز، به همراه آوردن اسکان بیکاری، انزوا، از خودبیگانگی و حساسیت فوق‌العاده در برابر فشار روانی شود. گونه‌های حاد آن می‌تواند پیش‌آگهی بسیار خوبی را داشته باشد، ولی آنهایی که آغاز بی‌سروصلتری دارند به سمت مزمن شدن و آسیب شخصیتی دائمی می‌روند. بینش فرد معمولاً محدود بوده و ممکن است اصلاً وجود نداشته باشد.

عقل این بیماری ناشناخته است. ولی به نظر می‌رسد نوعی آسیب‌پذیری ژنتیک (توارثی) وجود داشته باشد که می‌تواند به وسیله جنبه‌های پرورشی و فشار روانی ظاهر شود. اختلالات زیستی - شیمیایی در ورای نشانه‌های این بیماری به چشم می‌خورد. آغاز بحران نوعاً در سنین میانی جوانی بوده و پسرها بیش از دخترها مبتلا می‌شوند، لیکن نوع پارانوئید آن در بالغ‌های بزرگسال، به ویژه در زنان بیشتر است. درمان بیماری، شامل ترکیبی از روش‌های



فیزیکی (شوک الکتریکی، دارو)، روانشناختی (رفتاری) و اجتماعی (اشتغال مناسب، تغییر محل سکونت) است.

روان‌پریشی عاطفی: عبارت است از اختلالات شدید خلقی به همراه کارکردهای زیست‌شناختی آشفته (از دست دادن اشتها، وزن و زیست‌مایه (Libido)، بیوست، خشکی دهان، فقدان قاعدگی، خواب آشفته، به ویژه بیدار شدن زود هنگام در صبح، تغییرات خلق در طول روز). افسردگی، تغییر متداول خلق در این حالت بوده و کند شدن سرعت تفکر و حرکات، تمرکز و علاقه کاهش یافته، صداهای توهم‌آمیز گاه به گاه، احساس بی‌ارزشی، گناه و شکست (که ممکن است هذیانی باشد) و از دست دادن علاقه به زندگی، توأم با امکان خودکشی نیز وجود دارد. حالت عکس این نوع خلق، شیدایی است که عبارت است از حالت هیجان، سرخوشی، لذت از زندگی، بزرگ‌نمایی، انرژی فوق‌العاده، علایق زودگذر ولی متعدد، احساس قدرت فراوان و ضعیف شدن قضاوت، چه از جهت اجتماعی و چه از جهت مالی.

افراد ممکن است مبتلا به افسردگی تنها یا شیدایی تنها (یک قطبی) شده و یا به طور توأم مبتلا به هر دو نوع شوند (روان‌پریشی شیدایی - افسردگی دو قطبی / جاری). توزیع جنسی بیماری تقریباً مساوی است و شروع آن در اواسط دوران ۲۰ تا ۳۰ سالگی بوده، افزایش موارد ابتلاء، به ویژه در مورد افسردگی، در اواخر میانسالی است (مالپینوایی انحصاطی). در این مورد نیز علل ابتلاء ناشناخته است ولی تأثیرات ژنتیکی وجود داشته و تغییرات اساسی زیستی - شیمیایی به همراه فشارهای اجتماعی و دیگری در نحوه زندگی، زمینه تغییرات خلقی را در افراد مستعد، به وجود می‌آورد. درمان بیماری، ترکیبی است از روش‌های فیزیکی و اجتماعی - روانی (روان‌درمانی، ایجاد تغییر در محیط).  
اختلالات غیرروان‌پریشی:

روان‌نژندی‌ها (نوروزها): به اختلالاتی گفته می‌شود که علت عضوی اساسی و عمدتاً ندارد، مطلقاً غالباً عوارض و نشانه‌هایی جسمانی به بار می‌آورد. مبتلایان، دارای بینش بوده و تجربیات درونی را با واقعیت‌های خارجی اشتباه نمی‌گیرند.

تأمیل به روان‌نژند خوبی، ممکن است خیلی زود خود را نشان دهد و منجر به نگرش‌ها و روش‌های انطباقی ناسازگارانه‌ای از دوران نوجوانی به بعد شود. افتراق بین نشانه‌های روان‌نژندی و ویژگی‌های شخصیتی، گاه دشوار است، ولی اولی دارای عمق و ریشه کمتری بوده، جز در صورت وجود فشارهای روانی قابل ملاحظه، ظاهر نمی‌شود. بسیاری از نشانه‌های مزبور در غالب افراد، بعضاً اتفاق می‌افتد. ولی در روان‌نژندها به حد افراط و ناتوان کننده می‌رسند.

حالت اضطراب: ترکیبی است از عوارض جسمانی و روانی، از قبیل تپش قلب، عرق کردن، خشک شدن دهان، اختلالات معده و شکم، رعشه، تشن و ترس.

حالت هراس بی‌دلیل (فوبی - فوبیا): در این حالت، اضطراب محدودتر بوده و مربوط به موضوعات یا وضعیت‌های خاصی است که در شرایط عادی موجب برنگیختن اضطراب نمی‌شوند و یا به میزان ناچیز یا مفیدی اضطراب برانگیزاند. وحشت فرد ممکن است نسبت به حیوانات، ارتفاع، قضا‌های باز، جمعیت و یا حوادث اجتماعی باشد.

هیستری: عبارتست از محدود شدن میزان هشباری (گسستگی) یا اختلالات کارکرد حرکتی و یا حسنی (تبدیل) که معمولاً در واکنش نسبت به فشار روانی روی می‌دهد و در آن، چنین فرض می‌شود که انگیزش‌های ناخودآگاهی وجود دارد که مفید واقع می‌شود (رفع ثانویه): «تفیع اولیه» عبارتست از کاهش اضطراب). در این عارضه، ممکن است فراموشی‌های انتخابی، تغییرات شخصیتی گذرا همراه با حالت گریز، فلج، جمله و یا اداهای سادمان‌حانه روان‌پریشانه نیز وجود داشته باشد.

روان‌نژندی‌های وسواسی فکری - عقلی: عبارتست از احساس وسواس ذهنی برای انجام کاری، تفکر زیاد درباره یک عقیده یا سؤال فلسفی. افکار و امیال مهاجم و تکراری، به عنوان مسائل مهم و بیپوده‌ای شناخته شده و مقاومت و پابرجا می‌شوند. اعمال فرد ممکن است در تلاشی آشکار به منظور دفاع در مقابل اضطراب به صورت وسواسی درآید، به رغم اینکه با مقاومت و تداوم افزایش می‌یابد؛ مثل شستن دست‌ها، شمارش و محاسبه بیش از حد. روان‌نژندی افسرده‌ساز: این حالت، در مقایسه با افسردگی روان‌پریشی، به نازاحتی‌های روزمره نزدیکتر است. واکنش در برابر اوضاع و احوال محیط اطراف ممکن است قابل درک باشد، ولی احتمالاً از نظر میزان یا طول مدت، نامتناسب با آن است. نشانه‌شناسی این عارضه نیز خصوصیت کمتری داشته، غالباً اضطراب بر فرد غلبه دارد و احتمالاً به صورت یکی از ویژگی‌های شخصیتی وی درمی‌آید. در افراد ضعیف افسردگی ممکن است عمیق و طولانی شده منجر به خودکشی شود. موارد حادث درعاندگی افسرده‌ساز، عامل اغلب رفتارهای فراخودکشی است.

حالت‌های دیگر: به عنوان مثال خستگی روانی (ضعف عصبی)، دگرسان‌بینی خود (اختلال در درک محیط اطراف یا بدن) و خودبیمار انگاری (مشغولیت بیش از حد فکری در مورد سلامت و کارکرد اعضای بدن) که باز هم غالباً به عنوان ویژگی‌های اختلالات روانی دیگری به چشم می‌خورد. گروهی از اختلالات روانی را که شاید بتوان به راحتی در دسته روان‌نژندی‌ها جای داد، طیفی از حالات مختلف را شامل می‌شود که شامل اختلالات به

اصطلاح «روان‌تنی»، از قبیل اُسم، اگزما، قولون و پرتنش، و حالانی از قبیل بی‌اشتهایی عصبی، لکنت زبان، پرش عضلات، اختلال و آشفتگی در خواب، خیس کردن رختخواب و کثیفی و دردهای روان‌زاد است. همگی آنها می‌توانند نشانه‌هایی از اختلال عضوی مسبب این حالت باشد و در انتساب حالت روان‌زاد به آنها بایستی دقت نمود. به علاوه حالانی از قبیل اعتیاد به مواد مخدر و الکل، سوء‌مصرف دارو و طیف متنوعی از انحرافات و مشکلات جنسی نیز وجود دارد.

اختلالات شخصیتی: عبارتست از الگوهای رفتاری اشباع شده‌ای که در سالهای اولیه زندگی فرد، قابل تشخیص بوده و در طول زندگی نیز با اندکی تقلیل که بعداً پیش می‌آید ادامه پیدا می‌کند. فرد مبتلا ممکن است دارای شخصیت کاملاً تمسختهای بوده و یا مانند آنچه که بیشتر معمول است در برخی جنبه‌های ظاهری، غیرعادی باشد. ویژگی‌هایی وجود دارد که مربوط به روان‌رنجوری و روان‌پریشی است؛ مثلاً خوی‌های ادواری، پارانویایی، اسکیزوئید، وسواسی، هیستریایی یا پاریکسیتی. معذک طیفی از حالات مختلف ممکن است برای فرد پیش بیاید که می‌تواند از جهت مفهوم آماری آنچه که خارج از حد معمول و یا افزایشی است، غیرعادی محسوب شود، مثل حالت انفجار آمیز، پرخاشگری، انفعال، روشن ترس، شامل ترکیبی از روان‌درمانی، اصلاح رفتار، آرامش، آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزش نهادی و استفاده گاه به گاه از روش‌های فیزیکی مانند جراحی روانی در موارد نادر برای روان‌نژندهای شدید و صعب‌العلاج است.

ر.ک.

Criminal psychology; Mental deficiency; Psychoanalytic criminology.

\* \* \*

## Mental deficiency

## نقصه عقلی

### (la) Déficience mentale

اصطلاح عقب‌ماندگی ذهنی معمولاً با نقصه عقلی به صور متداخل به کار برده می‌شود. سازمان بهداشت جهانی (WHO)، اصطلاح «زیرهنجاری ذهنی» را توصیه می‌کند که مشتمل بر دو طبقه مشخص و جداگانه است: عقب‌ماندگی ذهنی و نقصه عقلی. طبق طبقه‌بندی سازمان بهداشت جهانی، عقب‌ماندگی ذهنی عبارت است از عملکرد زیرهنجاری

ثانوی بنا به علل بیمارگونه قابل تشخیص بنیادی، در حالی که نقیصه عقلی غالباً به عنوان یک اصطلاح قانونی در مورد افرادی که بهره هوشی آن پایین‌تر از ۷۰ است به کار برده می‌شود.

گزال (L. Gayral) در مقام مقایسهٔ جنون و نقص عقلی گفته است که شخص دیوانه، ثروتمندی است که ثروت خود را از دست داده است، حال آنکه شخص ناقص‌العقل همواره فقیر بوده است. مراد وی آن است که فرد ناقص‌العقل، هنگام تولد یا در سالهای اولیهٔ طفولیت، دچار نقص و ضعف روانی شده است. کاناها (idiots) و کالیوها (Imbeciles) که معمولاً در مؤسسات ویژه نگهداری می‌شوند، در جرم‌شناسی مورد توجه نیستند. در عوض، عمل ارتكابی توسط اشخاص ناقص‌العقل از نظر کیفری قابل انتساب به آنها است و بنابراین قابل محکومیت کیفری هستند. داده‌های آماری نشان می‌دهد که تعداد افراد ناقص‌العقل در میان اطفال بزهکار و زندانیان، اندکی بیشتر از تعداد آنها در میان افراد عادی است. موضوعی که قطعی به نظر می‌رسد، آن است که ناتوانی روانی، رابطهٔ تنگاتنگی با جرایم جنسی، روسپیگری و ایجاد حریق - و در مقیاس کمتری ضرب و جرح، سرقت و الکلیسم - و بالا رفتن امکان کشف و دستگیری دارد.

خصوصیات عمومی شخصیت ناقص‌العقل عبارتست از خودمحوری (خوبینی)، بی‌ثباتی، تلقین‌پذیری، ساده‌لوحی و زودبجوری، مخالفت، سرسختی و تحریک‌پذیری. بنابراین، جای تعجب نیست که شخص ناقص‌العقل نتواند خود را با شرایط زندگی عادی انطباق دهد و طبیعی است که در صورت مستعد بودن اوضاع و احوال، مرتکب جرم نیز بشود. لیکن ارتكاب جرم در زندگی وی یک تصادف است. افراد ناقص‌العقل معمولاً آموزش‌پذیر هستند. دلایل گوناگونی از قبیل عقونیت، مسمومیت، اختلالات متابولیکی و تغذیعی، اختلالات عضوی و روانی برای این عارضه وجود دارد.

در حالی که تا این اواخر، اکثریت افرادی که به این عارضه مبتلا شدند در بیمارستان تحت مراقبت قرار می‌گرفتند، رویه جاری به سمت ایجاد شبکه حمایتی وسیعی برای مراقبت از اینگونه افراد در جامعه است.

ر.ک.

Alcoholism; Arson; Character; De Greeff; Determinism, Female criminality; Hereditary and personal backgrounds; Infanticide; Maladjustment; Medico-psycho-social examination; Mental abnormality; Test; Treatment.

Methodology

(la) Méthodologic

در جرم‌شناسی نیز مانند سایر رشته‌های علوم انسانی، بررسی صحت و سقم فرضیه‌های تحقیق، مستلزم توسل به روش‌های دقیق است. از این جهت، لازم است «شیوه»، «روشها» و «تکنیک‌ها» از یکدیگر تفکیک و جداگانه تعریف شوند.

«شیوه» در سطح کلی و عمومی مفاهیم عملی و قواعد بنیادی قرار می‌گیرد. مفاهیم عملی، عناصری را که در به وجود آمدن جرم دخالت دارند مورد توجه قرار می‌دهند (از قبیل زمینه، محیط شخصی، شخصیت، وضعیت، عمل و محیط عمومی یا کل جامعه). مفاهیم عملی، ویژگی چندبندی جرم‌شناسی را روشن می‌سازند. قواعد بنیادی، اصول تحقیقات و مطالعات در جرم‌شناسی است. در جرم‌شناسی چهار قاعده اساسی و بنیادی وجود دارد:

۱) قاعده ابعاد سه‌گانه تبیین پدیده مجرمانه که بزهدکار، بزهدکاری و بزه را از هم تفکیک می‌کند و جمع وقایع گردآوری شده را زیر عنوانی که با این وقایع منطبق است، ضروری می‌داند:

۲) قاعده ارجحیت توصیفه، بدین معنی که از تفسیرهای عجولانه در مورد وقایعی که صحت و سقم آنها مورد بررسی واقع نشده‌اند یا کامل نیستند، پرهیز شود؛

۳) قاعده حذف و عدم مطالعه تیپهای مجرم یا منحرفی که باید در روانپزشکی جنایی مطالعه شوند. بررسی این قبیل بزهدکاران در حیطه مطالعه جرم‌شناسی نیست؛

۴) قاعده مطالعه و رهیافت افتراقی. به موجب این رهیافت، نوسانهای بزهدکاری باید برحسب خنق و خوی ملی، سن و جنسیت روشن شود؛ خصوصیات بزهدکاران برحسب سطح هوشی و محیط آنها، و نیز ویژگیهای گذار از اندیشه به عمل مجرمانه که برحسب بزهدکاران، متفاوت است و آنها را از غیربزهدکاران تفکیک می‌کند، مشخص می‌شود.

«روشها» در رهیافت و مطالعات جرم‌شناختی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. مطالعه و رهیافت جرم‌شناختی ممکن است با توسل به روش آستادی (مبتنی بر مدارک) که از آمارهای جنایی استفاده می‌کند (مانند مطالعات پیگیر در زمان)، شمایلی پیش بین و جدولهای پیشگویی رفتارهای مجرمانه و تکرار جرم انجام شود. لیکن از روشهای دیگر تحقیق نیز ممکن است استفاده شود: ۱) روش روانشناختی - جامعه‌شناختی یا ماهیت فرضی - استنتاجی که پس از تحلیل یافته‌ها و اطلاعات اکتسابی به کمک پرسشنامه‌ها (تحلیل محتوا)، فرضیه

تبیین‌کننده‌های را ترسیم کرده آثار آن را استنتاج و این آثار را با کمک همین روشها و آرسی می‌نماید؛ ۲) روش مردم‌شناختی که مبتنی بر تک‌نگاریهایی است که عناصر آنها از طریق مشاهده حضوری گردآوری شده است؛ ۳) روش بالینی که اجازه می‌دهد تا افراد مورد بررسی، در جریان مصاحبه‌های فردی مطالعه شوند؛ ۴) روش تجربه و آزمایشی، که مبتنی بر بررسی‌های آزمایشگاهی زیست‌شناختی، شیمیایی یا روانشناختی (از طریق آزمون) است. این روش، مسأله آزمایش و تجربه را در جرم‌شناسی مطرح کرده است.

«تکنیک‌های» مورد استفاده، غالباً دارای ماهیت آماری هستند. برای تکمیل آمارهای مربوط به بزهکاری، از ابزارهای تعدیل‌کننده که اسکان ارزیابی درجه خطرناکی هر جرم را فراهم می‌سازد، استفاده می‌شود. تکنیک‌های ریاضی که برای مطالعه بزهکاران، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مسائلی را ایجاد می‌کند. در مورد استفاده از روش آستادی، پژوهشگر معمولاً ناچار است که در قالب وجود یا فقدان داده‌ها و یافته‌ها استدلال کند (این موضوع، مسأله به رقم درآوردن واقعیات مجرمانه را لاینحل باقی می‌گذارد. در موردی که اطلاعات مستقیماً به وسیله پژوهشگر گردآوری می‌شود، گروه کنترل نیز وجود دارد؛ باید بررسی کرد که آیا تفاوت‌های درصدهای مشاهده شده بین گروهها، قابل توجه و معنادار هستند یا خیر. تکنیک‌های آماری استقرایی، در صورتی که نمونه مورد مطالعه خیلی کوچک و محدود نباشد، اجازه انجام این بررسی را می‌دهد (رقم  $\alpha = 6$  مورد، رقم حداقل لازم محسوب می‌شود). این تکنیک‌ها اجازه‌گزینش داده‌های معنادار را می‌دهند. داده‌های مزبور، سپس باید به منظور سازمان‌دهی با استفاده از تکنیک‌های آماری پردازش شوند؛ در این مرحله، مسأله به رقم درآوردن داده‌ها که برای تحلیل عوامل، ضروری است مطرح شود.

از تکنیک نفرسنجی (سنجش افکار) می‌توان به منظور بی‌کردن به تصویر نهادها (مانند پلیس یا دادگستری) در افکار عمومی و نزد عموم و نیز برای ارزیابی درجه شدت جرایم، آنطور که به وسیله افکار عمومی منطقه خاصی برداشت می‌شود، استفاده کرد.

ر.ک.

Clinical criminology; Cohorts; Criminal statistics; Criminology;  
Electroencephalography; Endocrinology; Medical - psychosocial  
examination; Organizational criminology; Scientific research; Social  
prognosis; Test.

موضوع بزهکاری مهاجرات مدت‌ها در رابطه با خلق و خوی ملی مورد مطالعه قرار گرفته است. لیکن هونتُن (Hooten) در سال ۱۹۳۹ طبق نتایج پژوهشی در ایالات متحده آمریکا اظهار داشته است که همه ملتها سهم خود را از بزهکاران مهاجر دزا هستند. این سهم تنها با توجه به فعالیت اجتماعی مورد علاقه آنها در توسان و متفاوت است. در مورد بزهکاری مهاجرین، وفور پژوهشهای آماری و جامعه‌شناختی در اروپا و آمریکا - به‌ویژه در دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ - به چشم می‌خورد. در این قبیل تحقیقات و نیز در آمارهای جنایی باید به موارد زیر توجه کرد:

(۱) باید خارجیانی را که در یک کشور مقیم هستند، از جهانگردان و سرزشینان تفکیک کرد؛

(۲) باید بزهکاران زن خارجی را که تعدادشان در میان بزهکاران خارجی کم است از مردان مهاجر بزهکار جدا کرد؛

(۳) باید به هنگام مطالعه تطبیقی میان بزهکاران بومی و خارجی، مشابهت گروههای سنی مرتکبین هر دو نوع بزهکاری را مورد توجه قرار داد.  
ر.ک.

Comparative criminology; Conflict of cultures; Criminogenic factors;  
Criminal prophylaxis; Differential associations; Terrorism; Violence.



معاینه پزشکی - روانشناختی و اجتماعی ممکن است خصوصیات شخصی را که مظنون و دروغگو است و بنابراین در چنین شرایطی اعمال تشخیص جرم‌شناختی نسبت به او غیرممکن است آشکار نماید. حال، مسأله این است که آیا استفاده از روشهایی که مستلزم

ورود به باطن و خلوت فرد است؛ ممکن می‌باشد؟ آزمونهای فراقطن، لاقطن به طور غیرمستقیم، این امکان را فراهم ساخته است و «دستگاه دروغ‌سنج» نیز اجازه پیشرفت در این زمینه را داده است. در این روش، با ثبت تغییرات روانشناختی فرد که تحت فشار دروغ به وجود می‌آید، می‌توان تحقیقات از فرد متهم را با نوعی نظارت علمی انجام داد.

به هنگام انجام آزمون راستگویی و صداقت می‌توان فرد را از طریق ایجاد موقعیتهایی به طور مصنوعی که فرد تحت آنها قرار داده می‌شود، تحریک کرد. برای ورود به خلوت و باطن فرد، از این علم می‌توان یا فراتر گذاشت؛ و آن استفاده از یکی از ترکیبات «سود باری توریس» (که شیمی سنتتیک - ترکیبی - در اختیار متخصصات هوش‌بری قرار می‌دهد)، به منظور ایجاد حالت سستی و رخوت در شعور و ادراک فرد، بین بیداری و خواب یا به منظور ایجاد خواب سبک و کوتاه در اوست. بدین‌سان، ماده مخدر یا شبه‌مخدر که تغییراتی از نوع جسمانی و روانی به دنبال می‌آورد، معاینه فرد را آسان می‌کند.

تشخیص تخدیری ممکن است، نه فقط در معاینه پزشکی - روانشناختی و اجتماعی، بلکه در امر کارشناسی روانپزشکی نیز به منظور تشخیص و تعیین شبیه‌سازی یا اختلالهای روانی در فرد استفاده شود. تشخیص تخدیری را باید از «تحقیقات تخدیری» ای که با هدف اقرار گرفتن از فرد متهم مورد استفاده قرار می‌گیرد و «تحلیل تخدیری» که نوعی روان‌درمانی با ماده شبه‌مخدر است، تفکیک کرد.

روبه قضایی فرانسه مخالف تحقیقات تخدیری، حتی به تقاضای خود متهم است، لیکن تشخیص تخدیری را در امر کارشناسی روانپزشکی پیرامون بزهکار می‌پذیرد. نادگستری این کشور همچنین نسبت به استفاده از دستگاه دروغ‌سنج در مرحله کشف جرم و بازجویی نیز بدبین است، حال آنکه در ایالات متحده آمریکا و ژاپن از آن به طور روزمره استفاده می‌شود. *Medico-psycho-social examination: 'Test'*.  
و.ک.

\* \* \*

فرصت و مناسبت (ارتکاب عمل)  
Opportunity  
(۱) Opportunité

این اصطلاح در دو معنای اصلی به کار رفته است. برخی پژوهشگران در ارتباط با



دستیابی به فرصت‌های اجتماعی - اقتصادی و سیستم‌های فرصت جنایی، مطالبی نوشته و بر عدم دسترسی غالب افراد جامعه به سیستم‌های مشروع و قانونی استفاده از فرصت‌ها و سهولت دسترسی به فرصت‌های مجرمانه جنایی اشاره نموده‌اند. در این اواخر، بیشتر توجهات، معطوف فرصت‌های خاصی شده است که در اختیار مجرمین بوده و به مثابه انگیزه‌ای برای ارتکاب اعمال از سوی آنان، عمل می‌کند. می‌هیو (Mayhew) معتقد است که فرصت ارتکاب عمل به عنوان انگیزه و عامل محرکه، به‌وسیله ریسکی که از سوی فرد ادراک می‌شود و نیز نتایج مورد انتظار و تجربه قبلی مرتکب درخصوص بها و حاصل عمل، تعدیل شده، هم به عنوان یک موقعیت مناسب و هم به عنوان وسیله‌ای برای ارتکاب جرم شناخته می‌شود. وی فرصت‌ها را به دو گروه طبقه‌بندی می‌کند: ۱) فرصت‌هایی که مربوط به افراد است (فرصت‌های متنوع برای فرد؛ ایجاد فرصت‌های ترجیحی از سوی بزه‌دیده؛ فرصت‌های ناشی از الگوهای فعالیت روزمره) و ۲) فرصت‌هایی که مربوط به اشیاء موردنظر در جرم است (در اختیار بودن اموال؛ سائل مربوط به امنیت فیزیکی؛ نظارت و سرپرستی). بدون شک بسیاری از جرایم به صورت فرصت‌طلبانه رخ می‌دهد و به نظر می‌هیو، برای پیشگیری از آنها، مثلاً به جای دشوارسازی امر دستیابی به آماج جرم باید تلاش بیشتری برای کاهش اینگونه فرصت‌ها کرد.

ر.ک. Criminal Sociology; Deterrence; Target hardening.

\* \* \*

## Organized crimes

## جرایم سازمان‌یافته

### (les) Crimes organisés

جرایم سازمان‌یافته و بزهکاری گانگ‌ها در گذشته، در نوع فعالیت مجرمانه را تشکیل می‌دادند که از یکدیگر قابل تمیز نبود، لیکن امروزه در ایالات متحده آمریکا این دو را از هم تفکیک می‌کنند. این تفکیک به پایان دوره منع تولید و خرید و فروش و مصرف مشروبات الکلی در این کشور، یعنی پایان دهه ۱۹۲۰ باز می‌گردد. به محض لغو قانون منع مصرف مشروبات الکلی، قاچاقچیان «متخصص» در تولید و فروش اینگونه مشروبات، به ناچار به فکر فعالیت‌های جدید نامشروع و سودآور افتادند و در این رهگزر به روش باج‌خواهی سازمان‌یافته متوسل شدند. بدین معنا که مثلاً یک بازرگان، کاسب یا یک نفر از صاحبان صنایع مجبور به پرداخت مبلغی وجه به عنوان باج به اینگونه افراد می‌شد. عدم پرداخت مبلغ

درخواستی، برابر بود با انتقام‌گیری، مثلاً از طریق تخریب و نابود کردن تمامی تأسیسات یا کارخانه یا تجارتخانه متعلق به فرد مورد نظر.

آل کاین، مبتکر باج‌خواهی سازمان‌یافته در سالهای ۱۹۲۰ در آمریکا بود. برای این که کار باج‌خواهی همراه با آرامش و با حداقل خشونت صورت گیرد، اصل سلسله مراتب و تشکیلات سازمان‌یافته، با تقلید و پیروی از الگوی معمول در تشکیلات ادارات و شرکت‌های عادی، از سوی جانشینان آل کاین انتخاب و در اینگونه فعالیت‌های مجرمانه اعمال می‌شد.

در این تشکیلات که غالباً در سطح وسیعی فعالیت می‌کنند و بین آنها رقابت نیز وجود دارد، کمیته مرکزی شامل مدبران و کمیته‌های خاص (در قلمرو طرح‌های مجرمانه جدید، اطلاعات و...) می‌باشد. این دیوان‌سالاری در تشکیلات جرم، اساس تفکیک بین بزهکاری سازمان‌یافته و بزهکاری گانگ‌های عادی است؛ بزهکاری از نوع اخیر، کار چند نفر است که به منظور سرقت مسلحانه از بانکها و مؤسسات مالی یا سرقت شبانه از منازل با مهارت و زیورگی اقدام می‌کنند، حال آنکه بزهکاری سازمان‌یافته، یک فعالیت غیرقانونی است که هدف ظاهری آن، ارائه کالاها و خدمات به مصرف‌کنندگان است، بدین ترتیب که مدیران و کارمندان یک شرکت و حتی خود مصرف‌کنندگان را به دنیای جرم سوق داده، آنها را مشمول ضمانت اجرای کیفری و تحمل مجازات می‌نماید. هدف چنین مؤسسات مجرمانه‌ای، تسهیل قماربازی، تولید و مصرف مشروبات الکلی ممنوع شده، ترغیب روسپیگری (تن‌فروشی) یا سایر لذات نامشروع مانند مصرف مواد مخدر است.

مافیا که بزهکاری سازمان‌یافته در آمریکا با آن همبسته و مرتبط می‌باشد، مدت‌ها یک نهاد روستایی در سیسیل ایتالیا بوده است، عوسولینی - رهبر فاشیست ایتالیا در دوران جنگ دوم جهانی - به این نهاد حمله کرد. رهبران و اعضای مهم آن برای فرار از سرکوبی به ایالات متحده آمریکا گریختند و در آنجا به "Cosa Nostra" (که نوعی سندیکای جرم است) تبدیل شد. این مؤسسه سازمان‌یافته غیرقانونی، به رغم مبارزه سرکوبگرانه دولت‌های ایتالیا و آمریکا، همچنان در دهه ۱۹۹۰ به فعالیت‌های غیرقانونی و نامشروع خود ادامه می‌دهد.

گفتنی است که اخیراً مفهوم جرم سازمان‌یافته، گروه مجرمانه و سردهستگی گروه مجرمانه از گذر مواد ۱۳ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی وارد حقوق ایران شده است. همچنین رک. مواد ۲۸ تا ۳۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲.

ر.ک.

Crime; Criminal policy; Criminogenic society, Gang's criminality; Sutherland.

«جرم‌شناسی سازمانی» یا تشکیلاتی یا کنترل‌شناسی بیانگر گرایش‌های است که برای نخستین بار در سال ۱۹۶۳ تر شورای اروپا مطرح شد. برنامه‌تنظیمی این شورا در آن تاریخ، بر ارجحیت تحقیقات درباره نهادهای نظام کیفری نسبت به تحقیقات بالینی تأکید کرد. تحت تأثیر این گرایش و نیز نظریه‌تعالامل‌گرایی و جرم‌شناسی رادیکال بود که پژوهش در مورد دستگاه عدالت کیفری آغاز شد. لیکن جرم‌شناسی تعامل‌گرا به قلمرو مطالعاتی مورد علاقه خود، یعنی تحقیقات سنجشی و ارزیابی‌کننده پرداخت. مرکز بین‌المللی جرم‌شناسی تطبیقی مونتreal، محل انجام چنین تحقیقاتی محسوب می‌شود.

تعیین نتایج اعمال یک مجازات معین یا یک اقدام اصلاحی در ارتباط با تکرار جرم، هدف تحقیقات سنجشی است. آزمایش و تجربه مستقیم، بهترین روش برای رسیدن به این هدف محسوب می‌شود. لیکن در صورت لزوم، تحقیقات ارزیابی‌کننده براساس «روشهای پیشگویی» نیز صورت می‌گیرد: هدف این روش‌ها ارزیابی این موضوع است که اگر بزهکار، تحت مجازات یا اقلامی، غیر از آنچه نسبت به او اعمال شده است، قرار داده می‌شود، رفتار و کردار وی در آن صورت چگونه می‌بود؟

و. که.

Cohorts; Criminal policy; Experimentation; Recidivism; Scientific research; Social prognosis; Treatment; Penal sociology.

\* \* \*

Part-time crimes

جرایم پاره‌وقتی

(les) crimes à temps partiel

جرایم پاره‌وقتی، مفهوم جامعه‌شناختی نسبتاً جدیدی است که به عنوان یک واژه عام سازمانی، اشاره به آن دسته از سرقت‌هایی دارد که به آسانی و حتی به صورت منظم توسط افرادی ارتکاب می‌یابد که در عین حال، چه از دیدگاه خود و چه از نظر دیگران، هویت خود را

به عنوان افراد «درستکار» حفظ می‌کنند. جرایم پاره‌وقتی شامل نقشه‌های مختلفی مثل دلمزدی و تقلب، فرار از مالیات، فرار از پرداخت هزینه سفرهای عمومی (عدم ارائه بلیط اتوبوس واحد، مترو، تراموا)، استفاده غیرقانونی از مدد معاش‌های دولتی، دزدی از فروشگاه‌ها و غیره می‌گردد. خصیصه کلیدی و بارز چنین اعمالی، تا جایی که بتوانند تحت عنوان جرایم پاره‌وقتی خوانده شوند، آنست که عاملین آنها، خود را مجرم نمی‌دانند. این تعبیر به نحو صحیح و روشن در نوشتگان مربوطه تعریف نشده، ولی پیداست که ناشی از تحوّل تقریباً لفظی، وارون‌ساز و موازی‌ای از اصطلاح قدیمی‌تر «جرم مستمر» یا «جرم تمام‌وقت» است. تعبیر اخیر اشاره به هویت کلیشه‌ای و قالبی سارقان منازل، بانک‌ها و دیگر سارقانی دارد که معمولاً به عنوان سمبل و نماد خود جرم سرقت شناخته می‌شوند.

جرایم پاره‌وقتی، مفهومی است که ابتدائاً به اعمال جنایی آن دسته از فروشندگان نانوايي اطلاق می‌گردید که مرتباً مبلغ کمی از پولهای صاحبکار و نیز مشتریان را در معاملات می‌زدبندند. موارد بارز دیگری هم، در مشاغل خدماتی مشابه وجود دارد ولی در آنها از اصطلاح فوق، استفاده نشده است. به هر حال، تعبیر جرایم پاره‌وقتی، به سرعت جای خود را به مفهوم ساختاری نسبتاً بهتری تحت عنوان «اقتصاد پنهان» داد. در سالیان اخیر نیز تعبیر ایتالیایی‌الاصّل «اقتصاد سیاه» به عنوان یک اصطلاح رایج، توجه بیشتری را به خود جلب کرده و متعاقباً کاربرد معنایی بدو محدود خود را که صرفاً شامل فرارهای مالیاتی می‌شد، بسط داد تا شامل تمامی اعمال و رفتاری باشد که ابتدائاً، ولی به طور اختصاری، تحت عنوان جرایم پاره‌وقتی شناخته می‌شود.

Acute offenders; Habitual offender; Recidivism. ر.ک.

\* \* \*

## Pathology

## آسیب‌شناسی

### (la) Pathologie

آسیب‌شناسی، یک تعبیر قدیمی مبتنی بر مدل «شبه ارگانیک» است که اشاره به زوایای بیماره‌ی تناسب یا بدشکل گرفته‌ی جامه (مانند جرم، انحراف، بیماری روانی، گانگن‌های جرم، نواحی فقیرنشین، طلاق) دارد که نیازمند حذف و سرکوبی و نیز مستلزم تحقیق در خصوص

ریشه‌های روان‌شناختی ای است که در ذهن فرد مجرم می‌باشد. دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) در آن دوران، تنها کسی بود که توانست جرم را به عنوان یک پدیده «بهنجار» شناخته و تصدیق نماید که عملی «آسیبی، مجرمانه یا ناهنجار» دیروز، عمل «بهنجار و مشروع» امروز است. وی می‌گوید: «در واقع و در بسیاری موارد، وقوع جرم صرفاً پیش‌بینی اخلاق آینده است - گامی به سوی آنچه که در آینده، مشروع خواهد بود». جرم اخلاق جامعه را متحول می‌کند.  
 ر.ک. Anomie; Criminal sociology; Deviance; Durkheim.

\* \* \*

## Penal philosophy

## فلسفه کیفری

### (la) Philosophie pénale

فلسفه کیفری به‌طور سنتی، شامل مطالعه زمینه اولیه آموزه‌های کیفری است و در مقام پاسخ به دو پرسش عمده است: کیفر چیست؟ و چرا باید مجازات و تنبیه کرد؟ در این راستا می‌توان گفت که مکتب کلاسیک حقوق کیفری که قانون مجازات ۱۸۱۰ فرانسه مشهور به کد ناپلئون جلوه‌ای از آن است، تحت تأثیر آموزه فایده‌گرایی بنتام و آموزه عدالت مطلق کانت بوده است. آموزه بنتام، امکان تعریف و توصیف رسالت‌های پیشگیری عام (جمعی) و پیشگیری خاص (فردی) مجازات را فراهم ساخته است؛ آموزه کانت رسالت اخلاقی سزادهی کیفرها را تعریف کرده است. مکتب نوکلاسیک سعی کرد ائتلافی از این دو آموزه به دست دهد: این مکتب، علت اخلاقی و هدف فایده‌گرایی کیفر را از هم تفکیک کرد، بدین ترتیب و از نظر این مکتب، جنبه سزادهی مجازات، به مجرمیت (تقصیر) مرتکب مربوط می‌شود (کفیات مخففه جرم، نتیجه این تفکر است) و اصلاح مجرم، به دیگر روش‌ها، از جمله حذف، طرد و اعدام وی باز می‌گردد. به دنبال مکاتب کلاسیک و نوکلاسیک، سایر مکاتب حقوق کیفری نیز کمتر به فلسفه متوسل شدند. مثلاً مکتب تحقیقی درصد آن بود که سیاست جنایی‌ای را بنا نهاد که فارغ از ملاحظات ماوراءالطبیعه و مبتنی بر تجربه، آزمایش و مقایسه باشد و مکتب انتقادی، یک رویه لادریگری علمی را اتخاذ کرد. با ظهور مکتب دفاع اجتماعی نوین، دوباره فلسفه جای خود را در آموزه‌های کیفری بازیافت.

اگر فلسفه کیفری را از نظر تاریخی بررسی کنیم می‌بینیم که سقراط و افلاطون، پیش

و برداشتی تربیتی در ارتباط با کیفر داشتند، در حالی که ارسطو بیشتر طرفدار سودمندی مجازات بوده است. کنیسی کاتولیک، به ویژگی درمانی - پزشکی پاره‌ای مجازات‌ها توجه داشته است. توتر (رهبر پروتستانیسم) آرزو می‌کرد که «تنفر از مجازات، به عشق به مجازات تبدیل شود».

ر.ک.

Bentham; Criminal policy; Kant; Kinberg; Retribution; Social defense; Tarde.



### حبس با اعمال شاقه

#### Penal servitude

#### (۲) Emprisonnement avec les travaux forcés

در انگلستان و در اواخر دهه ۱۸۴۰ میلادی، این مسأله آشکار شد که ادامه اعمال مجازات تبعید امری دشوار است. به علاوه، آن دسئه از نظر به‌پردازان مسائل زنان که معتقد به اصول فایده‌گرایی بودند عقیده‌ای را مطرح نمودند که عمق ریشه‌های آن، در تحولات اقتصادی و اجتماعی سالهای ۱۷۷۰ قرار داشته و مبتنی بر این باور بود که زندان نهادی بکپارچه می‌تواند موجب اصلاح فکری مجرمین شده و یا دستکم، عملکرد آنان را به وسیله راهبردهای رفتاری تغییر دهد. در همان هنگام دولت، مجازات حبس در خانه یا حبس خانگی را به عنوان جانشینی برای تبعید مجرمین ابداع نمود که بدین ترتیب می‌توانست افرادی را که در گذشته به عنوان تبعید به خارج فرستاده می‌شدند در داخل کشور حفظ و نگهداری کند. این مجازات جدید، حبس با اعمال شاقه نام داشت و عمدتاً در زندانهای مرکزی جدید به اجرا درآمده، بدو نسبت به کسانی اعمال می‌شد که محکوم به تبعید گردیده و در آن هنگام با دشواریهای بزرگی روبرو شده بودند. متعاقباً چنین مجازاتی به عنوان یک کیفر مستقل، مورد حکم دادگاهها قرار گرفت و نهایتاً در سال ۱۹۴۸ در انگلستان لغو شد.

ویژگی اصلی حبس با اعمال شاقه در قرن نوزدهم میلادی این بود که شامل طی مراحل، از مراحل دشوار حبس تا مراحل آسان‌تر بوده و در نهایت، به آزادی مشروط منجر می‌گردید (این ویژگی در مجازات تبعید نیز وجود داشت). خصوصیت دیگر مجازات مزبور، آن بود که

کیفر سنگینی به حساب می‌آمد (مثلاً براساس قانون مصوب ۱۸۶۴، حداقل مدت آن پنج سال بود).

هدف از مجازات مزبور، سلب امکان ارتکاب جرم از مجرم به مدتی نسبتاً طولانی بود (توان‌گیری)، ولی اهداف دیگری نیز داشت. اولاً حبس با اعمال شاقه، به شدت جنبه انتقام‌جویانه داشت. زیرا رژیم مربوط به آن، خشن و دشوار بود (به عنوان مثال، وابستگی آن به کارهای سخت و تأکید بر اینکه نه ماه نخست مجازات، در حبس انفرادی گذرانده شود). دو اینکه هدف مجازات فوق، ایجاد تغییر در رفتار آتی فرد از طریق ترغیب و تشویق یک نگرش روانی ثابت در مجرم بود تا به واسطه رفتار اصاحت‌جویانه و پرتلاش، شرایط زندگی وی بهتر شود. بالاخره مجازات مزبور، بازدارنده و عبرت‌آموز بوده، به نحوی آشکار نشان دهنده اقتدار اجتناب‌ناپذیر دولت نسبت به فرد مجرم و دیگرانی بود که درصدد ارتکاب اعمال مشابه بودند. بدین‌سان در اواخر سده نوزدهم، فرد زندانی، نه ماه نخست محکومیت خود را به دور از انظار محکومان دیگر، و مرحله بعدی را توأم با اعمال شاقه در زمینه خدمات عمومی و کارهای عام‌المنفعه، به صورت طبقه‌بندی شده و در سکوت کامل می‌گذراند و در قبال رفتار خوب، امتیازاتی دریافت می‌کرد. این امتیازات برای فرد زندانی، مزایایی دربرداشت (از قبیل گرفتن رختخواب، انجام کارهای شاق کمتر، و آزادی زودتر). بنابراین نهایتاً وی می‌توانست به آزادی تحت نظارت پلیس دست یابد و می‌بایستی شرایط مقزّر در مجوز مربوطه، مبنی بر عدم تماس با مجرمین شناخته شده، دادن اطلاعات مربوط به نشانی محل سکونت، و در بیش گرفتن زندگی صادقانه و پرتلاش را که به اصطلاح «مجوز آزادی» وی بود رعایت نماید. به همین ترتیب، افرادی که مقررات رژیم مربوط به هر مرحله را رعایت نمی‌کردند، از ارتقاء، بازمانده و امکان آزادی زودتر از موعد را از دست می‌دادند. در سده بیستم، بعضی از جنبه‌های اداری و تشریفاتی این سیستم دگرگون شد، لیکن اصول زیربنایی آن، به همان صورت باقی ماند.

Convict prison; Hard labour; penology; Prison. ر.ک.



جامعه‌شناسی کیفری یا به عبارت دیگر جامعه‌شناسی حقوق و عدالت کیفری، رشته‌ای از جامعه‌شناسی حقوقی است که نهادهای مختلف نظام کیفری را به عنوان پدیده‌های اجتماعی و نیز آثار آنها را از منظر جامعه‌شناسی مطالعه می‌کند. بنابراین این رشته از علوم جنایی یا جامعه‌شناسی جنایی یا جامعه‌شناسی جرم که یک شاخه یا شعبه تخصصی از جرم‌شناسی است تفاوت دارد و مستقل است. این استقلال مانع از آن نمی‌شود که این دو رشته به نوعی به یکدیگر وابسته باشند. به عنوان مثال، عده‌ای از جرم‌شناسان معتقدند که جرم‌شناسی واکنش اجتماعی که عمدتاً شامل نظریه تعامل‌گرایی، نظریه رادیکالیزم جرم‌شناختی (جرم‌شناسی رادیکال) و کنترل‌شناسی (جرم‌شناسی سازمانی) می‌شود، در حقیقت باید در چارچوب جامعه‌شناسی کیفری مطالعه شوند، زیرا این جرم‌شناسی در واقع، نهادهای شکلی و ماهوی حقوق کیفری و کارنامه اجتماعی - قضایی آنها را بررسی می‌کنند که خود یک نوع مطالعه جامعه‌شناختی است.

جامعه‌شناسی کیفری به تعبیر دیگر به مطالعه هیأت تقنینی، هیأت قضایی و هیأت اجرایی و اجتماعی قواعد و نهادهای حقوق کیفری می‌پردازد.

استاد رمون گسن به نوبه خود معتقد است که جامعه‌شناسی کیفری به طور کلی شامل سه بخش می‌شود: بخش اول به مطالعه تجربی قوانین کیفری می‌پردازد که در حقیقت شامل بررسی چگونگی تولد یک قانون، اجرای آن و کارنامه اجتماعی آن قانون می‌شود (جامعه‌شناسی حقوق کیفری به معنای خاص). بخش دوم، شامل جامعه‌شناسی کیفر است که در واقع مجازات‌ها را به عنوان پدیده و وقایع اجتماعی بررسی کرده و شرایط ظهور آنها، بسط و گسترش و سرانجام بقا یا لغای آنها را بررسی می‌کند. افزون بر این رسالت‌ها، جامعه‌شناسی کیفری، به مطالعه آثاری که مجازات‌ها در جامعه به جای می‌گذارد نیز می‌پردازد. سرانجام بخش سوم جامعه‌شناسی کیفری که به جامعه‌شناسی فرایند کیفری و نهادهای عدالت کیفری می‌پردازد و در حقیقت به چگونگی طرز کار نهادهای مختلف عدالت کیفری مانند پلیس، دادسرا (بازرسی و دادستانی)، دادگاهها، زندان‌ها و «وکلاء، کارشناسان و ضابطان» (یعنی کشمگران پیراقضایی) و تعامل میان آنها می‌پردازد و در نهایت کارنامه یا نتایج جامعه‌شناسی فعالیت‌های آنها را برآورد و ارزیابی می‌کند. گفتنی است که جامعه‌شناسی کیفری برخلاف جامعه‌شناسی جنایی که به عبارتی عمری حدود دو سه دهه دارد، در پنجاه سال اخیر مورد توجه



جامعه‌شناسان و بهتر است بگوییم حقوق‌دانان کیفری جامعه‌شناس و جرم‌شناس (به خصوص در کشورهای آمریکای شمالی) واقع شده است.  
ر.ک.

Criminal sociology; Social reaction, Social reaction criminology; Interactionist criminology; Criminal statistics; Control theory; Labelling theory; Organizational criminology; Radical criminology.



## Penology

## کیفرشناسی

### (la) Pénologie

اصطلاح کیفرشناسی که از تعابیر یونانی در ارتباط با مجازات است، نخستین بار در سده نوزدهم در بحث از «علم مجازات» مطرح شد. کاربردهای بعدی آن معمولاً در رابطه با یکی از زمینه‌های اصلی جرم‌شناسی، یعنی استفاده از ضمانت اجرای کیفری علیه مجرمین است.

کیفرشناسی دارای سه رشته عمده و مرتبط با یکدیگر است: مطالعه نحوه وضع و تنظیم قوانین کیفری (فانونگذاری کیفری)، بررسی شیوه‌های محاکمه و تعیین مجازات مجرمین (محکومیت کیفری) و چگونگی اعمال ضمانت اجرای کیفری (اجرای مجازات).

در پی انتقادات وسیعی که در ارتباط با قوانین و مقررات کیفری، به عنوان مقرراتی ناکم‌التعمیر و مستبدانه مطرح شد، در طول سده نوزدهم قوانین کیفری جدیدی تدوین شد. رساله «جرایم و مجازات‌ها» که در سال ۱۷۶۴ توسط بکاریا به رشته تحریر درآمد، اثر به ویژه قابل ملاحظه‌ای در این زمینه داشته و تأکید قوانین جدید بر بازدارندگی، به عنوان هدف اصلی ضمانت اجرای کیفری قرار گرفت. لیکن اهمیت و شدت جرم، تعیین‌کننده میزان و شدت مجازات آن بود. از اعمال مجازات‌های اضافی اجتناب شد و قوانین جدید در پی آن بودند که برای قدرت و اختیارات حکومتها، حد و مرزی تعیین نمایند. در انگلستان، با اینکه تأثیر عقاید بکاریا بسیار مهم بود ولی مقاومت شدید و طولانی‌ای در مقابل تدوین و وضع قوانین به عمل آمد و اصلاح حقوق کیفری، نه به صورت جامع و کامل، بلکه به شیوه خاصی صورت گرفت.

ظهور اصول تعیین مجازات در اواخر سده نوزدهم به تدریج آغاز شد. انگیزه این امر بعضاً ناشی از نگرانی عمومی در ارتباط با اختلاف و گوناگونی طول مجازاتهای زندان در پی منسوخ شدن غالب جرایم مستوجب اعدام و حذف مجازات تبعید بود. دستور پرویشن (تعلیق توأم با مراقبت)، مجازات‌های نقدی، تعلیق مجازات و حکم انجام خدمات عمومی و عام‌المنفعه، همه و همه در طول سده بیستم در انگلستان به منصفه ظهور سید. با اینکه در این کشور تلاشهایی در سطح قانونگذاری صورت گرفته است تا اختیار تعیین مجازات در پارچوب معینی قرار گیرد، ولی قضات، اختیارات قابل توجه خود را در این زمینه حفظ کرده و در برابر این پیشنهاد که حق انتخاب آنان محدود گردد، مقاومت نموده‌اند.

کیفرشناسی غالباً در ارتباط با رشته سوم مذکور، یعنی مطالعه نحوه اعمال ضمانت جرایم کیفری استفاده می‌شود. توجه اصلی، هم در مورد بازداشتی‌های موقت و هم در ارتباط با محبوسین، به مجازات زندان و به ویژه شرایط داخل زندانها معطوف شده است. هوارد یکی از نخستین صاحب‌نظرانی بود که توجه همگان را به ماهیت بعضی، غیرعادی و بعضاً تأسف‌بار روش‌های کیفری معطوف کرد. کیفرشناسی، هم شامل شیوه‌های عملی و هم دربرگیرنده تلاش‌هایی است در جهت اصلاح این شیوه‌ها. این اصطلاح در آمریکا کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیرا در آن کشور، «عدالت کیفری» مسائل وسیعتری را شامل شده و بیشتر در معرض توجه است. در اروپای قاره‌ای (مثل فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، آلمان و...) کیفرشناسی سابقه قدیمی‌تری دارد و بر رویکردی چندرشته‌ای (چندبُعدی) در قبال پیشگیری از جرم و بازپروری مجرمین متمرکز و تأکید می‌نماید.

همکاری بین‌المللی در زمینه مسائل کیفری، به کنگره بین‌المللی زندان (۱۸۷۲) باز می‌گردد و هر پنج سال یکبار کنگره‌ای از سوی سازمان ملل برای بررسی پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین برگزار می‌شود. تعیین استانداردهای حداقل، مثل قواعد حداقلی لازم‌الرعایه در رابطه با رفتار اصلاحی با مجرمین و نیز قواعد اروپایی حداقلی، از سوی شورای اروپا (۱۹۷۳) حاصل این تلاش‌ها بوده است.

ر.کد.

Beccaria; Death penalty; Howard; Prison; Prisonization; Probation and similar measures.

محیط شخصی محیطی است که شامل پیرامون فرد می‌شود و تأثیرات خاص و غالباً تعیین‌کننده‌ای به وجود می‌آورد. محیط شخصی به محیط اجتناب‌ناپذیر، محیط اتقاقی، محیط انتخابی یا پذیرفته شده و محیط تحمیلی تقسیم می‌شود. راجع به محیط تحمیلی در این دانشنامه، زیر عنوان سازمان و تشکیلات عدالت کیفری سخن به میان آمده است. در اینجا راجع به سه نوع محیط شخصی دیگر، توضیحاتی ارائه می‌شود:

محیط اجتناب‌ناپذیر، شامل خانواده اصلی، محل سکونت و اطراف آن می‌شود. غالباً از زمان شروع وضعیت‌های تعارض‌آمیز در خانواده اصلی است که واکنش سجرمانه دوران طفولیت خودنمایی می‌کند. صرفنظر از این نقش مستقیم، خانواده اصلی بر شکل‌گیری شخصیت نیز تأثیر می‌گذارد. آمارهای مربوط به بزهکاران، به ویژه آمارهای مربوط به بزهکاران کوچک و نوجوان، اجازه داده است تا به سطح اجتماعی-اقتصادی پایین و تفرقه خانواده اصلی (مثلاً به دنبال فوت، طلاق، جنایی یا حبس پدر) و نیز به نقش تعداد افراد آن، (خانواده پُرغرضند) پی برده شود.

میان بزهکاران واقعی، از یک سو و ناسازگاران روانی و اجتماعی‌ای که در بین آنها وجود دارند، از سوی دیگر باید قائل به تفکیک شد. در این خصوص، باید بر این موضوع تأکید کرد که ناپایدار بودن محیط اجتناب‌ناپذیر (خانواده)، پیامد ساختار نامنطبق و ناهماهنگ خانواده اصلی است. ناپایداری مربوط به اندازه و سطح اجتماعی-اقتصادی، به مانند ناپایداری ساختار خانواده اصلی، پیامدهای وخیمی در نظم عاطفی، تربیتی و اجتماعی به وجود می‌آورد. بزهکاری، روسپیری، اعتیاد به الکل و فقر فرهنگی والدین، نمونه‌هایی هستند که شکل‌گیری اجتماعی اطفال را مختل می‌سازند (ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی ایران).

محیط بوم‌شناختی (محل سکونت) به سطح اجتماعی-اقتصادی والدین بستگی دارد. آنچه که در محل سکونت مهم است، موقعیت محلی و جغرافیایی آن است؛ حاشیه‌های ناسالم شهرهای بزرگ و مجتمع‌های بزرگ مسکونی توجه جرم‌شناسان را به خود جلب کرده است. محیط اطراف مجتمع‌های مسکونی و محل زندگی نیز امری تعیین‌کننده است. مکتب شیکاگو نشان داده است که بزهکاری، مرتبط با جمعیت نیست، بلکه به نوع محله (فضاهای بزهکاری، محیط فقیرنشین در شهرهای بزرگ) ارتباط دارد (زیست‌بوم).

محیط تنافی (مدرسه، محل کارآموزی، ارتش به عنوان محیط سربازی) محل نخستین تماس‌های اجتماعی فرد است. این محیط به تمایلات شخصی، اجازه بیداری و به تأثیرات مضر، اجازه بروز و به ناسازگاری، اجازه ساختاری شدن می‌دهد. بعضی افراد کوشش می‌کنند که از محیط اتفافی‌رهایی یابند و از مراحلی که منجر به زندگی مستقل می‌شود، بدون توقف بگذرند.

در مقطعی از زمان، فرد باید به تشکیل یا عدم تشکیل خانواده خود بپردازد. مردان بزهکار به نسبت قابل توجهی، مجرد باقی می‌مانند و اگر ازدواج کنند، تعداد فرزندان آنان کم است. تأثیر خانواده اصلی در این نگرش منفی نسبت به ازدواج، و عدم تشکیل خانواده و تعهدپذیری خانوادگی چیست؟

در شکل‌گیری شخصیت، محیط کار - یا توجه به اظهارات سارقان حرفه‌ای - نقش مهمی ایفا می‌کند. به موجب این اظهارات، بزهکاران رفتار ضداجتماعی را در محیط کار آموخته‌اند (مسائل ضداخلاقی و عفت، کیفیت‌زنی)، لیکن همانطور که لمبروزو گفته است، نباید فراموش کرد که «بزهکار از کار کردن تنفر دارد». بزهکاران می‌خواهند بنابر میل خود کار کنند و نه براساس برنامه منظم، یعنی انجام کار منظم.

زیست‌بوم به درآمد، و بنابراین به کار فرد و نوع آن بستگی دارد. بعضی از سارقان حرفه‌ای علاوه بر نداشتن خانواده یا پیشه، محل سکونت (مسکن) نیز ندارند و در هتل و مسافرخانه زندگی می‌کنند. از نظر فرهنگی، بزهکاران با رفت و آمد در مکاتهای تفریحی و پیوستن تدریجی به سلوک مجرمانه (قانون محیط) شناخته می‌شوند. استفاده از زبان خاص مجرمان (آرگو یا زرگری) و نیز خالکوبی، وجوه مشخصه این الحاق و پیوستن تدریجی به بزهکاری و محیط مجرمانه محسوب می‌شود.

در نظریه جرم‌شناختی، گاهی از یک سو، بیش روانکاوانه که به موجب آن، عوامل خانوادگی اصلی مهم‌اند، زیرا عوامل اولیه بزهکاری را تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر، مفهوم معاشرتهای ترجیحی (نظریه ساترلند) را در مقابل هم قرار می‌دهند. علم روانکاوی یا روان تحلیلی‌گری روشن ساخته است که چنانچه محیط کودک، یک محیط مجرمانه باشد و اگر شکل‌گیری «من برتر» در نزد کودک به طور عادی صورت گیرد، رفتار وی ضداجتماعی خواهد شد. در عوض ساترلند بر نقش قاطع الگوهای منحرفانه در یادگیری رفتار ضداجتماعی و مجرمانه تأکید نموده است. نظریه وی در واقع، آورده‌های روانکاوی را کامل می‌کند.

لیکن آنچه در نهایت مهم است، کنش متقابل میان عوامل محیط شخصی و سوابق ارثی

و شخصی است. از این تعامل است که شکل‌گیری شخصیت مجرم ناشی می‌شود. البته این موضوع از نظر گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، صادق نیست؛ به نظر فوارد (Favard)، جرم‌شناس فرانسوی، جو و موقعیت محیطی شخصی در وقوع جرایم تأثیر اندکی دارد، در صورتی که این امر در مورد غیربزه‌کارانی که از نظر اجتماعی ناسازگارند، بسیار مؤثر است. ر.ک.

Acting out; Adler; Administration of criminal justice; Chicago School; Criminal personality; Criminogenic factors; Criminogenic society; Differential associations; Female criminality; Housing; Maladjustment; Psychoanalytic criminology.

\* \* \*

## Perversion

## تباه‌زدگی

### (la) Perversion

دوپره (Dupré)، روانشناس فرانسوی، در گزارشی به کنگره متخصصان بیماری‌های روانی و عصبی که در ۱۹۱۲ در تونس برگزار شد، تباه‌زدگی را ناشی از افراط، تحلیل‌رفتگی یا انحراف غریز سرپوشیده به حفظ و نگهداری، تولید مثل و معاشرت و ارتباط می‌داند. تباه‌زدگی‌هایی که توجه جرم‌شناسان را به خود جلب می‌کند عبارتند از: (۱) انحرافها (اعتیاد به الکل یا مواد مخدر) و افراط‌های غریزه صیانت (متهم کردن خود به ارتکاب جرایم و افسانه‌هایی، تظاهر به سوء قصد)؛ (۲) بعضی از انحرافهای غریزه جنسی (عورت‌نمایی، آزارگری، و خودآزاری یا آزارطلبی)؛ (۳) تحلیل رفتن غریزه ترحم و همدردی (فقدان عاطفه) و وارون‌سازی آن (بدخیمی سرشتی)، و نیز اغراب و زیاده‌روی در غریزه معاشرت و ارتباط (تقلین‌پذیری) و وارون‌سازی آن (مخالفت).

به نظر دوپره، وارون‌سازی غریزه ترحم، دستگیری و همدردی، وجه مشخصه فرد منحرف سرشتی است که درصد زجر و آزار جسمانی یا روانی هم‌نوعان خود و از میان بردن آسایش، خوشبختی، سلامت و حتی زندگی و حیات آنهاست. مسموم کردن و ایجاد حریق عمدی، عادی‌ترین جلوه‌های انحراف سرشتی محسوب می‌شود. بعدها تحت تأثیر آورده‌های

روانکاوی، انحرافات روان‌زادی و حتی انحرافات اتفاقی تعریف شد.

برخلاف «نباه‌دگی» که قبیل از هر چیز، نوعی بدخیمی است، بی‌تفاوتی یا بی‌اعتنائی عاطفی، بیشتر و بهتر مورد استقبال روان‌کاوی و نظریه بالینی واقع شد. (نظریه عدم ظرفیت و توانایی علاقمند شدن عاطفی از دوگرف، ثبات فوق‌العاده از کینبرگ). بی‌تفاوتی عاطفی یکی از خصوصیات هسته مرکزی شخصیت مجرمانه را تشکیل می‌دهد. علت‌شناسی آن صرفاً سرشتی نیست و خاستگاه پیچیده‌ای دارد.

ر.ک.

Affective indifference; Alcoholism; Arson; Criminal personality; Instincts; Poisoning; Psychoanalytic criminology.

\* \* \*

## Physical abnormality

## ناهنجاری جسمانی

### (۱) Anomalie physique

ارتباط میان ناهنجاری یا بی‌تناسبی جسمانی و جرم، ارتباطی پیچیده بوده و در سالهای اخیر کمتر به آن توجه شده است. شاید بتوان گفت از زمانی که نخستین تلاشها برای برقراری ارتباط میان جسم و جرم، اعتبار خود را از دست داد، دیگر رغبتی نسبت به طرح و تعمیم اینگونه فرضیه‌ها نشان داده نمی‌شود. رابطه مزبور حداقل به چهار صورت عمده به شرح ذیل عمل می‌نماید (ولی در هیچیک از آنها، گروه متأثر، چیزی جز بخش بسیار کوچکی از مجرمین محکوم نیستند):

(۱) برخی از اختلالات، به ویژه در مراحل اولیه شروع، قبل از چاره‌جویی برای درمان ممکن است منجر به تیرگی شعور گردد، به نحوی که ارتکاب جرم، به احتمال زیاد، نسبت مستقیمی با تعداد و پیچیدگی قواعد اجتماعی کاربردپذیر دارد. از قبیل بیماری قند در حالت افزایش قند خون، تصلب شریانی مغزی و بیماری گُرّه هانتینگتون [Huntingtons Chorea] (بیماری ارثی تدریجی دستگاه اعصاب مرکزی که با حرکات پرشی و تخریب روانی و زوال عقل پیشرونده مشخص می‌گردد و شروع آن در زمان بلوغ یا نوجوانی است).

(۲) برخی از اختلالات روانی ممکن است توأم با تغییر جسمی باشد. بدیهی است که

بهترین راه شناخت هرگونه جرمی در این رابطه، برحسب نوع اختلال خواهد بود.  
۳) در مواردی که معلوئیت یا بدشکلی جسمی وجود داشته و شدید باشد، طرد اجتماعی از سوی دیگران بر این اساس ممکن است منجر به تلخکامی‌ها و ناامیدی‌هایی شود که احتمالاً موجب بروز جرم شود. آگدن (Ogden) توانست نشان دهد که رفع بدشکلی‌های جسمی در یک جمعیت نمونه، واقع در یکی از کانونهای اصلاح و تربیت انگلستان، موجب کاهش تکرار جرم و جامعه‌پذیری بیشتر و بهتر شده است.

#### ۴) ناهنجاری‌های کروموزومی

در مجموع به نظر می‌رسد زمینه‌های بسیار کمی برای ایجاد ارتباط میان ناهنجاری جسمی و ارتکاب هر نوع جرمی وجود داشته باشد.  
ر.ک.

Constitutional factors; Criminal; Criminal type; Lombroso; Stigmatization; XYY Chromosomes.

\* \* \*

## مسموم کردن

### Poisoning

#### (۱) Empoisonnement

مسموم کردن، استفاده از سم به عنوان وسیله ارتکاب جرم است. در جوامع کهن، مسموم کردن، در کنار خیانت، جادوگری و توهین به مقدسات، جرایمی را تشکیل می‌دادند که ارزشهای جمعی گروه را نقض می‌کرده است. مسموم کردن، به مانند خیانت، امنیت گروه را به خطر می‌انداخته و طی دوره سزای (امپراتور روم) در ایتالیا و سده نوبی چهاردهم در فرانسه و اواسط سده نوزدهم، امری بسیار جاری بوده است.

این جرم به صور سنتی به عنوان یک جرم زنده مورد توجه قرار می‌گیرد؛ حتی امروزه نیز نسبت زنان به مردان در جرم مسموم کردن بیشتر است.  
ر.ک.

Female criminality; Perversion; Science of criminal trial; Utilitarian homicide; Victimology.

\* \* \*

## (le) Maintien de l'ordre

اصطلاح «پلیس» در مفهوم اصلی خود به معنای حکومت صحیح بر یک جامعه، از طریق اثاره جامعه، اجرای قوانین و مقررات، و حفظ بهداشت، پاکیزگی و به طور کلی نظم عمومی است.

در سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی، مفهوم و کاربرد واژه مزبور شکل محدودتری به خود گرفت. این اصطلاح، امروزه بیش از پیش برای توصیف نیروی اجتماعی شهری‌ای که حفظ نظم عمومی و اجرای قانون را برای پیشگیری از جرایم، مجازات بزهکاران و کشف جرایم بر عهده دارد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مدرسه انگلیسی - نظام‌های پلیسی مبتنی بر سنت‌های انگلیسی و یا کامن‌لو، دارای تشکیلات دوگانه نظامی‌اندنی نیستند. سابقه و منشا اینگونه نظامها ممکن است به اندیشه مسؤولیت اجتماعی حفظ نظم و سرکوب جرایم بازگردد. وظیفه‌ای که از سوی شاه بر عهده گروه‌های خانوادگی گذشته شده بود، توأم با مجازاتهای تقدی جمعی بود که به واسطه عدم رعایت قانون و مقررات مربوط به حفظ نظم، اعمال می‌شد. در دوره سلطنت انگلوساکسن‌ها، پادشاه آلفرد (۸۷۱ تا ۸۹۹ میلادی) اندیشه مسؤولیت اجتماعی برای حفظ امنیت و آرامش در قلمرو سلطنت را ایجاد نمود و این سنت که به نحو قابل ملاحظه‌ای توسط حکومت نورمان‌ها تقویت گردید، نظام محلی حفظ نظم را که نقطه تمایز آن با دیگر نظام‌های اروپایی محسوب می‌شود، تحت تأثیر قرار داد.

شیوه‌های حفظ نظم - بررسی مختصر نحوه حفظ نظم، نشانگر تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در شیوه‌های اعمال آن است.

الف) حفظ نظم به صورت غیررسمی: از موفق‌ترین روش‌های کنترل جرم در یک جامعه، شیوه‌هایی است که خاستگاه آن، کنترل اجتماعی سنتی و غیررسمی است. عقاید خرافی، تابوها، مناهب، عرف و عادات، ارزش‌های مشترک و ضوابط اخلاقی، هر یک به نحوی مقدم بر قوانینی هستند که مقررات رسمی‌تر حفظ نظم در یک جامعه پیشرفته، بر مبنای آن تحول یافته است. در شرایطی که یک جامعه همبستگی و ثبات واحد خانواده را حفظ می‌کند، چنین به نظر می‌سد که رفتار اعضای آن واحد، کنترل خواهد شد و هر یک از دیگر واحدهای خانواده نیز به همین نحو، به یک جامعه به هم پیوسته و با ثبات ملحق خواهند شد.



ب) حفظ نظم به شیوه انفعالی: شاخص و معرف این روش، نیروی پلیس است که هدف اصلی آن حضور در صحنه (مانند مترسک) و رسیدن به هدف برقراری نظم یا توسل به وسایل غیررسمی است.

پلیس‌های انفعالی، جز در مورد جرایم مهم و یا موارد آشکار بی‌نظمی عمومی که تقریباً چاره دیگری وجود نداشته باشد، متوسل به اعمالی که قانون تجویز کرده است، نمی‌شوند. روش انفعالی حفظ نظم، فوایدی برای جامعه دربردارد، زیرا در این شیوه امکان خودگردانی وسیعی فراهم گردیده، از شایعات و تهمت‌های کوچک جلوگیری شده و عموماً فضای تفاهم‌آمیزی به وجود می‌آید که در آن، توسل به راه کارهایی که از طریق عدالت کیفری محقق می‌شود، در حناقل ممکن اعمال می‌شود. از سوی دیگر، باید مسائل غیرظاهری روش حفظ نظم انفعالی را نیز مورد مطالعه قرار داد. انفعالی بودن شیوه مزبور ممکن است نشانه عدم کفایت و یا حتی فساد باشد.

ج) حفظ نظم با توسل به مجازات: این روش عبارتست از «حفظ نظم به وسیله ترس و وحشت آتی» و مبنی بر این فرض است که به شرط آنکه مجازات‌های جرایم، به اندازه کافی ارعاب‌آور باشد، افراد از ارتکاب آنها بازداشته خواهند شد. پیش‌فرض این مسأله آنست که اولاً تعدادی کافی از مرتکبین، دستگیر شوند تا این روش، در ظاهر مقبول و موخه گردد و ثانیاً تعدادی کافی از مجرمین بالقوه پیش‌بینی کنند که آنها نیز در صورت ارتکاب جرم ممکن است دستگیر شوند. هر دو این پیش‌فرضها در عمل به میزان قابل ملاحظه‌ای مخدوش است. قطعاً بدون یک نیروی مؤثر پلیس در جهت حمایت از قوانین سختگیرانه، اثر این قوانین تا حد قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

هر اندازه که نگرشها و رفتارهای یک جامعه، معقول‌تر و معتدل‌تر شود (امری که معمولاً توأم با دانش و تمدن بالاتری است) احتمال [اعمال مجازات‌های غیرانسانی کمتر خواهد بود. تحت حاکمیت رژیم‌های اقتدارگرای فراگیر، قانون ممکن است امکان بیشتری برای اجرای جدی و عملی داشته باشد؛ امری که مرهون تکه‌قطبی بودن قدرت محاکمه، صدور حکم مجازات و [اعمال سریع آن است.

د) حفظ نظم از طریق پیشگیری: بهترین نوع راهبردهای حفظ نظم، روش پیشگیرانه آن است. برتری این شیوه، از نظر اخلاقی است. زیرا با پیشگیری از وقوع جرم، افراد را از نادانی‌ها و سرکشگی ناشی از روبرو شدن بانظام عدالت کیفری حفظ می‌نماید این روش، نشانگر نگرانی و توجه جامعه نسبت به وقوع جرایم است؛ امری که هم فرد مرتکب و هم

شخصی را که جرم علیه او ارتکاب یافته است قربانی می‌سازد. بدین‌سان در این استراتژی، هدفی دوگانه تأمین می‌شود. پیشگیری از ارتکاب جرم نه تنها به عنوان یک استراتژی، از نظر اخلاقی دارای برتری است، بلکه سودمندی آن نیز بیشتر است. زیرا هم بهای جرم و هم زیان و رنج ناشی از آن کاهش می‌دهد. کاهش جرم موجب رها شدن فشار وارد بر نهادهای مختلف نظام عدالت کیفری شده و بایستی به عنوان یک هدف پلیسی اولیه، مطرح باشد. حفظ نظم از طریق پیشگیری دارای سه سطح قابل تشخیص است که در برابر روش حفظ نظم به صورت انفعالی قرار می‌گیرد.

حفظ نظم کنئسی (پیش‌گسنتر) (Pro-active policing): عبارتست از هرگونه فعالیت انسانی قانونی که منجر به کاهش رفتارهای مجرمانه شود. این روش، دربرگیرنده فعالیت‌هایی در جهت تأثیرگذاری بر جامعه به شیوه‌های متنوعی است که به منظور انصراف افراد از روآوری به اعمال غیرقانونی و گرایش دادن آنان به سمت اعمال قانونی و مشروع صورت می‌گیرد. شیوه عمل در این روش، برخلاف روش حفظ نظم واکنشی، به گونه‌ای است که تولید دهنده اثر دلگرم‌کننده‌تری است. زیرا مستلزم پیاده کردن اقدامات و تدابیر کنئسی یا پیشقدمانه‌ای است که در جهت قمع و قمع جرم صورت می‌گیرد.

حفظ نظم کنئسی، در پی تقویت مهم‌ترین نوع پیشگیری است: انضباط اجتماعی و اعتماد متقابل در جوامع. بنابراین روش‌های مربوطه براساس هنجارها و فرهنگ جامعه، متفاوت است. حفظ نظم پیش‌گسنتر، تولید دهنده درجه بالایی از همکاری و همیاری با دیگر نهادهای دولتی اعم از نهادهای محلی و مرکزی است. این شیوه بایستی از سطح سیاست راهبردی به سطح کاری زمینه‌های تکنیکی و سپس به مرحله عمل برسد. روش مزبور مستلزم رویکرد به سمت مشکلات اجتماعی، کاستن از جرایم، بی‌نظمی و یا انواع اختلالات اجتماعی و نیز تأمین خدمات اجتماعی، بهداشت، رفاه، تأمین دوره‌های آموزشی و آزمایشی، اشتغال، تأمین اجتماعی، مسکن، برنامه‌ریزی و دیگر خدمات قانونی و داوطلبانه است. هدف در این روش، از بین بردن و یا پیشگیری از رشد شرایط اجتماعی جرم‌زا است.

این شیوه از حفظ نظم، با داشتن خصوصیات استراتژیک وسیع و بلندمدت، اهتمام اساسی و هدف‌داری در زمینه تحصیلات در تمامی سطوح داشته و بدین ترتیب بایستی مورد توجه مدیران آموزش و پرورش، گذار آموزشی، والدین و دانش‌آموزان باشد. در محیط‌های تحصیلی، این روش نقطه تماس مسالمت‌آمیز و مهمی در اختیار پلیس می‌گذارد که در آن، می‌توان به روابط انسانی منطاری در زمینه مسائل مؤثر بر جوانان و پلیس دست یافت.

حفظ نظم بیش‌گستر بایستی متجر به کاهش موانع در بین ارگان‌های مختلف شود؛ امری که اعتماد و اطمینان فزاینده و عملکرد جمعی بهتری را به دنبال داشته و موجب کنترل بزهکاری و پیامدهای زیاده‌آلود آن برای یزمدیده و بعضاً برای خود بزهکار و خانواده و دوستان وی خواهد شد. از آنجا که در آینده، نیاز به حداکثر استفاده از منابع و امکانات به وجود می‌آید، وجود مرزبندی‌های حرفه‌ای خشک و غیرقابل انصاف در بین ارگان‌های مختلف، متاثر با مصالح عمومی خواهد بود. این امر به ویژه هنگامی که تعدادی از ارگان‌ها، همگی در جهت یک هدف واحد، یعنی رفاه جامعه تلاش می‌نمایند، مصداق پیدا می‌کند.

پلیس می‌کوشد تا اعتماد و اطمینان را در جوامع افزایش دهد یا در جایی که اعتماد وجود ندارد به ایجاد آن بپردازد. از چنین موضعی است که آنان به همراه ارگان‌های دیگر، جامعه را تحریک و تشویق می‌نمایند که خود، به پیشگیری از بزهکاری و حفظ نظم مبادرت نماید.

پیشگیری ثانویه اصطلاحی است که می‌تواند برای دربرگیری آن دسته از فعالیت‌هایی مورد استفاده قرار گیرد که به طور طبیعی یا عملکرد محدودتر و مفهومی‌تر پلیس همراه است. حفظ نظم از طریق پیشگیری یا حضور گشتی‌های پیاده و سواره، بخشی از حفظ نظم است که موفقیت آن به شدت وابسته به نیروی انسانی، ارتباطات و تحرک است.

پیشگیری نوع سوم را می‌توان برای توصیف جنبه‌های کارآگاهی عملکرد پلیس به‌علاوه کار اصلاحی - تربیتی بسیاری از ارگان‌های دیگر از جمله عدالت کیفری مورد استفاده قرار داد. این باور که کشف جرم و محکوم نمودن مجرم، از بهترین تدابیر بازدارنده به شمار می‌روند، دست‌کم در این دیدگاه صحیح است، لیکن جز در صورتی که کشف جرم دارای درجه بالایی از قطعیت و اطمینان باشد اثر بازدارنده آن، کمتر قابل دستیابی است.

ه) حفظ نظم واکنشی: پلیس باید، در قبال موارد اضطراری‌ای که در ارزیابی عمومی، از اولویت بالایی برخوردارند قادر به واکنش باشد. پلیس نه تنها باید از تحرک و ارتباط لازم در جهت انجام این مهم برخوردار باشد، بلکه آرایش آنان نیز بایستی به گونه‌ای باشد که مسائل دیگر، از قبیل توزیع جغرافیایی نامناسب، مانع ارائه واکنش کافی و مطلوب از سوی آنان نگردد. هر سیستم پلیسی‌ای که نتواند پاسخگوی نیازهای عمومی در ارتباط با ارائه پاسخ و واکنش سریع در موارد اضطراری باشد در خطر از دست دادن اعتبار خود خواهد بود.

اثر علم و فن‌آوری بر کار پلیس در سطح بسیار قابل ملاحظه‌ای بوده است. نیروهای پلیس در کشورهای پیشرفته در سطح بالایی (حتی در حد حیاتی) به وسیله تکنولوژی مورد حمایت و کمک قرار گرفته‌اند، گو اینکه زرق و برق این امکانات، آنان را در برخی موارد فریب

ناده است. تغییر و تحولات به عمل آمده در امکانات و تجهیزات مورد استفاده پلیس، همان اندازه که موجب زبان قابل ملاحظه آنان گردیده، برای آنها منافع و دست‌آوردهایی نیز به همراه آورده است. فقدان تماس مسالمت‌آمیز با عموم مردم، به شدت موجب محدودیت درک آنان از روان‌شناسی مردم و مسائل جامعه شده است. حفظ نظم در این شرایط، صرفاً تبدیل به مسأله تحرک (وسیله نقلیه و گشت سواره)، ارتباطات (رادیو و بیسیم و تلفن سیار) و اطلاعات (رایانه) می‌شود. شکافی که ممکن است از این شرایط صرفاً ناشی گردد، می‌تواند با پرداخت بیشتر پلیس به روش واکنشی خود، عمیق‌تر شود؛ شکاف و فاصله‌ای که ممکن است منجر به سوءتفاهم، شک و سوءظن و حتی دشمنی شود. لیکن به رغم اینکه ممکن است زین حاصله بسیار تأسف‌آور باشد دست‌آوردها نیز بسیار قابل ملاحظه است. زیرا پلیس امروزه نمی‌تواند بدون امکانات مزبور، خدمات مربوطه را ارائه نموده و از عهده حجم کارهای محوله برآید.

این قدرت فریبنده فن‌آوری، منجر به یک فرض نادرست شده است مبنی بر اینکه چنین قدرتی به همراه نیروهای قانونی، تشکیل دهنده اساس سیاست حفظ نظم است. چنین فرضی ناشی از یک اشتباه فاحش است و یک نیروی پلیس دمکراتیک در سطح عالی به خوبی می‌داند که پایه و اساس سیاست حفظ نظم، در مراقبت، تفاهم و آموزش انسانها نهفته است؛ امری که منجر به نزدیکی عمیق پلیس به مردم و بالعکس می‌شود.

نیروهای پلیس در نقش اقتدارگرای ضروری خود به عنوان کنترل کننده نظم عمومی، احتمالاً دارای اعتماد و اطمینان بیشتری بوده و در قبال دشمنان خود، کمتر احساس ترس و تهدید می‌نمایند. مردم نیز به نوبه خود، در صورتی که پلیس امکان تماس دائمی با آنان را برای راهنمایی، همدمی و دوستی داشته باشد دید تفاهم‌آمیزتر و صمیمی‌تری نسبت به نقش کلی پلیس خواهند داشت. این امر به ویژه در مواردی که حفظ نظم در اقلیتهای ناآرام، سیاست صرفاً واکنشی حفظ نظم را تبدیل به سیاستی خطرناک می‌کند، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

و) حفظ نظم به رونق سرکوبی: حکمرانان و یا دولتهایی که فاقد حمایت مردمی هستند یعنی نظام‌های سیاسی اقتدارگرای فراگیر، برای باقی ماندن بر مسند قدرت، به سیاست حفظ نظم یک‌سویه و سرکوبگر متوسل می‌شوند. در چنین شرایط پلیس، که طبیعتاً از سوی نیروهای شبه‌نظامی و حتی ارتش نیز حمایت می‌شود، مجهز به نیروهای ویژه قابل ملاحظه‌ای به منظور تفتیش، جلب و بازداشت افراد خطرناک برای چنین نظام‌هایی است.

چنین دولت‌هایی برای حفظ وجهه و اعتبار خود بایستی در موارد لزوم به صورت قاطعانه و جزی عمل نمایند و به خشونت متوسل شوند. این شیوه حفظ نظم، به طور کلی منجر به بیگانگی پلیس از جامعه و مردم می‌شود و می‌تواند متعاقباً به زندگی آنان در پادگانها و دور از مردم و در انزوا منجر شود. چنین نیروهایی تقریباً همیشه مسلح بوده و ماهیتاً شبه‌نظامی‌اند زیرا آموزش کنترل انتظامی و نظامی و فرگیری قدرت آتش علیه مردم برای موفقیت آنها ضروری است.

ر.گ.

Community policing; Control theory; Criminal policy; Criminal prophylaxis; Deterrence.

\* \* \*

## Political crime

## جرم سیاسی

### (le) crime politique

محدوده جرایم سیاسی به دشوار قابل تشخیص و تعیین است. امنیت خارجی یک کشور با افشاء اسرار دفاعی در زمان صلح و نیز جاسوسی مختل می‌شود و بعد از پایان یک جنگ نیز جرایم سیاسی شامل اعمالی است که به عنوان همکاری با دشمن در سرزمینهای اشغالی محسوب می‌شود. در خصوص امنیت داخلی یک کشور باید گفت که این عنوان، از سوء قصد به رؤسای حکومتها شروع شده و با اعمال انقلابی (از جمله جرایم ارتكابی توسط گروهها و دستجات انقلابی) ختم می‌شود. گاهی جرایم بین‌المللی (جرایم علیه صلح، جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت) نیز جزو جرایم سیاسی قلمداد می‌شود. بدین ترتیب، قلمرو بزهکاری سیاسی بسیار وسیع است.

در کلینیک جرم‌شناسی، در رابطه با این نوع جرایم، بیشتر یک مفهوم فردی حاکم است. زمانی جرم سیاسی وجود دارد که آن عمل واجد یک خصیصه هیجانی (احساساتی) و مبتنی بر عدالتخواهی باشد؛ یعنی ارتكاب جرم، به خاطر یک ایدئولوژی و آرمان صورت گرفته باشد. خصیصه چنین عملی نیز آن است که مباشرت عمل ارتكابی خود را یک وظیفه تلقی می‌کند. بزهکار سیاسی معتقد به یک ایدئولوژی (مکتب) را باید از (۱) منجر سیاسی سوذجو (جاسوس

مزدبگیر): ۲) مجرم عادی که در ارتکاب یک جرم معمولی شرکت می‌کند و ۳) فرد غیرعادی از نظر روانی که در بزهکاری سیاسی، زمینه‌ساز برای آشکار کردن فشارهای درون خود می‌یابد، تفکیک کرد.

ر.ک.

Crime; Gangs criminality; Homicide of passion; Terrorism; Violence.



## اثبات‌گرایی

Positivism

(le) Positivism

اثبات‌گرایی به مفهوم استفاده از روش علمی برای بررسی و تبیین علل و ماهیت جرم و رفتار مجرمانه است. تلاش‌های مربوطه، با انسان‌سنجی جسمانی (اندازه‌گیری اندام‌ها) و نوع‌سنجی بدنی آغاز شده و با آزمایشات روانی و مطالعات ترسیمی ادامه یافت و با این طرح‌ها به طبقه‌بندی، آزمایش فرضیات و تحقیق در خصوص علل وقوع جرم به ساده‌ترین روش قابل تشخیص است.

اثبات‌گرایی در سطح وسیعی مورد انتقاد قرار گرفته است. منتقدین، چنین استدلال می‌کنند که نقاط افتراق اثبات‌گرایانه (تعمیری از قبیل «مجرم» و اصطلاحاتی که برای انواع مختلف جرایم و مجازات‌ها و آمارهای مربوط به آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد)، واقعیت‌هایی علمی نیستند و مطالب مناسبی برای مطالعه علمی به شمار نمی‌روند، لیکن نشانه‌های بالارزشی هستند (به طور نسبی و نه مطلق) که پدیده‌هایی را که با دگرگونی جامعه (و نیز به نوبه خود، با قانون) تغییر می‌کنند شامل می‌شود. بنابراین، با آنکه از طریق استفاده از روش‌های علمی می‌توان به «پاسخ‌هایی» دست یافت، لیکن این پاسخ‌ها دارای ارزش واقعی نیستند. زیرا عوامل متعددی را که بر ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد، در نظر نمی‌گیرند.

ر.ک.

Causality; Criminal type; Ferri; Garofalo; Lombroso; Penal philosophy; Social class.



**Precriminal situations**

**وضعیت‌های مُشرف بر بزهکاری**

**(les) Situations précriminelles**

کینبرگ، جرم‌شناس سوئدی، سه نوع موقعیت یا وضعیت ماقبل بزهکاری را از هم تفکیک نموده است: (۱) وضعیت‌های خاص یا خطرناکه، که در آنها نیازی برای جستجوی موفقیت و مناسبت به منظور ارتکاب جرم نیست. این مناسبت ممکن است از اوضاع و احوال غیرمنتظره (پیدا کردن یک کیف پول در کوچه)، از شغل (اختلاس)، یا از روابط بین افراد (وضعیت مستعد زنا‌ی با محارم، پدرکشی) ناشی شود. در وضعیت‌هایی که مبتنی بر روابط بین افراد است، شخصیت بزه‌دیده، عنصر مهمی محسوب می‌شود؛ (۲) وضعیت‌های غیرخاص و بی‌شکل که در آنها باید به دنبال پینا کردن موقعیت و مناسبت برای ارتکاب جرم بود (طرح نقشه، شناسایی محل، آماده کردن وسایل و آلات لازم برای ارتکاب جرم، انتخاب شرکاء جرم) و (۳) وضعیت‌های مختلط یا بینابین که در آنها تحت فشار یک واقعه یا یک حالت عملی باید درصد یافتن موقعیت و مناسبت بود (عضو رده پایین یک باند تبهکار که از ترس انتقام‌گیری آن باند، مرتکب جرم می‌شود).

ر.ک.

Acting out; Criminal psychology; Dangerousness; Kinberg; Methodology; victimology.



**Prediction of crime**

**پیش‌بینی جرم**

**(la) Prédiction du crime**

در تعریف یک مطالعه پیش‌بینی جرم‌شناختی می‌توان گفت که عبارتست از مطالعه‌ای که در آن، یک یا چند اندازه معیاری، در ارتباط با رفتار بزهکارانه، با یک یا چند اندازه از عوامل دیگر یعنی عوامل پیش‌بینی‌کننده که در زمان مقدّم‌تری وجود داشته است مربوط باشد. معمول‌ترین متغیر معیاری در این مورد عبارتست از محکومیت مجدد در یک دوره زمانی

مشخص، گو اینکه در برخی مطالعات تلاش شده است تا میزان محکومیت مجدد در گروههایی از افراد بدون سابقه محکومیت نیز پیش‌بینی شود. در غالب بررسی‌ها، زیرمجموعه‌ای از متغیرهای پیش‌بین، انتخاب شده و به نحوی با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا یک اندازه مرکب حاصل شود. این روش غالباً به صورت یک جدول پیش‌بینی درمی‌آید (که جدول تجزیه‌ای یا جدول اساسی انتظار نیز خوانده می‌شود) که نمونه مورد نظر را به گروههایی با احتمالات متفاوت محکومیت مجدد، تقسیم می‌نماید.

در آمریکا، یکی از قدیمی‌ترین و مؤثرترین اینگونه مطالعات در دهه ۱۹۲۰ توسط برگس (E.W. Burgess) انجام شد. همانند غالب تحقیقات پیش‌بینی بعدی، مطالعه مزبور به منظور پیش‌بینی میزان موفقیت یا شکست روش آزادی مشروط زندانیان، طراحی شده بود. در این بررسی، جدول پیش‌بینی، به روش بسیار ساده و با تخصیص عدد ۱ و ۰ به هر یک از فاکتورها تشکیل گردید. مطالعه دیگری که در کشور آمریکا به شهرت رسید، تحقیق زوج گلوک تحت عنوان تشخیص بزهکاری نوجوانان بود. در این بررسی ظاهراً نشان داده شد که بزهکاری نوجوانان را می‌توان به نحو بسیار دقیق، از سالهای اولیه زندگی پیش‌بینی نمود. معنک، این نتیجه‌گیری قابل توجه نبود. زیرا اولاً تحقیق مزبور به جای آنکه آینده‌نگر باشد جنبه واپس‌نگر داشت و ثانیاً گروههایی افراطی از بزهکاران زندان‌دیده و غیربزهکاران خوش‌رفتار در آن مورد استفاده قرار گرفته بودند و ثالثاً گلوک‌ها، نمونه‌های پایه و ارزیابی مجزایی در اختیار نداشتند. روش مطلوب آن است که تکنیک پیش‌بینی‌ای با یک نمونه ایجاد گردد و دقت آن با استفاده از یک نمونه دیگر مورد تحقیق قرار گیرد تا عنصر تصادف، بیش از حد مورد استفاده قرار نگیرد.

فراگیرترین مورد استفاده از تکنیک‌های پیش‌بینی در کشور انگلستان توسط وزارت کشور و در ارتباط با آزادی مشروط زندانیان در دهه ۱۹۷۰ صورت گرفت. احتمال محکومیت مجدد زندانیان آزاد شده، براساس سابقه کیفری فرد مجرم (مثل نوع جرم ارتكابی، تعداد محکومیت‌های قبلی و سن وی در هنگام اولین محکومیت) محاسبه گردیده و سن، وضع تأهل، امکانات زندگی و سابقه اشتغال مرتکب نیز مشخص شد. احتمالات محکومیت مجدد، به صورت خطی به نمرات پیش‌بینی در نمونه‌های پایه و ارزیابی، ربط داده شد. نمرات پیش‌بینی، توسط هیأت آزادی مشروط در تصمیم‌گیری نسبت به اعطای آزادی مشروط یا عدم اعطای آن به زندانیان مورد استفاده قرار گرفت. این نمرات همچنین با مقایسه نرخ‌های عملی و مورد انتظار محکومیت مجدد، در ارزیابی میزان تأثیر آزادی مشروط نیز مورد



بهره‌برداری قرار گرفت.

Criminal sociology; Methodology; Recidivism.

ر.ک.

\*\*\*

Primary deviance

انحراف اولیه

(1a) *Déviante primaire*

فرق میان انحراف اولیه و انحراف ثانویه نخستین بار از سوی ادوین ام. لمرت (E.M. Lemert) در کتاب آسیب‌شناسی اجتماعی (۱۹۵۰) مطرح گردید و در کتاب دیگر وی تحت عنوان «انحراف انسان، مشکلات اجتماعی و کنترل اجتماعی» (۱۹۷۲) مورد بررسی دقیق واقع شد. انحراف اولیه، مربوط به مرتکبانی است که در اعمال منحرفانه وارد می‌شوند ولی در وضعیت قراردادی و متعارفی قرار دارند. در این مرحله، خودپنداری وجود ندارد و انحراف به عنوان بخشی از نقش مرتکب که از نظر اجتماعی پذیرفته شده است تلقی می‌شود. در حالی که انحراف ثانویه (یا حرفه‌ای) اصطلاحی است برای اعمال کسانی که به انحراف عادت کرده‌اند (تکرار جرم) و انحراف، بر خود پنداره آنان تأثیر گذارده و نقش منحرفانه به طور آگاهانه کسب و به مرحله عمل درمی‌آید. انحراف ثانویه هنگامی ایجاد می‌شود که نقش منحرفانه به واسطه افزایش تماس با منحرفین آلوده‌تر (مثلاً از طریق عضویت در خرده‌فرهنگ‌ها) و غالباً به واسطه آثار برجسپیزنی تقویت می‌شود.

Deviance; Labelling theory; Sub-culture; Recidivism.

ر.ک.

\*\*\*

Prison

زندان

(1a) Prison

زندان محلی است که شخص محکوم به مجازات سائب آزادی یا اشخاص متهم که در انتظار محاکمه هستند در آنجا نگهداری می‌شوند. زندان ابتدا تنها به عنوان محل نگهداری

متهمان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. لیکن لغو کیفرهای بدنی در اوایل سده نوزدهم میلادی، ضرورت یک کیفر جایگزین را مطرح ساخت.

ساختگاههای زندان کیفری را می‌توان در تفکر افلاطون جستجو کرد. وی پیش‌بینی ظهور یک نظام حبس کامل در مرکز برده‌داری، ارتش‌های کار برای ولگردان و متکدیان، بیمارستانها و به ویژه نهادهای کلیسا را نموده بود. بعدها و از اواخر سده هفدهم، پدران روحانی کلیسای کاتولیک، مؤسسات خاص تربیتی را برای اطفال، جوانان و زنان در ایتالیا به وجود آوردند. جریان ایجاد زندان، سپس به هلند سرایت کرد. آثار جان هوارد انگلیسی، در اواخر سده هیجدهم پایه‌های آموزهای و نظری «حبس کیفری» را بنا نهاد.

به جای تشکیلات اولیه زندان، بر مبنای رژیم نگهداری مشترک و عمومی محکومین که معایب آشکاری به همراه داشت (رواج همجنس‌گرایی، آموزش جرم، شکل‌گیری گروه‌های تبهکار، باج‌خواهی پس از خروج از حبس)، دکترین زندانها نظام‌های کامل‌تر حبس را جایگزین آن کرد: ابتداء رژیم انفردای (سلولی) شب و روز به وجود آمد که به نظام پنسیلوانیایی مشهور گشت. با توجه به معایب این رژیم، به ویژه برای سلامت روانی زندانیان، رژیم انفردای در شبها و کار مشترک در روز توأم با سکوت ایجاد شد، که نظام آیورنین (Auburnien) نام گرفت. عدم رعایت سکوت از سوی زندانیان، تنبیه‌های انضباطی شدید و حتی تنبیهات بدنی را به دنبال داشت. به همین لحاظ، ترکیب کلیه رژیمهای گذشته مورد توجه قرار گرفت، به گونه‌ای که منجر به ایجاد نظام حبس ایرلندی شد: به موجب این رژیم، محکومان به ترتیب و به تدریج، تحت انواع مختلف زندگی در زندان تا مرحله نهای نیمه آزادی قرار داده می‌شوند، یعنی از رژیمهای سخت حبس شروع می‌شود و این شدت به تدریج با خُسن رفتار محکوم تخفیف می‌یابد و تا آزادی فرد از زندان پیش می‌رود.

بروکوی (Brookway) در ۱۸۷۶، مدیریت مؤسسه اصلاح و تربیت Elmira در ایالات متحده آمریکا را به عهده گرفت: جنبه حبسی و بازداشتگاهی این مؤسسه بسیار کم‌رنگ بود و به بزهکاران ۱۸ تا ۳۰ ساله اختصاص داده شده بود.

با ظهور مکتب تحقیقی ایتالیایی، جنبش دوگانه‌ای به وجود آمد: ابتدا مرکز مشاهده یا آزمایشگاههای انسان‌شناسی زندانها ایجاد شد که هدف آنها طبقه‌بندی و پیگیری نحوه تحول محکومان از نظر بالینی بود. سپس، مؤسسات کشاورزی زندان‌گونه، زندانهای مدرسه‌گونه و مؤسسات دفاع اجتماعی (در بلژیک) به وجود آمد که بیماران و افرادی که از نظر روانی غیرعادی بودند در آنجا نگهداری می‌شدند.

مطالعات انجام شده درباره ارزیابی عملکرد زندان به عنوان محل اجرای مجازات سال‌ها آزادی نشان می‌دهد که از نظر مجازات و سرکوبی، کارایی آن درخصوص پیشگیری عمومی بزهکاری، حذف (طرده)، ارعاب و اصلاح محکومان ثابت نشده است. لیکن زندان تنها یک رسالت پیشگیرانه محدود دارد، زیرا فرد زندانی را برای مدتی از جامعه دور می‌کند و در این مدت (به جز در صورت فرار از زندان یا ارتکاب جرایم در داخل زندان) امکان ارتکاب جرم برای وی وجود ندارد. در عوض، زندان ممکن است به دنبال پیامدهای روانی، جسمانی و اجتماعی آن بر روی زندانیان، به عنوان یک عمل جرم مورد توجه قرار گیرد. هدف از اصلاحات متعددی که در زمینه زندانها انجام شده، این بوده است که زندان به یک نهاد تربیتی - اصلاحی تبدیل گشته و پیامدهای جرم‌زای مجازات حبس خنثی شود، لیکن شرایط داخلی و خارجی زندان (دیوارهای بلند، پرسنل نظامی یا انتظامی زندان، مقررات سخت داخلی...) امکان تبدیل آن را به یک نهاد اصلاحی فراهم نمی‌کند. برای اینکه زندان به صورت یک محیط اصلاحی و تربیتی درآید، باید یک مؤسسه باز با پرسنل دوره‌دیده در زمینه‌های تربیتی و اجتماعی و دارای مقررات داخلی آزادمنشانه و انسانی و مبتنی بر اعتماد نسبت به محکومان زندانی باشد.

با توجه به تراکم جمعیت در زندانهای اغلب کشورها که عمدتاً ناشی از کمبود محل برای نگهداری محکومین جدید است، در این اواخر، در برخی کشورها (مانند آمریکا) راه‌کار ساخت و اداره زندانهای جدید به‌وسیله بخش خصوصی برگزیده شده است (خصوصی‌سازی زندانها).  
ر.ک.

Alternative punishments; Bentham; Clinical criminology; Contagion; Convict prison; Howard; Irish system; Lucas; Penology; Probation and similar measures; prisonization; Private prison; Scientific research; Treatment.

\* \* \*

Prisonization

فرهنگ زندان‌پذیری

(1a) Prisonisation

اصطلاح «فرهنگ زندان‌پذیری»، یعنی پذیرش فرهنگ خاص محیط زندان توسط

زندانیان، ساخته و پرداخته جرم‌شناس آمریکایی، دونالد کلیمر (D. Clemmer) است که آن را در سال ۱۹۴۰ مطرح نمود. این مفهوم، شاخص «تجربه اجتماعی» است که زندانیان در طول مدت اقامت در محل حبس کسب می‌کنند و شامل زندگی واقعی و برداشت خاصی از زمان، روابط، مکان، قواعد رفتاری، نقش‌ها، وظایف، زبان و... توسط فرد زندانی است. زندان، محیطی است که خرده‌فرهنگ خاص خود را به وجود می‌آورد. در این خصوص است که از نظام اجتماعی زندان و مدل ارزشهای زیرزمینی (مخفی) بومی و محلی... سخن به میان آورده شده است. هانس توج (Hans Toch) و کنت آدامز (Kenneth Adams)، جرم‌شناسان آمریکایی، با مطالعه بیش از ۱۰/۰۰۰ زندانی در سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹، موفق به تعیین چهار نوع شیوه سازگاری و انطباق با زندان، برحسب مدت اقامت فرد زندانی شده و پی بردند که مسائل مربوط به سازگاری، به تدریج و با گذشت زمان، کاهش می‌یابد (به‌استثناء مواردی که در آنها، مسائل الضیاعی یا اختلالات روانی توأم می‌شود): همجنس‌گرایی یکی از آن شیوه‌ها است.

ر.ک.

Contagion; Convict prison; Labelling theory; Prison; Social reaction  
criminology; Sub-culture.

\* \* \*

## Private prison

## زندان خصوصی

### (la) Prison privée

انگیزه عمده پارامی از دولت‌ها که باعث طرح موضوع زندانهای خصوصی شد، صرفاً «مالی» بود. مشهورترین تجربه زندان خصوصی، تجربه مزرعه کیفری بخش هامپلتون (Hamilton County farm) از سال ۱۹۸۴ است که به وسیله اتحادیه آمریکایی اصلاح و تأدیب (Corrections Corporation of America) اداره می‌شود. مطالعات مقایسه‌ای هزینه‌ها، میان زندانهای رسمی (دولتی) و زندانهای غیررسمی (خصوصی) غالباً فاقد ارزش علمی است، زیرا این مطالعات «هزینه‌های مخفی» را که به طور متوسط بالغ بر حدود ۱۳/۵٪ می‌گردد و براساس مطالعاتی که درخصوص ۴۲ ایالت از ایالت‌های آمریکا انجام شده، این رقم

به ۲۲٪ هم می‌رسد، در نظر نمی‌گیرند. پدیده‌ی است که مشکل عمده، در روش مطالعه است. «هزینه‌های مخفی» شامل مالیات‌های مختلف، مخارج اجتماعی، هزینه‌های مربوط به برنامه‌های آموزشی، کارشناسان، بیمه حمل و نقل، تغذیه، حقوق پرسنل مأمور و... می‌شود. مطالعه مقایسه‌ای، زمانی معتبر است که کلیه این عناصر و نیز کیفیت زندگی و کارایی برنامه‌ی بازپروری اجتماعی، که از آن ناشی می‌شود، در هنگام انجام مقایسه، لحاظ شود. در کنار این ابعاد، عناصر پویای دیگری نیز ایفای نقش می‌کنند: مقایسه در مقابل بازگرداندن محکوم به جامعه، حال آنکه محکوم، نقش یک سپر بلا (بلاگردان) دائمی را ایفاء می‌کند؛ ترس از بازگشت این فرد رانده شده که با حضور مجدد خود در جامعه، مجرمیت پنهان شهروندان غیرزندانی (رقم سیاه بزهکاری) را آشکار سازد.

Prison.

ر.ک.



## Probation and similar measures

## پروبیشن و اقدامات مشابه

### (la) Probation et les mesures analogues

نظام «پروبیشن» ناشی از تجربه‌نگری انگلوساکسون است. این نظام که ابتداء در سال ۱۸۴۱ به ابتکار کفاشی به نام جان اگوستوس (Augustus) در بوستون (امریکا)، و سپس به ابتکار قاضی هیل (M.L. Hill)، در بیرمنگام (انگلستان) ایجاد شد، شامل تعلیق صدور یا اجرای حکم محکومیت متهم و قرار دادن وی تحت مراقبت در طی یک مدت آزمایشی می‌شود. در پایان این مدت، چنانچه مجرم از خود حسن رفتار نشان داده باشد، حکم محکومیت وی دیگر صادر نخواهد شد و یا اجرای آن منتفی می‌شود؛ برعکس، ارتکاب هرگونه جرم یا عمل خلافی در این مدت، موجب صدور حکم محکومیت موقوفه بزهکار و یا اجرای حکم صادره قبلی می‌گردد. کارایی این نظام، منوط است به سازمان‌دهی ادارهای که مسؤول امور پروبیشن باشد.

برخی عوامل روانی بر رابطه و تماس میان مأمور پروبیشن و فرد مجرم و محکومی که تحت آزمایش و مراقبت قرار گرفته است، حکومت می‌کند. این عوامل به‌وسیله اصول روانکاوی، به‌ویژه در قالب مفهوم انتقال و سرایت مثبت یا منفی که این رابطه و تماس

شخصی را تحت‌الشماع خود قرار می‌دهد و نیز به‌وسیله ویژگی‌های شخصی مأمور پروبیشن روشن و مشخص شده‌اند. کار برنامه درمان شخصی زمانی آغاز می‌شود که وضعیت و نوع درمان و اصلاح مشخص شده باشد، که این کار غالباً چند ماه طول می‌کشد. لیکن زمانی که این وضعیت مشخص گردید، مجرم در امر درمان همکاری خواهد کرد و سعی بر همانند ساختن خود با مأمور پروبیشن خواهد نمود. مأمور پروبیشن، از این رویه مجرم، به منظور تشویق وی به تغییر رفتار و کردارش استفاده می‌نماید و سپس باید فاصله زمانی بین هر بار تماس و رابطه با مجرم را بیشتر کند تا بتواند نحوه تحقق سازگاری مجدد او را ارزیابی نماید. مدت چنین درمانی ممکن است برحسب مورد، در محدوده زمانی حداکثر پنج سال در نوسان باشد. به علاوه، در طول درمان یا بعد از آن، می‌توان کمک‌های خانوادگی و اجتماعی به مجرم ارائه داد. در ایجاد تعلیق ساده و تعلیق توأم با مراقبت و آزمایش، از پروبیشن لهما گرفته شده است، لیکن این دو اقدام یعنی تعلیق ساده و تعلیق توأم با آزمایش، موفق به تقلیل تعداد حبس‌های کوتاه‌مدت نشده‌اند.

یافتن جایگزین‌هایی برای زندان کوتاه‌مدت، یک ضرورت محسوب می‌شود (با توجه به جرم‌زنبایی زندان به طور کلی و حبس کوتاه‌مدت به ویژه): خدمات عمومی (عام‌المنفعه) یا انجام کار توسط مجرم به نفع جامعه، به قضات انگلیسی این امکان را می‌دهد که انجام کارهای اجتماعی و عمومی بدون دستمزد را نسبت به مجرمین اعمال کنند. فرانسه نهاد مشابهی را در سال ۱۹۸۲ وارد نظام کیفری خود نمود که عبارتست از انجام کار عام‌المنفعه از سوی مجرم. این کار به نفع یک نهاد یا مؤسسه عمومی (دولتی)، یا انجمن یا مؤسسه خصوصی انجام می‌شود. مدت آن بین چهل و دو ساعت و چهل ساعت در طول هجده ماه و برای صغار بین بیست تا یکصد و بیست ساعت در طول یک سال است.

انواع رژیم‌های نیمه‌آزادی (حبس نیمه‌وقت) نیز به عنوان جانشین حبس کوتاه‌مدت وجود دارد؛ مثلاً کار در کارگاه‌های خارج از زندان و رژیم نیمه‌آزادی برای اجرای کیفر سالب آزادی (در فرانسه)؛ انجام کارهای تأدیبی بدون سلب آزادی (در شوروی سابق)، تیمه‌بازداشت و توقیف‌های پایان هفته‌ای (در بلژیک) و حبس پایان هفته‌ای (در آلمان). روش آزادی مشروط (با نظام پیروی در ایالات متحده آمریکا) نزدیک به روش پروبیشن با تعلیق توأم با آزمایش است (در حقوق فرانسه، تعلیق توأم با آزمایش، و آزادی مشروط در صلاحیت قاضی مسؤول اعمال و اجرای مجازات‌ها است). بدین ترتیب، با گذشت زمان، سازمان‌دهی امر اصلاح مجرم در محیط باز (جامعه) شکل گرفته است.

ر.ک.

Alternative punishments; Criminal policy; Penology; Prison;  
Psychoanalytic criminology; Scientific research; Treatment.



### Professionalism (criminal)

### حرفه‌ای‌گری مجرمانه

### (le) Professionnalisme criminel

تحقیقات جرم‌شناختی وسیع و جدی در مورد پدیده «جرم حرفه‌ای» یا «پیشه مجرمانه»، در سال ۱۹۲۷ توسط ادوین ساترلند، جرم‌شناس آمریکایی، آغاز شد. وی در مطالعات خود نشان داد که فعالیتهای بخش کوچکی از افراد جامعه که مرتکب جرایم علیه اموال - عمدتاً سرقت شبانه، سرقت مقرون به عتف، سرقت ساده یا کلاهبرداری - می‌شوند رامی توان به عنوان اشتغال به یک کار حرفه‌ای، با روشها، قواعد و ارزشهای خاص خود آن کار تلقی کرد. او تعدادی عوامل را مشخص کرد که موجب تمایز سارق «حرفه‌ای» از سارق «آماتور» شده و به گروه نخست کمک می‌نماید تا زندگی مطمئنی را از راه سرقت تأمین نموده، از دستگیری، محکومیت و محبوس شدن مکرر سارق پیشگیری کند. این عوامل عمدتاً عبارت بودند از تخصص، مهارت، زیرکی، و حمایت و شناسایی توسط مجرمین حرفه‌ای دیگر.

دهیافت ساترلند در چند بررسی تشریحی دیگر، به ویژه در تحقیق مائر (Maurer) در سال ۱۹۶۴ پیرامون جیب‌برهای حرفه‌ای، مطالعه آینستاتر (Finstadler) در سال ۱۹۶۹ در مورد سارقین مسلح و... مورد مقایسه و یا مورد الهام قرار گرفت. با این وجود، برخی جرم‌شناسان امروزی، اصطلاح «حرفه‌ای» را نامفهوم و بی‌فایده دانسته و گفته‌اند که استفاده از این تعبیر باید به کلی کنار گذاشته شود. دونالد کریسی (D.R. Cressey) جرم‌شناس آمریکایی و شاگرد و همکار ساترلند، که مدعی است سارق موردفخر ساترلند، نسلی رو به انقراض است، کاربرد یکسان اصطلاح مزبور را «در مورد تقریباً تمامی مجرمینی که به اعتقاد پلیس، دارای سطح هوشی بالاتری از افراد سبک‌امز هستند» مورد انتقاد قرار می‌دهد. به عقیده او باید توجه خود را کمتر به سوی کیفیات فردی و بیشتر به سمت ماهیت و سطح سازماندهی گروه‌های جنایی معطوف نماییم.

از این نظر، جان ماک (John Mack)، جرم‌شناس اسکاتلندی نیز از عقیده وی حمایت کرده و اهمیت «عوامل زمینه‌ساز» - تأمین کنندگان امکانات، مال‌خرها، سازمان دهندگان و شوقین - را که بدون وجود آنان تعدد بسیار اندکی از سارقین «خط مقدم» به موفقیت خواهند رسید - مورد تأکید قرار می‌دهد. ماک همچنین به مغالطه دیگری اشاره می‌نماید که در نمایش همیشگی بین جرایم «حرفه‌ای» و «سازمان یافته» (نوع «مافیایی») به چشم می‌خورد.

اعتبار یک رویکرد «سازمان‌مدار» با استفاده از مطالب تاریخی نشان داده شده است. ولی میزان شواهد توصیفی جدید در ارتباط با جرایم سازمان یافته، به نحو تعجب‌آوری نادر و اندک، ولی روشن و شناخته شده می‌باشد. یکی از پژوهشگران، جرم سرقت را در چارچوب نظریه حرفه‌ای و با استفاده از مصاحبه‌هایی که با مجرمین انجام داده تحلیل کرده و برخی دیگر، دنیای سارقین «خوب» یا «سطح بالا»ی منازل را به طور خلاصه مطالعه کرده‌اند. با این حال، مشکلات ناشی از رخنه به یک حوزه مرموز و پنهان که در آن، غالب شواهد و مدارک، عبارت از شایعانی است که از زبان خیردهندگان حوادث جنایی و مأموران پلیس شنیده می‌شود، گروه عمده پژوهشگران را از پرداختن به این شاخه مهم جرم‌شناسی بازداشته است.

Criminal career; Organized crimes; Sutherland. ر.ک.

\* \* \*

## جرم‌شناسی روانکاوانه

## Psychoanalytic criminology

### (la) Criminologie psychanalytique

جرم‌شناسی روانکاوانه یا روان تحلیل‌گرا نه سعی نموده است تا بزهکار را با بیمار روانی مقایسه کند، لیکن هرگز ادعا نکرده است که همه بزهکاران، بیمار روانی‌اند. به اعتبار این شاخه از جرم‌شناسی، در کنار بزهکاران عادی و ارگانیک، مجرمین روانی‌ای وجود دارند که دچار احساس تنصیر و مجرمیت همراه با اضطراب و سرزنش خویش هستند. این فیبیل بزهکاران، مجازات را به مانند یک توجیه اخلاقی و یک مجوز برای تکرار جرم تلقی می‌کنند. بین دو جنگ اول و دوم جهانی، آیشهورن (Aichhorn) در اتریش و هیللی (Healy) و برنر (Bronner) در ایالات متحده آمریکا، بیمار روانی در تعارض یا خود را در مقابل بزهکار در تعارض با جامعه قرار دادند



که کوشش‌های او برای والایش و جبران، منجر به یک سازگاری ناموفق می‌گردد. یکی از دست‌آوردهای مهم جرم‌شناسی روانکاوانه، مفهوم «شخصیت روان دردمند و جامعه‌ستیز» است. افرادی که دارای چنین شخصیتی هستند، داوای حالت و گرایش جنسی و حالت عاطفی و هیجان‌پذیری آسیب‌شناختی و تمایلات غیراخلاقی هستند و اصل انتذاذ فوری را در پیش گرفته، سعی می‌کنند تعارضه‌های خود را از طریق قزاقکنی حل کنند.

از نظر اصلاح و درمان، اصول مذاوای روانکاوانه در قلمرو پروبیشن (تعلیق مجازات توأم با مراقبت از بزهکار) و نیز در روان‌درمانی فردی یا گروهی که گهگاه در زندانها به اجرا گذاشته می‌شود به کار برده شده است.

و.ک.

Adler; Criminal personality; Culpability; Freud; Perversion, Probation; Treatment.



Quételet (Adolphe)

(1796-1847)

کتله (آدولف)

(۱۸۴۷ - ۱۷۹۶)

آدولف کتله، ریاضی‌دان و آماردان بلژیکی است. انتشار نخستین دوره آمارهای جنایی فرانسه که سالهای ۱۸۲۶ تا ۱۸۳۰ را دربرمی‌گرفت، نظر وی را به خود جلب کرد و بدین ترتیب بود که مطالعه آنها را آغاز نمود. کتله، نتایج این مطالعه آماری را در کتاب خود، «فیزیک اجتماعی» در بروکسل (۱۸۵۲) به چاپ رسانید.

آورده کتله در قلمرو جرم‌شناسی، ابتدا در «قانون استمرار و تلاوم جرم» ملاحظه می‌شود: بدین مضمون که «همواره تعداد معینی از جرایم مستمراً [در یک جامعه معین] ارتکاب می‌یابد، به صورتی که نادیده گرفتن آن غیرممکن است». وی سپس «قانون حرارتی بزهکاری» را تموین کرد که به موجب آن جرایم علیه اشخاص در مناطق جنوبی و در طول فصلهای گرم زیادتر است، حال آنکه جرایم علیه اموال در مناطق شمالی و در طول فصلهای سرد بیشتر است. و بالاخره وی اعلام کرد که «میان جرایم کشف و محاکمه شده و کل جرایم ارتكابی کشف نشده، رابطه تقریباً نامتغیر و ثابتی [در طول زمان] وجود دارد».

کتله، به اتفاق‌گیری فرانسوی که مشاهده‌اش - آنطور که در اثر وی، «جستاری درباره آثار اخلاقی در فرانسه» آمده است - با ملاحظاتی کتله مشابه می‌نماید، مکتب جغرافیایی چثایی را بنا نهادند که بین سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۸۰ دوران شکوفایی خود را طی کرد.

Criminal sociology; Criminal statistics.

ر.ک.

\*\*\*

## جرم‌شناسی رادیکال

### Radical criminology

#### (la) Criminologie radicale

جرم‌شناسی رادیکال یا جرم‌شناسی جدید که در سالهای ۱۹۷۰ به «جرم‌شناسی انتقادی» نیز مشهور بود مبتنی بر این اندیشه است که در یک رژیم سرمایه‌داری، جامعه فراصنعتی از خود بیگانه‌کننده و ناعادلانه است. این شاخه از جرم‌شناسی معتقد است که جرم، از خودکامگی دولتها ناشی می‌گردد و مکانیزم «برچسب‌زنی» پلیسی و قضایی نسبت به افراد، به ضرور طبقات زحمتکش عمل می‌کند. نظام‌پختی به آموزه جرم‌شناسی رادیکال به‌وسیله تایلور، والتون و یانگ، نمایندگان مکتب مارکسیستی جرم‌شناسی، مشهور به جرم‌شناسی رادیکال، صورت گرفته است. این نویسندگان معتقدند که جرم‌شناسی باید در جهت لغو نابرابری‌های ناشی از توزیع ثروت و قدرت در میان اعضاء جامعه گام بردارد.

طرفداران جرم‌شناسی رادیکال معتقدند که بزهکاران - یعنی افرادی که مسؤول همه بدیها و مشکلات جامعه تلقی می‌شوند - نباید تحت اقدامهای درمانی - اصلاحی قرار گیرند، زیرا آنان، بیمار، ناسازگار و منحرف نیستند، بلکه قربانی غربالگری و گزینش پلیس، دستگاه قضایی و به طور کلی عوامل کنترل جرم می‌باشند. بنابراین، یک سیاست جرم‌زدایی وسیع و سیاست عدم مداخله نظام عدالت کیفری در همه زمینه‌ها، امری ضروری است. فقط اعمال واقعاً شدید باید به عنوان جرایم قابل مجازات باقی بمانند و در این موارد، مجازاتهای ثابت و غیرقابل تغییر که بی‌چون و چرا به اجرا درخواهد آمد، توصیه می‌شود. عدالت کیفری در قلمرو اطفال بزهکار باید از این دو سیاست پیروی کند (نظریه منع مداخله نظام کیفری).

بدین‌سان، جرم‌شناسی رادیکال بیشتر یک ایدئولوژی است تا یک علم. آورده مثبت آن، توجهی است که در عده‌ای از پژوهشگران نسبت به مطالعه قانون مجازات، تعریف جرم و

چگونگی وضع مقررات کیفری و جرم‌انگاری به وجود آمده است، لیکن به جنبه‌های عمده تاریخی جرم‌شناسی و جرم‌شناسی بالینی توجهی نکرده است.  
ر.ک.

Clinical criminology; Criminal laws; Criminal policy; Criminogenic society; Criminology; Decriminalisation; Deviance; Interactionist criminology; Juvenile delinquency; Marxism; Social reaction; Treatment; Penal sociology.

\* \* \*

Radzinowicz (Sir Leon)

رادزینویچ (سرلئون)

(1906-)

رادزینویچ، جرم‌شناس لهستانی تباری بود که از سال ۱۹۴۶ در انگلستان سکونت داشته و از نظر مرتبه علمی، بیشترین نقش را در ابداع جرم‌شناسی علمی در انگلستان داشت. وی در سال ۱۹۴۶ به سمت معاون تحقیقاتی دانشگاه کمبریج منصوب شد و در سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۶، مدیر بخش علوم جنایی آن دانشگاه بود. در سال ۱۹۵۹، به عنوان نخستین استاد ممتاز جرم‌شناسی معرفی گردید و در ۱۹۶۰ نخستین مدیر مؤسسه جرم‌شناسی دانشگاه کمبریج شد. به علاوه، در سال ۱۹۶۲ نیز به سمت اولین رئیس شورای جرم‌شناسی شورای اروپا منصوب گردید. او علاوه بر اینکه، نویسنده‌ای پرکار و سخت‌کوش بود، دارای سمتهای رایزی و مشاورتی متعددی نیز در سطح نهادهای دولتی و جامعه‌ی بود. عمده‌ترین کتابهای منتشر شده وی عبارتند از: تاریخ حقوق کیفری انگلستان (۴ جلد، ۱۹۴۸-۱۹۶۸)، در جستجوی (به دنبال) جرم‌شناسی (۱۹۶۱)، نیاز به جرم‌شناسی (۱۹۶۵)، ایدئولوژی و جرم (۱۹۶۶)، جرم و عدالت (تألیف مشترک به همراه ام‌ای. رافگانگ، ۲ جلد، ۱۹۷۱). رادزینویچ همچنین نویسنده و همکار در تألیف پنجاه جلد از مجموعه پژوهشهای جرم‌شناختی در کمبریج انگلستان بوده است.

\* \* \*

## تجاوز جنسی

## Rape

## (le) Viol

تجاوز جنسی، روی هم‌رفته در مقیاس کمی مطالعه شده است. در سالهای اخیر، جنبش دفاع از حقوق زن (فمینیست‌ها) فعالیت‌های وسیعی را به منظور تأکید بر تقبیح این پدیده مجرمانه، حساس کردن افکار عمومی و نیز تشویق زنان قربانی تجاوز جنسی به افشاء و اعلام شکایت نزد مقام‌های صالح، آغاز کرده‌اند. برنار بیون (Bernard Billon)، روانپزشک فرانسوی، در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ تعداد ۱۲۰ زندانی محکوم در رابطه با تجاوز جنسی را مطالعه کرد؛ این محکومین ادعا داشتند که محرک بیش یا کم آگاهانه‌ای در اساس عمل تجاوز جنسی آنها وجود داشته است. بیون در عمل، این موضوع را احراز کرده که قبل از به فعل درآوردن اندیشه، طرح و نقشه تجاوز جنسی همراه با احساس شهوانی غیرعادی در مرتکب وجود داشته است. وی تجاوز جنسی فردی را از تجاوز جنسی گروهی یا جمعی تفکیک کرد.

تجاوز جنسی فردی، قبل از هر چیز، یک تهاجم و حمله غالباً تکراری، از پیش آماده شده و گهگاه توأم با استار چهره است که هم در شب اتفاق می‌افتد و هم در روز. این نوع تجاوز جنسی همراه با واکنش‌های عصبی غیرارادی در مرتکب و بدون تبادل حرف یا بره‌دیده است و در مجرم، احساس شرم به وجود می‌آورد؛ در این صورت، مجرم سعی می‌کند از طریق انکار و بی‌توجهی و فراموش‌نمایی خود را آسوده سازد. مرتکبین تجاوز جنسی فردی، به نوعی یا منقاد به الکل بوده و یا دارای مسائل عصبی‌اند و در تعداد زیادی از آنان اختلالات مغزی و صرع دوران طفولیت وجود دارد.

در تجاوز جنسی گروهی یا جمعی، تجاوز انتقام‌جویانه و تحقیرکننده را از تجاوز به عادت، به صورت بانندی تفکیک کرده‌اند. از طریق یاند و دسته، شخصیت‌زدایی واقعی (dépersonnalisation) فرد مرتکب تجاوز جنسی اتفاق می‌افتد، بدین معنی که فرد خود را در قالب شخصیت همیشگی خود تنقی نمی‌کند.

به موجب آمارهایی در ارتباط با تجاوزات جنسی در کشورهای غربی، ویژگی‌های زیر نیز در اینگونه جرایم مشاهده شده است:

۱) سن مرتکب: حدود ۵۰ درصد مرتکبین تجاوز جنسی، کمتر از ۱۷ سال، ۴۰ درصد بین ۱۷ تا ۲۰ سال و ۵۰ درصد آنان نیز بیش از ۲۱ سال سن دارند؛ البته تعداد مرتکبین بالاتر از ۴۰ ساله بسیار اندک است.

۲) تجاوزهای فردی و گروهی: ۴۰ درصد کل محکومیتها در ارتباط با تجاوزهای جنسی جمعی، ولی کمتر از یک پنجم بزه‌دیدگان، قربانی اینگونه تجاوزها بوده‌اند.

۳) ارتباط مرتکب و بزه‌دیده: ۵۰ درصد متجاوزان جنسی، هیچگونه نسبت و یا آشنایی‌ای با قربانی تجاوز نداشته، ۲۷ درصد آنها دارای آشنایی سببی بوده و ۲۳ درصد نیز مرتکب را کاملاً می‌شناختند.

ر.ک.

Alcoholism; Endocrinology; Hereditary and personal backgrounds;  
Instincts; Perversion; Treatment.

\* \* \*

## Recidivism

## تکرار جرم

(le) Récidivisme

مفهوم تکرار جرم، پدیده‌های متعددی را بیان می‌کند: تکرار جرم طبیعی، یعنی ارتکاب مکرر جرم که به دور از هرگونه مداخله مراجع صلاحیتدار و محکومیت کیفری صورت می‌گیرد؛ تکرار جرم اجتماعی، که مستلزم وجود محکومیت قبلی برای مجرم است؛ تکرار جرم قانونی، که شامل تکرار جرم عام و تکرار جرم خاص (به موجب قانون مجازات) می‌شود؛ تکرار جرم حبسی (مبتنی بر محکومیت قبلی به حبس)، که مستلزم اقامت قبلی مجرم در زندان است؛ و بالاخره تکرار جرم مقاوم و مداوم، که شامل تکرار جرم به کرات (بزهکاران مؤمن یا به عادت) می‌شود.

نکته مهم این است که بیشترین تعداد بزهکاران تکرار کننده، در طول سالهای اولیه پس از نخستین محکومیت کیفری، مرتکب جرم جدید می‌شوند. مدل شخصیت مجرمانه از نظر بالینی، نسبت به انواع بزهکاران تکرار کننده قابل اعمال نیست. این مدل، بزهکاران تکرار کننده‌ای را که قبل از هرچیز، ناسازگار اجتماعی به شمار می‌روند و رفتارشان، یک نوع واکنش دفاعی علیه وضعیتهای ناشی از اوضاع و احوال اقتصادی و فرهنگی نامساعد است، و نیز بزهکاران تکرار کننده را که مبتلا به اختلالهای روانی خاصی هستند، شامل نمی‌شود، بلکه سایر بزهکاران تکرار کننده را شامل می‌شود.

شکل‌گیری شخصیت مجرمانه آن دسته از بزهکارانی که مکرراً مرتکب جرم می‌شوند

(مجرمان به عادت)، در چارچوب یک فرآیند طولانی صورت می‌گیرد که ساترلند، جامعه‌شناس آمریکایی، آن را تحت عنوان بالیدگی یا پختگی مجرمانه توصیف کرده است. این فرآیند به طور زودرس آغاز می‌شود؛ ۱۵٪ از اطفال بزهدکار، به بزرگسالان تکرار کننده مکرر جرم تبدیل می‌شوند.

سیاست جنایی در قبال تکرار جرم در سه مسیر، متحول شده است: تقویت و تشدید سوکوبی (مجازات)؛ طرد و حذف مجرمین از طریق انتقال آنها به مناطق دوردست؛ پیشگیری از تکرار جرم، از طریق اصلاح مجرم اولیه (بازیوری زودرس و در سنین پایین). اعمال این سیاست جنایی سه گانه موجب کاهش تکرار جرم نشده است. بنابراین دو راه کار جدید پیشنهاد گردیده است: تشخیص و درمان بزهدکاران بالقوه قبل از بلوغ، به صورت زودرس؛ و تشخیص و درمان بزهدکاران بالفعل (به صورت زودرس) - که به طور بالقوه، بزهدکار بزرگسال تکرار کننده در آینده محسوب می‌شوند - از طریق ایجاد نهادها و مؤسسات تخصصی برای اطفال بزهدکار.

ر.ک.

Acting out; Cohorts, Criminal career; Criminal personality; Criminal policy; Criminal professionalism; Criminal prophylaxis; Dangerousness; Juvenile delinquency; precriminal situations; Treatment.



## Reformation

## اصلاح

### (I') Amendement

معنا و مفهوم اصلی اصلاح، بهبودی وضعیت فرد است. برای نیل به این هدف، مدارس تربیتی و کانونهای اصلاح و تربیت ایجاد شده و یکی از اهداف ضمنی زندانی نیز اصلاح زندانیان است. مفهوم مزبور در ارتباط با تربیت افراد، شامل مقروض نائستن این امر است که چیز «اشتیاد» یا «بندی» در مجرم بوده که تحت تربیتی توأم با نظم و قاعده صحیح، قابل اصلاح، دگرگونی و با شکل دهی مجدد است و همراه با رفتار بهبود یافته‌ای که در نهاد مربوطه آموخته شده، فرد در آینده دیگر دست به ارتکاب جرم نخواهد زد. تلاش برای اصلاح افراد در نهادهای زندان معمولاً با به تنهایی از طریق تعلیمات مذهبی - اخلاقی و یا به وسیله یک «رژیم اصلاحی» شامل تمرین، کار، بهداشت، نظم و انضباط، تعلیم و تربیت و

آموزش‌های اخلاقی صورت گرفته است.

اصلاح و تربیت، در عمل و با توجه به فید و بندهای سازمانی و منابع مادی محدود زندان‌ها، تعارض میان نظام‌های اخلاقی (هنگامی که فردی مواجه با دوره‌های تربیتی اجباری‌ای می‌شود که از نظر فرد دیگر دارای نیت و مفهوم خیری است)، و با در نظر گرفتن مسائل اخلاقی مربوط به تغییر مؤثر در رفتار که برای صوفییت امر اصلاح، ممکن است ضروری باشد، به صورت یک هدف بسیار باارزش و رؤیایی درمی‌آید. انتخاب معتدل‌تر، محدودتر و توأم با بلندپروازی کمتر، و نئی به لحاظ اخلاقی، قابل قبول‌تری که می‌توان صورت داد، بازپروری است. اصلاح خودانگیخته (و نه به صورت ثابت و توأم با پیش‌زمینه اجتماعی) در میان مجرمان، در صورت تحقق، نتیجه افزایش سن و یا دگرگونی‌های آنی در اوضاع و احوال شخصی (مثل محرومیت) است.<sup>۵۴</sup>

ر.ک.

Behaviour modification; Maturity; Prison; Rehabilitation; Treatment.



## Rehabilitation

## بازپروری

### (la) Réhabilitation

بازپروری مجرمین به عنوان یکی از اهداف مجازات، همانطور که توسط آلن (F.A. Allen) در سال ۱۹۵۹ تعریف شده، مبتنی بر این فرض است که رفتار، محصول علت‌های سابق است که قابل کشف‌اند؛ اطلاع از چنین علت‌هایی، کنترل علمی رفتار را میسر می‌سازد. تدبیر مورد استفاده در تربیت مجرمین که مبتنی بر این اطلاعات باشد، باید در خدمت یک وظیفه درمانی قرار گیرد. با درک این مسأله که جرم‌شناسی تحقیقی، دانش موردنیاز را ارائه نمی‌کند و به ویژه با بررسی نتایج مصالحت‌سنجشی نظام کیفری که منجر به این نتیجه گردید که تلاش‌های معمول در جهت بازپروری محکومان تاکنون اثر ملموسی بر تکرار جرم نداشته است، مخالفت یا عملی بودن روش بازپروری، بروز نموده است.

Behaviour Modification; Reformation; Treatment.

ر.ک.



۵۲. در مورد اصلاح برهمکار در حقوق ایران ر.ک. بند ۱۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و مواد ۲۴، ۳۹، ۴۰،

۸۰ و ۱۱۴ تا ۱۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری.

## سزادهی

## Retribution

## (la) Rétribution

سزادهی، یکی از فلسفه‌های مجازات است که در آن، تأکید اصلی به جای آنکه بر مجرم، اوضاع و احوال شخصی و یا فشارهایی باشد که وی برای ارتکاب جرم با آنها روبرو بوده، بر عمل مجرمانه فرز می‌گیرد. چنانچه عمل مجرمانه‌ای ارتکاب یابد، بزهدکار به وسیله جزا و سزای رنج‌آوری که حداقل مساوی یا رنج و عذابی باشد که با ارتکاب جرم ایجاد شده، به مجازات می‌رسد تا عدم تعادلی را که به وسیله جرم پدید آمده است جبران کرده، هم خود مجرم از ارتکاب مجدد عمل مشابه بازداشته شود و هم دیگرانی که ممکن است درصدد ارتکاب اینگونه اعمال باشند. این نوع تنفام‌گیری توسط جامعه، با آنکه رسماً به وسیله فلسفه فایده‌گرایی یا اصالت نفع موردنظر زرمی بنام مدون گردیده، لیکن در طول تاریخ، از قانون قصاص مندرج در کتاب عهد عتیق (یهودیان) به این سو، مورد عمل بوده و به عنوان توجیهی برای مجازات اعدام، کار اجباری، مجازات بدنی، حبس با اعمال شاقه و... محسوب گردیده است. سزادهی در قالب مجازات هنوز یکی از پایه‌های تصمیم‌ها و احکام محکومیت‌گیری را تشکیل می‌دهد.

ر.ک.

Beccaria; Bentham; Criminal policy; Criminology; Deterrence; Penal philosophy; Penology.



## علوم محاکمه کیفری

## Science of criminal trial

## (les) Sciences du procès pénal

مطالعه وقایع و اعمال مربوط به این دادرسی کیفری، شامل رشته‌های مطالعاتی متعددی می‌شود که می‌توان از آنها تحت عنوان «علوم محاکمه کیفری» یاد کرد. توسعه این علوم از سال ۱۸۹۷ آغاز گردید، در نیمه اول سده بیستم ادامه یافت و با مکتب اتریشی جرم‌شناسی (هانس، گروس، سیلیگ، گراسبرگر) به اوج خود رسید.



پزشکی قانونی، مجموعه علوم پزشکی است که برای دستگاه عدالت کیفری در زمینه اطلاعات راجع به جسم و اندام انسان و نیز زندگی روانی او ضروری است. روانپزشکی قانونی از نظر قضایی و روانپزشکی جنایی، شاخه و ادامه پزشکی قانونی محسوب می‌شود. جرم‌یابی یا پنیس علمی، به مطالعه نشانه‌ها و علائم مادی و ردیابی آنها به کمک روشهای فیزیکی و شیمی می‌پردازد. روانشناسی شامل کلیه شناختهای روانشناختی است که امکان تبیین و روشن کردن جریان تحول و مسیر یک محاکمه را فراهم می‌آورد. روانشناسی قضایی، رشته مطالعاتی نسبتاً قدیمی است که توضیحات مهمی را در زمینه شهادت و شهود ارائه می‌دهد. لیکن، این رشته امروزه به سمت روانشناسی قانونی که مبتنی بر کار کارشناسی و بررسی روانشناختی متهم است متحول شده است.

به این علوم سنتی مربوط به محاکمه کیفری، امروزه باید جامعه‌شناسی قضایی را افزود که در قلمرو جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و جامعه‌شناسی کیفری متحول شده و گسترش یافته است. لیکن برخلاف رشته‌های سنتی علوم محاکمه کیفری، جامعه‌شناسی قضایی عمدتاً یک علم کاربردی نیست بلکه مطالعات خود را پیرامون نظام عدالت کیفری، از جمله با توسل به آمارهای جنایی به منظور توصیف واقعیت قضایی متمرکز می‌کند. جرم‌شناسی بالینی که کوشش می‌کند تا تأثیر نهادهای مختلف آیین دادرسی کیفری را بر شکل‌گیری شخصیت مجرمانه روشن نماید، بیشتر به روانشناسی و جامعه‌شناسی قضایی و نیز روانپزشکی قانونی توجه دارد. به علاوه، جرم‌شناسی بالینی با پزشکی قانونی به معنای خاص آن و نیز با پلیس علمی، روابطی دارد که در چارچوب تبادل اطلاعات علمی قرار می‌گیرد.

ر.ک.

Administration of criminal justice; Criminal policy; Criminalistics;  
Medico-psycho-social examination.



Scientific research

پژوهش علمی

(la) Recherche scientifique

در پژوهشگری در تحقیقات خود، نخست به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها می‌پردازد

(مثل تلاش‌های انسان‌شناسانه لمبروزو مبنی بر اندازه‌گیری اندام‌های مجرمین، و تهیه شرح حال و زندگی بزه‌کاران توسط دوگرف)؛ سپس دانش مکتسب خود را در قالب ساختار ارائه می‌کند (مثل تیپ مجرمانه (مجرم مادرزاد)، فرآیندهای جرم‌زا)؛ و بالاخره یک نظام علمی کامل (یعنی نطفه‌شناسی جرم، غرایز دفاعی و غرایز همدلی و همدردی و وظایف و نقش‌های فسادناپذیر) را تعریف می‌کند.

برای اینکه جرم از نظر جرم‌شناسی قابل مطالعه شود، باید دارای سه شرط باشد: ۱) شرط تاریخی، یعنی همواره در طول تاریخ به عنوان جرم تلقی شده باشد؛ ۲) شرط روانی - جامعه‌شناسی، یعنی امروزه نیز گروه‌های اجتماعی مختلف آن را جرم تلقی کنند و ۳) شرط بالینی، یعنی بزه‌کار، آن را به عنوان یک جرم مرتکب شده باشد.

مبانی تحقیقات در قلمرو جرم‌شناسی، بیش از پیش ذهن و فکر پژوهشگران را به خود مشغول می‌کند. تردیدهایی که در پژوهش‌های جرم‌شناختی وجود دارد ناشی از چند بُعدی و چند مبنایی بودن روش‌های مطالعاتی آن است. این پژوهش‌ها امروزه درباره دو محور انجام می‌شود: محور بالینی و محور جامعه‌شناختی. برقراری ارتباط بین این دو محور به دشواری صورت می‌گیرد. علاوه بر تردیدهای ناشی از چندبُعدی بودن تحقیقات در قلمرو جرم‌شناسی، مسأله تحوّل فنون ریاضی کاربردی نیز در این تحقیقات مطرح می‌شود. کاربرد آمارهای مربوط به بزهکاری در تحقیقات جرم‌شناختی رو به کاهش است. در عوض، کاربرد نکتیک‌های ریاضی در مطالعه مجرم (مثل استفاده از گروه‌های شاهد) و جرم (مثل مطالعات همگروهان) رو به توسعه است.

بررسی مسیرهای مطالعات علمی در قلمرو جرم‌شناسی نشان می‌دهد که در مورد مبانی آن گماکان مشکلاتی وجود دارد: از یک سو، تحقیقات جرم‌شناختی مبتنی بر علت‌شناسی و پویایی‌های رو به کاهش است، حال آنکه این تحقیقات امروزه بیشتر پیرامون نهاد‌های عدالت کیفری انجام می‌شود. از سوی دیگر، به دنبال تحقیقات سنجشی که تعداد آنها در سال‌های اخیر رو به افزایش است، شاهد ظهور تحقیقات جرم‌شناختی از نوع بالینی آن هستیم. تحقیقات سنجشی نشان داد که گروه‌های متجانس بزهکار که تحت اقدام‌های درمانی - اصلاحی مختلف قرار داده شده‌اند، از نظر تکرار جرم نتایج مشابهی را به دنبال دارند. از آنجا که این نتایج یکسان، ناشی از توزیع متجانس مجرمین است، این فکر به وجود آمد که در صورتی که بزه‌کاران به صورت انتخابی و گزینشی توزیع شوند، نتایج حاصله متفاوت خواهد بود. به همین جهت، تحقیقات مبتنی بر تیپ (گونه)‌شناسی یا انواع بزهکاران و نیز

گونه‌شناسی اقدام‌های درمانی - اصلاحی که مبتنی بر طبقه‌بندی‌های ریاضی باشند، و به ویژه بازگشت به تحقیقات بالینی سنتی و مطالعات موردی، که مبتنی بر شرح حال و زندگی بسیار کامل مجرم باشد، بیشتر مورد توجه و استفاده قرار گرفت.

ر.ک.

Administration of criminal justice; Clinical criminology; Cohorts; Control groups; Criminal statistics; Methodology; Organizational criminology; Social prognosis; Treatment.

\* \* \*

### مطالعات خودگزارشی بزهکاران (Self-report studies (les enquêtes d'auto-confession)

میزان اعمال بزهکارانه در غالب کشورهای جهان، تا چند دهه پیش، تقریباً همیشه با استفاده از آمارهای رسمی جنایی اندازه‌گیری می‌شد. معذک ناراضیتی روزافزون نسبت به دقت و صحت اینگونه آمارها، منجر به ارائه روشهای دیگری برای اندازه‌گیری اینگونه اعمال شد که یکی از متداول‌ترین آنها، استفاده از پرسشنامه خودسنجی است. در این روش، ضمن ارائه توصیفی از اعمال بزهکارانه یا شبه بزهکارانه (غالباً بر روی کارت)، از افراد خواسته می‌شود که بیان نمایند در طول یک دوره زمانی مشخص (مثلاً در طول سال گذشته)، چقدر مرتکب هر یک از اعمال مزبور شده‌اند و این که آیا موضوع به اطلاع مقامهای پلیس و یا دادگستری نرسیده است.

این روش نوعاً بیانگر این واقعیت است که اعمال بزهکارانه که در آمارهای رسمی ثبت و ضبط می‌گردد، تنها به مثابه نوک یک کوه بخی شناور در اقیانوس است. به عنوان نمونه، تحقیق وست و فارینگتون (West and Farrington) در سال ۱۹۷۷ در انگلستان نشان داد که تنها ۱۴ درصد موارد سرقت از منازل، منجر به صدور حکم محکومیت شده است و این نسبت در مورد سرقت وسایل نقلیه، تنها به حدود ۶ درصد بالغ شده است. اعداد و ارقام مزبور بسیار کمتر از نرخهای کشف جرم از سوی پلیس در ارتباط با اینگونه جرایم در آن زمان بود که به حدود ۳۶ درصد می‌رسد، زیرا بسیاری از جرایمی که در این پرسشنامه‌ها، مورد اعتراف واقع

می‌شود در هیچیک از آساره‌های رسمی منعکس نشده است.

در حالی که نسبت جرایمی که به نور رسمی ثبت شده بودند، بسیار پایین بود ولی نسبت مجرمینی که دیر یا زود محکوم شده بودند نسبتاً زیاد بود. وست و فارینگتون دریافتند که ۶۲ درصد نوجوانانی که اعتراف به سرقت از منازل کرده بودند، و ۳۸ درصد نوجوانانی که اذعان به ارتکاب سرقت وسایل نقلیه نموده بودند، متعاقباً محکوم شده بودند. مطالعات مبتنی بر اعتراف خودگزارشی و خوداعترافی بزهکاران نشان می‌دهد که، در حالی که به نظر می‌رسد پرونده‌های رسمی، به عنوان مقیاس موارد ارتکاب جرم، بسیار غیردقیق‌اند، لیکن برای کسب اطلاعات راجع به مجرمین قابل اعتمادترند.

نتایج بعضی از تحقیقاتی که سابقاً در کشور آمریکا به عمل آمده است نشان داد که ظاهراً متغیرهای کلیدی‌ای که ارتباط تنگاتنگی با بزهکاری رسمی داشتند (مثل جنسیت، نژاد و طبقه اجتماعی) دارای ارتباط بسیار کمتری با جرایم انعکاس یافته در اینگونه مطالعات بود. این امر منجر به القائاتی گردید مبنی بر اینکه در جریان پیگرد رسمی مجرمین، جهت‌گیریهای منظم و با برنامه‌ای علیه جنسیت، نژاد یا طبقه خاصی از شهروندان وجود ندارد.

Criminal statistics; Methodology; Hidden criminality; Victim survey.

\* \* \*

سلین (تورستین) Sellin (Thorsten)  
(1897-1994) (۱۸۹۷-۱۹۹۴)

تورستین سلین، جرم‌شناس و جامعه‌شناس سوئدی‌تبار آمریکایی، در سال ۱۹۱۳ از زادگاهش، سوئد، به کانادا مهاجرت کرد و سپس به آمریکا رفت تا در آنجا مدارج تحصیلات عالی را تا مقطع دکتری در دانشگاه پنسیلوانیا طی کند. کار تدریس جرم‌شناسی و تحقیق در این زمینه را در سال ۱۹۲۶ آغاز کرد و تا سال ۱۹۶۷ به تدریس در دانشگاه پنسیلوانیا ادامه داد و سپس در این سال، از استادی دانشگاه بازنشسته شد. او همچنین طی سالهای متمادی، به ترقیب ریاست جامعه جرم‌شناسی، دبیرکلی کمیسیون بین‌المللی کیفری و زندانها (واقع در شهر برن سوئیس) و مشاوره بسیاری از ادارات و دفاتر سازمان‌های داخلی و بین‌المللی را بر عهده داشت.

شهرت خاص استاد سلین، در مخالفتش با مجازات مرگ بود و در این زمینه نطق نموده

بود که مقایسه کشورهای که دارای مجازات مرگ می‌باشند و کشورهای که چنین مجازاتی را در نظام کیفری خود ندارند نشان می‌دهد که این مجازات، به هیچ روی جنبه بازدارندگی ندارد. سلین، علاوه بر مطالعات تاریخی درباره جرم، کیفر مرگ، برده‌داری و نیز کارهای مطالعاتی مشترکش با ماروین ولفگانگ درباره اندازه و میزان بزهکاری، به ویژه به تحلیل هنجارهای رفتاری خاص هر گروه فرهنگی نیز پرداخته است. بخش عظیمی از این هنجارها وارد قانون می‌شود، لیکن این دو واژه را نباید با هم اشتباه کرد، زیرا یک جامعه ممکن است خود، در رابطه با قانون و هنجارها، وارد مرحله بحرانی شود؛ این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که تعدادی خُرده‌فرهنگ - از طریق مهاجرت بیگانگان و یا از طریق شکل‌گیری و تشکیل محله‌های محروم مشهور به گیتو (ghetto) - در داخل آن ظاهر شود؛ سلین آن را «تعارض فرهنگی ثانوی» می‌نامد. در سایر زمانها، تعارض ممکن است میان نواحی مستقل و جنای از یکدیگر که نظامهای قانونی متفاوتی بر هریک از آنها حاکم است مانند استانها یا ایالتها - که سلین آن را «تعارض فرهنگی اولیه» می‌نامد - بروز کند. بزهکاری ممکن است به ویژه در این زمانها پدیدار شود، زیرا از یک سو، به معنای پیوستن به گروه وابسته بوده و بدین لحاظ، منطبق با هنجارهای معمول در آن گروه است و از سوی دیگر - به ویژه بدین لحاظ، منطبق با هنجارهای معمول در آن گروه است و از سوی دیگر - به ویژه وقتی که فاصله یک گروه در ارتباط با هنجارهای فرهنگی مربوطه از قانون، بسیار زیاد است - معارض یا هنجارهای سایر گروهها بوده و بدین ترتیب، به عنوان تامل مجرمانه تلقی می‌شود.

سلین در سال ۱۹۲۸ کتابی با عنوان «تعارض فرهنگی و جرم» منتشر ساخت. کتابهای دیگری عبارتند از «پیشگامان کیفرشناسی»، «مجازات مرگ»، «اندازه‌گیری بزهکاری» (به همراه ولفگانگ). سلین در سپتامبر ۱۹۹۴ در سن ۹۷ سالگی بدرود حیات گفت.

ر.ک. Capital punishment; Conflict of cultures; Deterrence.

\* \* \*

Sense of responsibility

احساس مسؤولیت

(le) Sens de la responsabilité

ایتین دوگرف، جرم‌شناس بلژیکی معتقد است که در هریک از اعمال آگاهانه که در «حالت آمادگی» انجام می‌شود، این فرد است که مرتکب عمل می‌شود و آن را به وجود می‌آورد، نه

این که عمل، خود انجام شود. احساس و حس مسؤولیت، یک وظیفه و نقش اخلاقی و تبادله‌پذیر است که هم در افراد عادی و هم در بعضی افراد که از نظر روانی غیرعادی هستند (مبتلابیان به صرع، افراد عصبی، معتادان به الکل و مواد مخدره، افراد ناقص‌العقل) وجود دارد. لیکن احساس مسؤولیت در این قبیل افراد به طور نامنظم کار می‌کند. جز در مورد افراد بیمارگونه روانی، احساس مسؤولیت می‌تواند به مانند هر نقش اخلاقی فطری که اساساً به صورت دفاعی است همراه با گسترش غرایز همدلی و همدردی، در سایه هوش و استعناد متحول شود. یعنی در واقع، فرد باید قادر به شناخت و درک جبرئیهایی باشد که رفتار و کردار او را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد تا بتواند بر آنها مسلط شود. احساس مسؤولیت در فرد ممکن است به تحوی متحول شود که به یک اراده آزاد و کاملاً آگاهانه تبدیل گردد.

بنابراین، در نظر گرفتن احساس مسؤولیت به عنوان معیاری برای تعیین نوع و میزان واکنش کیفری، از نظر علمی قابل توجیه و قبول نیست. پویایی و تحول احساس مسؤولیت، عملاً از کارکرد و عملکرد کل شخصیت قابل تفکیک نیست و معیار واکنش کیفری در واقع باید شخصیت فرد باشد.

طرفداران مکتب تحقیقی ایتالیایی، برعکس، احساس مسؤولیت را یک پدیدهٔ جانی می‌پنداشتند و حالت خطرناک را جایگزین آن می‌کردند. مارک آنسل، از بنیانگذاران مکتب دفاع اجتماعی نوین، نوعی رسالت آموزشی و تعلیماتی برای مسؤولیت قائل بود.

ر.ک.

Criminal personality; Culpability; Dangerousness; De Greeff;  
Instincts; Sense of justice; Social defence, Treatment.



## Separate system

## نظام تفکیکی (حبس)

### (le) System pensylvanien (cellulaire)

این عنوان مربوط به یکی از سیستم‌های ادارهٔ زندان است که در انگلستان، در دههٔ ۱۸۴۰ ظاهر شد و در دههٔ ۱۸۵۰ تثبیت گردید. منشأ سیستم مزبور، نظام (فردی) بود و براساس آن، زندانیان در سلولهای خود می‌ماندند و در سکوت کامل به سپری کردن دوران حبس و کار می‌پرداختند، ولی ارتباط با کشیش و مأموران زندان امکان‌پذیر بود. در این روش، جدایی

کامل میان زندانیان برقرار بود و آنان به هنگام کار، کلاه‌های مخصوصی بر سر می‌گذاشتند؛ تأکید اصلی بر بازدارندگی و انواع کارهای بی‌فایده و بی‌هدف بود. در سال ۱۸۷۷ نظام تحول تدریجی رژیم حبس زندانی، بر پایه کلی سیستم تفکیکی که نهایتاً در طول جنگ جهانی اول لغو گردید در این کشور پا به عرصه وجود گذاشت و جای خود را باز کرد.

ر.ک. Irish system; Separate system; Solitary system; Stage system.



Silent system

نظام اُبورنی (حبس)

(le) Système Auburnien

عنوان یکی از انواع نظام‌های قدیمی اداره زندان است که به موجب آن، زندانیان مجبور بودند همیشه ساکت باشند و با یکدیگر صحبت نکنند. آنان به تنهایی غذا می‌خوردند و استراحت می‌کردند، ولی به اتفاق هم کار می‌کردند. این نظام انفرادی که در دارالتأدیب اُبورن (Auborn) در ایالت نیویورک آمریکا معمول گردید، از سال ۱۸۳۰ میلادی توسط بسیاری از زندانهای انگلستان نیز مورد تقلید قرار گرفت. برای برقراری سکوت، از مجازات‌های انضباطی سخت استفاده می‌شد، ولی زندانیان صرفاً با استفاده از ارتباطات غیرکلامی، تا حد بسیار زیادی با این روش به مقابله می‌پرداختند. هر دو رژیم تا حدود سال ۱۸۴۹ در انگلستان به طور موازی مورد استفاده قرار می‌گرفت، ولی از آن هنگام به بعد نظام تفکیکی، تفوق غیرقابل انکاری یافت.

Separate system; Solitary system; Stage system.

ر.ک.



Social class

طبقه اجتماعی

(la) Classe sociale

مسأله اصلی در ارتباط با طبقه اجتماعی، نابرابری درآمد، ثروت و دسترسی به فرصتها

(مثل تحصیل) است که ناشی از آن می‌باشد. با فرض اینکه اغلب جرایم شناخته شده، توسط طبقه کارگر و زحمتکش ارتکاب می‌یابد موضوع اصلی آن است که این مسأله تا چه حدی ناشی از نپوستگی طبقاتی است؟ در این رابطه پاسخ‌های گوناگونی ارائه شده است:

(۱) در رویکردهای تحقیقی صرفاً تلاش شده است که مشخص گردد چه نوع جرایمی با کدامیک از طبقات اجتماعی مربوط است.

(۲) رویکرد مارکسیستی با توجه به (الف) وضعیت اقتصادی نامناسب طبقه کارگر و (ب) تفسیر و تحلیل قوانین کیفری به عنوان ابزاری که توسط گروه حاکم و صاحب قدرت سیاسی و اقتصادی برای تأمین منافع آنها ایجاد شده و مورد استفاده قرار گرفته است تا طبقه کارگر را کنترل نموده و عمدتاً اعمالی را به مجازات برساند که احتمالاً تنها از سوی آنان ارتکاب می‌یابد بر غیرقابل اجتناب بودن ارتکاب جرایم به‌وسیله طبقه کارگر تأکید نموده‌اند.

(۳) نظریه فشار و الزام، مربوط است به تمرکز ارتکاب جرم در طبقه کارگر، که بازتاب فرصت‌های سد شده برای اعضاء این طبقه است.

(۴) در مقابل، جرم‌شناسی رادیکال که عمدتاً ملهم از مارکسیسم است، نظم اجتماعی را به عنوان یک نظام کثرت‌گرا در قلمرو ارزشها تلقی کرده و چنین استدلال می‌نماید که توافق ارزشی، فریبی است ساخته و پرداخته گروهی که به لحاظ اقتصادی قدرتمند بوده و تلاش دارد تا ارزشهای خود را بر گروه‌های بسیار متنوع و مختلف (یعنی طبقات دیگر) دیکته کند. این هدف به وسیله کنترل و تسلط آنان بر هر دو دستگاه عقیدتی و کنترل اجتماعی حاصل می‌گردد بدین‌سان تفاوت جرایم ارتکابی از سوی طبقات مختلف، صرفاً به عنوان ظهور ارزشهای جمعی از طریق بزهکاری تلقی می‌گردد.

(۵) معذک، بررسی‌های اخیر - با وجود پذیرش این نکته که طبقه کارگر، بیشتر در معرض بازداشت و تعقیب کیفری قرار دارد - به مقابله با این ادعا که جرم در طبقه کارگر متمرکز است پرداخته و به طور فزاینده‌ای حاکی از پراکندگی وسیع بزهکاری در میان تمامی طبقات اجتماعی است که مقدار نچیزی از آن کشف و گزارش می‌شود (مثلاً جرایم یقه‌سفیدها).

ر.ک.

Hidden criminality; Radical criminology; White-collar crime.



Social control

کنترل اجتماعی

(le) Contrôle social

اصطلاح کنترل اجتماعی یا به تعبیری، بازرسی یا نظارت اجتماعی، معمولاً به طیفی از نهادهای اجتماعی که فلسفه وجودی آنها ارتقاء و تممیم نظم و قاعده‌مندی رفتارها است، و یا به ابزارهایی که به وسیله آنها چنین نهادهایی به ایجاد ثبات و پیش‌بینی پذیری امور در جامعه دست می‌زنند اطلاق می‌گردد؛ نکته مورد نظر آن است که تمامی جوامع نیازمند چارچوبی هستند که رفتار انحرافی را تحت قاعده و نظم درآورد. نهادهای اصلی کنترل عبارتند از نهاد مذهب، آموزش و پرورش (دبستانی، دبیرستان، دانشگاه)، قانون، دادگستری، خانواده، پلیس، محله، همسایگی و اجتماع.

Control theory; Policing.

ر.ک.

\* \* \*

Social defense

دفاع اجتماعی

(la) Défense sociale

تاریخ آموزه‌های جرم‌شناسی و حقوق کیفری، شامل اشاره‌ها و استنادهای زیادی به مفهوم «دفاع اجتماعی» است. طرفداران مکتب تحقیقی (اثباتی) - به ویژه انریکو فزی - این مفهوم را به کار می‌برند. لیکن مکتب التقاطی (éclectique) از معنای عمومی «دفاع از جامعه» که در این مفهوم نهفته است تجاوز می‌کند. پرینس (Prins)، استاد بلژیکی حقوق جزایی، نظام کیفری (یعنی مسؤولیت و کیفر) را با نظام دفاع اجتماعی (حالت خطرناک و اقدامات تأمینی) مقایسه کرد.

مفهوم قدیمی «دفاع اجتماعی» توسط کنت گراماتیکا - بنیانگذار مکتب جنووا در ایتالیا - از دیدگاه متفاوتی به کار برده شده است. به نظر وی «موضوع دفاع اجتماعی، جایگزینی یک نظام مبتنی بر شناخت شخصیت بزهکار و اعمال تدابیر مناسب نسبت به او، به جای به کارگیری حقوق کیفری و نظام زندانها است». این تدابیر باید مبتنی بر معیار «ضداجتماعی بودن یا جاسه‌ستیزی فرد که به طور ذهنی ارزیابی می‌گردد» باشد. این نظریه، خود یک

موضع انقلابی در حقوق کیفری محسوب می‌شود: «باید روش اعمال کیفر برای هر جرم را کنز گذاشت و به جای آن یک اقدام یا تدبیر اصلاحی - درمانی برای هر فرد بزهکار اتخاذ کرد».

مارک آنسل، فاضی عالی‌رتبه فرانسوی، در نخستین چاپ کتاب خود، «دفاع اجتماعی نوین» (۱۹۵۴)، این موضوع را تعدیل کرد. وی تحت تأثیر افکار دُوگرفه، جرم‌شناس بلژیکی، قرار داشت. آنسل معتقد بود که وجود حقوق کیفری و نتیجتاً اعمال کیفر باید ادامه داشته باشد. بدین ترتیب، دفاع اجتماعی نوین، دیگر یک مکتب نیست، بلکه یک جنبش انسان‌گرای سیاسی جنایی است که کیفر و اقدامات بازپروری اجتماعی را در خود جای می‌دهد، در این شرایط، با لحاظ نمودن شخصیت مجرم، از اعمال کیفر صرفه، به اجرای اقدام‌های اصلاحی - تربیتی می‌رسیم.

جامعه بین‌المللی دفاع اجتماعی در سال ۱۹۲۵ در میلان ایتالیا ایجاد شد و در ۱۹۵۴ یک برنامه حناقل را که برای همه اعضا، قابل قبول بود به تصویب رسانید. با توجه به ایرادها و انتقادهایی که به جنبش گرفته شد، در سال ۱۹۸۴ در برنامه مزبور تجدیدنظر شد. در این تجدیدنظر، بر حمایت از بزه‌دیده در برابر خطر جرم تأکید شده است. جرم‌زدایی از جرایم کوچک با متوسط و نیز کیفرزدایی، وسیعاً مورد توجه متهم‌های «برنامه حناقل» قرار گرفته است. بدین‌سان دفاع اجتماعی نوین که در آغاز، به عنوان مکتبی انقلابی مطرح بوده، اینک به سمت انتقالی‌گری گام برمی‌دارد.

ر.ک.

Criminal policy; Criminal prophylaxis; De Greeff; Penal philosophy;  
Positivism; Radical criminology; Treatment.

\* \* \*

## Social disorganization

## ناپسامانی اجتماعی

### (la) Désorganisation sociale

اصطلاح ناپسامانی (از هم‌گسیختگی) اجتماعی برای بیان این عقیده است که مناطقی خاصی و محله‌هایی وجود دارد که به لحاظ اجتماعی، از هم پاشیده و ناپسامان است و جمعیت

آنها شامل مهاجران، بیکاران، مجرمین، خانواده‌های تک‌والدینی (عمدتاً به دنبال جدایی و طلاق) و غیره می‌باشد که محل مناسبی برای نشو و نماي رفتارهای منحرفانه است. لیکن از برخی تحقیقات به عمل آمده چنین برمی‌آید که زندگی در محلات فقیرنشین، نه تنها در هم ریخته و نابسامان نیست، بلکه در واقع بسیار سازمان یافته بوده و امروزه نیز این مسأله مورد پذیرش قرار گرفته است که بیشتر جرایم و انحرافات، شبیه به هر چیزی هست، به جز از هم پاشیدگی و نابسامانی، و بدین ترتیب نظریه مزبور تا اندازه‌ای متروک شده است.

ر.ک. Criminal sociology.

\* \* \*

## پیش‌آگهی (پیشگویی) اجتماعی

### Social prognosis

### (le) Pronostic social

تشخیص جرم‌شناختی، داوری و حکم ارزشی در مورد یک شخصیت در یک زمان معین است؛ حال آنکه پیش‌آگهی یا پیش‌بینی یا پیشگویی اجتماعی، فرضی است در مورد رفتار و کردار آینده یک فرد. بنابراین پیش‌آگهی اجتماعی مستلزم ترکیب ارزیابی حالت خطرناک فعلی فرد و سنجش تأثیر واکنش اجتماعی بر بزهکار و وضعیت یا به عبارت بهتر، سلسله وضعیت‌هایی است که فرد، متعاقباً در آن قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب، پیش‌آگهی اجتماعی، کار بسیار مشکلی است.

پیش‌آگهی اجتماعی ممکن است به صورت تجربی و عملی انجام گیرد؛ بدین‌سان است که برای مثال، می‌توان خصوصیات هسته مرکزی شخصیت مجرمانه (جنایی) را مورد توجه قرار داد. هر قدر که خصوصیات شخصیت جنایی بیشتر باشد، به همان نسبت پیش‌آگهی اجتماعی تدریجاً دشوارتر خواهد شد.

برای بهبود امر پیش‌آگهی اجتماعی، روشهای آماری خاصی که در بیمه به کار برده می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این چارچوب، در آلمان طرح‌های پیش‌آگهی به منظور تشخیص امکان تکرار جرم تهیه شده است. زوج گلوک نیز پس از انجام مطالعه تطبیقی پانصد بزهکار و پانصد غیربزهکار در نئون، جنول پیش‌آگهی عوامل اجتماعی و خصوصیات شخصیت را از نظر روان‌شناسی و روانپزشکی تهیه کردند. با جدول‌های پیش‌آگهی که گلوکها

تهیه کردند امکان تشخیص افراد بزهکار بالقوه، پس از ورود آنان به مدرسه وجود دارد. کاربرد این جدولها، توأم با ۱۳٪ اشتباه در پیش‌بینی و تشخیص بوده است. جدولهای پیش‌آگهی گلوک‌ها، می‌تواند پیش‌بینی عملی و تجربی مبتنی بر شخصیت را کامل کند.

جدولهای پیش‌آگهی در زمینه پژوهشهای سنجشی نیز، به منظور بررسی این موضوع مورد استفاده قرار گرفته است که اگر نسبت به بزهکارانی که تحت اقدام درمانی خاصی قرار گرفته‌اند، اقدام درمانی دیگری به اجرا گذاشته می‌شد، وضعیت این بزهکاران به چه صورتی ترمی‌آمد.  
ر.ک.

Control groups; Dangerousness; Criminological diagnosis;  
Criminal personality; Recidivism; Scientific research; Treatment.

\* \* \*

## واکنش اجتماعی

### Social reaction

#### (la) Réaction sociale

جرم موجب بروز واکنش در گروهی می‌گردد که آثار آن را متحمل می‌شود. این واکنش تا مدت‌های زیادی به صورت مجازات بوده است. نیکن امروزه، به ویژه در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار، واکنشهای اجتماعی‌ای اعمال می‌شود که ویژگی رنج و عذاب مجازات را ندارند. برخلاف جرم‌شناسی واکنش اجتماعی که صرفاً جنبه جامعه‌شناختی دارد (جامعه‌شناسی کیفری، جامعه‌شناسی قضایی)، مطالعه کامل واکنش اجتماعی دارای ویژگی چندبندی و چندمبنایی است.

برای مطالعه‌ی پدیده واکنش اجتماعی باید به قوم‌نگاری (از قبیل مطالعه انتقام‌جویی، ضمانت‌اجراهای مذهبی، ضمانت‌اجراهای خانوادگی، ضمانت‌اجراهای بین‌قبیله‌ای در جوامع کهن)، تاریخ حقوق کیفری و حقوق کیفری تطبیقی، روانشناسی اخلاقی (مثل بررسی برداشت و تلقی طفل از ضمانت اجرای کیفری)، روانشناسی اجتماعی (در قالب مطالعه نوسانها و تفاوت‌های واکنش اجتماعی برحسب فرهنگ‌های مختلف)، اقتصاد، علوم سیاسی (مثل بررسی تفاوت ضمانت‌اجراهای کیفری در نظام‌های سیاسی اقتدارگرای فراگیر و

ضمانت اجراهای کیفری در رژیمهای سیاسی دموکراتیک) و نیز به زیست‌شناسی (بررسی اثرات مجازات بر بزهکاران...) متوسل شد و از دست‌آوردهای آنها استفاده کرد. نتیجه این رهیافتهای مختلف نسبت به واکنش اجتماعی، امکان پی بردن به مکانیزم واکنش اجتماعی و تحول آن را فراهم می‌کند.

مکانیزم واکنش اجتماعی از نقض ارزشهای گروه در قالب ارتکاب جرم ناشی می‌شود. این نقض و تجاوز به ارزشها، پیامدهای هیجان‌انگیز و احساسی (مانند ترس، تقبیح و سرزنش و انتقام‌گیری) را در میان اعضاء گروه برمی‌انگیزد. این هیجانها، به نوبه خود، واکنشی ایجاد می‌کند که به موجب فرآیند واپس‌گستری (بازگشت به گذشته) گسترش می‌یابد و متحول می‌شود. فرآیند واپس‌گستری، ابتدا منجر به تسکین هیجانهای ناشی از ارتکاب جرم می‌شود. سپس به سمت خود جرم جهت‌گیری می‌کند، و به لحاظ عدم توانایی در دستیابی به جرم به منظور سحر کردن آن، دامن مجرم را به عنوان جایگزین و جانشین جرم می‌گیرد، و بالاخره فرآیند واپس‌گستری متوجه عوامل جرم می‌شود.

علوم حقوقی در آلمان، سعی در نظام بخشیدن به این مکانیسم کردند. کوش (Cuche) استاد فرانسوی حقوق جزایی نیز در اوایل سده بیستم به نوبه خود، کوشش کرد تا این نظام‌بخشی را بر روی مجازات که شکل جاری و معمول واکنش اجتماعی در آن زمان علیه جرم محسوب می‌شد، متمرکز کند. این موضوع صرفاً برای دادن اساس و مبنای علمی به آموزه‌های کیفری کلاسیک، از طریق تفکیک انواع رسالتهای واکنش اجتماعی، مورد استفاده قرار گرفت؛ واکنش اخلاقی که امکان تسکین بخشیدن به اختلالهای ناشی از جرم را فراهم می‌آورد؛ واکنش فایده‌گرایی فردی، که هدفش جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرم است؛ و بالاخره واکنش فایده‌گرایی عمومی که هدف آن منصرف کردن مقلدین احتمالی مجرم از آوردن به ارتکاب جرم است.

کیفر، تا اواسط سده نوزدهم، تنها شکل واکنش اجتماعی علیه جرم را تشکیل می‌داده است. در این زمان اشکال جدیدی از واکنش‌ها پدیدار می‌شود (پروپیشن در سال ۱۸۴۱؛ مؤسسات ویژه صفار بزهکار در ۱۸۵۰ و کانونهای اصلاح و تربیت در ۱۸۷۶ در آمریکا). حال سئاله این است که آیا می‌توان جهت‌گیری جدیدی را در چارچوب مکانیسم واکنش اجتماعی وارد نمود؟ در مورد پیشگیری فردی و نیز اقدامات درمانی - اصلاحی پاسخ روشن است. لیکن درخصوص پیشگیری عمومی، پاسخ پیچیده و دشوار می‌نماید. زیرا جامعه عمل پوشاندن به امر پیشگیری عمومی آتی، مستلزم سازمان‌دهی پیشگیری جنایی است. در مورد تسکین

هیچانها و احساسات ناشی از ارتکاب جرم، پاسخ پیچیده‌تر می‌شود، زیرا اعمال اقدامات درمانی - اصلاحی به جای مجازات، مستلزم آن است که مردم به سطح اخلاقی بالایی رسیده باشند؛ امری که تحقق آن نیاز به زمان دارد. بنابراین، ممکن است مجازات و اقدام درمانی - اصلاحی همچنان در شرایط متغیر و مبهم، به همزیستی با یکدیگر ادامه دهند.  
ر.ک.

Alternative punishments; Criminal policy; Criminal prophylaxis; Juvenile delinquency; Penal philosophy; Prison; Probation and similar measures; Social defense; Social reaction criminology; Penal sociology.

\* \* \*

## جرم‌شناسی واکنش اجتماعی Social reaction criminology (la) Criminologie de la réaction sociale

جرم‌شناسی دارای دو مقوله اساسی است (۱) مطالعه پدیده مجرمانه (۲) مطالعه واکنش اجتماعی‌ای که این پدیده برمی‌انگیزد، موضوعی که مدت‌ها به آن توجهی نمی‌شد. فیلیپ روبر (Ph. Robert)، جامعه‌شناس و جرم‌شناس فرانسوی، در آغاز دهه ۱۹۲۰ میلادی به مطالعه واکنش اجتماعی علیه جرم پرداخت، اما وی آن را تنها از نظر جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار داد و ویژگی چندبُعدی جرم‌شناسی را نادیده گرفت. در مطالعه روبر، ابتدا دلایل و قواعد واکنش اجتماعی، تجزیه و تحلیل شده و سپس روشها و ابزارهای واکنش اجتماعی تحلیل گردید.

در مطالعات بعدی، ظاهراً روبر از بررسی جامعه‌شناسی واکنش اجتماعی به مطالعه جامعه‌شناسی کیفری رو می‌آورد. وی معتقد است که این قاعده و هنجار کیفری است که به عنوان یک رفتار در جرم‌شناسی مطالعه می‌شود. این هنجار باید در دو سطح ایجاد شود: (۱) جرم‌انگاری اولیه از طریق ایجاد و وضع جرم به‌وسیله قانونگذار؛ (۲) جرم‌انگاری ثانویه، از طریق مجازات احتمالی نفس ارتکاب آن عمل جرم‌انگاری شده. «با توجه به این موضوع که مساله عمده شاید، مطالعه اختلاف و ناهماهنگی ممکن بین مقررات قانونی و استقرار و اجرای مفید آنها در میان این دو سطح باشد».

ر.گ.

Administration of criminal justice; Criminal laws; Criminal sociology;  
Criminology; Interactionist criminology; Organizational criminology;  
Radical criminology; Penal sociology.

\* \* \*

Social work

مددکاری اجتماعی

(le) Travail social

از دیدگاه جرم‌شناسی، اهمیت مددکاری اجتماعی در آن است که یک چارچوب جانشین برای برخورد و رفتار کیفری یا مجرمین نوجوان محسوب می‌شود که فلسفه آن، از نظام دلدگستری نشأت می‌گیرد. صرفنظر از مورد استثنایی پروبیشن (تعلیق مجازات توأم با مراقبت)، دادگاهها اقدام به صدور احکامی می‌نمایند که یا به صورت اخذ تعهد و التزام از مرتکب است و یا متضمن مجازات اوست. از سده نوزدهم به این سو، اصلاح‌گران بر ضرورت ایجاد تفکیک روشها به نفع نوجوانان بزهکار پافشاری کرده‌اند؛ امری که راه را برای تشخیص ناپختگی آنان و طرح برنامه‌های نظارت، آموزش و یا پرورش باز کرد. در بریتانیای سده نوزدهم، مری کارپنتر (Mary Carpenter) پیشگام سیستمی بود که به دادگاهها اجازه می‌داد تا اطفالی خردسال‌تر از سن مسؤلیت کیفری را به «آموزشگاههای صنعتی»، و بزهکاران کمتر از ۱۴ ساله را به «کانون اصلاح و تربیت» بفرستند. در آمریکا قانون جامع‌تری در سال ۱۹۰۴، دادگاهها را ملزم ساخت تا رفاه بزهکاران نوجوان را مدنظر قرار دهند و مقامات مسؤول مددکاری عمومی را موظف کرد که پرورش آنها را در برنامه کار خود منظور کنند.

پس از جنگ دوّم جهانی، ایجاد ادارات محلی اطفال در انگلستان و ولز موجب تدارک یک سرویس ملی برای مراقبت از اطفال محروم از زندگی عادی خانوادگی شد که هدف آن، تضمین مطلوب‌ترین نحوه رشد اینگونه اطفال بود. اقبال نسبت به تجربیاتی که در این زمینه صورت گرفت منجر به آن شد که حزب کارگر انگلستان، خود را وقف اصلاح نظام دادگستری نوجوانان بزهکار نماید. جامع‌ترین دگرگونی‌ها در اسکاتلند صورت گرفت؛ جایی که دادگاهها

جای خود را به «هیأت‌های رسیدگی به جرایم و انحرافهای اطفال» داده و پدر و مادرها و مددکاران اجتماعی، دربارهٔ اطفال ناسازگار، با هیأت‌های غیرقضایی به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند.

در انگلستان و ولز، قانون اطفال و نوجوانان مصوب ۱۹۶۹ نمایانگر تفاوت و تمایز میان عقاید جدید و سنتی بود و هیچگاه به صورت کامل به مرحله عمل نرسانید. لیکن با این اوصاف، قانون مزبور، تحت این عنوان که تلاش نموده است تا بزهکاری را برحسب ناسازگاری خانوادگی، تعریف و تبیین کرده و «قررها و دستورات مراقبت» را جایگزین مجازات‌های ثابت نماید، در سطح وسیعی مورد انتقاد واقع شد. قانون مزبور دقیقاً در زمانی به مرحله اجرا درآمد که حقوقدانان و جرم‌شناسان آمریکایی، در مورد «مدل رفاهی» در رسیدگی به جرایم نوجوانان در آمریکا، فعال بوده و چنین استدلال می‌کردند که این مدل، منجر به بی‌عدالتی شده و کارایی آن در اصلاح و تربیت نوجوانان ثابت نشده است. این قانون موجب نگرندیده است که تعداد کمتری از نوجوانان، محکوم به مجازات حبس شوند؛ در واقع، شمار بزهکاران در مراکز نگهداری و کانونهای اصلاح و تربیت نوجوانان در این کشور به نحو چشمگیری افزایش یافته است، حال آنکه نسبت افرادی که تحت قرار مراقبت در داخل جامعه آزاد قرار گرفته‌اند کاهش پیدا کرده است. برخی از جرم‌شناسان چنین استدلال کرده‌اند که این امر، نتیجهٔ اجتناب‌ناپذیر تحمل یک «مدل رفاهی» انحرافی است. گروهی دیگر بر این باورند که مسألهٔ مزبور، بیشتر نشانهٔ وجود جناح قوی‌تر هوادار قانون و نظم (یعنی محکومیت به مجازات) است. زیرا همزمان، صدور احکام مجازات حبس برای مجرمین بزرگسال در این کشور رو به افزایش است و استفاده از قرارهای پروبیشن کاهش می‌یابد.

Attendance centres; Borstal; Treatment.

ر.ک.

\*\*\*

## Solitary system

## نظام انفرادی (حبس)

### (le) Système Péninsulaire

این سیستم ادارهٔ زندان، از دههٔ ۱۷۹۰ به بعد در فیلادلفیا و پنسیلوانیای آمریکا مورد استفاده قرار گرفت. براساس مقررات مربوطه، تمامی زندانیان، نخستین بخش مجازات خود



را در حبس یا سلول انفرادی گذرانده و مجرمین مرتکب جرایم شدید، مابقی مدت حبس را نیز در همان وضعیت سپری می‌کنند و کار اجباری نیز در داخل سلول انجام می‌شد. هدف از این نظام، که ملهم از عقاید گروه‌های مذهبی و صلح‌طلب بود، آن بود که انسان در خلوت می‌تواند به راحتی بیشتری درباره جرایم خود، به تفکر و تعمق پرداخته، و خویش را اصلاح نماید. نظام مزبور، تبدیل به مدل اصلی و ابتدایی سیستم تفکیکی انگلیستان شد.  
رک.

Irish system; Penology; Prison; Separate system, Silent system; Stage system.

\* \* \*

### نظام تدریجی یا مرحله‌ای (حبس) Stage system (le) Régime progressif

نظام مرحله‌ای حبس مربوط به یکی از سیستم‌های اداره زندان است که در آن، فرد زندانی در طول مدت مجازات، با گذار از مراحل سخت حبس به مراحل خفیف‌تر آن، در واقع پیشرفت می‌نماید. هر یک از این مراحل، دارای رژیم خاصی خود است و همراه با تکامل مراحل، از دشواری آنها به تدریج کاسته شده و بر امتیازاتشان برای زندانی افزوده می‌شود. نظام تدریجی یا مرحله‌ای حبس که مبتنی بر سیستم امتیازی<sup>۵۲</sup> بود در سال ۱۸۵۳ در انگلستان، به عنوان اساس و مبنای مجازات حبس با اعمال شاقه انتخاب شد. روش طی تدریجی مراحل زندانی که تقریباً از سال ۱۸۷۸ مطرح گردید اثر عمیقی بر زندانهای این کشور داشت. تحول مرحله اول یکماه بود و در طی آن، یک تخت‌خواب چوبی در اختیار زندانی قرار می‌گرفت که تشک نداشت. پس از کسب امتیازات کافی، زندانی به مرحله دوم راه می‌یافت که در آن، از رژیم غذایی بهتری بهره‌مند می‌شد و هفتای دو بار تشک دریافت می‌کرد. در مرحله سوم (که معمولاً در پایان سه ماه فرا می‌رسید) امتیازات بیشتری در ارتباط با رژیم

۵۲. در سیستم امتیازی (Marks system) هنگام ورود به زندان، برای فرد زندانی با توجه به جرم ارتکابی، سوابق، ویژگیهای فردی و... نمره‌ای در نظر گرفته می‌شود و به تدریج براساس حسن رفتار و اصلاح زندانی، نمرات مزبور کاهش می‌یابد تا به صفر رسیده و زندانی از زندان آزاد می‌گردد.

غذایی و امکانات استراحت به زندانی تعلق می‌گرفت و در مرحله چهارم، وی هر شب تشک دریافت کرده و از امکانات ملاقات و مکاتبه نیز بهره‌مند می‌شد... و بالاخره در مرحله آخر، به عنوان پاداش حسن رفتار، به او آزادی مشروط اعطا می‌کردند. در مجازات بازدارنده نیز از نظام تدریجی و مرحله‌ای استفاده می‌شد. در سالهای اخیر، از آنجا که تمایل به اتوماتیک بودن پیشروی مراحل وجود داشت به تدریج، راه برای یک سیاست مبتنی بر تئوریک شرایط یکسان و یکپارچه و سلب امتیازات، صرفاً در صورت سوءاستفاده از این شرایط و یا سوءرفتارهای دیگر، باز شد.

ر.ک.

Irish system; Penology; Prison; Separate system; Solitary system;  
Stage system.



## خُرده‌فرهنگ

### Sub-culture

#### (la) Sous-culture

گروه یا گروه‌هایی در ناخلف فرهنگ کشور میزبان یا مهاجرپذیر، با ارزش‌هایی که متفاوت با آن فرهنگ است - از طریق تظاهر در رفتارهای منحرفانه نسبت به آن - متمایز می‌گردند. هنگامی که آ.ک. کوپن (A.K. Cohen) نخستین بار در کتاب «پسرپچه‌های بزهکار» (شیکاگو، ۱۹۵۵) از این اصطلاح استفاده کرد، اشاره به ساختارهایی داشت که از پیش، تحت عنوان «دستجات» (گالنگها) طرد شده بودند و او از این مفهوم برای تأکید بر دنیای فکری و زیربنایی متفاوت چنین گروه‌هایی که مشخصه و نحوه تظاهر آن، به «شکل‌های غیر-منفعت‌گرایانه، نیهکارانه و منفی‌گرایانه‌ای از بزهکاری» است، استفاده کرد. بعضی از جرم‌شناسان دیگر، منشأ خُرده‌فرهنگها را در واکنش نسبت به یک وضعیت مبهم در دو ساختار موقعیتی (طبقه کارگر و طبقه متوسط) دیده و سه نوع خاص از آنها را مورد شناسایی قرار داده‌اند: کيفری (استفاده عقلانی از جرم برای کسب درآمد)، تعارضی (اختصاصاً مربوط به خشونت) و انزواگرایانه (دوری‌گزینی از جامعه از طریق توسل به الکل و مواد مخدر). نوع اخیر را به عنوان «شکست‌های دوجانبه» مورد ملاحظه قرار داده‌اند؛ ناکامی در یافتن جایگاهی، چه

در دنیای قانونی و چه در دنیای خُرده‌فرهنگ مجرمانه. این، موضعی است که عمدتاً در نظریه فشار (Strain theory) اتخاذ می‌شود؛ نظریه‌ای که شکل‌گیری خُرده‌فرهنگ را به عنوان یک واکنش ساختاری (و دفاعی) در مقابل فرصتهای سد شده برای شخص تلقی می‌نماید.

این نظریه حاصل تلاشهای مرتون (Merton) در سالهای ۶۶ - ۱۹۶۴ و کلوارد (R. Cloward) و اوهلین (J. Ohlin) در سال ۱۹۶۰ است و مطالب مختصری نیز از سوی یانگ (J. Young) در سال ۱۹۸۱ در این ارتباط به رشته تحریر درآمده است. وقوع جرم، نه ناشی از بیماری، بلکه به عنوان نتیجه فرگیر شدن اوضاع و احوال خاصی در جامعه، شناخته می‌شود. «خود»، محصول نظم اجتماعی بوده و از طریق جامعه‌پذیری، ابزارها و روشهای را که به لحاظ فرهنگی تعریف شده هستند کسب می‌نماید تا به اهدافی دست یابد که از لحاظ فرهنگی، تعریف شده می‌باشند. ارتکاب جرم و انحراف در واقع، نتیجه شکاف موجود بین آن دسته از اهداف و آرزوهای مطلوب و مشروع افراد و وسایل و فرصتهای ساختاری مشروع و قانونی برای دستیابی به آن اهداف و آرزوها است. تأکید مستمر بر دستیابی به موفقیت در جامعه و نیل احتمالی به آن، دائماً در تضاد با امکانات و فرصتهای عملی‌ای است که در برابر بسیاری از افراد قرار می‌گیرد. در طبقه پایین جامعه است که فشار ناشی از فقدان وسایل قانونی فرصتهای سد شده برای دستیابی به اهداف فرهنگی، دارای بیشترین میزان بوده و در همان جا است که بیشترین میزان جرایم باید روی دهد (که عملاً نیز چنین است). این فشارها از سوی تمامی گروهها لمس می‌شود، و مفهوم خُرده‌فرهنگ برای توصیف آن دسته از راه‌کارهای مسائل مشترک که توأم با یکدیگر طرح‌ریزی شده‌اند، مطرح گردیده است. جرم و انحراف، تلاشی است به منظور حل مشکلاتی که فواروی گروههایی قرار می‌گیرد که در موقعیتهای ساختاری خاصی هستند. (شکاف و فاصله میان هدفهای مشروع و وسایل و امکانات مشروع و قانونی برای دستیابی به هدفهای مطلوب جامعه).

در عین حال، برخی دیگر از جرم‌شناسان گفته‌اند که هرگونه مشکل سازگاری و انطباقی برای جوانان طبقه کارگر، نه از طریق عضویت در خُرده‌فرهنگ‌ها، بلکه به وسیله تأیید نهایی ارزشهای سنتی طبقه کارگر، در پی یک دوره کوتاه انفکاک، به سرعت قابل حل است.

Criminal sociology; Gangs criminality; Values.

ر.ک.

Sutherland (Edwin.H)  
(1883-1950)

ساترلند (ادوین)  
(۱۸۸۳-۱۹۵۰)

ادوین ساترلند، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه‌های مختلف ایالات متحده آمریکا بود. در ۱۹۲۵ در دانشگاه ایندیانا به عنوان مدیر گروه جامعه‌شناسی منصوب شد. وی در ۱۹۲۴ اثر مشهور خود، «اصول جرم‌شناسی» و در ۱۹۳۷ کتاب «سارق حرفه‌ای» و در ۱۹۴۹ اثر بدیع خود یعنی «جرم یقه‌سفیدها» را منتشر ساخت.

سهم مهم ساترلند در جرم‌شناسی، ارائه نظریه «مماسرتهای اختراقی یا ترجیحی» است. وی در این نظریه بر اهمیت روابط بین شخصی در خاستگاه حرفه مجرمانه تأکید کرده و سپس فرآیند بالیدگی (پختگی) مجرمانه را که شاخص بزهکار به عادت است، مطالعه و مطرح نموده است. پختگی مجرمانه شامل دو رکن می‌باشد: (۱) رفتار و رویه عمومی و کلی نسبت به بزهکاری که باعث می‌شود تا فرد، خود را درگیر و متعهد در یک حرفه مجرمانه تلقی کند (پذیرش مجموعه قواعد رفتاری بزهکاران یا کردارنامه مجرمانه و منحرفانه)؛ (۲) تسلط بر فنون معمول در فعالیت مجرمانه مورد علاقه خود که مستلزم یادگیری است.

عده‌ای معتقدند که تغییرجهت‌های پی در پی فرد ممکن است بدون برخورد فیزیکی و بحران اخلاقی، منجر به پختگی مجرمانه او شود. مطالعات مایو Mialoux، پندر روحانی و روانشناس کانادایی، این اعتقاد را رد کرده و نشان داده است که دست یازیدن و ورود به شیوه زندگی مجرمانه، بدون بحران و بلون آگاهی وجدان، وجود ندارد.

بالاخره ساترلند، بزهکاری یقه‌سفیدها را مطالعه کرد؛ این جرم مربوط به عمل فردی است که به دنیای اجتماعی - سیاسی بالایی تعلق دارد؛ لیکن قواعد و مقررات معمول و حاکم بر فعالیت‌های حرفه‌ای خود را به طور منظم نقض می‌کند. مجرم یقه‌سفید و مجرم حرفه‌ای، در خودمحوری، بی‌ثباتی روانی، بی‌تفاوتی عاطفی و حالت تهاجمی مشترک‌اند، لیکن از نظر سازگاری با جامعه متفاوت یا یکدیگرند؛ بزهکار یقه‌سفید از نظر اجتماعی بسیار سازگار و منطبق با جامعه است، در صورتی که بزهکار حرفه‌ای، به دنبال عدم توانایی و قابلیت در انجام یک شغل معین، یک ناسازگار اجتماعی محسوب می‌شود.

ر.ک.

Criminal; Criminal personality; Criminal sociology; Differential associations; Gangs criminality; Organized crime; White-collar crime.

**کلاهبرداری (و خیانت در امانت) (Swindling (and abuse of confidence)**  
**(l') Esroquerie (et l'abus de confiance)**

گسترش بزهکاری مبتنی بر حيله، نیرنگ و تزویر، توجه دانشمندان سده نوزدهم را به خود جلب کرد. فزوی معتقد بود که بزهکاری به طور فزاینده‌ای از اشکال خشونت‌آمیز (یدی - فیزیکی) به سمت اشکال تزویرآمیز (فکری) متحول می‌شود. کلاهبرداری و خیانت در امانت که از نمونه‌های بزهکاری نیرنگ‌آمیز محسوب می‌شود عبارت است از به دست آوردن مال یا ارزش (اعتبار، توأم با میل و اراده بزه‌دیده، با استفاده از تحرکات و مانورهای زیرکانه یا وسایل متقلبه.

کلاهبرداری، جرمی است که اصولاً مستلزم وجود استعداد فکری و قدرت تخیل در فرد مرتکب است. از نظر باآینی، مشاهده شده است که بیشتر کلاهبرداران، برخاسته از محیط اجتماعی شهری نسبتاً پیشرفته‌ای بوده، بهوش، بلندپرواز، خودخواه و بی‌قید و بند (از نظر اجتماعی) هستند. برای کلاهبرداران، دروغ یک وسیله است که به لحاظ روشنگری‌هایی که پلیس و نهادهای قضایی درباره روشهای کلاهبرداری انجام می‌دهند، مرتباً در حال تغییر است. آنان می‌دانند چگونه از ساده‌لوحی مردم بهره‌برداری کنند؛ ساده‌لوحی یک عنصر اصلی در بزه‌دیده‌شناسی کلاهبرداری است.

در خیانت در امانت، تصرف یک شیء یا یک مال، یا بنا بر یک قرارداد خاص (در حقوق فرانسه) یا به شرط پس دادن آن یا استفاده از آن و یا یک کاربرد خاص که به یک شخص داده می‌شود (حقوق بانیک) صورت می‌گیرد. بدین‌سان، کلاهبردار در چارچوب یک موقعیت معمولی عمل می‌کند، حال آنکه مرتکب خیانت در امانت در چارچوب یک موقعیت مستعد برای تصرف (مانند صندوق‌داری که درستکار نیست یا کارمند فاسد یا وکلاء طماع و محضردارانی که در کار خود، رعایت درستکاری را نمی‌کنند)، مرتکب جرم می‌گردد.

کلاهبرداری جرمی است که زنان، به ویژه در کشورهای غربی، روز به روز بیشتر به ارتکاب آن رو می‌آورند. حال آن که خیانت در امانت، بیشتر از طرف مردان ارتکاب می‌یابد.  
Criminal. ر.ک.

تارد (گابریل)

Tarde (Gabriel)

(۱۸۴۳-۱۹۰۴)

(1843-1904)

گابریل تارد، قاضی و رئیس اداره آمار وزارت دادگستری بود و سرانجام استاد کالج فرانسه شد. وی با چاپ همزمان دو اثر خود در سال ۱۸۹۰، یعنی «قوانین تقلید» و «فلسفه کیفری» مشهور شد. در واکنش علیه مکتب تحقیقی، تارد معتقد بود، همانطور که تاریخچه افراد در قالب خاطره، حافظه، عادت و خلق و خو تبیین می‌شود، تاریخ جوامع تحت حاکمیت این واقعیت است که انسانها، به طور نامحدود، از یکدیگر تقلید می‌کنند. جوامع، به طور مکانیکی متحول نمی‌شوند، بلکه تحت فشار تحریکهای فردی به جلو می‌روند. بزهکاری، مجموع جرایم در یک کشور و در یک زمان معین است. جرم بدون مباشر وجود ندارد و قابل تصور نیست. بدین ترتیب، تارد با دورکیم که می‌خواست وقایع و اعمال را به عنوان «اشیاء» تلقی کند، به مخالفت برخاست: به نظر تارد، «اگر جنبه فردی کنار گذاشته شود، جنبه اجتماعی هیچ است»؛ تعریف جرم، تحت تأثیر اندیشه‌های مربوط به حق و تکلیف قرار دارد. مخالفت وی با دورکیم، به ویژه در این است که نمی‌تواند مانند دورکیم، بپذیرد که جرم یک پدیده هنجاری و عادی اجتماعی است، زیرا جرم با اصل سازگاری و انطباق با جامعه در تضاد است.

موضوع فلسفه کیفری تارد، ارزیابی ارزش علمی و کارایی نظریات مکتب تحقیقی است. او با تپ بزهکار مادرزاد لمبروزو مخالف است، لیکن ملاحظات وی در مورد زبان «زرگری» خاص مجرمین و نیز درباره پدیده خالکوبی آنها را می‌پذیرد. تارد این موارد را به عنوان اصطلاحات و حالات صنفی تلقی می‌کند و «مجرم حرفه‌ای» را جایگزین «بزهکار مادرزاد» می‌نامد. بدین ترتیب، وی رفتار مجرم حرفه‌ای را از جرمی که فرد به مناسبت انجام شغل خود مرتکب می‌شود، تفکیک کرد.

تارد با همکاری لاکاسانی، از جرم‌شناسی، یک رشته مطالعاتی زنده در فرانسه به وجود آورد و با انتشار آرشیه‌های انسان‌شناسی جنایی، علوم پزشکی، فلسفه و حقوق را یکجا گرد هم آورد و متحد کرد. تأثیر افکار تارد در نظریه معاشرتهای ترجیحی و اقتراقی و فرایندهای یادگیری رفتار ضداجتماعی ساقولند مشهود است. بدین سان، تارد نیز به مانند دورکیم، در خصوص مفاهیم تعارضهای فرهنگی، خردفرهنگها، ضدفرهنگها و بی‌هنجاری بر جامعه‌شناسی جنایی آمریکا تأثیر گذاشته است.

ر.کد

Differential associations; Durkheim; Ferri; Garofalo; Lacassagne; Lombroso; Organized crime; Penal philosophy; Sense of responsibility; Sutherland.

\* \* \*

Target hardening

تقویت آماج جرم

(le) Renforcement de la cible

اصطلاح تقویت آماجهای اعمال مجرمانه، در مورد یکی از روشهای پیشگیری از جرم - پیشگیری وضعی - به کار می‌رود که از سوی پلیس مورد حمایت بسیار قرار گرفته است و هدف آن، به عنوان نمونه، افزایش امنیت فیزیکی آماجهای جرم است تا بدین وسیله کار مجرمین به هنگام ارتکاب جرم مشکل‌تر شود. روش مزبور مبتنی بر این پیش‌فرض است که می‌توان از طریق کاهش درجه آسیب‌پذیری آماج‌هایی که در حال حاضر فرصتهای آسان بسیار زیادی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازند، از وقوع جرم پیشگیری کرد. به عنوان مثال، تدابیر تقویت آماج که در مورد جرم سرقت از منازل، پیشنهاد شده است، شامل نصب زنگ خطر و قفل‌های مناسب‌تر؛ در مورد سرقت از فروشگاه‌ها، با نصب پرچسپ‌های کشف‌کننده سرقت بر روی اجناس و کالاهای موجود در قفسه‌ها که در معرض فروش قرار داده شده است؛ در مورد خرابکاری و تخریب، کاربرد مواد نشکن و ضدزنگ، حفاظت از اشیاء آسیب‌پذیر به وسیله تورهای فلزی و حفاظ‌های مشبک، استفاده از قاپیر گلاس، به جای روکش مبل از جنس پارچه در صندلی قطارها و اتوبوسها.

انتقادهایی که از روش تقویت آماج به عمل می‌آید آن است که این راه‌کار، صوری بوده و توجهی به علل اساسی وقوع جرم ندارد، و نیز در صورتی که در سطح وسیعی تعقیب شود ممکن است جامعه را به یک «دژ» و یک جامعه پلیسی - پادگانی تبدیل کند. تقویت آماج همچنین بر این اساس مورد انتقاد قرار گرفته است که متجر به «جابجایی» جرم می‌شود، زیرا باعث می‌گردد مجرمین به سمت آماجهای حفاظت نشده و بی‌دفاع رو آورند، یا از روش‌های متفاوت یا احتمالاً آسیب‌زننده‌تری استفاده نمایند. هنوز به روشنی مشخص نشده

است که در پی تقویت آماج‌ها، چه میزان جابه‌جایی جرم صورت می‌گیرد. لیکن، اینطور حس می‌شود که احتمالاً مجرمین مختلف به روشهای متفاوتی تحت تأثیر قرار گرفته و میزان جابه‌جایی، بستگی به فراگیر بودن پوشش تقویت حفاظت از آماج‌ها دارد.

بهترین دستاوردهای پیشگیرانه، مربوط به تدابیری است که در مورد تمامی آماج‌ها کاربرد دارد: در آلمان غربی، اجباری شدن نصب قفل فرمان برای تمام خودروها باعث شد که میزان جرایم مربوط به اتومبیلها کاهش یابد، در حالی که در همین کشور، نصب چنین قفل‌هایی تنها بر روی خودروهای نو، منجر به خطر بیشتری برای اتومبیل‌های حفاظت نشده شد. مثال موفق‌تری در رابطه با حفاظت عمومی در این کشور، پایان یافتن واقعی سرقت سکه از کیوسکهای تلفنی همگانی بود که به دنبال تعویض محفظه‌های آلومینیومی سکه با محفظه‌های آهنی محکم‌تر، از سوی اداره پست آلمان، عملی گردید (با کارتی شدن تلفن و حذف تلفن‌های سکه‌ای).

ر.ک.

Area studies; Criminal policy; Deterrence; Displacement of criminality; Environmental prevention.

\*\*\*

## Tattooing (le) Tatouage

## خالکوبی

واژه‌ای است پلینیری<sup>۴</sup> و برای هرگونه تزئین دائمی پوست به کار می‌رود که با تزریق مواد رنگی (معمولاً جوهر) در زیر پوست صورت می‌گیرد و هدف آن، نمایش است. خالکوبی در میان سربازان و دریانوردان از صدها سال پیش، امری معمول بوده و بیشتر خاص کارگران و صاحبان مشاغل یدی است. معمولاً انسانها از اینکه آنها را به زور، خالکوبی کنند ناخشنود می‌شوند، چون برداشتن آن دشوار و پرهزینه است (چندین زندان در انگلستان، دارای امکاناتی برای برداشتن خالکوبی‌های ناخواسته هستند). در برخی قوانین، مقرراتی برای

\* زبان مردم جزایر Polynisia در نزدیکی استرالیا که قبلاً آدمخوار بوده‌اند.



جرم‌نگاری خالکوبی افراد کمتر از ۱۸ سال پیش‌بینی شده است. جرم‌شناسان هنگامی که بی‌بُرند بسیاری از محکومین، خالکوبی شده‌اند، در ادوار مختلف به تحقیق پیرامون ارتباط خالکوبی و جرم پرداخته‌اند. معروفترین بررسی توسط لاکاسانی، پزشک و جرم‌شناس فرانسوی، در سال ۱۸۸۱ صورت گرفت که نتیجتاً مشخص شد از میان ۸۰۰ نفر سرباز محکوم فرانسوی، ۴۰٪ آنان خالکوبی شده بودند. لمبروزو اشاره نموده است که تیپ‌های جنایی‌ای که دارای صفات ژنتیکی نیاکائی بودند، علاقه شدید «بندوی» خود را به تزئین به‌وسیله خالکوبی ظاهر می‌ساختند. لیکن، باید خاطر نشان نمود که شناسایی و بازداشت افراد خالکوبی شده آسان‌تر از دیگران است و نیز زندانیان غالباً برای رهایی از ناراحتی فکری و یا جنب توجه دیگران، خود را خالکوبی می‌نمایند. بنابراین خالکوبی نشانه خاصی در تکوین جرم محسوب نمی‌گردد.

Criminal career; Criminal type; Lombroso; Positivism. ر.ک.

\* \* \*

Television, effects of

آثار تلویزیون

(Ics) Effets de la télévision

غالب نگرانی‌هایی که در مورد تلویزیون ابراز می‌گردد، درباره این احتمال است که نمایش مکرر خشونت در آن، باعث افزایش و تشویق رفتار خشونت‌آمیز و سرمشق‌گیری از آن شده و بدین ترتیب، موجب رواج خشونت می‌گردد. منتقدین این دیدگاه، چنین اظهار عقیده می‌نمایند که خشونت تصویری تنها یکی از چندین عامل مؤثر بوده و در اغلب موارد نیز دارای رابطه قطعی با خشونت نیست. نوشتگاه گسترده‌ای در این مورد وجود نرَد و برخی از مهم‌ترین آنها، به اظهار نظر مبتنی بر «عدم ثبوت» مسأله (رابطه مزبور) مبادرت نموده‌اند. بلسون (W.A. Belson)، تفاوت قابل ملاحظه‌ای را در سطح خشونت‌های گزارش شده پسرپچه‌ها، با توجه به میزان تماشای خشونت از تلویزیون، به اثبات رساند که بسیاری از مشخصات، به رغم دشواری تشریح، احتمال این امر بسیار زیاد است که تماشای بیش از حد صحنه‌های خشونت‌آمیز، به افزایش سطح خشونت عملی، ولو در حد اندک، کمک نماید.

Media

ر.ک.

\* \* \*

تروریسم، گونه‌ای از خشونت است که توأم با استفاده سیستماتیک یا تهدید به توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای تهدید یا ترساندن گروه موردنظر که وسیع‌تر از قربانیان آنی جرم می‌باشند، و یا به منظور ایجاد جو رعب و هراس صورت می‌گیرد. برخی از رژیم‌های سیاسی، از ترورهای دسته‌جمعی به مثابه روش متداول کنترل مردم و حکمرانی استفاده می‌کنند. البته چنین رژیم‌هایی اقتدارگرای فراگیر هستند و غالباً هرگونه مخالف و یا ناراضی سیاسی را «تروریست» و دست‌پرزوده دشمن، خصم، توطئه و استکبار جهانی و... می‌نامند. استفاده نادرست دیگری که از این واژه به عمل می‌آید استعمال تحقیرآمیز آن برای جنگ‌های چریکی، به طور کلی است. بسیاری از چریک‌ها و رهبران پارتنزانی، تروریسم را رد کرده‌اند. زبر لزوماً توأم با سلب حیات افراد بیگناه است. تروریسم که از دهه ۱۹۷۰ به این سو، به سرعت در دنیا افزایش یافته است، نوعی بدون هرگونه همراهی با جنگ چریکی یا شوروش عمومی روی می‌دهد. یکی از صفات مشخصه تروریسم آنست که به عنوان سلاحی در دست افراد ضعیف است تا خود را قوی نشان دهند. از میان گروه‌های افراط‌گرایی که از تروریسم علیه دولت‌ها استفاده کرده‌اند می‌توان به ناسیونالیست‌ها، انقلابیون نشومارکیست (سابق)، فاشیست‌ها، لفاغده بر اساس اسلام‌گرایی و... اشاره کرد.

یکی از اصول سیاست بین‌المللی از ۱۸۴۶ - یعنی دوران پس از جنگ دوم جهانی - این است که ملت‌های استعمار شده باید به استقلال برسند. لیکن قضاوت افکار بین‌المللی نسبت به اقلیت‌های نژادی که در داخل یک کشور، برای استقلال خود مبارزه می‌کنند، متفاوت است. این رویه ناشی از اصل دیگر زندگی در جامعه بین‌المللی است: به موجب این اصل، مرزهای موجود کشورهای غیرقابل تغییر است. لیکن، خواسته‌های جنبانی طلبانه، مرزها را زیرسؤال می‌برند. از این روست که این نوع جنگ‌های انقلابی منجر به مراحل سیاسی - نظامی نمی‌شود؛ بلکه در همان مرحله ایراد لطمه به نظم عمومی باقی می‌ماند (مانند ایراند شمالی، منطقه باسک در جنوب فرانسه و شمال اسپانیا). این نوع جنگ‌ها، سرکوبی شدید و فزاینده‌ای را به دنبال دارد.

اصطلاح تروریسم، پدیده معاصر را که در مورد آن بیان می‌شود به درستی بیان نمی‌کند و باید تعابیر «جنگ انقلابی» و یا «جنگ داخلی» را جایگزین آن نمود. «جنگ داخلی»،

مفهوم گسترده و جدیدی محسوب می‌شود. به عنوان مصداق این نوع جنگ، می‌توان گفت که برخی مبارزان از طریق هواپیما رهایی و اعمال مختلف دیگر، سعی کردند کل جهان را نسبت به موضوع و هدف مبارزه خود حساس و علاقمند نمایند. جهان، با کنار گذاشتن جنگ متعارف در شکل سنتی آن، به سوی اشکال دیگر رویارویی و مخاصمه گام برداشته است که وجه مشترک آنها، انتقال دادن پدیده‌های بزهکاری در مقیاس جهانی است؛ امری که خطر قابل توجهی محسوب می‌شود، زیرا انتقال و صدور بزهکاری ممکن است منجر به انتقام‌گیریهای نظام بشود.

Criminogenic society; Violence.

ر.ک.

\* \* \*

Test

آزمون

(Ic) Test

معاینه روانشناختی، مبتنی بر آزمون است زیرا آزمون، امکان مطالعه نمونه و مقطعی از رفتار و کردار انسان را فراهم می‌کند. بعضی مسائل در قالب پرسشهایی برای فرد مطرح می‌شوند، و سپس پاسخهای او یا اعمالی که وی در جهت اجرای آنها انجام داده است، با استفاده از جدولهای مرجع (رفرنانس) ارزیابی می‌شود. از نتایجی که بدین‌سان کسب می‌گردد، می‌توان قضاوتها و پیشگویی‌هایی را استخراج کرد. مثلاً آزمونهای مربوط به اندازه‌گیری سطح هوش یا ضریب هوشی (IQ) فرد، آزمونهای مربوط به منش فرد از طریق پرسشنامه، آزمونهای مربوط به اندازه‌گیری توانایی‌های حرفه‌ای فرد و.....

ر.ک.

Character; Criminal personality; Criminal psychology, Criminological diagnosis; Dangermuss; Medico psycho-social examination; Mental deficiency; Recidivism; Science of criminal trial; Treatment.

\* \* \*

دوپره (Duplic)، روانشناس فرانسوی معتقد است که حرص و از زیاد، افراد را به سمت اشکال مختلف جرایم علیه اموال سوق می‌دهد. از نظر روانشناسی اجتماعی، بعد از این که ثابت شده است حیوانات، اشیای مورد نیاز خود را تملک می‌کنند، نشان داده شده که غریزه مالکیت دارای اساس روانشناختی و نیز خصیصه جهانی و عمومی در جوامع کهن و در اطفال است. سرقت یا به عبارتی، ربودن مال غیر، از پدیده‌های مجرمانه بسیار شایع است.

اشکال سرقت ساده بسیار مختلف است: از سرقت ارتكابی توسط افراد ناقص‌العقل و عقیمانده ذهنی (سرقت از کشوی پول) گرفته تا سرقت‌هایی که از فنون پیچیده برای ارتكابشان استفاده می‌شود (سرقت از جواهر فروشی، سرقت از منازل) و سرقت‌های آسیب‌شناختی (سرقت از فروشگاه‌های بزرگ توسط افراد متمول و مشخص که در واقع نوعی بیماری است که به آن کلپتومانی - چتون سرقت - گویند).

سرقت، از جلوه‌های عمده بزهکاری در میان اطفال است، ولی انگیزه آنان در مقایسه با سارقان بزرگسال، بی‌نهایت متفاوت و متنوع است. از میان دیگر انواع سرقت می‌توان به دزدی‌های خانگی یا سرقت تفتنی (مثلاً سرقت خودرو برای خوشگذرانی)، سرقت‌های ارتكابی به نام و برای به اصطلاح تحقق عدالت (سرقت برای اهداف نوع‌دوستانه یا سرقت به منظور تلافی)، سرقت‌های سودجویانه و از روی نیاز، سرقت‌های سازمان‌یافته و بانندی اشاره کرد. چنانچه سارق در هنگام سرقت، متوسل به زور و خشونت گردد یا تظاهر به توسل به خشونت نماید، عنوان فعل ارتكابی وی، سرقت توأم با عنف Robbery خواهد بود؛ جرمی که معمولاً توجه رسانه‌های جمعی را بیشتر به خود معطوف می‌کند.

ر.ک. Crime; Criminal; Cohorts; Female criminality; Media; Perversion.

\* \* \*

Therapeutic community

جمعیت (گروه یا اجتماع) درمانی

(la) Communauté thérapeutique

هدف چنین گروه‌ها، جمعیت‌ها یا اجتماعات، درمان محکومین به حبس‌های طولانی‌مدت و بایبماران روانی، در جوی است که حتی الامکان و هرچه بیشتر، با جو حاکم در

یک نهاد رسمی (مثلاً زندان) متفاوت باشد، به این امید که از پیامدهای روانی زیان‌بار برای ساکنان، یا ایجاد یک فرهنگ سکونت‌نهادی که مشخصه آن، وجود نگرشهای ضداجتماعی است، جلوگیری به عمل آید. در اینگونه اجتماعات، جو حمایتی و مختارانه‌ای وجود داشته و ساکنان ترغیب می‌شوند که درباره مشکلات خود و دیگران در طی جلسات گروه‌درمانی که در آن، موانع سنتی موجود میان کارکنان و ساکنان شکسته شده و فاصله اجتماعی و ترس، کاهش می‌یابد به گفتگو بنشینند. در بسیاری از نوشته‌ها، شواهدی دال بر موفقیت چنین روش‌هایی ارائه شده است.

ر.کد.

Behaviour modification; Criminal psychology; Prison; Therapy; Treatment.

\* \* \*

## Therapy

## درمان

### (la) Thérapie

درمان در مفهوم مضیق آن، عبارتست از مداوا و معالجه پزشکی (مداوا از طریق تغییر حالت)، گو اینکه امروزه، این اصطلاح همچنین به معنای مداوا و معالجه روانی - اجتماعی (مداوا از طریق ایجاد ارتباط) نیز می‌باشد. طیف معالجات مبتنی بر استحاله (یا ایجاد دگرگونی) که احتمال استفاده از آنها در زندانها و یا بیمارستانهای روانی، برای مقابله با مشکلات رفتاری، بیش از بقیه روشها است شامل تجویز داروهای ضد روان‌پریشی، ضدافسردگی، ضداضطراب، و آرامبخش و خواب‌آور، درمان با تشنج برقی و مانند این‌ها است. اینگونه اشکال درمان پزشکی استاندارد، در ارتباط با مسائل خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد که برای آنها، روشهای معمول در پزشکی تجویز شده است. از سوی دیگر، درمان از طریق ایجاد ارتباط، که از دهه ۱۹۶۰ به این سو به نحو روزافزونی عمومیت یافته و مبتنی بر مدل‌های یادگیری یا اصلاح است، عموماً در ارتباط با مشکلاتی از قبیل اعتیاد، مشکلات جنسی یا مشکلات روابط میان‌فردی یا فتنان مهارت‌های اجتماعی، مورد استفاده واقع می‌شود.

دو شکل اصلی درمان عبارتست از روان‌درمانی و گروه‌درمانی؛

۱) «روان‌درمانی» را معمولاً به دو نوع درمان حمایتی (Supportive) و درمان تعبیری (Interpretive) تقسیم می‌نمایند. هر دو نوع، مبتنی بر بحث و گفتگوهای بسیار ساختارمندی است که صرفاً میان درمانگر و فرد بیمار صورت می‌گیرد. روان‌درمانی حمایتی، شامل توصیه، توجیه و بعضاً مناظره، در وضعیتی به دور از فشار، خصومت یا تعصب است که براساس ارزیابی عینی درمانگر از نیازهای بیمار و آنچه که واقعاً توسط بیمار قابل دستیابی است صورت می‌گیرد. روان‌درمانی تعبیری، مبتنی بر این پیش‌فرض است که بینش و ادراک، برای تعدیل رفتارهایی که به واسطه محرک‌های عاطفی، بروز می‌نماید ضروری است، لیکن این سؤال را نیز مورد پذیرش قرار می‌دهد که منشأ بسیاری از عواطف، به‌وسیله درون‌نگری قابل‌ترک نیست. بدین‌سان، فرآیند گفتگوی ساختارمندی که بیمار را نسبت به اهمیت واقعی تنش‌های عاطفی‌ای که قبلاً سرکوب شده، آگاه سازد علی‌القاعده بایستی کنترل و ثبات عاطفی بیشتری را ایجاد نماید؛

۲) در مقابل، «گروه‌درمانی» شامل یک سلسله جلسات درمانی می‌شود که در قالب گروه‌های کوچکی از افراد که دارای مشکلات مشابه می‌باشند تشکیل شده و مدیریت گروه را یک نفر درمانگر بی‌طرف به عهده دارد. جلسات شامل گفتگوهای باز و آزاد است و امکانات گروه، موجب پدید آمدن مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها و واکنش‌ها نسبت به موضوع مورد بحث شده، خطوط و جهت‌های درمانی فردی را ارائه نموده و آثار دوره‌های عملی را مشخص می‌کند. تنها تقاضایی که از شرکت‌کنندگان می‌شود صداقت و شرکت فعال در گفتگو است. برخلاف دیگر انواع درمان، به رغم آنکه بعضی از گروه‌های درمانی در بیمارستانها یا نهادهای دیگر تشکیل می‌شود، برخی دیگر، به نحو مختار و مستقل عمل می‌نمایند.

انواع دیگری از درمان وجود دارد که بسیاری از آنها، از یکی از مدل‌های اساسی پیش‌گفته نشأت می‌گیرد.

ر.ک.

Aversion therapy; Behaviour modification; Conditionability;  
Therapeutic community.

Topinard (p)

(1830-1911)

توپینار

(۱۸۳۰-۱۹۱۱)

توپینار، انسان‌شناس فرانسوی است که به نظر عده‌ای از دانشمندان، نخستین کسی بود که اصطلاح «جرم‌شناسی» را در اواخر سده نوزدهم میلادی به کار برد. البته گاروفالو در ۱۸۸۵ عنوان کتاب خود را «جرم‌شناسی»، به عنوان یک رشته مطالعاتی و علمی مستقل، انتخاب نمود، و بدین ترتیب گاروفالو مبتکر این اصطلاح به معنای علمی کلمه به شمار می‌رود.

Criminology; Garofalo.

ر.ک.



Treatment

(le) Traitement

رفتار اصلاحی - درمانی

در اواسط سده نوزدهم، مفهوم درمان و اصلاح یا رفتار اصلاح‌گر - درمانگر نسبت به بزهکار به کمک تجربه‌گرایی انگلوساکسون (که پرویش در سال ۱۸۴۱ ناشی از آن است)، نهادهای متفاوت برای صغار مجرم (۱۸۵۰) و نیز آموزه رودر (Roeder)، مشهور به «اصلاح‌گرایی» که در کانون اصلاح و تربیت المیرا، ویژه بزرگسالان (۱۸۷۶)، به اجرا گذاشته شد، ظهور کرد. اصلاح و درمان بزهکار عبارتست از اجرای یک برنامه مداوای روانی - اخلاقی، با رعایت شرایط لازم برای تأمین امنیت جامعه، به منظور بهبود امکانات سازش‌پذیر کردن اجتماعی او (درمان و اصلاح جرم‌شناختی). در مورد بزهکار بیمار، یک برنامه مداوای پزشکی نسبت به او به اجرا درمی‌آید (درمان و مداوای پزشکی). البته باید مسأله شباهتها و روابطی را که میان روشهای مداوای مورد استفاده در روانپزشکی و روشهای اصلاح و درمان کاربردی در جرم‌شناسی بالینی وجود دارد روشن کرد.

نخستین موضوع احراز شده، شکست کوششهایی است که براساس تیزی و تعمیم روشهای معمول در جراحی مغز و اعصاب (مثلاً لوبوتومی، یا لوکوتومی) یعنی عمل جراحی قطع ماده سفید مغز) و روشهای پزشکی (مثلاً الکتروشوک درمانی) نسبت به بزهکاران اعمال

گردیده است. روشهای شیمی‌درمانی روانپزشکی متناسب، به منظور پیشگیری از وقوع بی‌انضباطی و بی‌نظمی از طرف محکومین نامتعادل روانی در زندانها است.

دومین موضوع، راجع به چارچوب و فضای اصلاح و درمان است؛ در این خصوص، نحوه کلی تحول در جرم‌شناسی و در روانپزشکی، مشابه یکدیگر است. محیط اصلاح و درمان در روانپزشکی ترجیحاً شامل بخشهای باز (محیط باز) است. در جرم‌شناسی نیز گرایش به سمت توسعه اقدامات و تنابیری است که صرفاً محدود کننده آزادی باشند (مانند پروبیشن، نیمه آزادی (زندان نیمه‌وقت)، آزادی مشروط) و نه سلب آزادی، مشروط بر اینکه ملاحظات امنیتی در هر مورد، اجازه اجرای چنین اقدامهایی را بدهد. بنابراین کاربرد و ایده بیمارستان روانی و زندان به تدریج کاهش می‌یابد. در اینجا با دو پدیده مواجهیم که به موازات هم متحول می‌شوند: پروبیشن که به ابتکار کفاشی از اهالی بستون آمریکا به نام جان آگوستوس (J. Augustus) در سال ۱۸۴۱ معرفی شد؛ و نیمه آزادی که در اواسط سده نوزدهم به وسیله والتر کرفتن (W. Crofton)، به هنگام اجرای نظام تدریجی حبس در ایرلند ایجاد شد.

سومین موضوعی که ارزش گردیده، آن است که به نظر می‌رسد تأثیر روانپزشکی در مورد کوششهای مبنی بر انطباق نتایج روان‌درمانی‌های فردی و گروهی (اقدامات اجتماعی - تربیتی که جنبه حمایتی دارد و گفتگوهای گروهی یا مشاوره گروهی، بخشی از آن است) در جرم‌شناسی، بیشتر و محسوس‌تر بوده است. لیکن در مجموع، تفاوت عمده‌ای که میان درمان روانپزشکی و اصلاح و درمان بزهکاران وجود دارد، آن است که اولی منحصراً در قلمرو کار پزشکان قرار دارد، حال آنکه نوع دوم در قلمرو کار یک گروه (اکیپ) اجتماعی - تربیتی واقع می‌شود.

در گذشته، این اعتقاد وجود داشت که مدت درمان و اصلاح باید طولانی باشد، لیکن امروزه که هدف عمده، ایجاد دگرگونی در رفتار و رویه بزهکاران است، دوره‌های کوتاه و فشرده درمان و اصلاح، احیاء شده است. باید از دوره مداوای روانی - اخلاقی بزهکاران برای بالا بردن استعدادهای اجتماعی آنان نیز استفاده کرد. از این نظر، کار، ورزش، حرفه‌آموزی، بهداشت جسمانی و غذایی، امکانات مطمئنی محسوب می‌شوند.

ایزد عمده‌ای که علیه اصل اصلاح و درمان در جرم‌شناسی مطرح شده، آن است که بنا به نتایج پژوهشهای سنجشی، کارایی اصلاح و درمان بزهکاران بیشتر از کارایی نظام کیفری و به ویژه مجازات نبوده است؛ یعنی در هر حال با افزایش جرایم روبرو هستیم و بنابراین باید آن را کنار گذاشت. بعضی از جرم‌شناسان، مانند ژان پیناتل فرانسوی، این اعتراض را رد



می‌کنند و معتقدند که پژوهشهای ارزیابی‌کننده اقدامات اصلاحی - درمانی، نظام کیفری را با تجربه‌های واقعی و اصیل درمان و اصلاح مقایسه نکرده‌اند. اقدامات اصلاح و درمانی مورد مطالعه چنین پژوهشهایی تقریبی‌اند و در هر حال، چیزی شبیه اصل اصلاح و درمان به اجرا درآمده است و نه اصلاح کامل، زیرا کلیه امکانات برای تحقق این اصل هنوز فراهم نشده است.

حال سوآلی که مطرح می‌شود این است که آیا اصلاح و درمان بزهکاران - با توجه به دستاوردهای جرم‌شناسی - امکان‌پذیر است؟ به طور خلاصه می‌توان چنین پاسخ داد که: (۱) شخصیت و وضعیت (موقعیت)، یک کل کارکردی را تشکیل می‌دهد. بنابراین اصلاح و درمان مبتنی بر موقعیت که به وسیله یک کار اجتماعی مناسب محقق می‌شود، ممکن است بر کل تأثیر گذارد. به همین جهت مرحله بعد از درمان از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ (۲) سن یک عامل سرنوشت‌ساز و تضمین‌کننده است. بعد از ۳۵ سالگی، توان و امکان بزهکاری کاهش می‌یابد؛ (۳) در تحول شخصیت، آهنگهای زمینه‌ساز هیجانات وجود دارد. شناخت آنها، استفاده کردن از آنها و اعتبار بخشیدن به آنها ممکن است به عنوان هدف اصلاح و درمان مدنظر، قرار داده شود. بنابراین دستاوردهای جرم‌شناسی، زمینه‌هایی برای اصلاح و درمان بزهکاران باز کرده است. البته از اواخر دهه ۱۹۷۰، بعضی جرم‌شناسان مانند کوشون کنادایی معتقدند که سیاست بازپروری مجرمان شکست خورده است و کارنامه جرم‌شناسی کاربردی بالینی منفی است.

ر.ک.

Aggressiveness; Clinical criminology; Criminal policy; Criminogenic process; Criminological diagnosis; Prison; Probation and similar measures; Radical criminology; Sense of responsibility.

\* \* \*

## Typology

گونه‌شناسی، تیپ‌شناسی

### (la) Typologie

سیستمی از طبقه‌بندی جرایم یا مجرمین است و منجر به معرفی گروه‌هایی می‌شود که به

گونه‌های تعریف شده‌اند که در مقابل یکدیگر، اختصاصی باشند. گونه یا سنخ‌شناسی‌های تجربی را می‌توان از سنخ‌شناسی‌های نظری متمایز نمود. یک گونه‌شناسی مفید باید از نظر انواع، غنی بوده و هر یک از سنخ‌ها به راحتی قابل شناسایی باشند. همچنین باید بیشترین تمدد مجرمین یا جرایم را دربرگرفته و بزهکاران یا رفتار آنها را به انواع مختلفی تقسیم نماید که هر یک از آنها دارای توصیفات نظری متفاوتی، متناسب با گونه خود باشند. بسیاری از گونه‌شناسی‌های اولیه، دیگر مفید شناخته نمی‌شوند و به همین علت متروک‌اند.

سنخ‌شناسی مجرمین براساس سن، جنسیت، شخصیت، وضعیت تأهل، انگیزه، طبقه اجتماعی، آخرین جرم ارتكابی شناسایی و کشف شده و نیز محکومیت‌های قبلی صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، لیندا اسمیت (A.R. Linda Smith) و دونهام (H.W. Dunham) در مقاله «برخی از اصول گونه‌شناسی جنایی» در سال ۱۹۶۱، مجرمین «فردی» را از مجرمین «اجتماعی» (کسانی که اعمالشان مورد تأیید فرهنگ جامعه است) متمایز نمودند، و برخی دیگر در طبقه‌بندی مجرمین براساس انگیزه ارتكاب جرم، آنان را به مجرمین آزمایشگر، راحت‌طلب، غارتگر، ثانوی و... طبقه‌بندی نموده‌اند. در تقسیم‌بندی مجرمین براساس پیشه مجرمانه، سیزده گونه مختلف اعم از الگوهای بیگانه، دوگانه و سه‌گانه (اختصاصاً مرتکب یک، دو و یا سه نوع جرم) از یکدیگر تفکیک شده‌اند. برخی دیگر نیز یک نوع سنخ‌شناسی دیگر براساس یادگیری نقش‌های مجرمانه و یا طبقه‌بندی براساس انطباق مجرم با زندان ارائه نموده‌اند. گونه‌شناسی‌های ناظر به جرایم، به آزمون انگیزه، شرایط و اوضاع و احوال عمل، نوع هنجار نقض شده، رابطه با جزه‌بیده و میزان رفتار مجرمانه پرداخته‌اند.

و.ک.

Constitutional factors; Criminal career; Extraversion; Prisonization.

\* \* \*

## بیکاری

Unemployment  
(le) Chômage

بدون تردید، بیکاری ممکن است به واسطه ایجاد فقر، منجر به افزایش جرم گردد و در هر

حال، روش معمول در نگرش نسبت به آن، چنین است. برخی جرم‌شناسان در تحقیقات خود به وجود ارتباط معنادار میان نرخهای فرابنده بازداشت و نرخهای کمتر مشارکت نیروی کار دست یافته و اظهار عقیده کرده‌اند که در دوره‌های بیکاری شدید، کسانی که قبلاً محکوم شده‌اند، حتی کمتر از شرایط عادی، ممکن است قادر به یافتن شغل باشند. معذک، برخی دیگر، رابطه میان فرصت‌های شغلی قانونی و غیرقانونی را که ممکن است مانع‌الجمع، یا متفاوت ولی غیرانحصاری باشد، مورد توجه قرار داده‌اند. در عمل بسیاری از مجرمین، وقت خود را میان فرصت‌های قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌نمایند، ولی فرض مانع‌الجمع بودن معمولاً (و به غلط) در ارتباط با بیکاری مطرح می‌شود.

برخی جرم‌شناسان اشاره می‌کنند که مجرمین، بیشتر از گروه شاهد (یعنی افراد غیرمجرم) بیکار می‌شوند و بیش از آنان اقدام به تغییر شغل می‌کنند و در هنگام بیکاری، در مقایسه با زمانهای دیگر، بیشتر ممکن است مرتکب جرم شوند. اینگونه جرم‌شناسان، بیکاری را به عنوان «امری که بیش از هرچیز، به مثابه عامل محرک بالذوهای برای پیاده کردن رفتار مجرمانه‌ای است که قبلاً اکتساب شده»، تلقی می‌نمایند. لیکن آیا افراد تابع قانون که ناگهان با بیکاری روبرو می‌شوند، شروع به ارتکاب جرم می‌نمایند؟ آثار بیکاری احتمالاً بیشتر به صورت بی‌احساسی، استرس، بیماری و میگساری، ظاهر می‌گردد، نه خودبه‌خود به صورت ارتکاب جرم؛ و برخی چنین اظهار عقیده می‌نمایند که این آثار را بایستی در رابطه با احتمال اشتغال مجدد بررسی کرد؛ بدین معنا که وقتی بخت یافتن شغل دیگری کم باشد، بیکاری به صورت عامل برانگیزنده جرم عمل خواهد نمود. ونی هنگامی که فرد بیکاری را تنها به عنوان امری موقت به شمار آورده و بخت اشتغال مجدد و یافتن کار جدید را، به واسطه کشف جرم و سابقه کیفری، کاهش یافته ببیند، ممکن است بیشتر از زمان اشتغال، از قانون تبعیت نماید. (نباید فراموش کرد که بسیاری از افراد شاغل، به ویژه در طول دوره اشتغال، مرتکب جرایمی در شکل جرایم موضعی و مرتبط با حرفه خود به طور موقتی می‌شوند).

Criminology.

ر.کن.



## شهرنشینی - شهرنشین‌سازی

## Urbanization

## (U) Urbanisation

روابط میان شهر، شهرنشینی، شهرنشین‌سازی و بزهکاری در اواسط سده نوزدهم میلادی شدیداً مورد توجه واقع شده است. از یک سو، بزهکاری شهری از نظر کمی، از بزهکاری روستایی بیشتر است؛ و از سوی دیگر، شهرنشینی دارای پیامدهایی بر آنکال بزهکاری است. در مناطق روستایی، بزهکاری خشونت‌آمیز و فیزیکی (مانند قتل، جرایم خشونت‌آمیز) بیشتر اتفاق می‌افتد. حال آنکه در شهرها، بزهکاری سودجویانه و تزویرآمیز بیشتر ارتکاب می‌یابد.

رابطه میان شهر و توسعه آن و نیز ارتباط شهرنشینی با بزهکاری در ایالات متحده آمریکا، از اوایل سده بیستم میلادی تا پایان جنگ دوم جهانی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مناطق شهری و بزهکاری تا مرز ۲۵۰۰۰۰ نفر جمعیت، به موازات هم متحول می‌شوند (مطالعه I. B. Vold). از سوی دیگر، مطالعات انجام شده در شیکاگو، همبستگی میان بزهکاری و سایر پدیده‌های اجتماعی را در بعضی از نواحی شهری موسوم به «فضاها و مناطقی بزهکاری» نشان داده است (مطالعات Clifford Shaw). با توجه به این نتایج، نظریه‌ای بوم‌شناختی در این خصوص ارائه شده است که به موجب آن، «استخدام بزهکاران» و بزهکاری معمولاً در محله‌های پایین شهرهای بزرگ - به ویژه به وسیله باند‌های اطفال و نوجوانان - صورت می‌گیرد.

این مطالعات، بر تحقیقات جرم‌شناسی در اروپای پس از جنگ دوم جهانی نیز تأثیر گذاشته است. به موجب مطالعات دنی زاو، جرم‌شناس کانادایی مجارستانی‌تبار، در فرانسه (۱۹۶۰)، بین توسعه شهرها و شهرنشینی و بزهکاری همبستگی قابل توجهی وجود دارد، ولی وی معتقد بود که نقش جرم‌زای محیط شهری نسبت به گذشته محدودتر شده و تضاد، نفاوت و تناقض شهر با روستا نیز کاهش یافته است.

توسعه شهرها و شهرسازی نامنظم و همراه با هرج و مرج، که در بحران بزهکاری نقش مهمی ایفا کرده است، یکی از ویژگی‌های عمده جامعه فرصت‌محوری را تشکیل می‌دهد. زاو مفهوم محیط شهری را در مقابل مفهوم محیط فنی قرار داده است (۱۹۶۹). ولگاتنگ و فراکوتی نیز به نوبه خود، وجود خرده‌فرهنگ‌های خشونت را در شهر نشان داده‌اند (۱۹۶۷). لاوربیت (H. Laborit)، از سوی دیگر، اهمیت نزدیک بودن، مجاورت و همسایگی فشرده

دانشنامه جرم‌شناسی / ۲۸۳

انسانها را در ایجاد حالت پرخاشگری و تهاجم در انسان نشان داده است (۱۹۷۱). بیناتل نیز در کتاب «جامعه جرمزا» (۱۹۷۱) بر این موضوع تأکید کرده است.  
ر.ک.

Area studies; Criminal sociology; Criminogenic society; Housing;  
Wolfgang.

\* \* \*

Utilitarian homicide

قتل فایده‌گرایانه

(۱') Homicide utilitaire

قتل مبتنی بر فایده، مستلزم آن است که فرد مجرم در وضعیتی خاص یا خطرناک قرار داشته باشد و نتواند، به جز از طریق ارتکاب جرم، از آن وضعیت رهایی یابد؛ مثل حذف فیزیکی یک فرد مزاحم، که این خود یک عمل رهایی‌بخش و آزادکننده است، مانند همسری که شوهرش را از میان می‌برد، زیرا وی را به عنوان جلال‌خانه احساس می‌کند؛ یا فرزندی که برای حمایت از مادرش، پدر خود را به قتل می‌رساند. قتل فایده‌گرا در کنار قتل احساساتی، یکی از انواع قتل‌های عمد است.  
ر.ک.

Acting out; Affective indifference; Criminal personality;  
Criminogenic process; De Greef; Homicide of passion; Precriminal  
situations; Violence.

\* \* \*

Vagrancy

ولگردی

(۱c) Vagabondage

نهادهای رفاهی دولتی و داوطلبانه مردمی در کشورهای غربی، امروزه به جای اصطلاح

«ولگردان» از تعییر ظاهراً بی‌طرف‌تر «فرد تنها و بی‌خانمان» استفاده می‌نمایند. لیکن مفاهیمی که به‌وسیلهٔ آن، افراد ولگرد شناخته می‌شوند، خالی از ارزش نیستند، بلکه بازتاب روش‌های خاص تفکر و عمل در قبال مشکلات‌اند. تحقیقات جدید به‌منظور تعیین ویژگی‌های غالب در آوارگی، با تکیه بر جنبه‌های جمعیت‌شناختی، اجتماعی - پزشکی و کیفری، نشانگر الگویی از بی‌خانمانی، ارتکاب دانهی جرایم کوچک به‌صورت عادت، فقر مُزمن، وابستگی به نهادهای امدادی و سلامت ضعیف جسمانی و روانی است. به‌طور کلی، افراد ولگرد در مؤسساتی از قبیل خانه‌های مسکونی مشترک و مراکز پذیرش دولتی، شبانه‌روزی‌ها، بیمارستان‌ها و زندان‌ها و به‌نسبت کمتری در ساختمان‌های متروک و فضاهای عمومی زندگی می‌کنند. این نهادها را به‌مثابهٔ مجموعه‌ای که اجزاء آن به یکدیگر مربوط است، می‌توان به‌عنوان نوعی «پناهگاه باز» در نظر گرفت که افراد ولگرد، ادامه حیات خود را وابسته به آن نموده و ندرتاً از آن فرار می‌کنند.

امروزه، افراد ولگرد، به‌عنوان مثال در بریتانیا عموماً مرد هستند، عمدتاً در سنین متوسط و دارای پیش‌زمینهٔ تربیتی - خانوادگی از طبقهٔ کارگر می‌باشند. امروزه در میان جمعیت ولگردان، زنان نیز - نه در اندازه مردان - دیده می‌شوند. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد زنان و جوانان، اعم از پسر و دختر، بیش از پیش به سمت نوعی از زندگی گولی‌گری شهری رو می‌آورند (خیابان‌گردی، خیابان‌خوابی). چنین امری، برخلاف این پیش‌زمینه است که «سیاست‌های جاری، به‌صورت مدوّن درآمد است و توجه انسان را به جای اینکه به سمت ریشه‌های ساختاری مسأله معطوف نماید، به سوی آسیب‌شناسی اجتماعی و پزشکی فرد جلب می‌کند و از واحدهای پیشرفتهٔ اصلاح و تربیت، بازپروری و مراقبت پس از آزادی، دفاع می‌نماید.

توصیف افراد ولگرد از نظر آسیب‌شناختی، با تأکید بر ابعاد خرده‌فرهنگی مسأله تا حدی با مخالفت روبرو شده است. شیوهٔ زندگی ولگردان از دید خود آنان، حاکی از الگوی پیچیده‌ای از ارزش‌ها و خصمشی‌های حفظ بقا، در پاسخ به نابرابری‌های مربوط به محرومیت، ظلم و فقر است. از این چشم‌انداز، معنایی که ولگردان به شیوهٔ زندگی خود می‌دهند تا حد بسیار زیادی به‌وسیلهٔ نوع دخالت نظر و عملی دولت و نهادهای کنترل اجتماعی شکل می‌گیرد. به‌رغم صنعتی شدن و تدارک امکانات رفاهی، ادامه فقر وسیع و بیکاری فراوان، بدان معنا است که افراد ولگرد هنوز هم در میان جوامع زندگی می‌کنند، گو اینکه ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار آنان با شرایط متغیر کنترل اجتماعی همساز شده است.

امروزه در کشورهای صنعتی غرب، اشکال جدید ولگردی در واقع به‌عنوان یک شیوهٔ

خاص زندگی تبیین و توجیه می‌گردد و به همین جهت در سطح وسیعی، از این پدیده جرم‌زدایی شده است. زیرا توأم با خشونت و جرم نبوده و صرفاً شامل رفتارهای «متحرقاته» و نوعی دگرزیستی می‌شود.

Deviance; Deviant; Maladjustment; Sub-culture. ر.ک.

\* \* \*

Values

ارزشها

(les) Valeurs

علوم انسانی فقط از مفاهیم علمی استفاده نمی‌کند، بلکه به مفاهیمی که بیانگر احکام و قضاوت‌های ارزشی هستند نیز توجه دارد. به عنوان مثال، مفاهیم سلامت، بیماری و شفا قابلیت تعریف علمی را ندارند. اما در عین حال، علم پزشکی نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد؛ یا مفاهیم خطا و ناحق و ناعادلانه ممکن است جای بحث داشته باشند، معذک در جرم‌شناسی به آنها استناد می‌شود. ارزش، در معنای مجازی آن، شاخص بهایی است که یک شخص یا یک شیء دارد و در معنای جرم‌شناختی آن، مفهومی است بیانگر اهمیت قاعده‌ای که به اعتقاد ما ضروری است. ارزش در نهایت، آن چیزی است که جامعه یا فرد قادر است خود را مطیع آن نماید و از آن پیروی کند.

در چشم‌انداز اجتماعی، وقایع و اعمالی که ممکن است به‌وسیله قانون مجازات، «مجرمانه» تلقی شوند، آنهایی هستند که به ارزشهایی که جامعه از آنها پیروی می‌کند و مطیع آنها است، لطمه وارد می‌کند. بعضی از این ارزشها دارای خصیصه دائمی بوده و همواره در طول تاریخ حقوق کیفری وجود داشته‌اند (مانند قتل، سرقت، تجاوز جنسی). اما بعضی دیگر، جنبه احتمالی و متغیر داشته و در نوسان‌اند. در کشورهای غربی، در اوایل سده نوزدهم میلادی، امنیت شخصی و اخلاق جنسی شدیداً حفاظت می‌شده است؛ امروزه جرایم اقتصادی و سیاسی به وفور ارتکاب می‌یابند و جرایم جدیدی که ناشی از پیشرفت‌های فنی است ظاهر می‌شوند (مثلاً جرایم رایانه‌ای یا جرایم سایبری، جرایم علیه محیط‌زیست). حقوق بشر در بسیاری از جوامع یک ارزش عمده محسوب می‌شود؛ تضمین آزادی فردی در مرحله رسیدگی قضایی و طرد مفهوم حالت خطرناک قبل از ارتکاب جرم در حقوق جزایی، جلوه‌هایی از آورده‌های حقوق بشر محسوب می‌شوند.

در جرم‌شناسی بالینی نیز توجه به ارزشها ضروری است. ژست و حرکت مجرمانه، از ارزش اخلاقی‌ای که مباشر برای آن قائل است، غیرقابل تفکیک است. پدر روحانی، صایو (P. Mailloux)، جرم‌شناس و روانشناس کانادایی، بر تمایل به پاسداری از مجموعه‌ای از ارزشها در زندگی مجرمانه فرد تأکید کرده است. از آنجا که ارتقاء انسان، نه به غرایز دفاعی، بلکه به شکوفایی غرایز دستگیری، همدردی، شفقت و همدلی وابسته است، بنابراین درمان روانی - اخلاقی بزهکار باید مبتنی بر آزادی، عشق، بی‌غرضی، بی‌طرفی، شرف و عفت باشد. یک جامعه نیز، برای این که جرم‌زا نباشد، باید براساس این ارزشها بناگردد.

ر.ک.

Clinical criminology; Criminal laws; Criminal policy; Criminogenic society; Instincts; Sense of responsibility.

\* \* \*

## جرم (بزه) بی‌بزه‌دیده

### Victimless crime

#### (le) Crime sans victime

زمانی می‌توان از جرم بی‌بزه‌دیده سخن گفت که خسارت و ضرر یک عمل، علیه شخص دیگری نباشد، بلکه علیه خود شخص باشد؛ با همکاری و توافق شخص دیگری که درگیر در عمل بوده است، ارتکاب یافته باشد؛ شکایتی از سوی افراد درگیر در عمل، نزد پلیس اقامه نشده باشد؛ این افراد خود را متضرر از عمل ارتکابی تلقی نکنند؛ تنها رابطه‌ی اوادی مستقیمی بدون سود تجاری برای یکی از طرفین جرم وجود داشته باشد؛ تعریف قانونی عمل ارتکابی به عنوان جرم، محل بحث باشد.

اصطلاح جرم بی‌بزه‌دیده در مورد سقط جنین، همجنس‌گرایی، استعمال مفرط نوشیدنی‌های الکلی و مواد مخدر، روسپیگری (تن‌فروشی)، ولگردی، تکدی و خودکشی به کار برده شده است. بعضی جریان‌های فکری در جرم‌شناسی، طرفدار «جرم‌زدایی» از این اعمال هستند، یعنی مایلند که عناوین مزبور از قلمرو قانون مجازات خارج شده است و صرفاً موضوع بحثهای اخلاقی یا سیاسی واقع شوند؛ بدین ترتیب بود که در بعضی از کشورها مثلاً عمل زنا با قراضی مشمول جرم‌زدایی شد. در مقابل، جریانهای دیگری طرفدار جرم‌انگاری



پاره‌ای اعمال فردی یا جمعی هستند که امروزه برای جامعه بشریت، خطرناک به نظر می‌رسند. به عنوان نمونه، آلودگی محیط‌زیست (مانند آلودگی هوا، آلودگی صوتی) به عنوان جرایم علیه محیط‌زیست، لطمه زدن به کرامت شخص انسان (جرایم علیه بشریت) و جرایم رایانه‌ای (سایبری).

Victimology.

ر.ک.



Victimology

بزه‌دیده‌شناسی

(la) Victimologie

فون هنتیگ (Von Hentig) کتابی با عنوان «بزهکار و قربانی او» در انتشارات دانشگاه ییل (آمریکا) در سال ۱۹۴۸ منتشر نمود. وی در اثر خود، مفاهیم «بزهکار - بزه‌دیده»، «بزه‌دیده پنهان» و «رابطه خاص بزهکار - بزه‌دیده» را مطرح نمود. در همان زمان، میندلسون (Mendelson) بزه‌دیده‌شناسی را در قالب یک رشته مطالعاتی عمومی، یعنی قربانی‌شناسی یا قربانی‌شناسی عمومی، سازمان داد که قلمرو آن از قلمرو جرم‌شناسی فراتر رفته و به قربانیان غیرنظامی، سیاسی، نژادی و مذهبی نیز تعمیم داده می‌شد. در واقع، وی «قربانی‌شناسی» به معنای عام کلمه را مدنظر داشت و نه بزه‌دیده‌شناسی (مجبوری علیه‌شناسی) یا قربانی‌شناسی کیفری را، به معنای خاص حقوق کیفری.

مفهوم «بزهکار - بزه‌دیده» به مواردی اشاره دارد که فرد می‌تواند طی آنها - برحسب اوضاع و احوال - بزهکار یا بزه‌دیده شود. این موضوع ممکن است به صورت متوالی صورت گیرد. (مثلاً کودکی که مورد ضرب و شتم واقع و اذیت و آزار قرار گرفته، به یک بزهکار تبدیل می‌شود) یا این که موضوع ممکن است به طور همزمان صورت گیرد (مثلاً کتک‌کاری، یا جرایم راهنمایی و رانندگی که در این موارد، فرد هم بزهکار است «مباشر جرم» و هم بزه‌دیده «متضرر از جرم»). مفهوم «بزه‌دیده پنهان یا بالقوه» که با مفهوم «بزه‌دیده مادرزاد» تفاوت دارد، بر استناد فرد در قربانی و بزه‌دیده واقع شدن تأکید دارد (مانند تمایلات خودآزاری و خودتنبیهی). مفهوم «روابط خاص بزهکار - بزه‌دیده» شامل روابط متقابل بین مجرم و

بزه‌دیده می‌شود [مانند روابط زن روسپی و فرد حامی و هوادار او (به نوعی قواد)، یا رابطه فرزند و پدر در پدرکشی]. بدین‌سان، بزه‌دیده، یک رکن حیاتی در موقعیت یا وضعیت مستعد ارتکاب جرم، به ویژه در موقعیت‌های خاص محسوب می‌شود.

روابط مجرم و بزه‌دیده، متأثر از عوامل زیست‌شناختی (مثلاً سن که غالباً اطفال و نوجوانان و سالمندان را آسیب‌پذیر می‌سازد، جنسیت که در حمله به زنان و دختران نقش مهمی دارد) و یا آسیب‌شناسی (که خطراتی را برای عقب‌ماندگان ذهنی و ناقص‌العقلها و معتادان به الکل به دنبال دارد) و عوامل اجتماعی (مانند مشاغل مختلف که خطرات متفاوتی را به همراه دارد) و وضعیت اجتماعی (که بیگانگان، مهاجران و اقلیت‌های نژادی و مذهبی را در یک کشور معین در معرض خطر جرم قرار می‌دهد) است. سازوکارهای واکنشی، غالباً رابطه میان بزهکار و قربانی او را محقق و عملی می‌سازد (مثلاً رابطه روان‌نژندی در بعضی از نمونه‌های پدرکشی یا جذب‌های متقابل دو تیپ مکمل یکدیگر مانند زن و شوهرهای معتاد به الکل، و زن روسپی و مرد حامی او، به نوعی قواد).

در دهه اخیر، قلمرو جدیدی به بزه‌دیده‌شناسی افزوده شده و آن «پژوهش‌های بزه‌دیدگی» است که هدفشان از یک سو، روشن کردن بخش تاریک یا رقم سیاه بزهکاری است و از سوی دیگر، پی بردن به این موضوع است که چرا بعضی شهروندان، جرایم متحمل را به مقام‌های صالح اعلام می‌کنند و عده‌ای دیگر از اعلام آن صرف‌نظر می‌نمایند، یا این که معمولاً از اقشاه چه جرایمی به مقام‌های پنیس و قضایی خودداری می‌شود.

بزه‌دیده‌شناسی باعث شده است که از نظر سیاست جنایی، مسأله ترمیم خسارات وارده به بزه‌دیدگان یا خسارت‌زدایی از آنها مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد؛ این مسأله امروزه به موارد جبران خسارت از قربانیان بازداشته‌های موقت ناموجه یا قربانیان اشتباهات قضایی نیز تسری داده شده است. بدین ترتیب، بزه‌دیده‌شناسی در یک قلمرو وسیع از جرم‌شناسی وارد می‌شود. به علاوه باید دانست که جرایم بدون مجتی‌علیه و قربانی نیز وجود دارد مانند سقط جنین و اعتیاد به مواد مخدر.

ر.ک.

Acting out; Criminal statistics; Precriminal situations; Victim surveys;  
Victimless crime; Von Hentig.

\* \* \*

Victim surveys

(les) Enquêtes de victimisation

تحقیقات از بزه‌دیدگان

(پژوهشهای بزه‌دیدگی)

تحقیقات مبتنی بر اظهارات بزه‌دیدگان، عبارتست از بررسی‌هایی که معمولاً در مورد گروه‌های معرّف کل جمعیت صورت می‌گیرد و از آنان در خصوص جرایمی که ممکن است در طول یک دوره زمانی خاص علیه آنها ارتکاب یافته باشد، سؤال می‌شود. اینگونه مطالعات، نخستین بار در ۱۹۶۷ در آمریکا مطرح شد. از آن هنگام، دولت فدرال از طریق اداره سوشماری ایالات متحده اقدام به انجام بررسی ملی جرایم نموده است؛ بررسی گروهی مستمری که در آن، هر شش ماه یک بار اطلاعاتی از تعداد ۶۰/۰۰۰ خانوار جمع‌آوری می‌شود. بررسی‌های دوره‌ای دیگری نیز در برخی از شهرهای آمریکا صورت گرفته است. بررسی‌های ملی، امروزه در کشورهای اسکانديناوی، کانادا، استرالیا و هلند نیز انجام می‌شود و در همین حال، مناطق خاصی به عنوان مثال در آلمان و سوئیس نیز مورد مطالعه قرار گرفته است.

در انگلستان یکی از معروف‌ترین بررسی‌های اولیه در خصوص بزه‌دیدگان، توسط ریچارد اسپارکس (Richard Sparks)، جرم‌شناس انگلیسی، و همکارانش در سال ۱۹۷۲ انجام شد که در سال ۱۹۷۷ با عنوان «تحقیق درباره بزه‌دیدگان» منتشر شد. در همین کشور، از ۱۹۷۲ به این سو، بررسی عمومی خانوادها در سطح ملی شامل چند پرسش محدود در ارتباط با نحوه بزه‌دیدگی صورت می‌گیرد و در عین حال بررسی بسیار جامع‌تری در ارتباط با جرم، که مبتنی بر داده‌های مربوط به قربانیان جرایم است، در سال ۱۹۸۲ از سوی واحد تحقیق و برنامه‌ریزی وزارت کشور انگلستان انجام شد.

یکی از اهداف اصلی تحقیق از بزه‌دیدگان، تهیه آمارهایی در خصوص موارد وقوع جرم است که مستقل از آمارهای رسمی مربوط به جرایمی است که توسط پلیس ثبت می‌گردد. مثلاً ارزیابی‌هایی در ارتباط با «رقم سیاه» جرایم - مثلاً سرقت، تجاوز جنسی - صورت می‌گیرد و، در صورت تکرار، می‌تواند اطلاعاتی را در مورد روند جرایم، صرفنظر از آمارهای پلیس، فراهم آورد. بررسی درباره بزه‌دیدگان همچنین می‌تواند نشانگر این باشد که کدامیک از گروه‌های اجتماعی، بیش از بقیه در معرض انواع مختلف جرایم‌اند و می‌تواند موجب جمع‌آوری اطلاعات بیشتری در مورد الگوهای ارتکاب جرم (مثل شرایط و اوضاع و احوالی که جرم در آن اتفاق می‌افتد و پیامدهای جرم برای بزه‌دیده) باشد. تحقیقات درباره بزه‌دیدگان

همچنین نوعاً به عنوان وسیله‌ای برای کسب اطلاعات پیرامون مسائل مربوط به جرم، مانند اینکه چرا وقوع جرم، همیشه به پلیس اطلاع داده نمی‌شود، نرس و وحشت پاسخ‌دهندگان نسبت به جرم، و تمهیدات و احتیاطهایی که برای جلوگیری از بزه‌دیدگی به عمل می‌آید، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Criminal statistics; Hidden criminality; Self-report studies. ر.ک.

\* \* \*

## Violence

## خشونت

### (Ia) Violence

شنه (J.Ch. Chesnais)، جمعیت‌شناس فرانسوی، در اثری تحت عنوان «خشونت» (۱۹۷۷)، ابتدا «خشونت مجرمانه» (قتل، جرایم خانوادگی، طفل‌کشی، پدربکشی، ضرب و جرح، و تجاوز جنسی) و سپس «خشونت انتحاری و تصادفی» (جرایم رانندگی) و بالاخره «خشونت جمعی» (تروریسم) را مورد مطالعه قرار داده است. خشونت، در واقع، شکل افراطی تهاجم است. گانگستریسم، هواپیما‌رایی و تخریب هواپیما، تیراندازی بی‌هدف، انفجارها و سوءقصد‌ها و تجاوز جنسی در ملاءعام، از مصداق بارز خشونت در شرایط کنونی است. به این خشونت کورگورانه و بی‌هدف، «خشونت نهادی و رسمی یا دولتی» یعنی خشونت حکومت‌های اقتدارگرای فرگیر و عمال آنها را نیز باید افزود. «خشونت درمانگر یا خشونت درمانی» - مثلاً در قبال بیماران شدید روانی - نیز نوعی دیگر از خشونت محسوب می‌شود. تحقیقات گوناگون در ارتباط با تأثیر فیلم‌های مبتذل جنسی بر رفتار خشونت‌بار، نشان داده است که تماشای اینگونه فیلم‌ها اثرات منفی غیرقابل تردیدی بر ارتکاب خشونت از سوی مردان دارد؛ این تأثیر، به ویژه در صورتی که فیلم‌ها شامل تجاوزات جنسی خشونت‌بار باشد، بیش از پیش به چشم می‌خورد.

ر.ک.

Aggressiveness; Criminogenic society; Gangs criminality; Political crimes; Rape; Social reaction; Terrorism.

\* \* \*

Visibility

رویت‌پذیری - پیدایی

(la) Visibilit 

غالب جرایم، با توجه به خسارت و زیان آشکاری که وارد می‌کنند، یا به لحاظ حضور شاهد، پلیس، خودبزه‌دیده و... در زمان ارتکاب، بسیار مشهود و رویت‌پذیرند، در حالی که بسیاری از اعمال مجرمانه و به ویژه جرایم بدون بزه‌دیده مانند اعتیاد، ولگردی، تن‌فروشی، لواط و... به این جهت که در اماکن خصوصی به وقوع می‌پیوندد، ممکن است رویت‌پذیری کمی داشته و این مسأله، بر امکان کشف و گزارش رسمی آنها به مقامهای پلیس و قضایی تأثیر گذارد. عواملی که منجر به افزایش رویت‌پذیری جرایم می‌شود عبارتست از جمعیت زیاد، پررفت و آمد کردن، محل‌های خلوت و تشدید امکانات نظارت و پایش. تقویت چنین عواملی، موجب کشف بیشتر رفتارهای مجرمانه می‌گردد که باید متعاقباً تحت پیگرد قرار گیرد.

Criminal statistics; Hidden criminality.

ر.ک.

\* \* \*

Von Hentig (Hans)

(1887-1974)

فون هنتیگ (هانس)

(۱۸۸۷-۱۹۷۴)

فون هنتیگ، جرم‌شناس آلمانی تبار آمریکایی، همچون بنیامین میندلسون از جمله پیشگامان بزه‌دیده‌شناسی است که در دوران حکومت نازیها در آلمان به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد. آورده‌های او در این قلمرو بسیار مهم است:

- متحول کردن مفهوم جرم‌شناختی بزّه‌کار و بزّه به سمت مفهومی که بزه‌دیده را نیز به عنوان یک طرفی عمل مجرمانه مورد توجه قرار می‌دهد، - مطالعه رابطه بین بزّه‌کار و قربانی مستقیم عمل او (بزه‌دیده) به عنوان یک رابطه تعاملی (کنش متقابل) و یک رابطه متقابل همانند دو شریک.

- طبقه‌بندی بزه‌دیدگان.

اثر هنتیگ، تحت عنوان «بزّه‌کار و قربانی او» (۱۹۴۸)، منشور بزه‌دیده‌شناسی محسوب

می‌شود. لیکن باید یادآوری کرد که بنیامین مندلسون (B. Mendelsohn) واژه «بزه‌دیده‌شناسی» و بزه‌دیدگی (victimité) را در سال ۱۹۴۷ برای نخستین بار به کار برد. وی نیز بزه‌دیدگان را براساس منش، میزان و نحوه مشارکت و مسؤلیت مشترک آنها در عمل مجرمانه به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

بزه‌دیده بی‌گناه، بزه‌دیده بی‌احتیاط، بزه‌دیده عامد، بزه‌دیده تحریک کننده، بزه‌دیده خیال‌پرور (تخیلی).

Victimology

ر.ک.

\* \* \*

## بزهکاری یقه‌سفیدها

White-collar criminality

(la) Criminalité en col blanc

نخستین کاربرد اصطلاح «جرایم یقه‌سفیدان» را معمولاً به ادوین اچ. ساترلند، جامعه‌شناس و جرم‌شناس آمریکایی نسبت می‌دهند که در سال ۱۹۳۰ این تعبیر را مورد استفاده قرار داد.

اینکه آیا عنوان مزبور نشانگر نوع یا طبقه خاصی از رفتارهایی باشد که دارای اهمیت جرم‌شناختی هستند یا خیر، مورد بحث است. ساترلند آن را به عنوان اصطلاحی در نظر گرفت که شامل جرایمی می‌شود که اصولاً از سوی اعضاء متعلق به «طبقه بالای جامعه» ارتکاب می‌یابد و این توصیف را به «اشراف و شاهزاده‌های ناچر، صاحبان سرمایه و صنعت» اطلاق نمود.

ساترلند ابتدا به مطالعه رفتار مجرمانه منظم و سیستماتیک پرداخت و در این دیدگاه، نظریه «معاشرتهای ترجیحی» را تدوین کرد. سپس جذب مطالعه جرایم ارتكابی توسط یقه‌سفیدها شد. بررسی دفاتر و فیش‌های قانونی هفتاد شرکت صنعتی و بازرگانی، از بزرگترین شرکت‌های آمریکایی در این صنف (به جز بخش عمومی، بخش مالی و بخش نفت) وی را به سمت مطالعه این نوع خاص از جرم هدایت کرد. این فریשה نشان داد که تمام صنوف بزرگ، قوانین و مقررات بازرگانی را نقض کرده‌اند و حتی بعضی از آنها، به کزات، این کار را انجام داده‌اند. ساترلند، رفتار و عملکردی را که دارای چنین ماهیتی است «جرم خاص

یقه سفیدها» نام نهاد و کتابی در ۱۹۴۹ تحت همین عنوان منتشر کرد؛ سپس حلیعتاً از این نوع جرم به مباشر آن یعنی به «بزهکار یقه سفید» رسید که در همان سال نیز کتابی تحت همین عنوان منتشر نمود.

بزهکار یقه‌سفید، فردی منظم و از نظر اجتماعی، سازش‌یافته، سازگار و انطباق‌پذیر است؛ این نوع بزهکار، فردی است که متعلق به طبقه اجتماعی - اقتصادی بالای جامعه است و قوانینی را که حاکم بر فعالیت‌های حرفه‌ای او می‌باشد خوب می‌شناسد و می‌داند چگونه به کرات آنها را، نقض کند. اینگونه بزهکاران را باید، از یک سو از مجرمینی که به همان طبقه اجتماعی - اقتصادی تعلق دارند، لیکن به طور تصادفی و گاه‌گاه - و نه خیلی منظم - قواعد حرفه خود را نقض می‌کنند (مثلاً وکلاء و کارمندان متقلب، محضرداران پولدوست، پزشکان سودجو) و از سوی دیگر، از افرادی که وابسته به طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا هستند، اما مقررات عمومی فانون مجازات را نقض می‌کنند، یعنی مرتکب جرایم عادی نامرتبط با حرفه خود می‌شوند، تفکیک کرد.

رقم سیاه بزهکاری یقه‌سفیدها نسبتاً بالاست. بعضی از جرم‌شناسان معتقدند که بزهکار یقه‌سفید از عدم تعقیب کیفری و عدم مجازات برخوردار است، حال آنکه بزهکاران یقه‌آبی، یعنی اکثریت بزهکاران که متعلق به طبقات اجتماعی پایین و زحمتکش و کارگرند، همیشه مورد تعقیب و مجازات واقع می‌شوند.

در زمینه‌های تجاری، رفتار مزبور در اکثریت موارد به شکل انواع تقلب، دلال‌بازی در بازار بورس سهام، اختلاس و سوءاستفاده از وجوه، به کارگیری اوزان و مقادیر کمتر از استاندارد قانونی و سوءدرجه‌بندی اجناس ظاهر می‌شود. در امور پزشکی، ساترلند به فروش غیرقانونی دارو، سقط‌جنین خلاف قانون، انواع و اقسام خدمات غیرقانونی و دیگر اشکال سوءرفتارهای حرفه‌ای اشاره نموده است. همچنین بزهکاران زیست‌محیطی که شامل آلوده‌کنندگان محیط‌زیست (ریختن زباله‌های صنعتی در طبیعت) می‌شوند نیز به مجرمین یقه‌سفید تشبیه شده‌اند.

در امور بازرگانی یا مشاغل حرفه‌ای، جرایم یقه‌سفیدها «اصولاً شامل سوءاستفاده از اعتماد و اطمینان صریح یا ضمنی بوده و بسیاری از آنها را می‌توان در دو گروه خلاصه کرد: ۱) اظهار خلاف واقع در مورد میزان دارایی‌ها و ۲) ترویج در کنترل قدرت».

از نظر تئوری نیز، مفهوم جرم خاص یقه‌سفیدها قابل توجه است؛ ساترلند پس از احراز این موضوع که انسان‌های متعلق به محیط و دنیای بازرگانی و تجاری، به ندرت ناسازگارهای اجتماعی و شخصی خاص بزهکاران عادی را از خود نشان می‌دهند، پرسشی را بدین صورت

مطرح کرد: آیا ممکن است بزهکاران یقه سفید را از نظر علت‌شناسی جنایی، یا سایر بزهکاران مقایسه کرد؟ وی خود، با استناد به عناصر اجتماعی - فرهنگی، به این پرسش پاسخ مثبت داد. ساترلند در آموختن رفتار و کردار ضروری برای معاملات بازرگانی و نیز در ویژگی روابط تجاری، فرآیندهایی را یافته است که شبیه به فرآیندهای مربوط به یادگیری رفتار ضلناجتماعی است. از این رو، به نظر ساترلند نظریهٔ معاشرتهای ترجیحی باید اهمیتی عام به خود گیرد.

آنچه که قطعی می‌نماید، این است که نوعی حساسیت در محیط تجاری و بازرگانی نسبت به بعضی از اعمال که جامعه آنها را محکوم می‌کند، وجود دارد بدین معنا که فرد بازرگان، این اعمال را به عنوان اعمال عادی و غیرمجرمانه می‌پندارد. از نظر بالینی، بزهکار یقه سفید از درجهٔ سازگاری اجتماعی بالایی برخوردار است، حال آن که مجرم به عادت به دنبال عدم قابلیتش در انجام یک حرفه معین، یک ناسازگار اجتماعی است. بنابراین مجرم حرفه‌ای آسانتر قابل تشخیص و کشف است و رفتار او نیز مرئی‌تر است. نتیجه این که بزهکار یقه سفید در سلسله مراتب حالت خطرناک در ردیف اول قرار دارد.

کوینی (R. Quinicy) در سال ۱۹۸۰ در کتاب خود، «طبقه، دولت و جرم» گفته است که جرایم یقه سفیدان، وکنشی است که در نظام سرمایه‌داری، در قبال آشکال جدید استثمار نیروی کار ابراز می‌گردد و بخش فزاینده‌ای از مردم در معرض آن قرار می‌گیرند. بعدها ساترلند دامنهٔ شمول اصطلاح مزبور را توسعه داد تا شامل اعمال مجرمانهٔ شرکتها نیز بشود. استدلال وی آن بود که چنین اعمالی از نوع جرایم سازمان یافته بوده و شامل عملیاتی نیز می‌شود که در معنای دقیق کلمه الزاماً مغایر قوانین کیفری نیستند و یا اگر هم باشند، منجر به صدور حکم محکومیت نمی‌شوند. در مورد اخیر، معیار تشخیص آن است که آیا عمل ارتكابی، قابل مجازات هست یا خیر، نه اینکه آیا فردی عملاً به مجازات رسیده است یا نه. مبنای بسیاری از انتقالات که در مورد کار ساترلند در این زمینه به عمل آمده، عدم ثبات و استحكام آن است. یکی از منتقدین گفته است که نوعی «تاهمخوانی آشکار و اساسی» در برخورد با مدیران جامعه و عناصر مسؤول‌تر، به عنوان کسانی که مجرم نیز می‌باشند به چشم می‌خورد.

ر.ک.

Criminal personality; Dangerousness; Differential associations; Gangs criminality; Organized crimes; Sutherland.



Wolfgang (Marvin)

(1924-1998)

ولفگانگ (ماروین)

(۱۹۲۴-۱۹۹۸)

ماروین ولفگانگ، استاد جامعه‌شناسی و حقوق، و مدیر مرکز مطالعات جرم‌شناسی و حقوق کیفری دانشگاه پنسیلوانیا در ایالات متحده آمریکا بود. قلمرو مطالعاتی و تحقیقاتی وی بیشتر درباره «خشونت» است. همکاری ولفگانگ با جرم‌شناس ایتالیایی، فرانکو فراکوتی (Franco Ferracuti) در همین قلمرو منجر به چاپ و انتشار اثر مشترک آنها با عنوان «خرده فرهنگ خشونت؛ به سوی یک نظریهٔ یکپارچه در جرم‌شناسی» در سال ۱۹۶۷ گردید.

پاره‌ای از آثار مستقل ولفگانگ عبارتند از: اندازه‌گیری و ارزیابی بزهکاری، جرم و نژاد، شاخص در جرم‌شناسی، الگوها در قتل.

Criminal sociology; Sellin; Sub-culture.

ر.ک.

\* \* \*

XXY Chromosomes

(les) Chromosomes XYY

کروموزومهای XYY

کروموزوم، ساختمان میل‌های شکلی در هستهٔ هریک از سلول‌های بدن انسان است. تعداد بیست و سه جفت کروموزوم در بدن انسان وجود دارد که همه آنها به استثنای جفت بیست و سوم شبیه یکدیگرند. جفت ۲۳ که تعیین‌کننده جنسیت است در زنان، xx و در مردان xy است. گاهی اوقات به سبب نقصی که در جریان تقسیم کروموزوم بیست و سوم پیش می‌آید یک کروموزوم اضافی x یا y ایجاد می‌شود که ناهنجاری مربوط به یک کروموزوم اضافی y در مردان، نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ توجه پژوهشگران را به خود جلب نمود. برخی از آنان تصویری از ویژگی‌های مردان xyy را که از یک بیمارستان ویژه در اسکاتلند گرفته شده بود ارائه نموده و اعمال مجرمانه آنها را با وجود یک عدد کروموزوم اضافی y در بدنشان مرتبط دانستند. اعتقاد بر این بود که مردهایی که یک کروموزوم y اضافه دارند (نوع xyy) قد بلندتری از سایر مردان دارند و گفته می‌شود که بسیار پرخاشگرند. مطالعات اولیه نشان داده بود که

میزان شیوع ناهنجاری  $xyy$  در میان زندانیان، به ویژه مرتکبین جرائم خشونت‌آمیز، نسبت به جمعیت عادی در سطح بسیار بالاتری است. مطالعاتی که تا به امروز در این خصوص صورت گرفته است در مقایسه با ادعاهای گذشته، تصویر نامطمئن‌تری را درباره ارتباط وجود یک کروموزوم  $y$  اضافی و بروز پرخاشگری ارائه می‌دهد و بر نقش قضاوت‌های ذهنی در تشخیص هویت، تساوی پراکندگی کروموزوم‌های  $xyy$  در افراد عادی و فقدان یک شرح کلینیکی فوق‌العاده متفاوت برای اینگونه مردان در مقایسه با گروه کنترل، تأکید می‌نماید. حتی زمانی که مسائل به طور کلی روشن می‌گردند نیز ناهنجاری کروموزومی، نه‌اینکه ممکن است تنها بر بخش بسیار کوچکی از جمعیت بزهکار، تأثیر بگذارد.

Hereditary and personal backgrounds. ر.ک.

\*\*\*

## کتاب‌شناسی<sup>۱</sup>

### ۱- بزه‌دیدگی‌شناسی

- ۱- آیزن، مهدی، حقوق بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری ایران (با تأکید بر لایحه آیین دادرسی کیفری) و ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۸.
- ۲- آخوندی، حمید، سیاست جنایی سازمان ملل در زمینه حقوق بزه‌دیدگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، سال ۱۳۷۶.
- ۳- آشوری، محمد، نقش زبان‌دیده از جرم در دعاوی کیفری و تحول آن، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۳۴، سال ۱۳۷۴.
- ۴- آشوری، محمد و ابوالقاسم خدای، حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- ۵- اثنف، رنالد، رهیافت جرم‌شناختی و بزه‌دیدگی‌شناختی به تروریسم (تحلیل جرم‌شناسی تروریسم)، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، سال ۱۳۸۸.
- ۶- اسدی، لیلا سادات، حفظ امنیت و هویت بزه‌دیدگان و گواهان در دادرسی‌های بین‌المللی، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۷- اسدی، لیلا سادات، حقوق بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری بین‌المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۶.

۱. برای مطالعه بیشتر درباره مسأله‌های دانشنامه و ویژه‌های جدید رک. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (زیرنظر)، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۲؛ نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (زیرنظر)، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲؛ تیسیر، برنیس و دیگران، دایره‌المعارف بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، ترجمه گروهی از دانشگاهیان، دکتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۲.

- ۸- اشتری، بهناز، قلاجاق زنان (بردگی معاصر)، نشر میزان، چاپ اول، اییز ۱۳۸۵.
- ۹- امیرخانه، فهیمه، زنان بزهدیده در دو نظام کیفری ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۹.
- ۱۰- ایروانیان، امیر، بازآسیب‌دیدگی قربانیان جنسی در بستر پاسخهای اجتماع و نظام عدالت کیفری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۸۹.
- ۱۱- بیگی، جمال، بزهدیدگی اصقل، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۴.
- ۱۲- توجیهی، عداللی، جایگاه بزهدیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تابستان ۱۳۷۷.
- ۱۳- حاجی ده‌آبادی، احمد، مطالعه تطبیقی جبران خسارت بزهدیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
- ۱۴- حاجی ده‌آبادی، احمد، جبران خسارت بزهدیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، پژوهشگاه، فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۱۵- رایجیان اصلی، مهرداد و یوسفی مراغه، مهدی، خدمات‌رسانی به بزهدیدگان بین‌المللی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۸۹.
- ۱۶- رایجیان اصلی، مهرداد، بزهدیده در فرایند کیفری، نشر خط سوم، چاپ اول، سال ۱۳۸۱.
- ۱۷- رایجیان اصلی، مهرداد، بزهدیده‌شناسی (تحولات بزهدیده‌شناسی و علوم جنایی)، جلد اول، ناشر: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۹۰.
- ۱۸- رایجیان اصلی، مهرداد، بزهدیده‌شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۴.
- ۱۹- رایجیان اصلی، مهرداد (مترجم)، بزهدیده‌شناسی، جلد دوم، شناسایی بین‌المللی، حق‌های بزهدیدگان، مؤسسه شهر دانش، ۱۳۹۳.
- ۲۰- رنجبران‌جویه، قاسم، حمایت از زنان بزهدیده در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- ۲۱- رهامی، محسن، جرایم بدون بزهدیده، انتشارات میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۷.
- ۲۲- زینالی، امیرحوزه، و محمدباقر مقدسی، رویکرد تطبیقی به نقش و جایگاه بزهدیده در فرایند کیفری، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۵، ۱۳۹۳.
- ۲۳- سایبانی، علیرضا، حمایت از بزهدیدگان در دادگاه و دیوان کیفری بین‌المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، سال ۸۹-۱۳۸۸.
- ۲۴- سبزواری‌نژاد، حجت، نقش قربانی جرم در تعیین مجازات در قوانین کیفری انگلستان و

ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۹.

۲۵- سماواتی پیروز، امیر ناتوانان بزهدیده در یرتو رهیافتهای جرم‌شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۸.

۲۶- شاهیده، فرهاد، بزهدیده‌شناسی (نقش بزهدیده در ارتکاب جرم و تعیین کیفر)، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.

۲۷- شیری، عباس، رفتار کرامت‌مدار با بزهدیده: اعطای اختیار در مرحله تحقیق و تعقیب، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.

۲۸- صادق‌نژاد نائینی، مجید، انواع حمایت از بزهدیدگان جرم قاچاق انسان در قانون ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

۲۹- صادقی، محمدهادی، نزاحم مصلحت‌گرایی و حقوق بزهدیده در حقوق جزای اسلامی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره نهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۴.

۳۰- صفاری، علی (ترجمه)، تأملی بر بزهدیدگی و انواع آن، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

۳۱- صفاری، علی (ترجمه)، حمایت از بزهدیدگان و نهادهای مردمی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.

۳۲- عبدالفتاح، عزت، از سیاست مبارزه با بزهدیدگی تا سیاست دفاع از بزهدیده، ترجمه علی‌حسین نجفی ایرنبدادی و سوسن خطاطان، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳، ۱۳۷۱.

۳۳- شایان، علی، عدالت برای بزهدیدگان، اداره کل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (ترجمه) شایان، علی، انتشارات سلسبیل، چاپ اول، سال ۱۳۸۴.

۳۴- فلاح، محسن، رفتار عادلانه نسبت به بزهدیده در اسناد چهارگانه دیوان بین‌المللی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۷.

۳۵- کاپتین، هنریک و مارک مالچ نیکل، جرم، بزهدیدگان و عدالت، مترجم: امیر سماواتی پیروز، انتشارات خلیلیان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.

۳۶- کورسوران، ژاکلین و دیگران، جایگاه حمایت از بزهدیدگان خشونت‌های خانوادگی از دیدگاه پلیس انتظامی، ترجمه مرتضی نیازخانی و دیگران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۸۹.

- ۲۷- کی‌نیا، مهدی، بزهدیدشناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی، نشریه حقوق دانشکده علوم قضایی، شماره ۱، سال ۱۳۷۰.
- ۲۸- لیز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، بزهدیده و بزهدیدشناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۹- لسانی، حسام‌الدین، و مرضیه دیرباز، حمایت‌های مادی دیوان بین‌المللی کیفری از بزهدیدگان، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- ۳۰- مرتضوی، نسرین، بزهدیدشناسی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی قم، بهار ۱۳۷۶.
- ۴۱- میرخیلی، سید محمود، بزهدیدشناسی پیشگیرانه یا نگاه به سیاست جنایی اسلام، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۵.
- ۴۲- میرکمالی، علیرضا، جایگاه بزهدیده در قانون آیین دادرسی کیفری آلمان، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- ۳۳- نجفی ابرندآبادی و دیگران، علالت برای بزهدیدگان (میزگرد)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ - ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- ۴۴- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، از جرم‌مداری تا بزهدیده‌مداری، (دیباچه)، در: ژرار لئز و ژینا فیلیزولا، بزهدیدشناسی، ترجمه کرد علیوند و محمدی، انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.
- ۴۵- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، از حقوق کیفری بزهدیده‌مدار تا عدالت ترمیمی، (دیباچه در: رایجیان اصلی، مهر داد، بزهدیده در فرایند کیفری، انتشارات خط سوم، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱).
- ۴۶- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، میانجیگری کیفری: جلوه‌ای از عدالت ترمیمی، (دیباچه در: عباسی، مصطفی، افتحای نوین عدالت ترمیمی (میانجیگری کیفری)، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۲).
- ۴۷- نیازپور، امیرحسین، نقش بزهدیده در چگونگی پاسخ‌دهی به بزهدکاران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، ۱۳۹۱.
- ۴۸- هدایت، هدیه، حمایت افتراقی از کودکان بزهدیده در فرایند کیفری، مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، اسفند ۱۳۹۲.
- ۴۹- بوسفی مراغه، مهدی، خدمات‌رسانی به بزهدیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۸۸.

## ۲- جرم‌شناسی پیشگیری

- ۱- ابراهیمی، شهرام (برگردان)، مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم، انتشارات میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۰.
- ۲- ابراهیمی، شهرام و رجیبی، ابراهیم، پیشگیری در نظریه‌های جرم‌شناسی و گستره محدودیت‌های آن، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۹.
- ۳- ابراهیمی، شهرام، پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، خرداد ۱۳۸۷.
- ۴- ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، انتشارات میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۰.
- ۵- ابراهیمی، شهرام، رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۸.
- ۶- ابراهیمی، شهرام، کنگره‌های پنج سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری: دستاوردها و دورنماها، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳ - ۵۲، سال ۱۳۸۴.
- ۷- اصغری، عبدالرضا، و علی سمرندی وانه، پیشگیری اجتماعی از جرم در قانون برنامه پنجم توسعه، آموزه‌های حقوقی کیفری ۲، شماره ۲، ۱۳۹۱.
- ۸- افراسیابی، علی و زارع مهدوی، قادر، تأثیر مدل‌های سیاسی بر مدل‌های پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۸۸.
- ۹- افراسیابی، علی، از طبقه‌بندی بزه‌کاران تا طبقه‌بندی تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرم، پیشگیری از جرم، ۶، شماره ۲۰، ۱۳۹۰.
- ۱۰- السان، مصطفی، پیشگیری تعاملی از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۶.
- ۱۱- آقابابایی، حسین، و ریحانه موسوی، پیشگیری از بزه‌دینگی زنان از منظر آموزه‌های اسلامی و چالش‌های فرار و، آموزه‌های حقوق کیفری ۲، شماره ۲، ۱۳۹۱.
- ۱۲- آیرانشاهی، حمید، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران، انتشارات جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
- ۱۳- بابایی، محمدعلی، و اسماعیل انصاری، تحلیل اقتصادی پیشگیری از جرم، مطالعات حقوقی، دوره ۶، شماره ۱، ۱۳۹۳.
- ۱۴- بابایی، محمدعلی، و علی نجیبیان، چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم، حقوقی دادگستری، شماره ۷۵، ۱۳۹۰.

- ۱۵- بارانی، محمد، پیشگیری از جرایم جهانی (تعمد بین‌المللی دولتها)، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۹۳.
- ۱۶- بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم (با رویکرد انتظامی - قضایی)، علی‌حسین نجفی ایرندآبادی، عباس شیروی و غلامرضا محمدنسل، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره سوم، سال ۱۳۸۶.
- ۱۷- بیات، بهرام و دیگران، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، انتشارات نیروی انتظامی، معاونت اجتماعی، سال ۱۳۸۷.
- ۱۸- جندلی، منون، درآمدی بر پیشگیری از جرم (تعاریف، تاریخچه، رویکردها و دورنما)، برگردان: شهرام ابراهیمی، تهران، میزان، ۱۳۹۳.
- ۱۹- جوان جعفری، عبدالرضا و سید مهدی سیدزاده ثانی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، تهران، میزان، ۱۳۹۱.
- ۲۰- چایی، آرژنگ، پیشگیری از جرم سازمان یافته بر اساس الگوی محیطی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۹.
- ۲۱- خالقی، سمیرا، سنجش و ارزیابی انواع روشهای پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۰.
- ۲۲- خاتمی‌پور و اجازگاه، سکینه، پیشگیری فنی از جرم، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۹۰.
- ۲۳- ربیعی، علی و هاجر آصف، نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت دولتی، ۴، شماره ۱۰، ۱۳۹۱.
- ۲۴- رجبی‌پور، محمود، پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۱.
- ۲۵- رزم‌ساز، بابک، روش‌های پیشگیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجد، ۱۳۹۲.
- ۲۶- رشادتی، جعفر، پیشگیری از جرم در قرآن کریم، انتشارات پیام راشده، چاپ اول، سال ۱۳۹۰.
- ۲۷- سلاجقه، سعادت، بررسی رویکرد پیشگیری از جرم در قوانین امور گمرکی با تأکید بر قانون جدید امور گمرکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیواز (واحد بین‌المللی)، ۱۳۹۱.
- ۲۸- سوزان جیسون، یل آره ویسون، طراحی محیطی جرم‌ستیز، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط، ترجمه دکتر محسن کلاتری، ابوتر سلاخی، دفتر تحقیقات کاربردی



پلیس پیشگیری ناجا، اسفند ۱۳۸۷.

۲۹- شیرازی، عباس، نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۶.

۳۰- صفاری، علی، انتقادات وارده به پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶ - ۳۵، سال ۱۳۸۱.

۳۱- صفاری، علی، تحولات پیشگیری از جرم و اهمیت آن، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۲، سال ۱۳۸۹.

۳۲- صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴ - ۳۳، سال ۱۳۸۰.

۳۳- صفاری، علی و راضیه صابری، نقد عدم تحدید حق پیشگیری وضعی در پرتو قواعد فقهی و حقوقی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲.

۳۴- صفاری، علی، و راضیه صابری، دفاع مشروع و پیشگیری وضعی، تهران، مجد، ۱۳۹۳.

۳۵- صوفی زمره، محسن، علی جهاندگیرپور، و مهسا شمیم، اهمیت و نقش پلیس در پیشگیری اجتماعی در پرتو موازین بین‌المللی حقوق بشر، مطالعات بین‌المللی پلیس، ۳، شماره ۱۲، ۱۳۹۱.

۳۶- طاهایی‌نژاد، علیرضا، پیشگیری از بزهکاری و اصلاح بزهکار در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۱.

۳۷- عامری سیاهویی، حمیدرضا، نقش معماری در پیشگیری از جرم (ترجمه)، انتشارات مجد، زمستان ۱۳۸۷.

۳۸- علیرزاده، مهدی، نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.

۳۹- غلامی حسین، پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۸۳.

۴۰- فرانس، آلن، و راس هامل، پیشگیری رشدمنار از جرم، برگردان: باقر شاملو و مهدی مقیمی، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.

۴۱- فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۸۹.

۴۲- کابوی، روبیر، مناخلة روانشناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶ - ۳۵، سال ۱۳۸۱.

- ۴۳- گرمی‌پور سيار، عباس، پیشگیری از جرم در موافقت‌نامه‌های همکاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
- ۴۴- کلارک، رونالد وی و اک، جان: جرم‌شناسی پیشگیری (۶۰ رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم)، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقي‌زاده، انتشارات سازمان زرد، چاپ اول، مهر ماه ۱۳۸۸.
- ۴۵- کلکوهن، ایان، طراحی عاری از جرم و ایجاد منطقه‌های امن و پایدار، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و دیگران، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۷.
- ۴۶- متولی‌زاده نایینی، نفیسه، پیشگیری دشمندار (زودرس)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۶.
- ۴۷- مجموعه مقالات همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه (اسفند ۱۳۸۸)، انتشارات میزان، خلد دوم، چاپ دوم، خرداد ۱۳۹۰.
- ۴۸- محمد نسل، غلامرضا، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم (ترجمه مجموعه مقالات)، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، اسفند ۱۳۸۷.
- ۴۹- مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم، ترجمه شهرام ابراهیمی، انتشارات میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۸.
- ۵۰- مد معتمدی، هادی و مستوفی‌فر، فرزانه، قاچاق انسان (چالشها و راهکارهای پیشگیری)، مؤسسه انتشاراتی کمیل، پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک، چاپ اول، بهار ۱۳۸۸.
- ۵۱- پیشگیری از جرم در حقوق کنونی ایران (میزگرد) مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹ - ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
- ۵۲- نجفی ایرندآبادی، علی حسین (زیرنظر)، مجموعه مقالات پیش همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، اسفند ۱۳۸۷.
- ۵۳- نجفی ایرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۶ - ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- ۵۴- نجفی ایرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجدیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- ۵۵- نجفی ایرندآبادی، علی حسین، پیشگیری وضعی از جرم: مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم و تکرار جرم، دیپاچه در: جرم‌شناسی پیشگیری (۶۰ رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم)، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقي‌زاده، انتشارات سازمان زرد، چاپ اول، مهر ماه ۱۳۸۸.
- ۵۶- نجفی توانا، علی، و شهید شاطری‌پور اصفهانی، پیشگیری اجتماعی از جرم در پرتو تحولات ناشی از جهانی شدن فرهنگ، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۴، ۱۳۹۱.

- ۵۷- نیازپور، امیرحسن، اقدام‌های دستگاه‌های دولتی ایران در زمینه پیشگیری از بزهکاری، سال ششم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۵.
- ۵۸- نیازپور، امیرحسن، گفت‌وگو «بیمان حقوق کودک» در زمینه پیشگیری از بزهکاری، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، جلد ۶ شماره ۲، ۱۳۹۱.
- ۵۹- یوسفوند، جواد، و سعید خانی، بررسی راهکارهای پیشگیری وضعی از قاچاق کالا با رویکرد انتظامی، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی ۸، شماره ۳۲، ۱۳۹۲.

### ۳- حقوق کیفری و جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان

- ۱- ابراهیمی ورکینی، فاطمه، حق دادرسی متصفانه کودکان در تعارض با قانون، انتشارات جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
- ۲- اصغری، عبدالرضا، سن مسئولیت کیفری در حقوق جزای اسلامی و حقوق موضوعه، انتشارات انصار (مشهد)، چاپ اول، سال ۱۳۸۷.
- ۳- اکبری، لیلا، بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۰.
- ۴- ابنوچنتی، دایجست، دادرسی ویژه نوجوانان، یونیسف، سال ۱۹۹۸.
- ۵- بارانی، محمد و جزینی، علیرضا، سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض با قانون، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، چاپ و نشر حدیث کوثر (دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا)، چاپ اول، مرداد ۱۳۸۸.
- ۶- باصری، علی‌اکبر، سیاست جنایی قضایی کودکان و نوجوانان (در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی)، انتشارات خرسندی، سال ۱۳۸۷.
- ۷- بُن فیس، فیلیپ، تحولات اخیر حقوق کیفری اطفال فرانسه در پرتو قانون پیشگیری از بزهکاری ۵ مارس ۲۰۰۷، ترجمه شهرام ابراهیمی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۶.
- ۸- بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک (پژوهشی درباره حقوق طفل از دیدگاه اسلام و اعلامیه حقوق کودک)، مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، قم ۱۳۵۳.
- ۹- پاک‌نهاد، امیر، رشد جزایی و جایگاه آن در مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۳.

- ۱۰- پاک‌نهاد، امیر، رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزهکاری اطفال، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال ششم، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۵.
- ۱۱- جناب آصفهائی، زینب، تأثیر خشونت‌های خانگی بر بزهکاری کودکان و نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۷.
- ۱۲- حبیب‌زاده، محمدجعفر و مقدسی، محمدباقر، درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزهدیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی، مجله ناعه مفید، شماره ۵۵، شهریور ۱۳۸۵.
- ۱۳- حسینی دولت‌آبادی، فاطمه، و سجاد سعادت، و رضا قاسمی جوینه، رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان دبیرستانی، پژوهشنامه حقوق کیفری، جلد ۸، شماره ۲، ۱۳۹۲.
- ۱۴- حقوق کودک (مجموعه مقالات)، مرکز کسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات سنا، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۱۵- خدابنده‌لو خان‌کندی، اصغر، بررسی تطبیقی تدرسی اطفال بزهکار در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۸۲-۱۳۸۱.
- ۱۶- خواجه‌نوری، یاسمن، جلوه‌های عدلانه در حقوق کیفری کودکان؛ میزان انطباق لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با پیمان حقوق کودک، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۱۷- خواجه‌نوری، یاسمن، تحولات سیاست جنایی ایران پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک، پایان‌نامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۲.
- ۱۸- خواجه‌نوری، یاسمن، جهانی شدن و حقوق کیفری اطفال بزهکار، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.
- ۱۹- دانش، تاج‌زمان، اطفال و جوانان بزهکار، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۴.
- ۲۰- دانش، تاج‌زمان، تدرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۷۸.
- ۲۱- رضایی، محمد، جرایم علیه اطفال در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۹.
- ۲۲- روشن، محمد، پلیس کودک و نوجوان (نگرشی بر حقوق کودکان و نوجوانان)، انتشارات چکمه، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۹.

- ۲۲- زینالی، امیرحمزه، ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر، انتشارات روزنامه رسمی، سال ۱۳۸۸.
- ۲۴- زینالی، امیرحمزه، جهانی شدن حقوق کیفری در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه‌دیدگی و موانع و مقتضیات حقوق ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۸۸.
- ۲۵- ساکی، بهروز، بررسی تطبیقی سیاست جنایی سازمان ملل متحد و ایران در قبال بزهکاری اطفال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۷۷-۱۳۷۶.
- ۲۶- سید اصفهانی، سید حسام‌الدین، نقش پلیس در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۲۷- سیما موتی، سیلوی، جهت‌گیری‌های اخیر حقوق کیفری صغار فرانسه درباره قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ راجع به پیشگیری از بزهکاری، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۶.
- ۲۸- شاملو، باقر، عنایت کیفری و اطفال، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول، سال ۱۳۹۰.
- ۲۹- صلاحی، جاوید، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات میزان، چاپ پنجم، پاییز ۱۳۸۸.
- ۳۰- عیچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.
- ۳۱- عبادی، شیرین، حقوق کودک (نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران)، انتشارات کانون، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۵.
- ۳۲- عبادی، شیرین، حقوق کودک تطبیقی، انتشارات کانون، چاپ اول، سال ۱۳۷۶.
- ۳۳- فتحی، محبت‌الله، مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی، مجله فقه و حقوق، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۸۸.
- ۳۴- فخاری، عطیه، دادرسی عادلانه اطفال در حقوق بشر بین‌المللی و حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۸.
- ۳۵- قناد، فاطمه، حمایت کیفری از صغار در برابر جرایم جنسی در نظام حقوقی انگلستان و ولز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۷۷-۱۳۷۶.
- ۳۶- کشفی، سید سعید، نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱ (مسلسل ۳۷)، بهار ۱۳۸۷.

- ۲۷- گسن، رمون، هسته‌ی بسیار فعال نوجوانان بزهکار، ترجمه عباس تدین، مجله فقه و حقوق، شماره ۸۴، پاییز ۱۳۸۶.
- ۲۸- گلدوست، رجب و سید اصفهانی، سید حسام‌الدین، مرحله پیش از محاکمه در داترسی ویژه نوجوانان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، سال ۱۳۷۹.
- ۲۹- آله‌وردی، فرهاد، رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی به عدالت کیفری جوانان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۳.
- ۴۰- مدنی، سعید و زینالی، امیر حمزه، آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران، انتشارات میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۰.
- ۴۱- مرعشی، سید محمدحسین، نجفی ایرن‌آبادی، علی حسین، میرمحمد صادقی، حسین، بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال (میزگرد)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، سال ۱۳۸۲.
- ۴۲- معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، نشر دادگستر، چاپ سوم، زمستان ۱۳۸۹.
- ۴۳- معظمی، شهلا، کودکی، مجموعه مقالات همایش حقوق کودک، نشر گرایش، سال ۱۳۸۶.
- ۴۴- مهرا، نسرین، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۹۰.
- ۴۵- میرمحمد صادقی، حسین، طبقه‌بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶- ۲۵، سال ۱۳۷۸.
- ۴۶- نجفی ایرن‌آبادی، علی حسین، از حق‌های کودکان تا حقوق کودکان، (دیباچه) نو، مدنی و زینالی، آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران، انتشارات میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۰.
- ۴۷- نجفی ایرن‌آبادی، علی حسین، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار، (دیباچه) در: حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تألیف مریم عیاجی، انتشارات مجد، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.
- ۴۸- نجفی ایرن‌آبادی، علی حسین، جرم‌شناسی اطفال و حقوق کودک در قوانین فرانسه، (گفتگو)، ماهنامه تعالی حقوق، شماره ۷ و ۸، سال ۱۳۸۶.
- ۴۹- نجفی ایرن‌آبادی، علی حسین، سن و علوم جنایی، (دیباچه) در، رجبی‌پور، محمود، پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشد‌مدر از بزهکاری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، ۱۳۹۱.
- ۵۰- نجفی توانا، علی، سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین‌المللی، مجله مدرس علوم انسانی، شماره پایانی ۴۱، بهار ۱۳۸۴.
- ۵۱- نجفی توانا، علی، تأهجتاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیدگاه جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، ناشر راه تربیت، سال ۱۳۸۲.

- ۵۲- نوایی‌نژاد، شکوه، بررسی علل و عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان ایرانی، مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، سال ۱۳۶۰.
- ۵۳- نیازپور، امیرحسین، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرآیند پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان)، تهران، میزان، ۱۳۹۳.
- ۵۴- نیازخانی، مرتضی و ملک‌زاده، امیر، پلیس کودکان و نوجوانان، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
- ۵۵- ویلیام سی، کوارکیزس، بزهکاری نوجوانان: مسئله‌ای برای دنیای مدرن، ترجمه جعفر نجفی زید، انتشارات یونسکو، سال ۱۳۷۶.
- ۵۶- بکرنگی، محمد، حدود اختیارات پلیس در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۴.

#### ۴- علوم جرم‌یابی (علوم معین عدالت کیفری)

- ۱- بل، سوزان، دانشنامه پلیس علمی، ترجمه مهدی نجابتی و علی شایان، انتشارات سمت، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
- ۲- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، پزشکی قانونی در فقه و حقوق اسلامی، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۳.
- ۳- حکمت، سعید، روان‌پزشکی کیفری، انتشارات ثوبت‌برگ، سال ۱۳۷۰.
- ۴- رپلی رالف و وایت هاوس، دیوید، علوم جنایی مونکولی، ترجمه محمدامیر سعادت نسب، انتشارات کارگاه (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران)، سال ۱۳۸۸.
- ۵- ریچاردان، کاکسبس، نهمرخ جنایی (اصول و کارست)، ترجمه محمدجعفر ساعد، انتشارات خرسندی، سال ۱۳۸۷.
- ۶- سوانسون، چازر، نیل سی جاملین، و لئونارد تری تو، تحقیقات جنایی، برگردان: مهدی نجابتی، رضا پرویزی، و امیر شایان شفیعی‌نیک، تهران: مجد، ۱۳۹۳.
- ۷- صابری، مهدی، نگرشی نو به روان‌پزشکی قانونی: دانش بهره‌وری از مفاهیم روان‌شناختی در حیطه قضایی، ناشر: تیمورزاده، سال ۱۳۸۴.
- ۸- طریقتی، شکرالله، مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و روان‌پزشکی کیفری، ناشر: دهخدا، سال ۱۳۵۵.
- ۹- گودرزی، فرامرز و کیانی، مهرزاد، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، انتشارات سمت، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۶.

- ۱۰- نجابتی، مهدی، پلیس علمی (کشف علمی جرایم)، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۱.
- ۱۱- نجابتی، مهدی، توارث خطوط پوستی و رابطه آن با سایر صفات ارثی، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.

#### ۵- سیاست جنایی - سیاست کیفری

- ۱- ابراهیمی، ابراهیم و جواد ابراهیمی، سیاست جنایی در ترازوی علم و دین، آموزه‌های حقوق کیفری ۲، شماره ۲، ۱۳۹۱.
- ۲- ابراهیمی، شهرام، (مترجم)، تحولات سیاست جنایی دموکراسیهای غربی؛ مطالعه سیاست جنایی فرانسه، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۳- آتفه، رنالد، نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ایرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۴ - ۱۳، پاییز ۱۳۷۲.
- ۴- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، برگردان: علی حسین نجفی ایرندآبادی و محمد آشوری، تهران: گنج‌دانش، چاپ چهارم، سال ۱۳۹۱.
- ۵- ایروانیان، امیر، سیاست‌گذاری جنایی؛ مبانی، اصول راهبردی و مدلها، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۹۰.
- ۶- بابایی، محمدعلی، کنشگری جرم، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۷- پاک‌نهاد، امیر، جرم‌شناسی و آزادی اراده، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۸- پاک‌نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک‌مدار، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۹- یزت، جان، عوام‌گرایی کیفری (بسترها، عوامل و آثار)، برگردان: هانیه هژیرالساداتی، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
- ۱۰- تاگارت، بل، پوپولیسیم، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، انتشارات آشتیان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۵.
- ۱۱- توکنی، کیان‌دخت، پاسخ‌های سیاست جنایی ایران به جرایم قاچاق گمرکی، تهران، خرسندی، ۱۳۹۱.



- ۱۲- جلالی وزنامخواستی، مصطفی، عدالت آماری: سیاست کیفری مبتنی بر برآورد عینی خطر در فرایند کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، سال ۱۳۸۵.
- ۱۳- جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۹۰.
- ۱۴- جوانورد، بهروز، تسامح صفر: سیاست کیفری سختگیرانه در قبال جرایم خرد، انتشارات میزان، سال ۱۳۸۸.
- ۱۵- چلیبی، ارژنگ، بررسی تطبیقی جرم‌انگاری در ایران، چین و سوئد (با تأکید بر جرایم علیه اشخاص و علیه اخلاق عمومی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۳.
- ۱۶- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، مجله فقه و حقوق، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۳.
- ۱۷- حبیب‌زاده، محمدجعفر و کلانتری، کیومرث، تورم کیفری؛ عوامل و پیامدها، مجله منرس علوم انسانی، شماره ۴، دوره ۵، زمستان ۱۳۸۰.
- ۱۸- حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران ۱۳۸۳.
- ۱۹- دادخدایی، لیا، فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن، انتشارات میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۰.
- ۲۰- دلماس - مارتی، میری، از حقوق جزا تا سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، نامه مفید قم، شماره ۱۱، سال ۱۳۷۶.
- ۲۱- دلماس - مارتی، میری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان: علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۲.
- ۲۲- دولاکواستا، خوزه لوئیس، سیاست جنایی اروپا: نمونه‌ای از بین‌المللی شدن حقوق کیفری در سطح منطقه‌ای، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.
- ۲۳- ذاقلی، عباس، فاجعای انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، انتشارات میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹.
- ۲۴- رابرتز، جولیان، وی، لور تا جی اسنالاتز، دیوید ایندرکار، و مایک هاف، عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور، برگردان: زینب باقری‌نژاد، سودابه رضوانی، مهدی کاظمی جویباری، و هانیه هژبرالساداتی، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
- ۲۵- زست، علیرضا، موانع مشارکت مردمی در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۶.

- ۲۶- رضوانی، سودابه، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، تهران، میزان، ۱۳۹۱.
- ۲۷- شاکری گلپایگانی، ضوی، سیاست جنایی اسلامی، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۸۵.
- ۲۸- شمس ناتری، ابراهیم و جاهد، محمدعلی، عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۷، سال پنجم، تابستان ۱۳۸۷.
- ۲۹- شمس ناتری، محمد ابراهیم، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۸۵.
- ۳۰- صادقی، محمدهادی، قضائاتی در حقوق جزای اسلامی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۶ - ۱۵، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- ۳۱- صادقی، محمدهادی، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلامی، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
- ۳۲- طاهری، سمانه، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- ۳۳- غلامی، حسین، اصل حداقلی بودن حقوق جزا، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲، سال ۱۳۹۲.
- ۳۴- غلامی، حسین، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۲۸، سال ۱۳۸۴.
- ۳۵- فارال، استفن، جانانان جکسون، و امیلی گری، نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر، برگردان: حمیدرضا نیکوکار، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
- ۳۶- قیاسی، جلال‌الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵.
- ۳۷- کاشفی اسماعیل‌زاده، جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال ۱۶ - ۱۵، سال ۱۳۸۴.
- ۳۸- کمیته اروپایی مسائل مربوط به جرم، گزارش جرم‌زدایی اروپا، مرکز مطالعات توسعه قضایی قوه قضاییه (واحد ترجمه)، نشر سسبیل، سال ۱۳۸۴.
- ۳۹- کوشا، جعفر، سیاست جنایی ایران در لایحه قانون مجازات اسلامی؛ انطباق با اسناد حقوق بشری و موازین فقهی. تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۴۰- گلراند، دیوید، پاسخهای تطبیق مدرنیسم کیفری، ترجمه محمد فرجیپناه، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.

- ۴۱- حسن، رمون، بحران سیاست‌های جنایی کشورهای غربی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۷.
- ۴۲- گودرزی بروجردی، محمدرضا، سیاست جنایی قضایی، نشر سلسبیل، چاپ دوم، سال ۱۳۸۵.
- ۴۳- لائرز، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، برگردان علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان، ویراست چهارم: پاییز ۱۳۹۲.
- ۴۴- لواسور، ژرژ، سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۲ - ۱۱، سال ۷۲ - ۱۳۷۱.
- ۴۵- محمودی، جواد، قضاوت‌دایی و جرم‌زنجایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۹، سال ششم، بهار ۱۳۸۵.
- ۴۶- مهدوی‌پور، اعظم، افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمرو بزهکاری اقتصادی، نشر میزان، پاییز ۱۳۹۰.
- ۴۷- مهدوی، داود، قلمرو کیفری در حقوق ایران (دانشی عادلانه در رسیدگی‌های غیرقضایی)، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۴۸- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی مواد مخدر، انتشارات روزنامه رسمی، جلد اول، سال ۱۳۷۹.
- ۴۹- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، سال ۱۳۷۶.
- ۵۰- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، سیاست جنایی، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات سلسبیل، جلد دوم، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.
- ۵۱- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، سیاست کیفری عوام‌گرا (تقریرات)، تهیه و تنظیم: زینب باقری‌نژاد، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۹۰ - ۱۳۸۹.
- ۵۲- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، درباره افتراقی‌سازی سیاست جنایی، دیپاچه در: لائرز، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، تهران: نشر میزان، ویراست چهارم: پاییز ۱۳۹۲.
- ۵۳- نوبهار، رحیم و فاطمه، جرم‌انگاری همچون آخرین چاره، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۰.
- ۵۴- نوربها، رضا، سیاست جنایی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۶ - ۲۵، سال ۱۳۷۸.

۵۵. نورزاده، مجتبی، مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و سازمان ملل در مقابله با جرایم اقتصادی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۸.
۵۶. بیازپور، امیرحسین، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، انتشارات میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۲.
۵۷. نیکوکار، حمیدرضا، و بهاره همت‌پور، ترس از جرم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
۵۸. یزدیان جعفری، جعفر، چرایی و چگونگی مجازات، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۵۹. یوزون وو، مین، «درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتز: جرم و مجازات در کره شمالی (با تأکید بر نقش پلیس)»، برگردان: حسین غلامی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۰.

### ع- جرم‌شناسی عمومی

- ۱- قای، سارا؛ تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- ۲- آماده، غلامحسین، ضابطه‌مندی اختیارات قضایی در تعیین مجازات در نظام کیفری ایران، انگلیس و مصر، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۹.
- ۳- آیسنگ، هانس یورگن، جرم و شخصیت، ترجمه حسن پاشا و دیگران، نشر سخن، چاپ اول، سال ۱۳۷۵.
- ۴- استوت، براین، جو بیتس، و برایان ویلیامز، جرم‌شناسی کاربردی، برگردان: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- ۵- بابایی، محمدعلی، و فاطمه‌السادات هاشمی نامنه، پیامدهای جرم‌شناختی هدفمندسازی یارانه‌ها، پژوهشنامه حقوق کیفری، جلد ۷، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- ۶- بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها)، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- ۷- بشریه، تهمورث، حواله کیفری (بررسی کیفر جرم موضوع ماده ۵۱۶ ق.م.ا)، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۹.
- ۸- پاک‌نهاد، امیر، تحلیل حقوقی جرم‌شناختی عزاجمت جنسی: پژوهشنامه حقوق کیفری، جلد ۸، شماره ۲، ۱۳۹۲.

- ۹- پاک‌نهاد، امیر، سنجش و مدیریت ریسک جرم، رسالهٔ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۸.
- ۱۰- پرادل، ژان، به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری، ترجمهٔ محمد مهدی ساقیان، مجلهٔ پژوهش حقوق و سیاست، شمارهٔ ۱۱، تابستان ۱۳۸۲.
- ۱۱- پیکه، جرج، جرم‌شناسی، ترجمهٔ عنی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
- ۱۲- چایی، ارزنگ، تحلیل حقوقی - جرم‌شناختی تجاوز به عنف، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- ۱۳- حکیمی، آزاده؛ اصلاح نظام زندانها و زندان در پرتو تجارب و دیدگاه‌های زندانیان سابق (جرم‌شناسی محکومان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.
- ۱۴- خاضری، برهان، فرایند تکوین جرم، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۰.
- ۱۵- دانش، تاج‌زمن، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست، انتشارات کیهان، چاپ نهم، سال ۱۳۸۱.
- ۱۶- دانش‌ناری، حمیدرضا، رویکردی انتقادی به جرایم زیست‌محیطی فرامرزی، فصلنامهٔ مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۱۵، ۱۳۹۲، ۱۰۷ - ۸۳.
- ۱۷- دلوودی گرمارودی، هما، مکتب نئوکلاسیک نوین و احیای رویکرد سزادهی، فصلنامهٔ حقوق دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران، شمارهٔ ۶۸، تابستان ۱۳۸۴.
- ۱۸- دیکسردی، والتر اس، «جرم‌شناسی انتقادی معاصر»، برگردان: مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش‌ناری، تهران: نشر ناگستر، چاپ نخست: ۱۳۹۲.
- ۱۹- دیکسردی، واند، والتر، «جرم‌شناسی انتقادی معاصر»، برگردان: میر روح‌الله صدیقی، ایلام: انتشارات رامان، چا نخست: ۱۳۹۰.
- ۲۰- راس، جفری ایان، تحولات جرم‌سیاسی، ترجمهٔ حسین غلامی، انتشارات سمت، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۲۱- رحمدل، منصور، آمار جنایی و کارکردهای آن، مجلهٔ حقوقی دادگستری، شمارهٔ ۴۹ - ۴۸، سال ۱۳۸۳.
- ۲۲- رحیمی‌نژاد، اسماعیل، جرم‌شناسی، انتشارات فروزش، چاپ اول، تیریز، سال ۱۳۸۸.
- ۲۳- رستمی تبریزی، لمیاء، و ندا محتشمی، نظریه تعامل‌گرایی و تحلیل انتقادی آن، مطالعات حقوقی ۲، شماره ۵، ۱۳۹۲.
- ۲۴- زهر، هوارده، عدالت ترمیمی، ترجمهٔ حسین غلامی، انتشارات مجد، سال ۱۳۸۳.

۲۵. انستی، سناز، جرم‌شناسان پیشرو، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
۲۶. صلاحی، جعفر، اساس و مبانی جرم‌شناسی، انتشارات جنگل جاودانه، چاپ اول، سال ۱۳۸۷.
۲۷. سلطانفر، علیرضا؛ تورم کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۳.
۲۸. سلیمی، صادقی، جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدرا، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.
۲۹. سیگل، لاری، جی، جرم‌شناسی، ترجمه یاشار سیف‌اللهی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، چاپ اول، سال ۱۳۸۶.
۳۰. سیمسون، سالی، اس. و دیوید ویزبرد، جرم‌شناسی جرایم یقه سفیلان، برگردان: حمیدرضا دانش‌ناری و آزادی صادقی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
۳۱. شیخ‌الاسلامی، عباس، جایگان یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام قضایی کیفری ایران، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸).
۳۲. شیری، عباس، عدالت ترمیمی (مبانی و کنشگران)، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۵.
۳۳. صفاری، علی، درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.
۳۴. صلاحی، جاوید، درآمدی بر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹.
۳۵. عباس، مصطفی، میانجیگری کیفری (افق‌های نوین عدالت ترمیمی)، انتشارات دانشور، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.
۳۶. عبیدی، عباس، مجموعه مقالات جامعه‌شناختی درباره جرم، مجرم و مجازات در ایران، ناشر: علم، سال ۱۳۸۸.
۳۷. غلامی، حسین، ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کیفری؛ تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۵ پاییز و زمستان ۱۳۸۰.
۳۸. غلامی، حسین، بررسی حقوقی و جرم‌شناختی تکرار جرم، انتشارات میزان، چاپ سوم، بهار ۱۳۹۰.
۳۹. غلامی، حسین، تکرار جرم به عنوان حرفه مجرمانه، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۶۲ دی ماه ۱۳۸۲.

- ۴۰- غلامی، حسین، سیاست کیفری سبب توان بزهکاری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵، سال ۱۳۸۸.
- ۴۱- غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، چاپ اول، سال ۱۳۸۵.
- ۴۲- غنی، کیوان، تروریسم هسته‌ای، انتشارات خرسندی، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۴۳- فرح‌اللهی، رضا، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، انتشارات میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۹.
- ۴۴- فرزی، اتریکو، جرم‌شناسی اثبات‌گرا، بوگردان: میر روح‌الله صدیقی، ایلام: انتشارات رامان، ۱۳۸۹.
- ۴۵- کاریو، روبر، درآمدی بر علوم جنایی؛ رویکرد فراگیر به مطالعه پدیده مجرمانه، ترجمه باقر شاملو، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۴۶- کوسون، موریس، اصول جرم‌شناسی، ترجمه روح‌الله صدیقی بطحایی اصل، نشر دادگستر، سال ۱۳۸۵.
- ۴۷- کولن، آلن، مکتب شیکاگو، برگردان: میر روح‌الله صدیقی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
- ۴۸- کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، مهر ماه ۱۳۷۳.
- ۴۹- گرجی‌فر، حمیدرضا؛ جرم‌شناسی سبز و جرایم زیست‌محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط‌زیست، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
- ۵۰- گسن، رمون، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، نشر مترجم، سال ۱۳۷۰.
- ۵۱- گسن، رمون، جرم‌شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، انتشارات مجد، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۷۴.
- ۵۲- گسن، رمون، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۰.
- ۵۳- مارش، یان و دیگران، نظریه‌های جرم، ترجمه حمیدرضا ملکه محمدی، نشر میزان، سال ۱۳۸۹.
- ۵۴- محقق هرجقان، علیرضا، سن مسوونیت کیفری از منظر جرم‌شناسی، تهران: دادگستر، ۱۳۹۰.
- ۵۵- معظمی، شهلا، بررسی جرم‌شناختی جرایم زنان، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تحلیل از اسناد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.
- ۵۶- معظمی، شهلا، جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، نشر دادگستر، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴.

۵۷. مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، نشر گرایش، ۱۳۸۸.
۵۸. مگرایر، مایک و دیگران، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان، ج ۱ (چاپ اول: ۱۳۸۹)، ج ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۳)، ج ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۴).
۵۹. منوچهری نایینی، غزاله، بررسی حقوقی - جرم‌شناختی ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۹.
۶۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (مترجم)، تحولات علوم جنایی و آموزش و تحقیقات جرم‌شناسی در فرانسه، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۲ - ۳۱، سال ۱۳۷۹.
۶۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران، جرایم مانع (جرایم بازدارنده)، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۳.
۶۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و غلامی، حسین، آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال ششم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۵.
۶۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی (دیباجه) در، پیکا، جرج، جرم‌شناسی، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
۶۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی نظری تا جرم‌شناسی کاربردی، نشریه جرم‌شناسی پیشگیری، دادگستری مشهد، شماره ۱، سال ۱۳۹۰.
۶۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از حقوق جنایی تا علوم جنایی، (دیباجه) در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.
۶۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹-۱۰، سال سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
۶۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جهانی شدن بزهکاری، (دیباجه) در: ذاقلی، عباس، قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و استاد بین‌المللی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹.
۶۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره تحولات جرم‌شناسی، (دیباجه) در: دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
۶۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، رویکرد جرم‌شناختی به قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی (سخنرانی)، مجله تعالی حقوق، شماره ۱۴ - ۱۳، سال ۱۳۸۶.
۷۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری، مجموعه مقالات همایش زن و حقوق کیفری، نشر سلسبیل، چاپ اول، سال ۱۳۸۴.



۷۱- نجفی ایرندآبادی، علی‌حسین، کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.

۷۲- نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی، ناشر: آموزش و سنجش، چاپ سوم، سال ۱۳۸۴.

۷۳- نورپناه، رضا، زمینه جرم‌شناسی، انتشارات گنج‌دانش، چاپ سوم، سال ۱۳۸۶.

۷۴- نورپناه، رضا، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۷۷.

۷۵- نوروزی، نادر، جرایم خرد علیه نظم عمومی: راهبردها و راهکارها، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴.

۷۶- نیازپور، امیرحسین، بزهکاری به عادت: از علت‌شناسی تا پیش‌گیری، انتشارات فکرسازان، چاپ اول، سال ۱۳۸۷.

۷۷- نیازپور، امیرحسین، علوم جنایی: مفهوم و گونه‌ها، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۶.

۷۸- نیازپور، امیرحسین، تکالیف جرم‌شناسانه ی دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه ی پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوقی دادگستری، شماره ۸۰، ۱۳۹۱.

۷۹- والک لیت، ساندر، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان، سال ۱۳۸۸.

۸۰- وایت، راب و هینس فیونا، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میر روح‌الله صدیق بطحایی اصل، نشر دادگستر، سال ۱۳۸۲.

۸۱- ویلیامز، فرانک پی، و ماری لین دی مک‌شین، نظریه‌های جرم‌شناسی، برگردان: حمیدرضا ملک محمدی، تهران، انتشارات میزان، چاپ چهارم، سال ۱۳۹۱.

#### ۷- جرم‌شناسی بالینی

۱- ابراهیمی، شهرام، و ایزدی عبدالله، مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی خارج از محیط کیفری ایران و کانادا، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۴، ۱۳۹۲.

۲- ابراهیمی، شهرام؛ بازپروری عادلانه مجرمان، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۱.

۳- بابایی، محمدعلی، بزهکاران پیشینه‌دار: از سرکوبی بزهکاران خطرناک تا مدیریت خطر ارتکاب جرم، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۰.

۴- بابایی، محمدعلی، جرم‌شناسی بالینی، انتشارات میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۰.

- ۵- رهامی، محسن، اقدامات تأمینی و تربیتی، انتشارات میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱.
- ۶- شاملو، باقر، و مهدی گورلی، پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- ۷- عمارتی، محمداکرم، تأدیپ و نگهداری مجانین در حقوق کیفری ایران، انتشارات فکرسازان، چاپ اول.
- ۸- غلامی، حسین، پیش‌بینی جرم، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴، پیاپی ۶ زمستان ۱۳۸۱.
- ۹- قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۷۴.
- ۱۰- مؤنن زادگان، حسن‌علی، پرونده شخصیت متهمان و ضرورت تشکیل آن در مرحله تحقیقات مقدماتی نادرسی کیفری، مجله حقوق و سیاست، شماره ۳۰، سال دوازدهم، پاییز ۱۳۸۹.
- ۱۱- نیازپور، امیرحسین، بازپروری بزهکاران در مقررات ایران، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۵.

#### ۸- کیفرشناسی

- ۱- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، چاپ دوم، سال ۱۳۸۵.
- ۲- ردبینی، محمدعلی، جایگزین‌های زندانهای کوتاه‌مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۲ - ۱۱، سال ۷۲ - ۱۳۷۱.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، کار در زندان و نقش آن در بازپروری زندانیان، فصلنامه حق، دفتر پنجم، فروردین و خرداد ۱۳۶۵.
- ۴- بولک، برنارد، کیفرشناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، ویراست پنجم، سال ۱۳۸۵.
- ۵- پاک‌نهاد، امیر، تحولات نوین زندان از درمانگاه مجرمین تا زبان‌دان اجتماعی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویژه‌نامه شماره ۳، سال ۱۳۸۹.
- ۶- پیناتل، ژن، کیفرهای جانشین و جرم‌شناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، فصلنامه حق، دفتر ششم، تیر و شهریور سال ۱۳۶۵.

- ۷- جلیل‌زاده، مرتضی، خصوصی‌سازی زندان و مطالعه تطبیقی آن در حقوق کیفری ایران و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، تیر ماه ۱۳۹۰.
- ۸- چشم‌اندازی بر حدود و اجرای علنی آن، گفتگو با دکتر سید مصطفی محقق داماد و دکتر سادات حسینی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲، سال اول، زمستان ۱۳۸۰.
- ۹- داشاب، مهریار، سیر تحول جنبش انقاص مجازات اعدام در شورای اروپا، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- ۱۰- دانش، تاج‌زمان، اصول علم زندانها، ناشر: پینا، سال ۱۳۵۴.
- ۱۱- دانش، تاج‌زمان، حقوق زندانیان و علم زندانها، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۷۲.
- ۱۲- داودی گرمارودی، هماء بررسی پویایی و پایایی نئوکلاسیسم بازنلدیشیده، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۸۲.
- ۱۳- رحمتی، منصور، تناسب جرم و مجازات، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۹۲.
- ۱۴- رویه عملی در زندان: کاربرد مقررات بین‌المللی در امور زندانها، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، انتشارات راه تربیت، سال ۱۳۸۱.
- ۱۵- رهاهی، محسن، تحول و تعدیل مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، مجله اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۲.
- ۱۶- زمینی، سید قاسم، موازین بین‌المللی حقوق بشر و بازداشت محکومین مالی در ایران، مجله حقوقی، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- ۱۷- سپهری، محکوم، زندان از دیدگاه اسلام: بررسی مشروعیت، موارد و احکام زندان، سازمان تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۷۳.
- ۱۸- صفاری، علی (ترجمه و تلخیص)، اصول عملی تعیین کیفر در نظام عدالت کیفری انگلستان و ولز، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۱۹- صفاری، علی، انواع زندانها و افراد قابل پذیرش در آنها، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۲، سال هفتم، بهار ۱۳۸۶.
- ۲۰- صفاری، علی، کیفرشناسی و توجه کیفر، علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد دوم، انتشارات سلسبیل، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.

- ۲۱- صفاری، علی، کیفرشناسی: تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی، انتشارات چنگل، چاپ بیست و یکم، سال ۱۳۹۱.
- ۲۲- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، انتشارات میزان، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۹.
- ۲۳- طبسی، نجم‌الدین، حقوق زنانی و موارد زندان در اسلام، ترجمه سید محمدعلی احمدی ایهری و دیگران، انتشارات بوستان کتاب قم، سال ۱۳۸۲.
- ۲۴- عبدی، عباس، آسیب‌شناسی اجتماعی: تأثیر زندان بر زندانی، مؤسسه تحقیقاتی و انتشارات نور، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷.
- ۲۵- کاوآدینو، ام، دیگران، ج، شناخت نظام کیفری، فصل سوم: «توجه یا دلیل آوری برای مجازات»، ترجمه دکتر علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۲، سال ۱۳۸۴.
- ۲۶- کاوآدینو، ام، دیگران، ج، شناخت نظام کیفری، فصل سوم: «توجه یا دلیل آوری برای مجازات»، ترجمه دکتر علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳، سال ۱۳۸۵.
- ۲۷- گارلند، دیوید، مجازات و فناوریهای قدرت: اثر میشل فوکو، ترجمه رحیم نویهار، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۲۸- لاسال، ژان - لیبو، جایگزین‌های سلب آزادی و برآورد توازن‌نامه اجرایی آنها در حقوق فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۲ - ۲۱، سال ۱۳۷۹.
- ۲۹- محمودی جانکی، فیروز، نظام کیفردهی: هدفها و ضرورتها، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۳۰- موریس، نوروال و جیروتمن، داوید، تاریخچه زندان (سرگذشت شیوه‌های اعمال کیفر در جوامع غربی)، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و همکاران، انتشارات میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴.
- ۳۱- میشل، فوکو، مراقبت و تنبیه، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، نشر نی، چاپ اول، سال ۱۳۷۸.
- ۳۲- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین و دیگران، اصلاح ذات‌البین و نظریه عدالت ترمیمی، مجله مدرس علوم انسانی، دوره دوازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۵۸)، پاییز ۱۳۸۷.
- ۳۳- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین و غلامی، حسین، نظریه مجازات‌های استحقاقی و تکرار جرم، مجله مدرس علوم انسانی، دوره سوم، شماره ۴ (پیاپی ۱۳)، زمستان ۱۳۷۸.
- ۳۴- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین، کیفرهای جامعه‌دلر، (دیب‌اچه) در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ویراست پنجم، چاپ ششم، آبان ۱۳۸۵.

- ۳۵- نویهار، رحیم، اصل قضایی بودن مجازاتها (تحلیل فقهی حق بر محاکمه عادلانه)، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
- ۳۶- نویهار، رحیم، اهداف مجازاتها در جرایم جنسی (چشم‌اندازی اسلامی)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹.
- ۳۷- نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین، زندان: نرمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟ (دیباچه)، در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ویراست پنجم، چاپ ششم، آبان ۱۳۸۵.
- ۳۸- اتوالی، احمد احکام السجون، ترجمه محمدحسن بکایی تحت عنوان: احکام زندان در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، پاییز ۱۳۶۴.
- ۳۹- ویلیام، فرانک و دیگران، پذیرش فرهنگ زنان، ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
- ۴۰- حاشمی شاهرودی، سید محمود، حبس از منظر آیت الله هاشمی شاهرودی، ناشر: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، سال ۱۳۸۷.
- ۴۱- همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، مجموعه مقالات، با همکاری انجمن حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۶.
- ۴۲- یزدیان جعفری، جعفر، اصل تناسب جرم و مجازات: چرایی و چگونگی آن، مجله نامه مفید، شماره ۱۴، سال ۱۳۸۷.
- ۴۳- یزدیان جعفری، جعفر، اصل فردی کردن مجازاتها: تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر؟ مجله فقه و حقوق، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۵.
- ۴۴- یزدیان جعفری، جعفر، تأملی بر نظام هزینه - فایده در حقوق کیفری، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۷.

#### ۹- روان‌شناسی جنایی

- ۱- ابراهیمی قوام، صخری (مترجم)، درک روان‌شناسی و جرم، دانشگاه علوم انتظامی ناجا، تهران، ۱۳۸۹.
- ۲- امینی، غلامحسین، اختلالات منش و رابطه آن با جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۵۳.
- ۳- انصاری، مسعود، روان‌شناسی جرایم و انحرافات جنسی، انتشارات اشراقی، سال ۱۳۷۱.
- ۴- اولتمتز، نیل و دایسون، مطالعات موردی در روان‌شناسی نابهنجاری، ترجمه جواد صالحی، انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۲.

- ۵- ایراهمسن، دیوید، روان‌شناسی کیفری، ترجمه پرویز صائمی، انتشارات گنج‌دانش، سال ۱۳۷۱.
- ۶- بول، ری و دیگران، روانشناسی جنایی، ترجمه سروش بهرپر، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناچا، ۱۳۹۰.
- ۷- پوت‌واین، دیوید، و آیدن سامونز، روانشناسی و جرم، برگردان: داوود نجفی توانا، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم، سال ۱۳۹۱.
- ۸- التاویلا، روان‌شناسی قضایی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، جلد اول و دوم، انتشارات مجد، چاپ سوم، سال ۱۳۸۹.
- ۹- حکمت، سعید، روان‌شناسی کیفری، انتشارات گوتنبرگ، سال ۱۳۷۴.
- ۱۰- حیدریان، محمود، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی، انتشارات دهخدا، سال ۱۳۴۶.
- ۱۱- خادمی، علی، رویکردهای نوین در روان‌شناسی رفتارهای جنایی، تهران: علم، ۱۳۸۹.
- ۱۲- ددستان، پریوخ، روان‌شناسی جنایی، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران ۱۳۸۲.
- ۱۳- رستمی تیریزی، لمیاء، روان‌شناسی جنایی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
- ۱۴- ستوده، جنایت‌آله و دیگران، روان‌شناسی جنایی، انتشارات آوای نور، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۴.
- ۱۵- سیاسی، علی‌اکبر، روان‌شناسی جنایی، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، چاپ دوم، ۱۳۴۲.
- ۱۶- صائمی، سوسن و دیگران، روان‌شناسی جنایی، انتشارات مضاف، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۷- کاستلو، تیموتی، کاستنو، جوزف، روان‌شناسی نابهنجاری، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، انتشارات آزادی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۸- کی‌نیا، مهدی، روان‌شناسی جنایی (۲ جلد)، تهران: رشد، ج. ۱ (چاپ ششم: ۱۳۸۸)، ج. ۲ (چاپ دوم: ۱۳۸۹).
- ۱۹- گرت، هانس هاینریش، منش فرد و ساختار اجتماعی (روانشناسی نهادهای اجتماعی)، نشر آگاه، چاپ اول، سال ۱۳۸۰.
- ۲۰- محمدرضا، جهانی و هادی، شیرزاد، روان‌شناسی بزهکاران، تهران: نور دانش، ۱۳۸۷.
- ۲۱- محمدی فرود، حمید، روان‌شناسی جنایی، تهران: سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۳.

#### ۱- جامعه‌شناسی جنایی و جامعه‌شناسی کیفری

- ۱- احمدی، حبیب، جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۴.

- ۳- اخوت، محمدعلی، جلوه‌هایی از رویکرد عرف در نظام کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۲، سال ۱۳۸۹.
- ۴- دورکیم، امیل، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه حسن حبیبی، انتشارات مرکز، چاپ سوم، سال ۱۳۸۷.
- ۴- روسو، ژان اکد، قرارداد اجتماعی، ترجمه عنایت‌الله شکیباپور، بنگاه مطبوعاتی فرخی، تهران، بیتا.
- ۵- سراج‌زاده، سید حسین و گیلانی، شرف، بی‌سازمانی اجتماعی و تریس از جرم (مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ تهران)، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۴، سال ۱۳۸۸.
- ۶- سرروستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی) انتشارات سمت، سال ۱۳۸۶.
- ۷- سلیمی، علی و ناوری، محمد، جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، سال ۱۳۸۰.
- ۸- سبیزاده ثانی، سید مهدی، بازتاب عدالت کیفری در رسانه‌های گروهی: ضوابط و آثار، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تیر ماه ۱۳۹۰.
- ۹- شیخ‌آوندی، داور، جامعه‌شناسی انحراف و مسائل جامعه‌شناسی ایران، نشر قطره، تهران ۱۳۸۴.
- ۱۰- فرجیپناه، محمد، بازتاب رسانه‌های جرم، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۳۲، سال ۱۳۸۵.
- ۱۱- محسنی، مرتضی، پاسخهایی به خشونت، ترجمه گزارش کمیته مأمور مطالعات در امر خشونت و بزهکاری، انتشارات گنج‌دانش، چاپ اول، سال ۱۳۷۸.
- ۱۲- محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، نشر طهوری، سال ۱۳۸۶.
- ۱۳- مظلومان، رضا، جامعه‌شناسی کیفری (جنبی)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، آبان ماه ۱۳۵۳.
- ۱۴- ممتاز، فریده، انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، سال ۱۳۸۵.
- ۱۵- مهاجرین، رضا، تأثیر حاشیه‌نشینی بر میزان بزهکاری در کلان‌شهرها، انتشارات جاودانه، چاپ اول، سال ۱۳۸۷.
- ۱۶- مهاجرین، رضا، غوغاگری ورزشی، راه کارهای کنشی و واکنشی در برخورد با آن، معاونت آموزش ناجا، ۱۳۹۲.
- ۱۷- نجفی ایرندآبادی، علی‌حسین، بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۲، سال ۱۳۷۷.

- ۱۸- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، جامعه‌شناسی جنایی (تقریرات)، تهیه و تنظیم: مهدی صوری‌پور، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۸۴-۱۳۸۳.
- ۱۹- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، جامعه‌شناسی کیفری (تقریرات)، تهیه و تنظیم: بهروز جوانمرد، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۸۹-۱۳۸۸.
- ۲۰- نجفی ابرندآبادی، جامعه‌شناسی کیفری (تقریرات)، تهیه و تنظیم سمیرا گل‌خندان، دوره دکتری پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- ۲۱- آیت، راب و هینز، فیونا، جرم و جرم‌شناسی (نظریه‌های جرم و کجروی)، ترجمه علی سلیمی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، زمستان ۱۳۸۶.
- ۲۲- وند، جرج و دیگران، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، چاپ هفتم، سال ۱۳۹۳.
- ۲۳- هامپتن، جین، نظریه تعلیم اخلاقی مجازات، ترجمه حمید محبوبی، مجله فقه و حقوق، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۴.
- ۲۴- یان، مارش، جامعه‌شناسی مجازات، ترجمه محمدعلی کریمی، مجله دانش انتظامی، شماره ۷، سال ۱۳۸۴.

#### ۱۱- فلسفه کیفری، تاریخ حقوق کیفری و تاریخ تحولات کیفری

- ۱- احمدی نئوشن، بهزاد، فرآیند تاریخی تدوین و تصویب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و تحولات بعدی این قانون (۱۳۴۶ - ۱۳۰۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۹.
- ۲- امیدی، جلیل، تاریخ حقوق، نشر احسان، سال ۱۳۸۳.
- ۳- امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دائرةالمعارف‌شناسی ایران، سال ۱۳۸۲.
- ۴- یادامچی، حسین (به کوشش)، تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان، آغاز قانونگذاری، انتشارات طرح نو، چاپ نخست، سال ۱۳۸۲.
- ۵- یادامچی، حسین، مسأله تکامل حقوق کیفری، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۶- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، انتشارات میزان، چاپ ششم، سال ۱۳۸۹.



- ۷- بیات، خلیل‌الله، سبر پیدایش، تحول و تلویح حقوق شهروندی در دوره مشروطیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، مرداد ماه ۱۳۸۶.
- ۸- تبیت، مارک، فلسفه حقوق، ترجمه حسن رضایی خاوری، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.
- ۹- حسینی، محمدحسن، فلسفه مجازات اشخاص حقوقی برهکار: فایده‌گرایی - سزاگرایی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ضمیمه شماره ۵۶ (یادنامه شادروان دکتر رضا نورپنا)، زمستان ۱۳۹۰.
- ۱۰- جوان جعفری، عبدالرضا، و سیدمحمدجواد ساداتی، سزاگرایی در فلسفه کیفر، پژوهشنامه حقوق کیفری، جلد ۵، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- ۱۱- جوان جعفری، عبدالرضا، و محمدجواد ساداتی، از سزاگرایی کلاسیک تا سزاگرایی نوین - ارزیابی اندیشه سزاگرایی -، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- ۱۲- نامغانی، محمدتقی، صد سال پیش از این، مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران، انتشارات شبگیر، چاپ نخست، اردیبهشت ۱۳۶۲.
- ۱۳- دانش، یوسف، توسعه و پیشرفت قانون: تفسیری بر قوانین حقوقی و ممکنا کارنا، برگردان حیدرقلی عمرانی، نشر: ذهن‌اویز، سال ۱۳۸۲.
- ۱۴- دل و کیو، رژی، فلسفه حقوق، ترجمه علی واحدی، انتشارات میزان، سال ۱۳۸۰.
- ۱۵- رستمی، هادی، کیفر در نظریه لیبرالیسم، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.
- ۱۶- راوندی، مرتضی، سیر قانون و دادگستری در ایران، نشر چشمه، سال ۱۳۶۸.
- ۱۷- روت، میچل، تاریخ عدالت کیفری، ترجمه ساناز التسی، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵.
- ۱۸- رولان، توبر، انتقام‌جویی و تحول آن از دیدگاه انسان‌شناسی حقوقی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲، سال ۱۳۸۱.
- ۱۹- زرنگ، محمد، تحول نظام قضایی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دو جلد، سال ۱۳۸۱.
- ۲۰- زانی، ژانوس، عدالت کیفری در ایران دوره ساسانیان، ترجمه رحیم فروغی‌نیک، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۲۱- ساکت، محمدحسین، داترسی بر حقوق اسلامی (سرشت و سرگذشت نهاد دادرسی و سازمانهای وابسته از آغاز تا سده سیزدهم هجری)، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.

- ۲۳- سلیمانی، حسین، عدالت کیفری در آیین یهود، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، سال ۱۳۸۴.
- ۲۴- صدیقی توحید خانه مبارکه، محمد، مبانی و تحولات نظریهٔ استحقاق در فلسفهٔ کیفر و مطالعه تطبیقی در حقوق اسلامی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ معارف و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، سال ۱۳۸۶.
- ۲۴- عالی‌پور، حسن، بزه و نسبی‌نگری، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
- ۲۵- فرح‌بخش، مجتبی، جرم‌نگاری فایده‌گرایانه (جستاری در فلسفه حقوق کیفری)، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- ۲۶- فلور، ویلم، نظام قضایی عصر صفوی، ترجمهٔ حسن زندیه، انتشارات حوزه و دانشگاه، قم، سال ۱۳۸۱.
- ۲۷- کاتوزیان، امیرناصر، فلسفهٔ حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ مجدد، تهران، سال ۱۳۷۷.
- ۲۸- کرمی، محمداقرا، مقدمه‌ای بر فضا کیفری ایران باستان، انتشارات خط سوم، چاپ نخست، سال ۱۳۸۰.
- ۲۹- گودرزی بروجردی، محمدرضا، تاریخ تحولات زندان، انتشارات میزان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۶.
- ۳۰- ماتیتر، رنه، تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمهٔ محمدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجله، چاپ نخست، دی ماه ۱۳۸۲.
- ۳۱- محمودی جانکی، فیروز، حمایت کیفری از اخلاق، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.
- ۳۲- مرادی حسن‌آباد، محسن، و فیروز محمودی جانکی، بررسی تأثیر افکار عمومی بر ابقای مجازات اعدام در غرب، پژوهشنامه حقوق کیفری، جلد ۴ شماره ۲، ۱۳۹۱.
- ۳۳- موراوتز، توماس، فلسفهٔ حقوق (مبانی و کارکردها)، ترجمهٔ بهروز جندقی، چاپ اول، سال ۱۳۸۷.
- ۳۴- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین و بادامچی، حسین (بزرگنران)، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین باستان، انتشارات سمت، چاپ اول، سال ۱۳۸۳.
- ۳۵- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، قوانین هیتی‌ها: جلوه‌ای از تمدن حقوقی خاور باستان، [دییاجه] در: هافنر، هنری، قوانین هیتی‌ها (قانون نامه‌ای از آسیای صغیر)، ترجمهٔ فرناز کبری رومی، انتشارات حقوقی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.
- ۳۶- نویهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، انتشارات جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۸۷.

۲۷. نوربها، رضا: حقوق جزایی و عدالت کیفری، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.
۲۸. والی‌ناده، یزدان، نادرسان محلی در بافت تاریخ، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۸.
۳۹. وکس، ریموند، فلسفه حقوق، ترجمه باقر انصاری و مسلم آقایی طوق، انتشارات جاودانه، چنگل، چاپ اول، سال ۱۳۸۹.
۴۰. هافنر، هری، قوانین هیتی‌ها، ترجمه فرناز اکبری روسنی، انتشارات پژمان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.
۴۱. یکرنگی، محمد، توجیه کیفرگذاری از منظر فلسفه سیاسی با نظر به سیاست کیفری ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۹۰.

#### ۱۳- جرم‌شناسی سایبری

۱. ابوذری، مهرنوش، جرم‌شناسی جرایم سایبری، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۱.
۲. اقبالی، علی، مجتبی عزیز، و مجتبی زماثیان، نقش برنامه‌ی درسی و آموزشی در پیشگیری از جرائم مجازی رایانه‌ای براساس SWOT، از دیدگاه معلمان شهرستان نهاوند، مطالعات پیشگیری از جرم، دوره ۸، شماره ۳۰، ۱۳۹۳، ۹۵ - ۷۹.
۳. بهره‌مند، حمید، محمدکوره‌پز، حسین و سلیمی، احسان، «راهبردهای وضعی پیشگیری از جرایم سایبری»، فصل‌نامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۷، ۱۳۹۳.
۴. پاکزاد، بتول، تروریسم سایبری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۸.
۵. جلالی فراهانی، امیرحسین، پیشگیری وضعی از جرایم سایبر در پرنو موازین حقوق بشر، مجله فقه و حقوق، سال دوم، شماره ششم، پاییز ۱۳۸۴.
۶. زررخ، احسان، جرم‌شناسی فضای مجازی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مؤسسه غیرانتفاعی شهید اشراقی اصفهانی، ۱۳۸۹.
۷. کی‌باز، دوچی، استفانیا و چپایی، سیلیویو، ترسیم شخصیت هکرها: کاربرد علم ترسیم شخصیت جنایی در دنیای هکرها، رایانه‌ای، برگردان: مهدی جاوید، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا، چاپ نخست، ۱۳۹۳.

- ۸- محمد کوره‌پز، حسین، نیمرخ جنایی بزهکاران سایبری، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، ۱۳۹۳.
- ۹- منفرد، محبوبه و جلالی فراهانی، امیرحسین، کدهای رفتاری و پیشگیری از بزهکاری، فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۲، ۱۳۹۱.
- ۱۰- منفرد، محبوبه، بررسی جرم‌شناختی بزهکاری رایانه‌ای، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۹۱.
- ۱۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی، دیپاچه در: جرم‌شناسی، نوشته ژرژ پیکا، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره بزهکاری و جرم‌شناسی سایبری (گفتگو)، مجله‌ی تعالی حقوق، سال چهارم، شماره‌ی ۳۶، شهریور ۱۳۸۸.
- ۱۳- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره بزهکاری و جرم‌شناسی سایبری (گفتگو)، مجله تعالی حقوق، شماره ۳۶، سال ۱۳۸۸.
- ۱۴- ویلیامز، ماتیو، بزهکاری مجازی: بزه، انحراف و مقررات‌گذاری برخط، برگردان: امیرحسین جلالی فراهانی و محبوبه منفرد، تهران: میزان، چاپ نخست، ۱۳۹۱.

### ۱۳- بزه‌دیده‌شناسی سایبری

- ۱- پیتارو، میشل، مزاحمت سایبری: گونه‌شناسی، علت‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، برگردان: لمیاء رستمی تبریزی، سودابه رضوانی و مرضیه‌السادات آقا میرسلیم، در: دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، چاپ نخست، ۱۳۹۲.
- ۲- جلالی، امیرحسین و منفرد، محبوبه، حمایت قانونی از بزه‌دیدگان سایبری، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۱۷۳، ۱۳۹۲.
- ۳- دریندی فراهانی، الهام، رویکرد بزه‌دیده‌شناسی به جرایم سایبری، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، ۱۳۹۲.
- ۴- زورخ، احسان، بزه‌دیده‌شناسی سایبری، فصلنامه مجلس و راهبرد شماره ۶۴، ۱۳۸۹.
- ۵- سلیمی، احسان، بزه‌دیدی زنان در فضای سایبر، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، ۱۳۹۳.
- ۶- هالدر، دباراتی و چیشانکار، کی، جرم رایانه‌ای و بزه‌دیدی زنان: قانون‌ها، حقوق‌ها و مقرره‌ها، برگردان: مهرداد رایجیان اصلی، حسین محمد کوره‌پز و احسان سلیمی، تهران: مجله چاپ نخست، ۱۳۹۳.

#### ۱۴- جرم‌شناسی جرایم اقتصادی

- ۱- ابراهیمی، حسین، جرم‌شناسی اقتصادی، ضرورت روز جامعه، مقالات برتر همایش نقش مبارزه با جرایم اقتصادی در جهاد اقتصادی (۱۸ دی ماه ۱۳۹۱)، نشر کارآگاه (پلیس آگاهی ناجا)، چاپ اول، سال ۱۳۹۱.
- ۲- ابراهیمی، شهرام، تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۵، ۱۳۹۳.
- ۳- ابراهیمی، شهرام، رویکرد پیشگیرانه قانون ارتقاء سلامت اداری، پژوهش‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۳، در دست انتشار.
- ۴- اعظمی مقدم، مجید، مفهوم‌شناسی جرم اقتصادی، مقالات برتر همایش نقش مبارزه با جرایم اقتصادی در جهاد اقتصادی (۱۸ دی ماه ۱۳۹۱)، نشر کارآگاه (پلیس آگاهی ناجا)، چاپ اول، سال ۱۳۹۱.
- ۵- باقری، فرشاد، اصل شفافیت در حقوق کیفری اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، شهریور ۱۳۹۱.
- ۶- باقری، مهتاب، جایگاه اصل شفافیت در سازمان جهانی تجارت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تجارت بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۹۱.
- ۷- توسلی‌زاده، توران، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل (جاودانه)، چاپ اول، سال ۱۳۹۲.
- ۸- جعفری، امین، حکمرانی و مدیریت شرکت و ورود به تجدد در حقوق کیفری مالی - تجاری، دائرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، زیر نظر دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب دوم، انتشارات میزان، چاپ نخست، بهار ۱۳۹۲.
- ۹- جلالی‌فراهانی، امیرحسین، آمار پژوهی در جرایم اقتصادی: از نیازسنجی تا اعتبارسنجی، مقالات برتر همایش نقش مبارزه با جرایم اقتصادی در جهاد اقتصادی (۱۸ دی ماه ۱۳۹۱)، نشر کارآگاه (پلیس آگاهی ناجا)، چاپ اول، سال ۱۳۹۱.
- ۱۰- زینیقی، بهناز، نقش اخلاق حرفه‌ای در کاهش موارد اعمال حقوق کیفری اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مرداد ۱۳۹۰.
- ۱۱- خدائیان چگنی، ذبیح‌الله، تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تابستان ۱۳۹۱.

# LEXICON OF CRIMINOLOGY

ENGLISH-FRENCH-PERSIAN

LEXIQUE DE CRIMINOLOGIE

(Anglais-Français-Persan)

A.H.NADJAFLA

H.HASHEMBEYKI





